

توپچیان آذربایجانی و سایر طوائف که بجهت ساجلو
سوغات حاضر شده بودند هزار و هفتاد و شش نفر
در رکاب سایون سان دیده و موجب داده شد
و پانصد و سی نفر از توپچیان متوقف سابق و مأمور ولایات
مالک محروسه را مقرر نمودند در حاجات و در سر
خدمت محوله باشند و در پنجشنبه هفتم توپچیان مؤثر
گلاز و آنه سوغات شدند

فوج مخبران شقایق ابوالجمعی عالیجاه قاسمخان سرب
قرباغی که از جمله افواج قدیمی و با استعداد دولت قوی
شوکت اند در روز دوشنبه چهارم این ماه وارد شدند
و در حسنی که موکب سایون از باغ لاله زار تشریف
شهر بود بمیان فوج مزبور تشریف برده کمال محبت
در باره صاحب مضربان و آحاد فوج مزبور فرمودند و
مقرر شد که در خارج دروازه شمیران پشت باغ کنار
چادر زده توقف نمایند

درین هفته اعلیحضرت پادشاهی بمیان افواج قاهره تشریف
بردند و افواج شیلیک تفنگ کردند و کجکی خوب شوق نمودند
و در شیلیک کلا پاکیزه شیلیک کردند بخصوص شیلیک
ثانی که فوج بهادران و فوج جدید طهران بسیار پاکیزه
بی عیب شیلیک نمودند و مورد التفاتهای سرکار اقدس
شهرباری گردیدند

فوج شانزدهم شقایق که از آذربایجان احضار برکات
سبارک شده بودند در روز سه شنبه دوازدهم وارد
دارالخلافه شده و در همان روز در میدان در ب خانی
حاضر شده و فوج مزبور بنظر جناب جلالتاب صدر اعظم

رسیده و بجهت اینکه در عرض راه جنسلی با نظام آمده بودند
از آنها اظهار رضامندی نمودند و بعد از آن حضرت اقدس
بهین شامشاهی در میدان ارک بمیان فوج مزبور تشریف
آوردند و شامشاهی مشق کت آنها نمودند

فوج بهادران که مدتی بود حاضر رکاب حضرت انساب
شده بودند در روز شنبه نهم سان دیده شد هزار و
هفتاد نفر حاضری فوج مزبور بود که در حضور لشکر و سان
سان دیده شد

سایر ولایات

کرمان از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود
پانصد نفر سرباز و توپچی که در قلع سرباز ساخلو بودند
از بدی آب و هوای آن صفحات ناخوش شده اند
نواب شاهزاده موئید الدوله طلاس میرزا حکم آن
از برای مر یک از صاحب مضربان آنها خلعت فرستاد
و طبیبی روانه کرده بودند که رفقه آنها را بد او و معاجز نماید
که بعد از بهبودی بکرمان بیایند و عوض آنها دسته دیگر
روانه شوند

عربستان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند در ماه ربیع
مقارن غروب آفتاب هوا تیره گردیده و وقت غلظت شام
رعد و برق در بلده و زفول اتفاق افتاد که یکسختین طوفان
باد داشت بعد از آن بنای باریدن مگر که گذاشته و چنان
سیلی در کوههای دزفول روان شد که اکثر گاو و الاغ که در
از صحرا می آوردند سیل پیش کرده بعضی را برده تلف کرد و بعضی
آمدند و اکثر خانههای شهر را بر رعد و برق و سیل خراب کرده

آذربایجان

از فرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته شده بود ^{مقرب} و مقرب
 وزیر نظام بعد از رسیدن حکم تمام کسر افواج فوراً احکام
 هایون را بصاحب منصبان ابلاغ کرده التزام گرفته بود
 که کسر افواج را بزودی گرفته با تمام برسانند و تا بحال
 اغلب کسر افواج گرفته شده است
 دیگر در روزنامه آذربایجان نوشته بودند که ^{قزاق} چندی
 یک لنگ مال فرنگ از کاروانسرای حاجی حسین در تبریز
 سرقت شده بود این روز در سلاسل مال مزبور
 پیدا کرده اند و نواب شازده حشمت الدوله حمزه میرزا ^{خشار}
 مملکت آذربایجان حکم نوشته و محصل فرستاده اند
 که سارقین را با اموال گرفته بیاورد تا از آنها تنبیه کامل
 بعمل آورده و اموال را بصاحبش رد نمایند

قزوین

از فرار یک در روزنامه قزوین نوشته شده بود ^{مقرب} و مقرب
 خسرو خان دالی حاکم قزوین این اوقات بنا دارد که خانه
 خیابان را که جلو خان عمارت دیوانی قزوین است با آجر
 فرش کرده و وسط خیابان راهم سطح نموده حوض آبی هم
 از قدیم در محاذی در ب عمارت واقع بوده است مجدداً
 ساخته شود چند روزی است که اقدام باین کار نموده است
 و هم چنین در صد و اجبای قنات محله خیابان که آب آن
 از عمارت مبارک میگذرد برآمده و تنخواهی معنی داده است
 که در اینجا کار نماید

اعلیحضرت پادشاهی که بسته شد باز هم تمام بود
 این اوقات مقرب سخاخان مشارالیه بجهت تمام کار است
 تعمیر و ساختن قلعه و دور شهر و عمارات شاهی تنخواهی
 اللهوریدی خان قزوینی نموده که این کار را با تمام برسانند
 در سنگهای اوزان قزوین از فرار یک نوشته بودند خلافت
 بوده است این اوقات مقرب سخاخان مشارالیه سنگها
 جمیع اصناف را داده از این ساخته اند و در ضرابخانه مهر
 کرده اند که بعد از این کسی نتواند از عیار سنگ داد و ستد
 کم کرده تعقیب نماید

از فرار یک نوشته اند در باب اموالی که سرقت بشود ^{مقرب} و مقرب
 خسرو خان دالی بر این است که از خود بصاحب مال کارساز
 نماید و بعد از دزد پیداکند و بگیرد از جمله دکان شخصی علاقه بند را
 دو ساعت از شب رفته بریده بوده اند نیز مقرب سخاخان
 رفته تنخواهی گفته است حاضر کرده اند و بان شخص تکلیف کرده است که
 آنچه از دکانت برده اند این تنخواه بردار آن شخص هم پنجمان بردار
 و بعد از دور سارق بدست آمده و مال را از او مطالبه کرده اند
 و پنجمین در سه فرسخی شهر قزوین هفت رس کلا و از حاجی میر
 عبدالباقی خان ایلات اطراف شهر سرقت نموده بوده اند قتیبه
 آنها را مقرب سخاخان مشارالیه از خود داده و بعد از سه روز کا و ما را
 در ما بخاک برده بودند آورده سرداده اند و دزدان را گفته است حکماً
 میخوام و نمیکندم

نوشته بودند که در ماه حجب بقدر بیت دقیقه لایفعل مکرر ^{مقرب} و مقرب
 در قزوین باریده است که نامه روزی بین باقی بوده است این مکرر
 فی جمله ضربیاعات و اشجار مسمومه رسیده است حتی نوشته بودند که
 در بلوک قافران از مدینه مکرر بعضی از کوفته غیره نیز تلف شده

احوال متفرقه

در روزنامه اصمیر نوشته اند که چا پار دو بان از اسلا
 سلایک می آمده است در راه دزدان بسر او بخت
 اورا با سورو و می که همسرش بوده است کشته اند و کاغذ
 و پول که داشته اند برده اند اما درین روزنامه یکی از
 اهل یونان ساکن جزیره سقر گرفتند که اسباب
 چا پار برزور در نزد او پیدا شد و چند نفر دیگر نیز که از
 اهل یونان و از همین دسته دزدان بودند در یونان
 گرفته اند و امید دارند که این دزدان را که دسته
 بزرگ اند درین روزها چا کران دولت همه دستگیر
 درین روزنامه نوشته اند که در شیر پای تخت
 یونان انعامش غریب اتفاق افتاده شبی موافق فایده
 آن نمب با چراغ و شعل و علم و بیدق و اسباب تمام
 اکثر است و اعیان ولایت و وزرای پادشاه با
 نفع جمعیت کشش با کلا می رفتند یکبار در میان این جمعیت
 خوف افتاده و خود بخود بروی هدیگر بختند شمع و یک
 و بیدق و سایر اسباب را ازین ریخته و پایمال کردند
 و زرا و زرها و صاحب مضمان همه مغشوش شده
 و بروی هم افتاده که بختند و متفرق شدند و یکی را
 انولایت از ترس رفته خودش را در میان تنور نهان
 کرده بود و تا چند ساعت کل اهل شهر خوف تمام برداشته بودند
 صبح که شد درین گذارش تحقیق کردند معلوم شد که شخصی از روبروی
 قراولان میگذشته است خواسته است که برین فرنگی بجهت کشیدن
 چون روشن نماید قراولان فرغ شده و سبیلی باورده بود و جنگ

سیان این دو نفر شد اهل شهر حمایت این شخص و قراولها و اهل
 نظام بجهت قراول مسئول جنگ و تیراغ شدند اما کسی کشته
 نشده بود بلکه غیر از چند نفر سرشکسته زخم برد بگرد میان
 خود از صدای این جنگ جزئی مردم ترسیده و با بنطو پریم
 بودند
 در روزنامه اسلامبول نوشته اند که بزرگ کرمهای بیکار
 اسلامبول درین روزها دسته دزدان را که مشهور بخانه بریدن
 و سایر اعمال سرقت و غیره بوده اند دستگیر کرده است و اینها
 بجهت نفر بوده اند همه را در اسلامبول محکوم کرده اند
 ایضا در همان روزنامه نوشته اند که در شب پانزدهم جمادی الاخر
 نزدیک بوقت صبح میان عمارت موسی پاشا که سابقا وزیر
 محاسبات بود و حالا حاکم انقراست آتش افتاد و این عمارت
 در محله با عچه تا پوسی وقت چونکه دو عمارت باغ بود و
 اتصال سخنانی دیگرند شب سجای دیگر آتش سیرت کرد اما
 آن عمارت که یکی از بهترین عمارت اسلامبول بود کلا سوخت و بعد
 از چند ساعت دیگر غیر از خاکستر آثاری دیگر از او نماند
 در روزنامه جرده ایحادث اسلامبول نوشته اند صیادان از
 ماهی بزرگ که بجهت فروش کار میکنند میرند از جمله چهار سال قبل ازین
 از این اشخاص کشتی نشسته بشکار ماهی بفرستد بودند چون در سه سال
 از آنها خبری نیامده معلوم شده بود که مرده اند یا زنده
 زنده ای آنها از زنده بودن آنها باورس شده شوهرهای دیگر
 خود اختیار کرده و اموال شوهرهای اول را بقانون ارث تقسیم نمودند
 چهار سال معلوم شده است که کشتی آنها در فلج قلوب باغ غرق شده است
 اما خدشان بسلامت درآمده اند

۴۰۳

مخو شود دیگر آنکه چون رویش میسناناست شکل بهتر بنظر می آید

در روزنامه پاریس نوشته اند که شخصی در ولایت لوزان که وصی لویی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه است که اموال متروکه او را جمع کرده بفروشد در حسابش نوشته اند که انقدر از چینی اعلا که در عمارت لوی فیلیپ که نوی میسنان در ایام افشاش آن ولایت شکسته شده است که طلا چینی های شکسته بکار خانه میورده هزار و شصت و شش

چهار فرانک و نیم که تخمینا یک هزار و شصت و شش با جاقلی بود ایران باشد فروخته شده است کارخانه چینی میسنان سور که در پاریس است مشهور است که بهترین چینی های فرانکستان در آنجا ساخته میشود و در جاهای دیگر مانند آنجا نمی توانند بسازند

درین روزها در لندن آتش سنجانه افتاده است که اندک بطور غریب بوده است در آن خانه مرغی داشته اند که زان میسنانند این زانچگی از کبریت های فرنگی بنقار گرفته و بزین میسنان است کبریت آتش گرفته و بهر دمای لطیف سرت گرفته نصف خانه را سوزانده بود

در شهرهای سنت بطرز بویغ و کوپن باکن و چند شهر دیگر در کنار دریای بالتیک های که از دریا میگیرند زنده در میان کشتی نگاه میدارند تا بفروش برود با بطور که میان کشتیها جانی ساخته اند مانند حوض و آب از دریا با نخا داخل می شود مای که با نور از دریا میگیرند میان این حوض می اندازند و درها بخامباند قتی که مشتری می آید که مای سجد مای فروش هر مای که مشتری بخاوه

اولینکی دنیای شمالی در شاشن کشتیهای تیز و کمال مهارت را بهم رسانده اند و حال از اهل انگلیس بیشتر و بهتر میازند و کشتیها یکد آنجا بجهت نزد در رود خانهها ولایت خودشان می سازند در هر ساعتی بخرنخ و نیم را میرود چونکه معلوم است که تجار و قشیکه مال بولایت خارج میفرستند در میان کشتیهای تیز و دو سخم یکد از آنکه هم زودتر بمقصد برسد و هم تشویش عرق شدن کمر داشته باشد

حال بعضی از تجار کشتی سازهای ولایت انگلیس روشن دانستند که اگر مثل این یکی دنیا نتوانند کشتیها را اینطور بسازند قدری از تجارت ولایتها و اردوستان بیرون رود

شخصی در ولایت انگلیس اسبابی ساخته است بجهت زان آجر و سوفال پوشش بام و تنبوشه و درین روزها امتحان کرده سه نفر عمده در کار چرخ او مشغول شده اند و در یک ساعت و چهار

انبرزه اند و چرخ دیگر که بجهت سخن سوفال و غیره درست کرده اند در یک ساعت هزار عدد تنبوشه بان زدند و بعد از آن از نرتم سوفال و غیره بان چرخ زدند و قیمت این چرخ که تنبوشه و سوفال و غیره بان ساخته شده است هفتاد تومان است و کان دارند که جنبی بکار برده میسنان

در روزنامه های گذشته تفصیل گرفت شکل اشخاص غیره و در تحت فقره نوشته شد درین روزنامهها نوشته اند که شخصی درینکی دنیای شمالی یک چیزی دیگر درین آ

عکس برداشتن اشکال اختراع کرده است که روی صفحه از آنکه عکس برداشت مانند بنا کاری میشود و چندین تاید دارد یکی اینکه نمی گذارد که این شکل صنایع بشود یا زود

عکس برداشتن اشکال اختراع کرده است که روی صفحه از آنکه عکس برداشت مانند بنا کاری میشود و چندین تاید دارد یکی اینکه نمی گذارد که این شکل صنایع بشود یا زود

عکس برداشتن اشکال اختراع کرده است که روی صفحه از آنکه عکس برداشت مانند بنا کاری میشود و چندین تاید دارد یکی اینکه نمی گذارد که این شکل صنایع بشود یا زود

عکس برداشتن اشکال اختراع کرده است که روی صفحه از آنکه عکس برداشت مانند بنا کاری میشود و چندین تاید دارد یکی اینکه نمی گذارد که این شکل صنایع بشود یا زود

عکس برداشتن اشکال اختراع کرده است که روی صفحه از آنکه عکس برداشت مانند بنا کاری میشود و چندین تاید دارد یکی اینکه نمی گذارد که این شکل صنایع بشود یا زود

از آب با تور کوچک که بجهت همین کار در آنجا گذاشته است
ببرون می آورد و این اختراع را کرده اند بجهت اینکه ماهی
همیشه تازه باشد

درین چند سال آخر جزیری بولایت انگلیس بجهت قوت
آورده اند که بسیار منفعت بزراعت کاران می کنند

جزایر بحر محیط غیر از مرغابی سیوانی دیگر یافت نمی شود
و چون که سالهای فراوان است که این مرغابها در آنجا
درست کرده و بچه در آورده اند خاک آن جزایر کلازیل
مرغابیت این خاک را از آنجا بکشتی گذاشته و بولایت
انگلیس آورده اند و از بک زود دارد و بزین قوت
زراعت کاران انگلیس از قرار حروری چهار تومان تا
هفت تومان میخورد تا چند سال این تجارت بود بعد از آن

در جزایری که دست رس بود تمام شد و نقد رسیدی

که بولایت انگلیس بیاورند و منفعت بکنند درین روزها نوشته
که اهل یک کشتی انگلیس که بست بحر محیط معتدل بجهت کما
ماهی بزرگ رفته بود میان دریا جزیره پیدا کرد که تا بحال
کسی با آنجا نرفته بود چون که این کشتی ماهی گیری بود و نوشته
بود که زیل مرغابی آنجا را بار نماید در روی دریا درجه عرض
و طول آن جزیره را نسبت بکوه ارض شخص کرده و نوشته
بود که دو باره پیدا کردنش انگالی نداشته باشد و
بولایت انگلیس مراجعت کرد و بختار که صاحبان کشتی بود
اعلام کرد و بختار کشتی دیگر روانه کردند و یکس با آن جزیره رفت
و قدری این زیل مرغابی بار کرده بولایت انگلیس آورد و
چهار تومان قیمت کردند حال چند کشتی دیگر ازین یکی دنیا
انگلیس با آنجا فرستاده اند که زیل مرغابی از آنجا بار کرده

چون که سابقا کشتی دیگر با آنجا نرفته بود و جای غیر معمور بود
و اول کسی که با آنجا رفته است انگلیس بوده که سید قی بر روی
جزیره مزبور گذاشته است که با این جزیره مال دولت است

باشد اما غیر از آنکه از آنجا زیل مرغابی بیاورد و حاصلی دیگر
ندارد

در یکی از راههای آبن و لایت انگلیس کالکهای جزایر
که نمیه بار داشت راه میرفت آتش از چرخ بخار آن کالک
بیان نمیه افتاده و آتش گرفت و همه نمیه شعله در گردیده بود
وقتی که بمنزل رسیدند بولایت بجهت پاشیدن آب که
آتش را خاموش کند آوردند و آب پاشیده آتش را
خاموش کردند اما بسیاری از نمیه سوخته و تلف شدند

در یکی از روزنامه های آذربای تحت یونان نوشته بود

که شخصی بکوشش سبکی دنیا از مذبح پارتیستد عیسوی و
در آنجا موافق مذبح خودش درس میداد و مرعوط میکرد
دولت یونان اول این شخص را گرفته در آنجا حبس انداختند
و بعد از آن از آنجا بیرون کردند از آنرا که میگفتند که
اهل یونان که آنها نیز عیسوی اند از مذبح دیگر سحرهای این
کوشش از مذبح خود بیرون می دهند و داخل مذبح می
میشوند درین خصوص دو روزنامه نوشته اند که بیرون کردن
این شخص ناحق بود چون که بسیاری از مذبح کتولیک هستند
و ایم الادقات کارشان این است که مردم را داخل مذبح
خودشان که کتولیک است میکنند و کسی تعرض احوال
آنها نمی شود و در نسبت که در خصوص بیرون کردن این شخص
گفتگونی ما بین دولت سبکی دنیای شمالی با دولت یونان میشود

بجهت عباس شاه که آن مملکت مصر مرکز و ج چهل چهره
 در ولایت انگلیس ساخته اند که بلندی آن سه ذرع است
 و بسیار بطرح خوب و متماز ساخته اند و قتی که بمصر آورند
 پاشای مزبور بسیار پسندید و از آنجا بدین طایفه فرستاد
 که در روضه منبر که جناب خاتم انبیا صلی الله علیه و آله
 آن کشتی تا آخر کشتی خودش بیرون نیاید و خودش
 در بعضی شهرهای فنکستان نمونه نباتات کل روی زمین
 که پیشان می افتد در عمارتی معین نگاه میدارند در شهر ری
 است این قسم نباتات می فروشد و چهل جلد کتاب
 که در میان او راق کتاب این نباتات را خشک کرده و
 نگاه داشته اند در هر کتاب صد قسم با صد و بیست
 گیاه است و هر جلدی قیمت علاحده دارد اما همه را بیفت نزار
 تو مان میخوانند بفرود شدند و این نباتات را هم تهیه طلب
 و سبب با خان و اشخاص دیگر که بکارشان میخورد نگاه میدارند
 و هم تهیه کشف علم نباتات

کشتی بسنگ خورد و سگت باز آنها که در میان نشستند بودند
 نظام خود را بر هم نزنند اول زن و بچه سبزه و صاحب سبزه
 که در آنجا بودند در میان زورق گذاشته سلامت بیرون
 فرستادند بعد از آن آنچه توانستند از دیگران در میان زورقها
 گذاشتند اما بعضی زورقها شکست و وارونه شدند خود سبک
 آن کشتی تا آخر کشتی خودش بیرون نیاید و خودش
 او جهایش دیگر از سلامت روانه کردند و خودشان
 در آنجا ماندند تا مسرکه کشتی غرق شدند کشتی مزبور را
 از چو دن ساخته بودند و این قسم کشتیها بعد از آنکه
 بسنگ یا یک سبزه دو سگت نشود زودتر از کشتی
 چوبی فرو میرود و غرق میشود

اعلانات

بعضی از اشخاص که ازین روزنامه دارند سفر میکنند
 یا ما موری شوند یا منزل عوض مینمایند چون بیان
 روزنامه اعلان می کنند روزنامه با آنها درست نمیرسد
 و سبب کلامندی آنها از با شترین روزنامه می شود
 لهذا با شترین روزنامه اعلان می کنند که هر کس
 که روزنامه دارد اگر بجائی سفر کند یا منزل عوض نماید
 یا مأمور دولتی شود میباید با شترین روزنامه اعلان
 نماید و بنویسد تا در هر کجا که باشد روزنامه بدون محظرت
 برسد

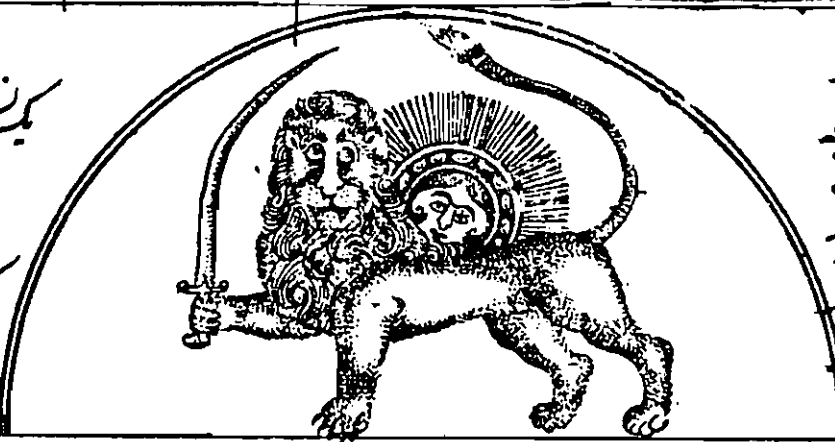
در روزنامه که درین نفعه با شترین روزنامه رسید نوشته است
 که پاشای مصر غیر از مسربازی که بر او این فرستاده است
 که آن راه را باز دست نزار فله نیز در آنجا بر او انداخته است
 درین روز کشتی بخار که اندولایت انگلیس قشون بیانش کرده است
 و بمملکت رسل میفرستد به بودند قتی که نزدیک آندولایت
 رسیده بود ناگاه بسنگ نیز افتاد خورد و سگت و در
 فاصله بیت دقیقه فرو رفت ششصد و سی و شش نفر در آن
 کشتی بودند از اینها صد و ششاد و شست نفر سلامت بیرون
 آمدند و چهار صد و پنجاه نفر در آنجا غرق شده اند بعد از آنکه

قیمت کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالمجید چاپ شده در روز
 کتاب شاننامه چهار تومان و نیم
 کتاب کشکول هفت هزار دینار
 کتاب کلیات شش هزار دینار

قیمت کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالمجید چاپ شده در روز
 کتاب شاننامه چهار تومان و نیم
 کتاب کشکول هفت هزار دینار
 کتاب کلیات شش هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه بیست و یکم ماه شعبان المعظم سنه ۱۲۸۴

قیمت روزنامه
یک ششماهی چهار تومان
قیمت اعلانات
یک خط چهار خط کتبی
بیشتر بر هر خط



مژده مفتاد و یکم
هر کس در طهران طالب نسخه
ازین روزنامه باشد
باز در جدید در دو کاه
بوده و در خدمت میجو

اجنباز داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه چهارم این ماه موکب مسایون علیحضرت
پادشاهی بجهت تفریح و تماشای شیران تشریف فرما
شدند و چون قریه در نزد شیران جانی خوش آب و هوا
و بازنه و صفا و متعلق بمقرب اسخاقان کشیکچی باشی
حب الاستدعای مقرب اسخاقان شارالیه موکب
هایون با امنای دولت علیه و چاکران دربار سینه
بضیافت تشریف بردند و انواع تکلف از اطعمه
اشربه و لوازم شکر کذاری و دو تنخواهی بعل آمده مطبوع
خاطر اعلیحضرت پادشاهی و مقرب اسخاقان شارالیه
سور و نوازشات لایقهای گردید و شب آن روز را که
پانزدهم شعبان و از یالی تبرک اسلام است اعلیحضرت
پادشاهی در قصر قاجار توقف فرمودند و بقانون معمول
ایران اسباب آتش بازی در حضور مبارک آتش دادند
حالیجا باقرخان سرهنگ قورخانه مبارک که از قدیمی
خدمتگذاران این دولت عمیده در هر فن علم قورخانه سرآمد
امثال و افزان خود است در ساختن اسباب آتش بازی

اهتمام نموده و خوب ساخته بود بطوری که پسند خاطرهایون
گردید و آن شب را در قصر قاجار توقف فرمودند و فردا نیز
تا عصر تفریح و تماشای آن اطراف مشغول بودند و نزد یک
بغروب آفتاب از انجام مراجعت فرموده بهمارت ارک سیلطان
تشریف آوردند
هستم در روز پنجشنبه مزبور اعلیحضرت پادشاهی محض
ظهور مرحمت ملوکانه در باره نواب محسن میرزا یک نوب
جبهه ترمه لاکه بر رسم خلعت بافتار نواب معزی البیه
مرحمت و عنایت فرمودند
چون سواره اوقات منظور نظر اولسبای دولت قاهره
این است که هر یک از حکام و مباحثین ولایات محروسه
ایران که در خدمات دیوان بخوبی و درستستی از عهد برآیند
که رسم سنال دیوان بدون عیب و نقص بخیطه وصول رسد
هستم رعیت مورد رعایت کرده و او را مورد اعطاف حضرت
سازند و بر عهت و احترامش بنمایند بنا بر این نوابان
عهدی بقی میرزا حاکم سابق مازندران که این روزها با دیوان
عظام حساب سال خود را پرداخت بطریق که مورد تحسیر

همه بستوفیان و امنای دیوان قضایان گردیده مورد
اشفاق سرکاره سدس شهریاری شدند برای استحضار
همه حکام و مباشین ولایات مجرد است اینمراست منظور آمد
که هر کس از عمده خدمت دیوان خوب بر آید و در محاسبات
نداشته باشد با یاد اش اعطاف و اشفاق خرد و انی خواهد
و هر کس اغفال نماید مستوجب سخط و مواخذة خواهد
بود
در روزنامه های سابق در باب ساخته شدن کارخانه بلور
در دارالخلافه طهران نوشته شده بود که روز بروز ترقی و
تفاوت در عمل آن حاصل میشود درین بنفقه از اسباب
بلور کارخانه مزبور از قبیل لاله و مزونکی و تنگ و غلمان
و غیره ساخته بودند عالیجاه حاجی میرزا جبار ناظم الهام
مجنور علیحضرت پادشاهی برده و بنظر امنای دولت
علیه رساند تمام اسبابها منتهای صفا و استیانت
از کارهای پیش داشت امنای دولت علیه و همه حضار
مجلس از اعیان و اشراف تصدیق کردند که لاله و مزونکی
و غلمان این کارخانه بسیار ترقی کرده است اگر ازین
اسبابها و ذریعهم برساند دیگر احتیاج با آوردن
از ولایت خارج نخواهد شد حسب الامر اولیای دولت علیه
مقرر شد است که کارخانه جدید و کورهای متعدده جنبه بلور
ساخته شود و امید است که بعد از اتمام کارخانه مزبور ازین
قبیل اسباب خوب بسیار ساخته شود و روز بروز
عمل بلور سازی درین ولایت ترقی نماید و بدرجه کمال برسد
که از هر قسم اسباب بلور از تراشش و قالبی نیز ساخته شود
و چون ازین اسباب بلور که بجزوهایون برده بودند

نظر آه کس علیحضرت شاهنشاهی پسندیده و مستحسن افتاد
در باب راه انداختن اسباب قالبی و تراشش نیز
فرمایش نمودند که بروی هر آنچه ما محتاج و لازم کارخانه
بلور سازیست انجام میدهند و درنت نمایند
درین اوقات مشدی حسن نام صندوق ساز
تبریزی یکزوج صندوق آهنی خزان ساخته بود که بون
رو خردار میشد و کثادت و بستن آن محتاج مهارت
و تعلیم است و صنایع غریب در آن نموده است که جمیع
کسانی که از تجار و اهل خبره هستند بجز در کارخانه
در فرنگستان در جاهای دیگر مانند این صندوقها
ساخته شده است که بسیار ضرورت پیدا میکند
در آن بکار برده است و آنها را بتوسط عالیجاه مقرب
مهدیخان صاحب جمع دجوه خارج از نظرهایون علیحضرت
پادشاهی گذرانده بسیار مطبوع و مستحسن افتاد و از
سرکارهایون سیصد تومان نقد و یکطاقه شال ترمه
برسم انعام و خلعت در حق او مرحمت و عنایت گردید
و تفصیل بعضی صنایع غریبه نیز باو فرمایش شد که
در تبریز بزودی انجام داده بیاورد و چون بسیار صنعت
غریب نموده بود و تا حال در ایران ساخته نشده بود
لازم آمد که در روزنامه نوشته شود که باعث تشویق
کاران در وقت این صنایع بسیار صنایع غریبه باشد
که روز بروز بسیار زود
امورات قشونی
در کتاب
فوج مخبران شقایق که از آذربایجان احضار رکاب نصرت
هایون شده بودند و بترتیب عالیجاه فاسم خان

۲

سرتیب بدر بارهائون حاضر شدند در روز یکشنبه
هفدهم این ماه سان فوج مزبور دیده شده هزار
دو سیت نفر حاضری آنها شد و بجهت ساخلوی فاج
عوض افواج مقرب انخاقان فضل الله خان میر خجسته
شدند

فوج هفتم و هشتم افشار را بواجب جمعی عالیجا عسکر خان
سرتیب در روز سه شنبه از آذربایجان حاضر گردیدند
شدند و در میدان ارک در آن روز حاضر شدند
فی الحقیقه جمیع افواجی که از آذربایجان مقرب انخاقان
وزیر نظام روانه کرده اند کلاً با تدارک و نظم حضور
سبارک مشرف شده و در آن روز بنظر اعلیحضرت
پادشاهی رسیدند و کمال رحمت در باره آنها
مبذول فرمودند و هر یک از افواج که حاضر گردیدند
انعام بانها مرحمت شد و جناب جلالت آتاب
صدر اعظم اول این افواج را دیده و اظهار محبت و جفا
سپار سرتیب و سایر صاحب منصبان آنها نمودند
و بعد هم در خاکبای اقدس هائون بمیان افواج اند

سواره هفتم ابوالجمع عالیجا میرزا ابراهیم خان
که احضار رکاب شده بودند در روز دوشنبه حاضر
شدند و در روز سه شنبه که اعلیحضرت پادشاهی
بجهت تیراندازی توپ تشریف فرمای خارج دروازه
دولت شده بودند سواره مزبور بفرس هائون رسیده
و کمال رحمت در باره آنها فرمودند فی الحقیقه بنصرت
سوار ار استه برکاب حضرت اغساب آورده که چنین

سواری باین خوبی و پاکبندی دیده شد جنبه ای
و با تدارک بودند و ما مورسا خلوی خراسان میباشند
اعلیحضرت هائون پادشاهی بجهت تیراندازی توپ
سجارج دروازه دولت تشریف فرما شدند و جناب
جلالت آتاب صدر اعظم نیز ملتمس رکاب هائون بودند
تیراندازی فرمودند و توپچیان در زدن نشان خوب بودند
و انعام بانها مرحمت شد و متعلقین در رسد و الفنون
نیز که اندک زمانی است در نزد عالیجا بموسو کوشش
معلم علم توپخانه اشتغال دارند تیراندازی کردند و چند
تیر هم نشان زدند و انعام علیحد هم بانها مرحمت شد

سربازان فوج خرقان را که احضار برکاب سبارک فرموده بودند
بجهت مأموریت و ساخلوی یزد در روز سه شنبه سان
دیده شد سیصد و هفتاد و دو نفر حاضری آنها بود این روز
موجب آنها داده خواهد شد که بحال مأموریت رفته و فوج بندی
عوض آنها را محبت نمایند

فوج شانزدهم شقاقی که برهنگی عالیجا حضرت ابدخان
وارد رکاب هائون شده بودند در روز چهارشنبه هفتم
سان آنها دیده شد و حسب الامر بجهت ساخلوی حراسان
مأمور میباشند

سایر ولایات
آذربایجان از فرار که در روزنامه آذربایجان نوشته بودند
عالیجا قنبر علیخان که در دیوانخانه تبریز مأمور رسیدگی میکرد بعد از رسیدن
مجدد از امنای دولت علیه هر روز در دیوانخانه در شب عمارت با مردم رسیدگی می نمود

۴۰۹

اخبار دول خارج

احوال متفرقه

انگلیس تاریخ روزنامه آخر که ازین ولایت رسیده
 چهارم جمادی الآخر بود و نوشته بودند که حاکم شهر لندن
 که لارده مارمبنا مندرج القاعده که دارد در اصل بسیار
 معانی عظیم سکین کرده بود و لارده درین وزیر اعظم
 پادشاه انگلیس و بعضی وزرای دیگر در آن معانی بودند
 و ایچیان دولت مینکی دنیای شمالی و مملکت سیوند
 و مملکت عثمانیه و آلمان و بسیاری از خواهرین انگلیس
 اعیان لندن در آنجا بودند و همه را سید و پناه
 نفوذ در آن معانی تعداد کرده بودند و در خصوص امورات
 خودشان لارده درین باین سوال گفت که کرده بود که
 چون پادشاه حکم کرده است که در کل از هر شهر و
 قصبه انگلیس معین شوند و قسماً آنها صاحب احکام در شهر
 نشاند معلوم می شود که انظر مملکت رانی که ما می کنیم
 موافق رای خلق و صلاح ولایت است بانه و ما هم کمال
 کوشش سعی را خواهیم کرد که این شغل عمده را که پادشاه
 با محول کرده است بطور خوب بریم

در شهر پاریس شخصی میخواست بکشتی هوایی که بلون
 سوار شود و او عایش این بود که چیزی اختراع کرده است
 که جلوسکتی در اختیار آنها که در او نوشته اند باشد
 در وقت پر کردن بلون از بخار باد زیاد شده بود
 و اسبابی که عنان کشتی بود نتوانسته بودند بکشتی
 بلون حرکت زیاد کرد و آن ریسمانا که مانند دام کبری
 بجهت نگاه داشتن بلون بسته اند قدری پاره شده بود
 و بدینکه بستن این اسباب که جلوسکتی در آن است
 ممکن نیست چهار نفر در بلون نشسته و موافق سابق بالا
 رفتند خلق خیال کردند که اینها با ایشان فریب میدهند
 میخواستند اسباب عنان کشتی بزور و سایر چیزها را
 که در آنجا بود بشکنند اما کسیکچیان که آنجا بودند نگذاشتند

فرانس

پرنس لوئی ناپلیان رئیس این مملکت بنا بر بعضی
 اقوام خود پول بدهد که اوضاعی که موافق شان آنها باشد
 داشته باشند از جمله چهار صد هزار تومان پول ایران
 پادشاه در دوم و دولت هزار تومان پیشش مورت
 و صد هزار تومان پیشش که داده امید بدو چونکه این تخوا
 همه یکبار با آنها میدهند تا آبی که این تخوا با نهادند
 انتفاعش را نیز با آنها خواهند داد

شخصی درینکی دنیای شمالی تفکیک بطرح تازه اختراع کرده است
 اگرچه اکثر این تفکها که اختراع میکنند بکار میخورند و لکن چونکه
 راه امتحان و باعث ترقی صنعت کارانست در روزنامه
 نوشتن نبرات تفنگ را بطوری ساخته است که میت و پنج
 کلوا از آن می اندازند بدون اینکه دوباره پرنماند میت و پنج
 کلوا با بار و بط کلوا ترکیب کلوا در وقت تفنگ است
 یک کلوا که انداخته شد یکی دیگر با بار و چاشنی بجای
 او قرار میگیرد و شخصی که این را اختراع کرده است در یک
 دقیقه بیست و پنج تیر انداخته است و در پنج دقیقه صد میت و پنج
 تیر خوب می اندازد بعضی از صاحب مفضلان سکی دنیا این تفنگ را
 در یازده و بنا دارند که امتحان بکنند که آیا بصرف قشون می آید یا نه

۴۱۱

در یکی از راههای آهن که بجهت تردد کال که بخار در ولایت
 انگلیس ساخته اند یک چرخ بخار که سایر کالسکهها بآبسته
 میشود و یکش نزدیک بشهر یارک رود روی منزل نکاهد آ
 بودند و شخصی که کارش راندن این چرخ بخار بود قدری چرخ را
 حرکت داد که براه دیگر رسیدند از دو بعد از آن خودشان این
 آمد درین بین بخار زد و راه را در این چرخ بخار بدون اینکه
 کسی در رویش ایستاده باشد روانه شد یک ربع
 فرسخ که رفت عابتهای دیگر در راه بودند که سیکه در رو
 آنها ایستاده بودند دیدند که این چرخ بخار مانند تیرگی
 که از مکان بجهت آن سرعت می آید خودشان از راه کنار
 انداختند اما عابتهای در راه ماند و نتوانستند بکنار بکشند
 و این چرخ بخار بجز بهای دیگر خورده و همه را شکستند و
 خورده گردانید و بقدرده هزار تومان ضرر بجا جان چرخها

بخار رسید

بعضی از اهل فرانسه که داخل شورستان بودند و بعد از آن
 که ریخت و اخراج بلد شده اند درین روز نام اجت
 کرده اند ازین فراریها بعضی نسبت بدیوان خودشان
 بودند و اذن از لوی اپلیان میخواهند که مراجعت نمایند
 و بعضی از شویش آنکه اگر در آنجا باشند شاید با آنها بگذرد
 که ریخته و بملکت بلژو ولایت انگلیس رفتند
 در باب گفتگوی ما بین دولت فرانسه و دولت سوئیس
 در خصوص فراریها از اهل فرانسه که در ملکت سوئیس
 شسته اند دولت سوئیس آنچه از دستشان بر آید بابت
 سعی و کوشش کرده اند که فراریهای فرانسه را که در ولایت
 هستند با آرامی نگاه بدارند که افساد و اغتشاشی نسبت بولایت

خودشان میکنند و بچاه نفر از نعت دین مزبور را اخراج
 بلد کرده اند از اینها پست نفر از اهل فرانسه و سی نفر از اهل
 فرانسه بودند و باز هم از آنها که تقصیرشان ثابت میشود
 بناد استند که از خاک سوئیس بیرون نمایند اما در
 ولایت سوئیس قاعده دارند که هر کس که با آنجا پناه بیاورد
 او را نگاهداری نمیکنند و در سر این قاعده خودشان
 ایستادگی سخت کرده اند و در گفتگویی که ما بین دولت سوئیس
 و دولت فرانسه اعلام کرده اند که دولت فرانسه حق
 از آن ندارد که بقاعده و قانون داخله ملکت سوئیس داخل
 نماید درین گفتگو دولت فرانسه و دولت استریه
 هر دو متفق القول اند زیرا که ازین هر دو ملکت فراری در

ملکت سوئیس است

در یکی از روزنامههای فرانسه که در جزیره العرب چاپ
 میزنند و اسم او اجبار است باین طریق نوشته اند
 که عربهای سرحد مرکش که مراگو نیز مینامند از سرحد فرانس
 گذشته بودند و تاخت و غارت در آنجا کرده بودند
 چند نفر از رعایای آنجا را کشته و کله کاو و کوسفند آنها را
 غارت کرده و برده بودند جمیع آنجا در زیر حکم یک صاحب
 فرانسه جمع شده و با اعراب مزبور جنگ کرده و رفع
 حمله آنها را نموده بودند بعد از تحقیق معلوم شد که این
 عربها اگر چه ساکن ملکت سلطان عبدالرحمن بودند اما
 اطاعت باو هم نمیکردند و حمله طایفه مزبور در حلی سلطان
 عبدالرحمن داشت حال گفتگویی ما بین دولت فرانسه
 و سلطان عبدالرحمن است که در آن ولایت نظم درست
 بگذارند

در مملکت استرلیا نوشته اند که از یک مردم از هر طرف
 آن مملکت با آنجا که تازه طلا پیدا شده است رفته اند که
 طلا پرون بیاورند از برای در وقت جمع کردن حاصل
 کم مانده بودند اما چونکه از ولایات خارج باز مردم داخل
 آن ولایت شده اند طوری کرده اند که حاصل صنایع
 نشود و حاصلشان خوب آمده است چونکه این ولایت
 درست جنوب خط استوا واقع است اول میزان
 که اول پاییز باشد در آنجا اول بهار است و وقت
 درویشان در اول جدی است که اول زمستان این
 ولایت و اول تابستان آنهاست

یک صاحب منصب فرانسه قوطی که در میان آن پول
 داشته در اطاقش بوده دیده است که هر روز پول
 از قوطی او کم میشود طباشیر پر کرده و بطوری در میان قوطی
 گذاشته بود که هر کس که آن قوطی را باز نماید طباشیر رو باد
 خالی بشود روز دیگر صدای طباشیر بلند شد مردم بان
 اطاق رفتند و دیدند که نوکر همان صاحب منصب پیش
 قوطی که بار کرده بوده بزین افتاده است و طباشیر خالی
 شده و یکدانه از آن پولها در دستش است بعد معلوم شد
 که طباشیر با دست نخورده و خشمس هم نگرفته است اما از دست
 خالی شدن طباشیر فهمید که قوطی باز شده بود بزین
 افتاده و عیش کرده بود گرفت و مجبوس نمودند

در خصوص پرون فرستادن مقصرین دولت فرانسه
 در یکی از روزنامه های آن ولایت نوشته اند که پرون
 فرستادن مقصرین نیز بوزنم صلاح دولت است
 و هم صلاح مقصرین زیرا که اخراجات دولت در پرون
 کردن آنها کمتر میشود و مقصرین نیز وقتی که در فرانسه مجبوس
 باشند مشغول فعلی میشوند اما باز انقدر که فعلی می کنند
 اخراجات خودشان را در نمی آورند و دولت پول زیاد
 در سر آنها خرج میکند و در هر دولت تمبیه مقصرین از
 راه این است که تمبیه شده و از اعمال بد دست بکشند
 اما می بینند که اینها را که در ولایت فرانسه مجبوس میکنند
 بعد از آنکه مدت جتشان تمام شده و از مجتس خلاص
 شدند از اول بدتر می شوند و باز مشغول سرعت و اعمال
 بد میکردند و بسیار کم اتفاق می افتد که کسیکه تعصیر
 کرده و تا مدتی مجبوس شده است ازین تمبیه فایده حال
 او کرده و از عمل بد دست کشیده باشد

در روزنامه وینس پای تخت استرلیا نوشته اند که چند
 وقت پیش این در روزنامه انگلیس که کرده اند که نسبت
 بسیار حاکم انگلیس در آن ولایت بد رفتاری نموده و آنها را
 اذیت کرده اند این حرفها بی اصل است و نسبت بی باج
 و ابل انگلیس که در آن ولایت ترزد و دارند با تو قهر نمایند
 با سایر اهل دول خارجه که در آن ولایت بودند هیچ فرقی
 گذاشته نشده است

ایضا در همین روزنامه ها نوشته اند که در ایام توقف
 برای اعلیحضرت امپراطور روس در وینس پای تخت
 استرلیا اعلیحضرت امپراطور استرلیا قشون را پرون
 آورده اند که شاهزادگان مزبور تا شانامینده چهار
 فوج سوار نظام و بیت و پنج فوج سرباز و چهل عراد توپ
 در میدان سن بود و همه بار است که تمام حرکت میکردند

۴۱۳

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که دولت آستره دوازده
گرو فلان که تخمین نماند و کرد و دولت هزار تومان پول
ایران میباشد حاضر کرده اند که گشتیهای جنگی تازه
بیازند و اسم یکی از این گشتیها را مثل رشت که میگذا

و نوشته اند که در اراضی خالیه فرنگستان ازین گونه زمینها
کافی بسیار یافته اند از جمله در دو سال قبل ازین نیز بقدر
سیصد هزار تومان پول طلا و نقره قدیم در یکی از اراضی آنجا
از زیر خاک پیدا کرده بودند

از شهر وارثه نوشته اند که بعد از تمام کردن راه آهن
باین شهر سنت پترزبورغ و وارثه بنادارند که کار
شهر او دشتها تا شهر کینو نیز راه آهن بازند و امید دارند که
در اندک مدت این راهها همه بهم یک متصل بشوند

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که شخصی در پاریس
پای تخت فرانسه این اوقات وفات یافته و وصیت
نامه نوشته است که هزار و شصت کیسه پول بکسانی
که از چهار ده سال قبل از وفات او تا ایام وفاتش
در عمارت او بکار ایستاده بوده اند تقسیم شود و ازین

در روزنامه جریده اسخوادت اسلامبول نوشته اند که
شخصی از زراعت کاران در بیرون شهر استیلر بجهت باغ
و داربست حندق حفری نموده است ناگاه خاک حرکت کرد
و این شخص را میان چاه انداخته است اول تلویش

عجیب تر در دولت روس نوشته اند که ضعیفی هزار
کیسه پول داشته است کاهی بتماشای خانه که می آمده است
مقلدی بجز فهای مضحک او را می خنداند است ضعیف بود
جمع این سخاوت را بان مقلد و اگر کرد است

اعلانات

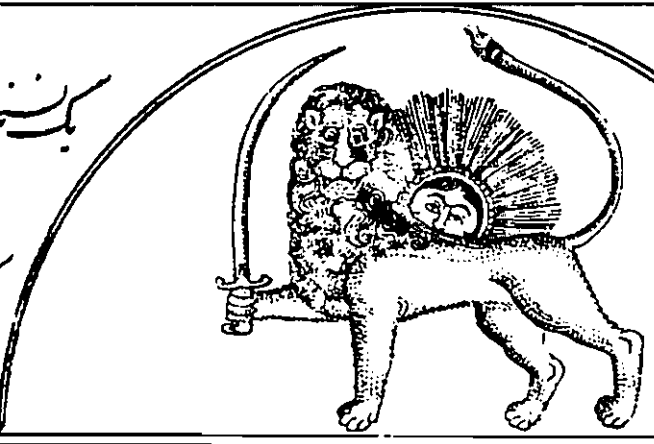
بلاتک داشته است و لکن چون آب چاه مزبور کم بوده است
سحق شده و درین بین که بکنار چاه دست می انداخته است
که خود را از حریق شدن محفوظ بدارد دسته طرفی بسته
آمده و صدای این شخص را اشخاصی دیگر که از نزدیکی آن

کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالحمید باسپه در محله
نزدیکی دروازه دولاب نه شده از این قرار فروخت میشود

۱۰۰	کتاب شاهنامه چهار تومان و نیم
۱۰۰	کتاب معراج السعاده دو آرد هزار
۱۰۰	کتاب خمسه نظامی نه هزار
۱۰۰	کتاب جوهری شش هزار
۱۰۰	کتاب ساکن شش تومان
۱۰۰	کتاب مدارک سه تومان
۱۰۰	کتاب کثکول هفت هزار
۱۰۰	کتاب فاموس دو تومان
۱۰۰	کتاب نصیر نامه پنجم هزار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه ۱۱ شهریور المعظم مطابق سال استخوانین

مژده معشوقه و حیم
هر کس در طهران طریقه
ازین روز تا ماه مبارک
جید در دو کانت سید
بوز و شش فر و حتمه شود



قیمت روزنامه
یک نسخه ده پیر
قیمت اعلامی
یک سطر تا چهار سطر
بیشتر باشد هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون درین اوقات اوایل تابستان و موسم خوب
هوای شیرین است و از اینکه هوای دارالخلافه
طهران درین اوقات نسبت به هوای شیرینات
اندکی گرم میشود و اغلب سالها که موکب شیرین
کوکب بفر تشریف برده باشند درین فصل
تشریف فرامی شوند لهذا در روز یکشنبه منتهی و چهارم
این ماه موکب سماپون اعلیحضرت پادشاهی
با آراستگی نظام پیاده و سواره و توپچی و زنبورچی
و سایر خدم و حشم و امنای دولت علیه و چاکران
در بار سینه بقانون اوضاع و شکوئی که معمول این
دولت قوی مکن است بمارت مبارک که بنیادان
که حسب الاشارة العله بطرح تازه و خوب ساخته
و بحسب آب و هوا و صفا و اشجار و انهار از سایر دار
شیرین است مبارک کلی دارد تشریف فرما شدند و معترف
فرمودند که عسرم نوکر غیر از کسیکه بسبب مروت
و انجام خدمت در دارالخلافه طهران توقف دارند

سایرین میباید همگی در رکاب حضرت انتساب حاضر
باشند و چون ایام ماه مبارک رمضان در پیش است
بجهت رفاه و آسودگی چاکران در بار سماپون که در
عبادت داشته باشند فرمودند که روزها وقت عصر
سلام نشینند و چاکران در بار سماپون شرفیاب
حضور در ظهور حضرت دانی کردند و نصبه نیاوران
مکان و بسبب عمارات که بطرح تازه بجهت اعلیحضرت
پادشاهی در آنجا ساخته شده است نهایت
نمایش و خرمی و صفرا وارد و میتوان گفت که عمارت
و قصری لوکانه و قابل نشین اعلیحضرت پادشاهی است
اگر چه هنوز قدری ناتمامی در بعضی کارهای بنایی
و غیره دارد و امنای دولت علیه در اتمام آن
استمام نموده اند که حسب المقرر با انجام برسد لکن تا
همین قدر که ساخته شده است بسیار بهتر از سابق است
و وقتی که سایر نامیههای آنجا را تمام نمایند نصبه
نیاوران بهتر و معمور تر از کل دانات شیرین خواهد
کردید

۴۱۵

که سعی در کاشتن و حوب بعل آوردن آن دارند

تقسیم نموده اند

قیمت اجناس در آنخلا و طهران

کندم ساوجلا	یکخوار	دو تومان و ششصد
کندم غریبه	یکخوار	دو تومان و دویست
یکخوار	دو تومان و ششصد	
برنج اگوله	چهارمین	سه هزار و چهارصد
برنج سفید کز	چهارمین	دو هزار و نهصد
برنج غنبرو	چهارمین	دو هزار و نهصد
برنج کرده	چهارمین	دو هزار و نهصد
روغن	چهارمین	یک تومان و دویست
گوشت	یکمین	یک هزار و دویست
مرغ	یک قطعه	دو شاهی
تخم مرغ	پانزده بیضه	یک عباسی
همه	یکخوار	یک تومان
ذغال	یکخوار	پانزده هزار
شمع	یکمین	دو هزار و چهارصد
پیه که اخته	چهارمین	هشت هزار
شک	چهارمین	دو هزار و چهارصد
جو	یکخوار	پانزده هزار و دویست
کاه	یکخوار	شش هزار و دویست
شیره	چهارمین	دو هزار و ششصد
خرما	چهارمین	دو هزار و نهصد
کنک	یکخوار	چهار هزار
ارزن	یکخوار	پانزده هزار

از آنجا که منظور اعلیحضرت پادشاهی سموار و تقاضای این است که کارهایی که پیشی بر آبادی و ولایت و نفع رعیت است روز بروز درین دولت علیه بیشتر و متداول بنماید از جمله درین فصل بهای مقرر فرمودند که تخم پنبه سیکی دینار که در اردوی کاشته و بعل بودند از آنجا آورده و در میان صاحبان الماک اطراف دار آنخلا و طهران تقسیم نمودند که بکارند و بعل بیادند و تقصیل کاشتن پنبه مزبور در روزنامه های سابق شده است و لکن از برای اینکه معلوم بشود که در کجا خوب بعل می آید مسباشین روزنامه خویش میکنند که هر که تخم پنبه مزبور داده شده است کاغذی بمباشین روزنامه بنویسد که در کجا کاشته است و چگونه بعل آید تا معلوم شود که در چه قسم زمین بهتر و خوشتر بعل می آید درین روزنامه کاغذی از آذربایجان رسیده است و نوشته است که نوایساز جشن الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان ازین تخم پنبه که سترینا کجین کیشین سخی دنیا کرد اردوی حدیثان فرستاده بود با کربلوکات آن مملکت پنبه بعل می آورند تقسیم کرده اند که بکارند و بعل بیادند که در ولایت متداول شود و امید است که کاشتن پنبه مزبور در آنجا و کرفته منفعت زیاد بجهت دولت و رعیت بکند و در اردوی چونکه این پارس سال این پنبه را دیده و معشرف او نمیداند سال بسیار طالبند اند که خودشان بکارند و کیشین مزبور چه تخم پنبه است بمالغاه جامعدهان حاکم اردوی داده است که بکس که صلاح بداند تقسیم نماید و جناب آقا مجید نیز ازین تخم پنبه خویش کرده است و در میان کسانی که لایق است

سختدروینی	یکهزار چهار تومان و پنجاه و پانصد	زیره	یکهزار و هفتصد
سختدرسی	یکهزار سه تومان	زعفران	یکهزار یک دو تومان
ماش	یکهزار دو تومان و هفتصد	زرشک پدانه	یکهزار و شصت
عدس	یکهزار دو تومان و پنجاه	زرشک تبریزی	یکهزار چهار هزار
لوبیا	یکهزار دو تومان و هفتصد	اسب لیمو	یکهزار دو هزار و پانصد
تباکوی اعلی	یکهزار چهار هزار	لمبوی عمانی	یکهزار دو هزار و هفتصد
تباکوی وسط	یکهزار سه هزار	زرد چوبه	یکهزار و پانصد
انگوره	یکهزار یک	سایر ولایات	
ظفر	یکهزار یک تومان و هفتصد	آذر بایجان	از فرار یک در روزنامه آذر بایجان
سنگینک	یکهزار چهارده هزار	بودند این اوقات	قیمت فله آنجا ترقی کرده بوده است
کشش	چهارمین سی و شش	و بدین سبب	جماعت جنابان کمتر می نهند و بان در
حلویات	یکهزار چهار هزار	بازار آنجا کم	یاب بوده است و در هر یک من نان
ردغ پنجرع	یکهزار سی و شش	کم میداده	اند مردم از دست جماعت جناب خدمت بود
سرکه	یکهزار سصد	مستطاب	شاهزاده حشمت الدوله صاحب اختیار
سکنجین	یکهزار و شصت	آذر بایجان	بظلم رفته بودند جماعت حب زسم برای
ماست	چهارمین یکهزار دینار	قراری در امر آنها	دادده شود و بقیه جناب سید عمره
پیرشور	چهارمین سه هزار و صد	بست رفته بودند	چون سخنان جنابان دور از قاعده
قذارسی	یکهزار شش	حساب و ضابطه	صواب نبوده نواسه سبزی البیه
قدیزی	یکهزار و یکجا	وار داده اند	که نان را همان قیمتی که بوده است بفرود
نبات	یکهزار و سصد	ولکن در هر یک	من پنج سیر کم بکنند که این پنج سیر
شکر قام	یکهزار و شصت	تلافی کرانی	غله را بکنند و ضرری بجماعت جنابان
بل	یکهزار دو تومان	جماعت جنابان	نیز باین شهر وارد اراضی شده اند
میخک	یکهزار پنجاه	و از بست بیرون	آمده اند و بعد از این شهر که نواب
دارچینی	یکهزار دو هزار	حشمت الدوله	در باب آنها دره اند حال بان در
فلفل	یکهزار و شصت	بازار آنجا فرادان است	

۴۱۷

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امالی آن استان در مدامن و امان اند و هوای آنجا بجهت بارانهای ناخ و بموقع که درین اوقات آمده است کمال اعتدال را بهم رساند و در شهر و بلوک کرمان نهایت ارزانی و سزاوانی و وفور نعمت است

فوج دویم کرمانی ابو اجمعی عالیجاه میرزا کوچک خان بنک از قراریکه نوشته بودند سه روزه در آنجا مشغول مشغول شدند و کسر فوج مزبور را هم موافق تقسیم در کار برده اند و کف فوج را تمام نمایند

از قراریکه نوشته بودند یک نفر سرباز از فوج جدید کرمان بر فاقت بک نفر دیگر غیر سرباز در پرده شهر یکی از عابرین دست اندازی نموده بودند مراتب بعضی نواب شاهزاده مؤیدالدوله طهاسب میرزا حکمران کرمان رسیده آنها را گرفته چند روز حبس نموده بودند تا اینکه سرباز و هرزگی آنها از خارج نیز ثابت و معلوم گردید سرباز را خوب زده و اخراج بلد کردند و آن دیگری که زیاده تقصیر داشت تنبیه و بازخواست کامل کردید

دیگر نوشته بودند که ده تومان پول انشخص سرباز را مفقود شده بود شخصی از فترای کرمان و چه مزبور را یافت و بعد از تفحص و تجسس بصاحبش رسانده و دیناری طمع و جویا نگردید

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند ساری خان زحمان میوت که صدر شرازت و غارت می شد این

اوقات بار بار در خود و دو نفر دیگر بنسرد و مقرب انجاقان محمد و انجان پیکر سیکی آمده اظهار توبه و ندامت و تعهد اطاعت و خدمتگذاری و انقیاد این دولت قوی مکننت علیه نمودند و مکرر شده است که بعد ازین بمصدر هیچگونه شایسته نشود و مقرب انجاقان شایسته نیز او را علی بابین نوازش نموده و اطمینان و امید داری بجا طغنت این دولت علیه داده است

از قراریکه نوشته بودند عالیجاه میرزا عبدالرحیم احمدی وزارت دول خارجه که حسب احکام اولیای دولت علیه خلعت برای رئیس سفیدان میوت و کولکلان برده بود این اوقات دارد آنجا شده و خلعت هر یک را ابلاغ نموده و برای آنها امید داری تازه حاصل شده است

همدان

از قراریکه در روزنامه همدان نوشته شده است مرد فقیری در ددل کهمنه داشته است و از عدم امکان معایجه و شدت در ددل بسبب آهسته آهسته شکم خود را پاره نموده وفات کرده است

در یکی از دهات خدائندگلو نوشته بودند که زنی بیک کسم سه پسر زائیده و دو نفر آنها بعد از سه روز فوت شده اند و یکی دیگر در قید حیات است

از قراریکه نوشته بودند درین اوقات مکرر زیاد در همدان باریده و بیباغات آنجا ضرر زیاد رسانده است و همچنین نوشته بودند که چهار روز علی الاقبال هوای آنجا شدنی سرد شده است که با هوای قوس چندان تفاوتی نداشته است

اخبار دول خارجه

انگلیس درین هفته اخبار دول فرنگستان رسید
 تاریخ کاغذ آخر از لندن پای تخت انگلیس هفتم جیب بود
 و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است مدتی
 بود که مابین صنعت کاران و صاحبان کارخانها
 شده بود و بسیاری از کارخانهای انگلیس خصوصاً کارخان
 آهن خوابیده بود که عمده جات این کارخانها مزد زیاد بخوانند
 و صاحبان کارخانها نمیدادند درین روزنامه نوشته
 که اینها حالاً لیکپوری با هم بکنار آمده اند و کارخانها را بر
 انداخته اند چون خوابیدن این کارخانها ضرر زیاد بولایت
 انگلیس میرساند و ازین قدر عمده که بی کار مانده بودند
 اغتشاش میرفت از راه افتادن کارخانهای مزبور و
 گفتگوی صاحبان کارخانها و صنعت کاران جمیع
 اهل انگلیس شادمانی داشتند

سقتن و یار که یکی از ممالک کوچک منه است برود و از
 آنجا برآید شهر فرنگ فورث بولایت شلینگن بعد آن که بود
 نیز از ممالک کوچک منه است برود و ماه ژوئن که بنا
 اسلام از دو وازد بمس شعبان تا دو وازد بمس رمضان
 بنا داشت که در آنجا توقف نماید و در مراجعت بنا بر او
 که از شهرهای کلون و برلین و استتین بکلیت تشریف
 فرستاد

فرانس

تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید روز پنجشنبه
 رجب بود و در روزنامه های آنجا نوشته اند که بنا
 که قشون زیاد و جمیع امنای دولت فرانسه در
 منی که بیستم رجب باشد نزدیک شهر پاریس جمع
 و قشونی که در خارج فرانسه بودند بنا گذاشته بودند
 که و کمیل از جانب خود پاریس بفرستند باین مقصود
 از پیاده نظام یک مرتب و یک سلطان و یک تائب
 و دو نفر وکیل و دو نفر سر جوته و دو نفر تائبین و از سواره
 نظام و توپخانه و مهندسیین یک مرتب و یک سلطان
 و یک کسبل و یک سر جوته و دو نفر تائبین اینها وکیل
 میشوند از طرف قشون فرانسه که در خارج در مملکت ایتالیا
 و در مغرب زمین اند در ایام ناپلیان در روی چوب سید قیما
 شکل عتاب بود بعد از آن در ایام سلطنت اولاد ناپلیان
 قدیم فرانسه این شکل عتاب از روی چوب سید قیما
 شد حال لوی ناپلیان بنا دارد که این شکل را دوباره
 در چوب سید قیما نصب نماید و از آن راه که این علامت
 ایام جلال دولت فرانسه بود کمانست که کل قشون این
 فرانس بسیار خوشحال بشوند و درین باب در روزنامه فرانس

امورات و زرابطور خوب پیش میرفت و دولت انگلیس
 با جمیع دول فرنگستان دوستی و یگانگی تمام داشت
 و بحث جزئی که بعضی از دول در سر فراریها که بولایت
 انگلیس بنا آورده بودند داشتند بطور اصلاح و خوبی
 شده است
 روس

درین روزنامه نوشته اند که علیا حضرت امپراطور
 اعلی حضرت امپراطور روس شهبان داشت که در مملکت
 سیاحت بکند و در روز شنبه بیستم جیب وارد
 شهر برلین پای تخت پروتیه شد و در آنجا تا در جمعه
 شعبان بنا داشت که توقف نماید و از آنجا فرار بود که مملکت

باینطور نوشته اند که در وقت در آن روز قرار تازه در اهل دولت یسکی دنیا حرفی زده بودند که خلافتی
باب دولت فرانسه بگذارند بلکه کانست که در همان روز و حرمت دولت استریه بود و ضرب از دولت استریه
لوی ناپلیان بلعب امپراطور پادشاه فرانسه بشود در خصوص جنگ مجارستان گرفته بودند مصلحت گذار
دولت استریه معینم و اشین بن پای تخت دولت
بعد از تسلط شدن پرنس لوی ناپلیان در ولایت فرانسه
معلوم میشود که نظم در ولایت فرانسه خوب بخشیده
ازین راه که مالیات دیوان بخانه زیاد می آید
کرده بود تا درین خصوص خبری از دولت استریه
باو برسد حال که این گذارش بدوستی و اصلاح تمام
شده است و امنای دولت یسکی دنیا گفته اند که ما
نسبت بدولت استریه بحال اتحاد و یگانگی را داریم
از دولت استریه حکم شده است که مصلحت گذار
از جزیره هونته بشهر و اشین بن مراجعت بکنند
این عملها آدم کم مانده است

پرنس لوی ناپلیان رئیس دولت فرانسه بشهر آریا
رفته و چند نفر از وزیران همراه خود برده بود و در بعضی
جایهای آن صفحات هم سیاحت کرده است و لکن
کسی نمیداند که سبب سیاحت پرنس لوی ناپلیان
در آن صفحات چه بوده است

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که در زبان فرانسه چاپ
نوشته اند که در داد و ستد بعضی از پول رواج اسلامبول
اختلاف بهم رسیده است پولی طلا در آنجا است که
موافق حکم دیوان صدق و شراج است که دو تومان
پول ایران باشد حال مردم این پول را بصد و پانزده
قروش داد و ستد می کنند امنای دولت سنا
دارند که درین خصوص فتواری بگذارند

۴۲۰

درست دارت و بگو گشت داود دستم و سایر مالک
 که نزد یک برود و نوب و لوق اند در زمستان گذشته
 بسیار خوش و بلائیت گذشته و سختی و سردی بوده است
 اما بعد از غیب نور روز هوا بسیار سرد شده بوده است
 حتی در شهر و این بنا سنج ششم چرب که بیشتر از نگاه
 بعد از غیب بود نوشته بودند که هوا بشت سرد بود و در
 کمی هم آمده بود و چونکه در آن ولایات کله در ریه از کا و گو
 سایر دولت زیاد نگاه میدارند چجه شدت سرما که علف
 درست زود دیده بود بسیار ازین حیوانات از کوه سفند
 و غیره تلف شده بودند داد دستند عمده آن ولایات دین
 حیوانات است و در بعضی جایها نوشته اند که یک شلت ازین
 حیوانات تلف شده اند و بسیار خرابی و خسارتی عیال
 آن است رسیده است از او دستم نوشته است
 که چنان برون و بارندگی شده بود که تردد از شهر میگذر
 مشکل گردید بود از کمن راع که قصبه میباشد در مملکت
 قرم نوشته بودند که بتاریخ هفدهم جمادی الثانی
 پنج لشکرگاه شکسته و راه دریا باز شده بود و لکن هوا
 باز سرد بود و در او دستم سه شبانه روز طوفان شد
 بود و جنلی تلویش داشتند از اینکه کشتیهای آن
 سباد اغرق بشوند

ایضا در همین روز نامه نوشته اند که لامارکی دله و لوط
 که وزیر مختار از جانب دولت فرانسه معین اسلامبول بود
 درین روز نامه دولت فرانسه را حبت کرده بود مضمون
 سفیر کبیر با داده اند و نشان اول نیز از ایران در
 فرانسه از دولت خودش با داده شده است
 و پادشاه ناپولی نیز بجهت خدمات شاره الیه که بان
 دولت کرده بود نشان قوسه تنطین با حامل بزرگ داد

داده است

هم درین روز نامه نوشته اند که بتاریخ چهارم
 رجب صفره امین که گیتیم پول مخصوصی است که سلطان
 هر ساله در وقت روانه شدن حاج بجهت شریف که
 میفرستند از اسلامبول روانه شده علماء و شیخ و قضای
 اسلام از اسلامبول تا کنار دریا بجهت احترام صفره
 رفتند و نظام نیز بیرون آمده آنچه لازم است حرمت و قان
 آن دولت است عمل آوردند

در روزنامه گذشته نوشته بودند که در زمان چاچار
 دولتی عثمانیه را در آن صفحات گرفته و کشته اند و هفت
 هزار و دویست که تخمیناً بجهت هزار تومان پول ایران باشد
 در نزد چاچار بوده است برده اند اکثر دزدان با امین پول
 بدست چاکران دولت عثمانیه افتاده اند بعضی ازین دزدان
 بجزا بر سقر رفتند بودند آنها را در آنجا گرفته اند و بعضی
 نیز در جای دیگر گرفتند و از فرار که معلوم کرده و
 این یک کشتی که در آن صفحات کشت میکرده اند با
 دزدان مزبور شریک بوده اند پول و اسباب که
 نزد چاچار بوده است در میان کشتی گذاشته و بجزا

۴۲۱

یونان برده بوده اند و در همان جزایر کشتی و کشتیان
 همه بستن تحفظین دولت عثمانیه افتاده بود
 از شهر دمشق نوشته اند که چند سال بود که بلخ خرابی
 زیاد در آن صفحات میکرد در اول بجای اسامی حکم
 شده بود که تخم شرا حسیع کنند و بسوزانند که
 بلکه تلف بشوند عسکر محمد پاشا سه فوج سرباز با
 مملکت برده است که امداد بزراعت کاران درین کار خیر
 بکنند و امید داشتند که بهین تدبیر بلخ را تمام نمایند
 دولت استریه در مملکت مجارستان ایلیچی سپار
 دارند درین روز نایک صاحب جمیع ایلیچی مزبور را
 بمملکت دمشق فرستاده اند که اسبهای عربی ذات طایل
 که نسل انبیل تا چند پست معلوم بشود که از اسبهای
 عرب اند بخورد و بولایت مجارستان ببرد تعلیمه از جای
 صدراعظم ممالک عثمانیه بعین عسکر پاشا و حکام آنجا
 آورده است و حکام و عسکر مزبور کمال حرمت را نسبت
 با و کرده اند و صاحب منصب مزبور بنا داشت که بسبت
 جنوب مملکت دمشق بمیان اعراب بدوی برود که در میان
 آنها بلکه اسبهای که بجار او بخورد خریداری نماید
 در جزیره یمنی که یکی از جزایر خط استوا است بقادر دست
 زان بود و چنانکه در کل آن جزایر قانون است زارعین
 کلاً غلام و کنیز سیاه بودند بعد از آن این غلامها از آقایان
 خودشان باغی شدند و دولت جدید کانه کردیدند

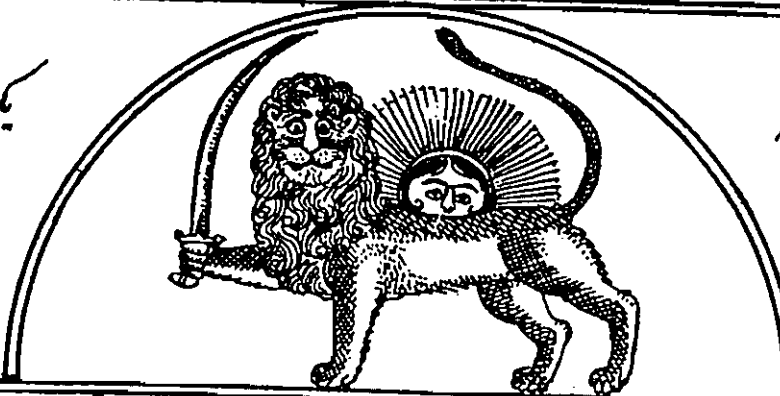
درین او اواخر ایام جنگ و نزاع میان خود این سیاهها
 افتاده بود درین روز نامه نوشته اند که قونسول
 دولت انگلیس در میان آنها نامی قرار تار که گذاشته
 که بلکه جنگ و خونریزی در آنجا موقوف بشود
 در روز نامه خید وقت پیش ازین نوشته بودند که یکی از
 کشتیهای بخار که مسراه اعلیحضرت امپراطور استریه از
 شهر ویتز بپاریس میرفت در طوفان غرق شده بود
 و آنها که در میانش بودند تلف شده بودند و دست نمیدانستند
 که در کجا غرق شده اند در دریای ماکت میکردند که بلکه اثری
 ازین کشتی پیدا نمایند کشتی مزبور را جستجو و چونکه در آنجا
 که این کشتی غرق شده بود آب دریا کم عمق بود سیرای کشتی
 از بالای آب نمایان بود کشتی با لمره خراب شده است
 و لکن کمان دارند که توپها و بعضی از اسباب که در میانش بود
 بیاورند

اعلامات

چنانچه در روز نامه مره ۷۰ نوشته شده است بعضی اشخاص
 که ازین روز نامهها دارند سفر میکنند یا مأمور می شوند یا
 منزل عوض میکنند چون بمباشترین روز نامه
 اعلان نمی کنند روز نامه با آنها درست نمیرسد و بسبب
 کله مسندی آنها از بمباشترین روز نامهها میشود
 لهذا بعضی احباب روز نامه اعلان میشود که هر کس که
 روز نامه دارد اگر منزل عوض بکند یا سفر برود یا مأمور
 بولایتی بشود میباید بمباشترین روز نامه بنویسد
 و استحضار بدهد که در هر کجا باشد روز نامه بدو
 معطلی با و برسد

روزنامه قایح اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه ششم ماه رمضان المبارک مطابقت سیاحتی

قیمت روزنامه
یک نسخه در هر یک ماه در هر
قیمت اعلانات
یک سطر تا چهار سطر کهر روز
بیشتر با هر سطر حقیقت



نزد هفتاد و دو سیم
بر کسر و طران طالب نسخه
ارین روزنامه شام در
بازار جدید در دکان
بود و در وقت فروخته میشود

اخبار داخله ممالک محروسه بادشاه

دارالخلافه طهران

چون این اوقات ماه مبارک رمضان و ایام طاعت و عبادت اهل اسلام است علماء و فضلاء و عباد در ساجد و منابر بموعظه و ترغیب مؤمنین و بطاعت و عبادت خالق یگانه و حصول دعا کوئی بجهت ذات اقدس ملوکانه اشتغال دارند و از اهتمام و نظم امنای دولت قوی شوکت علییه بعضی ملامی و مناهی که از الواط و ارازل ناسر در زمانهای سابق در ماه مبارک رمضان وعیزه ملاحظه میشد درین ایام بکلی متروک و منسوخ است و کسی را قدرت و یاری خلاف قاعده و شرایع نیست و عموم اهل دارالخلافه طهران از اشراف و اعیان و کسبه و رعایا و رکال رفاه و اسودکی هرس بکار و مشغول و کمال شکر گذاری را دارند و بجهت اینکه درین ایام صیام روزها بلند و شد گرمای تابستان است و حرارت و ضعف روزه دار و عطش مردم تاثیر مینماید قرآن است که تا قریب نظر

مردم در منازل و خانههای خود با ستراحت مشغول باشند و از ظهر تا عصر در ساجد و عبادت بنماز و طاعت و عبادت بسر برده و بعد از آن تا غروب افتاب در صحن مبتکر که امامزاده زین العابدین و علی ابابنه الف الحیة والسلام که کسبه و اصناف از هر قبیل نفایس و اعیان و امتعه و ظروف و ادواتی و قطعات صنایع و بدایع حمیده اند و موافق سال قبل فضای صحن و ایوانهای حجرات را به بلور آلات و غیره آرایش و زینت داده اند و فی الحقیقه اسباب مشغولیت است مشغول تفریح و تماشا و داد و ستد بوده روز را بشام رسانند که ملبندی و حرارت ایام تابستان و ضعف و کمرنگی و تشنگی ایام صیام مؤمنین و مقدسین را چندان صدمه و اذیت رسانند اگر چه تا بحال هوای دارالخلافه طهران بطوری که گمان میرود که گرم بشود و چندان گرم نشده است و امید است که این ماه مبارک را بخوشی و طمأنینه بگذرد و زیاد گرم نشود

۴۲۳

وازه فار روزنامه اخبار شهر طهران که نوشته اند هوای شهر
اعتدالی دارد بطوریکه چندان نقامت بروزه داران
روی نمیدهد و انواع میوه جات شیر فراوان و ارزانست
و شبها تا صبح مردم از مردوزن بساجد و محابد و تماشا
و تفریح بصبحین بیشتر که امام زاده زید علیه الرحمه که با انواع چراغها
از لاله و مردنگی چراغان کرده اند میروند و فراوانها و کشیکچی
و کرمهای محلات مشغول حفظ و حرست و در سرکار و خدمت
خود هستند و لکن قرار نیست که کبسی از عابرین دست برد
در کوچه ها زحمت و متعرض نشوند و صبح و شریف نیست
رفاه و آسودگی و شکر گذاری دارند

امورات قشونی

مقرب انخاقان فضلعلی خان میرنجه و بیکلزیکی که سا
باین دولت جاوید آیت علیه خدمت کرده بود
حضرت آدس همایون پادشاهی محض رحمت ملوکا
در باره مقرب انخاقان مشاور الیه درین اوقات او را
بمنصب جلیل امیر تومانی مباحی و سرافراز فرمودند

نظر بر آیت لیاقت و شایستگی عالیجاه عبداللہ خان
جوانشیر درین اوقات از قرار فرمان مبارک بر سر
فوج اول خاصه شیرین فرما فرمودند

فوج جدید بر خوار و ما بین اصفهان تا که عالیجاه چراغ
برکاب نصرت تمام مسایون فرستاده بود از
نظر اعلیحضرت پادشاهی که شایسته بسیار سخن
و مقبول افتاده مورد تعریف و توصیف گردیدند و تمام
در حق آنها رحمت شد و بحق جوانهای قابل خوب بودند

و کمال امتیاز را داشتند

چون راج قراکوز لوکه در فارس ساخلو بودند
توفیقشان در آنجا است و دیافقه و در سفر کرمی را
رحمت زیاد کشیده بودند لکن فوج منجبران شغالی را
بهرای عالیجاه قاسمخان سرتیپ قرا باغی
عوض افواج قراکوز لو برای ساخلو فارس نامور فرمودند
و فوج مزبور حسب الامر از رکاب مسایون مرخص و روان
شدند

چون بجلت اغتشاش صفحات افغانستان اغلب
اکثر قشون خراسانی برای حرست آن سرحدات با عالیجاه
عباسعلی خان میرنجه در سرحدات افغانستان میباشند
طایفه ضالہ ترکمانی فرصت عنایت یافته این اوقات
بنای ناخت و تاز و اغتشاش کرده اند از اولیای
دولت قاهره خیال دارند که این روزها برای انتظام
آن صفحات یک دو فوج سرباز خوب با هزار نفر سواره
و یک نفر از نوکرهای بزرگ رشید کار آمد مامور فرمایند
که رفقه امورات نظرف را اعظم سازد و در همین روزها

حسب الامر مسایون روانه خواهند ساخت

درین روزها قولی بل مطرت سو و بعضی صاحب مصعبان
دیگر از اهل ایتالیا بعزم خدمت اعلیحضرت قوی سوار
پادشاهی دارد در آنخلا ف طهران شده اند و همه در
سلک چاکران این دولت قلبه مشتک کرده اند
و الان مشغول مشق افواج قاهره نظام میباشند
چونکه صاحب مصعبان مزبور قابل بنظر می آیند
امید است که خدمات آنها بکار این دولت علیه بخورد

دافواج قاهره نظام از آنها مشورتی کامل بیاید
افواج قاهره نظام که هر روزه در میدان خارج در
دولت مشغول شش بودند درین اوقات ماه مبارک
رمضان بجهت ضعف روزه حسب الاشارة لطیبه
از مشغولت و درخص میباشند که بتوانند بسیار
و معابد رفتن بنماز و عبادت اقدام نمایند

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه شاهرود
نوشته بودند عالیجاه مرتضی قلی خان در باب تعمیر
قنوات جلالی و حمت آبآسی و جهد تمام داشته
و کمال کوشش را در جاری نمودن آب قنوه منور
مینموده است و با امالی و رعایا نیز با نهایت مهربانی
و حسن سلوک رفتار میکرد است و نهایت
رضامندی از رفتار او داشته اند و درین اوقات
بسرکشی قنات حمت آباد رفته بوده است

دیگر در روزنامه آنجا نوشته بودند که چند نفر از اگراد
عمار لوی خراسان بقریه حجت که پنج فرسخی شاهرود
و متول مقرتب آنجا تان کشیکچی باشی است برفت
آمده و پنج ریس مادیان دیگر ریس قاطر برده
بودند عالیجاه مطلب خان تفنگ دار خاصه پادشاهی
و سرکرده سواره کوداری و بطامی که مامور گذرانیدن
و داخل از طرق و شوارع منازل محوف آنجا میباشد
سارقین مزبور درین راه باو برخوردند اند آنها را شناسان
و گرفته تنبیه کامل نموده مالها را ببرد داد و نیز صاحبان
فرستاده و در گردان را بنیاد داشته است که بدار آنخلا

طهران روانه نماید و زردان بزوار طنجی گردیده و زوار
شفاعت آنها را نموده اند و آنها را از زودی توبه براده
و زوار را از منزل محوف گذرانده خود بشاهرود
مراجعت نموده است

عالیجاه نادری سلیمان سرکرده سواره ایلات که با سعید
سواره خود مامور خدمت خراسان بود از سبزواری
عبور کرده و از قراریکه نوشته بودند بطوری با نظم و
رفتار از آنجا گذشته اند که اهالی آنجا تفصیله اند که
اینها زوارند یا قنون و بسیار خوب از آنجا عبور
کرده اند

از قراریکه نوشته بودند عالیجاه علیخان حاکم جوین
از خود سب راه ترکمان فرستاده بوده است و سوز
خبری از سواره مزبور نرسیده بوده است از جای دیگر
خبر رسیده است که سوار ترکمان بسرا سفر این رفته
عالیجاه شارالیه بجزو استماع فی الفور بایست نفر
سوار با سفر این رفتند و تبرکات مان رسیده و جنگ
ما بین آنها اتفاق افتاده و دو نفر اسیر و دو سر اسب از
طایفه صبا له ترکمان گرفته و آنها فرار کرده اند و اسپه
سفر این نرسیده است و عالیجاه شارالیه در این
انصفاات سعی و اهتمام تمام دارد

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند در
سلح ماه رجب از ضعیفه طفلی بکحل و هیات میمون
متولد شده است که همه اعضای آن طفل
با اعضای میمون مشابه بوده است مگر آنکه
دُم نداشته است

۴۲۵

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود این وقت
 امر آنجا بهتر و بیشتر از پیش مرتب و مضبوط است و
 نواب شاهزاده امامعلی میرزا حکم آن کرمانشاهان
 داده اند که وقایع هر یک از بلوک و محال و دوات
 کرمانشاهان را همه روزه روزنامه کرده بملاحظه نواب میرزا
 برسانند و بدین سبب اشرار و الواط انولایت دشمنان
 از شرارت و فتنه ت بکلی کوتاه گردیده و مغفود الاثر
 شده اند حتی از نظم و نسق نواب معزی الیه و اغت کرمانشاهان
 بطوری نوشته بودند که داروغه آنجا آمده و از نخل خود
 استخفا کرده و گفته است که اغت شهرت است که
 در این مدت عمل خلافی از احدی سر نزده و دینار
 از جاهائی که ما خودی داروغه خانه است نرسیده است
 از عمده وجه اجاره آنجا نیتوانم برآیم
 و هم چنین نوشته شده بود که این اوقات نواب
 شاهزاده امامعلی میرزا بنا و عمله بعمارت و باغ شاهزاده
 مرحوم میرزا محمد علی میرزا انداخته آنجا را تعمیر نمایند
 و آنچه تا بحال تعمیر شده است نوشته بودند که
 بهتر از سابق شده است
 افواجی که در کرمانشاهان و بلوکات آنجا هستند از قراریکه
 در روزنامه آنجا نوشته بودند در کمال انتظام و انضباط
 از جمله فوج نهادندی هر روزه مشغول مشق و آموزشند
 نظام میباشند و از رزم و دقایق مشق حسیلی مطلع
 آگاه شده اند این اوقات نواب شاهزاده امامعلی
 بیان فوج نر زور فرست مشق آنها را ملاحظه کرده بودند

۴۲۶

و بسبب مهارت آنها در قواعد مشق نظام با آنها انعام
 داده بودند و سایر افواج کرمانشاهانی را هم بشهر
 احضار کرده سان همگی را بدقت دیده و صورت
 ساتن و غیره آنها را بحضور اولیای دولت علیته
 فرستاده بودند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امر آنجا
 از اتهام نواب شاهزاده مؤید الدوله طاماسب میرزا
 حکم آن کرمان از هر حیثت و هر جهت منتظم و مضبوط است
 و این اوقات خوانین سیستان عریضه شعر بر اظهار ارادت
 و بندگی این دولت قوی مکنث علیه نوشته بصحابت
 یوزباشی قاسم نام فرستاده خود خدمت نواب
 مؤید الدوله ارسال داشته بودند و در ضمن آن بجهت
 خدمتگذاری و انقیاد این دولت ابداً ت را نموده بودند
 نواب معزی الیه نیز جواب عریضه خوانین سیستان را
 نوشته و آنها را با طفت اولیای دولت علیه امیدوار
 و دلگرم ساخته فرستاده مزبور را هم بعد از انعام و
 خلعت رخصت انصرف داده اند

توجهی و سر بازی که در کرمان میباشند از قراریکه نوشته
 بودند هر روزه در میدان ارک آنجا مشغول مشق میباشند
 و رسوم مشق را چنانچه باید دریافت نموده اند و کسر فوج
 و تیم کرمانی را نیز چنانچه در روزنامه گفته گذشت نوشته
 شد نواب شاهزاده مؤید الدوله حسب الامر اولیای دولت
 علیه بلوکات تقسیم نموده و محصل تعیین کرده اند که جوانان زیرک
 با اندام گرفته ابو اجماع ایجا میرزا کوچک خان سرنگ و حاضران شوند

اجبار دول خارجه

انگلیس در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که در مدت پانزده روز که از نیم جمادی الاول تا بیست و چهارم ماه مزبور باشد ده هزار نفر از یک شهر و یا انگلیس بیرون رفتند که مینگی و نیای شمالی بروند و چاه و کشتی که از این اشخاص در او نوشته بودند روانه مینگی دنیا شدند و کشتیها کم بودند و مردم معطل کشتیهای دیگر بودند که با نولایت بروند

اینجمله را فمیده اند در بعضی جایها ضرر زیاد بقشون انگلیس رسانده اند

طلایی که در مملکت نوحالت حسنه اند باعث اغتشاش در میان جنس خلق آن ولایت شده است مردمان آن و الواط آن ولایت بسر راه معدن نخبها که طلا از معدن در آورده و بمنازل خود برگشته اند میروند آنها را برهنه کرده و طلاهای آنها را میگیرند و دیوان الله را آدم بندند که در میان آنها نظم بگذارد

استریه

در حساب تجارت که در ولایت انگلیس می نویسند اجناسی که از شهر لوره پول بجارج فرستاده اند در سال بیشتر از دیگر پول ایران حساب کرده اند و نصف مال تجارت که از ولایت انگلیس بیرون میروند از این شهر بیرون می رود و سببش این است که از شهرهای آن است ولایت انگلیس که همه کارها و تجارت عمده دارند راه آهن ساخته اند که بشهر لوره بسیار و اکثر تجارت مینگی دنیا از آن شهر میشود و روی زمین کمتر شهری است که مانند شهر لوره پول تجارت داشته باشد

در یکی از روزنامه های آنجا نوشته اند که بعد از آنکه دوستی و اتحاد مابین ولتین انگلیس و استریه دوباره مثل سابق محکم شد و خبر این بابل استریه رسید بسیار خور و مسرور شدند از آنرا که در میان دو ولتین مزبور از ایام قدیم دایم الاوقات دوستی و یگانگی بود و چون میدانستند که در سر مطلب خبری این اتحاد بهم بخورد

مازی سینک که از اولاد قدیم پادشاهان فرانسه بود مدتی در شهر ونیز بود و از آنجا میخواست بولایت برود در روزنامه وینیه پای تخت آن مملکت نوشته اند که بناداشند در فضل بها قشون زیاد که کلا از سوار نظام میباشند نزدیک بشهر نیت حبس میکنند که مشق حرکت نمایند حال موقوف شده است و در اول پانز این قشون را در آنجا حبس خواستند کرد و خود اعلیحضرت امپراطور استریه با آنجا خواهد رفت

فرانس

چنانچه در روزنامه مغمه که نوشته شده است

در ولایت انگلیس گفتگونی شده است که انگلیسها شش جوان که بطرح تازه در فرنگستان ساخته اند بعضی افواج بلکه بکل افواج انگلیس که در هندوستان است به هند در جنگهای هندوستان مکرر دیده شده است که تفنگ سرد بازی قشون انگلیس بدور دستی تفنگهای ابل نولایت کلوله نمی اندازد و چونکه ابل هند و جنگ

پرس لوی ناپلیان زمین آن ملک قرار داده بود که
 در بیستم جبه قشون زیاد نزد یک سپاهی تحت حبع
 بکنند که شکل عقاب که در قهیم روی بید قهای قشون
 فرانس بود دوباره در آنجا نصب نمایند حال موقوف
 کرده اند و قرار داده اند که در بیست و هفتم جبه در آنجا
 جمع شوند باز در بعضی از روزنامه های فرانکستان نوشته
 که پرس لوی ناپلیان بنا دارد که خودش را در همان
 روز پادشاه فرانسه بکند بقلب امپراطور اما در خود روز
 فرانس که حال آنکه در زیر حکم دیوان اند و مانند بعضی
 از سایر ولایات فرانکستان آزادی درین بابست
 می نویسند که اگر کل قشون که در آن روز در آنجا جمع خواهد
 و کل حشون که حبع می شوند بخواهند لوی ناپلیان را
 امپراطور بکنند مانیت و تا این جمله رجوع بکل امپراطور
 بشود و آنها بخواهند که همین قاعده دولت جمهوری را که
 دارند بر هم بزنند لوی ناپلیان را بقلب امپراطور پادشاه
 بکنند امپراطور نخواهد شد

و از اخبارات لوی ناپلیان رئیس دولت فرانس را
 دوازده میان فرانک که داشته اند که تخمینا ده کرده
 دولت هزار تومان پول ایران نبی باشد و قرار داده است
 که چهار ملیان که چهار صد هزار تومان پول ایران باشد
 در ساختن مدرسه بخش با فوام خود و احسان بفقرا
 و غیره بدهد و باقی و صرف مخارج خود نماید
 احوالات متفرقه

از شهریکه ولایت روس نوشته اند که بتاریخ یاد
 جمادی الاخری رودخانه که در آنجا داخل دریا می شود در آنروز

سگسته شده بود و صبح آنروز پارچه پارچه شد
 آنها را نسبت دریا برد و لکن کشتی با نجا نیامده بود
 در روزنامه روسیه نوشته اند که پنج رودخانه و الکه که
 از حاجی ترخان میگذرد و نزدیک با نجا داخل دریا
 میشود در بیست و دوم جمادی الاول شکسته و بعد از
 چند روز رودخانه گشود شد

در هندوستان بعضی ازها که مذمب مند دارند تا
 غریب دارند در خصوص سه زانان مرده تا که اگر مرده
 باید از او سرافغش شوهرش زنده زنده سوخته
 شود دولت انگلیس پاسی و کوشش کرده اند که این
 قاعده را موقوف نمایند و همین میدانستند که در آنقدر
 مالکند که در دست آنهاست این قاعده موقوف شده
 درین اوقات همیده اند که در بعضی جاها با این عمل
 که عین پریمی است معمول است و موقوف کردنش بلامر
 بسیار مشکل است خصوصه در میان سلسله راجهای
 هندوستان که از قدیم پادشاهان انولایت بوده اند
 آنها با این قاعده را در میان خودشان معمول دارند

کشتی سبکی دنیای شمالی درین روزها سپار زودان
 چین بولایت انگلیس آمده است بزرگی کشتی اینطورات
 که چهار هزار حردار بار بگرداشته و اکثر باش جانای بوده
 در نود روز از ناگان چین اشهرت ن آمده بود در سال
 گذشته این کشتی را در بویارک سبکی دنیا ساختند

و از آنجا روانه کلی فارنبا کرده اند و از کلی فارنبا شهر
 ناگان چین رفته و در بیست و نود روز از ناگان چین بریا

رسید و از آنجا بولایت انگلیس آمد و اگر از آنجا روانه
 سیکی دنیا بشود در ده ماه و نیم یا در بارزده ماه دور
 ارض را طی کرده است
 از بعضی جاها که آنها نیز آبادی زیاد دارند در جای
 آنجا روانه میشوند بولایت سیکی دنیا میروند که جاها
 معمور آنجا آباد نمایند از جمله از شهر ریمین نوشته
 که در یک روز شش هزار نفر از آنجا بیرون فرستاده
 بعضی مردم می پرسند و تعجب میکنند که اهل آنجا چرا
 اینقدر از ولایت خود دست کشیده و بیکی دنیا میروند
 و در آنجا ساکن میشوند اما جتس این است که سیکی دنیا
 جامیت حاصل خیز و کدزانشان بخوبی و آسانی در آنجا
 میوه گذارند از آنکه در ولایت خودشان از بسکه
 زیاد است تنگی و عسرت می کشند و اهل آنجا بیکی دنیا
 بسیار مردمان کارکن و زیرک اند و آنها املاکی را که
 محمود است معمور میکنند کا و کوه سفید و خانها و انبارها
 و سایر اماکن را در آنجا حاضر و جمیع میکنند
 این بیسلف معین همه را با این اهل آنجا یا امانی دیگر ولایت
 که با آنجا تازه می آید میفرستند قدری از پوشش رانند
 میگیرند و مابقی را انبیه مهلت میدهند و چون که زراعت
 شغلی است که در سیکی دنیا شمالی منفعت زیاد میکند
 این قسم معامله منفعت طرفین است
 یکی از کشتیهای آنجا جنگی که مال دولت است کشتی
 سیکی دنیا گرفته است بجهت این که اهل این کشتی سیکی دنیا
 اعداد بسیار همای معزب زمین که اهل آنجا با آنها جنگ
 داشتند میکردند و کدازش با انسانی و زمین ها نند و

۷۳
 سیکی دنیا رجوع شده است که بصواب بد طرفین با صلح
 در یکی از روزها همای انگلیس نوشته اند که سی عد کشتی
 بزرگ از چون ساخته اند بجهت دولت آستریه که زود در
 رودخانه دلب نماید و این کشتیها بعضی در شهر لونه پون
 و بعضی در شهرهای دیگر ولایت انگلیس ساخته شده است
 میگویند که قشون فرانسه که مدتی است در شهر رومپه
 گفتگونی شده است که بلکه بملکت فرانسه حاجت نماید
 زیرا که بودن این قشون در شهر رومپه ضرر زیاد بملکت فرانسه
 میرساند بجهت اخراجات که باید بآنها بپردازند اما چونکه از
 امورات مملکت ایتالیا بدست خاطر جمیع نیستند مگر
 که درین روزها حاجت نمایند
 اکثر مملکت جزیره العرب که در تصرف فرانسه است آرام
 بود و میگفتند که کمان بود که پرسش لوسی ناپلیان بان ولایت
 سیاحت نماید تا این خبر تعیین نبود
 از هندوستان نوشته بودند که از مملکت قشون
 تعجب نسبت مملکت رنگون روانه میگردند و کمان داشتند
 که جنگ سخت در آن ولایت نبود مملکت رنگون جان
 بسیار گرم و بارطوبت و جنگل زیاد دارد و بسیار
 آب و هوای کمان نیست که دولت انگلیس درین جنگ
 خیال مملکت کبری داشته باشند چونکه نسبت
 بر جای انگلیس که در آنجا تجارت میکنند غلام شده
 و هر چه فرمانفرمای هندوستان سعی کرد که این کدازش
 بگفتند و اصلاح نام شود ممکن نشد حال جنگ می

۴۲۹

که رفع ظلم که نسبت بر عیای ای انگلیس کرده اند شود
 اکثر شهرهای بزرگ این مملکت در کنار رودخانه واقع
 توپ و توپخانه و قشون زیاد دارند و طوری که دولت انگلیس
 با آنها جنگ می کند اینطور است که کشتیها از دریا
 بروی خانه آری وادی که رودخانه بزرگ آنولایت است
 سیف شدند که بشه و حصار و سکر که در کنار آب
 واقع است جنگ نمایند این ولایت بسیار جای حاصل
 خیزد و پر دولت است و لکن اهلش صفا و دوستی
 باهل دول خارج ندارند

در یکی از معادن دغال سسکی در ولایت انگلیس درین
 روزها بخاری که در آنجا حسیب شده بوده است
 آتش گرفته و خیلی از مردم تلف شده اند چونکه
 درین قسم معدن تشویش زیاد است دیوانیان
 آدم میکذارند که در هر شب و چهار ساعت یکبار
 نگاه میکنند که بیند سلامت باشد و جای تشویش
 مذاشته باشد معدن مزبور در همان روز
 نگاه کرده بودند ترکیب معدن اینطور بوده است که
 صد ذرع عمیق کرده بودند اندامند چاه و بعد از آن
 رخنه ها از زیر زمین بچاه مزبور زده بوده اند مردم
 زیاد از مردم وزن و بچه در آنجا کامیک کرده اند که
 در دهن معدن مزبور استاده بوده اند صدای آتش
 این بخارا سینه بودند مانند اینکه باروط زیاد
 آتش بکشد بعد پائین رفتند و دو نفر از در زیر چاه
 یافتند که مرده بودند قدری پیش رفتند و بمیان
 رخنه رسیدند آنجا دیدند که مردم زیاد حسیب شده

و افتاده مرده اند بطوریکه راه رخنه گرفته شده است
 لعش آنها را برداشته و قدری پیش رفتند دیدند
 که در رخنه دیگر هم همین طور راه از لعش گرفته شده است
 معلوم شده بود که بعد از آتش گرفتن بخار مردمی که در
 آنجا بوده اند بطرف رخنه ها گریخته اند و بالای یکدیگر
 افتاده و مرده اند و بعد از آتش گرفتن بخار بخاری دیگر
 در آنجا است که اگر نفس آدم با آن بخار برسد آدم
 می کشد بیشتر از هفتاد نفر در آنجا تلف شده اند که بسیار
 سوخته و زخمی و معیوب بوده اند

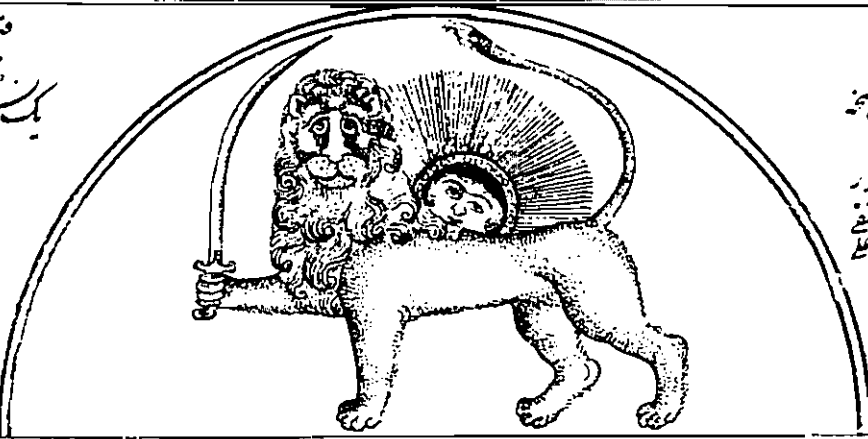
اعلانات

کتابهای چاپی که در دارمخلافه طهران در کارخانه حاجی محمد
 استاد دارالطباعة این روزها ملاحظه نزدیک دروازه دولاب
 زده شده است از این قرار خواهد بود

تاریخ مجالس المومنین قاضی نورالله شوشتری	بیست و دو هزار
کتاب شامنامه	چهار تومان و نیم
کتاب معراج السعاده	دوازده هزار
حمنه نظامی	نه هزار
چشمی	شش هزار
مسالک	شش تومان
مدارک	سه تومان
کشور	هفت هزار
قاموس	دو تومان
تعبیرنامه	پنج هزار
کلیات	هشت هزار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ و رویدادها بیستم ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۳۶۱

مرز بقا و چسبیم
بر کس در طهران طالب
از این روزنا سجا با دربار
جدید درون کان سید علی
بور فروش فروخته
مر شود



قیمت روزنامه
یک نسخه ده پیر کمانه و چون چهار
قیمت اعلانات
ایضا چهار پیر کمانه
بیشتر بر هر خط

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دراختلاف طهران

سابق بر این در روزنامه گذشته نوشته شده بود که چون مقرب الخاقان عباسقلی خان میرنجه با قشون خراسانی در سمرقند خراسان بجهت اغتاش منقحات هرات و افغانستان مشغول خدمت میباشند اشرار ترکمانیه فرصت غنیمت دانسته بنای تاخت و تازار دست اندازی بخراسان گذاشته اند علی هذا از دربار شوکت مدارهایون پادشاه عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان میرنجه را که بصداقت رسالت موصوف و معروف است با عالیجاه عسکرخان سپر که نوکریت آزموده و دودو فوج افشار که از افواج خوب آذربایجان هستند و هزار نفر سوار خسته برای انظام صفحات خراسان مامور شدند اگر چه از بخت بلند پادشاهی صفحات هرات بیسم این اوقات از حسن ایستام اولیای دولت قاهره اشتغال نایره حرب وقتال با رحمت سوق

عسکر و جدال خالی از نظم نیست و مکی الی انجا از اینطور مراقبت و محافظت بکمالیای دولت علیله در کار انجا کردند از روی شوق و رغبت بر عیبتی و جان نثاری دولت علیله خود اقدام کرده اند و بسیار کم دیده شده است که مملکتی که سالها احتیاج دولت بیرون رفتن باشد با این سهولت بازبختیاری خود و طبیب نفس اجماع عام در رضا و رغبت در مقام انقیاد و اطاعت آیند این نیست مگر از بخت شیدهایون پادشاهی و تدابیر کافیه اولیای دولت قاهره که این کار با این سهولت بحد الله شیطام یافته است عالیجاه مقرب الخاقان امیرعلینتقی خان وکیل ولایت طبس حسب الامر علیحضرتیههایون پادشاهی بحکومت طبس سرفراز گردیده و دیک ثوب جنبه ترمه مخصوصی برسم برسم خلعت بافتار او رحمت و عنایت گردیده این روزها بقر حکومت خود روزانه می شود

این اوقات اولیای دولت قاهره حبس اشاره علیه
عالیجاه اسکندرخان زنده را که سالها بایند دولت
قاهره خدمت کرده بود بگنجه فرستاد و اگر سرافراز
و فرمان مبارک در باب حکومت مشارالیه
صدور یافت

چنانچه در روزنامه معتدله گذشته نوشته شده است
این ایام ایام متبرکه که ماه صیام و اوقات طاعت
و عبادت اهل اسلام است علمای اعلام و فضلا و دانشمندان
و ذوی الاحترام در مساجد و منابر ترویج دین مبین و
ترغیب مسکین بطاعت و عبادت و حصول
و عا کونی بجهت از دیار فاه و امنیت قیام و اقدام
و از اهتمام اسنای دولت علیه کمال انتظام و
امنیت از هر جهت و برحیثیت حاصل است قیام
در ایام ماه مبارک رمضان اینقدر مساجد و معابد که
بجهت نماز جماعت و عبادت و موعظه حالا دایر است
از قرار روزنامه شهر که کمی نویسد در بعضی مکان
باسم و رسم پشماز استاده و نماز جماعت میشود
و اوقات عبادت مسکین بطاعات و عبادات و اذکار
و ادعیه و تلاوت کلام الله مجید میگذرد و عسوم
کنند و از محلا فطهران از صنایع و شریف
و اعلی و ادانی در نهایت سودگی و رفاه و شکر گذارند

۴۳۲

علیه الرحمه در رفت و آمد میباشند و قراول
و گزیده و غیره بکسی معترض نمی شوند و مشغول حفظ و حراست
و انجام خدمت خود میباشند و دزدی و چسب
بهیچوجه روی نمید

در شب جمعه مغنم ایماه خاطر مبارک حضرت اقدس
هایون پادشاهی مایل گردید که بجهت ظهور و فور حرم
ملوکانه در باره جناب جلالت آاب صدر اعظم
بضیافت ایشان تشریف فرما شوند و جناب
معظم الیه را با فضا سرافراز فرموده انواع
تکلفات و پیشش دپای انداز و حلویات و غیره
تقدیم شده و جناب معظم الیه مورد الطاف
و اشفاق خاطر حضرت اقدس هایون پادشاهی
گردیدند

امورات قشونی

عالیجاه میرزا علی اکبر سبشرف خانی مبارک که مدت
بیت و پخیال در قورخانه آذربایجان و دار الخلافه
مشغول خدمت بود و از عهده خدمات خود بخوبی و
صداقت بر آمده مورد عنایت و رحمت پادشاهی
گردیده او را بمنصب سرهنگی قورخانه مبارک که سرافراز
فرموده و دولیت تومان بر موجب سابق او افزوده
و باعطای خلعت افتاب طلعت سباهی و سرافراز
فرمودند

عالیجاه میرزا محمد علی که سالهای سال بود بصداقت
و راستی و رفوح ادل خاصه بشغل سرشته داری مشغول
بود این اوقات سرکار اقدس هایون پادشاهی

سر رشته داری کل تو پختاه ممالک محروسه
ایران از عهد سسی و امت تمام شار البه محول
داشته و خلق مرحت نمودند

عالیجاه امامقلی خان لقب بیوک خان برادر عالیجاه
عسکر خان سرتب را که جوانیت قابل و شایسته
حضرت اقدس سالیون شاهنشاهی اوران نصب
سربینکی فوج هفتم افشار مفتخر و سرافراز
نمودند و بسرای فوج روانه خراسان
گردید

فوج کلپ یگانی و بزجنگ که هفتشت ماه بود
مقرنم رکاب حضرت انتاب بودند و از قواعد عشق
و نظام سر رشته کامل حاصل ساخته بودند
و هفت که شته مرخص شدند که چندی
بخانهای خود رفت اسوده باشند

فوج جدید خلجالی که مدت هفت ماه است که حاضر
رکاب مبارک مستند و از قواعد و شش نظامی
سر رشته کامل به سر ساند و بودند مقرنم شد که
مرخص شده چندی بخانهای خود رفته آسوده
باشند

درین روز حضرت اقدس سالیون پادشاه
مخض مرحت در باره عالیجاه پاشا خان بکنجا کرد
سوار نظام جدید یکراسب باو مرحت نمودند

اگر چه در خراسان بقدر کفاف بلکه زیاده از
کفایت تورخانه و توپ مست مجدداً آنچه شکوه

اردوی ابوالجهمی مقرب الخاقان علیقلی خان
میر خجبه دو عراد و توپ و توپچی و تورخانه که مرخت
بود بسرای این اردو مانور و روانه فرمودند

امروز که پنجمه سیزدهم این ایام است عشقون قلمرو
بزرگان با اتفاق مقرب الخاقان علیقلی خان میر خجبه
روانه اند و جناب حلاله آب صدر اعظم که
از شیران لشهر می آید از بیرون دروازه که او
و سواره روانه اند سجه ملاحظه آنها و اظهار القات
و هر بابی و تشویق و امید داری آنها می
که آنها را بد لکرمی و امید داری روانه نمایند

سایر ولایات

کرمان از قتراری که در روزنامه کرمان نوشته
شده بود این اوقات نواب شاهزاده
مؤید الدوله لهما سب میرزا حکمران کرمان
بجهت فرار و حواله قسط مالیات ضابط هر
بلوک را معین کرده و ستاده اند که امر قسط
معطل نماید و تا خیر نقتد و از بلوک
از رویه از قتراری که در روزنامه نوشته بود

خبر رسیده بود که حاصل آبخار اکتلی زنگار
ضایع کرده است بسبب اینکه بلوک
از رویه کر میر است و امسال در کر میر است
آبخار ان زیاد داده است و بسبب

کثرت بارندگی که در آبخار شده است
حاصل آبخار از کار زده است

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود در ماه شعبان بعد از آنکه خلعت عبیدی نواب شاهزاده حسام السلطنه والی مملکت خراسان که بصحابت عالیجاه حاجی مبارک رحمت دارسل شده بود در سیده بود و نواب معزی الیه با کمال اغزاز و احترام تمام با استقبال خلعت فرستاده بیرون دروازه سر پرده زده بودند و بعد از مراجعت از استقبال در همان سر پرده نواب معزی الیه و چند نفر از امرای خراسان و ارباب تسلیم آنجا خلعت پوشیده رسوم تهنیت و مبارکباد بجا آورده بود

شخصی از اهالی خراسان از قراریکه در روزنامه نوشته بودند دایم انحر و کثیر المعصیت بوده است و اولادش ناقص الاعضاء متولد میشده است چندی از معاصی توبه کرده بود این اوقات با محب و امر کتب معاصی شده و در ماه شعبان با زطلی از برای او متولد شده است از قراریکه نوشته بودند دوست ندارد

کرمانشاهان

از قرار روزنامه کرمانشاهان که ستایش خچ جام این ماه رسید نوشته بودند که امورات شهر و لوبکات و ایلات آن صفحات از ابراهیم و رسیدگی نواب شاهزاده اما مقصود میسر است اختیار کرمانشاهان بحال انضباط و نظام را

دارد و در باب امنیت انولایت واستر و اموال مسرود و بطوری رسیدگی می نمایند که بعد از ورود ایشان با انولایت ایلات و طوایفی که دعای چهار ساله و خجالد با یکدیگر داشتند از بیم نوا بدون اطلاع کما شتکان دکان نواب معزی الیه با یکدیگر اجلاس نموده اموال مسرود و قدر انصاف در میانند و موافق المیت که در میان آنها معمول است بصاحب و رضامندی طرفین میگذرانند که مسبا و نواب معزی الیه مطمح شده از آنها مواخذه نمایند

در قسم چنین خانوار بیسای ایلات آنجا که از سئو سلوک حکام از منته سابق متفرق شده و جلای وطن نموده بجایهای دیگر مکن حسته بودند درین اوقات نوشته بودند که از حسن سلوک و رعیت داری و ایل داری نواب معزی الیه مسکلی و طالب شده اند که با ما کن و او طان خودشان مراجعت نمایند از جمله درین زمان تسلیل بقدر چهار صد خانوار طایفه سرخه مبری که درین سئو رفته بخانقین عرب عجم کن شد بودند بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند و از طوایفی دیگر نیز در روزنامه نوشته که بقدر چهار صد خانوار تا بحال مرجعت کرده

در باب استانی عمارات و باغات دیوانی آنجا چنانچه در روزنامه گذشته نوشته شد نواب معزی الیه تمام نموده اند و سایر مردم نیز بدین سبب رغبت احسن عمارات شده و تا بحال بقدر دولت خانه جدید کسری برای خود ساخته

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ روزنامه‌هایی که درین روزهاست
 از لندن پای تخت انگلیس دو شنبه شب هفتم
 رجب بود و در یکشنبه دوم ماه رمضان بدر اخلای
 طهران رسید که در مدت سی و سه روز روزنامه
 لندن بطهران آمده است امناى دولت انگلیس بنا
 داشته اند که ایچی بملکت سیام روانه نمایند
 که عهد نامه تجارت و دوستی و یگانگی مابین دولت
 انگلیس و آنولایت ببندند بعضی ممالک معمور که
 آبادی زیاد دارند و پر دولت اند مابین هندوستان
 و چین واقع اند اما اینها بابل دول خارجه از هر طایفه
 و ملتی که باشند صفا و مروده ندارند و نمیکند از آنکه داخل
 ولایتان بشوند و لکن مملکت سیام از قرار یک سیاحت
 نوشته اند قانونشان بخلاف ممالک آن اطراف
 مردمانی مهربان و غریب دوست اند خصوصاً پادشاه
 آنها که نسبت ب سیاحتان از هر طایفه و هر ملتی که با آنها
 رفت اند التفات زیاد کرده است و ولایت مزبور
 در بعضی از قوانین و مذاهب بطریقه اهل چین میباشد
 ولایتان بسیار آباد است و تجارت عمده دارند
 و شهرهای معمور و رودخانههای زیاد و رودخانه چنان
 بزرگند که کشتی در آنها عبور میکنند

حال بایه زیان و ضرر شده است بسبب اینکه رعایا
 و صنعت کاران از زراعت و صنعت خود کشتند
 و همه بخل طلا در آوردن مشغول گردیده اند و این سبب
 قیمت اجناس بسیار زیاد در آنولایت ترقی کرده است
 و در همین که مردم بسیار تنگی عیشت میکنند
 راست است که در اندک مدت مردمان دیگر آنولایت
 خواهند رفت و آنقدر جمعیت آنها خواهد شد که هر شغل را
 بتوانند راه ببرند اما ما جمیع در آنجا فراموش نباید
 بچندین سبب بابل آنجا بد خواهد گذشت و
 گذشته از اینهم دزدی و حیاب زیاد شده است
 و درین روزنامه انگلیس نوشته اند که موافق قاعده
 و قانون دولت انگلیس کل املاک غیر معمولی پادشاه
 و دیگران حق آنها دارند که در آنجا زراعت بکنند یا
 در بیابانها کار دیگر بکنند اگر چه دیوانیان مانع
 رفتن مردم با آنها که طلا در می آورند نشده اند اما موافق
 قاعده آنولایت این اشخاص در آن زمین بی اذن این
 دولت حق ندارند و بسیار بهتر میباشد اگر دیوانیان
 قزاقی میکنند استند که از اشخاصی که با آنها میروند
 با شسم اجاره یا کرایه یا کمگ یک مبلغ خبری میکنند
 که اخراجات قشون نموده نظم درست در آنولایت بکنند

روس

درین روزنامه نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور
 بشهر وین پای تخت ممالک استریه آمده بود و بتاریخ
 بیست و دویم ماه رجب از آنجا بست شهر راک
 روانه شد که بدین امپراطور سابق ممالک استریه

برود و از آنجا روانه شهر درازدن شده است در آنجا
چند وقت بنا دارد توقف بکند و بعد از آن
روانه وارثش پای تخت مملکت می شود و در ماه ژو
بیموی که بتاریخ اسلام از سیزدهم رمضان تا
سیزدهم شوال می شود بشهر بازندم می آید که از آنجا
امپراطورین همراه خود برداشته بولارون برآیند

فرانسه

تقسیم کردن شکل عقاب در روی چوب بید قهاری
دولت فرانسه که تفصیل آن در روزنامه گذشته
نوشته شد بحال آرامی و نظم در پاریس باقی
فرانسه قرار گرفته است و بعد از آن صاحب منصبان
قشون مهمانی عظیم با آرایش تمام تجبه لوتی ناپلیان
رئیس دولت فرانسه کرده اند در زینت و اوضاع
آنچه ممکن بوده است در آن مهمانی معمول داشته اند
ازین فقره معلوم می شود که چه قدر مهمانی سنگین
بوده است که بیت و چهار هزار شمع کافوری
در آنجا روشن کرده بودند و سایر اسباب
مهمانی را ازین اندازه قیاس باید نمود انواع کلهتای
غریبه معطر و بهترین موز و کاجیان فرنگستان و سایر
اساس را با زینت تمام حاضر کرده بودند

باینطور نوشته اند که پرنس لوتی ناپلیان بنا دارد
که بعد از آنکه مدت که کار آن ولایت درست نظم کرد
کل اهل فرانسه را هر یک در شهرها و بلوکات خود نشان
جمع نماید و از آنها سوال و تحقیق بشود که تجبه پادشاه
فرانسه که اختیار خواهند کرد آیا لوتی ناپلیان
بلقب امپراطوری می خواهند یا با نری سینگ را که
از اولاد قدیم پادشاهان فرانسه است می خواهند که

موافق پادشاهان سابق در آن ولایت پادشاهی نماید
و هر کدام را که خلق اختیار نمایند او پادشاه باشد

مطلبی غریب در خصوص یکی از دیوانیان فرانسه بروز
کرده است یکی از حکام شهرهای گسست جنوب فرانسه
در وقتی که معصرتین را گرفته بوده است از ایشان
پول بر سوخت مسی گرفته است که وساطت آنها را
در نزد آلمانی دولت نماید اول دیوانیان قبول نکردند
که حاکم مزبور چنین عملی کرده باشد اما چون که بسیاری
از معصرتین که مجبوس گردیده با بنجارج فرستاده شدند
بودند این مطلب را مذکور نموده بودند حال حاکم مزبور
گرفته و مجبوس کرده اند اما درین باب تحقیق نشود

احوال است متفرقه

در یکی از جزایر هندوچ که سوزنده است درین روزها
مازه آتش و سنگ که اخته از او بیرون آمده است
بطوری که کویا در روی زمین چنین کوه سوزنده با بقدر
آتش و شعله و فلز که اخته تا بحال دیده نشده است
از قرار تقریر سیاحان که آن قسمت رفته اند
میگویند که این معدن بطوری که اختگی وارد که از سرخی گذشته

بنادارند درین روزها شصت هزار قشون در جای
وسط مملکت فرانسه جمع آوری نمایند بجهت
و مسکویند که خود لوتی ناپلیان سرگردگی باین قشون
خواهد کرد
در یکی از روزنامه های بلژ در باب امورات فرانسه

و بعضی میزنند و مانند آب که از قوای جستن نماید
از سر کوه بیرون می آید و دولت ذرع بلند میشود
و تخمیناً بقدر میت و پنج ذرع فضا است و از آنجا
مانند رودخانه از کوه پنهان جاری می شود و در بعضی جاها
رُبع فرسخ عرض دارد و در آنجا که از سی ذرع تا ششاد
ذرع عمق دارند پر کرده است و با نهم پیش میرود
جنگلهای که از ابتدای دنیای تا بحال بوده اند در زیر این
آتش جاری مانند علف خشک که به بخاری میفتد
سوخته شده اند درختهای بسیار بزرگ مانند غلغله
که بدم داس در آنجا میفتد در دم این آتش افتاد
و سوخته اند بسیار خانهها از انالی آن سینه
شده اند اما تا بحال نوشته اند که کسی در بین آتش
تلف شده باشد در سر این کوه جانی حالی
بود و معلوم می شد که دود و بخار از آنجا میصاعد
میشود و این کوه کوه سوزنده است و درست خاموش
نشده است اما این آتش تازه از آن جای آتش قدیم
بیرون می آید است ارتفاع این کوه که از او آتش جاری
بیرون آمده است نوشته اند که از سحر محیط دو هزار و
ذرع بلند تر است نوز این آتش از آنجا که جاری
بر می آید رسیده است اما اگر اینطور پیش برود آخر
سحر محیط خواهد رسید

ست جنوب یعنی از مصر علیا می آید و از آنجا که از
بیابان بل آب و علف در یک زار می آید بسیار گرم
میشود و یکی دیگر از سمت شمال می آید چونکه از است
سحر محیط که در آنجا آق دیکه سبنا مندی میوزد خشک است
در روز نوزبور این دو باد در نزدیکی پای تخت می رسد یک
رسیده رعد و برق و طوفان زیاد شده بود درختها
در باغ شوبره از بیخ کنده و تکرک زیاد نیز آمده بود
هیچکس درین فصل چنین طوفان و تکرکی در آنجا
بیاد نداشته است

در مملکت فرانسه زنی هست که معتاد و پنج سال دارد
و با وجود سن زیاد در بسان بازی میکند چند سال
پیش ازین از همین کار پول زیاد جمع کرده و این سطلها
ترک کرده بود بعد برادرش مفرور شده بود قرض
برادرش را داده و دوباره کار رفاصلی در بسان باز
پس گرفت و از آنوقت تا بحال همین کار مشغول است
چند سال پیش ازین بولایت اسپانیول رفته و بعد
سه هزار تومان پول ایران در آنجا جمع کرده بود
و باز میخواست ازین کار دست بکشد و بگوشه نشیند
این بازم در زمان در راه با او برخورد پولش را
گرفتند در ایام جوانی این زن امپراطور ناپلیان او را
بسیار دوست میداشت یک وقتی بی پول شد
عریضه بنایلیان نوشته بود و ناپلیان ده هزار فرانک
که هزار تومان پول ایران میباشد بجهت او فرستاده بود
حساب غلام و کنیز سیاه که از مغرب زمین سحر برده کوه

۴۳۷

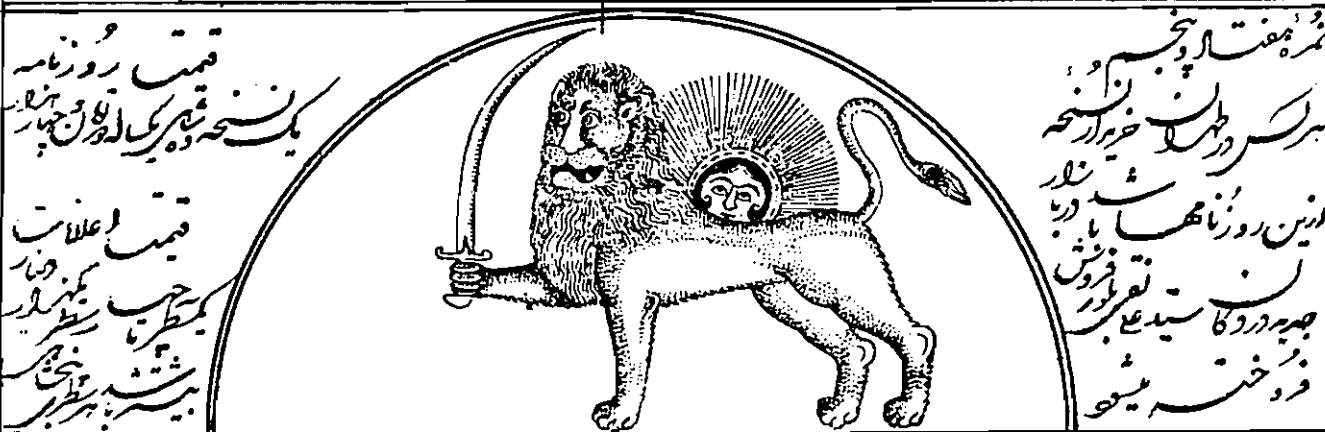
آورده اند در مابین ده سال گذشته درین روزها
 باینطور نوشته اند که در سنه ۱۸۴۲ عیسوی ۶۳ غلام
 و کنیز و در سنه ۱۸۴۳ (۸۰۰۰ و در ۱۸۴۴) (۱۰۰۰ و در ۱۸۴۵
 ۱۳۰۰ و در ۱۸۴۶) (۲۱۹ و در ۱۸۴۷) (۱۴۵۰ و در ۱۸۴۸
 ۱۵۰۰ و در ۱۸۴۹) (۱۷۰۰ و در ۱۸۵۰) (۳۵۰۰ و در ۱۸۵۱
 که پار سال میباشد ۵۰۰۰ کنیز و غلام آورده اند
 معدن کلی فارسیا باز موافق سابق کار میکند و طلای زیاد
 از آنجا در می آورند اما چونکه ما بین دولت تنیکی دنیای
 شمالی که صاحب آن ولایت هستند و بعضی از اهل
 دول خارجه که رفته اند در آنجا کار کرده و طلا بیرون
 آورده اند گفتگونی در سر اجاره زمین معدن منور شده
 مکان است که قراری تازه درین باب گذاشته شود
 بسیاری از مردم که با آنجا رفته و اسباب سراه
 خود با آنجا برده اند که سنگ سفید را مانند سنگ
 چاق خورده نموده طلا از آن بیرون بیاورند حال این
 سنگ را از معدن چیمبا میخرند قیمت ارزان
 و طلا از او بیرون می آورند و باینطور منفعتی بر چته خود
 حاصل می کنند از اینکه خودشان از معدن در آورده و
 جمع میکنند
 میگویند که شخصی در مملکت منته چیزی اختراع کرده است
 که کندم را طوری می کنند که هر قدر بخواهند بکارند
 عیب نمی کند و بعد از چند سال از برای آرد کردن و خوردن
 یا از برای کاشتن مثل سال اول بکار میخورد و هیچ
 تفاوتی نکند از امانای دیوان آنجا مجلسی تعیین

کرده اند که درین باب تحقیق بشود و اگر راست باشد
 چونکه بکار خاص و عام بسیار خواهد خورد انعام زیاد باین شخص
 میدهند
 در روزنامه مندوستان نوشته اند که بنا بر پنج و دهم ماه ربيع الثاني
 در مملکت کوچ که چسبیده بولایت سند است زلزله سخت
 و چهل و پنج ثانیه طول کشید بود در سمت دشت سوار
 آنجا چندان خرابی کرده اما در کوههای مریخی خرابی زیاد
 کرده و سیصد و چهل نفر در آنجا تلف شده اند و اکثر
 خانهای شهر کهن خراب شده است پارچهای سنگ از
 کوهها پائین افتاده اما متفقی که با آن ولایت رسانده است
 که رودخانه کوچکی از آن ولایت جاری بود حالا آبش رسیده
 و زراعت آن ولایت را بسیار زیاد کرده است و تا به پنج
 فرسخ اطراف آنجا زلزله گرفته و حرکت زمین معلوم بوده است
 اما در شکار پور و شهرهای پنجاب اثری از زلزله معلوم نشده است

اعلانات

چون ایام ماه مبارک رمضان است و به اشرفین روزنامه نیر در موبک
 هایدون میباشد هر کس از صاحبان روزنامه که در شهر
 یا در موبک هایدون باشند موافق سابق روزنامه بآنها بپردازند
 مگر اینکه بجهت ایام روزه عوض صبح پنجشنبه عصر پنجشنبه
 میرسانند و لکن اشخاصی که در سایر دما ت شمیران
 منزل کرده اند چون رساندن روزنامه بآنها
 فراشان که روزنامه نعم می کنند مقدور نیست لهذا
 اعلان می شود که این اشخاص که در موبک هایدون منزل ندارند
 هر یک به اشرفین روزنامه اخبار نمایند که روزنامه آنها بهر کس
 و در برابر هایدون مستقیمت کنند داده شود که بآنها برسد

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه رمضان المبارک مطابق سال سیچان ۱۲۶۸



قیمت روزنامه
یک نسخه و یک کپی
قیمت اعلانات
بمطابق
بیشتر

نمونه
بر سر
ازین روزنامه
چهره در کاسه
فرد خسته

اجبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

در معاملات آنها گردیده بشکرانه رفاه و امنیت
و عاکنونی ذات اقدس بایون پادشاهی اشغال
نمودند
در روزنامه هفتگه گذشته صفحه اول بروی سنگ
باسمه خانه درست بنکشته بود و با سینه از اینکه
خواسته بود روزنامه معطل نشود و بقاعده استمر
پنجشنبه از دارالطباعة بیرون بیاید در شهر داده بود
صفحه اول را کاتب دیگر مجدداً نوشته بود و کاتب
در سطر شانزدهم تبرک لفظ بدون و در سطر هفتم تبرک
نقطه مطلب را بخلاف بنیان واقع نموده بود و آن در باب
هرات بود که نوشته شده بود صفحات هرات از پنجشنبه
اعلیحضرت پادشاهی حسن اتمام امنای دولت قاهره
بدون اشتغال ناپیزه حرب و قتال با سوق عسکر و جدال
با نظام آمد و کاتب نوشته بود که از حسن اتمام اولیای دولت
قاهره و اشتغال ناپیزه حرب و قتال با سوق عسکر و جدال
امرا آنجا منتظم گردید لهندا تو صبیح میشود که ولایت مزبور که
مدتها از اختیار سلاطین ایران انار الله بر ما نهم بیرون

در اختلاف طهران
در روز شنبه پانزدهم این ماه موکب مسایون
اعلیحضرت پادشاهی انقضیه نیادوران
بدار اختلاف طهران بجهت تفسیح و تماشای نقاشی
و بلور آلات و قطعات که تجار و اصناف پور
جرات و صحن معش حضرت امامزاده زید علیه الرحمه
چیده اند شریف فرما کردند و جناب جلالت
صدر اعظم و سایر مقربان دولت علیه و چاکران
حضرت گردون لبط سینه طرم کاب نصرت
انتاب مسایون بودند اصناف صنایع کار
هر یک اسباب قطع و خیر تازه که داشتند معین
خسود در آورده و هر کدام که مقبول و مستحسن نظر اقدس
بایون افتاد خریداری فرمودند و فی الحقیقه از روز
روز شادمانی و خورسندی تجار و اصناف و
کسبه آنجا بود که سبالتح کلی بلور آلات و اسباب
قطع از قبیل و قماش از آنها ابتیاع فرمودند
و ای معنی سبب مفاخرت و مبارکات و رواج داو و ستند

۴۳۹

رقه بود و باوستان قشون و جنگ و محاصره فتح
 بجهت آنها دست میداد و درین اوقات آنحضرت
 علیه صحت پادشاهی بدون جنگ و نزاعی
 کل اهل ای و اعیان و عموم خلق بهرات و آن اطراف
 بملاحظه امنیت و رفاهیت این دولت جاوید مدت انتظام
 و رعیت پروری علیحضرت قوی شوکت پادشاهی
 انقباد و فرمانبرداری را مانع مغرمت و سبب
 رفاه و آسودگی خود دانست به میل و رغبت مستدعی
 چاکری و عیثی گردیدند و اهل این دولت علیه را جا
 مبات و شکر اناست که چنین ولایتی عمده این
 سهولت درین زمان ابد مقرون باز ضمیمه دولت علیه گردید
 و امیدست که بعد ازین اهل ای ولایت نیز در پناه عافیت
 این دولت علیه در امنیت و رفاه باشند

این اوقات اهل شهر دار الخلافه طهران لعلمت قلمت
 در تنگی بودند اولسای دولت تا هر چه است
 محض ملاحظه رفاه و آسودگی عموم خلق خاصه ضعفا و سگان
 ناده روز آب در بند و آوین را با یک نذر
 آب کرج بشهر حمت نمودند و خواهی نیز بجهت برین
 آب محض ثواب از خود دادند که ازین باب است
 کسان دیگر و جوی مطالبه نشود و آب شهر
 جاری ساخته اند پنج شتر کاپوی اطراف آب
 داخل شهر گردیده با تمام آرد آنها تا قصر و کجا
 تا شهر و کلانتر و که خدایان و نماینده اش خاند
 فراسان در شهر و محلات بجمع خانها آب

تقسیم شده و همه آب بارها و حوضها پر از آب
 و همه خانهها سیراب گردیده و همه مردم خاصه
 فقرا و عجزه ازین رهگذر آسوده گردیده بدعا کونی ذات
 اقدس همایون پادشاهی مشغول
 چون از نسیمه کاری که نوکرهای دیوانی بامید اغل زیاد در پیوست
 خود بدون ملاحظه کرانی نان مال کار با تجارت خارج میکنند معاجز
 مشاهیر میشود که از آنجمله فخره آن اظهار میکرد و اولاً همیشه
 نوکرهای دیوانی معروض میکردند بجهت این بیلو قرض داری ایشان و آنرا
 منصب نوکرهای المزه عاری و بری همانند واحدی حوت است بآنها
 منظور منیدارد ثانیاً در سر وعده که طلب تجارت خارج نیست اوقات
 جنابان سفر اقلع می نمایند ایشان رسم باقتضای تکلیف
 خدمتگذاری دولت و سررستی کتبه و عیث بطوری است
 در وصول طلب تجارت خود می نمایند که اولیای دولت علیه بجهت
 عاقبت کار بیرون و بخشش کند لابد میشود یا طلب تجارت خارج را
 از کینه دیوان اعلی بپند و حال آنکه موافقین قاعده و انصاف
 دخلی بیرون ندارد یا اینکه باقتضای و رسوائی مقروضین را میگذرد
 خانه و اوضاعی که دراز بجمیل تمام بقیمت نازل فروخته و طلب تجارت
 خارج را ادا نمایند و یا اینکه آنها را در حبس بجا داشته تا که
 از مردن و تلف شدن آنها گذشته باشد و بعد ما نوکران
 صورت اعتبار و حالت نوکری افتاد مثل خود را منحصر ببد و ما
 دولت نمایند مالک اگر از جانب جنابان سفر اخذ ان اصرار و
 جانب اولیای دولت بالفرض بنا بپاره مواج حسابی بان
 تفصیل اتمام در وصول طلب تجارت خارج نشود و بر سر وعده
 خواه آنها نرسد تجارت و کاسبی باز نماند بطوریکه
 نظر علیحضرت پادشاهیست تجارت رواج بهم نرسد بجهت

۴۴۰

رخ اینگونه معایب و مزارت نسبه کاری نوکرمای دیوانه
 هر چند قبل ازین هم اولیای دولت علیه بسزای دولت
 خارجه تکلیف نموده اند که تجار خود قدغن نمایند که بنگران
 دیوانی نسبه فرودستی بخشد این اوقات بموجب شرف
 دولتی مجتهدان تکلیف منی را نموده خواست رسیده است که
 تجار کسان خود را قدغن بلیغ نمایند که بانوکرهای دیوانه
 و اشخاصیکه در شکست کسبه نیستند کاری نکنند
 و معاملات خود را با تجار معتبر کسان مگر به درگاه کاشان
 بیشتر و زیاد تر سازند منظور اولیای دولت ازین قرار واد
 این نیست که مردم از خریدن مال و اجناس دولتی
 احتراز نمایند و خلط تجارت خارجه برسد بلکه مقصود ازین
 قرار داد ترویج تجارت خارجه میباشد که روز بروز منافع
 تجاری بیفزاید و اموال تجار خارجه از تضییع و تلف مصون
 محروس ماند و با وصف منی باز هر یک از نوکرهای دیوانه
 و اعیان این مملکت معامله نقدیرا با تجار خارجه زیاد نمایند
 که دخل نسبه کاری نداشته باشد رضای خاطر
 اقدس اعلیحضرت پادشاهی را بعمل خواهند آورد

این اوقات نظر بلاخط خدمات و اتمانی که از نواب شاهی
 و الایبار نصره الدوله فیروز میرزا حکمران مملکت فارس بطور
 و در پیشگاه حضور مسایون مقبول و مستحسن افتاده اولیای دولت
 قاهره حسب الاشارة العلیه مبلغ بیکهزار و دولت تومان
 بر مقرر نواب معزی الیه افزودند و فرمان مبارک نشینند
 مصدر خلافت کبری شرف صدور یافت
 چون عالیجا رضاقلی خان سرمنک فوج عرب در سفر کربلا

فارس صدر خدات شایسته نمایان شده و مرتب
 خدمت گذاری او را نواب شاهی هزاره نصره الدوله معدوم
 حضور مایون داشته و بسیار مقبول و مستحسن افتاد
 لهذا محض ظهور رحمت لوطا نه در باره او با عطاء یک قطعه
 نشان مرتبه دویم شکرکی مغفرت و سه روز شرف و نمود
 فرمان مبارک که بتر شرف صد یازده ارسال شد
 سابقا شریف سعیدی و فخر دارباشیکری در مایون نوبه معتبر
 آقا محمد حسن محمول بود و چندی قبل ازین این دو مثل عالیجا حاجی حیران
 محمول شده بود این روزها محض ظهور رحمت لوطا نه در باره مغفرت
 آقا محمد حسن مهر در مجتهد ایش سعیدی خلوت منصب تفکداری
 در بار مایون بجهت رای محمول گردید که کما فی این مشغول تقدیم لوازم
 این دو منصب بزرگ باشد و یک ثوبه تیر مبارک تیرا
 فرمان مایون با شکار و رحمت شد
 جناب جلالت آتای علی محض و وزیر مختار دولت بمبئی بعضی
 صاحب منصبان سفارتخانه در روز سه شنبه غمگین گشته
 بسنت آب گرم سنگ لاریجان روانه شدند و چند وقت
 در آنجا توقف خواهند داشت
 و همین جناب جلالت آتای وزیر مختار دولت بمبئی با اکثر
 صاحب منصبان سفارتخانه در روز شنبه پانزدهم این ماه از قریه زنگنه که
 توقف داشتند روانه بلوک دیماوند گردیدند که چند وقت در آن
 اطراف توقف نمایند
 سایر ولایات
 اسر اباد از خار که در روزنامه آنجا نوشته بودند این اوقات چهار
 سوار که بفرمانت فله کنسار آمده بودند و لکن تخلفی بجهت خبر شد
 رفته چند نفر امفول مانعی منگوب مخمبول مراجعت به نگه کرده اند

۴۴۱

۱۰۰۰

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته بودید امر استیضاح
 انتظام و انضباط دارد و نوابش هراده مصطفی قلی
 حکمران مازندران بجهت حصول رفاه و امنیت رعیت مأمور
 عامه مردم رسیدگی مینمایند و خود مقیم وقت و غیره
 میکنند از قراریکه نوشته بودید بجهت نیامدن باران
 زراعت کاران در توشش بوده اند نواب معسری
 روزها ببرد و بچن میرودند و آب را موافق عدالت
 بزراعت آنها تقسیم مینمایند که کسی زیادتی نتواند
 و هم چنین بجهت کمی آذوقه و غله مان در شهر ساز
 لیکن بیکه از دینار شده بود مراتب بعضی نواب معسری
 رسید چنانچه جناب از خواسته بعد از تحقیق و
 مواخذة مانوا استعد و قلمم کردید و اندک تارخ محمول
 تا زاد من و نیم بیکه از دینار بفروشد و بعد از
 رفع محصول سه من بیکه از دینار بپند
 و نیز بجهت کمی محصول که توشش کرانی و حسرت
 بجهت اهل انولایت بود قرار دادند که شلتوک و غیره
 بخارج انولایت فروخته نشود و در خود انولایت
 مصرف برسد که اهل انجاردینسکی و حسرت
 نباشند مگر اگر زیاده از قدر مصارف خود داشته
 باشند بد از اخلاف طهران اذن دارند که محل نقل بمانند
 و بفروشند و بجای دیگر اذن فروش ندارند

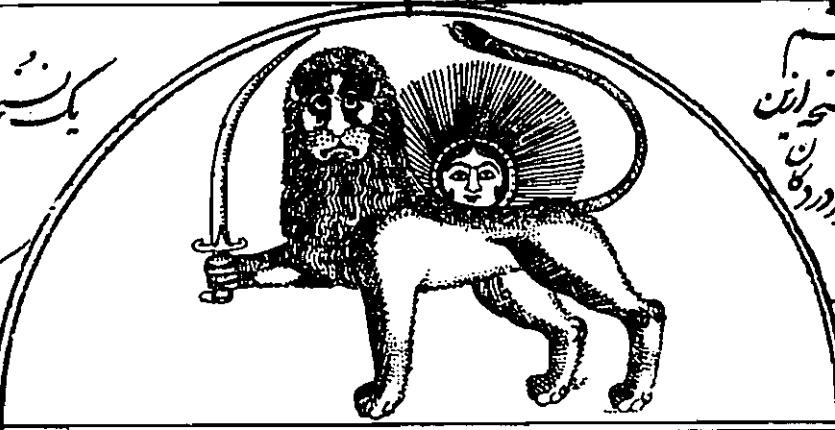
نواب معسری الیه نواب مسعود میرزا را حسب استیضاح
 اهل شهر بار فروش حاکم انجا کرده و روانه کرده اند

عالیجاه مقرب الخاقان محمد یوسف خان میر تقی
 که بجهت ترتیب و انتظام ملازم خواجه و نذ و عبد الملک
 و رساندن مواجب آنها از دربارها یون پادشاهی
 مأمور گردیده بود از قریب یک در روزنامه انجا نوشته بود
 در وقت ورود با انجا نوابش هراده مصطفی قلی میرزا
 جمعی را با استقبال فرستاده و لوازم اعزاز و
 احترام را معمول داشته اند و محتوایی که از دیوان
 اعلی بجهت مواجب ملازم فرموده حواله مازندران بود تمام
 و کمال موجود و کار سازی کرده اند و مقرب الخاقان
 مشار الیه رحمت حاصل نموده و بمیان ملازم فرمود
 رفته است که امر آنها را انتظام داده و مواجبها را
 رساند

در باب کارخانههای شکر ریزی که حسب الامر لیسای
 دولت قاهره مقرر شده بود که در مازندران بشود
 در شهرهای ساری و بار فروش ساخته شود
 از قراریکه درین روزنامه نوشته بودید کارخانه
 شکر سازی که در میدان ارک واقع و جای باصفایت
 درین روزها با تمام رسید و بسیار خوب و بزرگ است
 و در اوایل ماه شعبان قدس فیدی که از شکر سرخ انجا
 ریخته شده بوده است با قدر کتار که دروسی
 چندان تمیز داده نمی شده است و بجهت فروش در
 دکان آقا محمد اسمعیل نامی بنک دار گذاشته اند که
 هر کس بخواهد بکین بجهت دینار بخرد و کارخانه شهر
 بار فروش نیز از قراریکه نوشته بودید درین روزها
 نزدیک با تمام است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیست و هفتم ماه رمضان المبارک مطابق سال سیچان ۱۲۶۵

قیمت روزنامه
یک ششماهه
قیمت اعلی
یک سطر تا چهار سطر
شش سطر تا هشت سطر
بیشتر با هر سطر



نزد بهفت و ششم
هر کس در طهران خبر از سیچان
روزنامهها در سایر بلاد
سید ناصر فرزند
درخت مشو

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

خراسان و اتمام خدمت ابوالفتح مقرب الخاقان
علیقلی خان میر خجسته باشند و روز روانه
شدن مقرب الخاقان مشارالیه از دارالخلافه
طهران با افواج و سواره ابوالجهمی خود جناب
جلالت مآب صدر اعظم سجدت راه انداختن
افواج و سواره مزبور به میان آنها رفتند و
مجنبت و مهربانی بسیار با آنها نموده و با کمال
دلگرمی و امیدواری در همان روز روانه خراسان
گردیدند
فوج جدیدی قراقرز لو ابوالجهمی عالیجاه
مقرب الخاقان مصطفی تسلیمان میر خجسته در روز
یکشنبه شانزدهم این ماه سان و دیده
مرخص خانهای خود گردیدند و مقرر شد که
فوج مزبور با اتفاق فوج قدیم فدوی قراقرز لو
در شهر ذی قعدة الحرام بر کباب ظهر انتساب
تا یون حاضر شوند
فوج کمره ابوالجهمی عالیجاه هشتم خان در روز

دار الخلاقه طهران
امور است قشونی درین روزه اولیا
دولت قاهره حسب الاشارة العلیه
اختیار حکومت کلپایگان و خوانسار
مقرب الخاقان اجودان باشی محول و مفوض
بوده و آقا احمد سیراز از انجا
موردند
عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان میر خجسته که
خراسان بود با دو فوج افشار تیرسی عالیجاه
عسکر خان و یک هزار نفر سوار جنگ و دو عراده
توپ و توپچی و تور خاچی که ابوالجهم مقرب الخاقان
مشارالیه گردیدند در روز شنبه پانزدهم
این ماه از دارالخلافه طهران روانه خراسان
شد حسب الاشارة العلیه مقرر گردید که
سواره و پیاده متوقف خراسان و افواج
آذربایجان و عراقی که در خراسان میباشند
سواى سه فوج خراسانی کلاً مادام توقف در

۴۴۳

پانزدهم این ماه حاضر کاب نصرت انتساب
و در خارج و در وازده دولت بطراقدس هایدون
اعلیحضرت پادشاهی رسیده مورد التفات
و وازشات ملوکانه گردیدند و مقرب شد که پیش
داراخللا و طهران مشغول مشغول باشند

فوج قدرمانند که برسی عالیجاه علیستغی خان
سرتیپ مامور کرمان بودند در روز دوشنبه
اینجا طرف عصر روانه کرمان شدند

سایر اخبار و احوالات

چون این اوقات اعراب بادیشین بغداد طغیان کرده
اقدام بایذ و اذیت نمودند و از زوار و توافل
باجهای خلاف مسکرتند و بهر نوع اذیت رسانند
از سفک دم و قتل و نهب مصایف نمیکردند علماء

فقها و مجتهدین ملت اسلام و ققم آند بهین ملاحظه کرد
زیارتی را که از جمله مستجابات اولی بحال مسکین
حرام دانستند و مرتب را خدمت اولیای دولت
قاہرہ اظهار و خواہش نمودند که تا قراری در نظم امور

انصفاات داده نشد قذغن شود کسی عزیمت زیارت
عبات عالیات را نماید اولیای دولت قاہرہ نیز
نظر تجویز علماء و فقہا و مجتهدین و ملاحظه رفاه
حال مسکین چنین قرار دادند که تا امر آن صفحات

بیب طغیان اعراب بادیشین بغداد اغتشاشی داد
و احتمال ضرر و خسارت بلکه قطع و اذعان بایذ و اذیت
زوار میرود ترک عزیمت زیارت نموده از هیچیک از
بلا و بیچکس بعزم زیارت عبات عالیات نرود تا آنکه

قراری در نظم امور آن حدود داده شده بعد از آن
مردم در کمال رفاه و آسودگی عزیمت زیارت نمایند

چون این اوقات انقلاب و اغتشاشی که در صفحات
خراسان بود از اهتمامات اولیای دولت علیہ
فی الجملہ تسکین یافت عالیجاه مقرب انخاقان معتمد

سردار و حاکم ہرات واعیان و اشرف آنجا
برای انہار شکر گذاری و بندگی خود عالیجناب
قدسی آداب ملا فیض احمد مفتی را با عریضہ و تمکینش

بدر بار شوکتدار ہایدون روانہ دانستند این روز
عالیجناب شارالیه وارد شدہ ابلاغ عریضہ و
کرده مورد رحمت و عنایت و لوازش اولیای

دولت قاہرہ گردید

جناب جلالت بآب وزیر مختار دولت بہیہ
کہ با صاحب منصبان بہت دماوند گشت انصفاات
رفته بودند در روز یکشنبه ۲۳ اینجاہ مراجعت نمود
وار و قرینہ زر کنند ہشیران کہ محل توقف ایشان گردیدند

سایر ولایات

خراسان از قرار کہ در روزنامه خراسان
نوشته شده بود اما مالی قلعه عنایت آباد و مریامی
کہ در سرحد ترکمان واقع است بعلت بد اشتن
خندق و بی استیقامی قلعه مزبورہ ہیثہ اوقات از

تعرضات ترکمان مضطرب بودند مراتب را بنوا
شاہزادہ جام السلطنہ والی مملکت خراسان
عرض کردند نواب معزی الیہ نیز تجواہ دادہ و او ہم

فرستاده اند که در در هر دو طلع خندق
 و شیر حاجی درست کرده آنجا را مضبوط
 مستحکم نمایند و از امین الطینان زیاد بجهت
 آنجا حاصل گردیده است
 و همچنین حنظل آباد که یکی از دماست که بوی
 تبادگان است تا قرا و نخانه که در آن طرف ساخته
 نیم فرسخ مسافت دارد و از ترکمانان نسبت
 آنجا تعدی و یحیی ابی زیاد واقع می شد مراتب
 بعضی نواب شاهزاده جام السلطنه و الی مملکت
 خراسان رسانده بودند که مقلعه نذاریم و بین
 سبب نمیشود این خود را از تعرضات ترکمانان محال
 نمائیم و مقلعه نداشتیم با ششم از مال و جان و عیال
 خود اطمینان نذاریم نواب معتمد الیه نیز
 رفاه حال آنها محصل تعیین کرده بودند که رفت
 از پشتکوه تبادگان هر قدر عمل ضرور باشد
 بگرد و دست نرفتن نیز از ارض اقدس همراه
 خود ببرد که بزودی بجهت آنها مقلعه درست نمایند
 و هر چه اجرت عمل میشود از بابت مالیات دیوانی
 آنها محسوب شود

اصفهان

از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته بودند
 چراغعلی خان نایب الحکومه آنجا فوج قیام
 و چهار محالی را در عمارت تالار طوبی اصفهان
 حاضر کرده تفریق مواجب و تدارک آنها را که از
 دیوان اغلی شخص شده بود بخود سر باز داده که در

همین ماه رمضان المبارک روانه دربار شوکمند
 نمایان باشند و باید این اوقات وارد شوند
 از تشریح یک نوشته بودند فوج دما و تندی و تندی
 که نامور سحر است اصفهان بودند با آنجا رسیده
 و بعد از ورود آنها افواج کرازی و توپچیانی که
 در آنجا بودند مخص و روگردید

نوشته بودند که در هیات ششم نام عموزاده
 که خدای مهیار عقب شهدی علی نام مهیاری
 و اظهار کرده بود که خدا او را خواسته است شهدی
 با ششم بخانه آقا زین العابدین که خدا فرستاده
 از غروب آفتاب اهل خانه شهدی علی از بیایدن او مضطر
 شده و هر چه بهر جا فحش کرده اند او را نیافته اند بعد از آن
 رفته زین العابدین که خدا و ششم عموزاده او را گرفته اند
 از شهدی علی اثری ظاهر نشده است مگر کلاه خون آلودی
 او در میان برج یافته اند و در وقت مقتول نزد علیجاه چراغ علی خان
 آمده اند و فرستاده زین العابدین ششم را با اصفهان برده
 حکم برافه نموده در وقت مقتول از اثبات عاجز شده و حکم تقسیم
 در وقت مقتول بجا و یک قسم بقانون شریعت مطهره یاد کرده
 که زین العابدین که خدا قاتل شهدی علی است بی هواداری
 تا هزار تومان میداده اند که او را نکند و در وقت مقتول نگردد
 و سی تومان قسم در وقت مقتول بعبه میداده اند که او را
 قبول نموده است بالاخره قاتل را حکم عالیجاه نایب الحکومه
 بدست در وقت مقتول داده اند پس و خواهر و زوجه مقتول که در وقت
 منحصر بانها بوده بسیار بگردن قاتل انداخته و او را بقتل رسانده

عربستان

از تریار که در روزنامه آنجا نوشته بودند در
 او خرمه و حب محصول زراعت نواز چون گندم
 بدست آمده و بسیار آورده بوده اند و در کار
 وز و غنله بوده اند و بجهت اداقت و استیجاب
 و محصول آنجا رسیده و فراوان و خوب
 اند کرده بوده است و از غنله سال گذشته
 امسال در آنجا کمال و فراوانی را دارند
 امالی انولایت بسبب ارزانی و فراوانی
 و امنیت نهایت سرور و شادمانی و شکر
 گذاری را دارند

دیگر نوشته بودند که در اول ماه شعبان بعد
 یکصد بیت فرزند جهاز از جمع دولت
 علیت ایران و سایر دولت متحابه دین گناه
 بند رحمت در شط کارون لنگر اقامت
 انداخته بودند و شب و هم آن جهاز
 آتش افروخته و چراغان کرده بوده اند
 بسبب و نورگشتیها و جمعیت اهل کشتی
 اظهار جشن و شادمانی و عیش و چراغان
 بوده اند

دیگر نوشته بودند که یک کشتی بزرگ درین
 روزنامه از بند و ستان دارد شط العرب
 مقابل حشره گردید و نواب هند می بایکند
 شصت نفر از متعلقان و دولتگان خود
 در اول نوشته اراده زیارت عسبات عالیات

داشته اند و یک روز در آنجا لنگر اقامت
 انداخته اند و کسب اکتی مزبور راه میداده اند
 از قراریکه نوشته بودند کشتی بسیار بزرگ
 بوده است و تیر دکل داشته و اوضاع
 غریب و در او بسیار ترتیب داده بوده اند
 نود و هجده منقش بجهت شین داشته است
 که بنا به ایت صفا و امنیت بسیار ساخته بوده اند
 و از چیرشیت آراستگی و زینت تمام دارند
 و از قرار مشهور روزی یکصد تومان کرایه کشتی
 بوده است در این ایام کسب کشتی باین بزرگی آنجا
 انده بوده است

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
 امورات انولایت بعد از ورود نواب امعلی
 تاکنون روز بروز فقط هم تراست و در هر باب
 خود رسیدگی دارند بخصوص در ساختن و تعمیر
 عمارات که مایه آبادی و شکوه ولایت است اهتمام
 کامل دارند از جمله در عمارت مشهور بعین
 روزی یکصد نفر بنا و عمل و نقاشی در کارند
 آنچه تا بحال ساخته و تعمیر شده بسیار بهتر
 از سابق است و پنجهین حاجی کریم و باغ مرحوم
 محمد علی میرزا و سایر عمارت دیوانی را تعمیر می
 بدهند

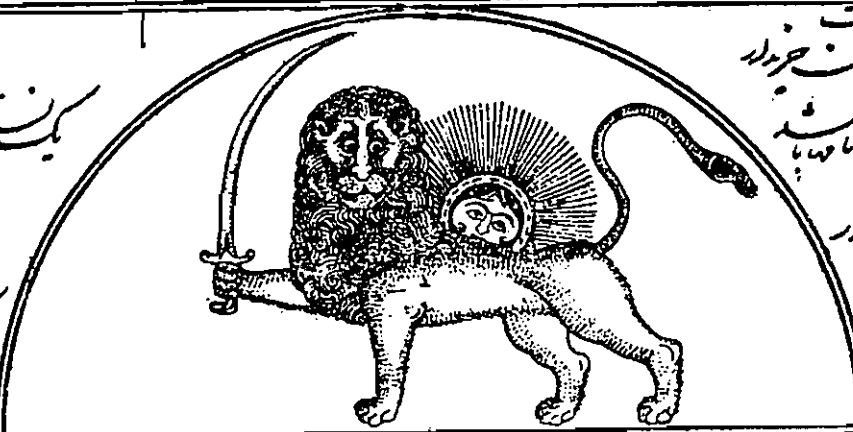
همدان

از قراریکه در روزنامه ان نوشته اند امر ایجاد کمال نظام
 که از آنها هم تقریب آنجا خان عبداللهم و صاحب نام م
 منصفان نظام کمال نظام

۴۴۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه چهارم ماه شوال المکرم مطابق سیال پتچان ۱۲۶۱

قیمت روزنامه
یک شمشیر یک لاله قلم و چهار
قیمت اغلات
یک سطر چوبی در هر روز
بسیار با هر روز



مزه هفتاد و هفت
هر کس در طهران خبردار
شش روز این روزنامه باشد
در بازار جدید در
دکان شماره نقره
بور فرودش خرید

اجتبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

نظر بطهور و وزیر اعظم خسروان در باره جناب
جلالت آت صدر اعظم درین عید سعید
جناب معظم الیه را با عطا ای یک قبضه
شمشیر وضع و یک توبه جبه شمه مرصع از
جمله بلبلوسات خاصه سرافراز و قدین
وامتیار فرمودند

جناب جلالت آت وزیر مختار دولت بهیته
روس بعد از آنکه از حضور اعلیحضرت پادشاهی
بیرون آمدند بدیدن جناب جلالت آت صدر اعظم
رفتند و مکالمات دوستانه و مبارکباد عید
نمودند

نظر بطهور و رحمت اعلیحضرت پادشاهی در باره
عالیجاه مقرب الخاقان حاجی علیخان فرانسوی
مقتب ساجب الدوله درین اوقات با عطا ای
یک قطعه نشان اول مرتبه سرسنگی و یک
رشته حمایل سفید بین الامثال و الاقران بین
مفاخرت و مبارکباش فرمودند

در روز دوشنبه غره اینماه که روز عید ماه مبارک
رمضان بود اعلیحضرت پادشاهی بقاعده معمولی
این دولت علیت در عمارت جدید سلطانی
نیادوران سلام عید فرمودند و امناد اعیان و
چاکران در باره شکوه در حضور همسر ظهور
شرفیاب گردیده هر یک در جای خود تشریف
و شیلیک توبه و ربورک بجهه عید چنانچه
در دولت علیه ایران رسم و تمدن نمودند
و جناب جلالت آت وزیر مختار دولت بهیته
روس و عالیجاه بلند جایگاه عاصم بیک
صلحتگذار دولت علیه عثمانیه نیز بجهه مبارکباد
عید پیام شرفیاب حضور پادشاهی گردیدند
و جناب جلالت آت ایچی مخصوص روز مختار
دولت بهیته انجلس چون درین اوقات بجهه
گردش نسبت اسگ لاریجان و آب گرم انجام
رفتند بودند در روز عید رمضان در حضور اعلیحضرت
پادشاهی حاضر نمودند

۴۴۷

چون توجّه ملوکانه اعلیحضرت پادشاهی مقتضی تربیت
وجود مسعود نواب شاهزاده اعظم سلطان حسین
گردیده لهذا نواب ساسان میرزا پسر نواب
شاهزاده بهار الدوله را بر تبت لایگی و تربیت
نواب شاهزاده معتبر الیه در روز بیست و هفتم
ماه رمضان المبارک سر بلند و بشرف کتب
جنبه ترمه اعلی از صند و قنایب مبارک که قرین
اعزاز و افتخار شرف نمود

امورات قشونی

عالمجاه پرویز خان سرتب سواره چهار دولی با
که احضار بر کاب نصرت انتاب سمایون شده
بودند در روز دوشنبه غره اینماه بحسب حکم
سابق با سواره مزبوره در کمال استعداد بدربار
شوکت دار پادشاهی وارد

قشون متوقف در بار سمایون از اهل نظام که تجبه ایام
ماه مبارک رمضان از مشق معاف و مرخص بودند
در روز دوشنبه دویم این ماه بحسب الامر مشغول
مشق گردیده افواج قاهره نظام کما فی السابق در
میدان خارج دروازه دولت و توپچیان در میدان
ارک مشغول مشق متعلین دار الفنون در درجه سرتب
مشغول تعلیم و تعلم میباشند
عالمجاه محمد قلیخان ولد سردار حسین خان سردار که
بود بحسب الاشاره العلیه مامور پیروز باشیکو
علا آن مامور بتوقف دار الامان کرمان گردید
که مشغول انجام طاعت استجا باشد

عالمجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان بحسب الامر
عفلت از عقب فوج مخبران ابوالجمعی عالمجاه قاسمخان
سرتب که مامور بفارس بودند فرستاده در میان
منزل مینار قومی اصفهان بجا پاری با آنها رسیده
و در پهن راه آنها را حاضر باش که ده و سان دید
موافق سانی که در کاب سمایون داده بودند
زیاده از دوسه نفر غایب و فواری نداشتند
و روانه فارس شده اند

چون بحسب الامر اعلیحضرت پادشاهی مقررات
که همیشه اوقات ده دوازده فوج در دربار جهاندار
مشغول مشق باشند لهذا در فوج حشر را نیز اجتناباً
بر کاب نصرت اشاب فرمودند که بدار انخلاف طهران
آمده با افواج متوقف رکاب سمایون مشغول
باشند

مظنه تسعیر اجناس و دار انخلاف طهران که ماهی یک
در روز نامه گزیت نوشته میشود درین مهفت
از اینقرار است

- کندم سا و جیلانی کچودار دو تومان و چهارده
- کندم در شهر کچودار دو تومان و هزار و
- کچودار دو تومان و صد و
- برنج عنبر برنج چهارمین دو هزار و شصت و
- برنج سفید کرده چهارمین سه هزار و یکصد و
- برنج کرده چهارمین دو هزار و پانصد و
- چهارمین یک تومان
- یکمین هزار دینار

جو یکخزوار	یک تومان و دو هزار پانصد و نود و پنج	تباکوی اعلی	چهارمین پانزده هزار
گاه یکخزوار	پنج هزار	تباکوی وسط	چهارمین دوازده هزار
ماش یکخزوار	سه تومان و پنج هزار	ماست	چهارمین یک هزار و چهار صد و نود و پنج
عدس یکخزوار	سه تومان	پنیر شور	چهارمین چهار هزار و پنج صد و بیست
کرچک یکخزوار	پنج تومان و دو هزار و پانصد و نود و پنج	بادنجان	صد و دو هزار و پانصد و نود و پنج
ارزن یکخزوار	پانزده هزار	سبزی آلات یکمن	ده پول
نمک یکخزوار	پنج هزار	قندارسی یکمن	شش هزار و پنجاه و پنج
غله یکخزوار	پانزده هزار	آب غوره یکمن	ده شای
سنگینک یکخزوار	پانزده هزار	سیرکه یکمن	سصد دنیا
سخت قزوینی یکخزوار	پنج تومان	بنات یکمن	نهم هزار و ده شای
سخت درسی یکخزوار	سه تومان	شکر یکمن	سه هزار
همه یکخزوار	یک تومان	بن یکمن	دو تومان
ذغال یکخزوار	پانزده هزار	میخک یکمن	چهار هزار و پانصد و نود و پنج
شیره چهارمین	دو هزار و پانصد و نود و پنج	دارچینی یکمن	هشت هزار و پانصد و نود و پنج
حنا چهارمین	سه هزار و پانصد و نود و پنج	فلفل یکمن	دو هزار و پانصد و نود و پنج
پیه که اخت چهارمین	هشت هزار و ده شای	زیره یکمن	یک هزار و شصت و سه
کشک چهارمین	دو هزار	زعفران یکجاریک	دو تومان
الونجارا چهارمین	چهار هزار و پانصد و نود و پنج	حلوبات یکمن	چهار هزار
گشمش طعام چهارمین	دو هزار و دو	سکنجبین یکمن	سه هزار
هندوانه کمانچه چهل من	شش هزار و ده شای	سایر ولایات	
طابی بیست من	چهار هزار	ادریه ایجان از قرار یک از تبریز درین روزها نوشته	
کرک بیست من	سه هزار	بود جناب جلالت مآب غیر کبیر دولت علیه عثمانیه که درین	
انگور بیست من	پنج هزار و پنجاه و پنج	مامور سفارت دولت علیه ایران شده بود از اسلامبول سرودن	
شع یکمن	دو هزار و پانصد و نود و پنج	و باید حال از دیکر سرداران شده باشد تا چند بوم	
روغن خراغ یکمن	یک هزار و پانصد و نود و پنج	دگر وارد دارالسلطنه تبریز خواهند کرد دید	

۴۴۹

استرآباد

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته شده بود این روز یک شبانه روز بارندگی زیاد در مازندران و استرآباد شده است بطوریکه در سیچوقت کمین بارندگی در آنجا مشاهده شده بوده است و آب رودخانههای آنجا نیز بسبب این بارندگی زیاد تر گردیده است

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده چند روز قبل از کلات خبر رسید که با تعداد سواران سرخس بغزم تاخت و تاز بیرون آمده و آب شاهزاده و الایب حاکم السلطنه والی مملکت خراسان نیز بجزیره استخوان تپه و تدارک دین و ببرد هم اخبار گردید بقرا و لجانها آدم فرستاده بودند که خبر بیاورند از قراولخانه محمودآباد خبر رسید بود که سوار داخل خاک جام شده است و سواره جامی هم با جنبار قراول خانه حاضر بوده اند صبح که سوار سرخس برای تاخت و تاز بیرون آمدند چند آنکه دست پا زده بود ز چپین از آنجا نتوانسته بودند اند بپزند و سواره جام هم با جنبار کسان آنها را از سر حد گذرانده و چند رسا نیز از آنها گرفته از خاک جام بیرون کرده اند و هم چنین در روزنامه خراسان نوشته

شده بود که خان خنیوق بغزم گرفتار زکوة پیر و آمده بوده است و ابل آنجا تکلیف کرده اند و میانشان لب ز غم آنجا سیده ولی معلوم نشده است که آخر کجا منحرف شده باشد

دیگر از قراریکه نوشته بودند عالیجاه عباسقلخان بیکر سبکی که با هزار نفر سرباز و هزار نفر سواره و دو عراده توپ مامور تعمیر خرابی بروج آق در بند و قراول خانههای مزدوران و غیره شده بود این اوقات آنجا مار تعمیر نموده و در هر یک از قراولخانهها ازین قرار تعمیر نموده و تفکیحی و تسکین داده است و مراجعت کرده است

در بند مزدوران آق در بند
تخت برج تعمیر شد و چهار برج تعمیر شده و شهر
هزار و هفتصد ذرع دیوار ساخته شده
و صد و پنجاه نفر شخاچی و صد و پنجاه نفر تفکیحی
و تفکیحی با اسباب لازمه با سرب و بار و طویر اسباب
در آنجا گذاشته است لازمه گذاشته است

قراول خانه میدان
یک برج تعمیر شده و ده نفر تفکیحی با اسباب لازمه گذاشته شده
دیگر در روزنامه خراسان نوشته شده بود که در سر جام بارندگی زیاد شده و بعد تکرار زیاد باریده است که هر یک علی التبعین چهارده سپرالی بیت سیر بوده است و تا چهار پنج روز در روی زمین مانده و آب شده و خرابی زیاد با آنجا رسانده بوده است

۴

اخبار دُول خارجه

انگلیس روزنامه آخر که از لندن پای تخت
 این ولایت رسید بتاریخ سه شنبه نوزدهم
 شعبان بود در شهر و بلوک انولایت خلق
 در تدارک معین کردن و کلا از جانب خود بودند
 که بشور سخانه و دولتی پای تخت که حسب الحکم پادشاه
 جمع می شوند روانه نمایند و وزیر پادشاه درین
 باب خلق را خبر کرده بوده اند
 از هندوستان نوشته بودند که قشون انگلیس
 رنگون و قلعہ مرتیان را که هر دو در ولایت برمه
 میباشند گرفته بودند و هر دو جا در دست قشون
 انگلیس بود و بجنک سخت گرفت بودند و بنا دادند
 که در اینجا توقف نمایند تا موسم باران که تمام شود
 بعد از آن حرکت کنند و این موسم باران در
 تابستان قشون بزبور بجهت ناخوشی و بدی آب
 و هو او گرمای انولایت بسیار اذیت می کشند
 در جنک این شهر و قلعه یکصد و سی عسکراده توپ
 بست قشون انگلیس افتاد بود و یکصد و سی نفر نیز
 از قشون انگلیس کشته و زخمی شده بودند و قشون
 انگلیس از بر قسم شت هزار کس و قشون اهل برمه
 بیت و پنجاه کس بوده اند و پوچیان آنها در بر
 چاکب و خوب بوده اند و ازین جنک معلوم شده است
 که اهل انولایت نسبت بزمانهای سابق در علم
 جنک و قواعد نظام حالاً بسیار ترقی کرده اند
 و با نظام شده اند

روس

اعلیحضرت امپراطور روس شهر و پیشه پای تخت
 مملکت استریه دیدن اعلیحضرت امپراطور استریه
 آمده و چند وقت در اینجا توقف فرموده اند و
 از اینجا بنا داشته اند که بشهر برلین پای تخت مملکت
 پروسیه بروند و در اوقات توقف در شهر و
 اهل استریه از اطراف و بلوکات اینجا بشهر و پیشه
 آمده مراسم جشن عیش و شادمانی را معمول
 و کل اهل شهر اسباب عشرت و طرب فراهم
 آورده بوده اند خاصه اوقاتی که هر دو امپراطور در یک
 کالک نشسته بکشت و تماشا میرفته اند مردم نیز
 از سواره و پیاده با احترام آنها جمع گردیده اطراف
 مسرت و خور می بینند

فرانس

روزنامه آخر که از پاریس پای تخت انولایت رسیده
 بتاریخ روز چهارشنبه مئیم شعبان بود امورات
 این دولت نسبت سابق بطور خوب راه می رفت
 اما بسیاری از اهل اینجا که مایل بسلطنت اولاد پادشاه
 قدیم فرانس و نوگردیوان بودند درین روزها استعفا
 کرده اند بسبب اینکه درین روزها قرار گذاشته است
 که هر کس نوگری دولت فرانس را بخواند بکند
 باید قسم بخورد که راستی و غیرت و صداقت
 بلوئی ناپلیان و دولت جمهوری فرانس است
 نماید و از آنرا که این اشخاص اگر چه حالا خدمت بدولت
 جمهوری فرانس می کنند اما چون پیشان بقانون

قدیم اولاد پادشاهان سابق فرانس است این
 قسم و قسم را بنجوزند و از خدمت استغفامی کنند
 از جمله مردمان متشخص و مشهور ولایت فرانسه
 که درین ایام از آن ولایت اخراج شده اند یکی میبود
 طریس است که در ایام لوی قلیب پادشاه سابق
 فرانسه بارها از جمله وزرای فرانسه شده بود درین
 روزنامهها نوشته اند که از طرف دولت فرانسه
 باو تکلیف کرده اند که مراجعت بولایت فرانسه کند
 اما او قبول نکرده و گفته بود که درین ایام از ترس
 من بهترین است که در خارج بمانم و الا آن در ولایت
 انگلیس توقف دارد و یکی دیگر ژرژ آل شکریه است
 که سر کرده رشید مشهور قشون فرانسه بود
 و حالا در مملکت فرانسه است جمعی از دوستان
 تکلیف کرده اند که بولایت فرانسه مراجعت نماید
 او نیز قبول نکرده و گفته بود که من نمی توانم در زیر حکومت
 لوی ناپلیان در فرانسه خدمت نمایم بهترین است
 که همین طور اخراج بلد باشم همدمه کان و بودار
 مازنی سینک که از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه
 در فرانسه توقف داشتند و بی امیدواری بودند
 از این که یک وقتی مازنی سینک بحق خود که سلطنت
 فرانسه است برسد و لکن خود مشرب این اشخاص کاغذی
 نوشته بود که مبادا جنگ دشوار بکنند که با
 خوزری بلکه از هر سبب باعث ضرر بولایت فرانسه
 بشوند و کار خودشان را نیز نتوانند پیش ببرند

۱۵۲

و با آنها حکم کرده بود که هر یک در جای خود آرام نشینند
 مبادا کاری بکنند که مورد مواخذه و بازخواست
 انمای دولت جمهوری بشوند معاینی که در بزرگی دولت
 رانی لوی ناپلیان در دولت فرانسه است
 همین فقرات است و لکن در سایر مواد بجهت دولت
 فرانسه حکمرانی رئیس نر بود بسیار خوب شده است
 تجارتشان روز بروز بهتر و نظم در ولایتشان
 بیشتر است و در جایا که هیچ خاطر جسمی از امور خود
 نداشته اند حال در امنیت و رفاه میباشد
 سایر دول فرانکستان بجهت اقتشاش مملکت
 فرانسه هیچ خاطر جسمی بان دولت نداشته اند
 و در تشویش بودند که مبادا یک روزی اقتشاش
 آن ولایت بولایت آنها سرایت نماید حال چونکه نظم
 تمام در آن ولایت دارند اعتبار دولت بیشتر شده است
 در باب قشون فرانسه که متوقف شهر روم میباشد
 گفتگویی شده بود که بلکه طوری بشود که آنها بولایت
 فرانسه مراجعت نمایند سبب این که بودن قشون
 مزبور در آن صفحات اخراجات دولت فرانسه را
 بسیار زیاد بگردانند اما سبب این که کار آن سمت
 مملکت ایتالیا اعتبار آنها را نداشته بعد از شور
 و صلحت زیاد قرار گذاشتند که قشون مزبور تا مدتی
 باز در آنجا متوقف باشد
 احوالات متفرقه
 جزیره کوبه که یکی از بزرگترین جزایر خط استواست

و بجهت حاصل و آب و هوا بهترین جاهای آنجاست
تا بحال زارعین آنجا کلاً غلام و کنیز سیاه بودند
که از مغرب زمین می آوردند این وقتا چونکه دولت انگلیس
و سایر دول فرنگستان با هم بیکر عهد نامه بستند
که آوردن غلام و کنیز از مغرب زمین موقوف
باشد حال آوردن غلام و کنیز بجهت آنجا قدر
شکل شده است از اینجهت بنا گذاشته اند
که از برای زراعت آنجا عمده فسله از ولایت چین
بیاورند و چند نفر از تجار انگلیس که در آنجا میباشند
بعضی از اهل آنجا معاملة کرده اند و مضمون معاملة اینست
که هشت هزار فله تجار از ولایت چین بآن جزیره
بیاورند و هر چند بیت و پنج پوند پول انگلیس که
پنجاد و شش تومان و دو ریال پول ایران میشود
اهل آنجا بگیرند درین معاملة اهل جزیره که بوجه خود را
کرده اند زیرا که قیمت غلام و کنیز سیاه که از مغرب
می آوردند نفی صد بیت پوند پول انگلیس که دو
هفتاد تومان پول ایران است میشود گذشته ازینهم
منفعت دیگر در آوردن اهل چین دارند که این سیاهها
اکثرشان آدم وحشی اند که هیچ چیز نمی فهمند و
تا وقتیکه زراعت یاد بگیرند مدتی طول می کشد و تا
اخراجات خوراک و پوشاک آنها را بکشند تا آنجا
بگیرند و اکثر اهل چین بسیار مهارت تمام در کار
زراعت و صنایع دیگر دارند و این اهل چین که با
می آیند مدت ده سال بجا جان املاک و
زراعت کاران آنجا نوکری شوند و تخمیت بار و زری

سی شاهی اجرت خودشان را میگیرند بر آوردن
آوردن اهل چین و سیاههای مغرب زمین هر دور
کرده اند و آوردن اهل چین با آنجا صدمه است
از آوردن سیاههای مغرب زمین
در ولایت انگلیس در آخر فرنگستان و اول بھار
بسیار کم بارندگی شده است و این بارندگی کم
بجهت این ولایت که رطوبت و بارندگی زیاد دارد
بسیار تعجب است از بیت هفتم ربيع الثانی
که آخر چنگ که کوهک بود تا پانزدهم جمادی الاخر
پنج روز بارندگی شده است آنهم بسیار کم و یکروز
دیگر که بیت رومش از عید نوروز بوده است برف
آمده است و در دهم باران کمی آمده و شش
روز بعد از عید نیز بار برف کمی آمده است چونکه
کُل زراعت ولایت انگلیس دریم است و زراعت
آبی هیچ ندیده اند بجهت نبودن باران بسیار
شده اند و حاصلشان بسیار افتاده است
و بعضی جاها که از رودخانهها و چاههای کوچک
و غیره آب بر میداشتن درین ایام خشکی نیم
راه میرفتند که یکسبوی آب بیاورند
اما در آخر ماه رجب که چهل و پنج روز از عید گذشته بود
بارندگی در آنولایت شده است و قدری از
تسویس کرانی و کمی آذوقه آوردن آمده
بجهت بدی آب و هوا گرمی و وسط قطعه افریقا که مغرب
عینا منند از اهل خارج بمیان این ولایت بسیار
کم رفته اند و در هیچ یک از کتب قدیم و جدید احوال

انولایت را درست نوشته اند از آنچه بعضی از
 سیاحان بسیار طالب میشدند که میان انولایت
 بروند درین روزها دو نفر یکی از اهل اخلیس و یکی
 از اهل سویدن با نولایت رفته بودند اندانکه از اهل
 سویدن بوده است در آنجا مانده و آن شخص نخل بلبل
 مراجبت کرده و او را در اجلاس نشاندند اندک احوال
 سیاحت خود را بیان نماید از فراری که مذکور داشته است
 تا درجه بیت و یکم از طول دنیا رفت بوده اند چند
 بزرگ از وسط این مملکت میگذرد و بنا دارند که کشتی
 بخار با آنجا بفرستند که از دریای بخت مالای
 این رود خانهها بروند بخار فزنگستان امید دارند
 که تجارت زیاد در آنجا بر آید و نفع خوب بردند
 خصوصاً از خاک طلا و عاج و غیره

تا پوی تیز بنیاد دارد که کشتی جنب کی این است
 که محافظت از کشتیانان که رعایای خودش میباشند
 بکنند
 از شهر فلان رس نوشته بودند که بنا داشته اند که
 قشون آستریه را که در آنجا توقف داشته اند از آنجا
 بردارند اما در ثانی بیرون رفتن از آنجا را موقوف
 کردند و در نهایت که قشون دیگر نیز با آنجا نرفتند
 سببیکه کمان بود که اهل آنجا دو باره افسار
 اغتاشش نمایند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که اول ماه مبارک
 رمضان را در آنجا از روز جمعه گرفته اند و در همان
 اعلام کرده بودند که اهل در خانه و چاکران دیوان با
 بدر خانه میسایند و لکن سجده ایام روزه روزه در هر
 میباشند که بخانههای خود رفته باشند تحت مشورت

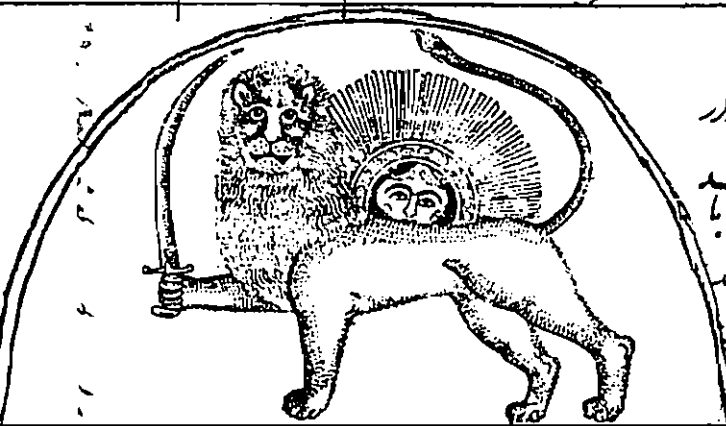
اعلانات

کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالمحمد
 استاد دارالطباعة این روزها در محله نزدیک
 دروازه دولاب زده شده اینها را در زیر
 کتاب محمد نظامی نه هزار دینار
 کتاب شاهنامه چهار تومان و نیم
 کتاب سراج السعاده و آورده هزار
 کتاب جوهری شهر اردینار
 کتاب سبک شش تومان
 کتاب مدارک سه تومان
 کتاب کبکول هفت هزار دینار

وزدان دریای جزایر یونان روز بروز در کار دارند
 جسورتر میشوند و بیشتر دزدی میسایند و در این
 اوقات آمده اند میان یک لسنکر گاهی نزدیک
 بشهر اصمیر و بسیار راحت و غارت در آنجا کرده اند
 اکثر کشتیها را که میگردند غارت میکنند و مال
 آستریه اند و بکشتیهای دولت اخلیس و فرانت
 و روس خندان دست میزنند و نزدیک می
 از آنچه که از انقزام آن دولت شورش کلی دارند
 دولت آستریه بنا دارند که دو کشتی که هر یکی
 چهل پنجاه عراده توپ در میانش باشد و دو کشتی
 دیگر از آنها کوچکتر که هر یک پانزده عراده توپ در میان
 باشد باید کشتی بخار با آن صفحات بنویسند و در

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۶۱

فہمیت اعلانات
یک شنبہ کی ایک تہ چہار
فہمیت اعلانات
یک شنبہ کی ایک تہ چہار
بیشہ ہر پریچہ



نہ ہفتاد ہستم
ہر کس و طرک ہر ہر
نہ شنبہ ازین روز تا ہوا
در بازار جدید دروکان
نہ ہر کس و طرک ہر ہر

اخبار داخلہ ممالک محروسہ ہندوستان

دارالخلافہ طہران

آہنہار نمودند و بعد از ملاحظہ افواج قاہرہ نزدیک
نہ ہر کس و طرک ہر ہر
پیشتر در ہمن روز نامہ نوشتہ شد کہ باید بر
حکم اولیای دولت علیہ توکر باب دیوانی با تجار
دول خارجہ سبہ کاری نخبند مال آہنہار اہل
تخصیص و تلف و اولیای دولت را بقام رحمت
و مہارت نیارند مجدداً از راہ ماکب محض حفظ اموال
و سرمایہ تجارت تجار مزبورہ فرما لیش از جانب
اولیای دولت علیہ باین مضمون صادر شد کہ ہر
از توکر ہای دیوانی کہ احراز از سبہ کاری نمایند
و باز مرگب شوند مورد مواخذہ دیوانی و اخراج از توکر
خواہند بود و امیدست کہ بعد ازین رواج امر تجارت
تجار دول خارجہ کہ باہر دمان معتبر و معقول خواہد بود
و اگر توکر باب ہم با آنہا معاملہ نمایند معاملہ
نقدی خواہند کرد و روز بروز در مملکت علیحضرت
پادشاهی بیشتر و بہتر اوائلہ منافع کل بر دارند

در روز شنبہ عینماہ علیحضرت قومی شکست
پادشاهی از نیاداران سوار شدہ غنیمت شہر
فرمودند و جناب جلالت مات صدراعظم و
سایر اہل اعیان و چاکران دربار شکستہ دار
ہایون ملزم رکاب حضرت انتساب بودند و ر جلو
فصر قاہرہ سوارہ چہارہ ولی جمعی عالیجاہ پرویزخان
کہ از آذربایجان احضار برکاب ہایون شدہ بود
صف کشیدہ با کمال آراستگی از نظر ہایون گذشتند
و موکب ہایون از آنجا بہر شریف فرما شد
مراجعت اول برای توثیق مالی مدرسہ نظامیہ با
تشریف بردند و از آنجا بیرون شہر تشریف بردند
افواج قاہرہ بظن آن کہ حسب حکم مقرب انخان اہل
در میدان شوق خارج دروازہ دولت حاضر شد
بظہر مبارک علیحضرت پادشاهی رسیدہ با کمال
آراستگی و انتظام بنظر آمدند و موکب ہایون
افواج رفتہ تہاشای آراستہ مشق و حرکت

چون سالها بود که میرزا رفیع خان قزوکی نظر بجهت
 و رزانت قلعه فوک که از قلع محکم و مستحکم خراسان است
 مستطرد شده بطوریکه باید اطاعت کلی بپنجگام خراسان نمود
 این اوقات نواب شاهزاده حسام السلطنه والی مملکت
 خراسان بر حسب امر و لبای دولت قاهره عالیجا پاشا
 سرتیپ را باد و فوج سینهانی و دامغانی و مقرب استخانات
 امیر اسد الله خان حاکم قایمات را با قدری از سوار
 پیاده خراسانی برای انتظام آن صفحات
 نموده بودند بعد از وصول مشار الیهما با پنجاه کلبان
 باستظهار حصانت قلعه بنمای خود سری گذاشته
 قشون پادشاهی را با پنجاه راه نداده بودند عالیجا پاشا
 با افواج جلادت شعار و سوار جزار با کمال شجاعت و
 جلادت و یک ساعت آن حصن حصین را که قلعه
 در میان بکه گیر بود و مفستوح قلعه کیانرا متحد و
 مغلوب نموده بطوریکه باید مثل سایر قلعهجات خراسان
 ساخلود و قراول گذاشته و میرزا رفیع خان چون
 مستاصل شده و چاره برای خود نیافت بود و از آنجا که
 مراحم ملوکانه اعلیحضرت پادشاهی را نسبت
 بامیر الامراء العظام سعید محمد خان سردار و حاکم بهرات
 شامل کل وید بهرات رفته عالیجا پاشا را لیه
 و مقرب استخاقان ساخان المغانی را شفیع بخشیم
 خود و درخواست غنوا از لبای دولت قاهره نموده
 شفاعت عالیجا پاشا را در حضور سالیون
 عز قبول یافته معترف نموده که ساخلود قلعه فوک که
 اذیت بود میرزا رفیع خان خود بد را بر جایون آید

در حق او گذشت و رحمت ملوکانه مبذول افتد و در
 از او این خدمت از قوا تقصیل ذیل در حق استخاقان
 فتح قلعه مزبور و مصدر خدمت شده و رشادت
 و جلادت خود را ظاهر ساخته بودند خلعت نشان
 مرحمت کردید انفاذ و خزان

عالیجا پاشا خان سرتیپ	چهار پیراهان خان جبهه سره
نایب مرتبه اول حاکم سرخ	
سرتیپی	یک نند
قطعه	یک ثوب
جبهه سره	
یک ثوب	

علی علیقلی خان سرتیپ	چهار پیراهان خان سرتیپ
دانشگاه نشان سرتیپ	نایب مرتبه اول حاکم سرخ
سرتیپ دویم	قطعه
قطعه	طاقه

عالیجا پیراهان خان کتبه	چهار پیراهان خان کتبه
نشان دور العام نقد	سختی باشند بد
سرتیپ	نایب مرتبه اول حاکم سرخ
قطعه	قطعه
سرتیپ	نایب مرتبه اول حاکم سرخ
طاقه	قطعه

سایر ولایات

گرامان شاهان از قراریکه در روزنامههای گرامان
 می نویسند امر آنجا این اوقات از اتهام نواب سرتیپ
 اما مستلی میرزا نسبت بزمانهای سابق بسیار
 منظم و مضبوط است و امر سرقت و راهزنی
 که سابقا در زبان طوائف و ایلات اطراف

کرمانشان اغلب اوقات اتفاق می افتاد
 این روزها از استام نواب معزنی الیه
 سپار کم شده و بندرت اگر از کسی مالی سرقت
 بشود حتماً پیدا کرده بصاحبش میرسانند
 از جمله نوشته بودند که درین اوقات استام
 از مقرب الخاقان عباسعلیخان میرنخا ایلان
 در چمن شب دزدیده بودند مراتب بنواب معزنی
 عرض شده حکمی بطوائف مرقور نوشته بودند
 که اسب سرود را میخوانم و از هر طایفه که
 برود کف آن طایفه غارت خواهد شد بعد از
 چهار شب اسب را آورده در همان چمن سرود
 بودند و هم چنین در جمیع آوری تعرفه ستوان
 که از طوائف ایلات و بلوکات آنولایت بسبب
 سوء سلوک حکام اینست سابقه از آنجا که چیده
 و بجای دیگر متفرق شده بودند درین اوقات
 نظر بحسن رفتار نواب معزنی الیه اغلب آنها
 از روی میل و رغبت با ماکن و اوطان خودشان
 مراجعت مینماید از جمله رعیت زتاب که متفرق
 و اکثری بنجاک دولت علیه عثمانیه منت بودند
 بقدر سیصد چهارصد خانوار آنها را درین روزها
 نواب معزنی الیه جمیع آوری نموده در زتاب
 گننی داده اند باینکه امورات شهر و بلوکات و
 ایلات و طوائف آنجا از هر سبب کمال انتظام و
 انضباط را دارد و واحد بر قدرت و یاری حجابی
 و خلاف قاعده بس و اگر ادو طوائف ایلات که همیشه

نظم گریزان بودند این اوقات کلی فتنهای تکبیر را دارند
 عربستان
 از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند اند
 استامات اولیای دولت قاهره حسن مرآت
 و مواظبت نواب شاهزاده احتشام الدوله صاحب
 عربستان و کربستان و برودت و سختیاری
 امر آن صفحات که غالباً محل ظهور شرارت و سرقت
 و راهزنی اشرا از سختیاری بود این اوقات مشتمل
 کمال نظم و انضباط را دارد و واحد بر قدرت و
 نیت و اگر کاهی سرقت و بختابی بندرت اتفاق
 بیفتد نواب معزنی الیه بجز دستخوار در مقام
 آن بر می آید از آنجمله این اوقات یک قبضه تفنگ و
 الت مساحت از سران فتنه سباج ایلان
 سوسن جوان بهبهان سرقت شده بود نواب
 معزنی الیه بجنس استماع فی القور آدم فرستاده و
 سارقین را گرفته تنبیه کامل از آنها بعمل آورده بودند
 و تفنگ و الت مساحت را از آنها استرداد نمودند
 علیجاهم برزاریج مستونی بر وجود و کسب خود فرستاده که
 رو و از آنجا فطهران بجناب جلالت نواب المرحوم
 دوزیر مختار دولت بهبهان اخلیس سپرده نوشته رسید
 بکیر و دو سچین چند رسن با بود قاطر که طایفه علمانی
 را یکی از سید حسن و آقا سیر زانام بسرقت برد بودند
 این اوقات نواب معزنی الیه آدم فرستاده آنها را از
 سارقین گرفته بصاحبانش رسانده قبض رسیدگی از آنها
 گرفت ارسال داشته بودند

۴۵۷

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود
 نواب شاهزاده حاتم السلطنه والی مملکت
 خراسان همه روز مشغول دیدن سان سواره
 خراسانی هستند و بعد از دیدن سان با عا
 و افراد سواره منوچهر حکم مینمایند که اسبهای
 خود را داغ نمایند و آنها نیز حسب احکام همان ساعت
 اسبهای خود را داغ کرده میروند از آنجا
 عباستقلجان بیکر بیکی سواره در آنی را در حضور نواب
 شاهزاده سان داده بود نواب محبتی
 سواره و اسبهای آنها را پسندیده و قرار داده
 بودند که پنجاه نفر هم غلام جدید اسبهاشان را
 داغ کرده و این سواره و غلام سپرده عالیجاها
 بوده و همه در شهر مشهد مقدس حاضر و مشغول
 خدمت باشند

و یکروزنامه خراسان نوشته بودند که بعد
 از آنکه عالیجاه پاشا خان بقلعه گزیک رفتند
 الی قلعه مزبور نزد عالیجاه پاشا آید اظهار
 مراتب بندگی و اطاعت خود را باین دولت مکت
 علیته نموده و خواستش کرده بودند که عالیجاه پاشا
 از سمت قلعه آنها کوچیده بجای دیگر برود
 که از برای الی قلعه مزبوره از بودن او در آنجا و شتی
 حاصل شود عالیجاه پاشا را لیه چون دیده بود که آنها
 از در اطاعت و انقیاد و خدمتگذاری در آمده
 منول آنها را مقبول داشته بدو در سخن ترفیقه

بود بعد چند نفر از ریش سفیدان آنجا آمده اظهار
 داشته بودند که سی چهل نفر پیاده از مادر قلعه طاقان
 میباشند هرگاه از آن دست عبور کنند احوال
 دارد دست جبارت و رازگند عالیجاه پاشا
 بعد از شنیدن این سخن غریمت نمیداد الی قلعه طاقان
 نموده با آنجا رفتند و دو نفر از همراهان او که کسب
 غلبه تشکی بنزدیک قلعه برای تحصیل آب
 رفتند بودند از بالای قلعه بر روی آنها
 تفنگ انداخته بودند عالیجاه پاشا خان چون
 این جبارت را از آنها مشاهده کرده بود سرباز
 و توپ و جمعیت بدو رقلعه مزبوره فرستاده
 ده پانزده نفر از آنها را مقتول و بقیه آنها را
 دستگیر ساخته بدست امیر قزاقین سپرد و قلعه را
 تصرف کرده بود از قراریکه نوشته بودند قلعه
 مزبور جنسی مضبوط و محکم بوده است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه صفهان نوشته شده بود
 امر آنجا از اهتمامات اولیای دولت قاهره و
 حسن مراقبت و مواظبت و انتظام امر عالیجاه چرخان
 نام حکومه کمال انضباط را دارد و مردم قریب کمال
 رفاه و آسودگی هستند و نسبت با حدی خلاف
 قاعده و بیجسالی اتفاق نمی افتد و عالیجاه پاشا
 در وصول و ایصال مالیات و انتظام و انضباط امر
 آنجا نهایت اهتمام را دارد و مراتب حسن خدمتگذاری او
 بعضی اوقات پادشاهی سیدالطهار کمال محبت در باره او فرمودند

۴۵۸

اخبار دول خارجه

از شهر وایر لجن نیشه بتایخ سیزدهم شهر شعبان
 نوشته بودند که امپراطر پریس که زوجه علیحضرت امپراطر
 روس میباشد در همانروز با آنجا وارد شده
 بود توپ سلام انداخته و شلیک شادمانه نمود
 و اول احترام در آورده بودند و خود رئیس آن مملکت
 با اعیان شهر پیواز امپراطر پریس و احترام او بیرون
 رفته بودند و پریس مطرینچ عمارت خودش را که
 نزدیک بود خانه رین و بسیار جای با صفاست
 و چون سبب اینمانند سخته نشین علیحضرت امپراطر پریس
 ترتیب داده بود
 در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که انسانی
 دولت استریه قشون آن ولایت را کم می کنند
 و در سایر اخراجات دولتی نظم تمام میکند ازینکه بلکه
 مالیات و داخل آنجا مخارج دولتی را ببینند لکن در
 راه آهن سخته تردد کال که بخارا از برای بار تجارقی و
 سیاح و غیره بسیار پول خرج میکنند زیرا که سخته
 دولت را درین ملاحظه کرده اند راهی که سخته
 میرفت تمام کرده بودند و همه جای او را صاف و هموار
 نموده بودند که میله های آهن سخته راه کال که در آنجا
 نصب نمایند و تجارت داد و ستد آهن در آن
 مملکت بسیار رواج بود و از مملکتین مانند اویه و وایلاکت
 آهن زیاد بولایت استریه آورده بودند در روزنامه
 سابق نوشته شده بود که دولت استریه بنا
 داشتند که پول از خلق سخته اخراجات دولتی فرض

بکنند و موافق قاعده دول فرنگستان جنبه های
 این تخواه را حاضر کرده بودند که هر کس از مردم که
 میل داشته باشند پول بدهند و سخته و سخته
 این جنبه را در شهرهای فرنگستان خریدند و
 در لذن پای تخت انگلیس و پاریس پای تخت فرانسه
 ازین جنبه ها خوب نفروش رفته است و خریدند
 در روزنامه وین نوشته اند که علیحضرت
 امپراطر استریه میخواست از آنجا حرکت نماید
 که برو چند وقت در شهر پست ماند و بنا داشت
 که تا دو ماه در مملکت مجارکت نماید
 پادشاه وینمارک بنا داشت که بیدین پادشاه
 سوئیدن برود و در تایخ بیت و سیم شعبان
 ولایت جتند روانه می شد و پادشاه سوئیدن
 بنا داشت که درین فصل تابستان قشون خودش را
 جمع نماید و چند وقت از سخته مشق نگاه دارد
 درین روزها در مملکت فرانسه توجیه دیوان در
 بعضی چیزه که تعلق بدولتمدان دارد نسبت به اند
 از جمله در اسب و کالعهک و سگ سکاری و غیره
 مدتی هست که در ولایت انگلیس این قسم توجیه
 دارند و میکنند و لکن در مملکت فرانسه فراری است
 که تازه گذاشته اند این توجیه را بطوری میکنند که
 از رعایا و کسانی که کاسب اند چیزی گرفته نشود
 عتابه که سخته با کشتی است توجیه ندارد و لکن کالعهک

۴۵۹

که بجهت نشیمن بزرگان است توجیه دارد از
 اسبهای رعایا که بجهت شغل خودشان و بارکشی
 و غیره لازم دارند و از سک چوپان چیز نمیکنند
 و لکن از اسبهای بزرگان و تازی و توله شکاری
 توجیه بگیرند پیش از اینهم در ولایت فرانسه
 این توجیه را ببندها نمانفعت نکرد و موقوف نمودند
 و حالاهم از طوریکه در بعضی روزنامهها می نویسند
 کمان ندارند که دیوان ازین توجیه منفعت برد
 کسانی که ازین اسبها یا کالک یا سک شکاری
 داشته باشند که از آنها توجیه بتوان گرفت
 در مملکت فرانسه کم اند مانند ولایت انگلیس است
 که خوانین دولت مند و صاحب الماک زیاد داشته
 و قشکیکه اخراجات حسم کردن این توجیه را با آنها
 عمل و نوکرهای دیوان و غیره که مواظب این عمل اند
 می کنند کمان ندارند که این قسم توجیه بس
 داشته باشد

استریه که در دولت سنیکی دنیای شمالی وقت
 داشت میان دولتین نرور را برسم زده بود
 بجهت اینکه اهل سنیکی دنیا بعبود نامی که یکی از
 هزار بیسای مجار بود محبت و طرقداری زیاد کرده
 بودند و ضرب زیاد از دولت استریه گرفته بودند
 هم در روزنامهها هم در گفتگونی که در مشورخانه
 دولتی کرده بودند در باب روزنامهها چونکه در آن
 ولایت قاعده آزادی دارند از دیوان بازخواست
 نمی شود که در آنها از امنای دولت آنجا که ضرب دولت
 استریه را گرفته بودند الهچی حق بازخواست را
 داشت و با منای دولت سنیکی دنیا خبر کرده بود
 که ما از شما کناره گرفته ایم و رجوعی بجار شما
 نداریم و اگر کار و اجبی بدولت ما داشته باشد
 بقول رسول با که در شهر و استرین تن میباشند اعلان

نامند
 احوالات متفرقه

در روزنامه انگلیس نوشته اند که بجهت گندم و
 ارد گندم زیاد که از سنیکی دنیا و فرانسه بولایت
 انگلیس آورده بودند قیمت نان در شهر لندن
 پای تخت انگلیس کمی تنزل کرده و ارزان شده بود
 نان خاصه اعلی چهار توند که سیصد و شصت تا دو چپا
 شغال باشد بیازده شاهی و نیم فروخت شده
 بود و نان خرچی را بهین دزن بدو عباسی فروختند
 که تخمیناً یک من بوزن شصت عباسی سیزده شاهی
 و نیم پول بران می کنند

از شهر کلون بتاریخ چهارم شعبان نوشته
 بودند که درین فصل تابستان پادشاه پرتغاله
 بنا داشت که در کنار رودخانه رین سیاحت
 بکند که هم تماشای قشون آن اطراف را کرده
 و خود وقت و غوررسی در نظم و سایر امورا
 آنها کرده باشد و رسم بنای ساختن پل را که در
 رودخانه رین میخواهد بسازد بکند که پل فرورساخته
 شود
 در یکی از روزنامههای انگلیس نوشته اند که الهچی امپراطور

۴۶۰

از جمله حیوانات غریبه که در میان دریا پیدا میشود یکی
از قسم ک آب است که کارگاه بسیار بزرگ
پیدای شود و درین روزها کشتی که از ست سحر
محیط معتدل بولایت انگلیس وارد شده بود یکی
از اینها شکار کرده بود درازی این حیوان پنج درخت
و یک چار یک بوده است و وزنش تخمیناً هفت
صد در چیزی بالاتر پویشش را کند و در عمارتی که
چیزی غریبه را در آنجا نگاه میدارند نگاه میداشتند
درین روز در کشتی سازخانه و قورخانه پویشش
ولایت انگلیس آتش افتاده بود کشتی کچیان و مردمان
دیگر که در آنجا بودند زود خبردار شدند و آتش را
خاموش کردند و الا ضرر زیاد با آنجا میرسد
آنجا قیر زیاد و تخته های کشتی و تخته های
کشتی مصرف می کنند یک دیگر بزرگ که قیر
در او می چسبند ترکیده و میان آتش افتاده
از آنجا بجای دیگر جاری شده بود پنج نفر عمل که در آنجا
بودند رفتند و طولی بجهت پاشیدن آب
با آنجا آورده و زود آب پاشیده آتش را خاموش
کردند و چون قوت زیاد در آنجا داشتند همیشه آتش
گرفته و سوختند و بعد چهار هزار تومان ضرر آنجا
رسیده بود و اگر زود آتش را خاموش کرده
بودند خیلی زیاد تر ازین ضرر خسارت با آنجا میرسد

بیرون رفتند و بدست اهل سینکی دنیای شمالی
افتاده است خصوصاً مملکت کلی فارس که بعد از آن
از تصرف آنها بیرون رفته است اینقدر طلای فراوان
در آنجا پیدا شده است کار آنولایت روز بروز
تنزل می کند قاعده این ولایت قاعده جمهوری است
و تا مدت معین یکی از میان خودشان بریاست
آنولایت انتخاب میکنند و درین روزها نیز در پای
تخت آنها اعتشاش شده و با یکدیگر جنگ کرده اند
تفصیل این جنگ را در روزنامه ننوشتند
از طوریکه مذکور می شود خلق دو تیره شده اند و با
یکدیگر جنگ می کنند در خصوص اینکه گرا باید بزرگ
اندولت نمایند

در ولایت انگلیس درین روزها از شهر مچستر کشتی
هوایی که بلون می نامند بالا کرده بودند و یک نفر در
میان نشسته بود که از راه بلون در ستاره
نمداشته و تا آنروز تنها در بلون نشسته بود همیشه
همراه دیگری در بلون می نشسته و تکیه بلون را
بالا کرده بودند هوای بسیار آبر بوده و باران می آمده
و دفرسخ راه رفتند و میخواستند است پائین
لنگر که در بلونها دارند و ترکیب چنگال است برین
انداخته بود که در زمین پیچری بند شود و بلون همیشه
پائین بیاید چو گه آن سمت کوه ساروستان بود
این چنگال درست برین بند شده بود چند بار کمر کرده
و باز کنده شده بود بار شدت داشت و بلون
خیلی حرکت کرد اهل داتی که در آن سمت بودند

از وقتیکه اهل مملکت کتکو با اهل سینکی دنیای شمالی
جنگ داشتند و بعضی از ممالک ایشان از دست

که بلون میرود و خواسته بودند با ما بیایند
 اما چون نتوانستند میرفت و هوایز ابرو تیره بود و زود از
 آنها ناپدید شده و نتوانسته بودند با او برسند
 بعد معلوم شده بود که بلون با نظور که حرکت میکرده
 آن شخص که در میانش بوده بیرون افتاده اما پیش
 بیان طنابهای بلون افتاده بند شده بود و سرش بلون
 که در آن ستمها بوده بکرات خورده بود بدنت ضربه
 که مغزشش بیرون ریخته بود و بلون بزین نزد
 شده باز همانطور در حرکت بوده و این شخص معلوم چند
 دقیقه هم سرش بزین خورده و بجای خورد گردیده
 بود وقتیکه مردم جمع شده و بلون را گرفته بودند
 آن شخص را بحالت احتضار و اختصار دیدند کمی جان
 حرکت داشته است اما همان ساعت درگذشت

۴۶۲

زیاد دارند چوپانها و کله بانها نیز هم که ریخته و رفته اند
 مشغول در آوردن طلا شده اند در بعضی جاها که قضا
 شهر نیز که نو کرده اند میکنند بسر معدن طلا رفته اند
 ازین جهت اگر کسی از قسم صنعت کاران در عایا با زولا
 بروند بجهت نبودن صنعت کار و زارع در آنجا کارشان
 خوب و کذراتشان بطور خوش خواهد شد در وقت
 انگلیس یک شغل عمده کارخانهای باطن شال و هوت
 و سایر پشمینه است و بسیار ازین پشم از مملکت استرالیای
 می آید درین اوقات که صنعت کاران زیاد بولایت
 مریز میروند بعضی از صاحبان کارخانها در ولایت
 انگلیس تشویش کرده اند که بجهت بیایند پشم از بولایت
 استرالیایا کارخانهاشان در ولایت انگلیس نخواهد
 بدولت عریضه نوشته اند که رعیت و صنعت کار خود
 با زولایت بفرستند که کار آنولایت خوبترش برود

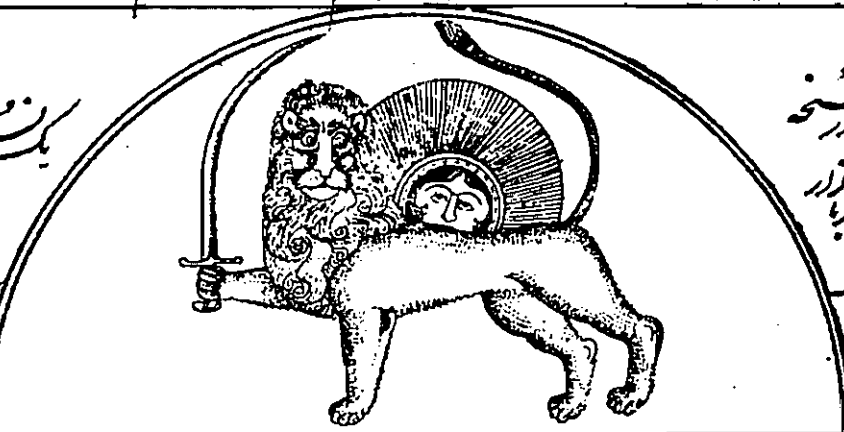
و بجهت پیدا شدن طلای معدن و از دو حام مردم با نجا
 امر زراعت و تجارت آنجا معطل ماند و ضرر آن بدیکران

از ولایت انگلیس بسیاری از صنعت کاران بولایت
 استرالیایا میروند خصوص از شال با فان مملکت اسکاتلند
 و چونکه اکثر این مردم که میروند هم از صنایع شال تاب
 و ماهوت بافی هم از علم زراعت و رعیتی سرشته
 دارند گمان دارند که در آنولایت کارشان خوبترش
 برود و خصوصه حالا که خبلی لازم است که مردم زیاد
 با نجا بروند و از اطراف دنیا نیز خلق بجهت در آوردن
 طلا از معدن با نجا فرستند و مردمی نیز که در خود آنولایت
 بوده اند همه بسر معدن طلا ریخته اند که طلا در بسیار
 بطوریکه بجهت زراعت با نجا کارهای عریضی چند آن
 نموده است در آنجا صاحبان املاک کله و کاو و کوسفند

تجار شهر لندن بسیار پول طلا بملکت استرالیایا
 بسبب اینکه خاک طلا از آنجا ذراوان بیرون می آید
 و طلای مشکوک بسیار کم است تجار انگلیس در فرستادن
 پول مشکوک با نولایت و خریدن خاک طلا از آنجا
 ملاحظه کرده اند که نزدیک بده دو از برای آنها نفع دارد
 باین سبب طلای مشکوک بسیار بولایت استرالیایا
 میفرستند و خوش خاک طلا میخرند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پروردگار خسته بهیچدم ما شوال المکرم مطابق سال سیچان میل

قیمت روزنامه
یک ششماهی
قیمت اعلامت
یک ساله
بسته
بسته
بسته



روزنامه
بسته
بسته
بسته
بسته
بسته
بسته

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

قدیمی جا کران دربار جا بد قرار ما یون و بصفت
قابلیت و لیاقت موصوف و معروف است
بمناذاری مامور و قد قن شد که کمال احترام و توقیر
و تکریم را در باره جناب سفیر مشارالیه نظریا
کمال اتحاد و دلستین علیتین اسلام بهمه حجت
بعل آورد و عالیجاه همانند ارشاد الیه در روز چهارم
این ماه از سبلاقیه دران حرکت کرده و چهل
روانه شد و مقرر است که قبل از ورود ایلیچی سیریز
عالیجاه مشارالیه در آنجا حاضر باشد و در
کاغذ اخر که از تبریز رسید که بتاریخ
سیم شوال نوشته بودند جناب ایلیچی مغزی
باید در همان روز سیم شوال وارد خوبی شده باشد
اگر چه در دربار ما یون خدمات عمده و کلیت
بعده امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار
مخول و مغوض بود لکن نظر باینکه کرمان در سر حد
بلوچستان و ترکستان واقع است و خدمت

از قرار یک از ارزنده الرؤم خبر رسید جناب جلالت
احمد و قیافتی ایلیچی کبیر دولت فخریه عثمانیه
مامور در باره دولت علیه ایران در بهیچدم امیر
از شهر ارزنده الرؤم رو بدر بار این دولت علیت
روانه شده و عالیجاه محبت و سجدت سر
سیرز احسن کار پرداز دولت علیه ایران مقیم شهر
ارزنده الرؤم در استقبال و دیدن و بدرقه و
زیاد نسبت بجناب مغزی الیه لازمه اتمام العمل
آورده است و از جانب نواب شاهزاده حثمت الیه
صاحب اختیار مملکت آذربایجان مقرب الخاقان
جعفر قلیخان مرتب قاجار بمناذاری جناب
مشارالیه مامور سر حد و دلستین علیتین شده
و از دربار کبستی در بموجب امر آتس اعلیحضرت
پادشاهی حسب الاشاره اولیای دولت
ابدیت علیه عالیجاه مقرب الخاقان
محمد حسن خان نایب ایلیک قاسمی باشی که از

انتظام آنجا از خدمات معظم کلیه است لهذا علیحضرت
 شاهنشاهی حکومت کرمان را هم علاوه ب حکومت یزد که
 داشت بعهده او محول و مرجوع فرموده بکثوب
 جبهه ترمه شمس مرصع معلم بپراق خلعت بر حمت فرمود
 و خود او در عین روز ما خواهد رفت
 حسین خان پسر کوچک مقرب انخاقان اجودان با
 که مدتی بود ما خوشش بود این اوقات فوت یافت
 و جناب جلالت آبا صدراعظم محض
 اعزاز و احترام مقرب انخاقان شارالیه بنای فخر
 خوانی و تعزیه داری او را در منزل خود در ساروان
 گذارده سه روز در مجلس ترحیم نشسته و قرار
 قنات و تلاوت کلام اله مجید کرده و لازم
 حرمت از جهت اخراجات و سایر خیرات
 بجا آورده در روز نهم بکثوب جبهه از جانب
 سنی اجوانب اعلیحضرت پادشاهی مقرب انخاقان
 شارالیه حرمت کرده بد مجلس تعزیه داری را
 برپسینند و سخن اینطور التفات و هم بر بانی
 الی حال در حق هیچیک از جا کران پادشاهان
 سلف نشد بلکه در حق مقرب فغان شارالیه
 از دست رانکه مذکور می شود این روزنامه را در
 ولایات چابهار یا فزاش که بصاحبان شان
 علاوه بر قیمت روزنامه مطابا به وجه رسوم و خدایان
 می نمایند و بخلق اذیت زیاد می رسانند
 چون این سنی سبب بخش صاحبان روزنامه
 و بی میلی خلق بروزنامه میشود و منظور اعلیحضرت

پادشاهی و اولیای دولت قاهرین است
 که اخبار روزنامه روز بروز بیشتر در ممالک
 محروسه منتشر شود و رسوم خلق از فواید کاسه
 آن بهره یاب شده زیاد تر طالب روزنامه
 بشوند لهذا مراتب بعض اولیای دولت قاهره
 رسیده مقرر داشتند که اگر از اشخاصی که این
 روزنامه با آنها میرسد زیاد تر اذیت روزنامه
 که از قزاق قبض مباشر روزنامه شش ماه در یاف
 می شود و دیناری مطالبه شود و دیوان
 عظام مواخذه از کسانی که مطالبه کرده اند
 و کسانی که مباشر تقیم روزنامه در ولایات
 مستند خوانند نمود و حکام ممالک محروسه بزرگ
 حکم اولیای دولت قاهره مقرر است که درین
 باب قدغن نمایند که زیاد از قیمت روزنامه
 از کسی دیناری مطالبه نشود
 چون مدت توقف عالیه محبت و نجات پناه
 مقرب الحضرة العلیه احمد خان نوانی کار پرداز
 اول دولت علیه ایران مقیم تغلیس منقضی شد و
 احضار خود را از اولیای دولت قاهره استدعی
 کردید لهذا عالیه محبت و نجات پناه
 قاسم خان علام پیشخدمت خاصه که از جمله نوکران
 عاقل و قابل دربار عالیون و باوصاف درستی
 موصوف میباشد حسب الامر اقدس عالیون
 پادشاهی منصب کار پرداز می اول منصوب و
 نامور با قامت تغلیس شد بتاریخ هفتم ماه

رمضان المبارک از دربار ما چون غنیمت
مقصود نمود و صاحب مضبانی که با او ما مورد
عالیجاه نظر آقای مترجم و یک نفر مشی نویسنده
بود و انشاء الله بعد از ورود عالیجاه قاسم خان
بتغلیش عالیجاه احمد خان قازم در بار ما چون

خواهد شد

تخم پنبه یکی دنیا که حسب الحکم امسای دولت
علیه بصاحبان املاک اطراف دار املاک اطراف
داده شد که بکارند قدری بعالیجاه حاجی محمد خان
سرکرده سواره بدادند داده شده بود از قرار که
عالیجاه شازلیه نوشته بود در قریه خیر آباد
و این داده است کاشته اند و در دیده است

و بسیار خوب بعل آمده است و کلههای چهره
بسیار خوش کل دارد و مردمان آن اطراف
که ندیده بودند تماشای کلههای او می آیند
روزنامه خواش می کنند که هر کس از این پنبه
کاشته باشد وقت بوقت تفصیل آنرا
بنویسد و بفرستد که در روزنامه چاپ شود
و معلوم شود که کدام زمین و کدام طرف سبزه کاشتن

و بعل آوردن این پنبه بهتر است که انشاء
سال آینده در رشت در میان حلق متداول
امور است قسوتی

توسیحی و افواج قاهره نظام هر روزه با کمال نظم
مشغول مش میباشند و میران پنجه و تیرپان
نیز هر روزه در مشق حاضرند

افواج افشار و سوار چمنه که ما مورد خراسان
بودند عالیجاه میرزا فتح الله شکر نویس ما مورد
بسان آنها شده در سمنان سان آنها
در کمال دقت دیده زیاده از زده پانزده نفر غائب
نداشته اند و در کمال نظم روانه سرحدت

محو که بخود شده اند

عالیجاه میرزا ابراهیم خان سر قیپ افواج
حسب الامر مقرر شد که هشتاد و دو فوج ابو الجحی
خود را بر زودی برداشته بر کاب بفرستد افتاب
جهه مشق حاضر سازد

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان
نوشته شده بود این اوقات مقرب انخانان
میرزا فضل الله وزیر نظام در خصوص کسب و خرد
تومان خواهی که بجهت مصارف قسوتن آذربایجان
از دیوان اعلی معین و منظور شده است بحسب
سرکردگان متوقفین هر یک از ولایات آذربایجان
شرحی نوشته الزامی منصبوط از آنها گرفته است
که خواه نظام را از همه جا موافق قسطلی که قرار داده
وصول کرده برسانند و از موقد مقرر بتا خیر بنده اند

این اوقات عالیجاه علیخان سر ننگ پسر مقرب انخانان
عزیز خان اجودان با که حسب الحکم اولیای دولت علیه ما مورد
بمانداری مقرب انخانان شیرالدوله و ما موردین دول خارجه
برای تقدیم لوازم مانداری روانه سرحدت

۴۶۵

مازندران

چون نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران
 مازندران بعد از ماوریت مازندران از عهد
 تقدیم خدمات محوله بطور خوب برآمده و امر ولایت
 و نوکران حدود را بطوریکه منظور نظر اقدس علیحضرت
 پادشاهی و اولیای دولت قاهره بود منتظم
 و مضبوط داشته بود و خاصه در امر شکر مازندران
 که بسیار تمام نموده شکر را خوب بجمع آورده
 و بسیار نمودند و بنا بر آن در اداء خدمات نواب
 معزنی الیه یک قطعه نشان از مرتبه اول بر
 و یک بند کجا بل سفید که مخصوص این مرتبه است
 بافتخار نواب معزنی الترحم رحمت و عنایت
 شده و بشمول این موهبت عظمی قرین بها
 و اعزاز آمد

اصفهان

این اوقات عالیجاه چرخ علی خان نایب الحکومه
 اصفهان چهار صد دست بلبوس نظام که
 حسب الحکم اولیای دولت قاهره و اصفهان
 تمام کرده بدر بار شوکت مدارها بون اعلی و ستاد
 بود از نظر انوار علیحضرت پادشاهی و اولیای
 دولت قاهره گذشته و بسیار مقبول و ستیخ
 افتاده و این خدمت عالیجاه شار الیه و سایر
 خدمات و استقامتی که از او همواره در نظام
 و انضباط امر ولایت و وصول و ایصال بالیای
 بطور رسیده و میرسد در نظر اقدس علیحضرت

پادشاهی و اولیای دولت قاهره بسیار
 پسندیده افتاده و در سلام عام سرکار علیحضرت
 شاهنشاهی از حسن خدمت گذاری و نظم و
 ولایت داری او تحسین و انظار رحمت و عنایت
 در باره عالیجاه مشارک الیه فرمودند

از سر بازان فوج بر خوار و مارپن چون جدید بودند
 و خدمت قشونی نمیده بودند بعضی فرار کرده بودند
 سی نفر آنها را عالیجاه چرخ علیخان گرفته
 مقید و مجبوس روانه داشته است و بقیه
 که سببای دیگر فرار کرده اند مقبیه کامل بنا
 بمسوا بان شان کرده است که سر بازان را پیدا
 کرده میاورند

فوج چهار محسالی وقتیه و سیمیرمی را که حسب الحکم
 احضار بر کاب نصرت انتاب مسایون شده
 بودند عالیجاه چرخ علی خان در سیم اینها از
 اصفهان روانه داشته است که درین روزها
 بر کاب مسایون خواهند رسید
 کرمانشاهان

از تواریک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
 کاروانند ای میان طاق را که سالهاست محروم است
 و بواسطه خرابی آنجا رتوار و مترددین در رحمت و عنایت
 بودند نواب شاهزاده امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان
 از خود تجواه داده اند که تعمیر و آباد نمایند و انشاء
 عقرب تعمیر و آباد خواهد شد

۴۶۶

اجتبار دول خارجی

درین روزها اشخاصی از اهل انجلیس که از جمله عبا و ملت عیسوی اند چند نفر از اهل خود بخدمت پادشاه پورنو فرستاده اند که برود پادشاه عرض بکنند که ملکه قراری بگذارند که برودن و فروختن غلام و کنیز از مغرب بینی و نیاد داد و ستد آنها موقوف باشد پادشاه پورنو قال ازین داده بود که این اشخاص بجزور او بیایند چونکه میدانت که منظور این اشخاص رفع تعدی و ظلم از خلق و آزادی در میان رسوم طوائف رومی است نسبت بفرستادگان بزبور کمال لغات معنی داد و گفتند بود که چند سال است که دولت ما آنچه ممکن است سعی و اهتمام می نمایند که گرفتن و بردن و فروختن غلام و کنیز موقوف باشد خصوصاً از آنکه که با دولت انجلیس درین باب عهدنامه بسته شده است و امید است که در اندک مدت این داد و ستد منقطع بشود

حکم در میان آنها قرار گرفته است بعضی پول فرانسه از سلس است و بعضی از برنج و بعضی هم در شهرت مشغال یک مشغال نفره دارد و در داد و ستد دیوانه این پولهای فرانسه همه یک قسم رواج است اما در میان خلق باز باختلاف دارد و سینه عینو حال لوتی ناپلیان بنا داد که کل پول فرانسه را بیکطور رواج نماید

اگوتت نسیل رودشائلیه دولت بهینه روستیه که از وزرای قدیم آن مملکت است درین روزها بشهر و بیست پای تحت دولت استریه رفت و چند وقت است که با وزیر دول خارجی آن مملکت در مصلحت مشورت نشسته است و از فرایک مردم کمان میزند که با میجو اینند قراری در بعضی از امورات دولتی بگذارند

در یکی از روزها میهای فرانسه نوشته اند که لوی رئیس آن مملکت بنا داشت نسبت جنوب مملکت فرانسه سیاحت نماید و موسیو و کازوزیر قشون سهری پیش از آنکه لوی ناپلیان بشهر برود و بیاید برای تدارک مهمانی رئیس مزبور با نجا آمده بوده است

سابقاً وقتیکه مقصری از ولایت انجلیس بولایت فرانسه یا از ولایت فرانسه بولایت انجلیس میسر شد آسایر ممالک فرانستان سبک بخت گرفتن و تنبیه نمودن بسیار شکل بود چونکه چاکران دولتی که مقصر از آنجا فرار کرده بود و اذن نداشتند که از سر

دولت دیگر عبور کرده مقصد دولت خود را بیکدیگر مجال
 در بعضی دولت عهد نامه دیگر بسته اند بطوریکه کردن
 انقدر اشکالی نداشته باشد از جمله کسیکه خون
 یازدی نموده باشد و درین روزها مابین دو تن
 انگلیس و فرانسه گفتگوئی است که بلکه آری بگذرد
 که گرفتن مقصرین که از انگلیس نیز برسد حد یکدیگر بگذرند
 مشکل نباشد اما اهل مشورتخانه انگلیس درین خصوص
 بسیار با احتیاط و مصلحت و مشورت تمام راه میروند
 از آنجهت که دولت انگلیس چنانجا که سایر دولت
 زمین است و از قدیم این قانون درین دولت متداول
 و بر مینماید که در فراری که در گرفتن مقصرین داده خواهد
 میاد این قانون مندرج در برسم بخورد
 در مملکت سیویس که خود آن مملکت بلوکات جداگانه
 و هر بلوکی دولتی دیگر میباشد مدت چند سال است
 بایکدیگر را میبروند و بی نظمی مابین آنها سبب نظمی
 در ولایت اطراف شده است و درین روزها
 نوشته اند که در فریت که دول بزرگ فرنگستان
 چند نفر وکیل معین بکنند که در مشورت نشسته و
 خصوص امور این ولایت فراری بگذارند و لکن تا بجای
 این فرار کرده است است اما دولی که جمعا
 و هم سرحد سوپس مستد از جمله دولت فرانسه
 و دولت استریت و پند مانت و غیره لایه میشوند که
 فراری در امورات آن مملکت بگذارند
 در روزنامه فرانسه نوشته اند که در شهر برلین با
 پر ویتیه شهرت داشت که پادشاه پروسه

با امپراطور استریت بیازد با امپراطور روسیه شهر
 دار شده خوانند وقت
 احوالات متفرقه
 مدتی است که در ولایت انگلیس و بعضی شهرها
 فرنگستان بخار ذغال سنگی بجهت روشن کردن
 در کوچهها و اطرافها در شب بجای چراغ مصرف می کنند
 و روز بروز این بخار را بنور روشنتر میسازند حال
 بطوری رسانده اند که بگذارد بسیار بول ایران که باین
 ذغال سنگی خرج میکنند مقابل سه تومان شع
 کافوری و دوازده هزار دینار شع پیه روشن
 میدهند باین بخار ذغال سنگی بوی نثار و گوگرد
 میداد حال بطوری صاف کرده اند که این بواز او
 رفع شده است و روشنایی بهتر از شمعها
 و چراغها که از برشم روغن میباشد
 شخصی در مملکت تینکی دنیای شمالی که املاک زیاده
 بایر دارد که آباد نیست بابل فرانسه که درین اوقات
 بجهت انتشاش از ولایت خودشان اخراج بله
 شده اند تخلیف کرده است که بیایند و در آن املاک
 مکن جنبه آنها را بچلی آبادی در آورند و خود آن
 املاک را قطعه قطعه نموده تقسیم کرده و بآنها میبخشد
 کسی سبب این کار را میداند و لکن در چند روزها
 بکنی دنیا این مطلب را اعلان کرده است و املاک که
 دارد در بسیار جاهای با صفا و خوب اتفاق افتاد
 و لکن هیچ آبادی در آنها نیست مگر کاهکای مردمان

۴۶۸

جنگلی که از اهل قدیم آن ولایت هستند در آنجا بخت
 شکار گشت می نمایند
 اهل چین اگر چه طبیعتاً شیخو و لکن در ولایت
 خودشان بسیار به خوراک اند و چیزهای کثیف
 از جمله گوشت سگ و گوشت موش و غیره بخورند
 بسیاری از اهل چین این اوقات بملکت کلی فارینیا
 رفته اند و چونکه موشهای آن ولایت بسیار درشت و
 فربه میباشند و زیاد هم هستند اهل چین این موشها
 میگیرند و میخورند و از اگر اه و برسم خوردگی بسیار
 خلق که در آنجا هستند احترامی نگینند
 در ولایت استیره بنا دارند که مدینه با توجه
 که در نظام باید صاحب منصب بشوند زیاد میکنند
 و وازده مدرسه از برای این اطفال معین کرده اند
 اطفالی که کمتر از یازده سال داشته باشند بعد از
 آنکه یازده سال درین مدرسهها تحصیل فنون نظام
 و غیره کرده و قابل شدند آنها را بد وازده مدرسه
 روانه نمایند و شش سال هم که در این مدرسه
 تحصیل کردند بآنها که خوب قابل شده باشند
 منصب نایبی در قشون سجزی یا تبری میدهند و
 بسیارین که انطور قابل نشده باشند باختلاف
 و کسبلی پادیه باشیکی یا تابینی میدهند در
 استرته چند زبان مختلف دارند و بسیاری از اهل
 قشون زبان منسه میدانند درین مدارس که تا
 قرار گذاشته اند همه را زبان منسه نیز یاد میدهند
 و کسبکه زبان منسه نداند صاحب منصب نخواهد شد

ملکوت پورتو قال بسیار میوه خانه خوبی است و اکثر
 مرکبات و میوه که بولایت انگلیس می آید از آنجا
 میفرستند و بعضی از میوه را بطور خوب نگاه میدهند
 از جمله نارنجی و پورتو قال و ربکی از روزنامه های انگلیس که
 تاریخ او چهل و شش روز بعد از عید نوروز بود نوشته
 بودند که کشتی از آن ولایت بولایت انگلیس آمد
 و از جمله بار تجاری که داشت مفسد و نجاه و شب
 صندوق پورتو قال و نارنجی بود انکور را نیز بطور خوب
 نگاه میدارند و بطور نگاه داشتن آن این است که انکور
 در فصل پاییزی چسبند و بگرد زور پیش اقباب نگاه میدارند
 و بعد از آن در میان خم میکند و با خاک خوب که
 از دم آره تجاری جمع کرده و خشک نموده اند
 آنچه ممکن است سعی میکنند که انکور بیکدیگر نخسبند و
 خاک آره در میان آنها فاصله باشد و بعد از آن
 سه حشم را میگیرند بطوریکه نفس کشند داشته
 باشد و هواد داخلش نشود و میبازد تا وقت بهار و گاهی
 چنین خوب میماند که بخاری که انکور سیاه در وقتیکه در
 بار است و هنوز از تاک نخسبیده اند دارد آن بخار در
 انکور تا وقتی که از خم بیدرون می آورند باقی است
 در روزنامه های سینکی دینا نوشته اند که باز نگاه
 داشتند که بعضی از اهل آنجا میخواستند جمع بشوند
 و دوباره بجزیره کوبه یا جزایر دیگر که مال دولت اسپانیا
 بودند و کارشان بسیار مخفی بود و هنوز بر روز نگرفتند
 اما چونکه امنای دولت سینکی دینای شمالی از عمل آنها

۴۶۹

مختر شده اند است که منع نمایند و نگذارند که در وقت
 رفته در خاک استپانیول جنک و خوزیری
 نامند
 از سمت جنوب مملکت فرانسه نوشته اند که
 در آنجا نیز مانند ولایت انجلس درین فصل بهار
 هوا بسیار خشکی گذشته و بارندگی کم شده است
 و چونکه در آن ولایت اکثر زراعت و حاصلشان
 در زم است بعضی از محصول بسیار کم خواهد آمد بلکه
 پاره چیزها بجان نمانند که هیچ بعل بسیار از جمله
 کیلاس و آلبالو و سیوهانی که زود رس اند
 و چونکه چهل روز بعد از عبور بارندگی شده است
 غله خوب بوده است و امید داشته اند
 که بجهت غله تنگ دستی نمکشند و چون اکثر تجارت
 و کدزان آن مملکت از تاک انکو است بجان بد استند
 که آن خشکی اول بهار بتاک انکو ضرر رسانده باشد

۴۷۰

اعلانات

در روزنامه استپانیول نوشته اند که نزدیک رود
 ظانوس زمین دلمان آن کوه نزدیک رودخانه
 ملبند شده بود مانند اینکه بار و ط در زیرش
 گذاشته و آتش داده باشند سنگهای بزرگ
 میان رودخانه افتاده و در بختها از جای خود باخا
 چند ذرع حرکت کردند و اکثر خاک و سنگ
 بسان رودخانه افتاده و در یک جانی خاک و سنگ
 بر راه عبور مردم ریخته است بطوریکه عرابه و کالسکه
 دیگر از آن راه عبور نمیتواند بکند نزدیک با آنجا

کتاب بهای چایی که در دارالخلافه طهران در کارخانه
 حاجی عبدالمحمد استاد و اراطباعه این روز
 در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده است
 از اینقرار فروخته میشود

کتاب نینه المجالس یک تومان
 کتاب ششم المجالس دوازده هزار و پانصد
 کتاب قصص الانبیا پنجاه و دینار
 کتاب یوسف النجا چهار هزار و بیست
 کتاب تاریخ معجم چهار دینار

روزنامه وقایع الفایده تاریخ رویش نیت و خیم ماه شوال المبارک مطابق سال سحجان میل ۱۲۶۸

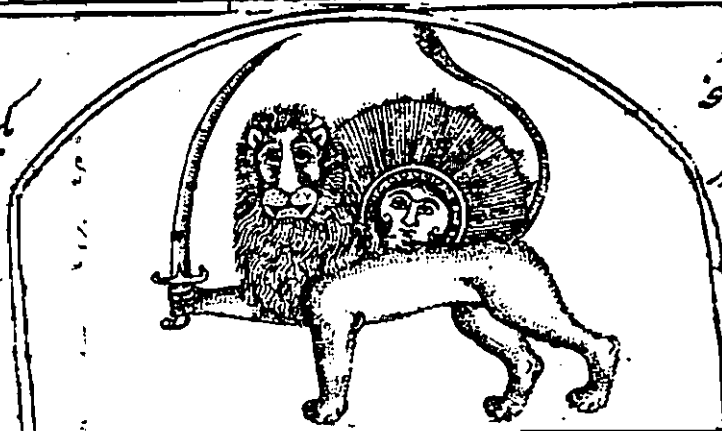
نزه شتاد

هر کس در طهران غیر از شیخ

ازین روز نامها در بازار

جدید در دکان سید علی

بور و خوش فروخته میشود



قیمت روزنامه

یک ششصد و بیست و یک ریال

قیمت اعلانات

یک سطر تا چهار سطر یک هزار ریال

پنجاه سطر تا هشتاد سطر

اجار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

با صفا و عمارتی لمو کانه و قابل می شود و چون که آب

آن مکان بسیار است بسبب زیادتی آب

و خوبی مکانش و قشنگی که تمام بشود از جمله تفریح گاه

زینت و آرایش اطراف دارالخلافه طهران خواهد

شد و چون منظور اعلیحضرت پادشاهی این است

که عمارات و جاهای خوب در شهر و اطراف

دارالخلافه طهران ساخته شده و در روز بروز

شکوه و زینت و آراستگی آن افزوده شود

جناب جلالت اب اعتماد الدوله العلیه صدر اعظم هم

باین مرسوم پداده دیدار که سابقا بارغوانیه مشهور

و باغی خراب ماری از عمارت بود مقرر داشتند

که عمارتی سنگین و با صفا در آنجا ساخته شود

و چند بیت معمار و استاد عمده در کارند و بسیار خوب

و ممتاز از میانند یک کار عمده و آثار بزرگ

از سلاطین کل روی زمین که در هر ملک

و هر ولایت باقیست ساختن عمارات

اعلیحضرت پادشاهی سخته خوبی آب هوای روید

بنیاد دارند که تفریح و تماشا و شکار یک آنجا تفریح

شوند و درین روزها موکب سیر و زی کوه بایون

از بیسلاقی آبادان با نظرف بادشان

زود بار حرکت خواهند فرمود و چون بگت

در آنجا فراوانست چهار پنج روز برای شکار یک

در آنجا توقف میفرمایند

از جمله عمارات جدید که حب احکم اعلیحضرت

پادشاهی در اطراف دارالخلافه طهران

ساخته میشود چنانچه در روزنامه های سابق

نوشت شده است عمارت چشمه علی است

که در شهر قدیمی در مسر راه شاهزاد عبدالعظیم

که از راه دولت آباد میرود واقع است قیمت

که چهار و بنا و عمده در آنجا کار میکنند اگر چه هنوز

نا تمام است و لکن از طر حی که معماران در روی کارند

و بحق درین دولت جاوید مدت علی بن عمار است
 شهر و باغات و عمارات اطراف دارالخلافه طهران
 نسبت بزمانهای سابق بسیار زیاد شده و
 دیگر هم رسانده است که در زمانهای سابق
 باین آراستگی و امتیاز نبود و امیدست که روزی
 از امت تمام اعلیحضرت پادشاهی و امنای دولت
 علیه شکوه و شهرت و عمارت و جمعیت این شهر
 بیشتر و بهتر شود

نظر بطور صداقت و وفور خدمات امیرالامرا العظام
 محمد حسن خان سردار و شایستگی و قابلیت
 عالیجاه عبد الله خان پسر شاره بن
 میر سیمه کی پنج فوج از افواج قاهره را با عالیجاه عبد الله خان
 عنایت و فرمان سپایون و خلعت با افتخار او
 مرحمت فرمودند

چون حکومت کرمان با امیرالامرا العظام سردار
 مغوض و متوکل گردید نظر بلا حطنه انتظام و
 انضباط کلیت امور آنجا مضرب سربنی افواج
 کرمانی و غلام قنبر کچی و جهازه سوار کرمان را با عالیجاه
 یوسف خان پسر سردار مرحمت و فرمان سپار
 و خلعت عنایت فرمودند

این اوقات از آدمهای جناب جلالت تاب
 وزیر مختار دولت بهینه روس ایذا و اذیت
 بچند نفر از طایفه یهود که تبعه دولت علیه ایران
 میباشد بطور رسید بود جناب مغزی ای
 آدمهای خود را که مصد خلاف قاعده و ایذا

و اذیت نسبت بطایفه مزبوره شده بودند
 نزد عالیجاه محمد خان کلاثر فرستاد که
 تنبیه و تادیب آنها را عالیجاه پشمار الیه در حوز
 تقصیر از آنها بعمل آورد و عالیجاه پشمار الیه
 احقاق حق موافق خواستش جناب مغزی الیه قضا
 نمود و تبتیسی از آنها بعمل آمد چند روز پس
 شدند اولسای دولت علیه ایران ظهور این نوع
 قاعده دانی جناب مغزی الیه را زیاده با نتجا
 در روابط و داد و ولستین محمول داشته معلوم
 بعد از آنکه همیشه اینکه اتحاد را بنامین دو تن
 ملاحظه نمایند از مثل جناب مغزی الیه بسیار
 شایسته و سزاوار و از دلایل اتحاد و ولتین محسوب

سایر ولایات

خراسان از فراری که در روزنامه خراسان
 نوشته شده بود در ستم ماه سوال چهل و شش
 نفر ترکمان از طایفه ضاله اخانی و تگه طرینی بفرمانت
 و تاز نسبت ترتیب شیخ جام بیرون آمده
 بودند اتفاقاً از قلعه زرق که یکی از قلعات خراسان
 جمعی از طایفه زوان که عدد آنها قریب سی نفر بوده
 نظر به اذیت مر سومه خودشان که در ایام عبید فطر
 چند روز تبعیتش مشغول میشوند محبتی که موسوم
 نور و از قلعه مزبوره بقدر نیم فرسنگ دور است
 رفته بوده اند و مردان آن ده تماماً مشغول جمع آوری
 محصولات خود بوده اند درین اثنا سوارهای ترکمان
 اسب اذاخته و تمامت آن جماعت سواران را

کرده و برده اند قریب بظفر خیر سواره عالیجاه
 گردید و خان بیکر بسکی هزاره که الان در باغ
 آمده سگنی دارند رسیده فوراً غوغای نمود
 بقدرده پانزده سرنج تعاقب کرده و شب

با آنها رسیده آن چهل و شش نفر سوار ترکان
 با اسب و یراق یکجا دستگیر و اسیر ساخته
 و تمام زن و دختری که اسیر نموده بودند

مستخلص نموده و از قرار یک نوشته بودند در
 دوازدهم ماه فروردین ترکان را وارد شهر مشهد

مقدس نمایند
 دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که

این اوقات خان خوارزم سجد و در آمده
 بوده است و مقارن ورود او باشد و چون

خلیفه عبدالرحمن وفات یافته بود طوائف سار
 و ساروق پسر او را بجای او خلیفه ساخته با

خوارزمی بجادله برآمده آنها را از حوالی قلعه سر
 عقب نشاند و با طینان خاطر در کمال استیاد

در مسکن خود نگر دارند و عالیجاه که براد خان چکر
 هزاره را بجا و انت و امداد خواسته بودند عالیجاه

مشارالیه نیز بملاحظه امید وار کردن آنها آنها را
 خاطر جمع کرده بوده است که در وقت ضرورت

ملک و امدادی که لازم بوده باشد با آنها برساند
 از قراریکه در روزنامه هرات نوشته بودند این

اوقات امیر الامراء العظام سعید محمد خان سردار
 صد با جا قلو داده و خریده و آزاد کرده اند

و حاکم هرات قشون بس فراد که قندهاری تصرف
 کرده بودند فرستاده قلعه گاه را که مشرف
 فراد است محاصره کرده بیورش و غلبه تصرف

و متخر نموده است
 و یکروز روزنامه خراسان نوشته بودند که این

اوقات قرا و نخانهای آن صفحات را محکم مضبوط
 ساخته و مستحفظ و قرا و لان درست گماشته اند

و عالیجاه مهد فیلی خان سر کرده سوار شاهسون
 اش را با سواره ابوالجهمی خود در چمن کالی با قوئی که

در دو فرسخی شهر مشهد مقدس است چادر زده
 و بسیار با نظم و قاعده حرکت می کنند که از اجده

خلاف قاعده نسبت کبی صادر نمی شود
 احوالات متفرقه

از جمله سیاهای مغرب زمین بعضی قانونهای عرب
 ازین طایفهها که بسیار از پیشکی دنیا پذیرند میان

خودشان پادشاهی دارند که قرا دل افواج
 او که قریب بدو هزار نفرند کلازن اند و این علام و

کنیز که میفرود شدند بارشان در جنگ چو گرفته
 میشود در پیش تهاشان آدمی را قربانی می کنند و یکی

بعضی اوقات اتفاق می افتد چجه آن کشتیها که است
 قطب شمالی در فصل تابستان بجه شکار ماهی
 بزرگ میروند که یخهای آن دریا زود بسته میشود و
 در میان یخ که در آنجا مانده است بندی شوزد و
 و بعضی اوقات کشتیها از ضرب یخ سگسته خورد
 میشوند و گاهی هم میتوانستند که کشتی را از آنجا بکشند
 بیرون بیاورند یک کشتی در بن روزمان از یخ
 وارد شده است که یک رستمان تمام در میان یخ
 گیر کرده و مانده بود خبری که اهل آن کشتی آورده بود
 این است که دو کشتی دیگر در آنجا دیده بودند که
 آنها را نیز بسته بوده است فرستند تا بپسند که در
 آن کشتیها کسی هم میسرید یا نه در میان آنها کسی
 نیافته بودند بعد معلوم شد که بزور قها سوار شده قها
 و کشتیها در آنجا مانده و صنایع شده اند در میان کشتیها
 یک کشتی دیگر باز بهین طور دیده اند که خالی بوده
 شال با فهای مملکت فرانسه و آن اطراف عیضه
 داده اند و اسند عا کرده اند که کمرگ زیاد در شال
 ترمه کشیری که از خارج می آورند بگذارند از فرار هر سال
 بکهار فرانک که صد تومان پول ایران باشد و هر
 چهار قدر ترمه که نصف شال باشد پانصد فرانک که چجاه تومان پول
 ایران باشد کمرگ بگیرند و حرفشان این است که اگر این
 کمرگ گذاشته نشود از خارج خصوصه از ولایت
 پنجلیس این شالها را زیاد می آرند و کاهانهای آنها

عمارت بلور را که پارسال در لندن بجه کذاشتن
 اجناس صنعت کاران شکل روی زمین برپا
 کرده بودند در بن روزمان بنا داشته اند که بعد
 مقدار هزار پوند که صد و شصت و یک هزار تومان پول
 ایران باشد باین عمارت داده اند و بنا دارند
 که از آنجا بر داشته در جای دیگر لندن که باصفا
 باشد بگذارند
 عدد قشون فرانسه که امسال در دستور العمل دیده
 سصد و شصت دانه هزار قشون رکابیت غیر از
 مستحق ولایت که ردیف و کردنش مال فیما بین
 و غیر از اینها بیت و یک هزار قشون دیگر دارند که کار
 و شغل اینها کردن مقصود دزد و نظم ولایت است
 خواه در شهر و خواه در بلوکات و اینها را ژاندرم
 می نامند از قشون رکابی مقدار هزار در جزیره آفریقا
 میباشند و کمی نیز در خارج ولایت فرانسه
 و ما بقی همه در خاک فرانسه
 اعلانات
 کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالحمید
 استاد دارالطباعه این روزها مباحثه در محله نزدیک دروازه
 و ولایت طباع شده است از ایتوار فرجنته میشود
 کتاب وستان یک تومان
 کتاب کلیات شهر اردینا
 کتاب تعبیر نامه پنجاه و دینار
 کتاب فارس دو تومان
 کتاب کسکول هفت هزار دینا

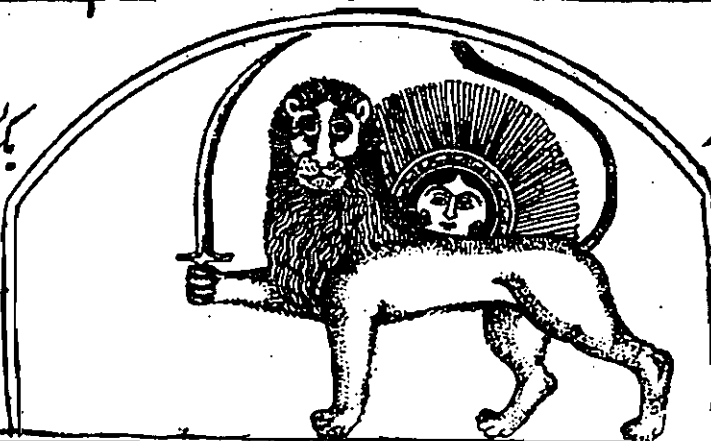
مخوابد

روز یکشنبه بیست و هشتم شهریور ۱۳۰۱
 که سرکار اقدس هایون شاهنشاهی بجزیم شکارخانه
 از قصر سیلاق بناوران بن اعمال ششیران
 دارا سخلاف طهران تشریف فرمای شکارگاه بودند
 شش نفر از الواط و اشترار و ایل خیانت بهبانه
 عرضچی گری و نظلم برکاسب اندیس هایون
 شاهنشاهی نزدیک شدند و بقصد اسب و جود
 سحر هایون دست بقمه و طپانچه زده اغلبی را
 بکار بردند و لیکن از آنجا که خط و حر است حضرت
 خداوندی جل شانہ و غم گرمه حرز و قایم وجود یمن
 مبارکشان بود بجهت الله تعالی هیچک از آلات
 و ادوات آنها کارگر نیامد و سو فطرت و جنبت
 نیت آنها بنجودشان راجع شده سه نفر آنها
 بست آمد یک نفر بست لمرین رکاب استطاب
 در حضور سما یون بسزای خود رسید و دو نفر
 دیگر گرفتار شدند و سه نفر دیگر هم از قرار تقریر
 دو نفر که دستگیر شده اند در چاههای قنات بناوران
 خود را پنهان نموده اند از بخت بلند علیحضرت پادشاهی
 بست آمد بسزای خود خواهند رسید چونکه از
 برای الهی ایران ملت به بزرگیت مقرر فرمودند که در
 آنروز سلام عام شده و شلیک توپ بعمل آید
 و الهی این دولت علیه که در دربار هایون حاضر بودند
 هر یک بشکرانه سلامتی وجود مبارک بشادی و مست
 پر خنده و وزرای دولت بهتین انگلیس و روس
 هر یک مراسم تهنیت بادلبای دولت

علیه نوشته و خود نیز مشرف حضور هایون
 اعلیحضرت پادشاهی شد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه سیم ماه ذی قعدة المحرم بن سال سیحمان مثل

قیمت روزنامه
یک نسخه و ده پیرایه
قیمت اعلانات
یک سطر ایام
بیشتر با هر خط



نمونه شاد و یک
هر کس در طهران
درین روزنامه باشد
بازار جدید در دکان
بلور و شیشه و ختمی

اجبار داخله مالک محروست پادشاهی

دارا خلاقه طهران

در ضمن روزنامه سابق مجلی از تفصیل واقعه روز یکشنبه بیت و مقیم شهر سوال المکرم و حیات آن حرام از دکان جنبیت و شفی که العیاذ بالله قصد وجود فایض ابجد اعلی حضرت قوی شوکت شایسته خلد الله ملکه و سلطانه را داشتند و مقصود کلی از آن روزنامه محض اعلام از سلامت و آسایش و حصول چشم روشنی برای کل اهالی مالک محروست و خرمی بجهت جمیع شویگان مالک بعد بود قسلی و مسطور و بیستن و مذکور شد حال هم از آنجا که اعلام مجدد از سلامت و عافیت وجود ما یون برای مزید سرور و ابتهاج عامه ما و اطهار مفضل از طرز خدمتگذاری و جانفشانی کسانی که در انعامت ما یله در رکاب سنباط سعادت حضور داشتند لازم و واجب بود لهذا بنحارش این مراتب نیز پرداخته شد کار اعلی حضرت شایسته دام سلطانه که در روز

مزبور دو ساعت نیم از مطلع افتاب گذشته بقصد و اراده شکارگاه سیرین فرمایند همه اوصاف و ترتیبات و مقدمات سلطنتی بطرزهای معهود و طورهای مالوف قیام و موجود و همه منتظر مقدم مبارک ملوکانه بودند باینکه طلعت مسایون پدیدار شد جناب جلالت تاب اجل اکرم صدر اعظم انمتم و اکابر با کران دربار و اعاظم ذویان حضرت سوگندار که همه پیش از وقت حضور داشتند در اثر خاکپای جالیون از محوطه عمارت پادشاهی بیرون آمدند جناب صدر اعظم مستوفی الممالک و مقرب الخاقان میرزا کاظم خان نظام الملک و اسد الله خان امیر خور و بعضی دیگر از معارف و اعیان چاکران از امر او مستوفیان و غیره در رکاب پیاده میرفتند قدری بغاصه جناب صدر اعظم را اجازت سواری از جانب امده سس اعلی حاصل شد خود با جمعی که در دور ایشان بودند پانی نگاه داشتند که سوار شوند و درین بین علی الغفله یکی از آن غیبهها که

۴۷۶

که از اهل تبریز فارس بود بهینست و ماتی و اگر
 و الوار زیادکنان متهوران و جورانه و دیده که
 عرضی دارم چند نفر از چاکران دربارشاهی که مقرر
 مبارک بودند تهور و جبارت او را که دیدند محض
 حرم رکاب مبارک وی خبر از آنکه آن جنب ^{منظوری} چه
 دارد پیش دیده با او در او بختند که درین بین قبل
 از آنکه فرصت را فوت کند طپانچه بطرف هاون
 خالی کرده و ساجده طپانچه خطا رفت یکی دیگر ^{بهینست}
 اولی طپانچه بدست بی محابا دوید جلو دار که در آن بین ^{حالت}
 بود هنگام خالی شدن طپانچه دست او را چنانچه
 تیر آن طپانچه نیز خطا رفت و سجد الله تعالی ^{بوجود} ای سیدی
 مبارک ز رسید با اینکه ضرب قدم که از دست ^{مغرب} آن خاقان
 اسد الله خان امیر خور خورده و طپانچه از دست ^{مغرب} قضا
 بود باز خود را جمع کرده قدم برهنه از بغل ^{مغرب} مرو ن آورد
 مقررین رکاب هاون او را دور کرده کارش را ^{مغرب} رسانید
 سخن خودش غلطانند هنوز کار او تمام ^{مغرب} نشد جنب
 مثل و در رفیق اولی خود شرف غلظت رسید ^{مغرب} طپانچه بطرف
 قرین الشرف اعلی خالی کرد و اعتقاد ^{مغرب} مقررین رکاب
 هاون این بود که ساچمه این طپانچه ^{مغرب} بم کجلی خطا
 رفته باشد زیرا که هیچ آثار تغییر ^{مغرب} حالت از سر کار
 اعلیحضرت نوی شوکت پادشاهی ^{مغرب} نغمید لکن بود از
 و رهنایت دلیری با استدعای جناب ^{مغرب} صدر اعظم
 مغرب الخاقان مستوفی الممالک ^{مغرب} سایر مقررین کاتب
 و زامی باغ صندوقخانه که در آن ^{مغرب} نزدیکی واقع شدند
 معلوم شد که چند ساجده رکاب ^{مغرب} مبارک گذشته

از میان دو شان سر بالا رفته اکثری کار ^{مغرب} کر نیان
 دو سه پارچه پوست بدن مبارک را ^{مغرب} خراشیده
 و قدری هم فروخته بود اینکه اندک ^{مغرب} مجال هرزگی
 و شرارت برای آن اشرا را ^{مغرب} اجناس شد با بن جنب
 بود که مقررین رکاب ^{مغرب} سستطاب جمعاً ساجده سوار ^{مغرب} شدند
 چنانچه رسم است در رکاب ^{مغرب} حاضر نبودند مگر
 سعد و دی شاطران و شاطر باشی و ^{مغرب} جلوداران
 و فرایشان و مغرب الخاقان ^{مغرب} مستوفی الممالک و
 نظام الملک و الا پر ظاهر است که ^{مغرب} آن اشرا را فرصت
 جبارت و ایقدر حرکت نبود ^{مغرب} و البته در اول امر
 هر سه از آنکه حرکتی ^{مغرب} نماند متهورا اگر قناری شدند
 با جمله گرفتاری در ^{مغرب} رفع آن شریر ستمی نیز بدست
 از مقررین رکاب مبارک ^{مغرب} از قبیل شاطران و فرایشان
 واقع شد و ازین سه نفر ^{مغرب} اشرا شریر ادلی و ستمی گرفتاری
 و از برای تحقیق ^{مغرب} رفقای خود محبوبس اندوان
 شریر دو پی سخن خود ^{مغرب} غلطید چون اولیای دولت
 علیه منظور دارند که ^{مغرب} این کیفیت بتفصیل در روزنامه
 نوشته شود انشاء الله ^{مغرب} در روزنامه اینده مفصلاً
 و مشروحاتاً با اسامی ^{مغرب} چاکران دربارشاهی
 که هر یک چه نوع خدمت ^{مغرب} کرده و در مقام جان نشانی
 از جان خود مضایقه و ^{مغرب} در نفع نمودند نوشته خواهد
 سایر ولایات
 خراسان از فرار یک ^{مغرب} در روزنامه خراسان
 نوشته شده بود در ^{مغرب} اوایل ماه شوال قریب چهل نفر
 سوار ترکان در لوبک ^{مغرب} بسیار جمید در سر راه چپاول

۴۷۷

کرده چهار نفر از امالی دولت بیار چند
 و دو نفر چو بان از دو فرسخی بیامی اسیر کرده
 برده بودند در نزدیکی بجنورد عالیجاه محمد رحیم خان
 حاکم آنجا آنها را برسم زده و سی نفرشان را
 دستگیر کرده جمیع اسرار از دست آنها
 مستخلص ساخته همه را حقیقا و سالمآ بجانها
 خود مراجعت داده است

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که
 عالیجاه مقرب انخاقان علیقلی خان میرنچه در هر
 از منازل عرض راه خراسان سپار با نظم و
 قاعده حرکت کرده و از افواج مسراهی او
 نسبت بزراعت و مال و حال عیبت ذره بی
 و خلاف قاعده منزده است حتی روز و روز
 شب هر دو جنب بقدر کفاف برای آنها ممکن نشد
 بود با اینکه منزل آنها در نزدیکی خرمن دستان
 بوده است و کمال حاجت داشته اند به پرگاه
 و خوشه انگوری توانسته اند دست دراز
 کنند و هر چه لازم داشته اند بپول خریده اند

دیگر از شهر مشهد مقدس نوشته بودند که
 امر آنجا در کمال انتظام و انضباط است و از
 احدی خلاف قاعده ناشی و صادر نمی شود و اگر
 بندرت سرفتی بشود اموال مسروق و قزاز است تمام
 دیوانیان زود بصاحبش میرسد از جمله در محله
 کشمیرها ضعیفه در مسرحام اسباب ضعیفه دیگر

سرفتی کرده بوده است و اسباب سرفتی
 شال کشمیری و طلا آلات بوده است که جمعا
 قریب پنجاه تومان قیمت داشته است و لکن
 ضعیفه سارقان خوف اینکه مسبا و امور نمودند
 شود اموال مزبور را نتوانسته بود بفروشد تا اینکه
 این روزها ضعیفه صاحب مال سیاهه اموال خود را به
 داروغه داده بود که پیدانمای ضعیفه سارقه اسبابها را
 بدون کم و کسر آورده و جنب تحت داروغه انداخته بود
 و داروغه نیز سباب و قدر اینها بصاحبش در کرده بود

اصفهان

از فراریکه در روزنامه اصفهان نوشته شده بود غلامان
 متوقفین اصفهان در میدان نقش جهان بازی میکردند اند
 غلامی بختباری خالی شد بخبر و بیک نامی خورد است و او
 بلاک نموده غلام بختباری از ترس بقم فرار کرده بوده است
 عالیجاه چراغ علی خان او را فرستاده از قم آورده اند
 باورده معقول بخصر لمانی شرع آنجا فرستاده چون قتل خطا
 بوده است بمهاجم گذشته و جی ارگان قاتل بپورده معقول شده

و صلح گذرانده اند
 اجبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید
 بیستم رمضان المبارک بود درین ولایت مشغول بچین
 کردن و کلا از هر شهر و هر بلوک بودند که بسای تخت بفرستند
 و اهل مشورتخانه از خوانین و وکلای رعایا بتاریخ سپردم
 رمضان مخص شده بودند و لیکن خبر کرده بودند که وکلای
 نازه حاضر باشند که هر وقت پادشاه بخواهد در پای تخت جمع شوند

بعد از مرخص کردن اهل شورتخانه خوانین و دکلاهی با
پادشاه انگلیس بنا دارد که برود سجزیره کویک که
پهلوی مملکت انگلیس است و در آنجا عمارت بنا
دارد که بسیار جای باصفاست مدتی کم در آنجا ماند
و بعد از آنجا مملکت یکتا شد خواهد رفت که تا آخر تابستان
بلکه تا اول یانیز در آنجا توقف نماید بجهت خوشی آب و هوا
و صفای آنجا و شکار مرال که در آنجا فراوان است

شهر کلاتس کاغذ نوشته بوده اند که طوفانی
وز آنجا شده بوده است که تا آنوقت هیچکس
طوفان ندیده بوده است شهر مزبور در کسار رود
و نوب است بسیاری از کشتیها در آنجا غرق شده
و مردم که در میان آنها بوده اند تلف شده اند
باد بان کشتیها پاره پاره شده و باد چنان شد
داشته است که آن باد بانها که باطنهای کلفت
ببیرا بسته شده بود همه را باز کرده و پاره نموده است
در دوزخ دور شهر حاصل کندم و جو و زرت
بالمره خراب شده و یاد زیر خاک مانده با از شد
باد ضایع شده است و از هر سبب ضرر زیاد به

فرانسه

تاریخ کاغذ آفرین مملکت بیت و دویم ماه رمضان
بود انشای دولت آنجا چند نفر گرفته بوده اند که
اسباب حرب می ساخته اند و معلوم شده بود
که خیال افساد داشته اند از اینها سیزده نفر
در شهر سنت امر و آن گرفتند و بعد از آن
سی و دو نفر نزد سبکد دولت شدند و میگفتند
که بعضی از اهل قشون هم مصلحت اینها بودند و لکن
بعد از تحقیق معلوم شد که قشون کلاً بصدقت غیرت
خدمت بدولت می کنند

ببیرا بسته شده بود همه را باز کرده و پاره نموده است
در دوزخ دور شهر حاصل کندم و جو و زرت
بالمره خراب شده و یاد زیر خاک مانده با از شد
باد ضایع شده است و از هر سبب ضرر زیاد به

آنولایت رسیده است
اعلانات

استریه

سفر امیر اطوار بن مملکت باعث شادمانی خلق شده است
و بهر جا که میرفت است مردم شادمانی و خوشحالی
میکردند و وافق خبر اخر که ازین ولایت رسیده است
داشت بود و چند روز در شهر بوده است

کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالمحمّد
استاد دارالطباعة این روزها نهاد در محله نزدیکی
در واره دلاب انطباع شده از اینقرار فروخته میشود
کتاب شاهنامه چهار تومان و نیم
کتاب قاموس دو تومان
کتاب تاریخ لفظ کبیر دو تومان
کتاب بانه هزار
کتاب مجمع العجین سه تومان
کتاب تذکره الاله یک تومان
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب مجمع العجین سه تومان
کتاب تذکره الاله یک تومان
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه

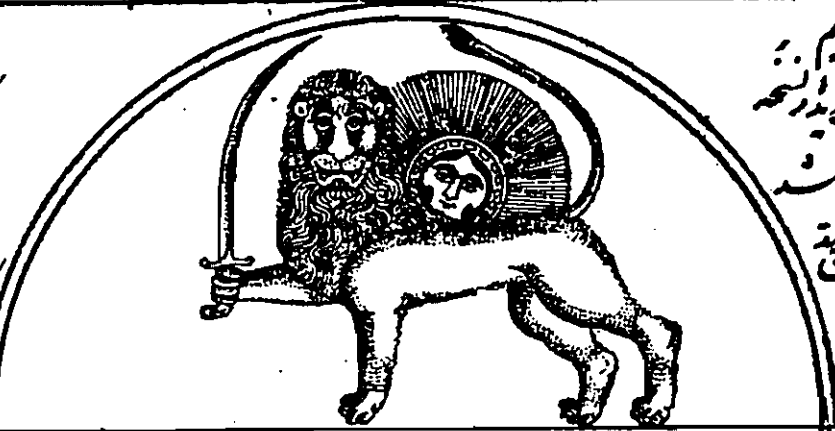
عثمانیه

تاریخ کاغذ اخر که از اسلامبول رسیده است
شوال است و نوشته اند که در اول شوال از

کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه
کتاب پنجه طلی پنجاه

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه هجری قمری ۱۲۶۸

قیمت روزنامه
یک نسخه ده هر سال
هر تومان و چهار هزار
قیمت اعلانات
یک خط را چهار خط بگردد
بیشتر به هر خط



مژده شناسا و نویم
بر سر طهران خریدار
این روزنامه باشد
در بازار جدید در دوکان
نظیر پور فروش خسته
میرسد

اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

تی چند به در خود کرده بعضی از اسرار و الواط و او باشم خام
هوس هم فریقه که از جلای حاجی سلیمان خان پسر سیدی خان مرحوم تهریزی بود
در خانه این خمیشت در و از اخلاف طهران در محله مشهور چشمه جمع اهل
بنای شور و سوری گذاشته هم تقصد کردند و آب و وجود مبارک
اعلیحضرت پادشاهی گذاشتند و از آن نگرانان را که او طلب شد
منجبت کرده بهر یک سلاح حرب اقبیل قه و طپانچه و کار دادند
که آن در پیاوران چار و هر وقت که بتوانند در دست بیاورند بوی
مبارک برسانند و خود نیز با کمال استعداد در خانه سلیمان خان آماده و
بودند که بعضی که شتران میروند آن با اسم او غای میباشند
اجماع دست بیاخت و تا زمان و شک دیار سلیمان کشانند آن بود که
در روز یکشنبه هجرت هشتم شهر شوال المکرم در دو قصبه سرکار اعلیحضرت
پادشاهی لجزم شکار سوار شده بودند آن بختان همواره بی مجابا بر سر
سواری پادشاهی حقه چند طپانچه خالی کردند که از جلای از آن
که ساچمه داشت چند دایسهر قدری بدن مبارک پادشاه را
خراشیده بود لکن جاگران اقبیل قه لاله العظام اسد خان میرزا
و تربی انخان مستوفی الممالک و نظام الملک و سیدی و سایر افاضل و سادات
و غیره دو نفر از آن اصحابا لعین را دستگیر کرده و یکی هم در میان هوا

دار اخلاف طهران
در هفته گذشته چون اصل حقیقت کیفیت کما بخت و بسبب بطور
مشهور معلوم میشود نگردیده بود و مقدمه آن چند نفر ضیعت مردود که از
سوینت قصد منکر نسبت بوجوب مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی داشتند
بطور اجمال نوشته شده بود تقصیل آن اجمال این است که جمعی شایسته
لاذنب گردانده پیروی و متابعت علی محمد باب و دو ملعون
که در سنه ماضیه همی غیر با نزل الله خراج کرده بود و بسزای عمل خود
پیشنهاد کرده بودند چون موافق قاعده علوم ادیان و مملکت نیستند
مذنب خود را برسانند و اگر آشکار کردند بطلان آن بطور صریح معلوم شود
بود چنانکه بعضی از کتب و نوشتهجات و احکام آنها که بیت افتاده
مخص کفر و کفر محض بود و در کتب و نوشتهجات و بیانی توانستند
کفر آنها را خود را که نامی دعوی الوهیت بود آشکار کنند بخیال سلطنت
افتادند که شاید خیرت در اجزای سلطنت نمایند و آشوبی بر پا کنند
که بدعوی مذنب باطل خود در مقام تاخت و تاز و ذنب و غارت
از دست اندازی مال مردم متشی بر گیرند جمعی نیز فرموده اند که من
و قطب آنها را شایسته نام بر پیروی بود و نیابت با سایر افاضل
خود را بجزت عظیم مقصد داشته اند از اصحاب اتباع آن باب

۴۸۰

از ضرب تیغ و سنگ و چوب راهش قرار پیش گرفت از آن وقت
که زنده و سگیر شد معلوم شد که اینها از تابعین باب کتاب علیه اللعنه
بوده اند بعد از آن سرکار اعلیحضرت پادشاهی عنایت شکار را موقوف
داشتند و بر سر اقلیه اولیای دولت قاهره و مقام شمس و قمر
بمقر بانخانان اجودان باشی حاجب الدوله و عالیجهان کلاستر و کلاستر
شهر حکم شد که رؤسا این قوم را بدست آورند تا اینکه در روز آخر ماه
مقر بانخانان حاجب الدوله و فرزان شاهی در کمال معقولیت مختصراً
جمع و مکن آنها حاصل نمودند که همگی در خانه حاجی سلیمان خان مردود
اجماعی دارند که خدای تعالی را با جمعی اخبار کرده بر سر آنگاه فرستادند
دوازده نفر از آن سردار را بنجاستیکر شده مابقی از راهها و جاهای
فرار کردند بعد از آنکه این دوازده نفر گرفتار شدند ساسی سایر رفقا
از آنها معلوم و یو ما فیو ما مقر بانخانان اجودان با کلاستر با فرزان پادشاهی
روزی سه و چهار و پنج نفر گرفته آوردند و هر کدام را که آوردند اولیا
دولت علیه بخصوصه در مجمع عام آنها را حاضر ساخته از مقامی سابق
هم حاضر ساختند و تقصیر ایشان را علی رؤس الاشهاد مدلل و آشکار
خدمت نمایی که از مقر بانخانان حاجب الدوله نسبت بهین و دولت
بدست آوردن ملا شیحلی مزبور بود که همیشه مخفی بود و خود را با حاجی
و حاجب الدوله فرستاد بعد از آنکه از شهر فرار کرده یکی از دوات
آمده بود با چند نفر از اصحابش که همراه او بودند دستگیر کرده آوردند
جناب جلالت آقا محمد عظیم برای تحقیق و تفتیش او را حاضر نمودند
و اصحاب او را که سابقاً و لاحقاً دستگیر شده بودند حاضر ساختند
در همان مجلس علی رؤس الاشهاد معلوم نمودند که اصل محرک و بانی این
عمل شنیع آن ملعون بوده است از جمله معلوم شد که محض صادق نامی که در
روز اول خود را با سب سوار سوار سوار سوار سوار سوار سوار سوار سوار
اندخت و آن نوع جبارت را ظاهر ساخت نو که خود این ملعون بوده و با

و اسلحه حرب را خود آن شیعی با داده بود آنچه ازین طایفه ضاله شیعی گرفتار شدند
سی و دو نفر بودند مابقی معلوم نشد اگر هم فی الواقع رفیق داشته اند از آنها
بروز نیافتی تحمل بولایات بعید نوری و نوری شده با از جمعی از آنها
میرزا حسینعلی نوری در روزگاری که جناب جلالت آقا وزیر مختار دولت
بیهوده روسیه بودند فرار کرده بود جناب سرالبحسب اینکه دستگیر
قوم ضلالت آنها است شرایط اتحاد و دین را مری و منظور داشته با
کمال معقولیت فی الفوق قدغن نموده اتباع سفارت او را گرفته نزد اولیا
دولت علیه فرستادند و سرکار اعلیحضرت پادشاهی و اولیای دولت
از نظری این نوع معقولیت ایشان کمال رضامندی حاصل کرد جناب جلالت
صد اعظم فرستادگان ایشان انعام دادند و نظریا اینکه گذشته از بطلان
دعوی مطلق حسرتی پیش گرفتند که خسارت عموم ماس از سنگ نای
و نهب حرم سایر نهیبات و منکرات از آن حاصل می شد کافر مردم از
علما و فضلا و چاکران در بار سپهر در در عابا و برابا و ضعیف و بیبر
و برنا و پیر خاص و عام قتل این معصومین ضلالت میشه را واجب دانستند
شش نفر از آنها را که این اشخاص بودند میرزا حسین قلی که بی تقصیر نبود
بعضی سوال جواب در آنجا داشتند و میرزا حسینعلی نوری و میرزا
میرزا محمود شیر زاده او و آقا عبداله پسر آقا محمد جعفر و میرزا ابوالجواد
خراسانی چون تحقیق معلوم شد که با آنها درین مفاسد و شوری شرکت
داشتند باشند اعلیحضرت پادشاهی حکم بجس آنها فرمودند که در
جس موبده و محکمانند و بقیه آنها را علما و فضلا و چاکران در بار پادشاهی
عموماً و جمیع اهل شهر از تجار و اصناف و کسبه در میان خود تقسیم کرده هر یک را
یکفر و اصفی نو که با رعیت از اینقرار بسزای خودشان رسانیدند
ملا شیحلی را که در رس و پس این فرقه ضاله بود و خود را نایب خاص باب
میدانست و خود را بحضرت عظیم طبق ساخته و نشان و صدر و بانی و بانی
این شبهه عظیمه بود علما و فضلا حسب حکم شریف طاهر قتل او را واجب دانستند

۴۸۱

برگی

سید حسن خراسانی را که از اشرار و متابعین آن مذنب بود شاهزاده
 بضر بکشید و کلود و کار و خنجر مقبول ساختند
 ملازمین العابدین یزدی امیرمقرب الخاقان ستونی الممالک در اول محض
 دین و حقیقت دولت خود با طبا پنجه زده بعد از آن ستونیان عظام و سکر
 کرام کلمه با طبا پنجه و کار و خنجر و قه ریزه ریزه کردند
 ملا حسین خراسانی نیز مقرب الخاقان میرزا کاظم خان نظام الملک
 سعید خان دبیر مام خارجه اول نظام الملک و با طبا پنجه زد و بعد از آن
 دیگر میرزا سعید خان زد و بعد از آن اتباع هر دو سنک و کار و خنجر بزرگی
 میرزا عبدالوهاب شیرازی مشهور کلمه مدنی و کلمه بود و عوی همین نسبت
 عظیمی پاک کرده بود اتفاقاً در ممانعت که او را آوردند یکی از علما موثق معتقد
 اینجا حاضر بود و شهادت داد که در کلمه شبها او را دعوت کردم و نپذیرفته
 لاطایله و نام بر طبا گفت و از جمله دوازده نفر استخاصی بود که بنیوان
 مرتکب سارت شد عالیجان جعفر قلینجان برادر جناب صدر عظام و دو
 موسی خان و میرزا علیخان سپهران جناب معزی البیه و رفیقان بنی اهل
 و جنگی عجایب تفکر اران و علما انبیا بضر کلود تفکر و طبا پنجه و خنجر
 قه و شمشیر ریزه کرده بدار البواز فرستادند
 ملا فتح الدقی ولد ملا علی صحاف که در روز اول چند از جمعه طبا پنجه او قدری
 بدن مبارک اخراشید بود و در دوی هایون بدن او اشع زده روشن
 و مقرب الخاقان حاجب الدوله طبا پنجه با ساجه بهانجا که او سرکار اعلی حضرت پادشاهی
 انداخته بود در فی الفوق اتمام و بر عله فرشته خانه با قه پارچه پارسک باران
 شیخ عباس طهرانی را خواند و امر او را با یون بضر طبا پنجه و شمشیر بزرگ فرستادند
 محمد قریب آبادی که از جمله آن دوازده نفر بود و خود او را در امان داشت که در جمیع محایط
 ضلایلی بوده است ایشان حضور طایون و بیع عله غلبت و کار و خنجر مقبول ساختند
 محقق شیرازی مقرب الخاقان اسد الله خان سراج خاصه پادشاهی و بر عله جات صلیب
 اول نعل نموده بعد با تخاق و بیخ طوبی آهن و قه و خنجر بسیار انش رسانید

محمد قریب آبادی مقرب الخاقان ایک افاسی باشی و حاجی با و تپه باشی و نایبان و نایبان
 و سایر عله حضور در بناوران بضر تبریز و شمشیر و غیره با نعل این فرستادند
 میرزا محمد شیرازی را که در جمیع محایط با تپه و شیرازی و نایبان در جاده است
 زخم بسیار از محایط است بعد از آن و نایبان و مقرب الخاقان سرجی با و نایبان و نایبان
 علما انبیا سرکاری و فکلود تفکر ساخته بر این گروه بعد از آن بانک و طبا
 محمد علی خنج آبادی را اول خنجر با کیمش او را که نایبان پارس که داشته اش دادند
 حاجی سلیمان سرجی خان شیرازی را که تفصیل او فرق و قیوم با قه تا سمری که
 و صبی سرجی بود و تا حسن بیست شتایه بشهر برده بنامنا را اشع زده از قه و با نفا
 و اهل طرب و از حاتم در کوچه بازارا کرد و مانع از نایبان برودم در شهر
 تا در هر دو در واره برده بر عله نایبان غصب آنها را چهار پنجه چهار در واره
 حسین یزدی را مقرب الخاقان جودان و بران پنجه و سپهران سرنگان بشهر گذراندند
 آقا محمد کاشی را که از جمله آن دوازده نفر بود و در نایبان و نایبان
 صادق بخانی نوکر کاشی که در روز اول ستم بر این کاشی نقش او را در کوچه کرد
 میرزا بی دما دمی کل طهران امالی بر سره دار القون بشهر سمرقند کاشی را
 میرزا رفیع نوری را سوار نظام با طبا پنجه و عذاره بدر و اصل نمودند
 میرزا محمود قزوینی را بعد از آن که زینور کاشی کلود بزرگ کرد با عذاره پاره کرده
 حسین سلیمانی را که از نایبان اسکوت و ان طاه و در البعب امام عالم با عذاره بزرگ کرد
 بود و بران افواج نیز پیش کرده با نیز جیبش او را پنجه و در مشک و در
 ملا عبدالکریم قزوینی او پنجه حاضر کاب بضر عذاره بار از ر و کارش را آورد
 لطفعلی شیرازی ایجاد شاطرا و شاطران کلاری با خنجر و چوب و تبر و معادن
 سنج خسته را امالی شهر عوا اجماع کرده با چوب و کار و خنجر و شمشیر معدوم لا شکر کردند
 حاجی میرزا جانی نایب کاشی که کبریات از داد معلوم توبه کرده باز را نایب با عوا
 عوام با درت نمود و عوا آقا محمد ملک و تجار و باع بر این صاحب پنجه فرستادند
 حسن خنجر مقرب الخاقان نصر الله خان و بر عله کارخانه مبارک قتل رسانیدند
 محمد قریب آبادی را آقا یان قاجار طعمه شمشیر ابدار نموده بدو فرستادند

سایر ولایات

مازندران

از قرار یک در روزنامه مازندران نوشته شده بود
 از اتهامات اولیای دولت قاهره و حسن برقت
 نواب شاهزاده و الا تبار مصطفی قلی میرزا حکم آن
 امر آنجا در کمال نظم و انضباط است و بعد از رسیدن
 مرزده صحت وجود مغودا علی حضرت شامشاهی بوش
 معزی الیه و مالی آن ولایت عموم ابشکرانه این
 نعمت عظمی و بشارت کبری بساط عشرت و
 انبساط بنسط داشته جشن و شادمانی نمودند
 و نواب معزی الیه حکم کردند که سه شبانه روز
 شهر و بازار را این بسته چراغان نمایند مردم
 از روی کمال شوق و رغبت بهینه اسباب
 شادمانی و آتش بازی و چراغانی مشغول شده
 و قواعد انبساط عشرت معمول داشتند و بعد
 چند نفر از محبوبین را که تفصیر کلی داشتند
 بشکرانه صحت و سلامت وجود فایض استود
 از مجلس مرخص نمودند
 در سپنجین از قرار یک نوشته بودند این روزنامه
 شاهزاده مصطفی قلی میرزا سان نوکر سواره
 مازندران را دیده و بنوکر پیاو هم اخبار کرده
 که بشهرسازی آمده سان بنوکر چون آمد
 تا نامی در نوکر طایفه سواره دالمو بود که بعد از
 از سفر کرگان اسب اکثر آنها اسقاط و تلف شده
 الترام از جمیع سرکرده گان گرفته اند که در روز
 ماه ذیقعد احرام در صحرای سرخه کلا نوکر را

با تفنگ و یراق و اسب و لباس خوب حاضر
 نمایند که هر کس اسب نداشته و مجد و اگر فدا
 واقع شود

دیگر از قرار یک نوشته بودند اسال از ولایت
 مازندران قریب بده هزار نفر زوار زیارت مشهد
 مقدس رفته اند و این روزها یکی دارد شاهرود
 گردیده اند

ملاّیر و تویسرکان

از قرار یک در روزنامه ملاّیر و تویسرکان
 نوشته بودند در روز غره شهر شوال المکرم
 ربع ساعت بغروب آفتاب مانده از طرف
 مغرب کوهی آتش آسار روی هوا ظاهر گشت
 همچنانکه حبیب الهی تویسرکان او را ملاحظه نمودند
 و بعد بروی هوا کشیده شده تا بوسط آسمان
 و همان لحظه منشق گردید که کویا پنج شش پارچه
 می آید پس از آن صدائی مشابه صدای دهه عراده
 توپ از سمت جنوب بکوشش عموم الهی آن
 صفحات آمد که اکثری علامات زلزله پنداشتند
 شدند و قریب پنج دقیقه آن صدای مهیب بطول انجامید
 و در شب دو تیم ماه مزبور تخمیناً پنج ساعت از شب گذشته
 زلزله شدیدی در تویسرکان واقع شده
 که اکثر مردم آنجا از خواب بیدار شده اند و بعد
 یک ساعت بطول آفتاب مانده نیز زلزله شده و
 چندان شدتی نداشته است و از تفصیلات
 خداوندی ضرورتی نیستی رسیده

اخبار دول خارجه

دوین روزنامه روزنامه از فرانکستان بمباشرن روزنامه
رسیده و لیکن از همان تاریخها بود که در هفته گذشته
نوشته شده است از مملکت استریتیه نوشتند
که امپراطور این ولایت باز در سپاحت و
بود و هنوز سپای تحت وینه مراجعت کرده بود
و در اوقات توقف امپراطور در شهر بوده کشتی
سجاری که بجهت رود د نوب ساخته بودند بابت

میخواست بولایت سیوس برود و از آنرا که حال آن
ولایت فرانسه اخراج شده است و دولت سیوس
نیز با دولت فرانسه در باب بیرون کردن فرانسوا
عهدنامه دارند در مملکت سیوس گفتگویی شده است
که آیا موسیو طیرز را نیز مانند سایر فراریهای فرانسه
ازین ولایت باید بیرون نمود یا نه اکثر اهل آن ولایت
گفته اند که چنین چیزی نسبت با دم محترم و بزرگ
خلاف قاعده غریب دوستی و مهمان دار است

از مملکت اسپانیول نوشته اند که چون فرانسوا
زیاد از فرانسه با ولایت می آیند اهل آنجا تیشوش
کردند که مباد از آمدن این اشخاص بی نظمی و افشاش
در امر خود آن مملکت روی بدهد حکم داده اند که این
فراریها میباید در جای معینی که نزدیک رودخانه
آبروی بسیار توقف نمایند و از آنجا بتجاو نهند

در مملکت فرانسه گفتگویی بوده است که قشون را
بلکه کم نمایند بسبب اینکه اخراجات زیاد بود
بجهت نگاه داشتن اینقدر قشون رکابی که حال است
دارند اما بعد از بحث و گفتگویی زیاد کمان نبود که
توانند بطوریکه بنیاد استند قشون را کم نمایند
ولا بد است که حال اما مدتی بهمان قرار است نگاه
بدارند و کم نکنند

از ولایت انگلیس نوشته اند که از طوریکه معلوم
و قشیکه دکلای رعایا از هر بلوک و شهر این ولایت
جمع بشوند اغلب مصلحت و زرای پادشاه
خواهند بود اگر چه تا وقتی که دکلای رعایا همه معین و برقرار
و در مشورتخانه حاضر نشوند این مطلب درست معلوم
اما ظاهر اگویا اکثر آنها با وزیر متفق باشند و مخالفی
با هم نداشته باشند

نیامین شهر استریتیه بوزغ و پارسین پای تخت
فرانسه و بعضی شهرهای دیگر فرانسه را
آهن بجهت ترود کالک که بخار ساخته و با تمام
رسانده بودند و میخواستند بجهت آمدن شهر مردم
باز نمایند و کالکهار ابراه بندازند و بجهت
افتتاح راههای مزبور لوی ناپلیانرا مهابانی فرستادند
کرده بودند اندو کمان داشتند که اسباب

موسیو طیرز که در ایام لوی فلیپ پادشاه سابق
فرانسه یکی از وزرای معتبر آن ولایت بود درین روزها

و اوضاع تمام و تدارک سنگین بجهت ضیافت
نیمس مزبور در آنجا فراهم یابد

۴۸۶

احوال متصرف

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانس در آنجا چاپ میزند و روزنامه ده کانتینتینبول مینامند نوشته اند که حکم از جانب دیوان در روزنامه الطباع که بعد ازین همکس اشاع پول از قرار هر سال صد تومان و از ده تومان بیشتر بگیرد و فرامین بهین مضمون کل عثمانیه و ستاده اند فتره دیگر نیز در آن فرامین حکم شده است که هر حجت و تمسک که نوشته شود باید در دیوان ثبت شود و قرار اشاع همان باشد مگر در اموال ایتم و زنان بیوه و تنخواه موقوفات که درین پولها از دیوان مأذونند از قرار هر صد تومان در یکسال نازده تومان انتفاع بگیرند و این حکم از وقتی که صادر شده است مجری است معاملاتی که در سابق شده باشد داخل این حکم نیست هم در آن روزنامه نوشته اند که در سال گذشته بلخ زیاد چون بسمت برود آمده بود در فصل بهار امسال سلیمان پاشا حاکم آنولایت در گرفتن و اطلاق بلخ و تخم بلخ و بچان که هنوز پرواز نیامده باشد کل امانی آنولایت را حکم کرد که جمع شوند و نوشته شود که چون تاییکاه و چهل روز از غید نوزاد گذشته نیز هواد در مملکت اناطولی سرد و بارندگی زیاد بود بلخ و بزار تخم بیرون آمده است و قستی که این بلخ را این است که در روز نخستی جمعیت کل دانت و اطراف خبر میکنند و بلخ را که هنوز درست پرواز نیامده است با تورانی که مانند تور مرغ گیری و ماهی گیری ساخته اند

میگیرند و اگر تور نداشتند باشند پارچه کربا مانند نخیچر جا در بر پانمی کنند و بر شاخه درختها که مثل جار و بهادر دست دارند بلخها را می رانند و بزرگ آن پرده جمع کرده میگیرند پارسال اهل آنجا از بلخ خود که چنان متضرر شدند که در بسیاری از روستها کاشتم سخم سخم امسال مقدورشان نشد و لکن حاصل بیشکی شهر و در خود شهر بروست امسال خوب بعل آمده است و امید داشتند که پیش از آنکه بلخ بجاصل برسد حاصل برداشته بشود و از شهر بروست و شهر اذینه نوشته اند که کمان داشتند که حاصل ابریشم امسال در آنجا فراوان و خوب بعل آمده باشد

مصطفی بیگ پسر ابراهیم پاشا پاشای بن مصطفی که مدتی در اسلامبول بود بکشتی بخار دولتی که طیر البحر نام داشت بقاهره پای تحت مصر روانه شد سرتت فور و کتینگ که مدتی در اسلامبول ایلمچی کبیر از جانب پادشاه انگلیس بود در این روزها داخل خوانین انگلیس شده است بقلب لارد سرتت فور ده روز کلف و در دست هشتم ماه رمضان با صاحب منصبان سفارتخانه و بعضی از صاحب منصبان دیگر انگلیس که در اسلامبول بودند بحضور سلطان شرفیاب شد که مرضی حاصل نموده بولایت انگلیس راجعت کند بکانت بعد از ظهر بحضور سلطان شرف شده سلطان

نسبت باد کمال مهربانی و التفات و احترام بود و بعد از آنکه با صاحب منصبان اذن مری حاصل نموده بود سلطان شازده را بخلوت خواسته و بیشتر از یک ساعت مشغول در مباحثات بوده اند و در بیت و نهم ماه مزبور بیدار و در سلطان رفته بود که با آنها وداع نمود معصود روانه شود و در روز دوشنبه عزمه شوال کشتی بخار و دلتی انگلیس را که در آنجا بود سوار شده بولایت انگلیس روانه شد و قولی را اسر بجای خود نایب گذاشت بقعب و منصب شاری و نیز و از آنرا که ایلیچی کبیر در مدت اقامت در اسلامبول کمال خوش سلوکی و حسن رفتار و مهربانی را با کل اهل آنجا مسلوک داشته بود از رفتن او بولایت انگلیس مردم آنجا خاصه اهل تجار از هر طایفه که در آنجا اقامت داشتند بسیار متأسف بودند بسبب اینکه و ایم الاوقات حکایت تمام از آنها کرده بود

درین روز نامه نوشته اند که یک ماه حاج در میان خلق نان است که قوت غالب است و هر کس بتواند در میان مردم ناز افراوان و ارزان نماید کار بزرگی کرده است سابقا در آنجا بجهت کم بودن آسیاب مردم تنگی می کشید آسیاب آبی کم داشتند و قدری هم آسیاب بادی داشتند در تابستانها اغلب اوقات آسیاب آبی بجهت کمی آب کار نمیکردند و گاهی هم بجهت نیامدن

باد آسیابهای بادی نیز میخوابند و مردم زیاد بعسرت می افتادند و قدری هم آسیاب چرخ که با اسب حرکت میدهند دارند اگر چه از این چرخها بسیار است اما زورشان کم است و اخراجاتشان بسیار درین روزها بجهت تسهیل این کار در دولتها آسیابها از چرخ بخار برآه انداخته اند و چونکه این آسیابها که از چرخ بخار بزرگ اند و زورشان بسیار است هم کمندم را زمره آرد می کنند و هم رود تر و زیاد تر و بجهت مردم ارزاتر تمام می شود ازین آسیاب که با چرخ بخار میگردد در از منبر که اصمیر نزمی نویسنده ساخته که روزی صد خوار کندم را آرد می کند و چرخ بخار که بسنگهای آسیاب حرکت میدهد روز پنجشنبه اسب دارد و چهارده سنگ آسیاب را حرکت میدهد یک اخراجات زیاد که این آسیابهای چرخ بخار را داشت این بود که آب بجهت دیک چرخ بخار لازم بود و چون آب کم بود مخارج آوردن آن زیاد می شد حالا آب دریا بمصرف آورده اند و ذغال سنگی نیز در سوختن کمتر صرف می شود این آسیابها خوب راه میرود و منفعت زیاد هم می کنند و بیشتر خواهد شد

بتاریخ ۲۱ شعبان کشتیهای جنگی سلطان از لنگرگاه اسلامبول بیرون رفتند و در دریای زو دروازه قوم قاپوسی که نزدیک بعمارت سلطان است لنگر انداختند و بناست که این کشتیها بت دریای

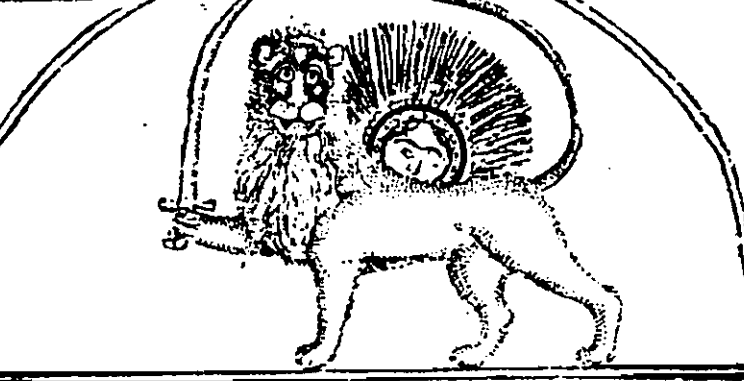
یونان برده اند و میگویند که قدری از این کشتیها و قشون
 سحری بسمت شامات نیز خوانند و نسبتاً
 در اطراف اسلابول بسیار کشتیهای بخار کوچک
 دارند که مردی که خانهاشان در دانات و قصبهای
 اطرافت هر روز بکشتیها سوار شد چه صبح میان
 شهری آیند و عصر بخانههای خود مراجعت میکنند
 حالا این کشتیها زیاد شده اند گاهی اتفاق می افتد
 که در تنگ راه رفتن بیکدیگر میخورند و درین روزها یکی از
 آن کشتیها نزدیک بوده است که غرق بشود و آنرا
 قرار گذاشته اند که هر یک از لنگرگاه و سکوی کشتی
 در یادر وقتی معین روانه شوند که وقت عبور آنها
 معلوم باشد و بیکدیگر نخورند و درین روزها دوستی
 دیگر از ولایت انگلیس با اسلابول آورده اند
 که آنها را نیز بجهت نزد در دریا های اطراف اسلابول
 فرستاده اند

و مهارت او معلوم باشد و این کاغذ باطل دول
 خارجه از آنجخت نوشته شد که رعایای آنها نیز
 این حکم را ملاحظه کرده از انقرار رفقار نمایند و اگر
 کسی بی تصدیق اطباء و حاذق و اذن دیوان دوا سازی
 دوا فروشی بکند مورد مواخذه خواهد شد
 سامی پاشا که سابقاً حاکم طرابزان بود از حکومت
 آنجا سزول و بحکومت ملکت و دین منصوب گردید
 و ظریف مصطفی پاشا را نیز که سابقاً حاکم و دین
 بود از آنجا برداشته و مامور حکومت ارزنة الروم
 کرده اند
 قابل افندی از جانب سلطان بمنصب المچی گری
 و وزیر مختاری روانه ملکت یونان شده و در
 شانزدهم شعبان مسراه صاحب منصبان
 متعلق بخود از اسلابول بیرون رفتند روانه
 شدند
 اعلانات

کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالحمید
 استاد دارالطباعة این روزها مواد مجله نزدیک
 به روانه دولاب طباع شده از اینقرار فرستاده میشوند
 شاهنامه چهار تومان و پنجم
 معراج القاعده دوازده هزار
 حتمه نظامی نه هزار
 جوهری شش هزار
 مسالک شش تومان
 مدارک سه تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه نهم ماه ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۶۱

قیمت روزنامه
یک نسخه یک ریال و چهارده هزار
قیمت اعلانات
خط اول هر خط یک ریال
بیشتر هر خط پنج ریال



نزهتستان و سیم
هر کس در طهران خریدار
این روزنامه باشد در باره
در دکان علی بن سید
فروخته می شود

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از فراری که در روزنامه و در ضمن تحریرات ولایات ممالک محروسه پادشاهی نوشته اند بعد از آنکه مرده صحت و سلامت وجود سعود اعلیحضرت پادشاهی بهر یک از حکام ولایات ابلاغ شده بود حاکم اتولایت و امالی آنجا از روی کمال شوق و رغبت بشکریه صحت وجود فایض ایچودشاهی قواعد شادمانی و انبساط معمول داشته شهر را این بسته و چراغان کرده اند و بفقرا و مسکین تصدق داده اند و هر یک بشکریه این بشارت عظمی بیکسگی هم برای تصدق سعودشاهی به بارها بون انقاد داشتند و حکم که بفقرا و مسکین بذل شود ولایاتی که از آنها خبر رسیده است از این قرار است

قرم از فراری که نوشته بودند بعد از آنکه مرده صحت و سلامت وجود مایون اعلیحضرت شاهی آنجا رسید بود امالی آنجا از روی کمال میل و شفقت صد تومان بجامل مرده داده قواعد عیش و عشرت معمول داشته بودند

عراق از فراری که نوشته شده بود بعد از رسیدن مرده

صحت وجود سعود اعلیحضرت پادشاهی نایب الحکومه عراق و امالی آنجا بساط عیش و انبساط داشته قواعد شکر گذاری و شادمانی معمول داشته بودند

اصفهان از فراری که نوشته بودند بعد از وصول مرده صحت و سلامت وجود فایض ایچود سلطانی عالیجاه چراسلی خان یکصد تومان برسم تصدق بفقرا و مسکین داده و بکطافه شال و دو جبه نقدی هم بچاپار مرده کافی داده و بعد از آن بشکریه صحت وجود مایون با عموم امالی آنجا بقواعیش و شادمانی مشغول شده بودند

قزوین از فراری که نوشته بودند بعد از وصول مرده و شادمانی و سلامت وجود اعلیحضرت شاهی امیر الامرا مقرب الخاقان خسرو خان والی قدغن کرده که در کوجه و بازار جا کشیده این بشارت عظمی را گوشه خاص و عام نمایند که کسی با سجاده خلاف نگذارد و امالی قزوین بکلی بکلی شیدن مرده صحت وجود مایون از روی کمال شوق و شفقت مشغول شادمانی و انبساط شده اند

کاشان از فراری که نوشته بودند بعد از وصول بشارت

۱۲۶۱

وسلامت وجود علیحضرت پادشاهی حاکم و امالی کاشان
همگی شوق و شادمانی شده. قواعد عیش و عشرت
معمول داشته تقدیم مراسم شکرگذاری مشغول
شدند

ختمه از قراریکه نوشته شده بود بعد از آنکه فرد صبح
وسلامت وجود مسعود پادشاهی بمقرب انجاقان امیر
حاکم خراسان رسیده بود این بشارت عظمی المعبوم امالی
صحت ابلاغ کرده قواعد عیش و عشرت و انبساط معمول
داشته بود و امالی انجاقان زودی کمال شوق و شوق تقدیم
مراسم شکرگذاری و شادمانی دسترس مشغول شده

همدان از قراریکه نوشته بودند بعد از وصول مژده صحت و
سلامت وجود مسعود علیحضرت شاهنشاهی نواب هرات
سیف الدین میرزا این بشارت عظمی المعبوم امالی آن میرزا
رسانده تقدیم مراسم شادمانی و عیش و عشرت و چراغانی
مشغول شده و دولت تومان هم برای تصدق و بخل
بفراغ انقاد در بارها یون داشته بود

آذربایجان از قراریکه نوشته بودند بعد از آنکه مژده صحت
وسلامت وجود مسعود سرکار علیحضرت شاهنشاهی بنواب
مستطاب هزاره و آذربایجان حاکم دولت صاحب اختیار
مملکت آذربایجان و مقرب انجاقان میرزا فضل الله وزیر
نظام رسیده بود اظهار مراسم شکرگذاری و شادمانی
کرده قدغن نموده بودند که بشکرانه سلامت وجود هاتون
شهر را این بسته چراغان نمایند و امالی آن مملکت هم از
و شریف بقواعد عیش و عشرت و شادمانی مشغول شده بود

از امور عجیبه یکی این است که گمان روزی این بشارت از چند
نفر از طایفه خاله بابیه باقتضای شقاوت ذاتی و جناب
فطری ظاهر شد فی الفور چارپا بر هر یک از ولایات حاکم
محمود پادشاهی مأمور روانه شد که وقوع این کیفیت و صحت
وسلامت وجود علیحضرت شاهنشاهی را بحاکم و امالی انجاقان
ابلاغ کند ولی از قراریکه از هر یک از ولایات نوشته بودند
دو سه ساعت پیش از آنکه چارپا رویانی وارد شود این خبر خوش
باخبار رسیده بود بعد از آنکه چارپا وارد شد کیفیت بیان
واقع ابلاغ کرده بود اضطراب و تشویشی که برای مردم گزاشته
این خبر حاصل بوده شرح است

سرکار علیحضرت شاهنشاهی چون بعد از وقوع این مقدمه بابیه
بسواری جانی تشریف فرما شده بودند و باغ داوودیه هم
با صفا و فرح افزا شده است طبع مبارک مایل قفرج
انجاشده در روز جمعه تشریف فرمای باغ داوودیه شدند
و در آنجا عهده رانده و شیرینی میل فرموده قریب لغروب وقت
فرمودند

در صبح روز جمعه حجاب الامیر سرکار آمدن شاهنشاهی نواب هزاره
مشرف و الاسطان معین الدین میرزا و بعد دولت جاوید مد
بیدن جناب جلالت تائب صد اعظم تشریف آوردند
و جناب معظّم الیه لوازم احترام را از استقبال و قربان
و شیرینی و پیشکش و سایر ملزومات و تکلفات بعل آوردند
در روز سه شنبه پانزدهم جناب جلالت تائب صد اعظم
بیدن جنابان جلالت آبان و زرای مختار دولت بهین
در وقت تشریف بردند جناب وزیر مختار دولت بهین را

۴۸۹

دیدن فرود خواستند بیدن جناب وزیر مختار و
بید روش بر وند چون جناب معزنی الیه ما خوش
لبتری بودند و خلافت قاعده بود بمجذرت و عذر خواهی
فرستادند و انا آنجا جناب صدر اعظم بیابغ دادند
رفت تا غروب در آنجا بودند و وقت شام اجابت نمودند

جناب جلالت آب سفیر کبیر دولت علیه عثمانی در روز
سه شنبه پانزدهم وارد دارالخلافه طهران شد
ولیکن چون موکب یابون اعلیحضرت پادشاهی در
نیاروان تشریف داشتند جناب معزنی لب
بشهر وارد شده در باغ پرون شهر که بیابغ ایمنی
مشهور بود و حسب الامر الاقدس بیست و بیست و سوم
شده منزل نمودند امیر الامرا العظام سپهدار و عالیجا
محمد ابراهیم خان سرینک نوری و دو خوشتر خان
و اسد خان از یوزباشیان پادشاهی با جمعی دیگر
از غلام و غلام پیشخدمت و سایر چاکران در باغ
باستقبال رفته لوازم احترام و استقبال را بطوریکه
معمول و مستلزم دوستی دولتی علیتین بود
آوردند

چون هوای شهر دارالخلافه طهران این اوقات کمال
اعتدال و خوبی را بهم رسانده است موکب فیروزی
که کب یابون اعلیحضرت پادشاهی در روز جمعه
پنجاعت از روز گذشته اشاء اللسلامت و شکوه
به دارالخلافه طهران تشریف فرما خواهند شد و در سه روز
خواهند فرمود

اشخاصی که در این مقدمه در روز یکشنبه میت بمشمن
شوال در رکاب یابون خدمت کردند و اسامی آنها
بتفصیل در آن روزنامه نوشته شده بود از جمله
امیر الامرا العظام مقرب الخاقان محمد ناصر خان
در رکاب مبارک حاضر بود با اینکه حربه و اسلحه جنگ
نداشت باز با نداشتن حربه با همان چوب دست و تلامش
جان نثاری خود را زیاد تر از اشخاصی که حربه و اسلحه داشتند
ظاهر ساخت که است از زیاده از حد مقبول نظر جایون

پادشاهی کردید
مقرب الخاقان میرزا احمد خان ناظم دیوان که حسب امر
اعلیحضرت پادشاهی بهرات رفته بود در اجابت نمودند
در رفته گذشته تشریفات حضور یابون شد و نظر
حذات او که درین سفر بطور رسیده بود کمال رحمت
و اظهار عاطفت طوکانه در حق او فرمودند
درین روز ما نظر بشارتکی جناب میرزا که چک نایب الصد
ختمه منصب صدارت حتمه را که بعد از مرحوم آقا محسن پسر
شارالیه تحویل بود بعد خود شارالیه درین اوقات از
قارفرمان مبارک مغوض و مرجوع و ستمری که در حق مرحوم نور
برقرار بود در حق شارالیه حتمه فرمودند

نظر بشارتکی عالیجا میرزا علیمحمد خان درین اوقات
انمای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه از فرار حکم
نظامی منصب یوزباشگری غلامان نوری و شیرازی نو
عالیجا میرزا عبد اللدخان را بعد از او مغوض و مرجوع و بطاعت
این منصبی در سر فرمایش فرمودند
سایر ولایات

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود از اتهامات اولیای دولت قاهره امر آنجا با کمال نظم و انضباط و نواب شاهزاده امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان بجایجا بجا سرنگ قلعن کرده اند که هر شبی سیصد نفر سربازینها و دی بکار داد که دست به کشتن شهر اکسید مشغول حفظ و حراست مال و حال مردم باشند و اگر دزدی اتفاق افتد خود آن سربازان که مستحق شهرتند قرارداد شده است که از عهده بر ایند باین ملاحظه کمال اتمام در کشتن و محافظت آن سرف و غیره می شود

از قراریکه نوشته بودند عالیجا میرزا ابراهیم خان کارپرداز دولت علیه ایران معتمد بغداد که از دربار جاپون مرخص و روانه مقصد بود در روز و دو ششالیه بکرمانشاهان نواب شاهزاده امامقلی میرزا جمعی از اعیان و اشراف آنولایت را با استقبال او فرستاده اند و بعد از چند روز توقف در آنجا که روانه دار اسلام بغداد شده است نواب معزنی آیه پنجاه سواره سنجایی مکمل و سوار او روانه نموده اند که از کرمانشاهان الی بغداد با او باشند و بعد از وصول مشارالیه بعبود اجتناب

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند در کردستان که در سنه سابقه حبسلی مخوف بود و عابری از آنجا بسایر تشویش و احتیاط داشتند این اوقات قرارداد داده اند که بکشت علی الدوام در آنجا مستحق باشند که عابرین و مترددین اسوده خاطر و بی تشویش آمد و رفت نمایند از قراریکه نوشته بودند از وقتی که تفکیک مشغول در آنجا برقرار شده است تا بحال

بسیار مال و حال احدی از مترددین ضرر و آسیبی نرسیده و تفکیکشان مشغول حفظ و حراستند

دیگر نوشته بودند که جمعی از رعایای آنجا که از سربلک حکام سابق متفرق شده بودند درین اوقات بملاحظه سربلک و رفتن عالیجا بطغلی خان نایب الحکومه عراق بسکن با توف خود میرا با مورز راعت عیبتی خود مشغول هستند و آنچه نیز نور به اوطان خود مکن بخته اند عالیجا به اشارت آینه اراک گری و خاطر جمعی داده و در کابجی آوری میباشد

دیگر نوشته بودند که در بلوک معتمد من مجال که از از خانه حاجی حیدر نا مالی سیرت شده بوده است عالیجا نایب الحکومه دزد را پیدا نموده و مال را بعینها استرداد و بصاحبش رد کرده است و همچنین شخصی از اهالی کرمانشاه که در یک نفر ناپسری خود را که بسن شصت سالگی بوده است بطبع اینکه جزئی مالی که دار و ضبط نماید مسموم کرده و مسموم شدن آن طفل بر جسم اهل آنجا ثابت شده بوده است عالیجا نایب الحکومه آن شخص را بمقام موافقه در آورده جواب گفته است که مادرین طفل اورا مسموم کرده است از اینکه علی الظاهر حسن کنی از مادر نبردند خود مستبید بوده است نایب الحکومه عراق آن شخص را مجوس کرده است تا بد آنچه اولیای دولت قاهره حکم نمایند از انقرار معمول دارد

احوال متفرقه

دیگر از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در سنه هزار و شصت و پنجاه عیسوی که دو سال پیش ازین با در مالک ربه صد و هفت باب بجهت تربیت اطفال یم دی کس داشتند و حالا دویست باب کرده اند و مخارج اینها همه از دیوان است و اطلاق و سخوای که بجهت این مدارس وقف کرده اند غیر از قیمت عمارت خود مدارس و دویست هزار و شصت تومان پول ایران حساب کرده اند

۴۹۱

از یکی فایزینا نوشته اند که باز مردم از کل اطراف روی زمین بجهت طلا با آنجا میفرستند و بسیاری ازین اشخاص از اهل چین میباشند پارچه طلائی در معدن آنجا پیدا کرده اند که ارزش سه من بسنگ مشتمل عباسی بوده است از اول پیدا شدن معدن مزبور تا بحال پارچه طلائی با این در آنجا نیافتاده بوده اند

از مملکت پروس نوشته اند که درین فصل بهار سیل زیاد در رودخانه آنجا آمده و پلها را بعضی سیل شکسته و برده و کاه و کوفته زیاد نیز در میان آب تلف شده اند در کجا بعضی در اس کوفته در میان آب سیل غرق و تلف شده و در جانی دیگر چهل هفت نفر مرد و زن را سیل برده است که نفس نوزده نفر از آنها را از میان آب در آورده اند و بیست و هشت نفر دیگر را هنوز پیدا نکرده بوده اند و در جانی دیگر که متجاوزم مینامند نوزده نفر بسبب افتادن خانهها از سیل هلاک شده اند و مردم از راه احسان پول جمع میکردند که بر جای آنجا که بسبب سیل متضرر شده اند

بمهند

کاغذ آخر که از هندستان رسیده از بمبائی میت و دویم و از کلکتته نیز هوم حیب و از شهرانگان چین هم رجب بود در خصوص جنگ در کلکتته هم نوشته بودند که بازگان جنگ و خونریزی در آنولایت بود در همان اول که قشون انگلیس شهر رنگون را گرفته بودند اهل برمه قشون در مرتلی در آن نزدیک داشتند که با این جنگ بودند قشون حیب میکردند و میگفتند که قریب بمبئی قشون در آن اطراف داشتند و تیکه دولت انگلیس قشون

از هندوستان بان مملکت فرستادند سرکردگان دولت انگلیس کمان میکردند که اگر در حله اول قشون فتح نمایان بکنند چنانچه کردند اهل برمه را منی بصلح خوانند حال معلومشان شده است که اهل آنولایت باز نماندند جنگ می بینند و قشون انگلیس را بدینگونه که بیان آنولایت بروند و چون فصل تابستان در آنجا موسم باران است سفر کردن در جنگهای آنجا بسیار مشکل میخواسته میشود

پیش از موسم باران حرکت کرد و بیان آنولایت بروند در چهل فرسخی رنگون شهری دیگر است که آنهم در کنار رود و شتی بر روی آن است بنا داشته اند که از شهر رنگون با آنجا برود آب و هوای رنگون بدست و قشون زیاد در آنجا تلف شده اند اما آب و هوای شهر بروم را بطوریکه بسیار جان نوشته اند و تعریف میکنند بسیار خوب است و در تارنج بیت و سیم جهادی الاخر تخمیناً سه هزار نفر از قشون برمه در نزدیکی شهر مرتبان حمله بقشون انگلیس آورده اند و میخواسته اند بمیان آرد انگلیسها بیایند بعد از جنگ جزوی نتوانسته اند در آنجا کرده اند اما چونکه قشون برمه در کجا جمع بوده اند و توپ و چهاره و ساچه زیاد با آنها انداخته شده است کمان دارند که از ایشان زیاد کشته شده است

در کل هندوستان طوفان بسیار شده و مگر که زیاد آمده بود است در آنولایت فصل طوفان و مگر که در آخر بهار است که یکبار پیش از آنکه باران بیاید طوفان و مگر که اتفاق می افتد اما امسال پیش افتاده و یکبار بعد از عید نوروز طوفان شده و مگر که آمده بوده است

اسلامبول شده است

کشتی بخار دیکر مال سلطان که پرنده بحری می نامند
فرستاده پاشای مصر در او نشسته مراجعت بمصر
می نمود بدو نعل که بغاز پائین اسلامبول است رسید
در آنجا بر یک نشسته بود و نتوانسته بودند از آنجا

بیروش بیاورند تا کشتی بخار دیکر آورده و با بسته
از آنجا پرورش کشیده بودند و آن کشتی بخار دو می
که آورده بودند اگر چه کوچک بود اما چنان زور داشت
که کشتی سلطان را از یک پیرون کشید و در میان
آب عمیق روان گردانید

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در شهری
یتیکی دنیا بنا دارند که عمارتی مانند عمارت بلور که بار
در لندن کشوده بودند در آنجا بر پائین بجای گذاشتن
اجناس کل دول روی زمین و میخواستند این
عمارت را امسال بکشایند گویا حاضر شده و تا فصل
اول بهار سال آینده خواهند کشود اما همان ندارند که
مردم بقصدی که اجناس عمارت بلور لندن فرستاده
بودند با آنجا بفرستند

کشتیهای جنگی و قشون بحری سلطان از آنکه نسبت یونان
فرستاده بودند بسیار نیک رسیده بود و مصطفی پاشا
سر کرده این قشون اگر کشتی خودش پیرون آمده بدین
حاکم آن سست رفته بود و حاکم آنجا چند باب جادر
در کنار در بازده و سر کرده این کشتیها را در آنجا
کرده بود و جمیع علماء و اعیان شهر سلانیک و قشون
دول خارجه در آن مهانی بودند و میگفتند که کشتیهای

از مملکت چین نوشته اند که یاغبان که در آنولایت بود
باز پر زور بودند و درین روز با یک شهر را گرفته بوده
و اهل آن شهر را بیست هزار تومان جریمه کرده تنخواه را گرفته
ورفته اند

در روزنامه یونان نوشته اند که در باغات تاکستان
آنجا امسال آفتی افتاده است که از خراب شدن حاصل
ضرر زیاد بر عابای آنولایت میرسد زیرا که اغلب کدوان
و داخل عن آنها از حاصل انکو است که خشک گردیده
بویابات فرنگستان میفرستند در وقتیکه انکو غوره

چیزی مانند شیر چسبده بزوی خوشه پیداشده و یک
غوزه برشته و بعد از آن مسکی خوشه خشکیدند و در بعضی
جایها سایر درختهای میوه دار نیز این آفت افتاده است
و حساب کرده اند که دو ثلث حاصل انکور امسال تلف
شده است و نزدیک بشهر کایت بالمره انکو ضایع شده
باغاتی که تازه بوده اند کمتر از باغات کهنه متضرر شده
و چونکه در کم آمدن حاصل انکور ضرر زیاد بدیوان میرسد
مردم کل اطراف ولایات فرستاده اند و انعام

کرده اند کسی که بتواند علاج این آفت را از انکو بکند و
ازین معلوم میشود که اهل مملکت یونان چه در متضرری شوند
که از اطراف شهر کایت سالی بیشتر از یک کردار
باطراف میفرستند و امسال نخواهند فرستاد
کشتی طبره آنجر که از اسلامبول بمصر بجهت مصطفی
پسر ابراهیم پاشا پاشای سابق مصر فرستاده بود
تبارخ بیست و دویم رمضان از مصر برگشته و از آنجا

۴۹۳

انکو

آن است بعد از چند روز توقف در آنجا روانه
مملکت البسنی خواهند شد

چونکه حسب الحکم لومی ناپلیان رئیس دولت فرانسه
اکثر اموال او را لومی ظیب پادشاه سابق فرانسه
صنعت دیوان گردید درین روزها ضابطه قصبه و زندان
در مملکت فرانسه با چند نفر دیگر از نوکرهای دیوان
و مسجد چهار صد نفر قشون بیکی از عمارات لومی ظیب
که در مملکت فرانسه است رفته اند و بسرایدار خبر داده اند
که در ب عمارت را بکشاید که از جانب دیوان مقرر
بشوند سرایدار در آن کشور است بعد از آنکه سه دفعه
خبر کرده اند و نگشوده است در ب عمارت را شکسته
و آنجا را منصرف شده اند و احوال سرایدار درین
خصوص کو با ازین جهت بوده است که اگر بعد ازین
حرفی و گفتگویی در باب این املاک باشد معلوم شود
که سرایدار بر ضایت خود عمارت را بتصرف ندهد
و دیوان حکما و حتما منصرف شده اند

تومان پول ایران می شود و بجهت تعمیر کلیت سبای مزبور فرستاده

در هنگام عبور علیا حضرت امپراطر پریس در کس از شهر کانس
که در کنار رود دینین میباشد در دو طرف رودخانه چرانگان
کرده و استنباب آتش بازی چیده بوده اند پادشاه
پرستیه که برادر امپراطر پریس است همراه مشاوران
بوده است و چونکه آنجا بسیار جای صفاست چند وقت
آنجا توقف خواهند کرد که در رودخانه دین در فرنگستان
بصفا و خوبی مشهور است خصوصه بسبب باغات زیاد و تنوع
بسیار و سایر اشجار میوه دارد در آنجا بسیار جای
خوب با صفا میباشد در چهار دهم ماه رمضان پادشاه
پرستیه و امپراطر پریس وارد شهر کلون شده اند و در آنجا
بزیارت کلیسایی که یکی از قدیمترین کلیسای فرنگستان است
و جای مقدس میان ملت عیسوی و زبایار نگاه مردم آن طرف
رفته بودند

در جزیره کرتیه که جزو ممالک دولت عثمانیه است جز
اغشاش شده بوده است بسبب اینکه اهل آنجا ضابطه
تنظیمات خیریه که در آن جزیره میجو استند برقرار نماند
بنودند و لکن این اغشاش خیرتی بود و موافق خبر آخر
که از آن جزیره آید تمام شده بود و منظور سلطان در جاری
کردن قاعده تنظیمات خیریه در کل ممالک عثمانیه در محظوم
در فاه حال عموم رعایا است اگر چه در بعضی جاها این قاعده را

یکی از بهترین عمارات روی زمین کلیت بانی است که
در شهر نیسیلان مملکت ایتالیا ساخته اند درین روز
دولت استریه صد و پنجاه هزار فلارن که تخمینا سی هزار

۴۹۴

در چراغ و غیره بکار میسر از منفعت خوب می کنند و کارشان
 بسیار رواج است و خوب پیش می رود و انعام هم مثل این
 از دیوان فرار داده اند و این انعام موافق اندازه بزرگ
 کشتی است که کشتی که جای هزار و پانصد جزو بار بگیرد
 باشد شش هزار تومان از دیوان انعام بگیرد و بنا دارند
 که چاه کشتی تازه حجر مسجد شمالی بجهت شکار ماهی بزرگ

روانه نامند

در روزنامه آخر که از هندوستان آمد نوشته اند که در شهر
 بمبائی و بنگال و مدیس تدارک میدیند که اگر لازم باشد
 قشون بست شهر رگون روانه نمایند در شهر بمبائی دو
 از قشون انگلیس چهار فوج از قشون هندی بجهت این سفر حاضر
 کرده بودند

نیامین دولت سبکی دنیای شمالی و یکی از شهرهای کوچک است که بر زمین
 انگلیسی شده است بسیار سبب اینکه شش نفر از کشتیبانان یکی دنیا کشتی آنها
 بود یکی از این برین مقروض بود و اینها بکشتی نوشته و روانه شده بودند
 اهل آنجا بزور قمار نوشته در فتنه آنها از دریا گرفته و بشهر آورده بوده اند
 حال بحث اهل یکی دنیا اینست که کشتیبانها مزبور در روی دریا گرفته اند که
 که راهبت بجهت تردد اهل کل عالم کشاده کمر زد یک کتا خشکی که در تصرف
 دولتی که باشد از آن خاک می شمارند و از اهل آن طرف نوشته جوایش
 کرده اند که حدود سه خودشان در دریا نزدیک کناره هر مملکتی

معین معلوم نمایند اعلانات

کتابهای چاپی طهران در خانه حاجی عبدالنور در نزدیکی دروازه دولاب
 نشود

—	ستخه الزائر	یک تومان
—	تذکره الایام	یک تومان
—	ابواب همچنان	یک تومان

که اخراجا شش را چهار صد و پنجاه هزار تومان دیده اند و از
 برای چنین عمل بزرگ این اخراجا بسیار کم است و چونکه
 بنا دارند که این راه را در سه سال تمام نمایند و نخواهند
 باید فراموش آورد که در آنجا که سرانجام کردن این نخواهد
 بجهت پاشای مصر چندین اشکالی داشته باشد و در کارها
 و این راه را می سازند

اهل مصر قدیم در خصوص نگاه داشتن مردان قاعده عرب
 داشته اند اجزائی بدن مرده میزدند و می بستند اندک
 خشک می شد و ضایع نمیکردیدند و بعد با چوب
 پنبه و غیره بدوش می پیچیدند که مردان پوسیده و کهنه
 نمی شده اند ازین مرده ها از عهد فرعون مصر که تخمینا
 سال بلکه چهار سال پیش ازین باشد در مملکت مصر

زیاد است چند سال پیش ازین یکی ازین مردان را که قشور
 کشوند در میان کفر او قدری کندم یافتند و این کندم را
 در آورند و کاشتنند و رویند و حال ازین کندم در
 انگلیس زیاد شده است بسیار کندم پر زور خوبی است
 از جمله نوشته اند که یک ریشه آن کندم که از بکده نوشته
 بوده است مقدار شش سنبل داشته است و این
 در اول تابستان بوده که بنور کندم درست بسته نشده
 بوده و در هر سنبل میت دانه کندم که حساب نمایند
 بیشتر از هزار و پانصد دانه کندم از آن یکدانه روینده است

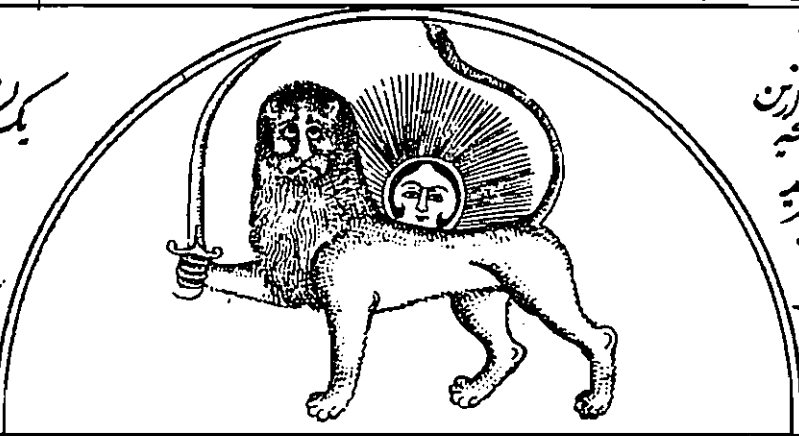
در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که آن اشخاص
 لشی بدیاری سبکی دنیا میفرستند بجهت گرفتن نامی با کول لطمه
 که بسبب بجهت میفرستند بجهت شکار ماهی بزرگ که در
 صید

در روزنامه هفتگه گذشته مطابق نمره ۱۲ مطلبی سهواً
 در روزنامه نوشته شده بود از آنجا که بنای روزنامه
 بر صدق و حقیقت است لازم آمد که آن سهواً اتفاق درین
 نموده شود میرزا حسینعلی نوری که در قریه زرکنده و سکیم
 شده بود نوکرهای جناب وزیر مختار روس او را بارودوی
 پادشاهی نیارده بودند بلکه عالیجا بیزر مجید میرزای اسفند
 که قرابتی با میرزا حسینعلی داشت اذن از سفارت خواسته
 با اختیار خود شش بارودی هایون آمده بود که بگوید و معلوم
 که برادر زن او بی تقصیر است و نیز نوکرهای جناب وزیر
 که دخیل در این کار نبودند انعام از جانب اولیای دولت
 علیه وادار نشد بلی انعامی دادند اما سربازان پادشاهی
 زیرا که وقتی که ملا شیخی را فراموشان پادشاهی از قریه اوین
 گرفته شبانه زرکنده آورده بودند سربازان مزبور که اول
 احترامی جناب وزیر مختار کشیک ملا شیخی را کشیدند
 و اینکه میرزا حسینعلی در قریه زرکنده دستگیر شدند ازین
 بابت بود که پناه بارودی سفارت دولت بیهوش
 برده باشد بلکه از فراری که گفته شد منزل او در خانه میرزا
 بوده است بدیهی است که مجرم دولت و انکس از اینگونه
 معصومین و مجرمین هرگز نجای آن نیست و انقاد که پناه بارودی
 سفارت اند دولت که با دولت علیه ایران حکم واحد دارد

برود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه بیست و چهارم ماه ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۶۱

میت روزنامه
یک نسخه در هر روز
قیمت اعلام است
حکمیت
یکمطرا لاسط کمر روزی
بیشتر یا هر روز



نزدیک است و چهارم
بر سر و طرفه خریدار
روزنامهها با در بازار
در دکان سید
بوده است و خبر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز جمعه بیستم این ماه سرکار اندکس هاپون
شاهنشاهی از قصبه نیاوران بآرک سلطانی
دارالخلافه طهران تشریف فرما گردیدند و امالی واعیان
و عموم سکنه شهر از تجار و کسبه و غیره با اسباب
احترامی که درین دولت علیه متداولست باستقبال
شایسته مراسم خورسندی و شادمانی را معمول
داشتند و در موکب هاپون چنانچه قانون این دولت
علیه است از نیاوران تا شهر بکرات شیلیک
زنبورک نمودند و بعد از ورود موکب هاپون بجمارت آرک
سلطانی از توپخانه مبارکه میدان آرک نیز شیلیک
شادمانی نمودند و اعلیحضرت پادشاهی در تخت
مرمره دیوانخانه مبارکه نشسته سلام فرمودند و امر او
در باره هاپون یکی شرفیاب حضور هر طور گردیدند و در روز
شنبه در میدان آرک اسباب عیش و شادمانی
بجهت عموم خلق ترتیب داده شده و چونکه یک عیش
درین دولت بابت علیه و بدین وجود فایض اسجود

پادشاهی است خاصه در این اوقات که خاص و عام
طالب شرفیابی بودند اعلیحضرت پادشاهی بجمارت
سر در ب دیوانخانه مبارکه که مشرف بمیدان آرک است
تشریف فرما شدند و رسوم خلق از زیارت اعلیحضرت
پادشاهی نهایت بخت خاطر و خورسندی ظاهر
ساخته تقدیم مراسم شکرگذاری و دعاگوئی را
معمول داشتند
جناب جلالت آبا احمد وفق اقدی المچی کبیر از
جانب دولت علیه عثمانیه مقیم دارالخلافه طهران که
چند روز قبل ازین وارد دارالخلافه شده بود در روز
یکشنبه بیستم این ماه با صاحب منصبان سفارتی خود
در کمال احترام با ستیاد دولتین علیتین شرفیاب
حضور اعلیحضرت پادشاهی گردیدند و اعلیحضرت
پادشاهی نسبت بجناب سعزی البه و سرالمان او
کمال انکس فرمودند و بعد از مرتضی از حضور هاپون
با همراهمان خود که شرفیاب حضور هاپون شده بودند
بدین جناب جلالت آبا صدر اعظم رفتند

در روز شنبه بیت و دویم این با جناب جلالت
صدر اعظم افخم باز دیدار جناب ایچی کبیر دولت علیته
عثمانیه نمودند

مشق حاضرستند
سایر ولایات
کرمانشاهان از فرار یک در ضمن تحریرات در روز

درین مدت توقف موکب مایون علیحضرت پادشاهی
در سیلاقی نیاوران که امیر الامراء العظام اجودان باشی
ماور بماندن شهر دارا اختلاف بود کمال اتمام در نظم شهر
بعل آورد خاصه بعد از حدوث واقعه اتفاقیه بطوری سنی
کافی ظاهر کرد که حالت سابق دلائق استحکام شهر با هم
تفاوتی نداشت و صد از احدی درینا مدعالیجا محمودخان
کلاتر که خدایان شهر نیز با اجودان باشی بودند و در نظم
شهر کمال کوشش را داشته اند عهده خدمت مرجوعه بخجده
خوب برآمدند

کرمانشاهان نوشته شده بود بعد از آنکه مرده صحت
وسلامت وجود مسعود علیحضرت پادشاهی بنوا
شاهزاده امامعلی میرزا حکمران کرمانشاهان رسید
بود همان ساعت اعیان ولایت را احضار کرده
و دستخط مبارک علیحضرت پادشاهی را بنه ایشان
نشان داده بودند و کلی از روی کمال شغف و ابتهاج
تقدیم مراسم شکرگزاری مشغول شده و خود توابع
معزی الیه بکرات سجدهات شکر الهی را بعل آورده بعد از آن
قدغن کرده بودند که عمده نقاره خانه از اول شب تا طلوع

امورات قشونی

فوج جدید سیلات قزوین در روز شنبه بتو
این ماه در خارج دروازه دولتشان دیده شد
مقربان خان شکر نویس باشی و امین شکر نویس
شکر نویس ان عظامان آنها را دیدند

صبح طبل بشارت زبند صبح از نورسم در
تو پنجاه مبارکه حسب المقرر پنجاه تیر توپ شلیک شد
انداخته و تمام شهر را این بسته و چراغان نموده بودند
سجده می که در پشت با معانیز آتش افروخته بودند و توابع
معزی الیه در بذل صدقات و مرزگانی لازمه امتنایم را
بعل آورده سیصد تومان رسم برسم تصدق وجود
مسعود مایون علیحضرت شاهنشاهی بدر بارها یون انقاد
داشته بود و حکم شد که بذل فقر شود و سایر خوانین
و صاحب منصبان و امانی و اعیان آنجا نیز شکر آید

فوج بهادران حب الامراء کس مایون علیحضرت پادشاهی
ماور ساخلفا رس کرده و در روز پنجشنبه چنانچه
ایناه روانه مقصد و منزل بمنزل بدون توقف و درنگ
بفارس میروند

این بشارت عظمی ذبح قربانیها و معانیها در بذل صدقات
بفرا نموده لوازم شکرگزاری و شادمانی را معمول کردند
چنانچه از فرار یک نوشته بودند بعد از ورود و چاپار و
رده صحت و سلامت وجود مایون خانه نبودند

تو پیمان و افواج قاهره حاضر کاتب مایون هر روزه
در میدان ارک و در میدان مشق خارج دروازه دولت
مشغول مشق میباشند و صاحب منصبان آنها صبح و
عصر مشغول مشق بوده میران پنجه و شتر پیمان در میدان

بفارس میروند

قربانی نموده و از روی کمال شغف و رغبت بقرصه
نداده باشند

دیگر نوشته بودند که جماعت لرستانی مشهور بکاکاوند
که قبل از رساندن چایپارامزده صحت و سلامت
وجود مسعود هابون اعلیحضرت پادشاهی را بولایت
این خبر را حیف راستینده بودند بعضی بزرگی نسبت
بهترین که محال کرمانشاهان است و چنان نموده
دست اندازی بانجام کرده بودند نواب هزاره سید
نفرس باز نمودی باد و عراوه توب با تفاق عالیجاه
باقرخان قلم سواره ابوالجهمی او مامور بودند که رفته
اشترار لرستانی را ادب نمایند که بعد ازین این
قسم جبارت و هرزگی از آنها صادر نشود و عالیجاه
علیقلی خان بوزباشی کرمانشاهانی را هم مامور نموده اند
که چند بار قورخانه برواشته به راه مامورین بتادیب
و تنبیه اشترار مزبور برودند

و همچنین فرج زنگنه ابوالجهمی عالیجاه میرزا احمد خان
و فرج گردی ابوالحسنی عالیجاه حیاتقلی خان را نیز
احضار بشهر کرمانشاهان نموده اند که اگر لازم بشود
که بجهت انجام خدمات دیوانی آنها را مامور نمایند
باشند

دیگر از تعبیر اجناس آنجا نوشته بودند که بجهت
نهایت ارزانی است و هر چیز کمال و فخر و خردانی را
دارد از جمله کسندم خرواری شش هزار و چو خروار
چهار هزار و روغن یکمن دو هزار و برنج یکمن هفتشاهی سفید
و سخود و عدس دو ارده من یک هزار و بیار و گوشت

یکمن دو عباسی سفید است و سایر چیزها نیز از همین قرار
فراوان و ارزانی است

شاهرو و سلطام

اندو قرار یک در روزنامه شاهرو و نوشته بودند بعد
ورود چایپار با آنجا و وصول بشارت صحت و سلامت
وجود فایض ابجد حضرت آدس هابون پادشاهی
المالی آنجا از وسیع و شریف و عالی و ادانی انانیت
و مسرت و شادمانی نموده و سه شب چراغان کرده
بودند عالیجاه شاهرخ خان پسر مرغنی قلی خان حاکم
شاهرو که در غیاب پدرش در آنجا نایب الحکومه است
برسیدن چایپار و دستخط هابون اعلیحضرت پادشاهی را
فستاده است در مسجد خوانده و به کلی مالی آنجا نشان
داده اند و مسموم مالی آنجا نهایت شکر گذاری و
شادمانی نموده و سرباز و توپچی که متوقف آنجا بوده اند
شیلک شادمانه نموده اند

دیگر نوشته بودند که بعد از نفاذ طایفه ضالار کمانه
بجزم تاخت و تاز و چپاول سمبت شاهرو و سلطام
و آن اطراف آمده بوده اند بعد از وصول مژده صحت و
سلامت وجود هابون از آنجا مراجعت کرده بوده اند عالیجاه
افزای سباب خان زردینی مطلع شده و آنها را تعاقب
نموده و مقرب آنجا خان محمد و لیجان بیکر بیکی استر آباد
نیز اطلاع داده مشارالیه هم با جمعیت دستگیر
پیش آمده در سرمد کرکان سواره مزبور را از دوطرف
سکت فاحش داده کمال رشادت و جلالت خود را
ظاهر ساخته اند و آنها را بکلی از آن صفحات کربزانه اند



اصفهان

از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته شده بود
 امر آنجا از حسن مراقبت عالیجاه چراغعلی خان پاپ
 در کمال انتظام و انضباط و فوج دماوندی با فوج جدید
 اصفهان و توپچیان متوقف اصفهان در میدان مشهور
 بنفش جهان مشغول مشقتند و سه روز تا سه
 از روز گذشته مشقت اشتغال دارند و در نهایت
 نظم و درستی حرکت مینمایند و از احدی خلاف
 قاعده ناشی و صادر نمی شود و عالیجاه شارا لیه در آنجا
 در امر توکرو عیبت دارد و عموم مالی آنجا در رفاه و آسودگی
 بدعای دولت جاویدت مشغول اند

اخبار دول خارج

درین هفت روزنامه اخبار از فرنگستان رسید لیکن
 میان آنها چیزی که قابل ترجمه کردن و نوشتن در روزنامه
 باشد نبود مگر آنچه در احوالات متفرقه نوشته شد

احوال متفرقه

دولتهای فرانسه و آستریه و سایر دول که سرحدشان در کنار
 اتریش است هر یکی یک ایلی با طبیعت معین کرده اند که در مشورت
 نشسته فراری در خصوص کراختین سینه مالک خود را بگذارند
 که مدت توقف مردم در کراختین در هر ولایتی یک فرار باشد
 و از بعضی جایها که کراختین لازم نباشد برداشته شود
 و این فرار را سبب این میکنند که در خصوص کراختین
 سخلق اذیت کمتری رسد و سبب نگاهداشتن کراختین
 در آن سرحدات مردم از سربایت ناخوشیهای
 محفوظ باشند

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته شده که فراد افندی که از
 جانب اعلیحضرت سلطان بنزد پاشای مصر فرستاده بود
 در اوقات توقف در مصر اموال و متروکات محمد علی پاشا
 حکمران این مصر را که در میان وراثت او چندی گفتگو و مرافعه
 بود و باینطور گذرانده است که کل اموال محمد علی پاشا را
 بیست و پنج لیوان فرانک که تخمینا پنج کرور پول ایران
 میباشد حساب کرده اند و این تخوا را فرار کرده است
 که تا مدت ده سال هر سالی یک قسط بانها برسانند
 و وراثت محمد علی پاشا سعید پاشا و حلیم پاشا و محمد علی
 و دو دخترند

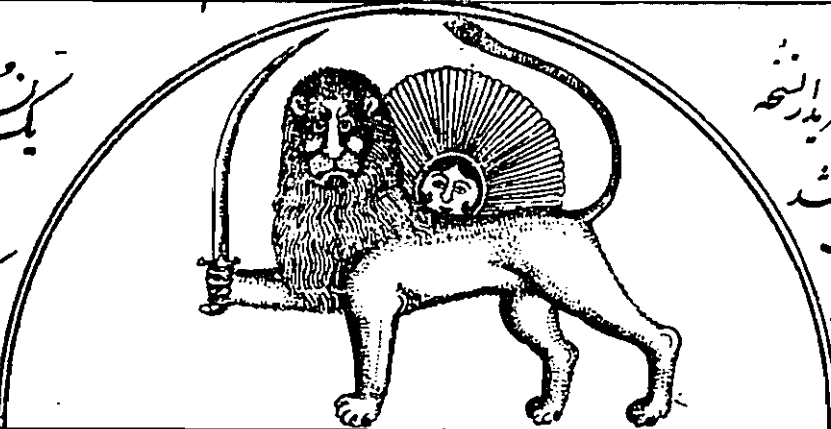
سعید پاشای مزبور درین اوقات بفرنگستان رفته است
 اول از شهر اسکندریه بشهر سبیلز که اول خاک فرانس
 رفته و بعد از آن پاریس پای تخت فرانسه رفته و در آنجا
 کمال التفات و بهدنی از پرنس لویی ناپلیان رئیس انولای
 دیده و از خاک فرانسه بولایت انگلیس رفته است و موافق
 خبر آخر که رسید در آنولایت توقف کرده است
 اعلانات

کتابهای چاپی طهران در باسینه خانه حاج عبدالحمید در محله نزدیک
 دروازه و ولا باین فرار فرخته میشود

فاموس	سه تومان
مجمع البحرین	سه تومان
معراج السعاده	پانزده هزار
زبدة المعارف	بیست و پنجاه هزار
تاریخ پطر کبیر	دو تومان
سخنه الزائر	یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۶۱

قیمت روزنامه
یک ششماهه
قیمت اعلانات
یک سطر چهار سطر
بیشتر بر هر سطر



بزرگداشت پنجم
برگسر در طهران خریدار
ازین روزنامه باشد
در بازار جدید در کاشان
سید تقی نوروزی
مشکو

اخبار واحداثه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون بعضی انفسه جوین و اشترار ز آب عباس زار
که در تم بود برای افتاد خود بجهان و دست آورد
که در سر کار اعلیحضرت شاهنشاهی محض رحمت دربار
مغزی الیه که اسودکی و فراغتی از مکه اید مفتدین حاصل
ناید امر و مقررنه نمودند که رفت خود با عیال در
عتبات عالیدرجات متوقف و مجاور باشد
و مبلغ ۱۰ هزار تومان برای اخراجات عرض راه
و مهیت خانه که در آنجا ابتیاع نمایند تقدیر بصیغه
انعام مرحمت فرموده و سه هزار تومان هم جزا
برای اخراجاتشان مرحمت و برقرار فرمودند
که همه ساله از حاکم همدان دریافت و صرف
گذران خود نموده بفرغ مشغول زیارت باشد
از فراریکه از خراسان نوشته بودند مقربین
سام خان ایلیخانی که در هرات بود عالیجاه محمود
پسر مرحوم ظهیرالدوله را با چند نفر از رؤسا

و خوانین افغان و هرات با پیشکش از قبیل وجه
تقدیر مسکوک بکه جدید باسم مبارک اعلیحضرت
پادشاهی و شال و اسب بدر بارها یون پادشاه
می آورد
مرحوم فضل الله خان میرنجه که در شیراز امور
خدمت بود برحمت ایزدی پیوست سرکار اعلیحضرت
پادشاهی و اولیای دولت قاهره محض حمله
پاس حقوق خدمات او فراین مسایون و
و ثواب جبه خلعت برای نسبت عالیجاهان
نطفعلی خان سرمنگ و فتحعلی خان پسران مرحوم
مربور و امیدواری آنها با خلعت ملوکانه مرحمت فرمود
بصحابت محمد رضا بیک پیشخدمت جناب
جلالت نائب صدر اعظم انجم ارسال داشتند
که بخلعت مطلقه با یون پادشاهی خلعت و سایر
کر دیده و لکرم مراسم خدمتگذاری این دولت
فوی شوکت باشند

کتاب

<p>ساخلوی فارس با مور شده و در روز یکشنبه بیت و مغم ماه ذی قعدة احرام از رکاب مبارک رو شدند</p>	<p>ملا شیخی تیشیزی بابی ملعون را که در مهره ۸۲ نوشته شده بود که بقوای علمای اعلام کشته شد چون علمای اعلام در تحقیق عقاید او تامل داشتند چند روز کشتن او را</p>
<p>نوکر نکابنی بجهت قزاولی در روزهای دار انحلاف طهران چهار نفر حاضر رکاب مبارک شده و مقرر شده است که سان آنها ریده شود</p>	<p>بتاخیر انداختند که عقاید باطل او تحقیق شود بعد از آنکه معلوم شد که این ملعون حبیب راس و رئیس این طایفه صالحه و ادعای نیابت باب کذاب را می نماید و اغواچی ازین فرقه او نموده و اعتقادش فاسد و خلاف قانون</p>
<p>یکصد هشتاد و دو نفر از نوکر لاریجانی حاضر رکاب مبارک شده اند که قرار نوکر آنها داده شود</p>	<p>شریعت مطهره نبوی است در روز چهارشنبه صلح علمای اعلام و قلم الله تعالی در بالاطه دیوانخانه مبارک حاضر شده و مجدداً او را مجبور خواسته و تحقیق عقاید</p>
<p>افواج قاهره حاضر رکاب تا یون هر روزه مشغول مشق میباشند و کل صاحب مضربان اعم از بران پنج و سرتیپان و سرمنکان هر روزه در خارج دروازه دولت مشغول مشق میباشند</p>	<p>باطل او را کرده حکم بقتل او کردند و در میدان ارک لبر خود رسید</p>
<p>توپچیان حاضر رکاب هر روز وقت طلوع آفتاب با کمال نظم مشغول مشق میباشند</p>	<p>در باب پنجه نیکی دنیا که در اول بحار حسب الام اولیا دولت قاهره بامر او اعیان و صاحبان اطاک داده شد</p>
<p>صاحب مضربان افواج قاهره نظام هر روز مشغول مشق نظامی میباشند</p>	<p>که بکارند و بعل پاورند از جمله بقرب انخافان عبسی خان دار انحلاف طهران داده شده بود از قرار یک مقرب انخافان</p>
<p>سایر ولایات کیلان از قرار یک در روزنامه رشت نوشته بودند</p>	<p>شارالیه درین معنی بمباشترین روزنامه اعلام کرده بودند پنه مزبور را بجای جعفر خان معمار میرآباد داده و شارالیه</p>
<p>انقلاب در نهایت امنیت و انتظام و فراوانی و ارزانت و عموم مردم در رفاه و آسودگی مشغول دعا</p>	<p>در امیرآباد کاشته و بعل آورده است چون تخم پنجه جور بود یکی کسب زوکی سفید هر یک را علاقه کاشته است</p>
<p>و آن آقدس مایون شانشاهی میباشند از قرار یک نوشته بودند سابقاً در کیلان تکیه حسینیه بنوده است</p>	<p>حالا که عمل آمده هر یک بنه او قریب چهار پنج سیب سببه است و تا چند روز دیگر پنجه نمایان خواهد شد</p>
<p>مقرب انخافان عبسی خان و الی کیلان در رشت تکیه و جمیع روزهای جمعه را به تعزیه داری جناب اباعبدالله مشغول بوده و جمیع علماء و فضلا و عموم خلق حاضر می شوند</p>	<p>و آن تخم کسب زوده بار آور تراز تخم سفید است امورات قسونی فوج بهادران بر حسب امر علیحضرت پادشاهی بجهت</p>

۴

۵

کتاب

ولبعده از مراسم تعزیه داری مشغول دعا کوفی ذات
 اقدس بجا یون پادشاهی شدند و سرحد انزلی کمال
 انضباط و انتظام را دارد عالیجاه میرزا محمد علی مباشر
 مهام خارج کبلان هر ماهی یک مرتبه بجهت رسیدگی
 بامورات قشون و سایر کارهای دیوانی با تفریحی میرود
 و امورات آنجا را نظم میدهد و سان مستخلفین میرود
 دیده بقورخانه و غیره سرکشی نماید و در حاجت میکند
 ده نفر زود در شهر و محلات کبلان دزدی میکرده اند
 از اتمام مقرب انخاقان والی کبلان با اینکه بسبب
 جنگل و درخت کبلان دزد کمتر بدست می آید برده نفر
 دستگیر شده اند و نفر آنها را سیاحت کرده
 و مقبیه مضبوطی نموده و مابقی را در سر محلات چوب
 بسیار زده و بعد حکم مجسم نموده و مجوس
 دیگر نوشته بودند که سه چهار نفر طفل در انزلی در کنار
 آب دریا بازی میکرده اند مرغ چرخ که همیشه در ریو
 در با مشغول شکار ماهی است خود را بمیان آب زده
 یک ماهی گرفته بختی آمده بوده است که ماهی را بخورد
 اطفال سنگ بآن مرغ انداخته بودند مرغ ما
 گذاشته و به هوا بلند شده بوده است اطفال هرسته
 ماهی را برداشته بوده اند مرغ ده باره پانین آمد
 و عوض ماهی کلاه یکی از آن اطفال را بر گرفته و به پرواز
 نمود اطفال که اینطور دیدند ماهی را بر زمین انداختند
 مرغ اندوه هوا آمده کلاه را انداخته ماهی را بمنقار گرفته
 و به هوا بلند شده بود

بروجرد و عربستان

از قرار یک در ضمن تخریرات عربستان و لرستان
 نوشته شده بود بعد از آنکه عالیجاه میرزا بیج مستوفی بروجرد
 و وکیل نواب شاهزاده والای تبار احتشام الدوله فرمان طایفه
 که بدستخط مبارک مژنین شده بود بعد از وقوع مقدمه
 طایفه ضاله بابیه با اینکه جا بارخانه در آن راهبانیست
 بنواب معزی الیه با یک نفر آدم ایشان فرستاده و
 بود جمیع مالی بروجرد و سیلاخور و عربستان و لرستان
 شده را را این بسته چنانچه مانده بودند و سه شبانه در
 تمام مردم از روی کمال شغف بعیش و عشرت مشغول شده
 مراسم سکر گذاری صحت و سلامت وجود اعلی حضرت
 پادشاهی را بتقدیم رسانده بودند و بشکر از این
 نعمت عظمی و بشارت کبری بقرع انصدق داده بودند و از
 حسن اقبوت نواب معزی الیه با اینکه آن صفحات محل
 بختیاریت همیشه چون از آنها خلاف قاعده بعد از وقوع
 این مقدمه اتفاقه ناشی و صادر شده بود دست نواز
 بختیاری را که منشا هرزگی شده بودند عالیجاه محمد حسین خان
 نایب الحکومه شاهزاده معزی الیه گرفته بروجرد
 فرستاده بود با آنجا نواب معزی الیه در نظم و انتظام امر
 آن صفحات کمال اتمام دارند و این اوقات بخت
 وصول ولایات و نظم ولایات ابو اجمعی خود در
 لرستان میباشند
 دیگر نوشته بودند یک نفر سید از مالی اصهبان بروجرد دیده بود که منشا
 فساد شود از آنجا فرار کرده با نواب شاهزاده الیه میرزا رفیعی
 نموده بود نواب معزی الیه مطلع شده او را گرفته بتری خود رسانده بود

۵۰۳

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود
 از اتهامات اولیای دولت علیه امیر آن صفحات در
 بحال نظم و انضباط است و قوادخانها که در یک
 از منازل ساخته شده خیلی منبسط و منظم
 و بین سبب از طایفه ضاله ترکمانیه هر چه بیاید
 و هر قدر باشند مخد و لا اومتنگوب و سرخورد و گرفتار
 میکردند و نمیتوانند مصدر هنب و غارت شوند
 از جمله از قراریکه نوشته شده بود چند روز قبل ازین
 سواری از قوادخانان گذشته بود خبر آن در شش ساعت
 شب بنواب شاهزاده والا تبار حسام السلطنه و
 مملکت خراسان رسیده بود نواب معزی الیهیچ
 رسیدن خبر همان ساعت بیکر سبکی را با دو
 دسته سوار شاهسون که در بحال استعداد بودند
 خبر کرده بودند و آنها سوار شده بسر راه ترکمان رفتند
 مقارن ورود آنها بجلکه مشکل سور سواران اسم با
 وارد شده بودند چون آن موضع جانی نیت که ده و
 جمعیت دابادی داشته باشندنی زار است و بویا
 با فان بجهت آوردن فی با آنجا میروند شش نفر از آنها را
 که برای آوردن فی در آن صحرا بودند اسیر کرده بودند
 بعد از آنکه معرفت انخاقان بیکر سبکی با سوارها رسید
 ترکمانان را تعاقب کرده بودند بعضی از آنها خود فرار
 کرده مستخلص شده بودند با جمله بیکر سبکی پنج نفر از ترکمانان
 و ده روس اسب آنها را گرفته و چند فرسخ آنها را با
 کرده بود از نظر فم سوار جامی و ستر جامی و سنگ

که در سر راه بودند مطاع شده آنها را جلو گیر کرده
 ضرب معقولی بترکمانان زده اسب و یا بوجنی از آنها
 گرفته و چهار نفر از ترکمانان را هم آنها اسیر و دستگیر
 کرده و شش نفر هم کشته سر آنها را با اسیر با بشهر می
 از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود
 طفلی یک ماهه بشهر مشهد مقدس آورده اند که سر او بر
 بزرگی مند و انه که تخمیناً سه من وزن داشته باشد
 بوده است و کردن او با یکی انگشت و چشمهای او
 بسیار ریزه بعد چشم مرغ خانگی بلکه کوچکتر و گوشت
 سر او نرم بوده است بطوریکه انگشت میکند آشته اند
 فرو میرفته است و انگشت که بر سید آشته اند با
 می آید است کسان او آن طفل را با آنجا آورده بودند
 که چرا جان بلکه بتواند معالجه نمایند تا سه روز زنده
 بوده است و بعد فوت شده است
 معرفت انخاقان علیقلی خان میرنجه که چندی قبل ازین
 در بارها یون با فوج و توپخانه سحر اسان نامور شده
 از قراریکه نوشته بودند در دویم ذی قعدة وارد ارض
 اقدس گردیده است و نواب شاهزاده والا تبار
 حسام السلطنه و الی مملکت خراسان جمعی از اهل نظام
 و صاحب مضبمان وغیره را با استقبال مشاربیه
 فرستاده و لازمه احترام را در باره او معمول داشته
 و در بیرون دروازه سراب حسب الامر اردو زده
 که با بحال استعداد آمده و عیبا باشند که بهر منتهی
 که لازم باشد مامور شوند

۵۰۴

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این مملکت آمدیت دیکم

شوال بود و در روزنامه لندن نوشته اند که فیما بین

دولت انگلیس و دولت روسی و نیای شمالی در باب

شیلات که در بحر محیط نزدیک بالک انگلیس است

درینکی و نیای شمالی گفتگوئی شده است و آنجا

دولت انگلیس این است که حق ماهی گرفتن در شیلات

مال رعایای خودشان است و موافق عهدنامه باید

کسی دیگر در آنجا دخل و تصرف نکند خصوصاً اهل دولت

روس و نیای شمالی که بان عهدنامه خطا کرده اند و معنی

داشته اند که در آن شیلات حق نداشته باشند

و در محوش دولت انگلیس با آنها شیلات دیگر و اگر

کرده بودند در سر این مطلب ما بین دولتین منور در

این اوقات گفتگوی سخت شده است روس

از شهر و ارتش مملکت پوزند تاریخ چهارم شوال

نوشته بودند که ناخوشی و با در بعضی جایهای آنولایت

بروز کرده بود خصوصاً در حصه نیرش دولت اطبا

با آنجا فرستاده بودند که آنچه ممکن باشد در علاج این

ناخوشی سعی نمایند و لکن اکثر مردم آنجا بسبب ناخوشی

متفرق شده بودند

قرانم

تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت آمدیت و دویم شوال

در روزنامه آنجا نوشته اند که پرس لوی ناپلیان اوزن

داده بود و چند نفر از انهای دولت که اخراج بلد شده بودند

ولایت خودشان مراجعت نمایند از جمله آنها یکی موسیو

بود که سابقاً در ایام سلطنت لوی نلیب یکی از وزراء بود

لانگنی دکه و لایه سفیر کبیر از جانب دولت فرانسه بر دایه

سلطان دولت عثمانیه از شهر مسکو روانه شده بود که به

اسلامبول بیاید یک کشتی بزرگ بخارمال فرانسه

که نام او شارلنک بود سوار شده بود که از فرانس به اسلامبول

بیاید و این کشتی بسیار بزرگ است و نود و خواجه توپ

وارد در سر راه که از مملکت یونان عبور میکرد در آنجا ایلی

خدمت پادشاه یونان مشرف شده بود و پادشاه یونان

بنیاد داشت که به آب گرم کار لیزباد و در مملکت منته بود بجهت

اینکه مزاحش قدری ناخوش بود و در همان بین که عازم بود

ایلیچی مزبور بحضور او شرفیاب شد و از آنجا تاریخ ششم شوال

وارد اسلامبول شده بود

عثمانی

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ میزند نوشته اند

که موافق دستخط حایون اعلیحضرت سلطان رشید پاشا که وزیر

اعظم بود معزول شده بود و عالی پاشا که سابقاً وزیر دول خارجه

بود بجای او وزیر اعظم گردید و احمد فتی پاشا که امیر توپخان بود معزول

گردید و فواد افندی که سابقاً مستشار صدر اعظم بود در ولایت بصره

فرستاده بودند حال وزیر دول خارجه شده است و درین روزنامه

نوشته اند که چون فواد افندی در دول خارجه بسیار سیاحت کرد

و مناصب بزرگ و فوات عمده با و رجوع شده و در بطور خوب راه

برده است امید دارند که مثل وزارت دول خارجه را خوب راه

و این منصب بسیار با و مناسب است و عالی پاشا نیز تا حال وزیر اعظم

اما جنس رفتار او در آنجا که وزیر دول خارجه بود کمان دارد که مثل قدرت

احوال متفرقه

درین روز در ملک فرانسه بنا دارند که توجیه در کافه
 کاغذ سازی بگذارند درین خصوص خلق بسیار بنجیده اند
 و در روزنامه عریضه بدولت نوشته اند و چونکه چاپخانه
 کتابها را که باعث تربیت و آگاهی خلق است کار خوب
 میدانند از کذاشتن این توجیه بسیار بدشان آمده است
 در ملک فرانسه پانصد و پنجاه کارخانه کاغذ سازی دارند
 و در کتاب و کاغذ که بخارج بفرستند میرسد تجارت عمده
 دارند سال و دویست هزار تومان کتاب و کاغذ باطل
 میفرستند و دویست و پنجاه هزار تومان بملکت برسد
 هزار تومان بملکت سپایول و صد و پنجاه هزار تومان بملکت
 ساردینه و صد هزار تومان بملکت سیسیلی و صد هزار تومان
 بملکت عثمانیه و صد هزار تومان بولایت برابریل و سیصد
 هزار تومان بولایت سیکی دنیای شمالی و سایر نالک
 روی زمین هم نسبت بوسعت جویشان همیشگی کا
 و کتاب فرانسه اند حتی بملکت چین میرود و چونکه ازین
 تجارت عمده مردم بسیار منتفع میشوند و باعث کثرت
 معاش بسیاری از خلق است از دولت اسد عا کرده اند
 که این توجیه را نگذارند و از جمله توجیهاست دیگر که حالا میخواهند
 قرار بگذارند یکی در اسب است و یکی در سگ بفرزاس
 بگوش عایا و سگ چوپان که از آنها توجیه نخواهند گرفت
 و نیز محاسبه بکمان دارد که ازین توجیهاست سالی یک
 و دویست هزار تومان بدیوان عاید شود
 در نزدیکی جزیره رودیش در زبان دریادرین روز که
 جو شده اند و اگر کشتی بخارج بی تاخت و غارت می

از آنجست دولت استریه یک کشتی جنگی با بخار ستاده
 که محافظت از کشتیهای تجاری خودشان کرده باشند
 در یکی از روزنامه های فرانسه که دیباچه می نامند در
 ملک استریه باین طور نوشته اند که از وقتی که در آنولایت
 جنگ اتفاق افتاده داخل مالیات که بدیوان عاید می شود
 بخارج بسط مطابق می آید اما درین اوقات وزیر بسیار
 سعی و کوشش کرده اند بطوری نظم در داد و ستد و اخراج
 این ملک گذاشته اند که بعد ازین مالیات آنولایت
 بخارج بسط را خوب می بیند و چونکه در سال آینده خیال دارند
 که اخراجات را کمتر نمایند و بعضی چیزها که تا بحال بدیوان
 داخل نداشت داخل مداخلات دیوانی خواهند کرد امید
 دارند که در سال آینده داد و ستد این ملک بهتر شود
 تا بحال از راه آهن که بجهت تردد کالک ساخته اند مالیاتی
 برای دیوان گرفته اند و مایه زیاد هم از دولت درین
 کار گذاشته اند اما از حال ایی دویست هزار تومان پول
 ایران داخل راه کالک برای دیوان معین شده است
 چهار سال پیش ازین از ملک مجارستان مالیاتی بریندا
 حال این ولایت بسیار خوب ترقی کرده است و بعد ازین
 مالیات خوب از آنولایت خواهند برداشت چهار سال
 پیش ازین در بعضی جا های اینولایت تردد بسیار مشکل بود
 چونکه راه بجهت تردد عرابه و کالک و غیره در ملک مجار
 نبود حال در بسیار جاها راه آهن بجهت تردد کالک ساخته
 ساخته اند و نهرها بجهت عبور کشتی کده اند و چهار صد و
 کشتی بخارج در رودخانه و نوبت انداخته اند و از بسک تجا

۵۰۶

ان سمت فراوان است و تر و در مردم حبلی میشود
 میگویند که این کشتیها کفایت احتیاج خلق را نمیکنند
 سابقه دولت آستر به در رود و خانه پوشتی شد
 حال عدنامه با مرای مالک ایلایا بسته اند و بنا داشتند
 که کشتیها در آنجا راه بندازند آفت بارها و سیاح
 از وسط مملکت سوسیس بدریامی آیند و از آنجا بایرما
 روی زمین میروند این عمل را هر چه دیوان خرج داشت
 تا بحال داخل و ایالت ازین کار برداشته نمی شد
 اما بعد ازین داخل زیاد ازین کار را خواهند برداشت
 درین روزها در ولایت انکلیس کشتی بسیارند که بزرگترین
 کشتیهای دنیاست و تا بحال کشتی باین بزرگی در هیچ جا
 ساخته نشده است این کشتی کشتی جنگی پادشاه است
 و بطوریکه در این روزها نامه نوشته اند صد و چهل عاوه
 توپ در او گذاشته میشود طول این کشتی هفتاد و سه
 ذرع است و عرضش هجده ذرع و ارتفاعش شصت ذرع
 و حساب کرده اند که اگر این کشتی را از کدم پر کنند بیشتر
 از یازده هزار خردار کدم میگیرد و هنوز این کشتی را
 به آب نینداخته اند اما درین روزها بدربار خواهند انداختند
 و چون بخار در میانش میگذاردند که اسم بیخج بخار را
 برود و اسم بیاد بان

کا تو میباشند قشون بجهت ساخلو بگذارند در ایام قدیم
 اینجا شهری بسیار آباد بود و تجارت زیاد درست
 مالک آن دکنیر داشت و جزو مالک کانتظنطنیه بود
 بعد خراب شد و تجارت که در آنجا داشت بشهرهای دیگر
 کشیده شد حال دولت فرانسه امید دارند که این
 شهر را باز آباد بکنند اطرافش جای حاصل آوست و
 غله و میوه بسیار در آنجا بعل می آید و کاه و کوفه سفید
 دارد و میزیم آنجا فراوان است چونکه جنگل در آن نزدیک
 و از دریای آنجا مرجان در آنجا بد و جمال دولت فرانسه
 در کذاستن قشون در آنجا این است که نظم در میان
 قبایل اعراب آن سمت بگذارند
 در یکی از روزنامه های منته نوشته اند که صاحبان
 از جانب پایا رویه بولایت لاسین و مالک منته
 آن سمت رفته بودند که قشون بجهت پایا در آنجا بگیرند
 و از اهل آن سمت قشون گرفته بودند و میخواستند
 بروند بپرنده چاکران دولت پروسیه مخبر شدند و بگذاشتند
 و معلوم نبود که بعد ازین خواهند گذاشت که قشون از آنجا
 بگیرند یا باز مانع خواهند بود
 در روزنامه اسلامبول نوشته اند که پادشاه یونان
 که بجهت تغییر آب و هوا آب گرم مملکت منته رفته بود بنا
 داشت که تا اول پاییز در آنجا بماند و از آنجا بشهر مونچ
 پای تخت مملکت بواریه خواهد رفت و بعد از آن بپوشته
 پای تخت آستریه
 اعلیحضرت امپراطور آستریه پای تخت وین را حبت کرده
 بود و بیاد کاری سفرش را ایالت آنها تبرکب پول زد

۵۰۷

بودند بعضی ازین شانها طلا و بعضی نقره و بعضی مفت بودند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که موسیوی...

از مملکت ایتالیا نوشته اند که دیوانیان در آن ممالک...

که مدتی در اسلامبول از جانب دولت فرانسه تا...

که در دست دولت استریه است بسیاری از مردمان...

روان شده و از آنجا بمملکت مصر مأمور خواهد شد که از جانب...

گرفته مجوس میکردند بجهت اینکه می گفتند که این اشخاص...

دولت فرانسه در ولایت مصر قنول جنرال باشد...

داشته اند که در آن ولایت بازار افتشاش و جنگ برپا...

دستگاه فرار بجای مملکت ایتالیا که در لندن مستند مصلحت...

بسم شور بوده اند و کاغذ بیکری نوشته اند و نوشتجات...

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در میت و...

آنها را بدست آورده اند و بسیاری از اینها مردمان دولتی...

ماه رمضان در ارزنة الروم زلزله سخت شده بود چند خان...

صاحب چیزند

افتاده و سه زن در زیر خرابیهای خانه مانده و مرده بودند...

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که با قنولایت خبر آمده...

با کت خانهای آنجا کم و بیش ازین زلزله خرابی رسیده و در وقت...

بود که بعضی از املی سکی و نیای شمالی باز بنا داشته اند که...

اطراف نیز زلزله سخت شده بوده است اما زلزله که در وقت...

مانند سابق جزیره کوبه حمل بسیار کردند و دولت اسپانیول...

ارزنة الروم تا پنج فرسخ سیزده نفر از افتادن خانها ک...

ندارک دیده بودند که اگر بسیار از آنها را زود گرفته و بستر...

دسی و شش نفر خمدار شده اند

خودشان برسانند و چند کشتی از شهر هویته بیرون رفته...

اعلانات

بودند که در دریای اکت کنند که این اشخاص اگر با نظر...

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمهدی با س...

زینت المجالس	بک تومان	۵
فصول خوارزمی	دو تومان	۱۰
قصص الانبیاء	پنج هزار دینار	۱۰۰
حدیقه ثانی	یک تومان	۵
یوسف زلیخا	چهار هزار	۱۰۰
حسینه	چهار هزار	۱۰۰
الفلسفی	بیت و پنج هزار	۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پرورشیده ششم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال سپحان میل ۱۲۶۱

قیمت روزنامه

یک شش ماهه هر یک لایق و چهار

قیمت اعلانات

حسب احوال مطبوعه در

بیشتر با هر خط



میزه ششاد و ششم

هر کس در طهران خریدار

ازین روزنامه باشد

بازر میسر در دکان

بلور فروش فرزند شیخ

اخبار داخله محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون صفادرونق و طراوت و خوشی آب و هوای عمارت و باغ داد و دیه متعلق بجناب جلالت نصاب صدر اعظم در نظر اقدس علیحضرت پادشاهی آند فوکه تشریف و نمانده بودند بسیار مطبوع و پسندیده افتاده بود روز پنجشنبه هفتم گذشته برای تفریح با آنجا تشریف فرما شده و نهار را در آنجا میل فرمودند و تا عصر در آنجا تشریف داشتند و جناب جلالت نصاب صدر اعظم انجمن نیز در آنروز حضور داشتند و موکب ها یون تا عصر در آنجا تشریف داشته نهار و عصرانه در آنجا حاضر شد چون عالیجاه موسی خان پسر جناب معظّم البیّه نهار و عصرانه آنروز را بطوریکه لایق حضور ملوکانه بود ترتیب داده بود و حسن سلیقه عالیجاه مشارالیه در تدارک آنروز در نظر انور علیحضرت پادشاهی بسیار مقبول و پسندیده افتاد و لهذا یکتوب جته ترمه برسم خلعت عالیجاه مشارالیه مرحمت و عنایت فرمودند

عموماً و انتظام امور و ترفیه جمهور ساکنین اماکن مشرفه خصوصاً هموار منظور نظر اولیای دولت قاهره است لهذا این اوقات حسب الامر اقدس ما یون اعلیحضرت پادشاهی اختیار انتظام امر ولایت قسم را از هر جهت و هر حیثیت بقصص کفایت و درایت مقرب السلطان نظام الملک محمول و معوض داشته فرمان مبارک نیز از مصدر خلافت کبری صادر گردید

چون عالیجاه یزدان و یردی خان برادر مقرب الخاقان ساخان البخانی سنگام مأموریت عالیجاه مشارالیه بهرات در غیاب او از عهد انتظام و انضباط امر و عا و سایر خدمات دیوانی بطور شایسته برآید حسن جاد او در نظر اولیای دولت قاهره بسیار مقبول و پسندیده افتاده بود لهذا محض ظهور مرحمت ملوکانه در باره عالیجاه یزدان و یردی خان خلعت مهر طلعت و فرمان انعام بافتخار عالیجاه مشارالیه مرحمت و ارسال شد

چون عالیجاه میرزا عبدالمستوفی از روزیکه مأموریت کرد با مأمورین آن آذربایجان شده بود از روی کمال صداقت

از آنجا که نظم امور هر یک از ولایات محروسه پادشاهی

شیره چارمن	دو هزار و صد دینار	تسعیر اجناس	ما کولاً و مفتح داران
خرما چارمن	سه هزار و شصت	کندم ساد جلاخی	یکخوار بیت و یکزار
کشیش چارمن	دو هزار و چهارصد	کندم غزیه	یکخوار دو تومان
پیان یکخوار	هفت هزار و دهی	کندم دور شهر	یکخوار نوزده هزار
هندوانه چل من	سه هزار	کندم و رایین	یکخوار پانزده هزار
انگور بیت من	دو هزار و چهارصد	جو یکخوار	دوازده هزار و پنجاه
خرزبه تیر چل من	چهار هزار	کاه یکخوار	چهار هزار و پنجاه
خرزبه وسط چل من	دو هزار	کدک یکخوار	چهار تومان و دو دینار
برنج غلبرو چارمن	دو هزار و پانصد	نمک یکخوار	سه هزار و پانزده و پنجاه
برنج کرده چارمن	دو هزار و پنجاه	عدس یکخوار	بیت و پنج هزار
چارمن	یک تومان	ماش یکخوار	بیت و پنج هزار
بکن	هزار دینار	لوبیا یکخوار	سه تومان
نان یکخوار	بیت و هزار و دویست	باقلا یکخوار	دو تومان و دو دینار
بهرشور چارمن	پنجاه و ده شاهی	خلر یکخوار	دوازده هزار و پانصد
چارمن	یک هزار و چهارصد	سکنیک یکخوار	یک تومان
چارمن	شانزده هزار	ارزن یکخوار	دو تومان
چارمن	دوازده هزار	بوتجه خشک یکخوار	شش هزار
یکمن	شش هزار	ذغال یکخوار	هفت هزار و دهی
یکمن	چهار هزار و صد دینار	همه یکخوار	یک تومان
یکمن	سه هزار و دهی	سجود قره زینی یکخوار	چهار تومان و پنجاه
یکمن	سه هزار	سجود رسی یکخوار	سه تومان
یکمن	دو تومان	پنبه کداخته چارمن	هفت هزار و پنجاه
یکمن	پنجاه دینار	کشک چارمن	دو هزار و صد دینار
یکمن	یک تومان	سرخ یک قطعه	پنجاه
یکمن	دو هزار و هفتاد	سجود مرغ یازده بیضه	یکبایسی

سایر ولایات

استرآباد از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته شده بود این اوقات بمقرب انخافان محمد ولیخان بکلیز استخا خبر رسیده بود که قدری از سواره کتکه از استخا گذشته بسرا راه خراسان رفته اند بعد از تحقیق معلوم شد بود که سیصد نفر بوده اند بیکر سبکی همان ساعت از دور وارد مینه انخان گذشته و جای آنها را درست محکم نموده پیاده هر بلوکی را در سنگر خودش جا بجا نموده در عابجه میرزا سعد الله خان را بواسطه بدیتی که با مور آن صفحات در اردو گذاشته و خود با عالیجاه حمزه خان انزانی و سیصد نفر سوار و یک عراده توپ و یکصد و پنجاه نفر پیاده همراه خود برداشته ترکمانان را تعاقب کرده هشت فرسخ راه رفته بودند در آنجا مجدداً خبر رسیده بود که ترکمانان مزبور هزار نفر سوار هستند و دست شده بیکر سبکی فی الفور بقدر دولت نفر از سواره کولکان انتخاب نموده فرستاده بود که قزاول این سواره باشند در این اثنا پنجاه نفر از سواره ضاله کتکه برای قزاول نزدیکه آمده بودند مقرب انخافان محمد ولیخان بیکر سبکی با سواران همراهش با آنها جنگ خوبی نمود ترکمانان را شکست داده تا فیروزآباد آنها را تعاقب نموده و بقدر بیت سی نفر از آنها کشته و ده نفر را زنده نمودند و آنچه هم از راه خراسان اسیر آوردند بودند که تخمیناً ناچهل نفر می شدند همه را استخلص کرده با وطن خود روانه کرده بودند و شانزده سوار ترکمان مزبور که دستگیر و مقتول شده بودند در بارگاه

۵۱۲

انقاد کرده بود و بهین جهت محض رحمت طوکانه میواز یک ثوب جبهه ترمه برای مقرب انخافان محمد ولی خان و یک قبضه شمشیر براق طلا برای عالیجاه حمزه خان انزانی مرحمت گردیده با فرمان هایون ارسال شده

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند نواب شاهرزاده دالاتا بحسام سلطنه والی مملکت خراسان بجهت تصدق وجود فایض ابجد اقدس هایون اعلیحضرت پادشاهی بقدر یکصد و بیست و یک کوسفند با وجهی نقد داده اند که در مدارس و مساجد و صحن تبرک و غیره بطلاب و ضعیفا و فقرا ذبح و دست نمایند و حسب المقر حکام شکان نواب مغزی ایستادند کوسفند ما را برده و بیچ نموده با وجه نقد بفقرا و ضعیفا و ارباب استحقاق و طلاب و غیره تقسیم نموده و بهمه رساننده دعای خیر بجهت از دیار عسرو دولت اعلیحضرت و شوکت پادشاهی حاصل کرده اند

دیگر نوشته اند که در سنگهای اوزان ارض اقدس مشهد مقدس اختلافی بوده و بعضی اشخاص بسنگ کم چیز میفرودخته اند نواب بحسام سلطنه بجهت امتحان و خبزه از دکانی گرفته آورده کشیده اند و کم بوده آن شخص را که کم فروخته بوده است فرستاده آورده اند و قبیله بیزازاد نموده اند و بعد قدغن کرده اند که کل سنگهای اوزان بقال دانا نواد عسیره را از آهمن ساخته هرزبندند که بعد ازین کسی نتواند کم فروشی و تقلب کند

اجبار دول خارجہ

انگلیس در روزنامه اینولایت نوشتہ اند کہ
 علیا حضرت پادشاہ انگلیس کہ سجتہ ناستان بہار
 کنار دریا کہ در جزیرہ ویت واقع است رفتہ بود درین
 روز نامہ کشتی نشین خود سوار شدہ سجتہ کنت و قنچ در
 دریای ان کست بسیر و سیاحت رفتہ بود و بہار
 مزبور مراجعت کردہ بود بعضی از خوانین و دولتمندان
 سجتہ کنت خودشان کشتیهای کوچک تیز و بسیار
 بازیگاہ میدارند و بعضی اوقات این کشتیہارا
 اسب دوانی با یکدیگر در روی دریای تازند در سنگام
 مراجعت پادشاہ بہارت خود خوانین و دولتمندان
 کشتی دوانی کردند و پادشاہ تماشا نمود و چونکہ ہوا
 بسیار خوب و با صفا بود بسیار تماشای خوب نمودہ بود

بینگی دنیای شمالی

از شہر وائسین تن پای تحت این مملکت نوشتہ اند
 خصوص گفتگولی کہ ماہن دولت انگلیس و دولت بینگی دنیا
 در باب شیلات بود و وزرای بینگی دنیا با ایچمپلی انگلیس
 مقیم شہر وائسین تن در مابین بحث و گفتگو بودند و گفتند
 انگلیس در سہرہ آغای خود سخت ایستادہ بود چند عدد کشتی
 جنگی در سہرہ شیلات مزبورہ داشتند و چند کشتی دیگر بان است
 فرستادہ بودند کہ نگذارند کسی دیگر دخل و تصرف شیلات
 مزبورہ بکند و غیر از کشتیهای دولتی کہ در آنجا ہستند کشتیهای دیگر
 از رعایای خودشان گرایہ کردہ و قشون در میان شان گذاشتہ
 کہ ہر کس از اہل دولت دیگر کہ با سجا بیاید مانع شوند و نگذارند
 انسانی دولت بینگی دنیا ازین گذارش سپاردہ بخورد

و سجا کران دیوان خودشان اعلام کردہ اند کہ دوریت این عمل
 دولت انگلیس باعث برسم حوزہ کی و خوزری ماہن دوسین بشود

سار دول فرمکتان

از فرار یکہ در روزنامہ می نویسند دولت استریہ و سایر
 دول کوچک ممالک ایتالیا کمان کلی داشتند کہ مغدین ایتالیا
 کہ چند سال پیش ازین انقدر جنگ وافتاشش و خوزری
 کردہ بودند باز درین روزنامہ خواستہ اند کہ در آنولایت
 فساد برپا نمایند و در چندین جا کاغذ آتاراکہ در خارج آنولایت
 تہتہ بودہ مخصوص ولایت انگلیس بدست جا کران دولت
 اندہ از جملہ در ممالک استریہ واقع در ایتالیا و در رومیہ و پانیا
 و در ممالک استریہ مردم زیاد گرفتہ اند کہ کمان داشتند کہ
 این اعمال بودہ باشند و در رومیہ نیز چند نفر گرفتہ اند کہ در
 خصوص اعمالشان تحقیق شود قشون فرانسه کہ مدتی سجتہ کنت
 و نظم نگاہداشتن شہر رومیہ و ممالک آن اطراف مانور
 بودند باز در آنجا میباشند و از گذارش روزگار معلوم میشود
 کہ بدن قشون مزبور در آنجا سجتہ نگاہداشتن نظم بسیار
 لازم است با اینکه نظم قشون فرانسه کہ مقیم شہر رومیہ
 میباشد و بیچکس بی سبب و بیجا از تہتہ نمیشدند
 و لکن اہل رومیہ بابل فرانسه کہ در آنجا ہستند دوستی و صفا
 ندارند کہ با چشم حسد و معاشرت با ہنہا نگاہ می کنند چنانکہ
 از آنہا شکست خورده اند و حال اگر چہ اسم دولت
 رومیہ بنام پاپا بزرگ ملت کتولیک عیسوی است و لکن
 قشون فرانسه کہ در آنجا سجتہ نظم ولایت رومیہ ساحلو
 میباشدند در آنجا استقلال دارند و صاحب ولایت
 و با تسلط میباشدند

احوال متمفرقه

موافق روزنامه اسلامبول که روزنامه دوما کاشی
 میماند درین روزها خانهای زیاد در اسلامبول و اطراف
 او آتش گرفته و سوخته است مردم بسیار متضرر شده
 بخصوص بعضی مردم فقیر و بی بضاعت که بسیار بیچاره
 دیده اند و درین خصوص در روزنامه که تاریخ او هفتم
 شوال است باینطور نوشته اند که در دهم ماه مزبور یک
 بغروب آفتاب در اسلامبول در محله شیش اسکله
 آتش افتاده و تا نصف شب مشتعل بود سیصد و شصت
 باب دکان و انبار و غیره و دو باب قراول خانه آتش
 گرفته و سوخته است و زیر جنگ و وزیر قشون سجوی هر دو
 با آنجا آمده و قشون آوردند که مشغول خاموش کردن آتش
 باشند کشتیهای فرانسه از کشتیهای شانلینگ
 شب تل که در آنجا بودند بانداد خاموش کردن آتش آمدند
 و چون این آتش نزدیک بکنار دریا اتفاق افتاد باد شعله
 آتش را بروی کشتیها برده و کم مانده بود که کشتیهای
 آتش بگیرند کشتیهای مزبور جنسی بکار مردم آمدند از آنکه
 کشتیها را از کنار دریا بیان لنگرگاه کشیدند که از آتش
 خانها که خشکی میسوخت امن باشند با وجود اینکه طوفان
 بجهت آب پاشیدن بروی خانها آورده بودند باز کم
 مانده بود که خانها تا پل تازه که در آنجا ساخته اند آتش بگیرند
 و در نیمون اسکله سی هرچه خانه بود سوخته شد و در آن
 درین یکی کوی که کنار بازار می باشد در آتش گرفته و سوخته
 شد و در روز پنجشنبه چهار ساعت بعد از ظهر آتش نزدیک
 بکناره درویشهای بیک و علی افتاده چون باد شدید

طرف جنوب می آمد کل خانهای آن محله با یک آتش گرفت و سوخت
 تخمینا صدها خانه و صد و پنجاه باب دکان و یک مسجد
 یک قراول خانه سوخته شد کشتیهای فرانسه
 باز آنجا آمده و انداد در خاموش کردن آتش نمودند و در
 همان شب نیز در محله اسکودار آتش افتاده بود و بیست باب
 خانه سوخت و نزدیک نصف شب آتش دیگر در محله خاص کوی
 افتاده و میگویند در آنجا چهار صدها خانه و دکان سوخته
 شده و پنج ساعت سوختن آتش در آنجا طول کشید و در
 روز جمعه در محله سلطان محمود آتش افتاده اما نظام آتش
 رو و خبردار شدند و آمدند و غیر از آن دکان که آتش گرفته بود
 نگذاشته که بجای دیگر سیرت نماید و در شب یکشنبه در قلاته
 در دو جا آتش افتاده اما زود خاموش کردند و در شب
 در یکی از بهترین محلات اسلامبول که نزدیک مسجد سلطان
 احمد است آتش افتاده بود و چهار صد خانه که بعضی از آنها
 خانهای عالی بسیار خوب بزرگ بودند باد و مسجد سوخته
 شد در ماهین آتش گرفتن خانها کل امنای دولت در آنجا
 جمع شده و نظام آورده بودند که آتش را خاموش نمایند
 و زود آن در پهن آتش گرفتن خانها مجال یافته از حلق کب ببول
 و ساعت سیار چیزها که در جیب داشتند میرودند بعضی
 میگفتند که این آتش را مردمان دزد متقلب قصد انداخته
 که درین بین کار دزدی خودشان را پیش ببرند و چند نفر
 گرفته و محبوس کرده اند تا تحقیق شود و در روز چهارشنبه
 دو ساعت از شب فرستاد در محله سولوما بیشتر آتش افتاد
 و با اینکه هوا بسیار آرام بود و باد نمی وزید تا بعد از طلوع
 آفتاب شعله سوختن باقی بود و با وجود کوشش نظام آتش خاموش
 کن

۵۱۴

و چاکران و انمای دولت و خلق هزار و شصت تا هشتصد
باب خانه آتش گرفته و بالمره سوخته بود و در همان روز
آتش نزدیک بقبرستان بزرگ بیک او غلی اتفاق افتاد
بود اما احمد پاشا بزرگ مدینه حریبه با آدمهای مختلف
سجود آمده و زود آتش را خاموش کردند اما محل بعد از
خاموش کردن آتش جمع شدند که پولی بجهت انعام عمله
احمد پاشا که آتش را خاموش کرده بودند آورده بودند
که بانها انعام بدین احمد پاشا گفته بود که کاری که من
کرده ام تکلیف من بود و کار ثواب بود و آدمهای متعلق
بمن توقعی از خلق ندارند و چیزی نخواهند گرفت و هیچکس
که از گوشش او و آدمهای دست که این محل را بالمره سوخته
و شب جمع نزدیک بنصف شب باز آتش در محله قتل
بنار بی تابی افتاده بود نظام آتش خاموش کن زود آمدند
و بیشتر از ده باب خانه گذاشتند که سوخته شود و در همان
شب در چشمنه بازار و قلعه آتش در دو جا افتاده بود
و زود خاموش کردند این آتش افتادن سخاها خلق را
بسیار متوسل انداخت است و بسیاری از مردم کمان
می کنند که کسان بدخواه بدعل عمد این آتش را می اندازند
در بعضی محلات مردم جمع شده اند و شب کشیک کشیدند
و دیوانیان نیز کشیکچیان را زیاد کرده اند و باز بعضی
مردم بی سرو پا را گرفته اند و از آنها تحقیق کرده اند یک شخصی
هم گرفته اند که در نزد خود کبریت و غیره داشته و با مردم
که میخواهند او را بگیرند بسیار جنگ و مجادله نمود و آخر
او را گرفته و حبس انداختند در شهر ادینه نیز آتش افتاده بود
نزدیک چهار سوق و سیصد خانه و دکان و غیره سوخته بود

از اصمیر نوشته اند که در زمان در آن اطراف درین روزها
وزدی غریب کرده اند و زدهانی که در آن اطراف هستند که
هوز بدست چاکران دیوان بیفتاده اند و بزرگ آن فدا
مشهور بنام یاقینی قاطرچی میباشد سه نفر فرنگی بشکار
رفته بودند و نفر آنها از رعایای انگلیس بودند و یکی
از رعایای روس در زمان هر سه نفر گرفته اند و
بشده اصمیر پیغام فرستاده اند که تا صد هزار قروش که
دو هزار تومان پول ایران باشد ندهند آنها را رخص
نخواهند کرد بعد از گفتگوی زیاد قیمت آنها را بیفتاد هزار
قروش ملی کرده پول را نیز در زمان فرستاده اند
تا آنها را رها کرده اند
ش
ایضا در همین روز نامه اسلامبول نوشته اند که سعید پاشا
پسر محمد علی پاشای مرحوم که مدتی در ممالک انگلیس فرانس
سیاحت میکرد بتاریخ نوزدهم سوال وارد اسلامبول
شده بود و رفته در منزل خواهرش که زن کامل پاشا میباشد
در بیک منزل کرده بود و چند روز بعد از ورودش
بدین وزرا و انمای دولت علیه عثمانیه رفته و بچشموز
اعلیحضرت سلطان شرف شد و سلطان نسبت مشایرت
کمال التفات را کرده بود
از شهر پروده نوشته اند که بلخ در آنجا ضرر زیاد
سجاصل زده و از قسم لو بچه چنین حاصلهای سبزا
خورد است و از برای بستانها بسیار تشویش سببه
اهل آنجا حاصل شده است و تشویش دینا و سببه تاک
و درخت لوت دارند چونکه در آن ولایت ایشم زیاد

۵۱۵

بعل می آید و اگر بلخ بدخت تو ت بزند ضرر کلی بابل آنجا خواهد رسید

ظریف مصطفی پاشا که سابقا حاکم و دین بود از آنجا معزول و حکومت ارزنة الروم مأمور شده است و تاریخ بیت و مضمون سوال از اسلا بول بیرون آمده و محل موتیت خود روانه شده است

در یکی از روزنامه های وینیه پای تخت استریه نوشته که چون چند سال پیش ازین هنگام باغی شدن اهل مجاری بسیاری از معدنچیان آن سست که همراه یاغیان بود و یونانیان درباره آنها حکم حبس ابدی کرده بودند درین روزها اعلیحضرت امپراطور استریه از قیصر آنها گذشته و عفو فرموده و همه را مرخص کرده است

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که بنا دارند که راه حجه تزد و کاسک بخارا از وسط مملکت ایتالیا الی مملکت استریه بازند و لکن چونکه این راه از ممالک چندین پادشاه میگذرد باید ما بین دول آنجا عهدنامه ببندند تا این کار بر آید

در بین سیاحت اعلیحضرت امپراطور استریه در مجاری نزدیک سبر حد مملکت والا کیتیه بود حاکم آن ولایت از اعیان آنجا بشهر مونتستاد فرستاده بود که سجدهت امپراطور استریه بر سندهد که امپراطور سبر حد مملکت والا کیتیه آمد بود حاکم آنجا پیشواز رفته و آنچه لازمه خدمت و حرمت بوده نسبت با امپراطور بعل آورده بود

ایضا در روزنامه وینیه نوشته اند که پادشاه یونان رسیده بود و بناد است چند وقت در آنجا توقف کند

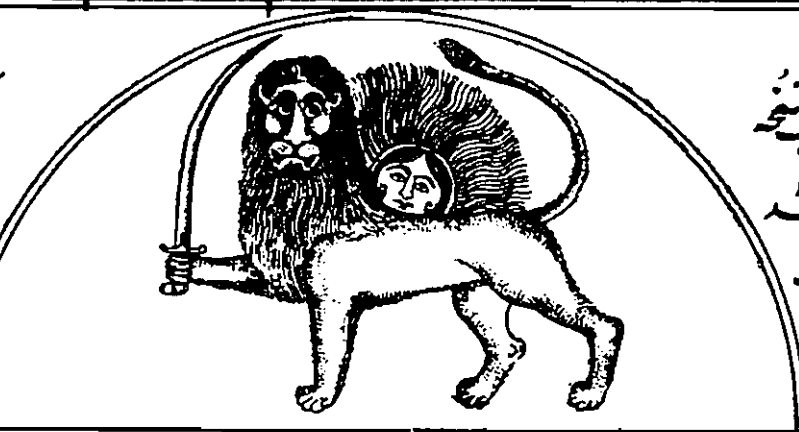
و بعد از آن به آب گرم مملکت منس رود
فیما بین قونسول فرانسه مقیم طر بونی و حاکم آنجا گفتگوی بحث و مخالفت اتفاق افتاده است در سربانیکه دو نفر از قشون فرانسه که رنجته و بشهر طر بونی آمده بودند و پاشا آنجا آنها را آنجا هداری کرده بود و قونسول مزبور آنها را حوا بود پاشا نداده بود و قونسول مقیم بیرون رفتن از آنجا نموده بود و کم مانده بود که این گذارش سختی و مخایر تکشد آخر الامر پاشای مزبور این دو نفر فراری را پس داده و گذارش با صلاح تمام شده بود و لکن چند روز بعد از قونسول فرانسه بولایت خود مراجعت کرده و هر چه رعایا فراموش در آنجا بود در زیر حمایت دولت پاشا قبول گذاشت

اعلانات

چونکه ملا علی اکبر ولد ملا عبد الله که از رعایای دولت بیه ره س است فوت شده است بناست که در روز جمعه شانزدهم ماه ذی حجه اسحرام اموال متروکه او در سفارتخانه اعلیحضرت امپراطور روس در در آنجا طهران بقاعده هراج فرجته شود لهذا این مطلب بجهت استحضار خلق در روزنامه اعلان می شود که هر کس مشت باشد در روز جمعه شانزدهم ماه ذی حجه اسحرام چهار ساعت از روز بالا آمده در سفارتخانه دولت بیه ره روس حاضر شود

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ و پنجشنبه زودسم ذیحجه الحرام مطابق سال سیچان میل ۱۲۶۱

قیمت روزنامه هر کس در طهران بفرستد یک نسخه برای او بفرستند قیمت اعلانات یک خط از اخبار که در دنیا بیست و پنج روز هر روز یک خط



هر مشتاد و منعم هر کس در طهران بفرستد ازین روزنامه باشد در بازار جدید در دکان سیخه نظر فرموش و شوشه

اخبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دارا بخلاف طهران در روز چهارشنبه هفتگه گذشته اعلیحضرت قوی پادشاهی بجهت تفریح سوار شده بسمت امیرآباد و اطراف تشریف بردند و تا عصر در آنجا تشریف داشتند نزدیک بنوب آفتاب موکب مایون ببارت ارک سلطانی معاودت فرمودند

چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شده که اعلیحضرت پادشاهی منظور دارند که کالسکه سواری درین دولت علیه رواج یابد و عموم حشون را از تجارت کتبه و غیره ازین فرموده اند که کالسکه بنشینند درین اوقات حسب آلات مقترب انخافان مهدبخان صاحبی و جوه خارجه ده عواده

در روز شنبه دهم اینماه که روز عید اضحی بود اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بسلام نشند اولیای دولت و چاکران حضرت بعد از پنج قربانیا و ادای صلوة عید بر بار مایون شتافه هر یک در مقام خود شرفیاب حضور هر ظهور خسروانی گردیدند و شیلیک توپ و زنبورک بقانونی که درین دولت علیه متداول است شده بعد از آن اعلیحضرت پادشاهی ببارت سردرب دیوانخانه مبارکه که مشرف میدان ارک است بجهت بارعام تشریف فرمائید و عموم حشون از وضع و شرف و نظام و غیر نظام باشکوه داراست که تمام در میدان ارک جمع شده و جود مایون زبارت و تقدیم مراسم شکر گذاری و شادمانی و مترنم

کالسکه چهار اسبه بسیار مستحکم و مضبوط و خوب با تمام رسانده و در میدان پروان دروازه محمدیه در کاروانسرا کالسکه خانه بسته شده و اسبهای قوی و آرام و راهوار آموخته و تربیت شده است که هر کس از ذکور و آنات که بخواهد سوار کالسکه شود و بهر جا که بخواهد برود در هر ساعت یکبار دنیا گرایه بدو داده و ایاب هر قدر طول بکشد از قرار ساعتی یکبار دنیا گردانند و بسند و سوای وجه گرایه مزبور هیچکس از کالسکه حسی و سایر عمل دنیا ری بیچ اسم و رسم نباید توقع نماید مقترب انخافان سلیمانخان خان خانان در روز عید قربان

حسب الامر اعلی حضرت پادشاهی مانور ذبیح شتر قرانی
 کرده بقیه بقانونی که درین دولت علیه رسم است با عیال
 کلانتر و که خدایان و جمعیت زیاد از کسبه و اصناف
 و نقاره خانه و شاطر و یک و غیره شتر قربانی را از دروازه
 دولت بیرون برده در پهلوی بخارستان اول ^{تخت} ^{نجات} ^{تخت}
 مشارالیه نیزه زره و اشتر را سحر نموده بعد از آن کلانتر و
 که خدایان استوار و کسبه و غیره صنف بصف بقراریکه
 دارند که هر یک عضوی از شتر قربانی است پس از آنکه با کمال
 نظم قسمت خود را بردند و با وصف از دام زیاد از احد
 صد البته شده و وارد ارک سلطانی گردیده و بعد از آن
 خطبه در مقابل درب دیوانخانه مبارکه عموم خلس بدعا گوئی
 ذات اقدس بایون اعلی حضرت پادشاهی مبارک نمودند
 متفرق گردیدند

چون عالیجاه محمود خان کلانتر مراتب انعامات خود داد
 انجام خدمات دیوانی و رسیدگی بنظم امور شهر و محلات مشهور
 امنای دولت قاهره ساخته لهذا حسب الاله العلیه محض
 ظهور رحمت ملوکانه در باره مشارالیه با عطای یک ثوب
 جبهه ترمه لاکمی مختلف و مباحی گردید
 در روزنامه اجبار شهر نوشته اند که چاهی در پهلوی دروازه
 محمدیه بجهت فاضل آب حمام گنده بوده اند ضعیفه غفله بمیان
 چاه افتاده قدری صدمه بنیای او خورده و لکن ضرر جانی
 با در رسیده است

و هم چنین در محله بازار عروسی بوده است شخصی در بین ^{تشیاری}
 رختهایش تشکر گرفته و قدری از اعضایش نیز سوخته است
 و لکن تشویش مملکت ندارد

دیگر از دو کاکین کنار خندق که در دست سرد خان مروی است
 صاحب کافی سقف دکان را بر چیده بود است که کعبه و انبیا
 یکی از آنها که دکان را اجاره کرده است زیر چوب ستون ^{بجای}
 خالی میگردد است ستون افتاده و در تقریر اخبار کرده است
 ولی بچکدام هم مملکت نماند

امور قشونی

چون اعلی حضرت قوی شوک پادشاهی در حصول ^{استحضار}
 از مجاری احوال و اوضاع عموم شکر نصرت اثر کمال
 اهتمام و تامل دارند علی هذا جناب محبت و جلال ^{نصابت}
 صدر اعظم افخم بینه رؤسای لشکر مانور سرحدات
 نوکدان نوشتند که روزنامه نوکر جمعی خود را ماه بانه بدون
 تخلف نوشته بدر بار معدلت مدار بایون روانه نمایند
 که بعضی نای دولت علیه برسد

چون خدمات عالیجاه مقرب انخافان محمد خان میر پنج
 منظور نظر اقدس بایون اعلی حضرت پادشاهی است
 لهذا محض حصول مزید افتخار و مباحات و دلگرمی او و ^{بسیار}
 عالیجاه محمد باقر خان سپهسالار منصب سرمنکی فوج ششم
 تبریزی را که ابوالجمع مقرب انخافان مشارالیه است
 بجایگاه محمد باقر خان مرحمت و او اگزار فرمودند و فرمان
 مریلعان رسم بافتخار او شرف صدور یافته باطلعت
 بایون رحمت و ارسال شد

عالیجاه محمد مراد خان سرمنک فوج بیات زرند چون
 از قدیمی سرمنکان این دولت قوی شوکت علیه است
 و در اسفار خراسان و بکرات و استرآباد و زرنجان
 و غیره همیشه با فوج خود حاضر و مصدر خدمات نمایان شده

لنظام احسم بیکران ملوکانه شامل احوال عالیجا پشایه
شد بمنصب جلیل تیرپسی سرافراز گردید و زمان
تا یون بافتخار او شرف صدور یافته با طلق طلعت
مرحمت و عنایت گردید

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان
نوشته شده بود این اوقات در آنجا در محله دسر
دختر شش ماهه از زن کر بلانی حسین نام متولد شده
که چشمهایش در پیشانی بوده و ابرو نداشته و در
دندان در زیر داشته و دو شاخ در پشت گوشها
بوده است زبانش مانند زبان گاو و موی سرش
مثل موی سر گاو از کمر پایین سفید و از کمر بالا سیاه
بوده و دندان بسیار کوچک کرده داشته است و
یکساعت بعد از تولد مرده است

دیگر در روزنامه آذربایجان نوشته بودند که بعد
استماع مرده صحت و سلامت وجود مسعود
اعلیحضرت پادشاهی که نواب شاهزاده والاتب
حشمه الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان
مقرب انخافان وزیر نظام و کل اهل آذربایجان اظهار
شادمانی و شکر گذاری کرده شهر را این تسبیح
منوّه قربانها کردند چون از ارمانه آذربایجان
در آن عیش و عشرت مراسم شکر گذاری و شادمانی
بطور شایسته بقدیم رسیده بود نواب معزی البیه
بعالیجا میرزا مصطفی خان بباشر مهمام خارجه آذربایجان
حکم کرده اند که سه باب حجره در حیات کلیت یایی تبریز

برای تربیت اطفال آنتاب از مذک اطفال آنها در آنجا
مغول تحصیل علوم باشند
استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته شده بود
این اوقات از ترکمانان تکه برای تاخت و تازیکه
بست کوکلان رفته بودند جماعت کوکلان جمیع
شنیدن این خبر سوار شده آنها را تا نزدیک جنگل
کرده همه آنها فرار کرده بمبسان جنگل رفته بودند
و جماعت کوکلان بقدر یکصد رسل اسب از آنها
گرفته و خود آنها را معلوب ساخته اند که مخدول
و مشکوبآ پیاده خود را بجنگل زده بکلی متفرق و متواری
گردیده اند

احوال متفرقه

در باب طلای فراوان که از کلی فارس و استرالیای
بیرون آورده اند خصوصاً از مملکت استرالیای چونکه اکثر
این طلا بولایت انگلیس آید در وادوستند تجار از
فراوان شدن طلا بسیار کساد بهم رسیده است هر
که ازان سهمی آید طلا بولایت انگلیس آورد
و حال در میان تجار پول چنان فراوان است که نسبت
بسابق چندان قریب ندارد سابقاً اشاع پول از قرا
سالی در صد تومان پنج تومان بود حال در صد تومان
سه تومان و نیم هم میندند و مردم مینداند که
این فراوان شدن پول آخر الامر در ولایت انگلیس
خیز خواهد داشت یا ضرر خواهد کرد
در روزنامه های نسبه نوشته اند که مدتی است که

مستخرجانند و در باب گزنگ در ولایت خودشان طوی
 بکنند که در کل ممالک آن ولایت گزنگ بیک قرار و یک
 طور باشد حال بعضی قرار گذاشته اند که مال از دول
 خارج بی گزنگ زیاد داخل ولایتشان نشود خصوصاً از
 مملکت انجلس و این کار را کرده اند جهت شرفت کار
 و صنعت صنعتکاران خودشان بعضی امالی این
 ممالک به دیگر عهد نامه درین خصوص بسته اند و سعی
 می کنند که کل ممالک آن ولایت درین باب توشان
 و حرفشان یکی باشد و لکن تا بحال قراری نگرفته اند
 در گریزات ممالک نزدیک بجز استوا که جنگها
 فراوان دارد و درختهای این جنگها بسیار بزرگتر از
 درختهای سایر ممالک روی زمین است و چون
 بسیار از آن و محکم و خوب میشود از جمله درین روزها از
 یکی ازین درختها یک پارچه تخته بریده اند که چهل و چهار
 ذرع و نیم طول و نیم ذرع عرض و دو کره و نیم قطر او بوده
 و حساب کرده اند که درختی که این تخته از او بریده شده
 بیاید نزدیک بهشتا و ذرع بلندی او باشد
 از جزیره قار فو که یکی از جزایر یونان و در تحت حکومت
 دولت انجلس میباشد با این بنوال نوشته اند
 که چون رعایای آنجا که عیسوی از مذبح گزنگ میباشند
 از ممالک ایتالیا خصوصاً از آن سمت آن ممالک که در
 زیر حکم پاپای رومته میباشد در خصوص نشان
 اذیت زیاد می بینند از آنرا که اهل ایتالیا عیسوی از
 مذبح گزنگ میباشند و اهل جزایر یونان عیسوی از

مذبح گزنگ چونکه پاپا بداد اهل این جزایر رسیده است
 حکم کرده اند که هر چه کلیسای مذبح گزنگ باشد در
 جزایر یونان ببندند
 درین هفت روز نامه از فرنگستان رسیده است و
 آنچه قابل ترجمه کردن و نوشتن در روزنامه بود در هفت
 گذشته نوشته و چاپ رفته شده است و لکن اخبار
 تازه از فرنگستان این روز نخواهد رسید

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در باسمه خانه حاجی عبدالحمد
 استاد دارالطباعة این روزنامه در محله نزدیک دروازه
 دولا ب انطباع شده از این روزنامه فرخته میشود

- کشکول هشت هزار دینار ۰۰۰۰
- حدیقه الشیعه یک تومان ۰۰
- زینت المجالس یک تومان ۰۰
- فضول خوارزمی دو تومان ۰۰
- قصص الانبیاء پنجاه دینار ۰۰۰
- حدیقه ثانی یک تومان ۰۰
- یوسف زلیخا چهار هزار ۰۰۰۰
- حق الیقین پانزده هزار ۰۰۰۰
- حسینه چهار هزار ۰۰۰۰
- حلیه یک تومان ۰۰
- شاهنامه پنج تومان ۰۰۰
- قاموس سه تومان ۰۰۰
- مجمع البحرین سه تومان ۰۰۰
- تخته الزائر یک تومان ۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تیاریخ بیت ودویم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال سیچان سیل

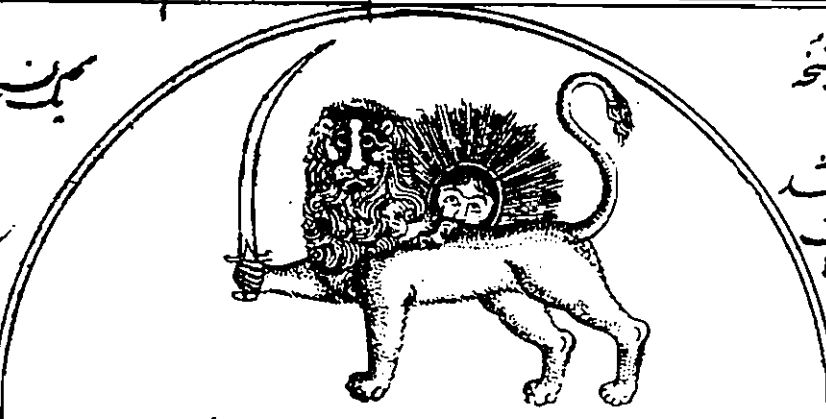
قیمت در نیمه

یک نسخه شش ماهه هر یک در نیمه

قیمت اعلانات

بخط اچھا سطر کھڑو

بیشتر بر سطر



نزد شتاد و ششم

هر کس در طهران

ازین روز نامها باشد

در بازار جدید در دکان

سید علی نقی پور فروز

فروخته میشود

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه هفته گذشته اعلیحضرت آقدس
 مایون پادشاهی بجهت کشت و تماشا بست
 کن و سولقان حرکت فرمودند و چون درین سو
 شکار کبک در آنجا فراوان است بجهت شکار
 فرما شده تا عصر در آنجا کشت و شکار و
 تفریح فرموده و بعد از عصر نزدیک بغروب آفتاب
 به دارالخلافه مبارکه با رک سلطانی معاودت
 فرمودند

مایون رازیارت نمایند بیالاقانه سردر بیدگوان
 مبارکه که مشرف میدان ارک است تشریف فرما شده
 وضع و شریف عالی دادانی دارالخلافه مبارکه
 از ذکر و آنات بمیدان ارک مجتمع شده و چون فاین
 اعلیحضرت پادشاهی رازیارت نمودند و بعد از
 ادای مراسم جشن و شادمانی از آنجا بعبارت
 مبارکه سلطانی حجت فرمودند

در روز یکشنبه بیستم این ماه که روز عید غدیر
 ختم بود اعلیحضرت پادشاهی بقاعده که درین
 علیه من اولت سلام فرمودند و امنای دولت
 و چاکران حضرت گردون بسطت بسلام پادشا
 و هر یک در محل و مکان مخصوص خود شرفیاب حضور
 مهر ظهور خستروانی گردیدند و بعد از ظهور التفات لوکا
 در باره امنای دولت و چاکران در باره مایون بعد
 طرف عصر بجهت بارعام که خواص و عوام وجود مسعود

بطور خوب و شالیه برآمد و خدمت او در پیشگاه حضور
 مایون اعلیحضرت پادشاهی بسیار مقبول و پسندید
 افتاده بود این روزها محض ظهور رحمت ملوکانه در باره
 عالیجاه مشارالیه یک نوبت بجهت ترمه اعلی برسم خلعت
 عالیجاه مشارالیه رحمت و عنایت گردید
 چون عالیجاه مقرب الخیره العلیه حاجی میرزا محمد خان
 ماموریت سجای ترخان که بخدمت کار پرداز می
 مشغول بود از عهده تقدیم خدمت محوله بطور خوب

بر بد حسن اتمام و مراقبت عالیجا بشار الیه ذرخا کپای
اندکس جایون پادشاهی مقبول و پسندیده افتاد بود
این اوقات که برکاب نصرت انتساب حضار شد یکدوب
جبه ترمه اعلی برسم خلعت در باره عالیجا بشار الیه
مرحمت و عنایت کردید

این اوقات اولیای دولت قاهره حسب اشاره العلیه
عالیجا میرزا عبدالوهاب کیلانی را بمستوفی گری و سر
داری کیلان سرفراز کرده و یک ثوب جبه کرمانی
از جانب اعلیحضرت پادشاهی برسم خلعت در باره
عالیجا بشار الیه عنایت و رحمت کردید

سایر ولایات

یزد و کرمان از قرار یک امیر الامراء العظام مقرب الخاقان
محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان نوشته بودند
از زور و ویرانی بجهت انتظام امور آنجا چند روز در آنجا
توقف داشته و در دوازدهم این ماه قرار بوده است
که بکرمان روانه شود

دیگر نوشته شده بود که عمارت دیوانی یزد خرابی
داشته امیر الامراء العظام سردار حاکم یزد و کرمان
از زور و بآنجاقدغن کرده است که خرابی عمارت را
تعمیر کنند و با الفل بنا و عملد عمارت مزبوره در کار
و همچنین از قرار یک نوشته بودند چون آب منزل نکند
که تعلق سجاک یزد و اردقدری شورا است و آب شیری
که دارد بقدر کفایت حال مژد دین و عابری نیست
از کم آبی بر عابرین بسیار بدسکد شده است متوجه آنجا
شار الیه بعد از استحضار بر این معنی قرار کرده است

که قنات مشهور بقنات نکند را که آب شیرین خوبی
و از عدم تنقیه آب قنات مزبور بسیار کم شده بود
مگر قلیل آبی داشته تنقیه نمایند که را که زودتر در آنجا
با سود کی عبور و مرور نمایند و بجهت حصول مزید دعا
کوئی ذات اندکس جایون پادشاهی تاکید و اتمام
در زود و زیاد کرن آب قنات مزبور شده است
و متقیان الآن در قنات مزبور مشغول کار کردن
و تنقیه میباشند

دیگر نوشته بودند که عالیجا نور اللہ خان نایب
تو پخانہ یزد روزی در نارنج طعه آنجا مشغول مشق
دادن تو پچیان متوقف یزد میباشند و در کمال نظم
حرکت میکنند و از احدی خلاف قاعده و بیجا
ناشی و صادر نمیشود

فارس

از قرار یک در روزنامه شیراز نوشته ولایات
فارس از تفصلات خداوندی دین وجود مسعود
اعلیحضرت پادشاهی در نهایت ایت و فراوانی
وارزانی نعمت است و جمیع الی فارسی با کمال
اسودکی و شکر گذاری و دولت قوی شوکت
علیه میباشند و بعد از وصول بشارت صحت
و سلامت وجود فایض بجد اعلیحضرت پادشاهی
و گرفتار شدن طایفه ضاله بابتیه حسب الامر مزبور
ستطاب شاهزاده و الا تبار نصره الدوله فیروز
صاحب اختیار مملکت فارس سه شبانه روز
حکم کرده اند که شهر شیراز را چراغان کردند و عموم خلق

۱۵۰

۱۵۰

اصفهان

انجا از عالی و ادانی و محارفات و هیر از صغیر و کبیر
 و بر نا و پیر تقدیم مراسم شکر گذاری و چراغانی
 و عیش و قربانی و عشرت و شادمانی کرده اند
 و حسب الحکم نواب نصره الدوله در میدان توپخانه
 تخت زده اند و مطرب دند باز و غیره حاضر گشته
 بنای طرب و نشاط را گذارده اند و نواب معزی علیه
 همه روزه در بالا خانه نشسته و هر روزه بعد
 شش ساعت بعیش و عشرت و وجد و مسرت
 بوده و آنچه لازمه انعام و بخشش بوده است
 و چهارده نفر زدند که عالیجاه محمد حسن خان نایب
 گرفته بشهر آورده بوده است نواب معزی علیه
 آنها را چوبه زده و بعد از سه روز و او از
 نفر آنها را در خارج در جای مشهور بتنگ الله و کبر
 حکم نموده و بسزای اعمال ناشایست خودشان
 رسانده اند و دو نفر دیگر آنها را که سرفقت آن
 دو از ده نفر را برود داده بودند مرخص نموده اند و
 حال طریق و شوارع انجا که سابقا از دست انداز
 دزدان مخوف بود و کمال امنیت را دارد
 تا پنج قلعه شیراز که حسب الحکم امنای دولت قاهره
 چندی قبل ازین در نهایت استحکام و انضباط
 بنا گذارده بودند این روزها نوشته اند که هر روز
 قریب پانزده نفر بنا و شصت نفر عمه و غیره مشغول
 کار هستند و نواب نصره الدوله نهایت سعی و اهتمام
 در انعام کار انجا دارند و هر روزه خود بنفسه در کار
 انجا رسیدگی می نمایند و مقرر است که زود با تمام بر
 اصفهان از قرار یک در روز نامه اصفهان نوشته بودند امر
 از اتهامات اولیای دولت قاهره و حسن اقبال
 عالیجاه چراغ علیخان نایب الحکومه در کمال نظم و انضباط
 میباشد و عالیجاه مشارالیه در انتظام امر ولایت
 کمال اهتمام را دارد و از احدی خلاف قاعده ناشی
 و صادر نمی شود و از هر کس سرفقت و خلاف قاعده
 و بی حسابی واقع شود فی الفور بمقام رفع و دفع آن
 بر می آید از جمله نوشته بودند که از سمت فارس خان
 رحیمی که از طایفه قشقانیست که سفند زیادی از محال
 علیا برده بود از او استرداد نموده و درست
 یزد هم چهل ریس قاطر از تجارتش فرسخی زد
 برده بودند عالیجاه چراغ علیخان آدم فرستاده و
 قاطر را در پشت کوه بختیاری از سارقین استرداد
 کرده اند و مالی هم که چند سال پیش ازین از اینجا
 بختیاری برده بوده اند این روزها فرستاده و
 استرداد نموده است
 دیگر نوشته بودند که دو نفر دزد یکی محمد نام از اهل قریه
 و دیگری میرزا نام شاهسون که سرفقت آنها بموت
 رسیده بود میرزا نام را در رسیدن شاه اصفهان
 عالیجاه نایب الحکومه حکم کرده است که تنبیه و
 و آخر سرفقت او نموده اند و محمد نام را آنچه کت
 و پیری که قریب هشتاد سال از عمر او رفته
 بوده است خدمت جناب شیخ محمد باقر فرستاده
 و توبه اش داده اند

۵۲۳

عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند
صفحه عربستان در سرحد بندر حمزه در نهایت امن و امان
و فراوانی نعمت میگذرد و ادنی مشغول و عاقلانی و شکری
گذاری دولت قوی شوکت میباشند و از طایفه ضاله بابلی
در این صفحات نقد محمد پیدانی شود

ایضا از حمزه نوشته اند مای کوسه که آدم خوار است درین فصل از
دریا به شط می آید و بسیار حالت عجیب غریب ازین ماهی نقل نمایند
این روز با یک نفر سرباز از دست نصر الله سلطان فوج جدید
سیلا خوری را مای کوسه بلعیده که آثاری از غشش و نظور آن

ایضا از حمزه نوشته بودند در شانزدهم شهر رمضان المبارک
غباری ظاهر و روز بروز در تراید بود چنان غلظت غبار پدیدار
گشت که اگر روز از صبح الی یک ساعت از شب گذشته بود
اقاب پیدانند و بعضی روزها روشنی آفتاب مفقود گشت
بقدری بود که در ده قدم شخص آدم نمیشد مگر از آواتا
دو ساعت از شب گذشته غبار بکنار و بکنی بر طرف جوهری و
اعتدالی پیدایشد خدوندت فضل کرد که با غلظت غبار و
نتیجای احتباس و در فصل شدت گرما و طولانی بودن
روزها حرارت و گرمای زیاده نبود بلکه بعضی روز اعتدال داشت

قره‌وین

الحمد لله رب العالمین ازین وجود حضرت اقدس شهر ماری
و ایستام انسانی و دولت ولایت در نهایت امن و امان و فراوانی
دارزانی نعمت میگذرد و جمیع مردم از اعلی و ادنی مشغول عاقلان

و شکر گذاری دولت قوی شوکت میباشند حسب الحکم
قرارداد سابقین بود که سد شهر بندر متصاعا گنهند
از آن تاریخ الی حال بنا و عملد مآ مشغول کارند و بجهت تاکید
بر اہتمام و اتمام کار و الی مقرر داشتند که در سر بند چادر
زده هر روز هشتم صبح میروند و مغرب مراجعت مینمایند
و نهایت دقت و اہتمام در اتمام کار سد مزبور دارد

ایضا از قره‌وین نوشته بودند که سید حسین نامی از اہل ہرات
خود را بصورت فقیر ساختہ کدالی میگرد قضا و اتفایقہ در نصف
شب کنج خرابه بگیر کر نہ افتاد و اورا بزود در دغہ آوردند در غم
ہم بجهت تحقیق مطلب در انجا بدشت بعد شخص شد در زیر
جل بندی شخوابی دارد دار و غدا ترس فتر خود در فتنان
شخواہ را گرفته دید یکصد و چهل تومان ہشرفی بشمارہ در کت
آنرا صبح خدمت والی عرض کرد والی ہم سید را خواستہ
در حضور جمعی احوال پرسیدند کہ تو شخواہ داشتہ چه قدر بود
گفت مبلغ یکصد و چهل تومان بدون کم و زیاد ہشرفی دادم
در همان ساعت والی حکم کرده شخواہ و اتمام د کمال تسلیم
نمودند و اورا بدشت تاجر مہینسی سپرد کہ بدار انخلا فہرسانند
کہ نتواند دلایت اش شود

ایضا از قره‌وین نوشته اند چون قرارداد امانالی
قره‌وین است کہ شبہای جمعہ بجهت فاتحہ جوانی اہل قہور
در بیرون شهر میروند در شب جمعہ ہجرت ہشرفی فقہہ
زنی در سہ ہزار جوان خود چنان کریت کہ از خود در فتنہ عینی
نگذشت کہ فوت شد

اخبار دول خارجه

درین روزها روزنامه گزیت از فرنگستان رسید
و مطالبی که قابل نوشتن درین روزنامهها باشد در
باب هر یک از ممالک دول خارجه نوشته خواهد شد

انگلیس

تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید و هم ذی قعدة است
از جمله اخبار که از آن ولایت نوشته اند این است که بسیار
از اهل انگلیس امسال از آن ولایت بیخارج رفته اند خصوصاً
بمالک سیکی دینای شمالی و هند شرقی و هند غربی و ولایت
استرالیا چونکه بعضی از بلوکات انگلیس بسیار آباد است
و کثرت خلق دارد و بجهة اهل زراعت که زمین بهتر
جمیع ندارند بنسبتی میگذرد هر سال خلق کثیر از آنجا
بمالک خارجه میروند که در آنجا ماسکینی نمایند و دیوانیان
نیز بقدر مقدور امداد و اعانت باین اشخاص که بممالک
خارج میروند کرده اند که بروند محوض سختی که در ولایت
خودشان می بینند در ولایات خارجه وسعت و
راحت بینند اما حال از بسکه ازین اشخاص بیرون
رفته اند بعضی از مردم تنوشش می کنند که در بلوکات
انقدر زرعایا بخوانند مانند که زمین را زراعت نمایند
و اسحق بطوری که حال مردم از ولایت انگلیس بیرون میروند
خالی از تنوشش نیست حساب کرده اند امسال قریب
بپانصد هزار نفر مردوزن و اطفال از ولایت انگلیس بیخارج
رفته اند

فرانسه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانسه رسید
ذی قعدة است در آن ولایت مدارک میبندند بجهة

نسیس آن دولت در بلوکات وسط مملکت فرانسه
و در مشورتخانه فرانسه در باب داد و ستد و دستورات
مالیات آنجا قرار میگذراشتند از جمله مواجب الیچیان را نوشته
بودند سی و دو نفر الیچی و وزیر مختار در ولایات خارج
دارند و اخراجات آنها را دولت و بیت هزار تومان
پول ایران دیده بودند و مواجبان باز سه هزار تومان تا
بیت و پنجاه تومان است از جمله الیچی کبیر ساکن لندن
سالی بیت و پنجاه تومان پول ایران میگیرد و الیچی کسان
مدتی پای تخت اسپانیا است سالی دوازده هزار
تومان میگیرد و الیچی که در روم پای تخت پاپا در ایتالیا
و الیچی که در وین پای تخت ممالک استریه میباشد
سالی هر کدام یازده هزار تومان میگیرند

استریه

در روزنامه وین پای تخت استریه نوشته اند که
چهل و شش نفر از خوانین و غیره این ولایت که چند سال
پیش ازین در جنگ مجارستان جنگ کرده بودند
و بعضی را حکم قتل و بعضی را حکم حبس ابدی داده شده بود
در باره آنها که حکم قتل داده شده بود اعلیحضرت
امپراطور استریه از سرخون آنها گذشته و اگر آنها را
هم که حکم حبس ابدی داشتند مرخص کرده است و این
اشخاص از آن جمله بودند که چاکران دیوانه که در ایام
یاغی شدن خلق بدولت خودشان بصداقت خدمت
کرده بودند کشتند و بزرگ مفتدین و باغیان بودند
و بعضی از خوانین که بجهة یاغی شدن املاکشان منسبط
دیوان شده بود و حال املاک آنها را پس داده اند از

پسری از آن خوانین که باران وی بود چونکه این جوان
در قشون خدمت خوب کرده بود اطلاق پرورش که بجهت
تقصیر پرورش منسبط کرده بودند همه را باین جوان بسبب
خدمتش واکدار کردند

عظامت

یک امر عمده در اسلامبول کشتی سازیست خصوصاً
دولتی که بسیار بزرگ است کشتیهای دولتی را در آنجا

میسازند و تعمیر می کنند و اسباب حرب در آنجا دارند
اعلیحضرت سلطان بسیار اوقات با بنجاشرف
میرند و خودشان بجهت عمل آنجا را ملاحظه در سید

بنمایند مانند سایر شهرهای فرانکستان که کشتی میسازند
و تعمیر می کنند حوضهای بزرگ در همان کشتی سازها
در کنار دریا ساخته اند که کشتی را بیانشان می

و بعد از آن آتش را خالی می کنند درین روزها دو
بزرگ بیان این حوضها بجهت تعمیر آورده بعد از آن آب
حوض را خالی کرده و تعمیر لازم از آن کشتیها نموده بود

وقتی که همه تعمیر کشتیها تمام شده بود سلطان حکم کرد
که راه آب را از دریا کشوند آب دریا حوض را پر کرد و
کشتیها بالای آب بیایند و از آنجا بیرونشان کشیدند

بیان لنگرگاه اسلامبول برده لنگراند اختتام عالی
وزیر اعظم و سایر وزرا و شیخ الاسلام و کل
دولت اسلامبول در آنجا بودند و در آنجا علیحضرت
سلطان نشان مجیدیه از مرتبه اول بجالی پاشا داده

احوال متفرقه

در یکی از جزایر خط استوا که هند العزبی نیز می نامند

سخت شده بود و در تاریخ نوزدهم رمضان دو ساعت
از صبح گذشته صدای مانند صدای رعد شنیدند بعد
زمین حرکت کرد از سمت شمال بسبب جنوب باران
پارزده مانده طول کشید بار دوم که سخت تر بود سی ثانیه
طول کشید و زمین مانند امواج دریا متحرک گردیده بسیاری

از خانههای آنجا خراب شده اما کسی کشته و تلف نگردید
از کشتیهای بنجار که در دریا می خط استوا حرکت میکنند
یکی در یک بنجاشرف نزدیک بود و بسیاری از آنها که در
میانش بودند کشته و زخمی شده اند

در آن صفحات جزایر خط استوا ناخوشی بسیار بود
خصوصاً از قسم تب که در آن اطراف میشود و طبیبان
تب زرد میگویند و چنان شدت داشت که

که از یک کشتی که بیشتر از سصد نفر در میانش نبود
شصت نفر ازین ناخوشی گرفته بودند که به بیمارخانه
در یکی از روزها می فرستادند

که طوفان و باران زیاد در بلوک رودخانه بسیار آن
مملکت شده بود که آب رودخانه زبور از بحرهای خود
بالا آمد و زمینهای آن سست را بزیر آب برده بود

چون دو طرف رودخانه زبور زمینهای حاصل آورده
زراعت است بسیار خرابی در آنها بهم رسیده است و
حاصل آن سست بالمره خراب و تلف شده است

و اگر جایها زیر سنگ و یک رودخانه مانده است در
کنار رودخانه دیگر نیز که در آن سست میباشد پسین شده

در یکی از جزایر خط استوا که هند العزبی نیز می نامند

بود و در سه ساعت مفتاب خانه و یک کارخانه
برین حوب و تحت که بچرخ آب حرکت بکند و چند طویل
بلاده سبیل برده بود و شش خانه دیگر نیز در میان یک
وسنگ نازده و دبی نیز در زیر آب نازده بود و رای که از
آن سمت بجهت ترزد کالک بخار ساخته بودند نیز آب
گرفته و خراب شده بود

چند نفر سیاح که در سمت سویس بودند بست کوهها
بلند آن مملکت رفته بودند که بیالای کوهها برودند قدری
بالا رفته بودند و قتی که طبعی که مسراشان بود بکنس
جست که در میان برف تلف شده بود و رفتند و نقش
دیگر در آنجا یافتند که بسیار بریده و کوبیده و مجروح شده
بودند معلوم شده بود که در میان برف و باد دم و بوران
از شدت باد و برف راهشان گم کرده و از سندانگ
بپایین افتاده و ملاک شده بودند که بهای آن سمت
فرنگستان که کوهستان البس میماند از همه کوههای فرنگستان
بزرگترند و بلندترند و ایام الاوقات برف در سرانهاست
و مات بلانک که یکی ازین کوهها میباشد بلندترین کوهها
فرنگستان

و آن شخص از چرخ بخار پانین افتاده یک دست و یک پایش
در زیر چرخ بخار نازده قطع کرد بد بعد بصاحبان کالکها و
صاحبان راه مرافعه کرد چونکه قطع شدن دست و پایش
بجهت تقصیر عملجات آزار بود و میبایست تاوان دست و پا
اودا بکشند و موافق قانونی که نمایان در آن وقت گذشت
هر اربابی باید از عهد تقصیر عملجات خودش برآید لهذا
حکم کردند که سالی شصت فرانک که مشتاد تومان پول

ایران با بشخص مزبور پسند

در یکی از روزنامههای شهر وینه پای تخت استریت
که دولت انگلیس را اهل سایر دول فرنگستان خوا
کرده اند که هر یک یک نفر و کبل از جانب خود بلند
نفرستند که قیمت طلای مسکوک را در آنجا قرار بگذارند زیرا
که انقدر از کلی فارسیا و استرالیای زیاد آورده اند
که جزوی تنزل در قیمت طلا بهم رسیده است و بیشتر ازین
تنزل خواهد کرد و تیرسند که ازین تنزل اغتشاش در
داد و ستد خلق بهم برسد

بنامین دولت مسکی دنیای شمالی و دولت استریت
شده است در باب آنکه چند وقت پیش ازین شخصی از اهل

یکدی دنیای شمالی مملکت مجارستان آمده بود و کاغذ
از خود که در ایام یا عیگری مجاریها بزرگ آنها بود و حال در
مسکی دنیای شمالی میاشد آورده بود که بعضی از
اهل مجار نوشته بود که باز مانند سابق اغتشاش و
برسم زدگی در مجارستان نمایند که بلکه ولایت مزبور
دولت استریت جدا بشود و این شخص دستگیر کارکنان
دولت استریت شده و مجوس است مصلحت گذارد و

شخصی از عملجات راه آهن که بجهت ترزد کالک بخار ساخته
در استریت بوریغ مملکت فرانسه در روی چرخ بخار کالک
سوار شده بود و کالک ب سرعت میرفت چند عرابه پرازا
در پیش روی خود دید با اینکه گذاشتن عرابه بارکش در راه
کالک بخار خلاف قرار و قانون بود بالای چرخ بخار سوار
شده و بانها که بقرابها سوار بودند صد آکر که خود را کنار کشند
مبادا در زیر چرخ بخار بمانند درین چرخ بخار بان عرابهها

بینکی دنیای شمالی که در پیشه مقیم است در باب
استخلاص این شخص کاغذی بوزیر و دول خارج است
بود وزیر دول خارج درین باب تحقیق کرده و مصححت کرده
مزبور جواب نوشته بود که کاری که این شخص کرده است
در هر دولتی که باشد تبه او را واجب میدانند زیرا که
خلاف قاعده و قانون دول است که در میان دو دولت
که با هم طریق مصالحه و موافقت دارند شخصی چنین
بکند که ولایتی را بدولت یاغی نماید از آن جهت این شخص
مجبوس دولت استریه است باید درین ماند

از شهر پاریس تاریخ بیستم ماه رمضان نوشته بودند
که که ما در اینجا چنان شدت داشته است که مانند
کرمای هندوستان چند رسل اسب که بجاسکها
لبسته و در کوههای پاریس تردد میکردند از شدت
کرمای افتاده و مرده بودند

بسیاری از اهل چین بملکت کلی فاریا که در بینکی دنیای
شمالیت آمده اند و چونکه بسیار مردمان کارکن و
ریزک و چابک بیباشند در اینجا کارشان خوب
پیش میرود و قاعده و قانون ممالک بینکی دنیای شمالی است
که هر کس از اهل هر دولت که باشد بولایت آنها که
بعد از توقف مدت معین اگر خودش بخواهد در آن ولایت
بماند از رعایای بینکی و بناشده میشود اما چون اهل چین
زیاد با آنجا آمده اند و در بعضی مشاغل چون بهترتر پس
مدعی اهل آنجا میشوند حاکم آنجا میخواست طوری بکند که آنها
از آن ولایت بیرون بکند بهانه اینکه اشخاص مزبور مردمان
از دستند اجیر اشخاص دیگرند که در ولایت چین میباشند

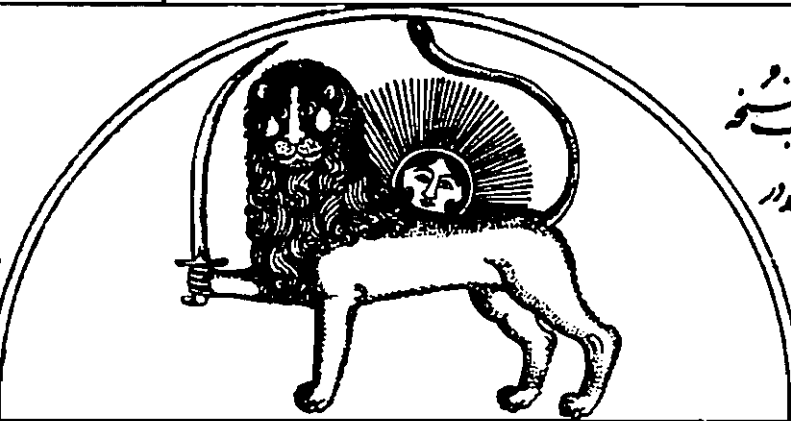
و می آیند چند وقت در کلی فاریا میمانند و مراجعت میکنند
اهل چین در جواب این مطلب بدولت بینکی دنیای عرضه نوشتند
که ما اجیر نیستیم از هر قسم اشخاص در میان ما است از جمله
صنعت کار و تجارت و غیره راست است که اکثر ما چند سال
در اینجا میمانیم و بعد بولایت خودمان مراجعت میکنیم
سببش این است که می آیم و چند وقت در ولایات
خارج میمانیم و قدری پول که جمع کردیم بعد از آن بولایت
خود معاودت کرده در وطن خود سکنی میمانیم اگر
از ما چغالی و خلاف قانون دیده باشد آنوقت
جای بازخواست است مشهور است که هرگز اهل چین کسی
ست در کوهها ندیده است و در محبوس خانه مقصری که
از اهل چین باشد میت مردمان کاسب و کارکن بیستم
و بعضی از آنها هم تجارت و داد و ستد زیاد می کنند
تفصیلا در دولت بینکی دنیای شمالی شود و بودن مادر
دولت بینکی دنیای شمالی نفع بدولت دارند ضرر
و اگر خوش قناری به بینیم بیشتر خواهیم آمد پس استدعا
میکنیم که مانند سایر اهل روی زمین اذن توقف داشته باشیم
و دولت امداد و محافظتی از ما بکند که کسی با اذیت نکند

اعلانات

قیمت کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالحمید در نزدیکی دوازده
دولاب انطباع شده از این قرار است
کشورل شت هزار دینار
حدیقه اشیه یک تومان
زینت المجالس یک تومان
فضول خوارزمی دو تومان

روزنامه قایم القایه پنجشنبه زور به بیستم دی ماه پنجشنبه امطابو سال سیچان میل ۱۲۶۸

ممنون روزنامه
بک شکره بیک کماله قان
چهارم سزار دینا
قیمت اعلانات
یک خط اول چهار خط پنجاه روز دینا
بیشتر با هر خط هر



بر هشتاد و نهم
هر کس در طهران طالب نشو
ازین روزنامه باشد
باز در جدید در کاتب
سید علی قزوینی فرزند

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه هفتم گذشته اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی سجدت و تفریح سوار شده بعبارت قصر قاجار تشریف بردند و تا عصر در آن جا تشریف داشتند بعد از صرف عصرانه و چای نزدیک نوبت افتاب بعبارت مبارکه ارک سلطانی معاودت فرمودند

و همچنین در روز سه شنبه بیت بنو قلم این ماه بجهت ملاحظه مشق افواج قاهره نظام بمبدان مشق خارج در دولت تشریف فرما گردیدند و افواج قاهره متوقف دارالخلافه مبارکه نگذاشته و بمبدان مشق حاضر بودند و مشق شیلیک نمودند و مشق آنها و مشق سواره نظام که با کمال آراستگی و انتظام بودند پسند خاطر حضرت اقدس حایون پادشاهی گردید

حایون کرده بود و مقبول افتاده مورد التفات طومکانه گردید و جناب مجدت و جلالت لصاب صدر اعظم محترم حسب الاشارة العلیه بنواب مستطاب شاهزاده والا سباحت حشمت الدوله حمزه میرزا صاحب اختیار مملکت آذربایجان نوشتند که قدغن نمایند که مباد امور دیوانی اردوی ستمی و وظیفه و خطیفه حواریان اردوی را با استحضار عالیجناب مشارالیه برسانند و بعد از آنکه بدون استحضار عالیجناب مشارالیه بار باب مستیرات و وظایف و وظیفه داده نشود و یک لوب عبای ترمه از دربار حایون با افتخار عالیجناب مشارالیه مرحمت و ارسال گردید

از آنرا که منظور اعلیحضرت پادشاهی دایم الادوات تربیت و اکامی و دانانی عموم رعایای این دولت علیه است از هر ملت و دین که باشند چنانچه در روزنامه سابقه نوشته شده است بنا گذاشته اند که بجهت اطفال ارمانه تبریز در سه درجه ط کلیسای آنها بسازند و چون که خود امسای دولت علیه درین باب

وقت تمام خواهند کرد و استاد و معلم خوب از عیالی
ایران در آنجا خواهند گذاشت و امید است که بسیار فایده
خوب بجهت اطفال مزبور نماید و درین دولت علیه تربیت شوند
و خودشان بزرگوار و الایبار حشمت الدوله صاحب اختیار
ملکت آذربایجان درین باب اهتمام نموده اند و این بدست

بطور خوب با تمام خواهد رسید

امور ات قشونی

درین روز ما مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام تشریف
و وعده توپ سه پوند بلند قدر ریخته و با تمام رساند
و بجهت اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی مشکش نمود
پدارتخلافه طهران فرستاده اند و بلاخط امنای دولت
علیه رسید بسیار پسندیدند افتاد و کتل صاحب منصبان
فرنگستان که این توپها را دیده اند تصدیق کرده اند که مانند
توپهای خوب فرنگستان ریخته شده است

درین اوقات حسب الامر قدس هایدون پادشاهی
اولیای دولت قاهره قرار دادند و در توپمان بندی افواج
قاهره مالک محروسه داده اند و احکام نظام بکل صواب
افواج قاهره صادر شده که از انقرار هر یک جا و مقام
خود را دانسته در بید قهای خود هر یک اسم و عدد
تومان و فوج خود را نقش نمایند و در ایستادن مقام خود
بدانند و تفصیل از قرار فرد جداگانه است که در روزنامه
آینده نوشته می شود

درمچنین حسب الامر قدس هایدون پادشاهی
بعضی از افواج قاهره را بمیران پنج از قرار تفصیل جداگانه
سپرده اند که در انتظام کار آنها رسیدگی نمایند و ام
کام

نظام بصاحب منصبان افواج مزبور صادر گردید
و همچنین در کار سواره نظام نیز حسب الاشارة علیه
قرار داده شده و احکام نظامی بسرکردگان آنها
صادر گردید

عالیجا جعفر قلی خان سرزنسک توپخانه مبارکه که مدت
دو سال و نیم بود که بادولیت و پنجاه نفر توپچی با مو
خدمت فارس بود در روز بیستم ذی حجه با توپخانه

جمع خود وارد دربار هایدون پادشاهی گردیدند و نظر
جناب محبت و جلالت نصاب صدر اعظم انجمن
در میدان ارک رسیده کلاً با تدارک و اسب سلح
و انتظام تمام ملاحظه شده و جناب معظم العیبه

مبارالیه و توپچیان جمعی او کمال التفات را نمودند و
در روز پانزدهم این ماه نیز عالیجا ه محمد علی بیگ
یا در اول توپخانه مبارکه که مدت یکسال و نیم بود

با سیصد نفر توپچی با مو خدمت ارض اقدس حراس
بود و در دربار هایدون پادشاهی گردیده در میدان
ارک بنظر جناب جلالت نصاب صدر اعظم رسیدند
و در تدارک و اسب کمال آراستگی و انتظام

داشتند و بعد از ملاحظه امنای دولت علیه عالیجا هان
جعفر قلیخان و محمد علی بیگ با توپچیان مزبور که از فارس
و خراسان آمده بودند شرفیاب حضور مهر ظهور
حضرت اقدس هایدون پادشاهی گردیدند و مورد

مراحم و نوازشات ملوکانه شده هر یک از
عالیجا هان مبارک العیبه حسب الاشارة العلیه
مرحمت و عنایت گردید

۵۳۱

فوج فیروزکوه که بجهت ماموریت اصفهان حاضر کباب
 حضرت امتاب جایون شده بودند در روز چهارشنبه
 بیت و یکم این ماه در بخارستان حاضر شد ^{معمول}
 لشکر نویسن باشی و این لشکر بسیار لشکر نویسان
 سان آنها را بدقت دیدند که روانه اصفهان شوند
 اخبار شهر

و فوج شقایق از حین ورود بفارس در سیلاب متوقف
 بوده اند و در روز پانزدهم ماه ذی حجه عالیجا پشایر
 با فوج خود وارد شهر شده اند و لایب شاهزاده و الایب
 نصره الدوله فیروز میرزا صاحب اختیار مملکت فارس
 بجهت ملاحظه سان و مدارک فوج مزبور بخارج شهر رفته
 و سان آنها را دیده اند

از فراریکه در روزنامه شهر نوشته اند درین اوقات
 فریب بدو بیت عروسی شده و انواع جنس و ماکولات
 از هر چیزی کمال و فوردار زانی را وارد و هوای شهر در نیاید
 اعتدال است و عموم خلق در آسودگی و فراغت مشغول
 دعای دولت جاویدت علیه میباشند و درین
 اوقات که ماه محرم و ایام تعزیه داری جناب سید ^{شده}
 نزدیک است مردم مشغول زدن چادرها و بستن تکیاها
 میباشند و تا بحال فریب بهفتاد چادر در تکیاها ^{شده}

از فراریکه نوشته بودند نواب شاهزاده نصره الدوله
 منصب و خلعت امارت دیوانخانه فارس را بجای
 میرزا شایخان نوری داده اند و عالیجا پشایر
 بجار مردم دقت در رسیدگی کامل دارد و امر دیوان
 فارس بسبب انتظام و اهتمام شایر الیه بسیار ^{مضطرب}
 و منظم میباشد

سایر ولایات

از فراریکه در روزنامه فارس نوشته شده بود
 پنج سال متوالی است که در فارس قحط خوارکی ^{سند}
 مع ذلک درین سال و فوردنمت و ارزانی غله و حبوبات
 واقفانم فواکه بنوعی است که در هیچ ایامی باین وفور
 نبوده اما چون در فارس هر فرد را به معاش ^{بجرت}
 بجهت خلق نیست محصول بعضی از بلوکات را که بلخ خورده و
 بعضی را که نخورده مطلقا تعبیر ندارد و باین واسطه قدر
 بنخلق سخت و تنگ میگردد
 چون هوای شبر از گرم بوده و عفوشت داشته است
 بسبب تسویش از ناخوشی عالیجا فاسم خان ^{پیر}

امر همیشه خانه فارس از فراریکه نوشته اند بسیار
 خوب برآه میرود و علامه حبه خانه حب الامر نواب
 شاهزاده نصره الدوله مشغول ساختن تفنگ
 سر بازی میباشند و بسیار خوب میتازند
 و تا بحال بقدر پانصد قبضه تفنگ انقاد در بارهایون
 داشته اند

از افواج متوقف فارس از فراریکه در روزنامه
 آنجا نوشته بودند هر روزه افواج ایلات قشاق
 و عرب با توپچیان ابواجبجعی عالیجا بابابیک یاد
 توپخانه مبارکه در میدان درب خانه مشغول
 شش میباشند و در کمال نظم و درستی حرکت میکنند
 و از احدی از آنها خلاف قاعده نسبت کسی ناشی
 و صادر نمیشود

۵۳۱

وقد ادیکو جب وینم بوده و دندان هم داشته است
 و کاغذی هم کریم یک کرده است و تمام اهل کارزان از
 مردوزن تماشای او میرفته اند یک روز زنده
 بوده است و بعد فوت شده است و بخش او را در
 امامزاده شاه میرحوزه گذاشته بوده اند و مردم
 بدسته تماشای او میرفته اند

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته شده بود
 امر آنجا از اتهامات نوآب مستطاب شاهزاده و الا
 هشام الدوله خاندان میرزا صاحب اختیار عربستان
 ولایتان و بر وجود سختیاری در کمال انتظام و
 الضبط است و عموم رعایا و سکنه و امانی آنجا
 بکار عمریتی و زراعت و کسب و کار خود و عاکونی
 ذات اقدس بایون اعلیحضرت پادشاهی شغولند
 و از احدی خلاف حساب دقاغه ناشی و صادر
 نمی شود و اگر اجناس از کسی خلاف حسابی صادر شود
 نوآب معزی الیه بمقام نادیب و تنبیه او برآمده و خود
 بنفسه بکار مردم رسیدگی می نمایند و امانی آنجا
 ازین مرحد نهایت رضامندی و شکرگذاری دارند
 و بخدمت و نور نعت و فر او انی و ارزانی در ان
 ولایات است غله و حبس از هر چیزی در آنجا
 بسیار و ارزان میباشد که اینک از قراریکه
 نوشته بودند در سنن حجت قدری در رخ گندم

ترقی میباش
 اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه قروقین نوشته بودند حاجی نصیرنا
 از اهل قروقین که در بدو ادعای بانیه خود را سرخیل این
 طایفه ضاله میدانت و از قراریکه او را اول هم پیش از
 عقب باب آورفته بوده است و در دعوی بابی درازند
 هم بوده است چون شخص مزبور درین باب معروف و مشهور
 بوده است بعد از ظهور تهور و جارت این فرقه ضاله بصره
 خسروخان والی مشارالیه را در قروقین حکم کرده است که
 و الان در آنجا محبوس است

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند که جمعا
 نفر از اهل جوشقان از قریه مورچه خوار میگذشته اند چند
 نفر زنده با آنها بر خورده و دو نفر شتر از آنها گرفته و بزده
 شتر داره بقریه مزبوره آمده و اهل آنجا را خبر کرده اند
 طوق و سوارچ که در آنجا بوده اند فی الفور سوار شده
 و زردان را تعاقب نموده با آنها رسید و مشغول محاربه
 شده اند درین بین چون شب شده و تاریک گردیده است
 و زردان شترها را بجا گذاشته و فرار نموده اند غلامان
 مستحق شتر را با اصفهان بزده علیجا چو اع علیخان
 برده اند و علیجا مشارالیه شترها را بصاحبش رد نمود

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته شده بود در کارزان
 در شب چهارم ماه ذی قعدة مولودی متولد شده بصورت
 که به سرش بسیار کوچک و بدنش نامنقش مثل پلنگ
 و انگشتانش هم بانده و یکپایش بلند و دیگری کوتاه و

نمبر ۱۹
 شماره ۱۹
 شماره ۱۹
 شماره ۱۹
 شماره ۱۹

از جلا اخبار فرنگستان که در این روزها رسیده است
این است که در ولایت انگلیس قشونی که بجهت ساحلو ولایت است
و البته میانسند در کار بودند و میگرفتند و در هر یک موافق
معین بجهت مشق جمع می شدند بسیاری از دول خارج تعجب
میکنند که درین ایام صلح دولت انگلیس چرا باید قشون خود را
زیاد بکند و تدارک جنگ ببیند خصوصه اهل فرانسه بسیار تعجب
دارند و این کار را علامت کی اتحاد نسبت دولت خودشان
میدانند و لکن حرف دولت انگلیس این است که دولت ما
با کل دول خارج کمال دوستی و یگانگی دارد اما تکلیف
هر دولتی این است که ولایت خودش را بی تدارک نگذارد
و در میان اهل انگلیس و اهل فرانسه بخلاف ایام سابق حالا
دوستی و یگانگی است و تجارت زیاد میگردد و ترود
و آمد و رفت ما بین دولتین مزبور بسیار میشود از آنجمله
اگر بر سحر و کی روی به طرفین زیاد متضرر می شوند

احوال متفرقه

ناخوشی دیوانگی که سک دیوانه آدم را بگیرد و دیوانه بشود
تا بحال در کل روی زمین بی علاج میدانستند و حالا هم که
علاجش تعیین شده است و لکن در روزنامه دولتی مملکت
مشرقیه در باب علاج این ناخوشی این طور نوشته اند که
چند سال پیش ازین موسیومرشتی نام جراح در پانجا
سنگو در مملکت یوگرتین روس سیاحت میکرد
در یک روز پانزده نفر که سک دیوانه آنها را کزیده
بو پیش او آمدند در حسنی که بعضی از دوانا را حاضر میکرد
که با آنها به چند نفر از ریش سفیدان و رعایای آنجا
پیش جراح مزبور و از اذن خواستند که اینهارا که سک دیوانه

کزیده است ببرد پیش یکی از رعایای آن است که این
ناخوشی را علاج میکند چونکه آن شخص درین خصوص شهرت داشت
جراح قبول کرد و اذن داد بشرطی که علاجش با آن جراح
هم بگوید که یکی از سک کزیده را خود این جراح معالجه کند
چهارده نفر آنها را پیش آن شخص رعیت بردند و معالجه کرده
همه چاق شدند و هیچکدام نبردند کل علفی را که زرد چاشنی
و در فرنگستان بسیار است بقدر صد و پنجاه مثقال بسیار
آب گرم گذاشته و جوشانده و آبش را با آنها میدادند
روزی دو نوبت زیر زبان آنها را نگاه میکرد و گفته بود
که کسی که دیوانگی کزندگی سک بهم میرساند زیر زبانش
دانه میزند و زهرش در میان آن دانه است بعد از چند روز
این دانه در زیر زبان آنها پیدا شد و آن شخص دانه را
بریده بعد از آن با سیم که در میان آتش سنج کرده بود
داغ نمود و دانه شان را با آب همان علف شست و همه
این چهارده نفر معالجه شدند و نفر دیگر که آخر سک
آنها را گرفته بود ازین دانه در نیاد و رند بعد از سه سال همین
جراح این چهارده نفر از زنده و صحیح البدن در آنجا دیده بود
و بگوید که خود این جراح معالجه کرده بود و ختری بود شش ساله در روز
هفتم باز دیوانه شده و بعد از چند روز مرده چند سال بعد از آن
همین جراح دید که نسبت و شش نفر را که سک دیوانه کزیده بود
بهین طور معالجه کردند و همه را چاق نمودند چونکه در
سمت شمال مملکت فرنگستان سک دیوانه بسیار
میشود و مردم را میگیرد که دیوانه می شوند و همیشه ازین
گذارش را در روزنامه نوشته اند که مردم آنجا

امتحان نمایند

۵۳۳

در یکی از روزنامه های مملکت اسپانیول نوشته اند
 که اولاد لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه وزن
 بتا داشتند بشهر گرنه بیایند و مدتی در مملکت اسپانیول
 توقف بکنند و یکی از شاهزادگان استر که در ولایت
 اسپانیول بود از شهر که یزید پرون رفته بود که بخیر
 مدیتره برود

موافق قاعده که هر ساله دارند خزینده که در حصار پطر
 پاوالوف در سنت پترزبورغ دارند مشهوره اند
 هصد و بیست و هفت هزار مانت پول طلا بود و در ولایت
 و هصد هزار مانت پول نقره که تخمینا سه کروپول
 باشد

در ولایت فرانسه وقتی که لوی فیلیپ را بیرون کردند
 و دولت جمهوری برپا نمودند اسامی بعضی کوچها و میدانها
 درین ولایت که مناسبت بدولت قدیم داشت
 عوض کرده بودند مثلاً در جانی که میدانی بود که میدان
 شاهی مینامیدند آن اسم را برداشتند و میدان
 آزادی اسم گذاشتند و درین روزها اسامی
 قدیم کوچها و میدانها را باز برقرار کرده اند که با اسامی بن
 گفته شود

در وقتی که دولت فرانسه مملکت آنست مغرب
 که جزیره العرب بمانند متصرف شدند تا مدت ده
 سال امیر عبدالقادر نام بانها جنگ کرد که بلکه ولایت
 بسجیطه تصرف بیاورد و اهل فرانسه را از آن ولایت بیرون
 بکند بجا که دولت فرانسه در آن ولایت تسلط شد

امیر عبدالقادر جای گریزند داشت خودش آمده و دستگیر
 فرانسه شد آنوقت بنا بود که با و اذن بدهند که بملکت
 خارج برود اما بخلاف عمد نامه امیر مزبور را محبوس کرده
 و هنوز هم در مملکت فرانسه محبوس است بعضی از
 مردم میگویند که گذارش امیر عبدالقادر مناسبت
 باحوال ناپلیان دارد که خودش آمد بنزد دولت انگلیس
 و در جزیره سنت هلینا محبوسش کردند یکی از خواهر این
 انگلیس که نام اولاد لندن درینی میباشد و خصوصاً
 عبدالقادر پار سال کاغذی بلوی ناپلیان نوشته
 بود و خواهرش کرده بود که لوی ناپلیان طوری بکند که امیر
 عبدالقادر مرضی دستخلص باشد لوی ناپلیان اسم
 وعده داده بود که اگر ممکن باشد در سال آینده که اسما
 باشد او را مستخلص نماید حال لارڈ لندن درسی دو با
 کاغذی بلوی ناپلیان نوشته است که بلکه امیر عبدالقادر
 مستخلص نماید لکن لوی ناپلیان بجهت مصلحت دولتی قبول
 نکرده است و امیر عبدالقادر باز در حصار مستم محبوس است
 از جمله سرکردگان رشید نیز که در آن جنگها که عر بادت
 فرانسه کردند و وزیر حکم امیر عبدالقادر بودند یکی نامش
 عبداللہ بن محمد بود و لقبش ابو معزّه اوسم و متبکد و بد بکر
 جای جنگ و استاد کی نیت خودش آمده و دستگیر
 دولت فرانسه گردید و لکن در عوض اینکه سخت محبوس
 باشد اذن بیرون رفتن داشت هینقدر بود که خودش
 بدولت فرانسه عهد کرد که نگرید و درین روزها خیال
 کرده بودند که ابو معزّه گریخته و بملکت بگردد است بعضی
 از انمای دولت فرانسه درین خصوص بسیار متشوش

۵۳۴

شده بودند تا خودش از شهری دیگر که فتنه بود کاغذی
 نوشته است و مضمون کاغذش این است که من هرگز
 بکسی بد عهدی نخواهم کرد و موافق اذن که از دولت
 فرانسه دارم از شهر بشهر گشت و سیاحت کرده ام
 و اگر بخوانید بجای اقامت خود می آیم سر کرده حصاری
 را شناخته است و عیبش خودش را بشویش
 انداخته است این کاغذ که با منای دولت فرانسه
 باز خاطر جمعی از ابو معز حاصل کردند
 میگویند شخصی از طایفه منته مبلغ کلی مذربسته است که از
 قصبه کلگی که آخر خاک فرانسه است تا دور که اول
 انجلس است در آب دریا شنا نماید دریا را اینجا بشیر
 از چهار فرسخ عرض دارد یقین نیست که خواهد رفت یا نه اما
 در کلگی هر روز میان آب میرود و مشق شنا نماید تا آب
 که در سوقان بگذارند
 علیا حضرت امیر طبرستان که زوجه علی حضرت امیر طور بود
 در هنگام توقف خود در شهر کلون پنجاه هزار باجا طویله
 تعمیر کلبه های آنجا داده بود
 در روزنامه های هندوستان نوشته اند که قشون
 که در شهر کلون بودند حصار می کشیدند که نزدیک با آنجا است
 بسین مینامند بحکم گرفته اند سه نفر از سربازان مجلس گشته
 شده اند و هفت نفر صاحب منصب و بیست و چهار نفر تاج
 هم زخمی کرده اند
 در یکی از روزنامه های هندوستان نوشته اند که در سینه
 و فرانسه میخواهند فراری بگذارند که محافظت شهر روم
 مالک با پادروست اهل استریه باشد و قشون فرانسه
 استیلا را خالی کرده بولایت فرانسه مراجعت نمایند و قشون
 فرانسه قشون استریه بیایند و ساخو آن مملکت با
 در بعضی جاها که راه آهن بجنه ترود کاسک بخار و عراق
 میانند چون کاسک بخار بجای است و بلند حرکت میکنند
 باید راهها را صاف نمایند ازین جهت بسیار اتفاق می افتد
 که باید زیر پشته یا کوه را سوراخ نمایند در مملکت حجازی
 ازین راهها ساخته اند که دو فرسخ و نیم طول دارد و از
 کنار رودخانه قرآن تا معدن که در آن است است
 ساخته اند و درین راه ریز زمین هم ترود و عراق و بارش
 و مردم میشود و هم آب زیادی معدن از آنجا میرود
 می آید و برود خانه می افتد
 در یکی از معدنهای ذغال سنگی در مملکت فرانسه
 غریب بیرون آمده است مانند آتشی که در شهر باد کوپه
 زمین بیرون می آید مشهور است که بخار ذغال سنگی که در
 معدن جمع میشود اگر چراغ یا چیزی دیگر نزدیک او بگذارد
 آتش میگیرد و مثل باروت میوزد نزدیک بشهرها در مملکت
 فرانسه معدن کهنه است از ذغال سنگی که نزدیک
 سی و پنج سال است که در او کار نکرده اند عن چای که با
 معدن میرود مشتاد و چهار ذرع است و از ترس اینکه
 مبادا کسی در میان او بیفتد چند ذرع از او من چاه که پائین
 میرود تیرا گذاشته اند و خاک برویش ریخته اند
 این روزها بالای این خاک آتش بیرون آمده است و بخار
 که در میان معدن است پوسته از معدن بالای آید و
 نمی گذارد که آتش خاموش بشود نمیدانند که این بخار خود بخود

۵۳۵

آتش گرفته است یا اینکه از خاج آتش با آنجا افتاده
 شعله این آتش یکدیج بلند می شود و رنگ شعله آتش
 سفید است مایل به سفید و معلوم نیست که این آتش
 تا کی دوام خواهد داشت یا چگونه خاموش شود مگر آنکه
 آن چو بها که در زیر است بسوزد و خاک بمیان معدن
 بریزد مردمان اطراف معدن هم ازین مرحله تسویش دارند
 که اگر چنین شود آنوقت بخاک که در میان معدن است
 کلاً آتش گرفته و زمین را مانند زلزله سخت خواهد زد
 جمع شده اند و خاک سرخ را با آب سرشته کرده بر روی
 آتش میریزند که شاید خاموش شود و ازین کار هم
 احتیاط می کنند که مباد آتش بگیرد و آنجا را پاشیده
 نموده با طرف بیگانه و سبب اذیت و املاف خلق شود

خیال کردند که خاموش کرده اند اما بعد از دو ساعت شعله آتش بالا
 گرفته و تا ظهر روز دیگر خاموش شده بود خانمانی که سوخته
 اکثر مال کسبه و فقر است سایر مردم شهر بخصوصه فقرا و انبیا
 که بی منزل مانده بودند آنچه توانستند در میان خانهای خودشان جا
 دادند اما بسیاری هم بی منزل مانده اند و بازن و بچه در بیرون شهر
 مانده اند بعضی هم میگویند که بیشتر از هزار و چهار صد خانه سوخته
 و بقدر پانزده هزار نفر بی منزل مانده اند و نزدیک یک ثلث
 این شهر سوخته است اعیان شهر لُغدن جمع شده اند
 که خواهی در راه احسان محضاً جمع میکنند و از برای آن
 بیچارگان بفرستند چند سال پیش ازین نیز شهر همدون و مملکت
 آتش گرفته بود مردم خواه زیاد بجهت اهل آنجا جمع کرده بودند
 کمان دارند که حالا نیز پول و سایر با محتاج بقدر کفایت این

اشخاص جمع میکنند

اعلانات

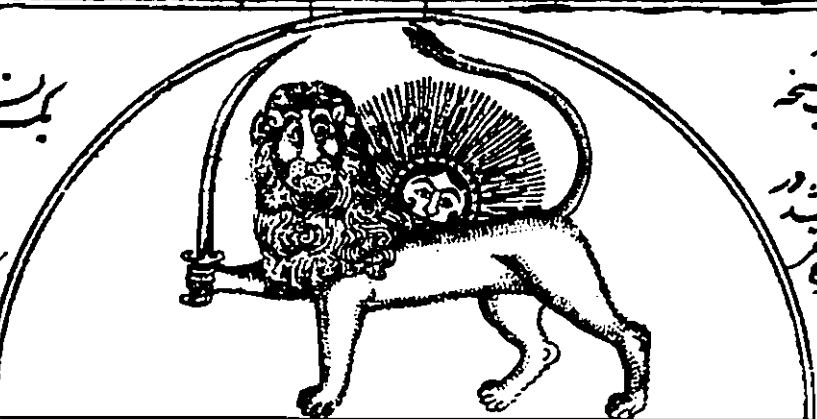
در روزنامه انگلیس نوشته اند که شهرت تبریز را در کانا دویچی دنیای
 شمالی آتش گرفته است و تخمیناً هر روز دویست خانه سوخته است و بقدر
 و دوازده هزار نفر بی خانه و منزل مانده اند و خلق بیشتر از دو گروه
 مسفر شده اند در تاریخ بیستم رمضان این آتش در یکی از محلههای
 این شهر افتاد چونکه خانهای آنجا اکثرشان بهم متصل اند
 و بجهت حرارت تابستان جنسی خشک بوده اند آتش زودتر
 شده است بیارخانه در آن اطراف بود و اعیان شهر رسیدند
 که آن بیمارخانه هم بسوزد جمع شدند و با شیدن آب
 نگذاشتند که بسوزد درین بین آتش بکوچه رسید که شازده در
 عرض داشت مردم خیال کردند که با نظر شهر سیرت سخا کرد
 اما با دچنان شدت داشت که آتش را با نظر کوچ برد بود
 ابتدای این آتش در طلوع آفتاب بود و دو ساعت از شب رفت

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید باسپه
 در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده از این قرارند

می شود		
۲۰	شش تومان	مجمع البیان
۱۰	یک تومان	تفسیر امام حسن عسکری
۱۰۰	هشتاد دنیا	شکول
۱۰	یک تومان	حدیقه الشیعه
۱۰	یک تومان	زینت المجالس
۱۰	دو تومان	فصول حواری
۱۰	پنج تومان	شانها
۱۰	دو تومان	قاموس

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه هفتم ماه محرم الحرام مطابق سال سیچان نهم سنه

قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه بیست و پنج
قیمت اعلانات
یک خط از چهار خط یکبار
بیشتر هر خط یکبار



شماره نود
هر کس در طهران بخواهد
ازین روزنامهها بپسندد
بازاریه در دکان شماره
پور در شرف و در حته شیخ

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه هفتم گذشته اعلیحضرت قوی سوه
پادشاهی بجهت تماشای مشق و حرکت قشون نظام که
در میدان خارج شهر نزدیک باسب دوانی مینما
و آماده شده بودند تشریف فرما گردیدند و قشون
پادشاهی از سرباز و توپچی و سواره نظام و غیر نظام
مشق جنگ نموده و شلیک توپ و تفنگ کردند
و از اینکه مشق کرده و آموخته بودند و در کمال چابکی حرکت
نمودند حرکت و مشق آنها در نظر اقدس مایهون حضرت
لمو کانه بسیار مقبول و پسندیده افتاد و میران نجیب
صاحب منصبان نظام و محلیین فرنگستان که مشغول
مشق دادن نظام بودند با عموم آحاد و افراد نظام توپچی
و سرباز و سواره مورد تحسین و نوازشات خیر و
گردیدند و بهر یک از آنها انعام طو کانه حیرت گردید
درین اوقات که ایام عاشورا است نظام تعزیه داری
جناب اباعبدالله محمد حسین علیه آلاف التحية و الثناء میباشند
عموم خلق دارالخلافه طهران از وضع و شریف جمیع

تجاریا و مساجد و مجالس مشغول تعزیه داری و روضه خوانی
و حصول دعا کوفی بجهت ذات اقدس اعلیحضرت پادشاهی
میباشند و تا امروز که پنجم عاشورا است صد و پنج مجلس
تعزیه و صد و پنجاه مجلس روضه خوانی میبود و تا عاشورا
هین قدر با مجالس تعزیه داری و روضه خوانی افزوده
خواهد شد و کل اهل شهر از تجار و کتبه و غیره دست ارباب
و کار خود کشیده و دکاکین را البته مشغول تعزیه داری و
بسنن تجاریا و فرام آوردن اسباب مجالس تعزیه داری
میباشند عایبجاه محمود خان کلانتر بجهت نظم محلات و تجاریا
شبهها و روزها با آدماهای خود در گردش میباشند
و از که خدا یان محلات حسب الامنای دولت قاهره
الزام گرفته اند که در هیچ یک از تجاریا و کدرا و مجالس
تعزیه خلاف حسابی واقع نشود و که خدا یان نیز حسب
الترامی که سپرده اند کمال مراقبت و مواظبت را هر یک
در محله خود دارند و از اهتمام امنای دولت قاهره از
احدی خلاف قاعده ناشی و صادر نمی شود و بانهاست
نظم و خلوص بیت مشغول تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه السلام

۵۳۷

در روز دوشنبه گذشته سپهر حاجی محمد علی جدید و سایر
 و بچیب خود داشته است که چاه دانه با قوت و زور
 در آن بسته بوده است بنکینه چهل تن فرشته و در آنجا
 بتزیینت است دستمال اار صیب خود بیرون آورده
 و از خاطرش رفته است که صبیط نماید و بعد از آن
 تقریب بر خواسته و پی کار خود رفته است وقت مغرب که
 بنجال دستمال و جواهرات افتاده و دیده است که در
 نیست مضطرب و سر اسیم بنکینه چهل تن فرشته و در آنجا
 اظهار نموده است علی اکبر نامی دستمال و جواهرات او را
 پیدا کرده بوده است آورده تمام و کمال بدون کسر
 و نقصان تحویل و تسلیم مشارالیه نموده است

عالیجاه مصطفی قلیخان شایرالمو باد و سیت فرسوان
 شایرالمو که حسب الامر اعلیحضرت پادشاهی چهار
 برکاب نصرت اقتاب شده بودند در روز ششم محرم
 حاضر برکاب هایون شدند
 عالیجاه صفه علیخان شامسون اینانکه یکسال تجاوزه
 بود با سواره خود مأمور خدمت ساخو خراسان
 بود و درین روزها احضار برکاب هایون شد بود
 در روز نهم ماه محرم با سواره خود حاضر در انظار اطراف
 گردیدند
 عالیجاه جعفر قلیخان سرهنگ فوج خدا بنده لاکه
 یکسال بود حسب الامر مأمور خدمت ساخو کرمان بود
 این روزها که حسب الاشارة العلیه احضار برکاب نصرت
 اقتاب هایون شده بود بعد از ورود بکاشان
 فوج خود را حسب احکام مخصوص خانه نموده و خود با چند نفر
 از صاحب منصبان فوج مزبور در روز چهارم ماه محرم
 بدر بار هایون شرفیاب شدند

نظر بصلاحت و شایسته جناب میرزا کوچک صدر
 درین روز صاحب الاشارة الطیبیک ثوب عباسی ترمه
 و در سلسله بسم خلف و در حق مشارالیه محبت و
 گردید

امورات قشونی

در روزنامه هفده گذشته نوشته شد که متصرفان
 میرزا فضل الله وزیر نظام دو عزاوه توش سه نوزده بند
 در آذربایجان ریخته و سواره آده نمود چکش خاکپای
 اعلیحضرت پادشاهی کرده و بدر بار هایون فرستاده
 توپهای مزبور بطر مبارک پادشاهی رسیده و پسند
 درین اوقات محض ظهور محبت طرکانه در بازار متصرفان
 مشارالیه یک ثوب جینه ترمه از لبوس تن مبارک بسم
 خلف با تخار او محبت و عنایت گردیده از در بار هایون
 ارسال شد

عالیجاه جواد خان شقایق که با چهار صد نفر سواره شقایق
 جمعی خود احضار برکاب هایون شده بودند در روز
 ششم محرم وارد دربار جهاندار پادشاهی گردیدند
 درین روز صاحب الامر اقدس هایون اعلیحضرت
 پادشاهی انجام امورات قرخانه مبارک و جنبه خانه
 مبارک که در سینه دار القون و لبوس نظام بعد
 کفایت متصرفان محمد خان پیکر بسکی و میر خوجا محمول
 و اگدا گردید که در امورات آنها رسیده کی نموده

۵۳۸

و غنظم داشته حسن صداقت خود را در پیشگاه اقدس
پایون ظاهر سازد

احوال است متفرقه
در روزنامه سابق نوشته شده بود که دولت یونکی دنیا

عالیجاه حاجی مبارک را نظر بلاخط خدمات و صداقت
اود را موزیت خراسان حسب الامر پایون منصب
سرتیپی سواره نامتکلی جسمی عالیجاه مراد قلیخان سوار
به آوند و کنگر کوجمی عالیجاه حاجی محمدخان و لقب
حالی از فرار زمان جهان مطاع مبارک سرافراز فرود

شمالی بنیاد استند که بجزیره چپان که میان نیرغیسانند
کشتی وقشون بجزیره فرستند که در حضور ظلی که نسبت
بر عیای آنها شده است در اوقاتیکه کشتی آنها در جزیره
مزبور غرق شده بود از یاد شاه آن مملکت که تابع
دولت چین است بازخواست نمایند وقشون کشتی
حاضر کرده بوده اند که نفرستند و لکن در روزنامه دولت

فوج بهادران که حسب الامر پایون مامور خدمت ساحل
فارس بودند بعد از ورود باصفهان که با کمال نظم در
سنازل عرض راه حرکت کرده بوده اند در اصفهان بعد از
نفر متجاوز مرین داشته اند عالیجاه چراغعلی خان نایب
اصفهان مفتشت روز آنها را در آنجا نگه داری و پستی
نموده و اطبا بجا بجه آنها اقدام نموده و بعد یکصد تومان
عالیجاه شارالیه خرج مرلیضهای فوج مزبور نموده و بعد
صحت در کمال نظم از اصفهان روانه فارس گردیده اند

هاند نوشته اند که موقوف کردند و چونکه اهل مالک تجارت
و آمد و رفت زیاد بجزیره مزبوره دارند دولت یونکی دنیا
مطالبی که داشتند بدولت مالک رجوع کردند که پادشاه
مالک با منای دولت خود بسیار که با اهل چپان گفتگو
نموده رفع ظلمی که با اهل یونکی دنیا شده است بکنند
بعضی هم میگویند که موقوف شدن کشتی جنبی وقشون
یونکی دنیا بجزیره چپان بسبب این بود که دولت
انگلیس با دولت یونکی دنیا در باب شبلات گفتگو بحث
دارند و بلاخط اینکه اگر این بحث بنجی و جنگ بشد با
قشون و زورشان در آن نزدیکی آماده و مستعد باشد
فرستان کشتی وقشون بچپان موقوف کرد

سایر ولایات

درین هفته از مالک محروسه خبری نبود که در روزنامه
نوشته شود مگر اینکه از اصفهان نوشته بودند که پادری
سجی پیوسته کتوبک عبیدی درین روز در جلغای
اصفهان فوت شده است و از اینکه شارالیه
بسیار آدم خوش سئوک و نیک رفتار بوده کمال
اهل آنجا اسم از سئوین و ارامینه و عبیدی از نوب
خودش از فوت او اظهار اندوه و ملالت نموده
بسیار شایع بوده اند

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند در خصوص
مدن نوره که نزدیک بشهر ناتس واقع است بنیاد از
در آنجا زیاد کار بکنند و بجهت این کار صخره بخاری تازه ساخته
و کمان دارند که منفع زیاد از آنجا بردانند اما بحال سالی
هفت هزار تومان شتر را آنجا بمل نماید است
شهر انگولیه ولایت ایتالیا را که در مالک با پاد واقع است

درین روز مابنا دارند که در دورداد و غیر از حصار و قلعه که
 دارد دیواری دیگر بکنند و سخت تر نمایند چون مردم بسیار
 مال تجارت در آنجا مخفی از کرگ میکند و باعث ضرر
 زیاد نسبت بدیوانست و پاپاد کشتی بخار در لندن
 و رفته اند بسیارند که این کشتیها باید در کنار آن سمت
 مملکت ایتالیا کشت کنند که نگذارند مردم مال از کرگ
 مخفی ببرند

پاشای مصر در یکی از آن کشتیها که مابین مصر و انگلیس ترود
 میکند چند قلابه شیر و پنک و سایر حیوانات و کشتی
 مصر را گذاشته است که بشه لادن بفرستد که در با
 که در لندن بجهت نگاه داشتن حیوانات غریبه دارند نگاه
 بدارند

ارشد دوک فردناز که برادر امپراطور استیریه میا
 و مدتی که سیاحت میکند در آخر ماه رمضان وارد
 جزیره العرب شده است و حاکم آنولایت شهبان
 خدمت شاهزاده مزبور گسی او آمده و با او نول دولت
 ساز و نیه مقیم جزیره العرب مردم در کشتی شاهزاده مزبور
 مکان او بوده اند و بنا دارد که چند روز در آنجا بکشد
 و بعد از آنجا روانه جزیره مالته بشود

در روزنامه که اخبار جزیره العرب مینامند نوشته اند
 که در بلوک قسطنطنیه حاصل ابریشم امسال دو سالی حاصل
 پارسال زیاد تر بعل آمده است و چون دولت فرانس
 در عمل آوردن حاصل ابریشم سعی و کوشش زیاد نموده
 گمان دارند که سال پارسال زیاد بشود و منفعت زیاد برای
 اهل آنولایت بکند

و همچنین در بلوک قسطنطنیه درین روزنامه نموده از روناس
 آورده اند و در شهر پاریس در کارخانه که مجلین مینامند
 و در آنجا شکلها از پشمینه بافته میبازند امتحان کرده اند
 خوب بعل آمده است و قسطنطنیه این روناس را تازه
 کاشته و بعل آورده اند و چون که در کارخانه های فرنگستان
 زیاد در روناس بمصرف میرسد و اکثر آنرا از مالک عبده
 از قبیل روم و مصر و عربستان می آورند اگر قسطنطنیه

که در کنار سحر سفید و نزدیک مالک جنوب فرنگستان است
 بعل بسیار نفع با اهل آنجا خواهد کرد چند وقت پیش ازین
 روناس را تازه در آنولایت کاشته بودند مردم میگفتند که
 بعل نخواهد آمد و لکن از طوری که نوشته اند بسیار خوب بعل
 آمده و حاصل خوب داده است بیست سال پیش ازین سال

چهار هزار خردوار روناس بولایت انگلیس می آورند و چونکه
 کارخانه های آنولایت حالا بسیار زیاد شده است تعیین است
 که این اوقات بیترمی آورند و تجارت عمده در روناس دارند
 و قیمتش از فرار خردواری شت تومان تا دوازده تومان بود
 آنچه از اصمیری آوردند گرانتر و آنچه از مندی آوردند ارزانتر

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد با سه ح
 در محله نزدیک دروازه دولا ب لطباع شد از نظر فروخته میشود
 مجمع البیان شش تومان ۲۰
 تفسیر امام عسکری یک تومان ۵
 حدیقه الشیعه یک تومان ۵
 زینت المجالس یک تومان ۵
 فضول خوارزمی دو تومان ۵۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم خمشنبه چهارم ماه محرم الحرام مطابق سال سیچان سن ۱۲۶۹

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهه و دو تومان و چهار

قیمت اعلانات

یک خط ایچارسطر کثیرا و

بیشتر با هر خطی



نمونه نفوذ و یکم

هر کس در طهران طالب نسخ

ازین روزنامه باشد

بازار جدید در وکان

بلور و شش و ختمه میشود

اجبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه دهم اینماه که روز قتل جناب
ابا عبد الله الحسین علیه السلام بود اعلیحضرت پادشاهی
سجده تعزیه داری بمارت سردرب دیوانخانه مبارک
که مشرف بمیدان ارک است تشریف فرما شدند و
تکایای شهر تبریکه متداول است هر یک با دسته
علم و سیاه پوش و تعزیه خوان در میدان ارک شرفیاب
حضور مبارک گردیده رسوم تعزیه داری را معمول داشتند

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
در ضمن تخریرات آنجا نوشته شده بود در شهر پنجم محرم
اراض خان ترکان با شصت نفر از رؤسا و رئیس سفیدان
ترکانان سترخس برای تعهد خدمت گذاری این دولت
جاوید مدت و اظهار مراتب بندگی و اطاعت و انقیاد
خود بشهد مقدس خدمت نواب مستطاب شاهزاده
والا تاج حاکم السلطنه والی مملکت خراسان
آمده اند و در حضور نواب معزی البیه و مغربی الخاقان

علیق علی خان میرنجه و سام خان ایلمخانی و عباسقلیان
دره خیزی پیکر بیکی قرار بر این داده اند که اراض خان
با پنجاه نفر از رئیس سفیدان سترخس علی الدوام در مشهد
مقدس باشند و پنجاه نفر دیگر از آنها غلام پیشخدمت
و غلام بوده اسبهای خود را داغ کنند و همیشه مشغول
خدمت باشند و یکصد نفر دیگر هم از آنها در قراولخانه
آنجا همیشه مستحفظ و مشغول قراولی و حفظ و حراست راهها
باشند که دیگر هیچ وجه من الوجوه تاخت و تازی از ترکانان
سترخس و غیره نسبت با مالی حدود خراسان و مترددین
و عابریین واقع نشود و نواب حاکم السلطنه نیز بعد از آنکه
دیدند اراض خان و آن شصت نفر رئیس سفیدان سترخس
قدر خدمت دولت ابدایت را دانستند از در اظهار
و انقیاد باین دولت جاوید نهادند و آمده اند لازمه نوازش
و التفات را در باره آنها نموده آنها را بر حمت و عنایت
اولیای دولت علیه مطمئن و امیدوار ساخته و وجه
معتد بهی هم از خود در باره ترکانان مزبور بصیغه انعام
بذل کردند و در خور هر یک خلعتهای فاخره التفات کرده

۵۴۱

یک جبهه تریمسم باراض خان دادند و او نیز بیست نفر
 ایشان ترکمانانی که آمده بودند فرستاده بود که رفته سیاه
 ترکمانان سرخس را بر حمت و عنایت اولیای دولت علییه
 سلطان و خاطر جمع سازند باینکه از قراریکه نوشته بودند
 نواب شازده و مغربی الخاقان علیقلی خان میرنجه و ساخان
 ایخاننی و عباسقلی خان در جزئی ترکمانان مزبور را از بر
 و عنایت اولیای دولت قاهره خاطر جمع و مطمئن نمود
 اراض خان و ان مشقت نفریش سفیدان متعددی شد
 که از روی صداقت و صفای نیت باین دولت آیت
 خدمت کنند و اولیای دولت علیه هم از هیچگونه زیاده
 و محنت در باره آنها دریغ نخواهند نمود و کمال امیدواری
 برای آنها حاصل است

و هم در روزنامه خراسان نوشته شده بود که از
 اتهامات اولیای دولت علیه امر آنجا در کمال نظم و
 انضباط است و نواب مستطاب شازده و الاتباء
 حاکم السلطنه والی مملکت خراسان در انتظام امور
 آن حدود کمال جهد و اهتمام را دارند و از احدی اعم از
 امانی ولایت یا قشون ظفر نمون خلاف قاعده نسبت
 بکسی ناشی و صادر نمی شود و اگر بر سبیل ندرت امر خلاف
 قاعده از سرقت و بی حسابی واقع شود نواب مغزی علیه
 بمقام غوررسی برمی آیند از جمله نوشته بودند که شخصی
 از خارج شهری آمده است مادیانی داشته است و بان
 او را از دستش گرفته بوده اند مراتب عرض نواب شازده
 حاکم السلطنه رسید آن شخص را نزد عالیجا مقرب الخاقان
 علیقلی خان میرنجه فرستاده اند که قدغن نماید و باین او را

هر کس بزده است رد نماید عالیجا پیش از البیه نیز فرستاده
 پنجاه تومان قیمت مادیان را از سرگردمای سوار عراقی
 گرفته بصاحب مادیان داد که اگر مادیان را پیدا کرده دادند
 نتواند خود را بگیرند و الا صاحب مادیان به نتواند قیمت
 مادیان رسیده باشد از قراریکه نوشته بودند شب
 همان روز مادیان مزبوره را آورده در پشت دروازه
 سرداده بودند صبح که شد مادیان را بصاحبش رد کرده
 پنجاه تومان که داده بودند پس گرفتند و هم چنین
 بعضی نواب شازده رسیده بود که شخصی در بازار
 خربزه خریده پول او را نداده است نواب مغزی علیه
 فرمودند که مقرب الخاقان علیقلی خان میرنجه بیست نفر
 سرباز با یک نفر سلطان در کوچه و بازار بکار د که همیشه

مراقب باشند احدی خلاف قاعده و بی حسابی ننمایند
 از قراریکه نوشته بودند بعد از نگاشتن آن پست نفر
 سرباز و یک نفر سلطان در کوچه و بازار و محلات
 ارض قدس ذره خلاف قاعده و بی حسابی واقع نشود
 و بیکر نوشته بودند که امر قشون خراسان از اتهامات
 نواب حاکم السلطنه و مقرب الخاقان علیقلی خان میرنجه
 در کمال انتظام و انضباط است و نواب مغزی علیه
 هر روز مشغول دیدن سان سواره خراسانی هستند
 و هر طایفه که بان می آیند بعد از آنکه ملاحظه کردند نزد
 میرنجه میفرستند که از روی دقت بچوب و بد آنها برسد
 و در حضور میرنجه اسبهای خود را داغ نماید از قراریکه
 نوشته بودند سواره و قشون خراسان در کمال نظام

۵۴۲

اخبار دول خارج

تاریخ کاغذ آخر که درین روز با مباشرین روزنامه رسید
 از فرانسه بنا بر یکشنبه چهارم ذی حجه است لوی ناپلیان
 رئیس دولت فرانسه بقبضه مولینس و شهر پوریز
 رفته بود و در هر جا که میگذاشته است از صدای مردم
 معلوم می شده است که باد بسیار مایل بوده اند در
 فرانستان قاعده است که وقتی که عام مردم از شخص
 بزرگی رضامندی داشته باشند در حین عبورش
 صدا بلند می کنند که فلان سلامت باشد اهل
 اطراف فرانسه که لوی ناپلیان با بخارفته بود عوض آنکه
 صدا بلند کنند که لوی ناپلیان سلامت باشد
 بلند کردند که امپراطور سلامت باشد و شهرانی را
 که عبور میکردند است بشادی آمدن او چراغان کرده
 بودند و ازین گذارش معلوم میشود که اهل آنجا مایل شده
 با امپراطوری لوی ناپلیان

حرکت می کنند و از احدی خلاف قاعده و بی
 حسابی واقع نمی شود و اگر بندرت خلافت اتفاق بیفتد
 رفع آن برمی آید از جمله نوشته بودند که در موسم
 رعایای بزرگی لغشی آورده مذکور داشتند که سر باز
 اورا کشته است و سر باز را هم در میان طایفه ستم
 بعضی نواب شاهزاده رسیده آدم فرستاده
 و سر باز را آوردند بعد از آن ورثه و صفار مقتول
 هم خواستند چون دو نفر از آن سر باز را بی تقصیر بودند
 در حضور آنها مرخص کردند و نفر دیگر را که یکی از آنها
 نسبت قتل میدادند و نفر دیگر را نسبت شرارت
 هر سه را محبوس کردند که تنبیه شوند و دین خون
 مقتول را برضای ورثه اش مبلغی قرار داده گذارند

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که شخصی نزد
 مقرب امخاقان علیقلی خان میرنچ آمده مذکور نمود که
 بکعبه و جوال و یک قبضه پل برادر نیم فرسخی شهر برده
 عالیجاه مشارالیه چهار دینار قیمت از او سرگردید
 شامسون گرفته بان شخص داد و سپنجین شخص دیگر کرد
 نمود که جبهه مرابره اند و چهار هزار دینار قیمت داشت
 عالیجاه مشارالیه قیمت جبهه او را نیز گرفته داده بود
 و هم چنین از خیابان سفلی روجه محمد رضاناام هر آنی آمده
 خدمت نواب شاهزاده عرض کرده بود که اسبابی از من سر
 قواجه داعی برده است نواب مغزی لیه او را نزد مقرب امخاقان علیقلی خان
 میرنچ و ندادند که اسباب او را پیدا کرده بدست آن شخص بگفته
 یک تومان و شهادتینا است گرفته داده و مرتب را تنبیه نموده

تاریخ کاغذ آخر که از شهر لندن رسید نیز چهارم ماه
 ذی حجه بود در روزنامه های این ولایت نوشته اند که
 پادشاه انگلیس بنا داشت که حکم بدد که مشورتخانه
 خوانین و وکلای رعایای اهل انگلیس در تاریخ بیستم
 محرم سخته راه بردن امورات دولتی حسم بشوند
 دوک لنتین که سردار مشهور ولایت انگلیس بود در
 تاریخ سه شنبه بیست و نهم ذی قعدة در خانه
 خودش که نزدیک دریاد و وارزه فرسخ از شهر
 دور است فوت شده است در کل روزنامه های

۵۴۳

تقریب و توصیف سردار مزبور را بسیار نوشته اند
 خصوص در یکی از روزنامه های فرانسه که ده ماهه میماند
 نوشته اند که از حق نباید گذشت اگر چه دوک ولستین
 در ایام جنگ سردار قشون دشمنان ما بود اما بسیار
 قابل بود اهل انجلیس از خاص عام از فوس سردار مزبور
 بسیارند و کین و متاسف بوده اند و وقتی که خبر فوت
 او بشنیدند بسیار گریه های کشتیبار را که در آنجا بود
 کلاً تا نصف تیرهای کشتی ها کشیدند که در فرنگستان
 عزاداری میباشند

از مملکت استریه نوشته اند که امپراطور استریه
 تدارک میدید که بشهرت برود که ناشای مشق و حرکت
 قشون را که در آنجا جمع کرده اند بکند در سرای المچی کبیر روس
 مقیم وینه اطا قها حاضر کرده بودند چجه شیمین و لیچید
 روستیه که میخواست با آنجا بیاید که امپراطور
 استریه بشهرت برود که ناشای مشق قشون را
 بکند و تارنج کاغذ آخر که از وینه پای تحت استریه آید
 میت و ششم ذی قعدة بود و امپراطور استریه بنا داشت
 که در میت و ششم شهر مزبور از آنجا روانه شود که بشهر
 پست رود

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در تاریخ یازدهم
 ذی حجه یک ساعت از شب رفته آتش بشهر همیرا افتاد
 و بسیاری از دوکابین و بازارها و خانه ها سوخته است
 حاکم شهر مزبور قشون با آنجا حاضر کرده بود که به پاشیدن
 آب آتش را خاموش نمایند اما تا سه ساعت بصریح مانده
 نتوانستند بودند در آنوقت آتش مسجد و کاروانسرای

که از سنگ ساخته بودند رسید و یکسری از بجانهای
 دیگر کرد و خاموش شد و صفت و صفت و یک دکان و
 چهل باب خانه و کاروانسرا و یک مکتب مسلمان و یک
 مکتب جهودان و دو حمام و یک مسجد آتش گرفته و سوخته
 بود و ضرری که بخلق بجهت این آتش گرفتن خورد است
 چهار طمان فروش پول و م است که تخمین نماند هزار تومان
 پول ایران باشد اینقدر دوکابین و خانه که سوخته و مردم
 شده اند بیش از این است که آتش در محل افتاده بود که اکثر
 اهل آنجا مردمان فقیری بضاعت بودند از طلت بود و اکثر
 دوکابین سبزی فروشی و بقالی و کفش دوزی و کهنه فرو
 بود یک نفر که مت شده بود در میان آتش سوخت و نفر
 از طایفه یونان که دزدی میکردند و اولها که آنجا گذاشته بودند اینها
 بسیار زدند و یک نفر را آتش زده اند که به بیمار خانه برده اند و خدا
 امید زندگی ندارد و مردم چنان تصور میکنند که ابتدای این آتش
 از خانه یک جهود بخت بوده که مفروض بود و پنجاه استند او صبح
 خانه خود را بعد آتش زده است که طلبکاران از او دست بکشند و الا
 در محبوس خانه دیوان حسن است

از مملکت استریه نوشته اند که امپراطور استریه
 تدارک میدید که بشهرت برود که ناشای مشق و حرکت
 قشون را که در آنجا جمع کرده اند بکند در سرای المچی کبیر روس
 مقیم وینه اطا قها حاضر کرده بودند چجه شیمین و لیچید
 روستیه که میخواست با آنجا بیاید که امپراطور
 استریه بشهرت برود که ناشای مشق قشون را
 بکند و تارنج کاغذ آخر که از وینه پای تحت استریه آید
 میت و ششم ذی قعدة بود و امپراطور استریه بنا داشت
 که در میت و ششم شهر مزبور از آنجا روانه شود که بشهر
 پست رود

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در تاریخ یازدهم
 ذی حجه یک ساعت از شب رفته آتش بشهر همیرا افتاد
 و بسیاری از دوکابین و بازارها و خانه ها سوخته است
 حاکم شهر مزبور قشون با آنجا حاضر کرده بود که به پاشیدن
 آب آتش را خاموش نمایند اما تا سه ساعت بصریح مانده
 نتوانستند بودند در آنوقت آتش مسجد و کاروانسرای

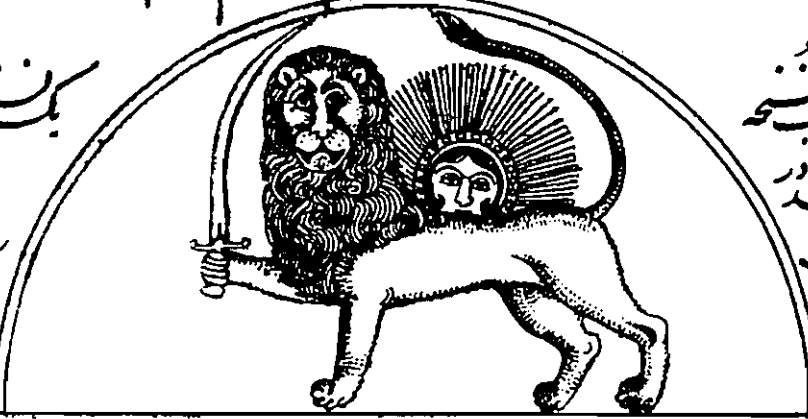
بیت
 چهار
 سید

اعلانات

قیمت کتابهای چاپی که در کارخانه چاپی عبدالمجید نزدیک روزه ولایت
 مجمع البیان شش تومان
 تفسیر امام حسن عسکری یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه بیستم یکم ماه محرم الحرام مطابق سال سبعمائیک

قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهی
قیمت اعلانات
یک خط ای چهار خط
برای هر خط



نمونه نمودیم
هر سردر طهران طالب
ازین روزنامه باشد
بازار جدید در کابل
سید تقی پور در سنه
پیش

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه شانزدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفریح و شکار سوار شده و بدو شان تیر و آن اطراف تشریف فرما گردیده نزدیک بغروب آفتاب با یک سلطانی معاودت فرمودند

و سه چینی در روز سه شنبه نوزدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی میدان ارک بجهت ملاحظه فوج لرستانی که حاضر رکاب حضرت آفتاب شده بودند تشریف فرما گردیدند و فوج مزبور با کمال آراستگی و نظام صف کشیده بودند و بعد از ملاحظه حرکت نموده از نظر مهر اثر خسته وانی گذشتند و مورد التفات ملوکانه گردیدند و بعد از آن فوج فریوز کوهی از نظر مبارک گذشتند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از ملاحظه فوجهای مزبور بعمارت سلطانی معاودت فرمودند

سه در روز سه شنبه نوزدهم این ماه جناب جلالت صدر اعظم صبح زود در میدان مشق بیرون دروازه دولت برای دیدن مشق نظامی فوج تشریف بردند چون مشاقان

و معلمین مشق قرار دادند اندک شش فوج صبح و سه فوج عصر مشق بکنند که معلمین بتوانند رسیدگی نموده در دست مشق ببندند و شش فوج از افواج در میدان مشق حاضر بودند بیکان بیکان سرکشی و رسیدگی نمودند و یکی مشق تفنگ کردند و دو فوج از افواج را حکم کردند که مشق پاد حرکت کنند که یکی فوج اول خاصه بود و یکی فوج جدید چهار محالی فوج حاضر در حرکت و مشق بسیار خوب از عهد بر آید و زیاده از حد خوب مشق کردند جناب جلالت تاج صدر اعظم بجاه تومان بان فوج انعام دادند و یک طاقه شال زریمه بعالیجاه عبداله خان سرمنک فوج مزبور و یک طاقه نیز بقولونل که معلم مشق نظام است دادند که موجب مزید مشق جمیع قشون شود و پیادگان نظامی مدرسه دارالفنون که در میدان مشق حاضر بودند چون بسیار خوب مشق کردند با آنها هم در خور قابلیت انعام دادند با بجز رسیدگی کامل در مشق و حرکت قشون نظام نمودند و هر که ام که خوب مشق کردند مورد انعام و تحسین شدند و هر که ام خوب مشق نکردند بعام مواخذ در آمدند جناب معظّم الیه بعد از رسیدگی مشق

انواع دربار جاپون آمدند که اعلی حضرت پادشاهی که تاج
موج لرستانی میدان ارک تشریف فرما شدند در کتب
جاپون بودند

چندی قبل بی رس فاطمه از نکار بهادر عرض راه خراسان
جماعت ترکمان بنارت برده بودند این اوقات کیفیت
اولیای دولت قاهره رسیده بجایگاه محمد ولیخان حاکم
استرآباد تعلیق نوشتند همان فاطمه را بعینه از جماعت
ترکان گرفته ارسال دارالخلافه نمود و بتوسط عالیجاه محمودخان
کلانتر بصاحبش رسید بعضی سیدی باز یافت

سایر ولایات

خراسان از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته
امرا بخا از اتهامات اولیای دولت علیه در کمال نظم و انضام
و افواج متوقفین آنجا در نهایت نظم و قاعده حرکت می کنند
و احدی مرتکب خلاف قاعده و بی حسابی نمی شود از جمله
نوشته بودند این اوقات عباتی از شخص زواری شب در
کوچه ارض آدس افتاد و مفقود شده بود بکنف از سربازان
فوج خلیج عباتی مزبور پیداکرد صبح آن شب آورده و در
صحن مبارک نگاه داشته بود که بصاحبش برساند صاحب
عبانده عباتی خود را شناخته و چنان تصور کرده بود که سرباز
میخواهد بفروشد پرسیده بود که قیمت این عبا چند است
گفته بود در چشتی نیست پیدا کرده ام میخواهم بصاحبش
صاحب عبا گفته بود از من است و در شکم کرده ام سرباز عبا را
باور کرده بود و شخص زواری را در کوفی و شکر گذاری از
استقام این دولت علی که بود

از قرار یک در روزنامه سبزوار نوشته بودند عالیجاهان

سفت انده خان و صف علیخان با سواره شامون باو سنجی
خود که از ارض آدس بدربار جاپون مراجعت کرده بودند
بسیار با نظم از منارل عرض راه عبور کرده اند چنانچه در
سبزوار با اینکه در میان محصولات پرودن شهر چادر
زده بوده اند مطلقا بمحصولات آنجا خوشه و پرکاهی ضرر
نرسانده اند و عسوم قشون پادشاهی که از این منارل
عبور کرده اند نوشته بودند که همه با نهایت نظم رفتار کرده
و هر چیز خواسته اند مانند زوار پول داده و خریده اند

استرآباد

از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته بودند امر آنجا و صفحات
کوکلان در کمال نظم و انضباط است و درین اوقات عالیجاه
محمد ولیخان یکبار یکی استرآباد برای نظم حدود کوکلان بمیان
طایفه ترکمانه آنجا رفته بود و عالیجاه محمد حیم خان مسلم با هزار
سوار و پانصد نفر پیاده تفنگچی و صد نفر شتخالی همراه عالیجاه
مشارالیه بود بعد از ورود بان حدود شریف نام کوکلانی را
که سر کرده چند نفر از طایفه کوکلان بود و مصدر هرزگی و شرارت
میشد با سپرد و عباتش در همین چند نفر دیگر از شرار گرفته و
آورده در او به عالیجاه قلیج خان کوکلان که ریش سفید حاکم آنجا
انجاست بدست او سپرده و از او التزم گرفته است که بعد
یکم از هر بیچوجه از آنها هرزگی و شرارت ناشی و صادر نشود
از قرار یک نوشته بودند عالیجاه محمد ولیخان یکبار یکی استرآباد
نظم کلی در حدود کوکلان داده مرا حجت نموده است

بروجرد

از قرار یک در روزنامه بروجرد نوشته بودند از اتهامات
اولیای دولت علیه و مزید مراقبت ذاب مستطاب شاه

۵۴۶

والا تبار احتشام الدوله امر آنجا در کمال نظم و انضباط
 و روز پانزدهم شهر ذیحجه الحرام بجهت مزید انتظام امر
 صفحات لرستان از بروج در نقل مکان کرده بیابان
 شاه رفته و از آنجا روانه لرستان شده اند
 که اثر اریکه مصدر حثارت و هرزگی شده اند و بر
 سازند فوج فریدن را با یک عراده توپ همراه خود
 برداشته از باغ شاه روانه خرم آباد شده اند
 و چند نفر از اشرار لرستان را رنجیر کرده بدست سربازان
 فریدن سپرده همراه خود برده اند که از فرد دولت و قبایل
 پادشاهی رفع شرارت و هرزگی اشرار لرستان را
 کرده امر آنجا را از یاده بر آنچه منظم است نظم پسند
 که احدیر قدرت و یاری شہارت و هرزگی و بیجا بی بنا

زنجان

از فرار یک در روزنامه زنجان نوشته اند امر آنجا
 از اتمامات اولیای دولت قاهره در کمال انتظام
 و وفور نعمت و فراوانی و ارزانیت و عالیجا بمیرزا ^{پهنان}
 سرتیپ در سلطانیته بجمع اوری سربازان افواج
 مشغول است و از فرار یک نوشته بودند درین روز که ^{باز}
 جمع اوری نموده بدربار جهاندار شامشای روانه خواهد
 از فرار یک نوشته بود بحسب الامرائی دولت قاهره عمارت
 سلطانی و سایر عمارات مرحوم عبدالعزیز را که در زنجان بالمره
 خراب بود مقرب انخان امیر اصلا بنحان حاکم خمه بنا و عمل
 گذاشته و تعمیر نمایند و هم چنین در وزانای شهر را که در
 مقدر دعوی با پضاله خراب شده بود با برج و بند تعمیر نمایند

احوال متفرقه

از فرار یک در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته
 در مجارستان کوی که مستی بوجود قوف است چند
 پیش ازین آنکو یک فتنه شکافته شده و پارچه های سنگ
 زیاد با طراف پاشیده است و از فرار یک نوشته بودند
 معادن خوب مرغوب از قبیل سنگ شیم و غیره
 از آنجا ظاهر شده است

ما بین شهرهای مجارستان راه آهن بجهت زرد کالک
 بخار معمول نبوده درین اوقات اعلیحضرت امپراطور
 استریه حکم کرده است که از شهر سلونوق تا دیر جیتینه و
 از آنجا تا شهر غریس و آدرینه راه آهن بجهت زرد کالک
 بخار بسازند

اکس آل مانس که یکی از مشلهای مشهور دولت فرانس
 از فرار یک نوشته اند در ششم ماه شوال که شسته از خاک
 خود سوار اسب شده بجای دیگر میرفته است درین بین
 باد شدید برخواسته و کرد و غبار زیاد و هوای بطوری
 تاریک کرده بوده است که کسی کسی را نمیدید است تا
 آنجا که از پیش روی مرشل منور می آمده است باس ^{حوزه}
 و اسب رم کرده او را بر زمین زده و سرش شکافته شده
 پسرش از عقب سینه و سعی بسیار نمود لطیب و
 جراح حاضر کرده است که بلکه برانند او را معالج نمایند
 گوشش آنها بجائی نرسیده و بعد از سه ساعت
 فوت شده است و مرشل منور از فرار یک نوشته
 بودند مفتا و پنج سال عمر کرده بوده و یکی از
 مردمان عمده آن ولایت بودند

مصحف بطرس نام از پنجم شهر فرنگستان که کسوف
 شده اخیر کشف و بیان نموده بود در ماه شوال
 گذشته در شب بیست و چهارم یک ستاره دنباله
 پیدا کرده است و ستاره مذکور غایب گشت است
 و بناله او پیدا بوده است از افق شمالی بیت و در وجه
 ارتفاع و از شمال شرقی سیزده درجه انحطاط داشته است
 و این ستاره از قراریکه نوشته است رنگش سیاه
 بسفیدی مایل و براق است بچشم نمی آید اما دوربینی که
 این شخص ساخته است ظاهری شود و این شخص چون
 بغیر از دوربین اسباب دیگر ندارد تحقیق او در باب
 این ستاره از تعجبات است و در وقت قرب صوم
 و بز آفتی و در وقت بعد نقصان این ستاره را ثابت
 می کنند

از لندن پای تخت انگلیس باسلامبول پای تخت دولت
 عثمانیه آمده است و تا بحال هیچ کشتی با این سرعت
 در دوی از انگلیس باسلامبول نیامده بوده است
 از قراریکه در روزنامه های جدیده امحادث نوشته بود
 قسود نامی که در ایام یا عنیکری اهل مجارستان بدو
 استریه بزرگ آنها بود و بعد از طلب کردن دولت استریه
 مجارستان مشارا دیه از آنجا فرار کرده بدولت کینی
 شمالی رفته بود درین اوقات از بسکی دنیا مر اجبت نمود
 و بلندن پای تخت انگلیس آمده است
 اعلانات

قیمت کتابهای چاپی طهران که در محله نزدیک دروازه
 دولا ب در کاخانه حاجی عبدالحمداستاد دارالطبایع
 این روزنامه ها زده شده از اینفرار است

سال	از قراریکه در روزنامه جدیده امحادث نوشته اند
بجهت زیاد شدن آب رود نیل حاصل مردان	جمع البیان شش تومان
اطراف که از رود مذکور آب میخورد بسیار خوب	تغیر امام عنیکری یک تومان
و فراوان آمده است و صاحبان اطاک و زراعت کاران	شاهنامه چهار تومان و نیم
از اینمعنی بسیار خورندگی داشته اند	معراج السعاده دوازده هزار
از مملکت یونان نوشته اند که در سواحل و لکرکاتها	ختم نظامی نه هزار
انجاسا بقا بجهت کشتیها که از سمت اسکندریه میسر	جوهری شش هزار
و شامات می آمدند دولت یونان مشت روزگراختین	سلسله شش تومان
فرار داده بودند درین اوقات در گراختین آنها تخفیف	دارک سه تومان
داوه و چهار روز فرار کرده است	کشور هفت هزار
از کشتیهای تجاری دولت انگلیس یک کشتی بزرگ	تاموس دو تومان
پونمبائی نام از قراریکه نوشته بودند در مدت یازده روز	تعبیر نامه پنجاه هزار
	کلیات شش هزار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه ۲۱ محرم الحرام مطابق سال سیحان سنبل

قیمت روزنامه
یک نسخه برای هر کس که بخواهد
قیمت اعلانات
بکسر الامتیا سطر کهر روزنامه
بیشتر با سطر خود



نزهت فخری و ستم
هر کس در طهران طالب نسخه
ازین روزنامه باشد در
بازار جدید در دوکان
سید تقی نوروزی
فروخته می شود

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه بیت و ستم این ماه اعلیحضرت قوی
شوکت پادشاهی بجهت ملاحظه افواجی که حاضر در کباب
حضرت انتساب شده بودند بمیدان ارک تشریف
فرما کردند و جناب جلالت آفتاب صدر اعظم در حضور
مبارک بودند فوج اردبیل و مشکین که از آذربایجان
احضار شده بودند با فوج تحت تاق که از خدمت ساخوی
خراسان بدر بار جهاندار مراجعت کرده بودند با کمال
آراستگی و انتظام در میدان ارک میظر هر اثر خسروانی
رسیده و صاحب منصبان افواج مزبوره مورد انعام
و التفات و نوازشات ملوکانه گردیدند و اعلیحضرت
پادشاهی بعد از ملاحظه افواج قاهره بهار تسلطانی
مراجعت فرموده و از آنجا بدرسه دارالفنون که حسب
اقدس مایون امیرالامرا النظام مقرب الخانان اجدادنا
و صاحب منصبان نظام مشغول تعزیه داری جناب اباعبدین
بودند تشریف فرما گردیدند و جناب جلالت آفتاب صدر اعظم
و سایر چاکران در بار مایون از نظام و غیر نظام در حضور

مبارک بودند و در سه مزبوره را با کمال آراستگی و سبب
زیاد از بلور آلات و غیره بجهت تعزیه داری سینه اندوخته
پوشش و دیگری زده اند بعد از مراجعت اعلیحضرت پادشاهی
از در سه مزبوره وقت عصر نزدیک بغروب آفتاب
باد بسیار شدیدی آمده بطوریکه چادر پوشش بزرگ
در سه دارالفنون را بر زمین زد و لکن از تفضلات
باری و توجه جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام با وجود
کثرت تعزیه داران و خدمت کاران با حدی ضرر و
آسیبی نرسید

و همچنین در روز شنبه بیت و ستم این ماه اعلیحضرت
پادشاهی بقورخانه مبارک تشریف فرما گردیدند و بکار
انها رسیدگی فرمودند و از اینکه در قورخانه وجهه خانه آلات
حرب و اسباب نظامی را این اوقات از انعامات اولیا
و دولت قاهره بسیار بهتر از زمانهای سابق میسازند و در
عمل آنها ترقی نقلی حاصل گردیده مورد تحسین و نوازشات
شاهانه گردیدند و بعد از آن بجای خانه جدید بلورسازی
ابو ایحیی عالیجاه حاجی میرزا جبار ناظم المهام تشریف

۵۴۹

بردند و بعد یک ساعت در آنجا توقف فرمودند استاد
 و عملیات کارخانه بلور آلات انقبیل لاله و مردکی
 و تلیان و آویز و غیره که ساخته بودند بنظر مبارک اعلیحضرت
 پادشاهی رسانیدند و از اینکه خوب ساخته و صنعت بلور
 ساز را که تازه درین دولت علیه برافقاده است بطور
 خوب از عهد برآمده بودند که در خمیره و قالب و تراش و صفا
 و خوبی امتیاز داشت پسند خاطر اقدس جاپون افتاد
 مورد انعام و نوازشات ملوکانه گردیدند و انشاء الله
 این صنعت را بدرجه کمال رسانده و بلور آلات بسیار
 خوب ممتاز ساخته خواهد شد و همچنین ظروف چینی که در
 کارخانه چینی سازی ارک ساخته شده بود در همان
 کارخانه بلور سازی بنظر مبارک اعلیحضرت پادشاهی
 رسانیدند و بسیار مقبول و مستحسن افتاده و فرمایش عظمی
 رفت که ازین ظروف زیاد ساخته شود باجهت جناب
 جلالت مآب صدراعظم افخم که در رکاب مبارک بودند
 فرمایش و تحسین و رباب نظام امر فورخانه و جبه خانه که
 بجایگاه مقرب انخاقان محمدخان میرنچسپرده شده
 و از انعامات او و اولیای دولت قاهره ترقی و ترفاوت
 کلی نموده فرمودند و همچنین در باب کارخانهای بلور سازی
 و چینی سازی توصیف و نوازشات ملوکانه که منبئی
 بر نشوین و ترقی استادان و عملیات کارخانهای مزبور
 بود جناب معظّم الیه فرمودند و از آنجا معاودت ببارک
 سلطانی نمودند و چون بجهت بارندگی در موالطاف و ترفاوت
 و در باغات پرورن شهر صفا و طراوت بهم رسیده بود
 خاطر ملوکانه عنایت فرموده از دروازه دولت بیرون

تشریف برده اولاب باغ لاله زار تشریف فرما شده چهار
 در آنجا صرف فرمودند و از آنجا بجهت تفریح باغ و عمارت
 قصر قاجار سوار شدند و جناب جلالت مآب صدراعظم
 و سایر چشم و خدم در موکب جاپون سوار شده
 قاجار رفتند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از صرف عصر
 و چای نزد یک بغروب افتاب بجمارت ارک سلطانی
 مراجعت فرمودند

روزنامه جاتی که روزنامه زبان می نویسند در کل
 مالک دو دل روی زمین باسسه میشود محض اجناس
 و اطلاع است و عموما تحمل صدق و کذب است و هیچ
 فقره از فقرات آن بطور قطع و رسمی نبود و نیست
 روزنامه جاتی هم که در دارالخلافه طهران باسسه میشود
 همان احوال را دارد و جزء و نکلا از باسست اعلان و اعلام است
 و هیچ یک از مطالب مسطوره آن قطعی و رسمی نبود
 و نخواهد بود و سندی تواند شد و صدق و کذب اجناس
 روزنامه بهیچ وجه در عهد اولیای دولت ایران قرار نگیرد

سایر ولایات

خراسان از فرار که در روزنامه خراسان
 نوشته شده بود در شانزدهم شهر ذیحجه الحرام
 از جنوب شان خبر صریح رسیده بود که بقدر یکصد و پنجاه
 نفر از طالبه ضاله ترکمانیه بعزم تاخت و تاز با طراف
 و جوانب جنوب شان آمده اند عالیهجاه یزدان و بردی خان
 برادر مقرب انخاقان سامخان الیمخانی ازین خبر متحسّر
 باسواره و پیاده زیاد براه آنها رفته بود که آنها را
 دستگیر و مغلوب و شکوب سازد بعد از آنکه سواران

۵۵۰

ترکانه رسیده بود منازعه خوبی با آنها کرده بود
 و از فردت و اقبال پادشاهی شکست فاحشی
 با آنها داده اسیر و اموال نهوی را از آنها مسترد
 ساخته و اکثر آنها رو بهزیمت نهاده بودند و هفت نفر
 از آن اسیران مقتول شده سر آنها را با چند نفر که زند
 و سبکبر شده بودند با چند سرباز با رخسار
 فرستاد از بیرون دروازه سراب بارگ می آوردند
 و چون اردوی مقرب امخاقان علیقلی خان میرنجه
 در آن دروازه واقع بود و در آن روز ترکمانانی که از سر
 برای نغمه خدمتگذاری این دولت علیه آمده بودند در
 میرنجه حضور داشتند کلی بعد از مشاهده سرهای آن
 ترکمانان بادای مراسم سکرگذاری زبان گشوده
 میرنجه گفته بودند که بعد از مشاهده این مراسم خلاص شدیم
 و بعد از خدمتگذاری این دولت علیه رسیدیم
 از فرار یک نوشته بودند بعد از آنکه سرهای ترکمانان
 خدمت نواب مستطاب شاهزاده و الا تاج حسام السلطنه
 والی مملکت خراسان آورده اند برای عالیجا پیردانیوردیخان
 خلعت فرستادند و به نیزه داران سرهای ترکمانان
 منبوره در خور هر یک وجهی انعام دادند
 و همچنین از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته شده بود
 در بیت هشتم ذیحجه احرام محمد کریم میرزا از جانب عالیجا
 علی خان سیستانی عریفه خدمت نواب شاهزاده و الا تاج حسام
 حسام السلطنه آورده بود که اولیای دولت علیه عالیجا
 علیخان را بسجده خدمت خود قبول فرمایند بعد از آنکه قبول
 فرمودند متعهد نظم و عقاب و در راه که محل عبور طایفه بلوچهاست

میوم که بعد ازین بهسبب خود از آنها خلاف و عیالی و بی
 اعتدالی و شرارت صادر نشود و اگر صادر شود متعهد
 میوم که هم کلی اسیر و اموال غارت شده را گرفته
 کنم و هم خود مورد مواظبه دیوان اعلی باشم و نیز
 استند عاموده بود که بک بیدق نشان خورشید بخت
 سواره عالیجا علیخان مرحمت و عنایت شود که بر
 کس معلوم شود که سواره او از جمله عا که مضمونه است
 علیه هستند نواب معزی البه نیز عالیجا علیخان را بر
 اولیای دولت علیه امیدوار کرده فرار دادند که یک
 بسیار خوبی بجهت سواره او ساخته شود و جواب عریفه
 او را نوشته با یکتوب چه ترمه برسم خلعت بصحبت
 کل محمد بیک غلام میخیزمت سیستانی روانه نزد عالیجا
 علیخان نمودند و محمد کریم میرزا را فرار دادند که در ارض اقدس
 متوقف باشد تا جواب استدعای عالیجا علیخان
 از اولیای دولت علیه برسد
 و همچنین نوشته بودند که در غرة شهر محرم الحرام یک نفر سواره
 از نزد عالیجا که بمداد خان بیکلر یکی هزاره و اراض
 اقدس شده عریفه خدمت نواب حسام السلطنه
 والی مملکت خراسان و نوشته دیگر بجهت مقرب عالیجا
 علیقلی خان میرنجه آورده بود که هزار خانوار هزاره و باقی
 با سپه خلیفه مرد و که خدایان ساروق و سالورد
 کردم و همچنین نوشته بودند که در بیت پنجم ذیحجه یکصد و پنجاه نفر سواره
 سربازی با مقصد نغز شتر بار دار متاع خرس آورده و در ارض اقدس
 رسانده و متاع خراسان خریدار حاجت بر حسن نموده بودند
 احوالات متفرقه

۵۵۱

دوین روز ما از کوه آنته که کوهی غوزنده است در مملکت اذربایجان
 شعله آتش و سنگ که اخته زیاد بیرون آمده است چند
 سینه از انخلیس خواسته بودند بالای کوه رفته تا شام تا
 شب راه افتاده بودند که در وقت طلوع آفتاب بزرگوه رسیدند
 باشند از باوشید و از صدائی که از بالای کوه می آمدند
 بود که سنگ که اخته و شعله زیاد از کوه بیرون خواهد
 آمد و رفتن بی بالای کوه تشویش دار و اناسیبا جان مزبور
 گوشش کرده و باز بالا رفتند تا همانطور که بلد گفته بود اتفاق
 افتاد نزدیک بزرگوه که رسیدند بودند شعله و سنگ که
 زیاد از بالای کوه بیرون آمده و کم مانده بود که سیبا جان
 و بلد همه در آنجا سوخته و تلف بشوند

چونکه درین روز ما دوای گنه گنه در دنیا کم یاب شده است
 و قیمتش بسبب کم یابی زیاد ترقی کرده است دولت ما
 بنا که داشته اند که در حجت گنه گنه را در مملکت بجا و بجا
 اصل جای این درختها در جنگلهای سینکی و بنای وسطی و جنوب
 و دولت مزبور گشتیها بملکت گنه گنه فرستاده اند که از آنجا
 ازین درختها بملکت بجا و بجا که در سحر هند است بیاورند و در
 روز ما آورده و در آنجا کاشته اند و کویا خوب بعل می آید

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در محله نزدیک دروازه دولاب
 در کارخانه حاجی عبدالمحمد با سمعی استاد دارالطب
 این روزها ما انطباع شده از اینقرار فروخته میشود

۲۰۰	مجمع البیان	شش تومان
۵۰	نقیه امام عسکری	یک تومان
۱۰۰	شاننامه	چهار تومان و نیم
۱۰۰	معراج السعاده	دوازده هزار
۱۰۰	خمشه نظامی	نه هزار دینار
۱۰۰	جوهری	شش هزار دینار
۱۰۰	مسالك	شش تومان
۱۰۰	مدارک	سه تومان
۱۰۰	شکل	هفت هزار
۱۰۰	قاموس	دو تومان
۱۰۰	تعبیر نامه	پنج هزار دینار
۱۰۰	کلیات	شش هزار دینار
۱۰۰	انوار	هشت هزار دینار
۱۰۰	ولستان	یک تومان

در تابستان گذشته کشتی تجاری انخلیس از بنای بندر
 ابو شهر و بصره می آمد و در میانش هزار و شصت صندوق
 نیل بجهت مملکت ایران بود در نزدیک شهر سقط کشتی مزبور بزرگ
 نشست و لکن چنان نبود که نتوانند بیرون بیاورند درین
 اعراب و زود و حرامی که در آن اطراف مستند حمل آورده و
 کشتی را مصرف کرده اند اول میخواهند که گشتیهای
 انخلیس را جمع کنند بعد جنابان از قتل آنها مصرف کرده اند
 بغارت اموال کشتی پرداخت و هر چه در کشتی بود در آنجا
 و غارت کردند صاحب کشتی از آنجا که رنجت و بسقط رفت و بسقط
 انخلیس که در آنجا بود مراتب را با امام سقط عرض کرده و امام
 کشتی بخار با آنجا فرستاده بود که کله از در عر بها اموال کشتی
 تجاری را تاخت و غارت نمایند و لکن کشتی امام سقط در
 رسیده بود و نارسیدن کشتی او اعراب حرامی
 خواسته بودند بغارت برده بودند

روزنامه قایم اتفاقیه تبایخ روپوشنبه ششم شهر صفر المظفر مطابق سال سیچان میل

مزه خود چهارم

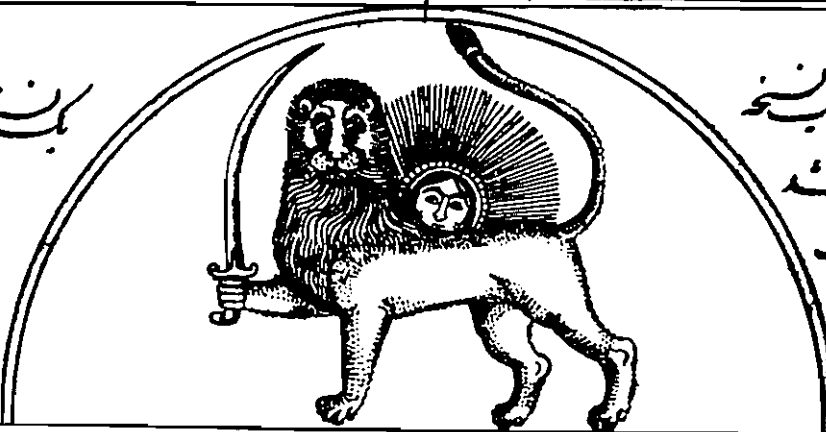
هر کس در طهران طالب است

ازین روزنامه باشد

در بنهار جدید و کاتب

سید تقی میرفروغی

فروخته میشود



قیمت روزنامه سه
یک شمشیر است که در هر شماره

قیمت اعلانات

یک خط را چهار خط دیگر از

بیشتر هر خط هر روز

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه عهده ماه صفر اعلیحضرت پادشاهی بدین

مشق سپه و دروازه دولت که کل قشون حاضر کابل

حاضر بودند تشریف بردند و بشق یکان یکان توپچی و

حاضر میدان و اسی فرمودند و بدین موجب توپچی و افواج

توپچی

فوج اول خاصه فوج مخنه قانوی

فوج طهرانی فوج کمره

فوج اردبیل مشقین فوج ایلات قزوین

فوج خلیج قم

حاضر میدان مشق بودند در کمال آراستگی و انتظام

و حرکت نمودند و اعلیحضرت پادشاهی در باره بیک

مرحمت و التفات نمودند

چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده تخم پنبه

بیسکی دنیا را که در ارومی کاشته و لعل آورده بودند در

دارالخلافه طهران در اول بهار حسب الامر قدس جلیون

پادشاهی بصاحبان املاک و خوانین داده شد که بکار

و لعل بیاورند چون منظور اعلیحضرت پادشاهی نفع

میباشد و این پنبه را در ارومی که کاشته بودند سه مقابل

پنبه متعارفی این ولایت آید کرده بود درین ولایت بیک

رذاعت و تجارت عمده حاصل پنبه و رشتن و کربان

پنبه است و پنبه نیکی دنیا نسبت به پنبه این ولایت

مانند ابریشم است و کمال امتیاز را دارد هم پنبه لعل

می آید هم بهتر است و منظور مباشرین روزنامه این است

که ازین پنبه که در اطراف دارالخلافه طهران کاشته اند

معلوم بود که در کدام زمین بیشتر و بهتر لعل آمده است

لهذا اعلام میشود که هر کس ازین پنبه کاشته است در

کجا کاشته و چه قسم لعل آمده است بمباشرین روزنامه

اخبار نماید و امید است که کاشتن این پنبه اگر خوب

لعل آمده باشد و درین ولایت متداول شود منافع

کلی آزان بر عایاد صاحبان املاک و رذاعت کاران

حاصل شود

ناخوشی و باسابقه در خوی و سلماس بود درین

اوقات از فرار بیکه نوشته بودند در تبریز افتاده است

اگر چه اطمینان روی زمین علاجی برای این ناخوشی که تعیین کرده باشند نیافته اند و لیکن بقدر فهمیده که عفونت باعث این ناخوشی و سایر ناخوشیهای مری میشود و آنچه ممکن باشد باید که چاه و خانها را پاک و تمیز نمایند امشای دولت علیه در باب پاکیزگی کوچهها و شهرها در اصلاح طهران اهتمام نموده اند و ریگانه تعیین کرده اند که کوچهها و محلهها را پاکیزه نگاهدارند و لکن خلق چندان در بند پاکیزگی کوچهها و خانهای خود نیستند و بسیار لازم است که درین باب اهتمام داشته باشند که اینگونه ناخوشیها روی نهد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته شده بود امر آنجا از اتهامات و لیبای دولت قاهره در کمال نظم و انضباط است و عالیجاه چراغعلی خان ^{انگلیسی} اصفهان مراقبت کلی در جزئیات و کلیات امور آنجا و غوررسی بامور مطالب هر یک از اعیان و ولایت فقرا و ضعفا بلا تفاوت میکند و در انتظام امر نظام و مشق توپچیان و سربازان و نظم قراولخانههای اصفهان هر روزه کمال دقت و اهتمام دارد و خود با صاحب منصبان در میدان نقش جهان حاضر شده کمال ترغیب و تشویق از سربازان و در خصوص مشق بعمل می آورد و از هیچ نوع مهربانی در باره سربازان مضایقه نمی کند از قراریکه نوشته بودند عالیجاه ابوالقاسم خان سرمنگ فوج دیاندی از روزنامه موریت خود با صنفیان الی حال با کمال نظم و کثرت کرده و فوج ابوالحسنی و از کمال نظمی که دارند درین مدت امری که موسوم خلاف قاعده مشرع و عرف باشد نشده

و موافق قاعده و ضابطه سلوک نموده اند و هم چنین از قراریکه نوشته اند امور داروغه و محلات اصفهان و پاس داری که خدایان آنجا در کمال انضباط است و در باره محلات از احدی خلاف قاعده و بی حسابی ناشی نشده میشود و اگر بسببیل ندرت در روی و سرفقت اتفاق می افتد بجز استحضار بمقام رفع آن بر نمی آید و عالیجاه چراغعلی خان همواره کمال تاکید بهر یک از کدخدایان محلات و داروغه می نماید که مراقب بوده گذارند که از احدی خلاف قاعده و بی حسابی واقع نشود

بی حسابی واقع نشود

از قراریکه نوشته شده بود در میچشم ماه و پنج اسحرام فوج بهادران که از دربارهایون نامور بفارس بودند وارد دار السلطنه اصفهان شده بودند و چون روز ورود آنها عالیجاه چراغعلی خان در بلوکات بوده است عالیجاه میرزا ولخان پسر عالیجاه مشارالیه که در شهر بوده عالیجاه ابوالقاسم خان سرمنگ فوج دیاندی و سایر صاحب منصبان و سربازان و اهل نظام را با استقبال و اعزاز و اکرام فوج مزبور روانه کرده بودند و چون اکثر آنها ناخوش بوده اند منزل آنها را در نزدیکی عمارت مخدست که خوش هوا تر است قرار داده چند نفر طبیب حاذق و عطار و بیمار داران صاحب دقت و بجهت آنها فرستاده بود که مشغول مداوا شوند از قراریکه نوشته بودند یکی آنها خوب شده اند و استیجاب آنها رسیده مگر اینکه روز و سه روز پیش نفر آنها فوت شده بودند و باقی روز بروز رویه بهبودی گذاشته و از آنجا روانه گردیده بفارس رفته اند و عالیجاه چراغعلی خان نایب الحاکم برای قرار امور بلوکات در شانزدهم ماه محرم

۵۵۴

سبت چهارم محال و فیدن رفتن

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند امر آنجا
از اتهامات اولیای دولت قاهره و رکمال نظم و
انضباط است و نواب مستطاب شاهزاده و
نصرت الدوله فیروز میرزا حکمران مملکت فارس در این قاضی
در باغ نوبوده اند و بنا داشته اند که محال کردی
کرده سبت که سیرات فارس بروند و در سیم
ماه محرم الحرام فوج مرحوم فضل الله خان میرنچه را
که در فارس بودند بر حسب امر اولیای دولت
قاهره مرخص کرده اند که از شهر که چیده بولایت خود
بروند که یک چند از رحمت سفر آسوده شود

و همچنین نوشته بودند که بر حسب امر اولیای دولت
قاهره مشغول ساختن ارک جدید شیراز هستند و یک
سمت از آن که در بطرف مسجد وکیل است ساخته و
کرده اند و ستمهای دیگر را نیز که ناقص است در کارند
و هر روز سی نفر بنا با عمده زیاد در کارند که آنها را نیز تمام
نامیند و از قراریکه نوشته بودند وقتی که این ارک
تمام بشود بسیار بروفق و آبادی و سگوه شهر شیراز
خواهد افزود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود
صفحات آنجا از اتهامات اولیای دولت قاهره
کمال انتظام را دارد و راهبانی که سابقاً مخوف بودند این
اوقات در نهایت امنیت است و از اطراف و جوار

این روزها قافله وزوز از کرمان و غیره زیاد بخراسان
می آیند و از هر سست که می آیند ضرر و آسیبی
نمیرسد و زوز و قوافل کمال شکر گذاری از امنیت و انتظام
این دولت قوی شوکت علیه دارند

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته شده بود
نهایت فراوانی و ارزانی و امنیت در آنجا حاصل است
از قراریکه نوشته بودند مشت نفر کنول برای علف چیدن
بصحرارفته بوده اند بیت نفر سوار ترکان بر سر آنها ریخته
و بعد یک ساعت جنگ کرده اند یک نفر از کتولها
کشته شده و دو نفر از ترکانان زخمی کرده و یک
اسب نیز از ترکانان بدست کتولها افتاده و ترکانان
سگت خورده و مخدول و مسکوب با فرار کرده و رفتند

دیگر نوشته بودند که شخصی پیاده بی اسلحه از قریه کال آفر عبور میکرد
پلنگی در روی دخت بد بود و فریاد زیاد کرده بود که شاید کسی باشد
و از پلنگ کشته بشخصی خوب دست رسیده بود آن خوب دار
با خوب بطرف پلنگ رفته بود پلنگ نیز او را گرفته و خشم بسیار
رزه بود و بعد از آن او را انداخته شخص اولی پرداخته و او را
نیز خشم بسیار رزه بوده است درین پن یک نفر قلعی
با بخار رسیده و پلنگ را قتل زده و کشته بوده است
و آن دو نفر زخمی را را بقریه کال آفر آوردند
یکی از آنها بعد از رساندن کمال آفر با همان خشم پلنگ
ورک کشته و فوت شده است و آن یکی دیگر مسوز
رنده بود است

۵۵۵

باز
باز
باز

یرزد

کرمان

از قرار یک در روزنامه یزد نوشته بود امر آنجا از اتمام
 اولیای دولت قاهره در کمال انتظام است و فرادانی
 و ارزانی هر چیزی حاصلست و عموم رعایا نهایت شکر کلام
 از عاطفت این دولت فوی شوکت دارند از اینکه راهمان
 که همیشه از خوف طایفه بلوچ و بختیاری محفوظ بود حالا
 چنان امن شده است که یغزد و نفرنگاری بامبالمی
 اموال مردم در کمال خاطر جمعی آمد و رفت مینمایند

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته بودند در بیت خشم
 ماه ذی قعدة احرام امیر الامراء العظام مقرب انجان محمد ^{خاندان}
 حکمران یزد و کرمان وارد کرمان گردیده و عسوم ابالی
 آنجا از اعلی دادنی استقبال نموده و لازمه حرمت را
 بعل آورده اند و کمال ارزانی و فراوانی و وفور نعمت حاصلست
 و اهل آنجا نهایت شکر گذاری را دارند و امری که خلاف
 قاعده باشد از احدی ناشی و صادر نمی شود و مردم
 به عا کونی ذات اقدس علی حضرت پادشاهی اند

دیگر نوشته بودند که دو نفر دانی رمضان و نوروزک نام
 که از الواط و اشتر یزد بودند و به دردی و شرارت میگردیدند
 محمد علی نام ترک که یکی از فحای آنها بوده است منزل آنها
 نشان داده بود نامب الحکومه یزد فرستاده آنها
 در یکی از دلت یزد دستگیر کرده و حبس نموده است
 با امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
 عرض کرده بود و او نیز حکم فرستاده بود که هر دو را
 در یزد بجزای اعمال خودشان برساند

دیگر نوشته بودند که بعد از ورود امیر الامراء العظام ^{سردار}
 بکرمان که خدا یان آنجا بنا بر رسم سابق سچمه نوگری که
 همراه سردار بود تجلیه خانهای مردم پرورداختند
 بعد از اطلاع بر مراتب مزبوره سردار قدغن نموده است
 که احدی متعرض خانه کسی نشود و این قاعده خانه تزدلی
 موقوف باشد و برضا و رغبت صاحبان خانه هر کس
 بخواهد خانهای آنها را اجاره بکند و بدون رضایت
 صاحب خانه کسی در خانه کسی منزل نکند

سب نوشته بودند که عروس خواج حسین ^{بنا}
 عطار و وضع حملش شده طفلی بوجود آمده است که علاوه
 بر سرش سهری دیگر در پیشانی او بوده و دست و پا
 او پنجه نداشت است و علامتی مانند و شاخ سبک
 دماغ داشته و سوراخی نیز در کله سر داشته است
 و یک شبانه روز زنده بوده است بعد از آن فوت
 گردیده است

و احکام سابق کرمان این بوده است که عنوان نوشجات و حکام ^{را}
 حکم عالی می نوشته اند و روی کاغذ را مهر بکند و بر واه را نیز از
 روی مهر بکند و با این قاعده حکام و بر واه نوشته و برده اند
 که بهر امیر الامراء العظام سردار برسانند ان احکام را پاره نموده
 و این قاعده را موقوف داشته و بسیاری که خود در کاغذ
 نویسی داشته اند عمل نموده و مطلقا تغییر نداده اند و بر واه را نیز از
 پشت مهر نموده و مهر سایر میرزا را را هم موقوف کرده اند مگر عالیجا
 میرزا شعیب که محاسبات است او نیز پشت بر واه را نگذارد

۵۵۶

اخبار دول خارج

انگلیس در روزنامه های انگلیس از جمله اخباری که درین روزنامه
 نوشته بودند حساب مواجب نوکرهای عم و معظم دولت
 انگلیس در هندوستان بود مواجب فرمانفرمای هندوستان
 دویست و پنجاه هزار و شصت و سه روپیه که هر روز پانصد و هشتاد
 پانصد دینار تخمیناً بحساب پول ایران می شود و بزرگ عدا
 مشتاد و سه هزار و سیصد و چهل و هفت روپیه و دو نفر
 دیوانیان که در دیوانخانه نشسته مراعات مردم را طلبی
 هر یک شصت و دو هزار و پانصد و ده روپیه و پنج نفر
 دیگر نیز که طی مراعات مردم را می نمایند هر کدام پنجاه و دو
 هزار و دویست روپیه و چهار نفر از اهل مشورتخانه که بفرمان
 وزیر مصلحت با فرمانفرمای هندوستان می کنند هر یکی
 صد و شصت هزار و سیصد و بیست روپیه و مواجب سایر
 نوکرهای مشخص دولت هندوستان را نیز نوشته اند
 منظوری از نوشتن و چاپ زدن این جانات اینست که در
 قاری که در باب داد و ستد هندوستان درین روزنامه
 خوانند گذاشت بلکه بعضی ازین مواجبه را که نگینند زیرا که این
 مواجبه را در آراء خدماتی که باین اشخاص رجوع شده بسیار
 زیاد میدانند

در روزنامه هندوستان هم نوشته اند که بعد از آنکه
 دولت انگلیس برنگون برتبه بنای جنگ را گذاشتند چند
 نفر فرانسویان ملک رفته اند و انگلیتها خیال کرده اند
 که میخواهند ادا با اهل رنگون بکنند و در باب اهل برتبه بنای
 نوشته اند که ما بین هندوستان و چین دو ملک بزرگ
 یکی ملک برتبه و یکی ملک سیام حال انگلیتها با ملک برتبه

جنگ دارند و درین که گفتگو و جنگ در ملک سیام
 داشته باشند این دو طایفه تخمیناً هشتاد هزار نفر
 میباشند و لکن مانند اهل چین که هم مرتد اینها میباشند
 مردمان کارکن و دولت مند نیستند و کمان روزنامه نویسان
 این است که اخراجات جنگ مشکل از انولایت پر دین است
 و هم در روزنامه هندوستان نوشته اند که قشون
 انگلیس که بچنگ رنگون رفته بودند شهر پیکورا مستقر شده
 بودند و لیکن باز خالی کرده بودند اهل کنار دریای آن ملک
 که اهل پیکورا موسوم اند چند سال پیش ازین دولت جدا گانه
 بودند پادشاه برتبه با آنها غالب آمده آنجا را جزو ملک
 برمه کرده حال گویا اگر دولت انگلیس بخواهد که آنجا را باز از برمه
 موضوع نماید اهل پیکورا بسیار راضی و خوشنود می شوند اما
 مردمانی بی غیرت هستند و خودشان هیچ سعی در

خود ندارند روس

از فرار یک در روزنامه های فرانسه نوشته اند
 کشتی بزرگ جنگی دیکشتی بخار و دولت روس از شهر
 سینته پول بشهر اوسته آمده بود و در میان آنافسون
 بود و بنیاد دارند که درین فصل با نیز قشون زیاد بجهت مشق کل در
 آنجا جمع نمایند و از طوری که نوشته اند درینست که
 امپراطور استریا در هنگام جمع شدن این قشون با

فرانس

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته بودند که موسیو
 پرسیینی نام که یکی از مغربان لوی ناپلیان است بشهر لندن
 آمده بود و آدن شارالیه سبیش این بود که تخمین کند که بلکه
 طوری باشد که تجارت ما بین دولتین انگلیس و فرانسه

۵۵۷

استریه

دولت استریه درین روز اسپارسی و کوشش دارند
 که کشتیهای جنبکی خودشانرا که در آق دیکر کشت میکنند
 زیاد تر و مضبوط تر بکنند و چونکه یک سرقد آنها انظر
 آق دیکر است که در بای ادرینی اینک میسما مند در عایا
 آن دولت از راه دریاست مالک روم و مصر و شام
 و سایر ولایات اطراف آق دیکر تجارت زیاد می کنند
 بسیار لازم است که کشتیهای جنبکی آنها در آن اطراف مضبوط
 و مستعد باشد سابقا در قورخانه کشتی سازخانه شهر
 و نیز هزار و پانصد یا هزار و شصت نفر عمده داشتند حال
 بیشتر از دو هزار و چهار صد نفر عمده دارند کشتیهای تازه
 بسیارند و کشتیهای کهنه را تعمیر مینمایند در آخر تابستان
 یک کشتی تمام خواهند کرد که جای شصت عراده توپ دارد
 و بنا دارند که آب بندازند و کشتی دیگر هم بسیارند که چرخ
 بخارش زود و لیت اسب دارد کشتی بخار کوچک دیگر
 نیز بسیارند که آبکم بخورند و در روی رودخانهها رودخانه
 چوب جنگلی بجهت کشتی سازی و قنبر بجهت ساختن طناب
 و غیره و آهن و سایر اسباب لازم قورخانه زیاد میخیزند
 و حال میخوانند با تجار انگلیس معامله میکنند که تجارت زور دور
 بجهت دولت استریه بسیارند که هر یک جای چهل عراده
 توپ داشته باشد در و تیرآب در باکم عمق است و کشتی
 بسیار بزرگ در آنجا نمیتوان ساخت بجهت اینکه آب دریا
 در آنجا القدر عمیق نیست که کشتی بزرگ از آنجا بتواند بیرون
 بیاید و بدریا برود کشتیهای بزرگ که خواهند ساختند بجا
 دیگر کارخان دریا بنا دارند بسیارند و آب بندازند

زیاد بشود که منتظر طرفین باشد از طرف فرانسه میخوانند
 بنا بگذارند که ذغال سنگی و آهن و کتان و غیره بی لکرک یا
 با لکرک جزئی داخل مملکت فرانسه بشود و از طرف انگلیس
 میخوانند بنا بگذارند که اجناس فرانسه را که حالا اینقدر
 لکرک زیاد وارد که نمیتوانند بولایت انگلیس بیاورند بل لکرک
 جزئی داخل ولایت انگلیس نمانند و اگر این قرار گذاشته شود
 منتظر طرفین میشود و لیکن بعضی از صاحبان کارخانه طرفین
 ضرر و زیان ازین معامله خواهند دید
 دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند که در یکی از جزایر خط
 استوا که در تصرف فرانسه است جزئی اکتشافی شده
 بود بسبب اینکه یکی از چاکران بزرگ آن ولایت عملی کرده بود
 که اهل آنجا از او شاکی بودند و رضامندی نداشتند شخصی
 زور بفرمایند رفقه بود آمانی دولت فرانسه او را بجزیره
 مزبور پس فرستاده بودند و قسیمی کشتی که این شخص در
 او نشسته بود و بروی بسیر رسید اعبان آن جزیره بود
 کشتی او آمده و با او مصلحت کردند و گفتند که صلاح نیست
 که اگر کشتی بیرون بیانی مشارالیه کوشش بجزیره آنها کند
 و بخشی بیرون آمده بود مردم جمع شدند و صلح باند
 کرده کمال چهرتی نسبت با نمودند تا اینکه نظام بیرون
 آمده و اورا بسلامت بمنزل خودش رساندند و بقدر
 سی نفر از جوانان نجیب سلسله آن جزیره را بسبب این چهرتی
 گرفته مجبوس کردند
 چند خانوار از طایفه عرب که همراه امیر عبدالقادر در مملکت
 فرانسه مجبوس بودند درین روزها دولت فرانسه آنها را
 رها کرده اند و مملکت جزیره العرب که وطن خودشان بود در

۵۵۸

سویس

در مملکت سویس قاعده دارند که سالی یک دفعه در وسط تابستان مردم کل بلوکات کوچک آن ولایت در آنجا جمع میشوند که هم در امورات خود مصالحت میکنند و هم قشون با انجامی آورند و هم دید و بازدید و عیش مینمایند چونکه آنجا که جمع میشوند جای بسیار باصفاست نزدیک به ریاضه کوچکی است که دورش کوه و درخت و جنگل است و بسیار چشم انداز خوب دارد و درین سال سیاحت از آن دول خارج زیاد با آنجا جمع شده اند ازین بلوک مملکت سویس هر یکی یک فوج با آنجا فرستاده اند که چند وقت در آنجا بمانند و شوق قشون کلبه نمایند آنها که از طرف دود آمده بودند که مملکتی است حاصل خیز مخصوصه در تاک و شغل اکثر آنها باغبانیت جوانان خوب بودند و فوجی از جنلی فوج مضبوط بود دیگران هم که از کوهستان آن مملکت آمده بودند و شغلشان نگاهداشتن گاو و کوسه است آنها هم فوج خوب فرستاده بودند اما مردم یکی از بلوکات سویس که کلاً صنعت کارند مخصوصه کارخانه پنجه ریاضه دارند فوجی که از آن بلوک فرستاده بودند همه مردمان زرور و دلاغر و ضعیف بودند و معلوم میشد که شغل ایشان صنایعی بود که در خانه کار کرده بودند و بیرون و صحرا را کمتر دیده بودند این قشون هم با آنجا آمده چند وقت مشغول شدند اگر چه آنها هم از اهل سویس اند و سوئیس مملکت کوچکی است رکن در میان شان زبانهای مختلف است بعضی از آنها زبانی حرف میزنند مانند زبان فرانسوی و بسیار نزدیک بزبان آن ولایت است و بعضی هم زبان قدیم

دارند که چندان مناسبت بزبانهای دیگر ندارد و مردمی که در آنجا بودند میگویند که از هر سبب جمع شدن اهل سویس با آنجا بسیار سجا و تفریح خوبی بجهت خلق بود

احوال متفرقه

در مملکت بلژیک کارخانهای بسیار خوب بجهت تفنگ سازی دارند و در ساختن تفنگهایی که برای اهل تبتند جهان خوب و ارزان میسازند که تفنگ سازان ولایت انگلیس مانند آنها شکل از عهد بر می آید از آن جهت این دو طایفه در تفنگ فروشی بسیار دول روی زمین مدعی بکند میگردند درین چند نفر از صاحبان کارخانهای ولایت انگلیس آدمی مملکت بلژیک فرستاده اند و تفنگ و طپانچه وسط که در آنجا با آن میسازند خریدند و بولایت انگلیس آورده اند که شاید بتوانند تفنگ و طپانچه با سازند که در ارزانی و کم قیمت تر است

تفنگ و طپانچه مملکت بلژیک

از مملکت چین تبارخ چهارم رمضان نوشته اند که باغبان آن مملکت باز بدولت جنگ میکردند و دولت چین بخوا بودند از عهد آنها بر این در دریا های اطراف مملکت چین در زمان و راهزنان بسیارند که کشتی تجار را تاخت مینمایند یکی از کشتیهای پادشاه انگلیس که در آن کشتیها بود عقب در آن راهزور رفته بود و دوشتی از دزدان را گرفته و متصرف شده بود در رودخانه کاشان چین سیل آمده بوده است و میگفتند که شش هزار نفر با ده هزار نفر درین سیل تلف شده اند و بسکن آنها که در آنجا بوده اند اغراق میدادند و گمان میدادند که اینقدر آدم در آنجا تلف شده باشد و میگفتند که چند نفر از اهل مملکت بلژیک در آنجا بودند و میگفتند که در آنجا با آن میسازند که در ارزانی و کم قیمت تر است

کلی فارس مسرفه اند و اهل چین بسیار تعجب میکردند که آنکه حکام کلی فارس چو باید مانع آمدن این اشخاص باشد حاصل ابریشم مملکت چین بسیار خوب بعل آمده بوده است و تجارت چای در ماه جون که از دوازدهم شعبان تا ده از دهم رمضان میباشد باین طور نوشته اند که در یک ماه یک طیان بود و چهل و چهارصد پوند چایی بولایت انگلیس فرستاده بودند که بوزن ایران تخمیناً دویست هزار فرودار میشود و این غیر از چایست که از مملکت چین سایر ممالک روی زمین میفرستند

بولایت انگلیس آورده اند چنانچه کرد و الا راست که هر دو الا را تخمیناً چهار هزار دینار پول ایران است که چنانچه کرد و الا دو کرد و تومان پول ایران می شود

از مملکت بطاویه نوشته اند که گرازها درین اوقات ضرر زیاد بزراعات آنجا می رسانند و بعضی از مردم را هم کشته و زخمی کرده بودند بولایت آنجا حکم کردند که کل گرازها بیرون آید بچکل سخته شکار گراز برونند و همه رعایا بچکل رفتند و در یکروز پنجاه و سصد و نود و پنج گراز کشته بودند که این گرازها را رعایای چین که در آنجا ساکن اند و شکارچی

و تیرانداز قابل اند زده بودند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در محد نزدیک دروازه دولاب و کارخانه حاجی عبدالمجید باسپه استاد و ارباب الطباغه این روزنامه اطباع شده از این قرار فرودخته میشود

۱۰۰	مجمع البیان	شش تومان
۱۰۰	تفسیر امام حسن عسکری	یک تومان
۱۰۰	شاننامه	چهار تومان و نیم
۱۰۰	معراج السعاده	دوازده هزار
۱۰۰	ختم نظامی	نه هزار دینار
۱۰۰	جوهری	شش هزار دینار
۱۰۰	سالک	شش تومان
۱۰۰	مدارک	سه تومان
۱۰۰	شکول	هفت هزار
۱۰۰	قاموس	دو تومان
۱۰۰	تعبیرنامه	چهار دینار

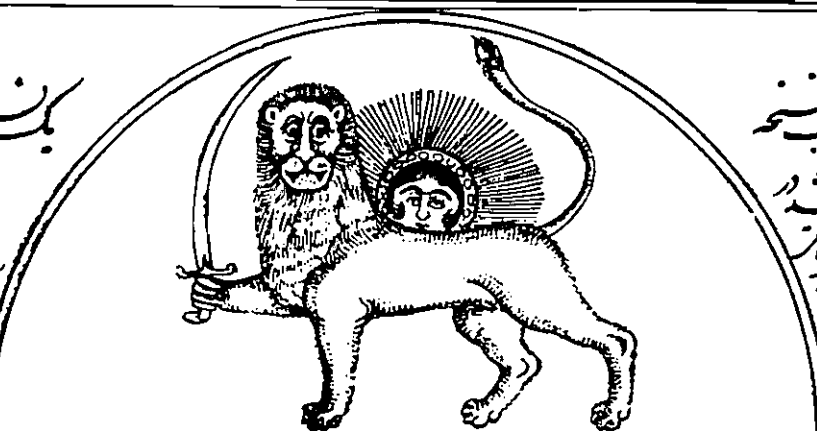
در روزنامه گفته اند که تفصیل یک شش کشتی انگلیس که از بندرستان به بندر ابوشهر و بصره می آید و غیر از مال تجارت

دیگر هزار و شصت صندوق نخل در میانش بود نوشته شد این روزنامه نوشته اند که اعراب آنجا بعد از آنکه کشتی را غارت کرده بودند و اموالش را برده بودند کشتی را آتش زدند و سوزاندند در روزنامه که در بنیانی هند چاپ زده اند نوشته اند که دویست و چهل هزار تومان پول ایران در میان این کشتی بود که تلف شده است و هم مال تجارت بود و چونکه امام سقط آن روز را گذارد که از عهده اعراب مرزور برآید آیند داشتند که دولت انگلیس خودشان کشتی و قشون آنجا فرستند و اعراب مرزور را متبیه نمایند که بعد ازین مال تجارت دست اندازی نکنند و فرق میان مال حرام و مال حلال بگذارند

درین روز پول نقره زیاد ازینسکی و بنیای شمالی بولایت انگلیس آورده اند حتی اینک نقره در آنجا کلمی که ادبهم رسانده اند و درین روز این نقره را در آنجا میخیزند بجهت ممالک شرقی خصوصاً چین و دستان نقره که از ولایت سیکس و دینا

روزنامه قایم القایه تاریخ روز شنبه هجری دوم ماه صفر المظفر مطابق سال سیچان میل

قیمت روزنامه هر روز
یک شمشاد هر یک لایه و چنانچه
قیمت اعلانات
یک خط از چهار خط که در روز
بیشتر هر خط یک خط



مزه نفع و خشم
هر کس در طهران طالب نسخه
ازین روزنامه باشد
بازار جدید دروگان
بلور فروش خسته نشود

احبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه چهارم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
بیاض میرزا بنی خان که در بهلوی بخارستان و حالایکی
باغات دیوانی و جانی باصفاست بجهت تفریح و تماشا
طرف عصر تشریف و نما کردید و نزدیک بجزوب
بهارت ارک سلطانی مراجعت فرمودند

در روز چهارم شنبه پنجم این ماه بیان افواج
قاهره حاضر دارالخلافه مبارکه که در میدان مشق بیرون
در دایره دولت حاضر شده بودند تشریف بردند و پوچی
و سر باز در حضور جایون اعلیحضرت پادشاهی مشق
و شیلیک توپ و تفنگ نمودند و مشق آنها پسند خاطر ملوکانه
گردیده مورد تحسین و نوازشات و مرحمت خردانی
شدند

در شب پنجشنبه ششم این ماه که شب مولود مسعود اعلیحضرت
پادشاهی بود حسب الاشارة العلیا اسباب آتش بانی
از خورخانه حضور مبارک آورده آن شب را چرخانی و آتش بانی
و عیش نموده در پنجشنبه را بعد از سلام عام در دیوانخانه

بزرگ و شرفیاب شدن مفرمان دولت و چاکران
حضرت و نهدر التفات و محبت ملوکانه در باره آنها و
نویز و زنبورک بقرار یک معمول این دولت قوی شوکت
علیه است بهمارت سردرب دیوانخانه مبارکه که مشرف
بمیدان ارک است تشریف آورده با رعام داوند و عسوم
سکنه دارمخلاقه از نظام و غیر نظام و نوکر و رعیت در میدان
ارک جمع شده اسباب طرب و شادمانی فرمایند
آوردند و وجود فالین ایچو اعلیحضرت پادشاهی را این
نموده صغیر و کبیر مراسم دعا کونی و شکر گذاری را
بجمل آوردند

در روز دوشنبه دهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
بجهت تفریح عمارت نیاداران شیران و غیره تشریف
بردند و نزدیک بجزوب بهمارت مبارکه ارک سلطانی
معاودت فرمودند

در صبح گذشته نواب شاهزاده احمد علی میرزا اسبوار رحمت
ایزدی پوسته حسب الاشارة الطیه شاهزادگان عظام
و انسانی دولت علیه تسبیح جنازه او حاضر شده با کمال احترام

امورات قشونی

فوج بیزانوئلرستان ابواجبعی عالیجاه سیدعلیخان

سرتیب در روز شنبه چهارم صفر در کاشان

حاضر شد بهستان لکرنویان عظام سید

دستم چنین فوج خلیج قسم ابواجبعی عالیجاه شیخعلی خان

که از خدمت ساخلمی خراسان مراجعت کرده بودند

در روز مزبور سان دیده شد و حسب الامر افسر طالبان

مرخص گردیدند که جذی در خانهای خود اسوده باشند

عالیجاهان سرکردگان مفضل که از امور بیت خراسان

حسب الامر احضار بر کاتب ساپون پادشاهی شده بودند و نیز

خلع آفتاب شعاع در حق آنها حجت گردید

عالیجاه پاشا خان سرتیب افواج سمنان و دامغان جبهه زمره

توب

عالیجاه علیقلی خان سرتیب فوج دامغانی شال ترمه

طاقه

عالیجاه محمدعلیخان سرتیب فوج تخم قابوی قزاق جبهه ترمه

توب

عالیجاه شیخعلیخان سرتیب فوج خلیج قسم جبهه ترمه

توب

عالیجاه صفرعلیخان سرتیب سواره بدین ایالت جبهه ترمه

توب

عالیجاه سیف الدخان سرکرده سواره شاهسون دویرون شال ترمه

طاقه

سوار شاهسون بغدادی سرتیب عالیجاه علیخان شاهسون بغدادی

در روز دوشنبه سیم ماه صفر حسب الاخبار مایون کابل

مبارک شرفیاب شده و مقرر است که سان آنها دیده شده

مرخص خانه شوند

افواج قدیم و جدید حشم که بسرتیب عالیجاه میرزا ابراهیم خان

حسب الامر احضار بر کاتب مبارک شده بودند و در بیت و چهارم محرم

حاضر شدند و در دویم صفر که علیحضرت پادشاهی سجد ملاحظه

مشق افواج قاهره بیرون شهر شرفیاب برده بودند و فوج مزبور

ملاحظه فرمودند و پسند خاطر مبارک افتاد و مقرر فرمودند که

فوج جدید را تفنگ و فاسق و اسباب به بند و لشکر بوسان

سان آنها را دیده مشمول مشق شوند

عالیجاهان سرکردگان آذربایجانی که حسب الامر مایون فوج

دسواره خود بر کاتب نصرت اقتداس شرفیاب شده بودند و نیز

مخلع گردیدند

عالیجاه حسن خان سرتیب فوج اردبیل و تالش شال ترمه

عالیجاه جوادخان سرکرده فوج سواره شغالی شال ترمه

عالیجاه مصطفی قانچان شاطرانلو شال ترمه

عالیجاه فتح الدخان سرکرده سواره کرمانی شال ترمه

در روز شنبه سیم محرم که جناب حاکم آستان عظمی

بجبهه بازید فورخانه و لورستان خانه رفتند بعد از آن میدان

توپخانه بجبهه ملاحظه مشق توپچیان آمدند و مقرری انجمنان اجداد آن

و میران پنج حضور داشتند توپچیان همه حاضر مشق بودند

و کمال حلقه دستی و چابکی در انداختن توب نموده مورد تفتیش

کامل گردیدند و انعام و رخصت آنها حرم شد

سایر ولایات

کرمانشاهان از فرار که در روزنامه آنجا نوشته بودند

این اوقات نواب شاهزاده و الاتبار امامعلی میرزا حکمران
کرامتشان برای مزید انظام طرق و شوارع چجاه نفر سوار
سجانی را مأمور کرده اند که با اتفاق سرباز منوجه و مقرب
نظم راهها باشند و از فراری که نوشته بودند طرق و شوارع
کمال اقیمت دارد

دو نفر دزد بهتونی که یکی مسیح نام و دیگری خانیان نام که
اموال بیعه دولت بینه روسته را سرقت نموده بودند و
در سفارتخانه محبوس بودند مستحقین آنها غفلت کرده و
آن دو نفر دزد را محبتس فرار کرده بودند و حکام و لایا
از جمله نواب امامعلی میرزا اسم نوشته شده بود که آن
دو نفر دزد را در هر کجا که باشند دستگیر نمایند از فراری که
این روزها نوشته بودند بعد از وصول حکم اولیای دولت
قاهره نواب معزی الیه خانه بخانه طوایف ایلات را در این
و کوزچی که داشته بودند که در تقصیر باشند در فرستادن
محم نام را رخاان بهتونی یکی از آن دو نفر را که مسیح نام بودند
معروف است در خانه خود گرفته خدمت نواب معزی الیه
آورده بود و آن در کرامتشان محبوس است و از فراری که
نواب معزی الیه نوشته بودند نام را رخاان در گرفتن در فرستادن
کمال رشادت را بعمل آورده است

از غرایب امورات نوشته اند که در مرز برف آباد که
از توابع ماردون آباد است خرمنی که چجاه خردا کندم پاک کرده
داشته است و صاحبانش حاضر شده بوده اند که
حمل و نقل نمایند بیکه فخر من کندم مانند سنگ است
بسیخ افتاده و بزین فرورفته بود بطوریکه روز دیگر چند ذرع
زمین را کنده بودند که آثاری از کندم پیدا نمایند معلوم نشد

اشخاصی که در آنجا بوده اند از بزرگ و مالک از شدت وحشت
مهرش شده بودند و یکی از آنها فوت شده و بعضی نیز
ناخوش و قریب بموت میباشند و از فرار روزنامه دیگر
که از آنجا نوشته بودند وقتی که رفته از زمین را چند ذرع کنده بودند
آثاری از کندم پیدا شد در روز دیگر هر چه کاوش کرده کنده
بوده اند آن آثاری نیز بجای معدوم و هیچ معلوم نبوده است

مازندران

از فراری که در روزنامه آنجا نوشته بودند نواب شاهزاده و الاتبار
مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران در انظام امور ولایت در فایده
لازمه اهتمام را دارند و این اوقات لبان و سجات سواره کرد و
موقوف آنجا رسیده کی نموده اند بقدر دولت نفر که اسبهاشان
داغ نداشته اند قلعن کرده بود که اسبهای خود را داغ نموده
با اسبهای الوان و شکارهای نو که برای خود ترتیب داده بودند
مجدد لبان حاضر شده و هزار نفر کیده با اسباب تمام
و اسبهای داغ کرده و داده بودند و قسم چنین دو باب کاغذ نگه
که حسب حکم مقرر شده بود یکی در بار فرستادن یکی در ساری خده شود این اوقات
با تمام نواب معزی الیه با تمام سیده و همچنین چاپارخانه که در ساری خده
حکم شده بود ساخته شود این اوقات هماران طرح آنها را بنجه اند و
و عمل در کارند که با تمام برسانند

اجنار دول خارجه

کاغذ آخر که از فرنگستان رسیده از پاریس پای تخت فرانس
نیم محرم بود اجناری که قابل نوشتن در روزنامه باشد
در مفعول آیند ترجمه نوشته خواهد شد

احوال متفرقه

۵۶۳

بولايت انگليس مي آوردند تخمبنا سجد هزار تومان بود
 اسال نزد يك سهره كرو مال از آنجا بولايت انگليس آمده است
 و اين غير از آن است كه باير مالك فرنگستان و هندوستان
 و ساير جاهاي روي زين برده اند سابقا كشتي با د باني
 كه با نجا ميرفت شش ماه يا نه ماه قشني طول مي كشيد
 كشتي بخار راه انداخته اند در مدت هفتاد روز اين مسافت را
 در روي دريا طي ميكند و بخار نرود زياد ما بين فرنگستان
 و آن سمت مغرب زمين مي كشيند سابقا كشتيهاي انگليس در
 كل آن اطراف كه سواحل طلا مي نامند كشت مسيكر دهند كه مانع برون
 غلام و كنير بسوند حال كل اهل و مي زمين اعلام کرده اند كه قشون
 از آنجا برداشته شده است و هر كس كه مسجود بخار در آنجا

بعد از توقف كردن تجارت غلام و كنير بسيار كه از مغرب
 بسينكي دنيا ميروند حال تجارتهاي ديكر سپاري شود
 سابقا اينطور بود در اوقاتيكه غلام و كنير ميروند و ايام الاوت
 كم و ميش اغتشاش در آنجا بود و مانع تجارت ديگري شده
 حال كه اين تجارت موقوف و سپا كم شده است كشتيها
 تجارت چند جاي روي زمين با نجا ميروند و هم مال مندر
 و ميغروند و هم مال انولايت را ميخرند و منفعت خوب
 از اين تجارت حاصل مي نمايند از جمله جناسي كه از انولايت
 مي آورند عاج است و چوب آبنوس و صندل و ساير
 چوبهاي گر سبزي خصوصه چوبهائي كه رنگرزان مصرف
 مي كنند و موم و بجنيل و برنج و روغن كه از دخت لعلي
 و اين دخت در تركيب قدرتي مانند دخت خرامت
 و روغنش بسيار بكار مردم انولايت و مردم دول خارج
 مي آيد در ولايت خودشان اين روغن را عوض روغن
 گره مصرف مي كشيند چونكه در آن ولايت حيوانات شير
 كم دارند و روغن گره بسيار كم ياب است بلكه در بعضي جاها
 همچو بسم نيرسد اين روغن بسيار بكار مردم انولايت
 ميخورد و بولايات فرنگستان هم زياد ميبرند و اين روغن
 از سبزه است مانند ما جيل و درختش قدرتي بد دخت خرامت
 مانند است و جنگلي است سياهي آن مالك بار او را
 مي چينند و روس را مي گيرند هم در ميان خودشان
 مي كشيند و هم بولايات خارج مفرستند اكثر تجارت
 آن سمت در دست انگليس و فرانسه است و هر دو تجارت
 زياد در آنجا دارند سابقا قيمت مال كه سال بسال از انولايت

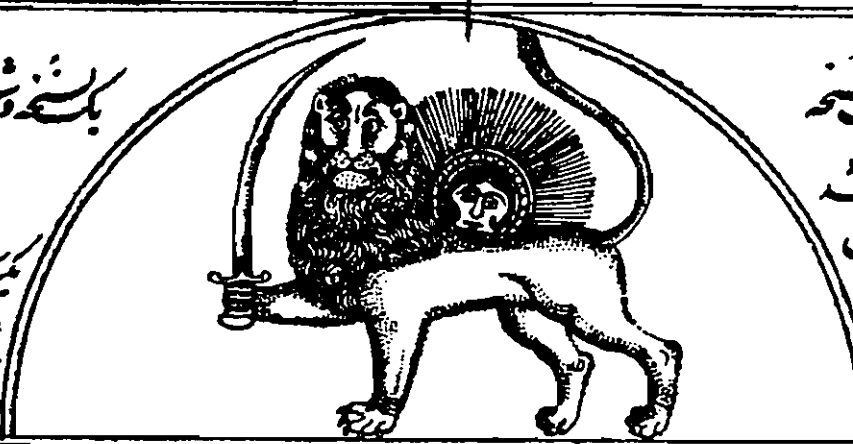
بگند ما ذون است
 اعلانات

كتابههاي چاپي طهران كه در محله نزدكي دروازه دولاب
 در كارخانه حاجي عبدالمجيد استاد دارالطباه اين روزها
 النطباع شده از اينقرار فرخته مي شود

۲۰۰	مجمع البيان	شش تومان
۵۰	تفسير امام عسكري	يك تومان
۱۰۰	شاهنامه	چهار تومان و نيم
۱۰۰	معراج السعاده	دوازده هزار
۱۰۰	ختم نظامي	نه هزار ديار
۱۰۰	جوهری	شش هزار دينا
۲۰۰	سالك	شش تومان
۱۰۰	مدارك	سه تومان
۱۰۰	كشور	هفت هزار دينا

روزنامه قایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه بیستم ماه صفر المظفر مطابق سال سی و چهارم شیل

مقتضی روزنامه
یکشنبه و چهارشنبه
مقتضی اعلانات
بسیار الاجازت
بسیار بخیر



مقتضی روزنامه
هر سرداران طالب
ازین روزنامه باشد
در بازار جدید در دوکان
سید علی قزوینی
فروخته میشود

اخبار احمد مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

استفسار شده بود که در هر زمینی که کاشته شده
و هر طور بعل آمده است؛ بیشترین روزنامه اعلام نمایند
از قراریکه عالیجاه میرزا فتحعلی خان مستوفی مذکور داشت
در بلوک خوار از تخم این پنبه بقدر پنج سیر داده بود
کاشته بودند از اینقدر تخم بقدر یک جزو در پنججاه
جوزق برداشته اند و انهای جوزق را در بعضی از
بسته های او که شکرده اند و دیت و پنجاه و دو دیت و
و قریب بسصد دانه جوزق در یکدان بسته او بوده است
و این پنبه را اگر بقاعده متوجه بشوند یکسال که بکارند
تا پنج سال بار میدهد و سال دوم و سیم بار
بیشتر از سال اول خواهد بود پنبه خود این ولایت را
زراعت کاران میدانند که از زمینی که یکجزو در جوزق
اقلاً با پنج سیر تخم بکارند و از پنج سیر تخم این پنبه
یکجزو در پنججاه من که در سال اول بعل آمده باشد معلوم
که در زیاد آوردن حاصل تفاوت کلی با پنبه متعارفی این
ولایت دارد و نوآب شاهزاده علی قلی سیر از تبر ازین پنبه
در خانی آباد فرستاده و کاشته بودند و جوزق آنرا

در روز چهارشنبه دوازدهم این ماه اعلیحضرت
پادشاهی میدان مشق قشون نظام که از توپچی و سوار
و سواره در میدان نزدیک باسب دوانی حاضر
شده بودند تشریف فرما گردیدند توپچی و سرباز و
سواره بقاعده نظامی در حضور مسایون مشق جنگ
مخلوب کرده شیلیک توب و تفنگ در هر فرجی بسیار
نمودند و جلد دستی و چابکی آنهاست و مقبول خاطر
ملوکانه افتاده با حاد و افراد قشون و صاحب منصبان
و غیره نوازشات و مراحم خسروانی شده و بوی
هایون بعد از رسیدگی تمام مشق و حرکت قشون نظام
با میرآباد تشریف برده و دوسه روز در آنجا افرج نمودند
و در روز یکشنبه شانزدهم این ماه با الشوکه و الاطلاق
بعبارت مبارکه ارک سلطانی و مقر خلافت عظمی
تشریف فرما گردیدند
در باب پنبه یکی دنیا که در روزنامه گذشته از صاحبان
الماک که در اطراف دارالخلافه طهران کاشته بودند

۵۶۵

این روزها یک قطعه شان تخیل بالماس از مرتبه اول
 تیرپس از جانب سی انجانب علیحضرت پادشاهی در حق
 مغرب انخاقان شارالیه محبت گردید که آویزه بیکر معاف

خود نماید

تعبیر اجناس با کولات و غیره دارالخلافه طهران درین بخت

از این قرار است

گندم در اهلی پنجاه هزار	گندم در سهر پنجاه هزار	گندم عربیه پنجاه هزار	گندم در اهلی پنجاه هزار
برنج مدنی یک هزار و سیصد	برنج کرده یک هزار و سیصد	برنج مدنی یک هزار و سیصد	برنج کرده یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد
کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد	کمیون یک هزار و سیصد

برای نونه بترد باشین روزنامه خور شده اند دانهای
 جوزق او درست تر از جوزق این ولایت و پنبه اش بسیار
 نرتر است و از فراری که مذکور داشته بودند در هر تبه او صد

مشت و صد و ده جوزق شده بوده اند و لکن از فراری که معلوم
 میشود زمین خوار و مرغزینی که مثل آنجا باشد این پنبه
 بهتر بطن می آید و چون منظور اعلیحضرت پادشاهی این است
 که کاشتن این پنبه درین ولایت شد اول و فواید آن عام
 عموم رعایا و زراعت کاران بشود لهذا از اشخاصی که این
 کاشتنه و بعل آورده اند خواش میشود که هر یک در سه
 ارتخیم آن بترد باشین روزنامه بفرستد که در هفتاد
 سال آینده در میان سایر ملک داران و زراعت کاران

گفت نماید

عابلیجه محمد صدیقی خان پسر مرحوم پیر محمد خان طهری الدو
 با چند نفر از خوانین افغان محض زیارت وجود فایض السجود
 اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی از بهرات عازم در
 مایون گردیده و در روز پانزدهم این ماه وارد دارالخلافه
 طهران گردیدند و در روز چهارشنبه نوزدهم بترد جنان
 جلالت مآب صدر اعظم آمدند و توقیر و احترام لازم
 اذانتها بعل اند

چون مغرب انخاقان میرزا سعید خان بنوتمن الملک و پیر جهان
 خارجه در مجاری خدمات محوله بخود کمال سعی و اهتمام براف
 بعل آورده بطوریکه مراتب کار دانی و کفایت او و نظارت
 هایون اعلیحضرت پادشاهی و اولیای دولت قاهره
 در جبه قبول و استحسان یافته شایسته و سزاوار الثقات
 او را احسم ملوکانه گردیده بلاحظه پاس خدمات او در

۵۶۶

۳

باز ۱۰۰۰	قندهار ۱۰۰۰	تهر ۱۰۰۰
دوهول ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰
باز ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰	پنجشهر ۱۰۰۰

کرمانشاهان است نشمن دارند در انخدود زیاد مصد
 شرارت و هرنگی می شدند و دست تعرض بالامانی
 کرمانشاهان دراز سیکردند از فرار که نواب سناطاب
 شاهزاده و الا تبار احتشام الدوله حکمران عربستان و
 لرستان و برود جزو نخبه باری سناکای مبارک اعلیحضرت
 پادشاهی معروض داشته بودند این اوقات نواب
 ایلام میرزا نایب الحکومه لرستان را فرستاده اند
 که رفت اشراق مریزور را گرفته بمیه و تادیب نماید و حاجی
 نیز رفته یکی این طایفه را دستگیر ساخته است و نواب

احتشام الدوله همه را تجمیع کامل کرده و مجبورس نمودند و از
 فرار که باستانی دولت فاجره نوشته بودند اموال نه پدید
 دو ساله مردم را هم که طایفه مریزور از خاک کرمانشاهان
 بغارت برده بودند گرفته و سیکرند و با صاحبان رفته
 پنهانند و چون مراتب اتهامات نواب ایلام میرزا را در کفن
 مریزور و مراقبت نواب ابراهیم میرزا را در انتظام امر عربستان
 و مسأله زندانشم و بستن بند غیره نواب احتشام الدوله
 معروض داشته بودند لهذا از جانب سنی احوال اعلیحضرت پادشاه
 یک شبه ترمه بجهت نواب ایلام میرزا و یک شبه ترمه بجهت
 نواب ابراهیم میرزا و یک طاقه شمال ترمه و یک شبه قبیای رزی بجهت
 عالیجاه عبد العلی خان که در کفن اشراق مریزور فوت کرده بود و مدت دو سال زند
فارس

از فرار که در روزنامه آنجا نوشته بودند سالهای قی و فتنه ضعیف مراد
 بسیار مختلف می شد و باجوشهای زیاد بهم میرسد اسال بجهت احوالی آنجا
 در کمال خوبی است و ناخوشی و تب ثوبه نمی باشد و در عنقریب
 باران شدیدی با آنجا آمده است

سایر ولایات

خراسان از فرار که در روزنامه آنجا نوشته بود
 این اوقات جمعی از ترکانان که نظر بشراتی که دارند
 بصفحات خراسان بعزیمت تاخت و نماز آمده بودند
 عالیجاه محمد حسین خان حاکم مجنور و خبر شده با جمعی
 بسراه آنها رفته بود در آنجا که تلاقی طرفین شده بود
 بعد از زند و خورد و مقابله و مقاتله بسیار ترکانان کشته تا
 مقاومت نیاورده فرار کرده اند و عالیجاه محمد حسین خان
 با سواره آنها را تعاقب نموده اسیر بسیار و چند سوار
 از آنها گرفته در روس منخوش آنها را آنجا کاپی مبارک
 فرستاده بود و در روز سه شنبه بیچشم اینها وارد
 دارمخلا فطهران نمودند

عربستان

از فرار که در روزنامه آنجا نوشته بودند طایفه کاکاوند
 خالد و لرستان که در آخر خاک لرستان که مشغول

۵۶۷

استرآباد

از قراریکه در روزنامه انجا نوشته شده بود شریف ناک
که بزرگ طایفه کولان است و عالیجاه مغرب انخافان
محمد و لیجان حاکم استرآباد را گرفته و بیت قلیچ خان
و قاضی که کولان سپرده و الترام گرفته بود که من بعد صد
سریزگی و خلاف قاعده نشود درین اوقات که سوار طایفه
نکه بغزم تاخت و تاز بیرون آمده بودند مشارالیه برای
انظار مراتب خدمتگذاری خود با چند نفر از سوار کولان
سوار شده و سر راه ترکمانان نکه را گرفته با آنها مجادله
نموده است پانزده سر گرفته و سه نفر زنده دستگیر نمود
و مابقی سواره نکه شکست خورده متحذولاً دستگیر با قرار
نموده اند و مشارالیه با پانزده سر و سه نفر سوار نکه
بکولان مراجعت کرده است

بسته شده بود می اند چون از قراریکه نوشته بودند در
از روز جمعیت زیاد می که تخمیناً قریب بیست هزار کس
می شده اند از دستة محلات و سینه زن و این مجلس
تقریب در آنجا جمع شده دستة هر محله میخواستند که زود
از دستة محله دیگر داخل نمیکند و بدین سبب شورش
و از دو حام زیاد می شده که وجه و تکیه کنجایش آن جمعیت را
نداشت شش هفت نفر از طفل و پیر در آن روز در زیر پست
مانده بودند خبر با میر الامار العظام مغرب انخافان محمد حسن
سردار حکمران یزد و کرمان رسید بود فی الفور حکم
فرستاده بود که آنها را معاینه کند از قراریکه نوشته بودند
چهار نفر از آنها را فصد کرده خوب نموده و مجال آورده بود
و سه نفر دیگر مرده بودند و مغرب انخافان مشارالیه وجه
معتد بهی از خود پورته آن سه نفر که هلاک شده بودند
داده بود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه قم نوشته بودند امر انجا از آنهاست
اولیای دولت قاهره خوب منتظم است و عالیجاه
ذوالفقار خان امیر الحکومه قم و حاکم ساوه در نظم
ولایت و رسیدگی با امور رعیت نهایت اهتمام و مراقبت
دارد و از هر کس خلاف قاعده بطور برسد بجز در آنجا
بمقام رخص آن می آید و بجهت اهتمام مشارالیه امر انجا
بهره از سابق منتظم و مضبوط است

از قرار روزنامه که در هفت گذشته از این ولایت
رسید نوشته بودند که در آنجا کمال امنیت و انتظام از
استقام و مراقبت لوایب شاهزاده و الا تبار اما متعلی سربز
حکمران کرمانشاهان حاصل است و سرقت و چغانی نیست
بزمانهای سابق بسیار کم اتفاق می افتد و عسوم سنگینه انجا
شاکر و عاکوی ذات اقدس همایون علیحضرت قوی است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند در روزگار
در شهر کرمان از تسبیح محلات بقاعده که منذ اول است
دستة جمع شده میان ارک انجا که تکیه بجهت تقریب و ادبی

پادشاهی پیا شدند و انواع ماگولات در آنجا فراوان
از آن است از قراریکه نوشته بودند چند روزی بجهت نیاید
باران گندم تسعیر هم رسانده و جزواری چیده شده بود بعد از آنکه
در او آخر خرم باران متوالی آمد حال تنزل کرده جزواری سه هزار شده است

X

اخبار دول خارجه

از فرار بکه در روزنامه جریده اخبار احوال متبانیخ پانزدهم
 محترم نوشته بودند لوی ناپلیان خود را پادشاهی فرانس
 برقرار کرده است بقب امپراطوری و نازک میدیدند که او
 و اسبابی که لازمه سلطنت است برای او برپا نمایند
 و این خبر را در روزنامه جریده اخبار احوال نوشته بودند
 و لکن با شرمین روزنامه های طهران در روزنامه های دیگر
 ندیده اند و سنو صریح نمیدانند

انگلیس

در روزنامه های این ولایت از احوالات دوک لنتین
 سردار کل قشون انگلیس که درین روزنامه نوشته شده است
 بسیار نوشته اند و بنا دارند که دکلیسای بزرگ شهر لندن
 که سنت پالس می نامند او را مدفون نمایند پادشاه
 انگلیس و کل اهل در خانه که مسراه او بوده اند تا یک هفته
 بجهت حرمت او سیاه پوشیده اند و کل خلق تا چند روز
 تغزیه واری او را نموده اند و در بعضی دول دیگر فرنگستان
 که دوک لنتین در آن دول منصب داشت خبر خوش
 که رسیده است تغزیه بقاعده نظامی برای او برپا نموده اند
 خصوصه در وینه پای تخت دولت استریم که قشون بقایه
 نظامی در آورده و تغزیه داری کرده اند مشا را لیه سردار
 کل قشون انگلیس بود و بجای اولاد مارونیک را که یکی از
 سرداران قدیم انگلیس است و مدتی فرمانفرمای هندوستان
 بود درین روزها بزرگ قشون انگلیس کرده اند
 بنا داشته اند که اهل مشورتخانه فوکلای رعایا در پیشه
 محترم در پای تخت لندن جمع بشوند

فرانس

از فرار بکه در روزنامه های این ولایت نوشته اند لوی ناپلیان
 رئیس این مملکت در شهر ناپل و بلوکات فرانس کشت و سیاحت
 میکرد و هر جانی که میرفتند مردم با کمال میل و شوق
 بیرون می آمده اند و خدمت و خوشامد او می نمودند و بقب
 امپراطوری صدا بلند میکردند و در بعضی از روزنامه ها
 خارجیه هم نوشته اند که کشت لوی ناپلیان در شهر ناپل
 و بلوکات فرانس تمهید مقدمه است برای اینکه فرار امپراطوری
 خود را در فرانس بگذارد

کشتیهایی جنگی فرانس با قشون دریائی که در آق دکنیز
 کشت میکردند موافق خبر آخر در شهر سینه جزیره سیسیلیا
 بوده اند معلوم نبود که از آنجا بست شرقی حرکت
 نمایند یا نه

در روزنامه که در طریقت استریم چاپ میزند نوشته اند
 که امیر عبدالقادر که بزرگ قبایل اعراب جزیره العرب بود
 و چند سال بود که بادولت فرانس جنگ میکرد و بعد
 از جنگ بسیار خود شش آمده و سیکرد دولت فرانس
 شده بود درین روزها لوی ناپلیان او را مرخص کرده است
 که برود در شهر بروکس که از مالک عثمانیه است

مهمه

از فرار بکه در روزنامه های این ولایت نوشته بودند پادشاه
 پروسه بست هو بر رفته بود و از فرار بکه در روزنامه
 می نویسند منظور شش این بود که با چند دول منته
 که در سمت شمال آن مملکت واقع اند همدست شده است
 مالک جنوبی در بعضی مواضع اتفاقا ایستادگی نمایند

سازدینیه

از مملکت پیدمانت نوشته اند که پادشاه آن مملکت که پادشاه سار دینه نیز نمینامند قشون جو زرا در جا بجهت مشق جمع کرده بود و قدری قشون در قصبه کسلا و قدری در درو قصبه بر نور اردو دوده بود و وقتی قشون از قصبه پروان آمدند آن قشونی که در دور اتجار دوزده بودند پیش آمده و مشق جنگ مخلوبه کردند و بنا داشتند که بعد ازین مشغول قشون بدشت مرنگو بروند که در اتجا مشق قشون کتیه نمایند

بنکی دنیای شمالی

موافق کاغذها که این ولایت نوشته اند اهل آن مملکت که سابقا در باب شیلات با بن خورشان و دولت انگلیس جنئی بخش داشتند این روزها از گفتگوی زیاده که در میان خورشان میگردند آرام گرفته بودند و در گذارشات دیگر نیز گفتگوی سختی نداشتند در اتجا شهرت داشته است که اتجا میخواستند از بازمانده سابق حمله بخبره گویند و اما از انسانی دولت خود مخفی داشتند و اگر تدارکی میسر میسر اند نهان از دولت خودشان بودند و میگردند گفتگوی زیاده که اهل مملکت بنکی دنیای شمالی در میان خودشان داشته اند در سر این مطلب بوده است که اگر باید بریاست و بزرگی دولت بنکی دنیای اختیار نمایند و برقرار کنند چونکه دولت آنها جمهور است و رئیس و بزرگان چهار سال یکبار سال معین می شود و وقتی که مدتی معین کردن بزرگ

۵۷۰

کماز زذک بشده است مردم چند تیره شده اند و هر یک تیره میخوانند کسی را که خورشان پسند کرد بزرگ دولت بشود و مملکت را می کسند با این جهت گفتگو و بحث در میان خود دارند

در ولایت بنکی دنیای سپار رود خانهای بزرگ در یاچهای آب شیرین است بلکه در هیچ یک از آنها روی زمین انقدر رود خانهای عریض و عمیق نیست و از اینجهت تردد خلق در حمل و نقل بارها بسیاری در کشتیها که در روی این رود خانها بر راه می اندازند و اکثر این رودها نیم فرسخ بیشتر عرض دارد و کشتیهای بنجا را که درین رودها تردد مینمایند بسیار تند رود و سریع حرکت مینمایند و صاحبان این کشتیها بجهت بگردن جنئی وقت اتفاق می افتد که هیچ بنجارش را چنان گرم نمی کنند و تند راه میزند که آخر مانند انبار بار و طایفه که التمش میگردند و یک بنجارش می ترکد کشتی را می شکند و بسیاری از مردم را که در میانش نشسته اند کشته و زخمی میکند در روزنامه کشته شده اینطور اتفاق افتاده بود و نوشته بودند که چهار صد نفر در دریا می تری که در مملکت بنکی دنیای شمالی و ما بین املاک پادشاه انگلیس و املاک دولت بنکی دنیای شمالی واقع است تلف شده بودند حال درین رودها نوشته اند که یک کشتی دیگر همین طور در یک بنجارش ترکیده است و سی نفر کشته و ششاد نفر زخمی کرده است و زخمی از ان نیز بسیاری قریب بموت میباشند و کمان بنک که خوب بشوند دولت درین خصوص بسیار سهل انکاری و احوال می نماید که مستحکم است و تحقیق نماید

و بینند که این دیگها محکم و سخت ساخته شده است
 یا نازک و ست و اگر کند شده باشد گنجه از نازک
 آتش در زیر او بوزانند و بدی را بر او بچند مردم
 طعشان غالب می شود و حشاشان نسبت یکدیگر
 که کشتی دارند زیاد و دیگر پروای تلف شدن و سرش
 جان خود و جان مردمی که در کشتی می نشاندند دارند
 و کشتیها را در کمال سرعت میرانند تا اینطور اتفاق
 می افتد که هم خودشان و هم آن چارگان آساج
 و غیره که در آنها نشاندند تلف و کشته و زخمی
 میشوند

یونان

در روزنامه های یونان نوشته بودند که پادشاه
 آن مملکت که مدتی در ممالک استریه و بواریه که وطن
 خودش میباشد و بعضی از ممالک دیگر نیز کشت
 و سیاحت میکرد بنا بوده است که درین روزها
 به آن پای تخت خودش برآید

احوال متمرق

در روزنامه اصمیر که اینبار بسیار جنانند نوشته اند
 که مدتی پیش یکی دنیای شمالی بنا دارند که عمارت
 بلور مانند عمارت بلوری که در لندن برپا شده بود
 در شهر یو یارک یکی شمالی برپا نمایند و در سال آینده
 چهل روز بعد از عید نوروز کشته می شود و درینست که
 بهمان خوبی و زینت و اساسی که در لندن کشته شده بود
 آنها نیز برپا نمایند و دولت عثمانیه از اجناس و امتداد
 و لایب عثمانیه چنینکه عمارت بلور لندن فرستاده بودند
 بلکه از آنهم بیشتر عمارت بلور یو یارک یکی دنیای
 شمالی فرستاد

سرینتری وارد حاکم مفت جزایر یونان که در زیر حاکمیت
 دولت انگلیس است با عیال خود بشهر اصمیر وارد شدند
 و چند ساعت در آنجا مکث نموده و از آنجا روانه اسلابول
 شده بود و در اسلابول نیز کمی توقف نموده بعد از آن
 از راه یونان و آتن پای تخت آن مملکت بجای حکومت خود
 مراجعت خواهد نمود

در روزنامه اصمیر نوشته اند که چا پارهای دولتی عثمانیه
 که چا پار پوست خانه میگویند که مکتوبات خلق را میبرند
 بستی اصمیر می آمدند و از کلیک نزد یک بشهر بر سر
 می گذشتند و دست و زدن بر سر آنها ریخته بزرگ
 چا پارها را با چند نفر می که میسراه او بوده است با کمال
 بی رحمی کشته اند سه نفر از کشیک چنان که ریخته و جان
 خود را سلامت بدر برده اند و یونان از اسلابول
 و اصمیر حکم فرستاده اند که معصرین را در هر کجا که باشند
 پیدا کنند و دستگیر نمایند و مستحقین دیوان آنچه
 بتوانند سعی و کوشش خواهند کرد بلکه معصرین را بدست آورند

از قراریکه در روزنامه جریده انجودث نوشته اند در واقع
 اختلال مجارستان تاج سلطنت مجارستان
 که مخصوص امپراطور استریه بود در وضع سبکهای قیمتی در
 یا عیگری مجارستان منقود شده و تا بحال بدست
 نیامده است امپراطور استریه قریب هزار تومان نزد کاز
 و عده کرده است برای کسیکه تاج متبور را پیدا نماید
 و اگر زنده باشد و برود بدینر نقصیر او را عفو
 و طمان انجام خواهد داد

۵۷۱

پرون فرستادن غله از اسکندریه و برون غله انصر
 سغلی بان شهر قدغن نبود سبب صادر کردن ابن حکم را
 چنان مبد استند که اگر غله بقاعده معمول بی ممانعت از مصر
 علیا با اسکندریه میرفت قاهره و بعضی از بلوکات آن
 اطرافت لی غله میمانند

در کاغذ دیگر که از اسکندریه تمصرف نوشته بودند که تاریخ او
 چهارده روز بعد از این کاغذ بود نوشته بودند که این سخن
 برداشته شده است و لکن انقدر شده است که تاریخ
 قاهره پای تخت مصر خواه از دولتی و خواه از خلق از غله که
 در آن روزها وارد شد پر شده اند و از تسویش کم بودن
 غله در پای تخت مصر برون آمده اند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در دارالطباعة حاجی عبدالمحمد با
 در محله نزدیکی دروازه دولاب الطباع شده از انظار
 فرختن میشود

۱	مجمع البیان	شش تومان
۲	تفسیر امام حسن عسکری	یک تومان
۳	شاهنامه	چهار تومان و نیم
۴	معراج السعاده	دوازده هزار
۵	ختم نظامی	نه هزار و دینار
۶	جوهری	شش هزار و دینار
۷	سالک	شش تومان
۸	مدارک	سه تومان
۹	کشکول	هفت هزار و دینار
۱۰	فاموسس	دو تومان

در باب آتش و شعله و معدن که اخته که در تابستان
 گذشته از کوه ایتنه بیرون آمده است در روزنامه سابق
 تفصیل آن نوشته شد این آتش و شعله که پر زو ازین
 کوه بیرون آمده در تاریخ چهارم ذی قعدة بود و موافق
 خبری که از نیکی دنیا آمده است در همان روز در حاقوت
 در شهر سنیتیا کوه که در جزیره کوبا است زلزله پر زور شده بود
 و تا چند روز بعد از آن زمین در آنجا متحرک بوده است
 کوه ایتنه در جزیره سنیتیا و وراق و بخرکن مملکت ایتالیا
 واقع است و شهر سنیتیا کوه در جزیره کوبا که داخل جزایر
 بینکی دیناست و فاصله در میان شان تخمینا دو هزار
 فرسخ است و لکن چونکه در فرنگستان چنان میدانند
 که زلزله مناسب بکوه سوزنده دارد و در سنیتیا
 که کوه ایتنه و شهر سنیتیا کوهشان در زیر زمین بسم

متصل باشد

در روزنامه اصمیر نوشته اند که عباس شاه مملکت
 مصر در قاهره تمصرف بود و حکم صادر کرده و بکل قونوهای
 دول خارج اعلام نموده بود که چون در مصر علیا غله کم باشد
 چند دقت قدغن است که غله از شهر قاهره گذرد و با سکنه
 نبرند چونکه تجارت عمده که در مصر میشود و در غله است که انصر
 علیا با اسکندریه می آید و از آنجا تجارت دول خارج میشود
 و بنجاح میرفتند صد و این حکم کار تجارت خارج را در اسکندریه
 بسیار متخوش کرده بود و بنا بود که هر چه گشتی در روز دینار
 مصر علیا می آید که با اسکندریه برود بارشان را در بولاق
 نکرگاه قاهره خالی نمایند و در حاجت فروخته بشود لکن

روزنامه قایم اتفاقیه ریخ روپشنبه بیت هفتم ماه صفر المظفر سال سیچان میل ۱۲۶۹

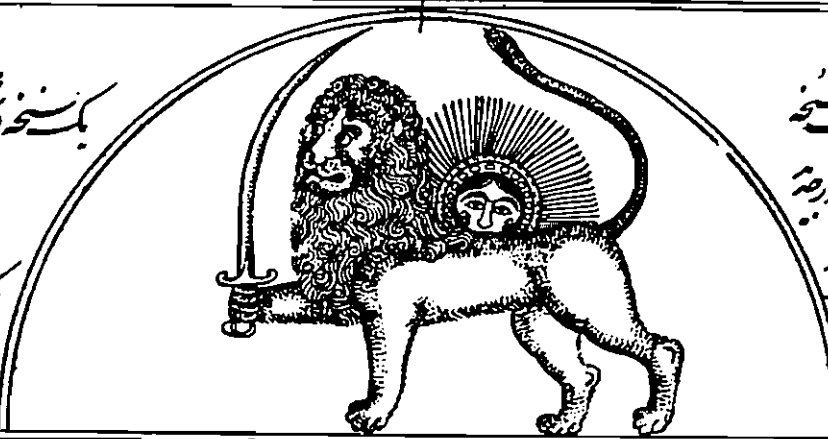
قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهی که پست و چهار هزار

قیمت اعلانات

یک خط ایچ خط یکمزد و دنیا

بیشتر به هر خطی هر



نزه نود و هفتم

هر کس در طهران طالب نسخه

ازین روزنامه باشد در بازار بزرگ

در دو کانسید علی قزوینی

فروشش فرودخته میشود

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیت و سیم این ماه ^{علیحضرت} قوی شوکت پادشاهی با الشوکه و الالاجلال سوار شد و نجف آباد که نزدیک دارالخلافه طهران است و جانی خرم و با صفای باشد بجهت تفریح تشریف فرما گردیدند و جناب مجدت و جلالت بصاب ^{عظم} و سایر خدم و حشم نیز در موکب فریزی کوکب ^{عظم} بودند و در آنجا چای صرف فرموده چند ساعت توقف و تفریح نمودند و نزدیک بغروب آفتاب از آنجا بروج ^{عظم} هایون معاودت بارک سلطانی و مقر خلافت ^{عظمی} فرمودند

عنایت کردید در این روزنامه اشعاری شود که نشان ^ن مزبور بضمیمه جابل شرح از مرتبه مزبوره بوده که ^ن مشا ارباب از جانب اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی باعطای آن مزید اختصاص یافت

دارالخلافه طهران از انتظام و استقامت ادبیای دولت قوی شوکت قاهره در کمال اقیبت است و عموم ^ن از اعالی دادانی در سایه رافت و رحمت اعلیحضرت پادشاهی قرین آسودگی و فراغت و مشغول شکر گذاری و دعا گوئی این دولت جاوید مدت میباشد و درین اوقات محترم و صفر در طلب اکثر کتابها و خانها مراسم تعزیه داری جناب سید الشهدا را بیشتر از سالهای سابق همول داشتند و در مساجد و کاروانسراهای مجالس تعزیه داری و روضه خوانی برپا داشتند و ^ن محمود خان کلانتر چون در انتظام امر شهر استقامت نموده و بسبب حسن سلوک و رفتار خود نسبت به مردم ^ن خاطر اوقیای دولت قاهره را در خود راضی داشته بود درین ^ن یک نوبت چینه ترمد لای بویه محله و بین الال قرین سرافرازی کردید

۵۷۳

سایر ولایات

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند یک نفر از قبا
 جعفر بخیری که بکرات در روزی گیرانده و سال قبل نیز گرفت
 نموده و سبب شده بود باز این روزها در محله پای تلود در
 کرده بود او را گرفته حبس کردند تا عالیجاه چو اعلی خان ^{ناحله}
 اصفهان از سفر فریدن که مراجعت کرد در باره او حکم نماید
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه ابوالقاسم خان سرنگ
 فوج دماوند هر روز در میدان نقش جهان با سربازان
 منصبان مشغول مشق میباشند
 دیگر در روزنامه اصفهان نوشته بودند که تجده شاد دیا
 عید مولود سعود مسایون اعلیحضرت پادشاهی
 و بازار و اسلطنه اصفهان را سه روز و سه شب این
 بسته و چراغان کردند و خلق بمنیت این روز مبارک
 عیش کرده و بذل مال بفقرا نمودند مخصوص عالیجاه ^{علیخان}
 نایب الحکومه اصفهان از فریدن بجایگاه میرزا ولیخان
 پسر خود نوشته بود که باید شکر گذاری این بوم مسعود ^{صفا}
 خلق و اطعام ساکین و آتش بازی عیش بشود عالیجاه
 شارالیه اسم از قرار نوشته نایب الحکومه بلکه بهتر و
 خوبتر یک شب در عمارت خلد برین اصفهان جمعی کثیر
 از چاکران دیوانی و غیره را صیافت نموده فقر ^{کنان}
 اطعام کرده و در میدان چهار حوض آتش بازی عیش نمودند
 دیگر نوشته بودند که در دستجرد چهار چند نفر طفل
 رفته بودند سه نفر ایشان وارد کتب خانه شدند تا کما

سقف کتب خانه خراب شده و بر سر در زیر خراب
 مانده بودند پس از آنکه خاک را عقب کرده بودند یکی
 از آن اطفال وفات کرده و دو نفر دیگر زنده بودند

خراسان

از قراریکه در روزنامه انجا نوشته بودند که بلای حسین نامی در محمودیه
 توابع نیشابور نوشته و قبل از فوت یکبار پانصد تومان امان خود بدو سپرد
 بجای حاج محمد ابراهیم محمدی در مصاحبه نموده و او هم این مبلغ را صرف ^{کلیه}
 که در بیرون دروازه سبزوار مخدوم بود نموده که زوار و تامل در آنجا منزل ^{بند}

سمنان

از قراریکه در روزنامه سمنان نوشته شده بود در یکی از
 دات آنجا که موسوم بسنگسرت شخصی مرضی دق گرفتار بوده و از
 معالجات طبیبی آنجا هیچ نتیجه ای برای او حاصل نشده از
 کثرت استیلا هم غم بصحرارفته بود در آنجا عطش بر او غالب
 شده و از چوپان قدری شیر گرفته آشامیده و بقیه آنرا
 در ظرف گذاشته با سرت مشغول شد بود و هنوز جواب ^{زفته}
 دیده بود که ماری قوی جنبه از سوراخی بیرون آمده و سبب ^{شیر}
 آمد و شیر را تمامه خورده بعد در همان ظرف قی کرد و قی ^{شخص}
 مدقوق که از نزد کانی خود جنگ آمده بود بعد از مشاهده این ^{جاست}
 عمد آمده شیر را نوشید بود بقصد اینکه از سبب او میرد و از این
 مرض خلاص شود از آنجا که مشیت ایزدی بر شفا و صحت ابراهیم ^{معلق}
 گرفته بود از قراریکه نوشته بودند پس از خوردن آن شیر ^{بسی}
 و شفا در خود مشاهده کرده بعد از دو ساعت آن مرض ^{بالکلیه}
 رفع شده بود و این کیفیت در صورت صدق نظر حکایتی است
 که در عصر حکیم الهی اقلطون برای شخصی بهین سخن اتفاق
 افتاده بود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود
 امر آنجا از اتهامات اولیای دولت قاهره مشتق و منظم است
 و نواب شاهزاده و الامتبار امامعلی میرزا حکمران کرمانشاهان
 در انتظام امر ولایت و تمهید اسباب امنیت فوق العاده
 اهتمام دارند و اگر بر سبیل مذرت از کسی خلاف قاعده
 و سرفت صادر شود بجز استحضار بمقام رفع و دفع
 آن برمی آیند از جمله از قراریکه نوشته بودند شخصی نامکلی
 مادیانی بیازار اسب فروشان آورده بود که بفروشد
 شخصی طالب شد که بخرد بجهت امتحان راه و دو مادیان
 سوار شده و یکدفعه تازیانه زده مادیان را بیک طرفه
 از نظر غایب کرد و احدی از او سراغ پیدا نکرد نواب معزی
 بجز استحضار بر این معنی بحسب طوایف و مزایع آدم نشاند
 که آن شخص را پیدا کرده بیاورند از قراریکه نوشته بودند
 همان شخص سارق را با مادیان گرفته دست بسته آوردند
 نواب معزی الیه از آن شخص تمهید کامل بعمل آورده مادیان
 بصاحبش رد کردند

از قراریکه نوشته شده بود یکصد نفر سرباز قلعه نخجری
 ابو اجمعی اسد الله خان که با بختیار سلطان مامور محقق
 قصر شیرین بوده اند در حفظ متر دین لازم است تمام را
 بعمل آورده اند از جمله این اوقات چند نفر از طوایف جان
 و غیره بر سر قافله ریخته بودند بختیار سلطان و سربازان
 قلعه نخجری کمال شجاعت و جلالت در دفع آنها ظاهر
 کرده بودند چنانکه بکتر صاحب انگلیس که در میان آنها بوده
 در خدمت نواب شاهزاده مذکور داشته بود که اگر بختیار سلطان

و سرباز قلعه نخجری نبودند همه مامور معض تلف بودیم
 و گفته بود که این صاحب منصب و سرباز مثل صاحب منصب
 و سرباز خوب دودل در مکتان است سهل است در مکتان
 هم از اینها رشید تر و بهتر صاحب منصب و لوگر پیدی انوشیروانی
 دیگر نوشته بودند که امر سرباز و افواج کرمانشاهان در
 کمال انتظام و انضباط است و سواره مشغول مشق
 و اموضن آداب و قواعد نظامی هستند و در کمال نظم حرکت
 میکنند از جمله فوج کردی ابو اجمعی عالیجاه جیاقلی خان
 از معتمد و یقعه الی بیت و چشم محرم در خارج شهر
 چادر زده مشغول مشق بودند با آنکه چادر آنها در نزدیکی باغات
 واقع بوده و اصلا بیک خوشه انکور دست دراز نگرده
 بودند سهل است صاحبان باغ هم از تعیین مستحقین
 که همیشه در باغ میباشند استغنی بودند

و همچنین فوج زنگنه همه در شهر مشغول مشق بودند و در
 کمال نظم حرکت میکردند و از احدی خلاف قاعده
 ناشی و صادر نمیشد و قواعد مشق را بسیار خوب یاد
 گرفته اند و در ایام عاشر و امرخص خانه شدند از قراریکه
 نوشته شده بود فوج الی بیک یاد تو پچانه در کمال
 نظم و سلوک حرکت میکنند و بیچوجه خلاف قاعده از
 تو پچیان ابو اجمعی او بطور میرسد و هر روزه در میدان تو
 مشغول مشق هستند سوار کلیانی ششصد و پنجاه نفر ابو اجمعی عالیجاه
 اسد الله خان در رتبه چهارم محرم در خارج شهران داده بودند و
 با اسب و با بختیار سلطان گذشته بودند مگر بعضی که اسبشان خوب نبود
 نواب شاهزاده فرار داده بودند که تبدیل نموده سپهائی خوب را غنایند

۵۷۵

فارس

از فراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند چند نفر از
الواط و شاربین خرد را آنجا نسبت بحاجی محمد هاشم خان
دیوان یکی خلاف حرمت کرده بودند نواب کامیاب شاهرزاده
والاتب لرضه الدوله فیروز میرزا صاحب اختیار مملکت فارس
مقصرین را حکم و تنها از یکدیگر یکی و کد خدا بان محلات شیراز
خواسته بودند و نفر از آنها بدست آمد تنبیه و سیاست شد
و رضای نام که از الواط مشهور و سرنگ مقصرین بود فرار نمودن
مبارک نموده و از آنجا خواسته بود بجای دیگر فرار نماید او را
گرفته بنزد نواب لرضه الدوله آوردند و نواب معزی الیه حکم بحبس
ابدی او نمودند و عسوم کنگنه شیراز چون شرارت و اذیت
از او دیده بودند از گرفتار شدن او اظهار خورسندی و
شکر گذاری نمودند و این شخص بدزدی و سفک دماغ
و شرارت مشهور بود و نواب لرضه الدوله مراتب شرارت و
قتل نفس او را آنجا کاپی اعلیحضرت پادشاهی معروض داشتند
بود حسب الاشارة العلیه مقرر شد که نواب معزی الیه او را
در محابله برای اعمال ناشایست خود برساند

۵۷۶

از فراریکه در روزنامه نوشته بودند نواب شاهرزاده
لرضه الدوله عالیجاه رضاقلیخان سرمنگ فوج عرب بلاتی را
مأمور بانظام صفحات لارسبعه و بنادرات نموده اند
که آن صفحات را نظم بد

در روز عید غدیر در شیراز شلیک عید را نموده اند و مجلس
نواب لرضه الدوله خطبه بنام اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
خوانده شده و بعد از آن سربازان شقایق در میدان در خانه
در حضور نواب لرضه الدوله مشق نظامی نموده اند و نواب معزی الیه

جیه ترمه لمبوس خود را بعالیجاه قاسمخان سرتیپ فوج
شقایق خلعت داده اند

عالیجاه لطفعلیخان سرتیپ فوج همدانی با سربازان جمع
که مأمور باخلوی فارس بودند از فراریکه نوشته اند
در عزه محرم از آنجا مرخص و روانه اوطان خود گردیده اند

عصای مرصع که اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه
سجده سرفروزی و افتخار مقرب انجاقان حاجی قوام الملک روانه
نموده بودند در دوازدهم ماه محرم نواب شاهرزاده
عصای منور را مقرب انجاقان مشارالیه داده اند

از فراریکه نوشته بودند در چهاردهم ماه محرم عالیجاه اقا
سرمنگ فوج بهادران با سربازان باجمع خود در کمال
اراستگی و استعداد وارد شیراز شده اند

دیگر نوشته بودند که بنامین رعایای قصبه کازرون و رعایای
بلوک خشت که دو بلوک متصل یکدیگر میشدند نزاع واقع شد
و یک نفر مقتول گردیده بود نواب شاهرزاده لرضه الدوله محصل
فرستاده اند که طرفین را بشیراز آورده رسیدگی نمایند که از
هر طرف تقصیر ظاهر شود سیاست نمایند

حاجی محمد رضاخان جهرمی بواسطه اینکه همیشه طریقه اوتفتن و نمانجا
بود در این اوقات که بشیراز آمده بود باز دست از طریقه و
طبیعت و شعار ذمینه خود برنداشته در مجالس و محافل
بنای تفتن و بد حرفی گذاشته بود نواب شاهرزاده لرضه الدوله
حکم کرده اند که بکصد تومان جریمه از او گرفته و او را حکم
از فارس اخراج و روانه عتبات عالیات نمایند که
ولایت فارس از تفتن او بمن باشد

اخبار دول خارج

انگلیس پادشاه انگلیس که مدتی در سمت شمال آن
مملکت در عمارت شکارگاه آنجا توقف داشت از آنجا بخوا
نشین خود که پیشتر میماند و نزدیک شهر لندن است
مراجعت کرده بود

روس

در روزنامه که بتیک کزت بنامد نوشته اند که
روس در تاریخ بیت و نسیم ذی قعدة از پای تخت
سنت پترزبورگ بیرون آمده بود که در ممالک وسط
روستیه گشت و سیاحت نماید و شاهزادگان عظام
کیران دوک نیکولائی و کیران دوک نیشل یکدیگر در پیش از
امپراطور بیرون آمده بودند و بنا بود که همراه او سفر نمایند

از فراری که در روزنامه های فرانسه نوشته بودند کارخان
قد سازی که از آب چند میسازند درین روزها در مملکت
روس بسیار ترقی کرده است بیت و نسیم ذی قعدة از
درنگل و نوشته دو کارخانه قد سازی بود و شش سال
پیش ازین که حساب کارخانهای قد ساز را کردند و
کارخانه بزرگ براه افتاده بود و این قد سازی منفع
بچه صاحبان کارخانها میکند و شغلی است که روز بروز ترقی
خواهد کرد

فرانسه

در روزنامه فرانسه از تفصیل گشت و سیاحت
لویی ناپلیان در شهرها و بلوکات آن مملکت بسیار نوشته اند
در هر جایی که رفته بود اعیان شهر و رعایا از بزرگ و کوچک
همه بیرون آمده و با بحال احترام و خدمتگذاری او را پیشوا

کرده بودند و در هر جایی معانی سنگین تا آنکه نموده و
وسایل بسیار عیشین برای او حاضر و مهیا کرده بودند و
فرنگستان فاعده است و متیکه پادشاه یا شخص بزرگی
از جانی عبور میکند خلق بسلامتی او صد البته می کنند که
پادشاه بسلامت باشد و در عبور لویی ناپلیان در اکثر

جا بیاد و عوض امین که صد اکتند که لویی ناپلیان با نسیم
دولت فرانسه بسلامت باشد صد البته کرده اند که
امپراطور ناپلیان نسیم بسلامت با و همه اهل فرانسه منتظر
که لویی ناپلیان بیادشای آنولایت برسد بلقب و منصب
امپراطوری ایام اول با مورثیت لویی ناپلیان بریاست
تبارخ فرنگی در دویم دیتمبر بود که بیت و نسیم ذی قعدة
مانده بود حال خلق چنان خیال می کنند که بنا بر این است
که در همان دویم دیتمبر که بریاست منصبش باز در

بیادشای و امپراطوری برقرار شود و درین سال و نیم
دیتمبر بقاعده فرنگی در روز پنجشنبه بیستم ماه صفر
اشخاصی که از جمله بخوانان لویی ناپلیان بودند بنیاد داشتند که
در شهر مرسینیز او را بکشند و بعد دولت را برسم زده
در بین اقتضای خیال فساد و شرارت خود را ظاهر ساخته
منظور خود را پیش بریزد امنای دولت مجرب شدند و آن
اشخاص را با اسلحه و اسبابی که داشتند گرفتند

حال در تحقیق اند که معلوم نمایند که این اشخاص در این راه
محرک و شریک در مصلحت دیگر داشته اند یا نه
در مدتی که لویی ناپلیان در شهر بر دو توقف داشت شخصی

۵۷۷

از جمله اعیان و بزرگان انجمن حضور لوی ناپلیان آمده
 و اینطور حکم کرده بود که مملکت فرانسه کمال اغتشاش
 بی نظمی و اختلال و پریشان احوالی داشت لوی ناپلیان
 آمد و رئیس این مملکت شد نظم و انضباط درین ولایت گذاشت
 و خلق در سایه دولت او همه امن اند و خوش میگذرانند
 و ولایت بسبب این امنیت یومافو ما روتبرقی است اما
 اهل فرانسه الطمان و خاطر بسعی می خوانند و طالب اند
 که این امنیت همیشه مستدام باشد و وعده و وعده القیام
 نداشتند باشد ازین جهت همه خواستش می کنند که
 لوی ناپلیان پادشاه این مملکت باشد بلقب امیر الطور
 و امیر اطور ناپلیان سلامت باشد لوی ناپلیان در جواب
 گفته بود که منظور من در سیاحت کردن در بلوکات فرانسه
 این بود که اوضاع و احوال اهل این ممالک را مستحضر شوم
 و اطلاع بهم برسانم بسیار جای یادیده ام و گشت کرده ام
 بسیار خوشحال شدم که در آخر سفر خود بشهر عظیم معتبر که
 بروکس است رسیدم و در هر جانی که گشت کردم رزی و
 آرزوی خلق در خصوص من معلوم و آشکار شده است چه
 حال چشمان باز شده و بینائی بهم رسانده اند
 و منید اند که سابقا چگونه خیالات باطل کرده بوده اند
 و پیدا اند که من بیدق فرانسه را بالا کردم و ولایت سلامتی
 و امنیت دید بعضی اشخاص خیال می کنند که اگر فاعده امیر اطور
 درین مملکت دوباره برقرار شود علامت جنگ است من
 میگویم که علامت صلح است مملکت فرانسه امنیت و صلح
 طالب اند و اگر کل عالم امنیت و صلح می داشت اهل فرانسه
 بیشتر خورسند و خوشنود میشدند

۵۷۸

این گفتگویی لوی ناپلیان را در کل روزنامه های فرانسه
 چاپ زده اند چونکه تا آنوقت در باب پادشاه شدن
 خودش آشکار نمی گفت و بعضی از اهل دول خارجه نیز گمان
 میکردند که اگر لوی ناپلیان با امپراطوری مملکت فرانسه بر سر
 نشویش جنگ و بر سر حوزد کتی خواهد بود اما از گفتگویی که در
 شهر بروکس کرده اند قدری طمان بهم رسیده است
 موافق روزنامه آخر که از پاریس پای تخت فرانسه آمد لوی ناپلیان
 بعمارت سنت کلود که یکی از عمارت سلطانی نزدیک
 بیای تخت فرانسه است مراجعت کرده بود

استریت

امیر اطور استریت باز در ممالک خودش گشت میکرد
 تماشای مشق و حرکت قشون را می نمود و از هر سبب کار
 این دولت روتبرقی بود و اعتبارش بیشتر شده بود
 داد و ستد و یوانی فراری گذاشته بودند که سبب آن
 قرار اعتبارشان در دول خارجه بیشتر شده بود و لکن در
 مملکت ایتالیا با نیت نظر اغتشاش بودند معتقدین که
 در خارج نشسته اند پوسته سعی و کوشش میکردند که دوباره
 جنگ در آن مملکت برپا کنند که بلکه بعضی از ممالک آن
 از حیثه تصرف دولت استریت بیرون بیاید بسیاری
 از مردم را در آنجا گمان داشتند که با مفیدین صلح
 بوده باشند گرفتند و حبس کردند و در هر خصوص نظام
 خودشان اینست که ده بودند

سویدن

در شهر استاکهولم پای تخت مملکت سویدن اغتشاشی غریب
 شده بوده است جهودی برآورد که راه میرفته است شخصی آمده

از راه ریشخندان جهود سلام داده و سرفرو دادند
 بود آن جهود با چوبی که در دست داشتند آن شخص را
 بسیار زده بود بعد از آن مردم جمع شده و آن جهود را
 بسیار زده بودند بعد چاکران دیوان جمع شده طریقی
 گرفتند و مشغول تحقیق شدند و معلوم کردند که آن شخص
 از راه استر او سخریه بجهود سلام داده بود چیزی در
 آن جهود چاپ زده و در میان خلق منتشر کرده بود است
 که نسبت بجهود مذکور کذب و افترا بوده است و چون که
 گفتن و دروغ نوشتن در خصوص کسی بطوری که ضرر بآورد
 در کل فرنگستان تنبیه دارد و یونانیان آنجا آن جهود را
 محق دانستند و آن شخص را حبس و جریمه کردند خلق در این
 مقدمه بسیار بخندیدند و برخو استند و میخواهند محجوب
 پادشاه را بشکنند و یونانیان نظام در آوردند و خلق را
 متفرق کردند و بسیاری از ایشان را گرفته مجوس نمودند
 و تنبیه هم خواهند نمود اما تا چند روز اعتناش تمام در
 میان آن شهر بود

سایر ممالک فرنگستان

در روزنامهها که از سایر ممالک فرنگستان رسیده
 که قابل نوشتن در روزنامه باشد بنود ناخوشی و با
 مملکت کرده و از آنجا کم شده است و در پر و تنبیه
 کرده و سمت مغرب میرفته است در انگلیس و فرانسه
 ممالک آن سمت تدارک پارخانها پاکیزه نگاه داشتن
 کوچهها و شهرها و حاضر کردن اطبا و غیره را امید دارند که اگر در
 بروز بکنند بی تدارک نباشند در خصوص که احتسین باز
 و شورت بود بعضی میخواهند که احتسین بگذارند و بعضی

میگفتند که بی فایده است زیرا که این ناخوشی در هواست
 و از دست زدن و ملاقات میرتب میکند
 در اطراف مملکت انگلیس و فرانسه و دریای شمالی و در دریای
 بالتیک در آیام اوایل پائیز طوفان زیاد شده بود و
 بسیاری از کشتیها در آن سمت غرق شده بودند در
 دریای بالتیک دو کشتی بخار و ولت روس کم مانده
 بود که درین طوفان غرق بشوند یکی از فرانسها و باستین
 و یکی دیگر که چارخانه میبرد لنگر بزرگش شکسته و بیک
 خورده بود اما در آوردند و در جای دیگر هم لنگر انداخته
 بود و آنهم شکست میگویند که سرهنگ این کشتی کمان رساند
 بعل آورده بود و در قوه کم کسی بود که در همین طوفان کشتی
 بتواند سلامت بیرون آورد

کشتی بخار که از شهر دبلین مملکت ایرلند بشهر کلز که مملکت
 اسکاتلند میرفت چونکه باد مخالف بود سر کشتی بطرف امواج
 بود و بزور چرخ بخارش راه میرفت امواج زیاد بالای
 کشتی آمد بود اتفاقا در میان کشتی کا و بسیار بود که از
 شهر بشهر میزدند و کم مانده بود که همه تلف بشوند دیدند که
 پیش رفتن ممکن نیست سر کشتی را بر گردانند و مراجعت بملکت
 ایرلند کردند در خود شهر دبلین هم چنین طوفانی شد بود
 که بچکس اینگونه طوفان یاد ندارد حتی در میان لنگرگاه
 که بجهت کشتیها ساخته اند که از صدمه تلاطم امواج محفوظ باشند
 از شدت باد در آنجا نیز صدمه زیاد بکشتیها رسیده بود

هندوستان

بعد از کاغذ آخر که در روزنامه ترجمه شده است جنگ
 مابین قشون انگلیس و اهل رنگون شده بود و ما لغز مای

۵۷۹

هندوستان با سنج آمده و کمی در آنجا توقف کرده و در
 حال مردم میزند که قشون انگلیس میان ولایت بر سر
 رفت یا نه از طرف اهل رگون قشون زیاد جمع میکردند
 و لکن از طوریکه تا بحال جنگ کرده اند معلوم نیست که در میان
 جنگ چندان کاری بتوانند بکنند چند فوج قشون انگلیس
 در مدیتره حاضر کرده بودند که برگون بفرستند حال
 فرستادن این قشون را موقوف کرده اند و مردم چنان
 میدانستند که موقوف کردن قشون مزبور ازین سبب است
 که قشونی که انگلیس در مملکت رگون دارند کفایت تمام
 جنگ را بکنند بقا در بعضی از روزنامهها نوشته بودند
 که دور نیست که دولت انگلیس ازین مملکت متصرف بشوند
 و نگاه بدارند و لکن حال گمان ندارند که چنین کاری بکنند
 زیرا که اخراجاتشان زیاد خواهد شد و مداخلشان کم
 معامله است بر ضروری منفعت اگر هم از آن ولایت
 متصرف بشوند مملکت پیکور انصرف خواهند کرد که بسا
 ولایتی جدا گانه بود بعد بدست اهل رگون افتاد و کمال
 ظلم از اهل رگون دیدند و راضی باین میشوند که در زیر
 دولت انگلیس باشند و لکن از فرار بکه در روزنامهها
 بهمان دلایل که سابقا نوشته شده است دولت انگلیس
 چنین کاری نخواهند کرد
 طوایف سرحدش سمت پشاور و پنجاب باز اغتشاش
 در آن سرحدات میکنند سرگردگان انگلیس که در آن
 ستمها بودند گاهی بعضی آنها قشون میفرستادند که
 آنها را توبیه نمایند بعضی اوقات توبیه می نمودند و بعضی
 از بسکه طایفهای مزبور جلد حرکت بودند و جای ایشان سخت

بود کوشش قشون انگلیس بجائی نمیرسید و با آنها نمیرسید
 احوالات متفرقه
 در برق کاهکاهی که ببارت و غیره بخورد مشهور است درین
 کشتی نزدیک بشهر مالت میان طوفان و رعد و برق افتاد
 بود باد شدت کرد و عنان کشتی را از انتیاری آنها برین
 برد درین بین برق بسری کشتی خورده و پانین آمد و کشتی از
 عقب تا پیش شکافته شده دو پارچه گردید و همان ساعت
 غرق شد چهارده نفر کشتیمان و دو نفر سیاح در میان
 آب غرق شدند صاحب کشتی نیز زیر آب رفت اما
 وقتی که بالا آمد دستش به تخته رسیده بعد ساعت در
 روی آب مانده بود تا اهل کشتی کوچک از جزیره مالت
 آمدند او را از آب در آوردند و مابقی از مال و آدم هر چه در
 کشتی بود غرق و تلف شدند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمداستان
 دارالطباعة این روزنامهها در مجلد نزدیک دروازه دولاب
 الطباع شده از انبساط فروخته میشود
 مجمع البیان شش تومان ۲۰
 تفسیر امام عسکری یک تومان ۵
 شاننامه چهار تومان نیم ۱۰
 معراج العاده دوازده هزار ۱۰۰
 حقه نظامی نه هزار و دینار ۵۰
 جوهری شش هزار و دینار ۵۰
 سالک شش تومان ۲۰
 مدارک سه تومان ۱۰

مستطبه و اراخلاف طهران

قیمت اعلانات

یک سطر المجهول یکصد ریال

بیشتر سطر بر حسب



نزد هفتم

قیمت روزنامه

یک سینه ده شهر

یک سارین و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه غره ماه ربيع الاول اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی میدان مشق خارج دروازه دولت که افواج قاهره از توپچی و سرباز و سواره نظام حاضر مشق شده بودند تشریف فرما گردیدند و کل میران پنجه و سیرتسان و سرسنگان در رکاب مبارک بودند و چند عاده توپ و قفسه و خیمه توپچیان بجهت امتحان بار و طوشان حاضر کرده بودند و چند تیر توپ و خیمه انداختند و بسیار سخن و مقول رای مبارک قاده و سبب جلد دستی توپچیان و چابکی افواج و مشق و حرکت که نسبت سابق تفادت کلی کرده بودند مورد انعام و تحسن و نوازشات حسودانی گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از رسیدگی مشق افواج قاهره بیابان لالار تشریف برده بنا را در آنجا صرف فرمودند و از آنجا موکب مایون از برای تفریح سبقت قصر جاگرد آن اطراف تشریف بردند و وقت عصر بجا رفت مبارک که ارکس مراجعت فرمودند

سلطانی ساخته شده و معین بنام وی و غیره اطفال شاهزاده عظام و امرا و خوانین را در آنجا تعلیم نمیدهند درین اوقات کمال انتظام را بهم رسانده و ترقیات منافی نتیجه متعلین حاصل گردیده است بطوری که در زمان اندک مانند کسانی که سابقا کار کرده باشند هر یک در هر فنی که تعلیم گرفته اند کمال مهارت بهم رسانده اند و چون از دو ماه قبیل از سال سیچان میل که اول بنای مدرسه مزبوره بود تفصیل امورات متعلقه بیدار در روزنامه نوشته شده بود لهذا اجمالا شطری از آن نوشته میشود که اکای اجالی حاصل کرده درین مدت اگر چه هر روز شاگردان بدس خود حاضر میشوند و لکن بنانی مدرسه که بنانی عالی و طرحی جدید مثل برنجه مجهر نقش مذمتب و سبع بود با تمام نرسیده بود درین روز با تمام رسیده و هشت علم را که هر یک محتاج ابد امولکست و رعیت است بقانون سا بردول در آنجا تعلیم میدهند و معین بنام وی و غیره را که حاضر نموده اند بجهت هر یک تفصیل ذیل شاگردان از اخلاف و تنایج شاهزادگان عظام و امرا و عظام مفرد استند و بجهت بعضی از آنها موجب برقرار فرموده

مدرسه دارالفنون که حسب الامر قدس پادشاهی در آنجا بنا

و سایرین را انعام مستمری و ممانه محبت فرمودند و لباس ریشانی از ماموت و تاستانی خارا و نهار مطبوخ و در کین مخین داشته و در سالی سه بار حکم بجا آنها میشود و در هر امتحانی باندازه ترقی انعام و نشان حرب در امتحان اول که شد یک ثلث از شاگردان با انعام و نشان ممتاز شده و باقی نیز و آخر ترقی از انعام اعلی حضرت بادا بهر مسند گردیدند و تفصیل معلمین و تبحرین متعلمین را در معلمند عالیجا میرزا ملکم است و شاگردان مدرس و در رس میگوید یکی در حساب و هندسه عام است که جمیع شاگردان میخوانند و یکی در رس خاص است که بدو ازدهن شاگردان با استعداد مطالب عالیهندسه را از قواعد محکم و صنعت نقاشی و علم جغرافیا درس میگوید و خوب ترقی کردند معلم علم توپخانه عالیجا موسیو کرشش است و مترجم امیرزا شاگردان مشارالیه بیت و شش نفرند درین بدست خوب تحصیل کرده اند علم توپخانه و علم هندسه حساب علم جغرافیا و مشق توپ و مشق پارا تریب آیام هر روزه در کمال جد و جهد مشغول بوده اند تا اکنون که بمصدقی معلم و مترجم جغرافیا از ایشان بسیار ریاده از حد ترقی کرده اند چنانچه در امتحان اول صاحبان شدند و سایرین نیز تفاوت بسیار است معلم پیاده نظام عالیجا قولونل مطراستوائیانی که با سایر صاحبان همراهم خود در سلک چاکران دولت علیه مشکک بودند مشارالیه با کمال شایستگی داراستکی هر روزه در میدان مشق بیرون شهر مشغول مشق جمع افواج رکابی بوده و بسیار خوب از عهد برآمد چنانچه خود از مشق افواج اظهار سرت میسند خدمت تعلیم شاگردان مدرس را نیز مخصوص شوق بخند گذار

این دولت علیه بعد خود گرفته سی نفر شاگردان پیاده نظام را با با جودانهای افواج در مدرس درس میگوید و عالیجا عیسی خان خلیف جناب جلالت تآب صدر اعظم که سابق در نزد مرحوم علیه رضا خان درس میخواند و بسیار خوب ترقی کرده بود بابت نفر از اولاد اشراف و بزرگان که آنها نیز در نزد مرحوم علیه رضا خان درس میخواندند حال در مدرس در نزد عالیجا قولونل مطراستوائی در رس میخواند و مشارالیه میگوید اگر چه سنوز شاگردان مدرس را امتحان نکرده ام ولی بسیار خوب اند و هیچ نسبت بشاگردان مدارس که در سایر دول دیده ام ندارند چنانکه حال ده نفر از این شاگردان قابل آن اند که هر یک ده فوج را بقانون علمی مشق و تعلیم دهند و حال نیز هر روزه شاگردان قابل در بیرون شهر مشغول مشق دادن افواج اند

معلم علم سواره نظام عالیجا موسیو تیراوست و مترجم او اندر حیات مشا و لیت و شاگردان او پنج نفرند که معررا در مدرس علم سواره نظام بیاموزند و لیکن سبب نفر سوار بجهت مشارالیه معین فرموده اند که با صاحب مضبان سواره هر روزه در بیرون دروازه مشق میکنند و بسیار خوب از عهد مشق موافق تعلیم معلم بر می آیند و علاوه بر آن میت نفر از شاگردان مدرس را مشق بیشتر میدد و بسیار خوب مشق میکنند بعد ازین معلم بنا دارد که صاحب مضبان سواره نظام را بدرس آورده باشاگردان خاص و علم سواره نظام تعلیم کند

معلم مدرس فرانظام موسیو تیراوست و است که در سایر علوم نیز مهارتی تمام دارد و بعدوم شاگردان در رس زبان بد

۵۸۲

و فریب به نواز آن نامبا درت بحکم میستوانند نمود و معتقدین
 انصاف میدهند که در مدارس سایر دول علم زبان را در
 پنجاه سال میستوانند آموخت و اینها درین اندک زمان باین
 مقام رسیده اند که خوب زبان یاد گرفته اند
 معلم علم معادن موسس و چو نظای مستادی و مترجم میرزا رضا
 کاشانیست بعد از دو ماه از تعلیم شاگردان خود نامور میسازد
 معادن شد و شاگردان خود را همراه برد و از دولت علیه
 مخارج زیاد و انعام بانها مرخص شد و اکنون سنگهای کوناگون
 از معادن دیوانه و مار زدن آن آورده اند و میخواهند در دار
 امتحان نمایند تا هر یک معقول بصره باشد در آن بعد از
 نمایند و شاگردان شارابه بیخ نهند
 معلم علم طب و جراحی عالیجاه موسس و پولاک کنشادی و مترجم او محمد
 قاجاریست نواز شاگردان است و در کمال نظم و خوبی تحصیل نمودند
 تا اینکه علم تشریح را که در سایر مدارس دول خارج از نواز تغییر
 معلم در کمال تحصیل بنمایند در سه فارغ شدند و بعد از آن شروع
 بعلم معرفت ادویه و اسباب و عللت معالج نمودند اکنون بمقامی
 رسیده اند که معلم ایشان بنا دارد در مهنه آینده آنها را بر بعضی خا
 برده کیفیت معالجه را بیاموزند و در این اوقات معلم ایشان فرار داده
 که هر وقت در شهر معالجه غریبی از قطع و کسر سایر اعمال بد جراحی میکند
 و نواز شاگردان قابل صاحبشان و سه نفر دیگر را نیز بر امر او
 میبرد و بایشان می آموزد که در کار خود مهارت کامل بهم رسانند
 معلم علم طب سیمی و دوازی عالیجاه موسس و فکی و مترجم او نیز میرزا رضا
 شاگردان شارابه بیخ نهند و در علم خود کمال سعی نموده و خوب
 ترقی کرده اند چنانکه در امتحان اول و نواز آنها صاحبشان شده اند
 معلم در رس فارسی و عربی عالیجناب شیخ محمد صالح است که مردی زاهد و

و معتقد است و به بیت نواز شاگردان مدرسه که در فارسی و
 عربی چندان مهارتی نداشتند درس بگوید و وقت ظهر بوزن
 مخصوص دار الفنون اذان بگوید و عالیجناب شارابه در حجره سیمی
 بچینه ناز مقر است بنام ایستاده شاگردان مدرسه و سایرین
 اقد نمود و به جماعت ناز میکند از نواز و عبادت اقدس هابون می کنند
 با بچه تفصیل مراتب ترقیات اهل دار الفنون در مهنه های آیند
 در روزنامه نوشته خواهد شد
 محل تجیه خانه دارمخلافه درین اوقات نسبت زبان سابق بسیار ترقی
 کرده است و از اتهامات اولیای دولت فاسده و سعی عالیجاه حاجی
 محمد حسین جبه دار با در کار لغت سازی حال بطوری شد است که در
 هر مایه بکیر افضله لغت سربازی کار دولت علیه ایران که مثل لغت
 سربازی خوب و رنگسان است در حجه خانه دارمخلافه بنام مبر
 و استادان قابل در کارند
 امین روزنامه اولیای دولت فاسده نظر بلا حفظ خدمات و استقامات
 نوابش برادره و الا تبارا امقلی میرزا حکم ان کرمانشاهان حسب الامر
 اقدس هابون اعلیحضرت پادشاهی نواب معزی الیه را
 لقب بجماد اوله فرمودند و فرمان مهر لعلان مبارک تیز از
 مصدر خلافت کبری شرف صدور یافت
 عالیجاه چو اغعلی خان نایب الحکومه اصفهان چون در نظام
 امر اصفهان و انجام خدمات و بوانی مراتب استقامات خود را
 مشهور و پیشگاه حضور چابون اعلیحضرت پادشاهی و اندای
 دولت علیه داشته بود لهذا این اوقات یک قطعه نشان از
 مرتبه اول سیرپسی با یک بند تجلیل شرح که مخصوص این مرتبه است
 بافتخار او رحمت و عنایت گردید
 سایر ولایات

خراسان

از قراریکه در منفه گذشته در روزنامه سبزوار نوشته بودند پیش و شش روس بز از منزل الهاک که محل گذرگاه طایفه خاله ترکمانیه میباشد بیرون شده و شش روز خود سرد میبازدشت و بیابانهاگردش و چرامیکرده اند بعد از شش روز بدون نقصان بقلعه شفیع آباد که محال جوین است آمده اند اهل قلعه مزبور که سفند را نگاهداری نمودند و آدمی بز و عالیجاه علیخان حاکم جوین فرستاده بودند که بیت و شش روس بز بی صاحب بقلعه شفیع آباد آمده اند و صاحبشان معلوم نیست عالیجاه مشارالیه فرادها را که بان راهبها فرستاده بود خواسته و از آنها تخمین کرده بودند آنها نیز اطلاعی نداشته اند تا بعد از چند روز دیگر صاحب کو سفند از الهاک آمد و کو سفند های خود را برده بود و عجب است که درین وقت کو سفند در بیابان بی صاحب بودند و نه کرگ و نه آدم با آنها برخورد است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته شده بود امر آنجا از اتهامات اولیای دولت قاهره در کمال انتظام و انضام از قراریکه نوشته بودند اوقاتی که عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان با نظام امر محال فریدن میرفته است در منزل نجف آباد که با سواره و جمیعت عبور میسوزده است در نزدیکی نجف آباد خورجینی که در آن تخواه کلیده بوده در جاده عام افتاده از باب کمال امنیت احدی خورجینا بر نداشتته بوده است تا اینکه میرزا علی اکبر نام خورجین یافته روهامشته آورده با عالیجاه میرزا و لیخان پسر نایب الحکومه

داوده است عالیجاه مشارالیه فراسخن بمفحص صاحب خورجین فرستاده بود بعد از چند روز معلوم شده بود که خورجین از آقا علی نام تاجر شیردانی که از تبعه دولت بهیبه روس است بوده او را حاضر نموده مذکور داشته بودند که سبب تو مان در میان خورجین من بوده است بعد از آن در خورجین را کشته بودند دیدند که مبلغ مروری بعینها حورجین پاشد همان ساعت بدون کسر و نقصان خورجین مشارالیه کرده بود

عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان که این اوقات سببه انتظام امر فریدن رفته بود امر آنجا را بسیار منظم و مضبوط نموده و اثر آنجختیاری را که همواره در آنجا مصدر افساد و شرارت و هرزگی می شد زنده کرده گرفته و نسبت به کامل نموده است و قلعه علی محمد خان را که قلعه مستحکم و مضبوط بوده و مشارالیه بسبب حصانت آنجا همیشه کسان خود مشغول شرارت و خود سری بود و گرفتن قلعه مزبور مستصعب می نمود گرفته و کوبیده و خود را با او ام و عشیره اش گرفته در بارها بون پادشاهی و داشته است و این اوقات آنجا کمال امنیت و انتظام دارد

کاشان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند بقیه شالی از خانه شخصی سرقت شده بود عالیجاه محمد ابراهیم خان بقیه سرور را از دار خود آنجا حاکم خواسته بود و از کدخدایان نیز التزام گرفته بود و بقیه را بعینها آورده و بقیه آنرا خذ فیض گذاشته بودند بصاحبش رد کرده اند ولی سابق فرستاده شده است

۵۸۴

اخبار دول خارج

موافق خبر آخر که از فرنگستان رسیده مشورتخانه ولایت
فرانس جمع شده بودند که در باب امپراطور شدن لویی
نابلیان مشورت نمایند و درین خصوص قانون و قاعده مکتوب
روئس

از فرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند امپراطور
امپراطور روس بشهر سوئیت پول که در کن فرادیکمرا
وکشتی سازخانه و لنگرگاه بزرگ آن دولت است رفته
بودند قسمت چهارم و پنجم قشون بحری فرادیکمرا ملاحظه
کردند و همه در کمال راستی و انتظام بوده اند تو بهما که در
روی کشتیها بودند تیر اندازی کردند و سایر مشق قشون
بحری را نیز ملاحظه نمودند بعد از آن امپراطور خشکی آمده قشون
خشکی را ملاحظه نمودند و مشق آنها را تماشا کردند همه با ارباب
و اوضاع تمام بودند و در نهم ماه محرم مراجعت بسنت بطریقه
پای تخت ممالک روسیه کرده بودند

از شهر ارجنحال بتاریخ بیت و ششم محرم نوشته بودند که در
استانج لسته بود و کشتی آخر که از آنجا بیرون آمده بود کشتی
سجارتی دولت انگلیس بود که بتاریخ سیم محرم از آنجا بولایت
خود روانه شد و بعد از آن تاریخ دیگر کشتی با آنجا نیامده بود و
در تاریخ لسته است تا فصل بهار سال آینده و بتاریخ ۲۱
ماه ذیحجه در روزنامه دیگر کشتی بطریقه تاریخ نوشته بودند
که سمت شمال رودخانه دوین نیز همه تاریخ لسته بود

سایر ممالک فرنگستان

از شهر روم نوشته اند که درین روزها دولت روم مجرب شد
که بعضی از مردمان آنجا بامفتن که در خارج لسته اند در جنبه

سکاتیب نبرد بکدیگر میسر شدند و بنا داشته اند که دولت پاپا را
دو باره برسم نزنند درین باب تحقیق کرده اند بسیاری ازین شجاس
که مشغول بن عمل بوده اند از جوانان شجاع و خواجهان روم بوده اند
و اکثر آنها را گرفته و محبوس کرده اند و باز برسم خواهند گرفت و
جس خواهند نمود

پادشاه ناپولی بنا دارد که در بهار سال آینده در جزیره سیسیلیا
وسیاحت نماید و چند وقت در شهر پلارنوتو توقف خواهد نمود مشغله
و آنست که از کوه آینه بیرون آمده بود دگر شده بود و لکن ضرر زیاد
بر عابای آنجا رسانده بود خصوصه بیاضات تا کستان نزدیک

بعضی ممالک

در مملکت فرانسه معادن آهن و کارخانهای آهن بسیار خوب
راه میرود و چون راه آهن سخته ترود کال که بخار در مملکت فرانسه
درین روزها زیاد میسازند و در ساحل راه آهن در هر جایی که پیش
خاک نرم باشد در زیر بنیهای آهن پارچهای خوب بزرگ میگذرانند
که از سنگینی کالکهای بارکش که از آنجا عبور خواهند کرد سیلیکا
فزونترند حال شخصی که صاحب کارخانه آهن بود در زیر این سنگها
پوست کاسه پست از چوچون ریخته و گذاشته است و میگویند که
چون باین ترکیب ساخته شده است فرو نخواهد رفت و لازم نیست که مانند
سابق از چوب سازند و صرفه زیاد بجهد آنها که راه آهن میسازند خواهد کرد
در وقتی که خبر کلمات لویی نابلیان سایر ممالک فرنگستان رسیده است این
خاطره جمعی هم رسانده اند زیرا که چنین میدانند که امپراطور شدن او مقدمه جنگ است
حال که ولایت عاقلی او را در فکر ملاحظه کرده اند آنها نیز که ضرب او را در روزها
می نوشتند همه موقوف داشته اند و در کل ممالک روی زمین این جنگ
رفته است یعنی خورسندی و الجمنان خلق شده است

احوال متفرقه

در آخر تابستان و اول پاییز امسال در بسیار جاهای
 فرنگستان باران و سبیل زیاد آمده است خصوصاً در
 رودخانه رین بالای شهر کستر بویخ شش فرسخ مرتفع
 آب مانده است و شش و ده نیز در زیر آب رفته است
 ده دیگر نیز مانند جزیره که در میان دریای باشد در میان آب مانده است
 حاکم آنجا هندسین و عیالجات و نظام در آورده بود که بلکه گذارد
 زیاد زخرابی بگذر نوشته اند که سی و پنج سال بود که چنین سبیل
 در آنجا دیده نشده بود و در چند روز بعد از آن نوشته اند
 که با ساختن خاکریز و کندن نهی که آب بیرون برود علاجی
 شد هندسین و عیالجات و نظام آنچه در قوه داشتند که در آن
 خرابی نشود اما متواتر است که علاجی برای این سبیل بکنند
 ده و چهل و نوبت های نزدیک شهر کستر بویخ همه در
 زیر آب مانده اند و بعضی جاها که از بالا آمدن آب خبر شد
 حاصل که در آنجا بود و بیرون بود بجای می بند برودند که
 شود مردم فقیر از آمدن این سبیل بسیار در سختی افتاده اند
 و زیر مدخل ملک فرانسه نزدیک بدو هزار تومان نزد
 حاکم فرستاده بود که میان فقرات تقسیم نماید و حکم حکاکم
 منور فرستاده بود که بهر جا که خرابی رسیده است بود
 و از جانب لوی ناپلیان رئیس دولت فرانسه و بولونی
 نماید و مراتب تا سفیر منور بود در باب خرابی که با آنها رسیده
 اعلام نماید از شهر سبستان نیز که در قسمت جنوب ملک فرانسه
 نوشته اند که آب بالای پلها که در آن شهر است آمده بود
 بعضی از که چهای آنجا نیز در زیر آب بودند و چون در آن اطراف
 خوب باریدیم بجهت منبرم و هم بجهت درو نیز و تخته جمع میکنند
 حساب کرده اند که این چهار آب برده است در زیر سبیل

تومان ضرر با مالی آنجا رسیده است در آنجا کشتی بنیاند
 که در میانش خست بشوند شش عدد ازین کشتیها را نیز
 برده است چند اسب و حیوانات دیگر را هم آب برده است
 اما از مردم غیر از یک نفر زن دیگر کسی تلف نشده است
 میخواسته است چوبی از آب در بیاورد و خود شش هم در
 آب افتاده و آب او را برده است از سمت رودخانه
 نوشته اند که آب در آنجا زیاد تر شده است که کمتر شده است
 و در بعضی جاها که مردم خاکریز کرده بودند که بلکه دوات چاهها
 آنها از آب محفوظ باشد آب زود آورده و خاکریز را برده و
 همه را خراب کرده است پلهای بسیار هم برده است و در بعضی
 راهها هیچ پل مانده است و زود مردم در زورق است و در بعضی
 جاها که دیده اند که آب رودخانه کم کم بالاجی آید و زمین را در
 زیر آب خواهد برد حاکم نظام در آورده و رفته اند حاصل دم
 بجای مرتفع برده اند که تلف نشود در ولایت که حکم بعد
 اگر چه زود خبر دارند که در رودخانه چنین سبیل آمده است
 و احتمال است که با آنجا نیز بیاید اما احتمال کرده اند و نصف شهر
 بعل در زیر آب رفته است در تاریخ نوزدهم ذیحجه از فرارند
 نامهای آن است آب رودخانه رین کم کم پائین نشسته بود
 و اهل آنجا نهر می کنند که آب از نرسینها و شهرها و دوات
 و قصبها کشیده شده میان رودخانه برود در شهر بعل
 خرابی هم رسیده است از افتادن خانهها و نیرهای
 که در میان خانهها بود و درختهای بزرگ که آب کنده و پلهها
 رفته بود تسویش کرده بودند که پلهای شهر نیز خراب شود
 از اطراف کوه مانت بلاتک نوشته اند که چند روز بود که بالای
 کوه را از بزرگ گرفته بود بعد سی شش ساعت پیوسته با دوان آید

۵۸۶

خبر آوردند که رودخانه کوچک که از قصبه سستونی می گذرد
 سیل زیاد بالا آمد بهای آنجا را همه کند و بر در عابای آنجا
 نان و گوشت و هر چه برستان آمد برداشتند و بالا رفتند که
 افتلا خودشان در میان سیل تلف نشوند چنین سیلی در آنجا
 ندیده بودند و این معلوم است که سیل در آنجا کم می آید
 از آنجمله که خانها را همه پست ساخته اند و طاقت ضربت آب
 ندارند و این سیل خرابی زیاد در آنجا کرده است
 در ممالکی که در سمت شمال دنیا واقع شده اند سکای بسیار
 میشود و خصوصاً در وسط تابستان در یکی از قصبهای آنجا
 یک سکای در میان ده آمده یکی از فرادها که در آنجا بود
 بترفتنگ زده گشت ناگاه یکی دیگر رسید از آن یک سکای
 بیل فبرش زد و گشت سکای هم آمد و دست یک دختر
 کوچک گرفت و تا گشتند در آنجا که دست آن طفل را
 جان ساعت داغ کردند و سک چهارم هم میان ده آمد
 او را هم لغت زدند و گشتند و مشت سک دیگر را نیز که آن
 سک کزیده بود همه را گشتند که مرده بود
 درین روزها کشتی تجارقی اهل سبکی دنیا از سمت کنای مملکت
 از فیقارفته بود میان یکی از رودخانههای آنولایت داخل
 شده بود ناگاه بر یک خورد و چونکه رودخانه آنجا بسیار تنگ
 است و ریکه بکل رود بالای کشتی آمد یک کشتی از پادشاه
 انگلیس در آن اطراف بود باند کشتی تجاری سبکی دنیا آمده
 اما چونکه آب رودخانه نزدیک بدریا بود و سنگام جزیریا
 بود در روی ریکه گشت و سخت شد که نتوانستند آن روز با
 بیاورند اما صبح دیدند که سباهای آنجا درسی چهل عدد
 نایبای خودشان با لغتگ ببردن آمدند که کشتی تجارقی را

ناخت و غارت بکنند ارگشتی دولت انگلیس یک نوبه
 جلو و چند نفره ن در یانی بجا فلت کشتی تجارقی سبکی دنیا
 فرستادند سباهای با وجود این نزدیک آمدند و زود بان
 آورده بودند که بالای کشتی بیایند چند تیر توپ با کلوله در
 خالی کردند سباهای که بختند و در ناو و کتار دریا
 ازین سباهای بسیار بودند و شب هم باز یورش آورد
 و لغتگما بردی کشتی تجارقی خالی کردند اما نتوانستند
 و غارت نمایند و اهل کشتی بعد از زحمت بسیار در وقت
 مآب در با کشتی را از آنجا بیرون آوردند
 در میان دزدان که در این روزها در مملکت ایتالیا گرفتند
 یکی بدست آمده است که احوالاتش بسیار غریب بود
 چند سال بود که این دزد مشهور بود و می گفتند که بسیار
 آدم کشته است و وقتی که از او تحقیق کردند که چند آدم کشته
 گفته بود که مردم من اقرار بسته اند و دروغ گفته اند گفته اند
 که من هشتاد نفر بدست خودم کشته ام من سی و شش نفر
 بدست خودم کشته ام آنچه دیگران در وقتی که همراه من بودند
 گفته اند دخلی من ندارد این مرد بلند قامت است و هشت
 سال دارد ریش سفید شده است حال در قراولخانه فرانس
 و چونکه خودش آمده است او را نگه دارند چند بار دولت
 پاپا با و تحلیف کرد که او را خلاص نماید خودش قبول نکرد
 گفته بود که عیال من باید مرا استخلص نماید و اینکه عیال میگفت
 دست دزدان خودش بودند
 در بعضی ممالک فرنگستان بعد از اتمام شش چهار سال
 سابق بر این در خصوص بلبط و سایر چیزهای جزئی بسیار
 انگلیس از سبب میدادند خصوصاً در بعضی ممالک ایتالیا

در استبره درین خصوص ما بین دولت انگلیس و دولت خارج
 بحث و کلمات شده است اگر چه دولت استرلیه و سیک
 دیدند چاکران دولت خودشان تقصیر داشتند جنس و
 جرمه و تمسبه نمودند و لکن باز درین روزها جنس اتفاق
 افتاده است که باعث گفتگو ما بین دولتین انگلیس و استرلیه
 در دریای چین نوشته اند که در اواسط تابستان طوفان
 زیاد شده و کشتیهای تجارتی ضرب بسیار خورده است
 و اگر کشتیهای چین هم خیلی غرق شده اند و این طوفان
 در دریای هندوستان نیز بوده است
 در روزنامه سولیس تاریخ چهارم ذی حجه نوشته اند
 که دو شش آریانس و الده لوه لوی پادشاه سابق
 باد و پسر خود در مملکت سولیس سیاحت میکردند تا گاه از نادر
 کالکچی کاسکا او وارونه شد و استخوان جنان بسته
 مشارالیه است اما بایرین که در کالک نشسته بود دیده
 رسید و موافق خبر شاه از خانم نورخوشه و شوش لاکت
 در باب حکم عباس شاه حکمران مملکت مصر خاندان در روزنامه
 سابق نوشته شده بود که قدغن کرده بود که غله از مصر
 بارسکندریه مصر معنی نزد بعد قدغن را برداشت نباید غله
 بشهر اسکندریه کار تجارت فرنگستان را که بسیاری در آنجا
 میباشند زیاد مغشوش کرده بود زیرا که آنها بطور مجامع
 می کنند و شرط می بندند که قدر معین از غله قیمت معین
 در شهرهای فرنگستان تحویل بدهند و اگر ندانند مبلغ معینی
 از فرار شرط ترجان باید بدهند و این مبلغ ترجان بعضی اوقات
 بسیار سنگین است و اگر غله از مصر علیانی آمد فرستادن
 آن غله که شرط کرده بودند برای آنها ممکن می شد حال که این

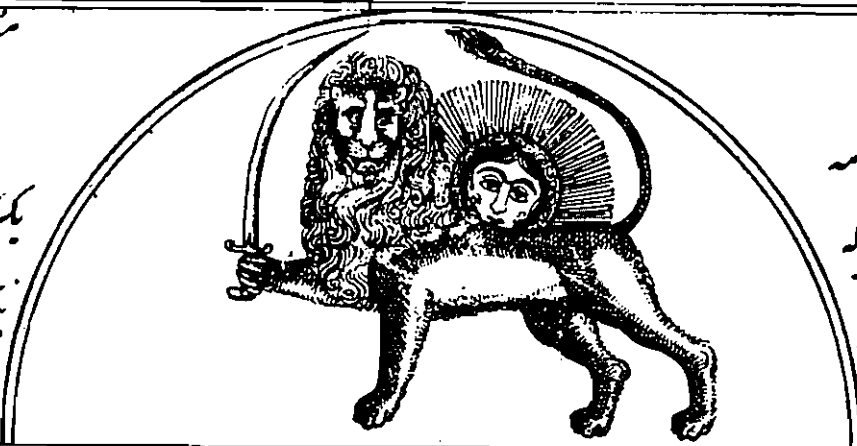
۵۸۸

برداشته شده است کار تجارت نورخوشه پیش میرود
 در جزیره مدیتره که جزیر است در بحر محیط اطلانتیک و جزو ممالک
 پورتو قال است در میان تاک آفی افتاده که بجای انکور سزر
 زیاد رسانده است و چونکه شغل اهل این جزیره کلاً اهل آوردن
 انکور است که شراب آنجا را بکل ممالک روی زمین میزند و در وقت
 غله هیچ ندارند و از خارج میخرند صاحبان املاک آنجا از تلف شدن
 حاصل انکور بسیار متضرر و عابار زیاده پشیمان شده اند که
 هیچ ندارند که از خارج غله بخرند حاکم آنجا بدولت خودش
 عویضه نوشته است و لکن دولت آنجا آن قوه را ندارد که
 مانع از این خلق را بدد از آنجهت بدولت خارج اعلام کرده اند
 که هر کس بقدر قوه خود چیزی بدهد و سخاوتی جمع کنند که
 این اشخاص بالمره از کسکی تلف نشوند و در بعضی شهرها
 بزرگ فرنگستان هم سخاوتی از راه احسان بجهت اهل آن
 جزیره جمع کرده اند
 اعلانات
 قیمت کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی
 عبدالمجید استاد دارالطباعة در محله نزدیک دروازه
 دولا ب الطباع شده ازین قرار است
 مجمع البیان شش تومان ۲
 تفسیر امام حسن عسکری بکتومان ۵
 شاهنامه چهار تومان و نیم ۱۰
 معراج السعاده دوازده هزار ۱۲
 ختمه نظامی نه هزار دینار ۱۰
 جوهری شش هزار دینار ۱۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه دوازدهم ماه ربيع الاول مطابق سال سی و چهارم سنه ۱۲۶۹

منظومه در انجمن طهران

قیمت روزنامه
یک سطر ایچهار سطر کبک
بیشتر با هر سطر



شماره پنجم
قیمت روزنامه
یک سطر ایچهار سطر کبک
بیشتر با هر سطر

اجبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه هفتم گذشته اعلیحضرت قوی سؤکت پادشاهی عزیمت شکار کن و سولقان فرموده با التذکره و الأجلال بشارکاه آنجا تشریف فرما گردیدند و چون محال مزبور شکارگاه خوب و درین موسم انواع شکارها در آنجا میشد و تفریح آنجا مطبوع خاطر ملوکانه افتاده خاصه در این سال که با اینکه این اوقات اوایل زمستان است ملامت هوا نسبت به ایهای دیگر بهتر و خوشتر است خرد و آنجا توقف و تفریح و شکار خواهند نمود و جناب و جلالت نصاب صدراعظم و سایر خدم و حشم ملترتم رکاب همایون میباشند از تواریک در روزنامه اجبار شهر نوشته بودند در محله کج چند نفر مردوزن در بالاخانه و در اطاق ستانی او شب خواب بودند ناگاه بالاخانه و اطاق زیرش هر دو خراب شد شش نفر در زیر خرابی مانده بودند سه نفر آنها ملاک شده و سه نفر دیگر سلامت بیرون آمده اند دیگر در بالاخانه در محله چالیدان چند نفر شب در آنجا خوابیده بودند

درین بین تیر سرف صد کرده آنها وحشت کرده از بالاخانه بیرون دویده بودند و مقارن بیرون آمدن آنها بالاخانه بجلی خراب شده و با آنها ضرری نرسید بود دیگر سوخت دکان جنبازی در محله عود لاجان آتش گرفته بوده است این محله خراب شده و آتش را خاموش کرده بودند بطوریکه کجی ضدمه و از تیر شد بود

امورات قشونی

سربازان پشت کوه که همه جوانهای خوب و رشید بودند بد بودند عالیجاه عباسقلی خان پسر احمد خان والی آورده نظر مبارک اعلیحضرت قوی سؤکت پادشاهی رسانید و کجی آنها پسند خاطر ملوکانه افتاده بود بحسب و نوازش کردند عالیجاه زین العابدین خان بیرانوند چهار صد نفر سرباز جدید که از طایفه بیرانوند گرفته بود درین اوقات برکات نصرت نصاب حاضر ساخته و در روز یکشنبه هفتم گذشته بمطرب مبارک اعلیحضرت پادشاهی رسانید در روز شنبه هفتم گذشته عالیجاه و فضان آفای تیر

تو پخانه مبارک که کل تو پیمان را در میدان ارک حاضر خسته
و شکر نوبان عظام سان آنها را بدید و همه آنها در کمال
اراستگی بودند

عالیجاه امان الله خان سر کرده سواره فراکوز لکه نامور خسته
فارس بود حسب الامر معا یون سواره ابوالجهمی او مرتضی
شدند و خود او شرفیاب حضور مبارک اعلیحضرت شهبازی
کردید

چون در منفه گذشته کیفیت مرسته دار القون اجلا نوشته
شده بود لهذا برخی از کدازش آن درین منفه نوشته
متعلمین اند که در نزد عالیجاه میرزا ملکم دور رس میخوانند
یکی در رس عام که جمیع شاگردان از او رس میداد و یکی در
خاص که بدوازده نفر شاگردان با استعداد مطالب

عالیه نند که را در رس میکت این چند نفر بسیار
خوب ترقی کرده اند چنانچه علم حساب را اربعه و تفریق
و ضرب و تقسیم و عدد کسور و عدد و سیمال و اربعه و تفریق
و جذر و کعب و کابریم و مقدمات تحریر با تمام رسانیدند
و حال شروع بزرگ و متری که علوم اشکال و مساحت است

نموده اند و شاگردان تو پخانه مراتب حساب با تمام
رسانده اند و در جبر و مقابله نامت اوی درجه دوم
بجمله مجهول دیده اند و علم تو پخانه را از مقامات جنگ با تو
در قلعه کبری و قلعه داری و جنگ در صحرا و شناختن تو پخانه

که در صحرا و قلعه بکار میروند از تو پخانه سواره و پیاده و مشق
پاوشن تو پ و حرکت دادن تو پخانه دعوا و علم جزای
هندسی را تمام کرده اند و چون درین منفه معلم تو پخانه جمیع
مشق میداد تو پخانه چند دست کرده علی عالیجاه بر هر دست تکثیر

از شاگردان خوب خود را محاسبه کرده حرکات دست را
بیا موزند و در منفه اینده خود معلم همه را مشق خواهد داد

شاگردان طب و جراحی را معلم آنها مسکوبه که از درس
خواندن در رس فارغ شده اند و حال بسیار بد
در مریض خانه که حسب الامر در بیرون در دوازده ساخته شد
و اسباب و لوازم آنرا آماده کرده اند و بروند و درس

آنها این است که مریض را ببینند و اسباب و علل
و معالجه آن مرض را در حضور مریض بیا موزند و روزی
این منفه حکیم پولاک محترم با اتفاق حکیم روس و سیمو
فکانه معلم و اسبابی بجهت بیرون آوردن سنگ شانه

در محله سنگ سنج شخصی را بداری بهوشی که در فرانسه
گومند مریض ساختند و دستهای او را بسته محکم
و حکیم پولاک با بین حنیف و دوز او را شکافته میل کچی که
بجهت در آوردن سنگ است انداختند و آنچه سعی

کرد سنگ شانه از غایت بزرگی بیرون نیامد بعد
شکافت او را بیشتر نموده و کار از اینرا انداخته بقوت تمام
شاید با زور بیرون نیامد پس بدست حکیم روس
داده او نیز آنچه قوت بکار برد اثری متمشی نشد و زیرا

از یک من خون جاری شده بود پس حکیم پولاک
کار را گرفته بقوت هر چه تمامتر سنگ را بیرون آورد
و بر بالای رخسار سینه خون ایستاد و مریض را بهوش
آورده و رفع مرض از او کردید و بس که چنین سنگی در
بچه کس دیده نشده بعد بر بنیه غازی بود و در وزن دو پونز
تمام معلم سواره نظام درین منفه صاحب مضبان سواره

۵۹۰

نظام را بد رسه آورده بنای درس گذاشت
و در کمال نظم و خوبی مشغول است و کیفیت معلمین
معلمین دیگر نیز در مضمون اینده نوشته خواهد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
شده بود هشت نفر بغرم سرفت و دزدی در حوالی
شهر در کوه صفه منزل نموده بودند و چهار نفر از آنها که
جعفر نام حسین نام ولد موسی نام و دو نفر دیگر بودند
در شهر آمده دو شب دو خانه را در محله خواجه محمدی که
سرفت نموده جزئی اسبابی برده بودند بعد از آنکه مرا
عاجیاه مرزا ولی خان سپه عاجیاه چرخ غنایان محکوم
معلوم شد چند سوار با چند نفر از امالی فریه میار بجهت گرفتن
آنها روانه کرده بود بالاخره چهار نفر از آنها را دستگیر ساختند
بعد از مراجعت عاجیاه نایب محکوم به شهر سابقین فرور اینروز
او آورده اند و حکم کرده است که آنها را بسزای خود رسانند
و از قراریکه نوشته بودند یک نفر از آنها که جعفر نام ولد موسی
نام بوده است از سابقین مشهور شریر بوده است که در زمان
حکومت مرحوم معتمدالدوله دست او را بجهت سرفت قطع کرده
بودند با پنجاه اصفهان از قراریکه نوشته بودند از حسن
مراقبت و رسیدگی عاجیاه نایب محکوم نهایت انتظام را
وارد

دیگر نوشته بودند که شتری از دست جبر و تعدی صاحب
خود فرار کرده و در صحیح مبارک امامزاده مارون ولایت برادر
جناب امام رضا علیه آلاف التحية والثناء ثبت شده بود
مردم جمع شده هر چه سعی کرده بودند که بیرون ببرند

نموانسته بودند تا اینکه صاحبش آمده و او را نوارش کرد
بیرون برده بود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند چند نفر از خوا
بلوچستان که اغلب اوقات در مقام دور گردی و معاش
بودند درین اوقات خود آنها بطیب خاطر طالب خدمت
و بندگی این دولت قوی شوکت علیه شده اند و از جانب
امیر الامرا النظام محمد حسن خان سردار حکمران کرمان بودند
بنوسط عاجیاه موسی خان سرحد داریم و بلوچستان مستعین
استمال و اطمینان شده بودند و عاجیاه مشایخ
مراتب را بر سر دار عرض کرده در جواب نوشته بود که هر کدام
معاود و اطمینان عاجیاه موسی خان استمال میشوند خاطر جمع
نموده معاودت بدهد که رفته در مقام خدمت و رعیت خود
باشند و هر کدام که با الضروره باید بنزد سردار سپه
و تعهد چاکری نمایند روانه دارد این روزها که جواب
با آنها رسیده بعضی بنزد سردار روانه شده اند و
بعضی دیگر بجان قرار و تعهدات عاجیاه موسی خان اطمینان
بهم رسانده و با وطن خود رفته اند که مشغول نظم و انبساط
طاق و شوارع شوند و نوشته بودند که درین اوقات
راههای آن اطراف بطوری امن است که زوار و قوافل
بطرف ارض آقاس و سایر اطراف در کمال اطمینان
و خاطر جمعی و بدون آسیب و تشویش عبور نمایند
و دزدی و ناخست طالب بلوچیه و غیره از آن راهها بکلی
موقوف گردیده و احدی یارای قطع الطریق و سرفت
و خلاف حساب ندارد

۵۹۱

کبیلان

از قرار بکه در روزنامه رشت در هفته گذشته نوشته بودند
 حب احکام انسانی دولت علیه مغرب انخافان عبسی خان
 و الی کبیلان با اتفاق عالیجاه میرزا محمد علی با شرمهام
 خارج بجهت انتظام امر سرحد و سان نو کر سا خلوی انجا
 با زنی آمده و بسریح بزرگی که در آنجاست فرستند و تو
 و تفکیکی را در آنجا با کمال نظام او سباب و اسلحه نام
 سان دیده اند و سکی در کمال آراستگی و استعداد
 بوده اند و از امر و ابی کبیلان نیز نوشته بودند که در
 لغت و فراوانی و ارزانی و رانجا حاصل است و عسوم
 سکنه آنجا از عالی دادانی در نهایت ایت و آسودگی
 بشکر گذاری و دعا کوئی این دولت جاوید مدت علیه
 مشغول اند و سرت و خلا و حسابی چه از احدی تا
 و صادر نمی شود

دیگر در روزنامه انزلی نوشته بودند که عالیجاه میرزا فرج الله
 اجدان تو پخانه سبار که حسب الامر اولیای دولت قاهره
 ماوریا ختن بر جی جدید و ریختن نه عراده نوپ جدید بود
 بیج بزرگی در کمال خوبی و استحکام درین اوقات با تمام
 رسانده و از توپسای مزبور رسم دوله ریخته است
 با اینکه اول کار بوده است تو پنهانیت خوبی صاف
 بی عیب ریخته شده است

دیگر از قرار بکه در روزنامه انزلی نوشته بودند درین اوقات
 با و باران بسیار آمده و طوفان شدیدی شده است
 و بشدتی دریا بتلاطم آمده است که کشتی را امواج از لنگر
 بکنار رزده و یکنه است و عدد آن خالی بوده است که

زخمانان میخواستند بجهت آوردن ملک بروند و یک کشتی
 دیگر فقط بار داشته است که از دست باد کوبه اوزده
 کشتیهای مزبور را موج بکنار رزده و سکنه بود و لکن با
 کشتی صدمه و ضرری نرسیده بود و سالم پروردگار

کاشان

از قرار بکه در روزنامه کاشان که در هفته گذشته رسید
 نوشته بودند علام سباهی زر خرید حاجی محمد نام نفسکی
 پر کرده و سر لوله تفنگ را بشکم خود گذاشته و تفنگ را
 خالی کرده کلوله تفنگ بشکم او خورده و از پشتش بدر رفته
 بوده است عالیجاه محمد ابراهیم خان حاکم کاشان
 مطلع شده و دو نفر آدم این محترم فرستاده است
 و غلام مزبور منسوز زنده بوده است از او جویانده و تحقیق
 کرده اند اقرار نموده است که من خودم تفنگ را پر کرده و شکم
 خودم گذاشته خالی کردم که خود را هلاک ساختم

دیگر نوشته بودند که در روز پنجشنبه مولود مسعود اعجاز
 قوی شوکت پادشاهی عالیجاه محمد ابراهیم خان
 حاکم آنجا عید جشن معقولی نموده و همه کس را
 شیرینی و شربت داده و بجهت حصول دعا کوئی دهن
 اقدس هائون بذل و احسان و انعام و اطعام فقرا
 و ضغفا و ساکنین نموده و سه روز و سه شب شهر
 و بازار را آیین بسته و چراغان نموده است و کل آیین
 آنجا از اعیان و اشراف و کتبه و رعایا بر اسم عیش
 و عشرت و شادمانی و دعا کوئی ذات اقدس هائون
 پادشاهی قیام و اقدام داشته اند

پادشاهی قیام و اقدام داشته اند

۵۹۲

اجبار دول خارج

روزنامه که از دول خارج درین موقتیه با شریک روزنامه
رسید از پاریس پای تخت فرانسه تاریخ پنجشنبه بیستم
صفر بود و از لندن پای تخت انگلیس چهارشنبه بیست و پنجم
مهر بود و از سایر شهرهای فرنگستان هم تا پیشان همان
نزدیکها بود و آنچه قابل نوشتن باشد در این روزنامه مابقی
و نوشته میشود

انگلیس

در روزنامه لندن نوشته اند که تاریخ بیست و یکم ماه صفر
مشورخانه انولایت در پای تخت سجد کذا از ان امور آن
جمع شده بودند و لکن خود پادشاه با طاق بزرگ که مشورخانه
خواین و وکلای رعایای نشینند دست پادشاه را نیز در
میگذارند تشریف نیارده بودند گفتار و فرمایشات خود را با
مشورخانه و وکلای رعایا بچند نفر از خواین فرمایش کرده و
قاعده آنها را وکیل کرده بود که فرمایش پادشاه را با آنها
نمانند و اذن اجلاس آنها را در مشورخانه بپند و در ضمن
که فرموده بود اول فقره در باب وفات دوک لنتین بود که
ناسف بسیار نموده بود و گفته بود که شکل است کسی جای او را

فرانس

نخستین ولایت مشورخانه جمع شده بودند که در خصوص امر
لوی ناپلیان مکالمات و مباحثات نمایند و فراری در باب
او داده بودند که بکل اهل فرانسه بدهند و آنها نیز قبول
و در میان فقراتی که قرار گذاشته بودند فقره اول اینکه سلطنت
فرانس در دست لوی ناپلیان باشد لقب امپراطور فرانسها
و موسوم بنام ناپلیان ستم فقره دوم اینکه تاج سلطنت این

این مملکت ارنی باشد تا قبل و وارث اولاد لوی ناپلیان
باشد و وارث اثاث ابد ابر و نذ فقره سیم اگر لوی ناپلیان
اولاد داشته باشد مستویان اولاد عمولایش که برادران
ناپلیان اعظم بودند و بعد تعین نماید فقره چهارم اینکه اگر لوی ناپلیان
اولاد نداشته باشد و کسی از میان اولاد عمولایش
اختیار کند آنوقت اولاد ژرژون ناپلیان وارث تاج و تخت
باشد فقره پنجم اگر لوی ناپلیان اولاد نداشته باشد و کسی
از اولاد عمولای خودش را هم بولجیدی اختیار کند و ژرژون
ناپلیان هم قطع نسل باشد آنوقت وزرای اهل مشورخانه
و سایر انسانی دولت که را امپراطور فرانسه خواهند کرد که با
باشد بقرار ارنی چنانکه در سابق نوشته شده فقره ششم
اولاد و اقوام ناپلیان است که کسی از آنها بی اذن امپراطور عروسی
نکند فقره هفتم همین قرار و قانون دولتی که خود لوی ناپلیان
گذاشته است باید برقرار باشد فقره هشتم این کلیت
بامل فرانسه داده شود و در کل بلوکات جواب از آنها بگردد
و برای تخت بنفستند بعد از قرارداد این فقرات سجد
سورت در خصوص فقره چهارم شد و بالاخره فقره چهارم را
ارین فقرات بیرون کردند و موقوف نمودند و نباشد است که
فقرات را بکل بلوکات فرانسه بنفستند و بخلق تکلیف نمایند
و در روز یکشنبه بیستم صفر دو و شنبه نهم صفر این تکلیف
که در روز پنجشنبه نوزدهم صفر میشود که لوی ناپلیان را
نمایند

میکونند که در مملکت فرانسه بنا دارند که قشون را کم نمایند اگر چه
این حکم فوراً صادر نشد است و لکن چونکه صاحب منصبی با سرت
اگر خواهد مقرر خانه بشود بدون اشکال رخصتی میدهند معلوم

میود که این بنا را دارند و بعضی از جدید را که خواسته بودند
هر یک را بفوج خود ملحق نمایند فوراً حاضر کرده بودند با وجود آنکه
قاعده آنها این است که در وسط تابستان جدید را با فوج
داخل نمایند و در باب کم کردن قشون اخراجات و لقی را ملاحظه
کرده اند

بلژیک

در مملکت بلژیک وزیر اعراض کرده بودند و مدتی بود که در سر این
مطلب خلق نگران بودند حال وزرای تازه برقرار شده اند
و کارشان نظم گرفته است

درین مملکت مانند ولایت انگلیس و بعضی ممالک دیگر ازادی تمام است
و روزنامه نویسان که بجهت منفعت و کد زان خود روزنامه را چاپ
میزنند هر چه در شان بخواهند بنویسند مگر چیزی چاپ نمیند
که خلاف قانون دولتی باشد آنوقت جریمه حبس میکنند
درین اوقات در بعضی از روزنامه های بلژیک ضرب دول خارج
گرفته بودند و میگویند از آنرا که این دول معظم و پر زور بودند
از دولت بلژیک خواستش کرده بودند که این قانون آزادیرموقوف
ببازند و نگذارند که روزنامه نویسان هر چه در شان بخواهند بنویسند
بعضی از مردم این جزیر را بی اصل میدانند زیرا که دولت بلژیک
جداکانه و در جا و مقام خود پر زور و محکم است و کسی حق آزاند
که در امورات داخل آن ولایت دخل و تصرف نماید گذشته از آنکه
کار این دولت بطور خوب راه میرود و در اغتشاش و منجور
فرنگستان عیب و نقصی نسبت باین دولت وارد نیامده ازین
دلایل دورسید اند که اگر چه دول بلژیک این خواستش را کرده باشد
پا شاه بلژیک عملی نکند که باعث بخش خلق و خلاف قانون
آزادی آن ولایت باشد

مینکی دنیای شمالی

تا بن این دولت و دولت اسپانیول باز بحث و کلام
و گفتگو شده است که اگر دول دیگر توسط و میانی کری بخشند
لاشک جنگ خواهد شد زیرا که دول جمهوری مینکی دنیای شمالی
پر زورند و زوی خلق بچنگ است و دولت اسپانیول در آنچه
حق خود میداند سخت استیادگی دارند چنانکه در روزنامه
نوشته شده است چند سال پیش زمین بعضی از اهل مینکی دنیا
بی اذن دولت خود بجزیره کوبه فرستند که بلکه اهل آنجا را از دست
اسپانیول باغی نمایند و آن جزیره را از حیطه تصرف دولت
اسپانیول بیرون بیاورند و از آنوقت باز درین خیال هستند
و اگر چه دولت مینکی دنیای شمالی بدخلیت باین عمل انداختند
و آنچه توانستند سعی و کوشش کردند که دعایای خودشان
اینگونه بی حجابی نکنند و لکن باعث بخش و کمی اتحاد این
دولتین شد و درین روزها یک کشتی تجاری که ششمن سیاح بود
دبار تجارتی هم داشت از مینکی دنیا بجزیره کوبه وارد شد
از چاکران دولت اسپانیول بروی کشتی مزبور آمدند و گفتند
چون کشتی داخل لنگرگاه شده است بیرون نمی گسیم و لکن
میکذاریم که ازین کشتی کسی خشکی بیاید و اگر کشتی را بخواهند بیرون
برگردانند ما ذون اند و لکن آمد و رفت و تردد ما بین کشتی
و خشکی نباید بشود و این حسب احکام حاکم جزیره کوبه بود و پیشانی
در و در کشتی گذاشتند و سبب این حکم سخت را باین
تفصیل نوشته اند که از اهل مینکی دنیا کشتی خودشان را
سوار می شدند و بجزیره کوبه می آمدند و کاغذ و غیره از آنها که
میخواستند که جزیره مزبوره را از حیطه تصرف دولت اسپانیول
دراورند و در جزیره کوبه نوشته بودند بجزیره کوبه می آورند
در میان خلق منتشر میکردند که حاضر باشند که هر وقت اهل

۵۹۴

از نیکی دنیا بیاید باغی بسوند و جزیره کوه بر از تصرف دولت
 اسپانیول در آورند و چند نفر از اینهارا که مشغول بن عمل
 کردند و حبس کردند داخل نیکی دنیا شمالی از روانه کردند
 شتی خودشان بسیار بخش بهم رسانده اند خصوصاً از آن
 که این کشتی کشتی چا پارخانه و بیک حساب مال دولت بود
 حال در میان ولایت خودشان اجماع میکنند و بدست
 عریضه می نویسند که بلکه دولت آنها از دولت اسپانیول
 بازخواست نماید و اگر علاج این کار را نکرده اند اگر جنگ
 به بینند اما در بعضی از روزنامه های نویسنده که کوباد دولت
 انگلیس و فرانسه درین باب حامی دولت اسپانیول
 باشند و اگر چنین باشد احتمال است که کار با صلاح بگذرد

اسوالات متفرقه

در مملکت استرالیا چونکه آبادی کم است صاحبان املاک
 چونکه بجهت زراعت کاری ضرور دارند مزد زیاد ببلند و مزد
 و زارعین میدهند خصوصاً حال که معدن طلا حبه اند و مردم
 آنچه در قوه دارند همه بجهت معدن میروند بیک نوکر که از
 بگذر هفته بازده شبلیک پول انگلیس که تخمیناً شازده
 که شاهمی پول ایران میباشد موجب میدهند چو پان
 سالی از وقت تومان تا هفتاد تومان موجب دارد و عمر از
 جیره و خانواری صنعت کاران از جمله بنا و بنجار و غیره
 ده شبلیک که تخمیناً یازده هزار دینار میباشد مزد
 بگیرند آهنگر و عا پ ساز کفش روز و حیاط و غیره نیز
 از همان قرار میگیرند در آن ولایت آذوقه فراوان است
 مگر بعضی از اوقات نان که بجهت کمی زراعت کاران آنقدر غله
 بعل می آورند که کفایت خوراک خودشان را بکنند حال که

معدن طلا در آورده اند و جمعیت زیاد با آنها خواهد رفت آنوقت
 ترقی زیاد خواهد کرد

در جبل النار سنج که فوکیها جبرالتامی نویسند که کوبت در آن
 فوکیستان رو بروی مغرب زمین و در دست انگلیسهاست
 و بسیار جای سحت است اتفاقی افتاده است که در روزنامه
 انگلیس با بنظر نوشته اند و دو دسته و نیم از نوپچیان انگلیس
 نیز اندازی میکردند با کلوله که در میان آتش سرخ کرده بودند
 توپی که می انداختند سی و دو پوند بود و بلند قد خرج باروش
 ده پوند بود که بوزن ایران هصد و شصت مثقال میباشد و
 یک پارچه نمد خشک در میان توپ با سنبه بروی
 روزه بودند و یک پارچه نمد تری بردی او و بروی آن نمد که در
 میان آب تر کرده بودند کلوله که در آتش سرخ کرده بودند
 و طرقتی بچاشنی دان گذاشته آتش دادند توپ در رفت
 بی و بگر گذاشته توپ در رفت و ترکیب عمده توپ پارچه
 پارچه شده و شش نفر از نوپچیان را بزین زد و سه نفر
 زخمی شدند و مابقی کم و بیش زخمی شدند تیر سببی
 که در آنجا ایستاده بود او نیز زخمی شد و خورش سوار
 کردید خصوصاً رانس و پایش اما خورش جزئی بود و نایبی است
 در آنجا بود او نیز خشم برداشت و توپ شش پارچه شد
 چهار پارچه او جنبلی دور رفت بعضی صد و پنجاه قدم و توپ
 عقب رفت و الاغی که در آنجا عبور میکرد و سپهری بر او سوار بود
 الاغ را گشت و لکن بان سپهر که سوار الاغ بود اسب زنی

زرسید

در روزنامه کلون نوشته اند که اعلی حضرتین امپراطور روس
 و امپراطور استریه بنا داشتند که در شهر وارشیه یکدیگر را ملاقات

از جزایر خط استوا که هند شرقی نیز می نامند نوشته اند
 که صاحبان املاک بسیار تنگی بجهت زارعین می کشیدند بجهت اینکه
 چند سال پیش ازین کل زارعین آنجا که غلام و کنیز بودند ازاد شدند
 بعضی اندر زراعت کاران از نند و چین آورده اند و حال قرار دادند
 که باز زارعین دیگر از هندوستان و چین و افریقا می آورند
 و نیز از آن جزیره نوشته اند که طوفان زیاد در آنجا شده بود
 خصوصاً در جزیره که آوده لوب و باد چنان شدت داشت
 که بالای بامهای بعضی از خانه ها را برداشته بود و درخت
 از زمین کنده و فی شکر را خوا با نده بود و بسیار ضرر بزرگ
 نمود هم زده بود و کشتیها که در آنجا بودند با آنها نیز ضرر زیاد
 حوزده و زورق کوچک نیز غرق شده بود اما جزیره مایهنگ
 که آنهم در آن است چندان عزری نرسانده بود
 در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که بنا دارند که
 از سرحد مملکت گروایتیه تا شهر استین بوضع راه آهن بجهت
 رفتن کال که بخار با نند و آن راه آهن بزرگ که در آن
 است میزند و سا مایهنگ می نامند بسیار فخر و
 بنا و عملیات در آنجا گذاشته اند بطوریکه کان دارند که درین
 زمینستان کشوده شود بجهت بردن مال تجارتی و از برای تردد
 سیاحان در فصل بهار سال آینده کشوده خواهد شد
 و این زودتر از وعده است که قرار داده بودند و این راهها
 در ممالک استرالیه میباشند
 پادشاه ناپولی بجزیره سیشیلیا رفته بود و در آن جزیره
 و سیاحت میکرد و بهرجائی که میرفت خلق بسیار از آید
 پادشاه انهار سترت و شادمانی میکردند از آنراه

چند سال بود که بان جزیره تشریف نبرده بودند و سبب
 رفتن پادشاه بان جزیره این بود که مدتی در آنجا اقامت
 نمود

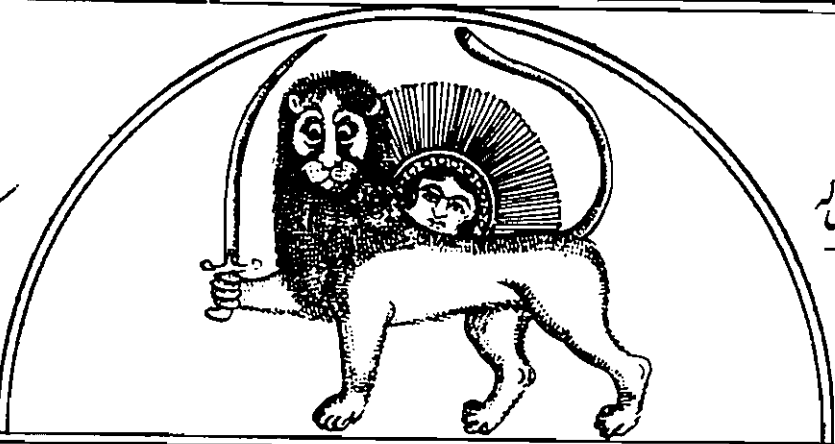
تخصصی در ولایت انگلیس چیزی اختراع کرده است که شاید
 بکار سایر خلق بیاید خانه او در قصبه بود نزدیک بدین
 که داخل دریا میشود و در سنگام جزایر آب رود خانه دیده بود
 که کل سیاه در آنجا است که وقتی که پیش افتاب میماند سرخ
 میشود و فیه بود که این کل همان کل است که از او طرف خوب
 میزند قدری در آورده و از او طرف ساخته بود و در آن
 قاعده ظرف کلی در میان کوره پخته و بسیار خوب در آمد
 قاعده ظرف کلی این است که کل را میان اسبابی مانند اسباب
 و رزیده می کنند که با حرکت آب رز در خانه بجای آن اسباب
 کل را چنان و رزیده بود که بهتر از آن شده بود که بست
 و رزش داده باشند این کل در آنجا فرودان است
 در جالانی که کنده اند و ذریع و نیم و سه ذریع کوهی و
 و از آن کل که در آورده اند آجر و سوفال و غیره هم ساخته اند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی محمد استاد در
 در محله نزدیک دروازه دولا ب الطباع شد از این قرار خواهد شد
 مجمع البیان شش تومان
 تفسیر امام حسن عسکری یکتومان
 شامنامه چهارتومان نیم
 معراج السعاده دوازده هزار
 حمت نظامی نه هزار دینار
 جوهری شش هزار دینار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز چشمنه بیستم ماه ربیع الاول مطابق سال سبعمائیک ۱۲۶۹

منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر از چهار سطر هر روز
بیشتر شد هر سطر
پنج سطر



مزمع ۱۰۰
قیمت روزنامه
یک نسخه ده سطر یک ماه
هفتاد و چهار سطر
دینار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چشمنه چهارم این ماه چنانچه در روزنامه سابق
نوشته شد اعلیحضرت قوی سوت پادشاهی بجهت
تفج و شکار بکن تشریف فرما گردید و پشت روز موکب
فیروزی کوکب مایون در آنجا تشریف داشتند و
در شکارگاه بر وجود فایض البجود اقدس مایون خوش
گذشت و از نوکران پادشاهی که در رکاب مبارک
حاضر بودند هر یک را التفات و عنایتی جداگانه شد
و هم چنین نوکران بزرگ که در شهر بجهت خدمت توفیق
بودند بهر یک التفاتی خاص شد و از برای هر یک و جز
شان و رتبه شکار رحمت گردید و نیز برای سفرای دولت
متخاطب هم جداگانه شکار رحمت شده و در روز چشمنه
یازدهم این ماه با اشوکه و الاجلال از دروازه قزوین
بارک مبارک سلطانی و مملکت غلظت غلظت فرمودند
چون امیر الامراء العظام محمد ناصر خان پیشک آفاسی با
دایم الاوقات مجاور حضور مهربان خوشروانی بوده و
مراتب خدمات او مقبول و سخن خاطر ملوکانه افتاد و پند

در مغنه گذشته یک ثوب جبهه زرمه برسم خلعت
در حق او رحمت و عنایت فرمودند
عالمجاه میرزا کی سررشته دار اصفهان که بجهت تفریح
اصفهان بدر بار شوکت مدار اصفهان شده بود چون از
عمده محاسبه بطور شایسته و خوب برآمده بود این وقت
یک ثوب جبهه کرمانی مختص شده از دربار مایون
مرخص و روانه اصفهان شد که مشغول تقدیم خدمت محوله
بشود باشد
در روز چشمنه بیستم ماه ربیع الاول اعلیحضرت
پادشاهی میدان خارج دروازه دولت میان افواج
قاهره نظام که مشغول مشق بودند تشریف فرما شدند
و کل صاحب منصبان در رکاب مبارک حاضر بودند
و افواج دوره مشق خوبی کردند و سواره نظام هم
مشق نمودند و مشق افواج و سواره پسند خاطر مبارک
پادشاهی گردیده مورد تحسین و نوازشات ملوکانه
شدند و بعد از ملاحظه مشق آنها اعلیحضرت پادشاهی
بمبارت مبارک که سلطانی معاودت فرمودند

۵۹۷

اموات قشونی

عالیجاه تقی خان پسر عالیجاه حاجی حسنعلی خان خوبی حرب
 فرمان مبارک منصب سرمنکی توپخانه مبارک که سرافراز گردیده
 و خلعت نیز با و رحمت فرمودند و روزنامه در میدان با توپخانه
 مشغول مشق باشد

سواره گردتجه ابو اجمعی عالیجاه محمد صالح خان که چندی قبل احضار
 برکاب مبارک شده بودند حاضر شدند و لکن چون قوی
 عقب مانده داشتند و تا ما حاضر شده بودند لشکر کوشان
 عظام سان آنها را ندیدند درین چند روز کسر آنها نیز حاضر
 شده سان آنها دیده میشود

و همچنین سواره خزل ابو اجمعی عالیجاه محمد تقی خان قاجار
 نیز احضار برکاب مبارک شده بودند درین روز ما حاضر
 گردیدند و آنها هم عقب مانده داشتند سا نشان دیده
 شده است تا کسرشان برسد آنوقت سان پیدا

سایر ولایات

آذربایجان درین مهفته از آذربایجان اخباری نبود
 که در روزنامه نوشته شود

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند نواب شاهزاده
 و الا تبار نصره الدوله حکم ان فارس حرب استند عالیجاه
 حاجی قوام الملک چهارصد نفر از سربازان فوج بهادران
 با اتفاق عالیجاه اصلان بیک با و فوج مزبور را مورسید را بوسه
 فرمودند که مشغول محافظت قلعه و نظم آن صفحات باشند
 و سرباز مزبور با کمال ارادت و استعداد از شیراز مجرای
 خود روانه گردیدند

دیگر نوشته بودند که در اوایل برج عقرب ده روز بوده
 باران تنوالی شدت آمده در عدد و برقهای مختلف ظاهر
 شد و محصول صیفی سبزیها یکم اغلب در صحرا بود ازین بابت
 ضرر زیاد رسید است از جمله در هر یکا که تباکو و زرت
 و کتجد در صحرا بود ضایع گردید و چیزی دستگیر رازع و مالک
 نشد و از فرار یکم هم برین شیراز میگفتند اندر هیچ سالی در
 عقرب چنین بارشی شدید در اینجا مانده بوده اند

رضانام که از شاه امیر الواط و اشراشیر از بوده است در
 سه ماه بود که بسبب شمرات در انبار محبوبس بود لو اب
 نصره الدوله او را بسزای خود رسانده اند و ازین بابت
 کمال خورسندی و شادمانی سبب خلق شیراز حاصل گردید
 زیرا که از سرفقت و شمرات او ازیت زیاد میدیدند

عالیجاه حاجی محمد جم خان که از دربار جلیون با مو بگوست
 بند عباسی بود از قراریکه نوشته بودند چندی قبل ازین
 وارد شیراز گردیده و کهنه نواب شاهزاده نصره الدوله
 رفته است و نواب مغربی الیه مفرد داشته اند که هر خوش
 و تناسلی که عالیجاه مشارالیه داشته باشد بعل آورد
 شود که بزودی روانه مقصد گردد

ارک مبارک که جدید السنه که برب ام آقدس هاپون
 در شیراز ساخته میشود از قراریکه نوشته اند در کمال استحکام
 با سنگ و کچ و آجر ساخته میشود و تقریباً نصف آن که
 رو بطرف شهر است با تمام رسیده است و نفاخانه
 در سردر بارک مزبور در نهایت سکو ساخته شده است

دو
دیگر نوشته بودند که در شانزدهم ماه صفر نواب
امیرزاده با حرم نواب شاهزاده نصره الدوله غنیمت و از آنجا
نموده اند و خزانه فارس را نیز نواب شاهزاده نصره الدوله
مصحوب حسن پیک فرانشاشی خود بدربارها برون
روانه داشته اند

حاجی کریم نام پدیه و رجهرمی باد و نفر از ایلات در محال
جویم نزاع کرده بوده اند و حاجی کریم بضر بچوب و چاق
هلاک شده است مراتب بعضی نواب نصره الدوله را
حکم و محصل فرستادند که رفته ضاربین را با دوشه مقبول
نیز نواب معزی الیه بیاورد که بجهت رسیدن احقاق
حق نمایند

عالیجاه میرزا محمد علیخان نواب بندگی که ساکن شیراز بود
در این اوقات با اهل و عیال خود از راه بندر ابوشهر
غزیت بغداد نموده است

در روز نوزدهم و بیستم صفر نواب شاهزاده نصره الدوله
به بدین علی رفته اند از جمله جناب شیخ ابوتراب امام جمعه
و جناب شیخ ابوالقاسم شیخ الاسلام و میرزا ابوطالب
نواب واقا سید المد ملا با شری را دیدن نموده اند

و بیستم چنین در روز بیست و چهارم ماه صفر سخته ملاحظه
مشق فوج قفقانی به پیرون شهر رفته اند و مشق آنها را
ملاحظه نموده و پسندیده اند و انعام بانها داده و تسلیت
میشق نموده اند

از فراریکه نوشته بودند و دهقانی بابا بر سیمه از در دکان

بقالی میکند شسته است با بریمه با سباب دکان بقال
گرفته و اسباب او را بزین رنجته است بقال لکدی
بدتهان زده است اتفاقا لکدی به سپوی او گرفته و فوراً
شده است شخص بقال از فتوایش اینکه مبادا بعضی نواب
نصره الدوله برسد و مورد سیاست شود وراثت
و کان دهقان را بدیده و انعامس راضی نموده بود و
مطلقاً زبان بعضی سکا ننگونه

دیگر نوشته بودند که بواسطه بلخ خوارکی در فارس کندم
قدری ترقی کرده است که حروری سه تومان سینه است
ولیکن سایر اجناس کمال تنزل را دارد و از این در
عراق

اصفهان از فراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
شده بود امر فوج آنجا در کمال نظم و انضباط است
و خلاف قاعده بسیار کم اتفاق می افتد و اگر بر سبیل
مذرت کسی مرتکب خلاف قاعده بشود عالیجاه
نایب الحکومه اصفهان بمقام متبیه و تا مدیب بر می آید
از جمله نوشته بودند که یک نفر از سربازان سه دهن
بجلفا رفته شراب خورده و یکی را زخم زده بود عالیجاه
چراغ علی خان بعد از اطلاع بر این مرحله او را گرفته در میان
میدان ارک اصفهان در حضور جمیع افواج متوقف آنجا
اورا تا بازیانه زیاد داده بود زده بودند و تنبیه درستی کرده
بود که مایه تند بدسایرین بشود که مرتکب اینگونه خلاف قاعده
نشوند

از سایر ولایات عراق درین مهته خبری نرسیده است که در
روزنامه نوشته شود آنچه برسد در مهته اینده نوشته شود

خراسان

از قرار یک روزنامه خراسان نوشته بودند چندی قبل
 بعد ریت نواز ریش سفیدان ترکمان طایفه اخال بارض
 افسر آمده حضور نواب شاهزاده والا تبار حاکم
 والی مکه خراسان فرستند و تقبل اطاعت و انقیاد و خدمت
 این دولت علیه گردیدند و تعهد نمودند که کل طایفه اخال بر
 استعدای خودشان در مقام بندگی و خدمتگذاری
 باشند و بطوریکه سایر عساکر منصوره پادشاهی در
 کار و خدمت دولت علیه میباشد آنها نیز از ان قرار بر
 خدمتی که محول شود اقدام نمایند نواب معزی البیه نیز آنها
 امیدواری داده و معاهدات تعیین نموده چند روزی در آنجا
 بوده اند و در آن ایام هم نواب معزی البیه هم روز سه
 خراسانی راسان میدیده اند و توپچی و سرباز نیز
 در میدان ارک همه روزه مشغول مشق بوده اند ریش سفیدان
 مزبور از تماشای نظام و سواره بسیار شایق و نوکری
 خدمت این دولت علیه گردیده اند و بعد از چند روز توقف
 که اذن مرخصی حاصل نموده اند نواب معزی البیه مسکنی آنها
 خلعت داده و جواب عرایض سایرین را هم ارقام القای
 امیز نوشته اند و آنها را با کمال امیدواری معادلت
 داده اند

دیگر نوشته بودند که میت و پنج نفر سوار ترکمان طرانی
 نسبت کلمات تباحت آمده بوده اند جعفر آقای کلانی
 خبردار شده و با سواره خود سب راه آنها رفته بعد از
 تلاقی فریقین و زد و خورد و نوازان طایفه ضاله مغول و
 سه نفر نژده دستگیر گردیده و بقیه آنها فرار کرده اند شایسته

سرا و اسیران را نیز نواب شاهزاده حاکم سلطنت
 فرستاده بود نواب معزی البیه نیز سوار جعفر آقا خلعت
 و بفرستاد و کان او انعام داده اند

دیگر نوشته بودند که عوخته خان ترکمان از خراسان
 بجهت عالیجاه محمد رضا خان تیموری نوشته بود که مشتاق
 سواره ترکمان طرانی همراهی میر احمد خان پسر کمر آمده اند
 مراتب بعضی نواب حاکم سلطنت رسیده و مقرب آنجا
 علیقلی خان میرنچرا با جمعیت سرباز و سواره و توپ
 با نظرف روانه داشتند بعد از آنکه قشون بجلو آنها رفت
 معلوم شده است که آنها بعزم تاخت خراسان نیامده
 بوده اند میر احمد خان جمشیدی که از جانب خان حضرت
 خوارزمی در اخال و استغنها میباشد هزار نفر سوار جمشیدی
 و ترکمان طرانی و اخال برداشته و بسا کوه و بی قیانت
 هزاره باند برادرش عبد الله خان که با کرمیداد خان
 بگلر بسکی هزاره دعوا دار و میرفته است و از آنجا که گذشته است
 سب هزاره قوروتی رفته و آنها را تاخت نموده و بعد
 چهار صد نفر اسیر کرده و برده اند اما در وقتیکه میر احمد خان
 با سواره مزبوره از پل خاتون میگذشتند یکصد نفر سوار
 از آنها جدا شده اند و معلوم نبوده است که از کدام طایفه
 بوده اند و باذن میر احمد خان رفته اند یا خود بخال
 هزارگی و تاخت رفته اند بعد معلوم شده است که آنها
 ترکمان بوده اند و چند نفر همه کش که در صحرا بوده اند
 سوار مزبوره آنها را اسیر کرده و برده بوده اند
 اخبار دیگر نیز در روزنامه های خراسان بود که در صفحه
 آینده نوشته خواهد شد

۶۰۰

اخبار دول خارجه

انگلیس موافق خبر اخر که ازین ولایت رسیده

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد دست مشورتخانه

در پای تخت لندن جمع شده بودند و لکن خود پادشاه

بآنجانیاد چند نفر از خوانین بزرگ را دکیل خود نموده آمدند

و مشورتخانه و کلای رعایا و خوانین را راه انداختند و لکن

در کاغذ اخر که ازین ولایت آمد مسوز با مرآت دولتی

اقدام نموده بوده اند که تفصیل کذا را شات آن در روزنامه

چاپ نریند

جنگ در دست امید با زدایم در میان بود و بجهت جا بهای

سخت از قسم جنگل و کوهها و غیره و از آنجهت که اهل آنولایت

در چنان جا بها که وطن خودشان بسیار چابک و

جلد حرکت اند تمام کردن این جنگ شکل بود اهل خود آنولایت

که از اولاد و فرنگها هستند که رفته اند اسجار آباد کرده اند

رعایای انگلیس میباشند خودشان و او طلب شده

و قنون بدولت میدادند و چونکه از ولایت انگلیس قنون

ریا د با سر کرده قابل فرستاده اند امید داشتند که جنگ

آنها را در اندک مدت تمام نمایند

در باب جنگ مملکت برهمنه که جنگ رنگون هم میباشد

زیرا که شهر بزرگ این مملکت که در کنار دریا واقع است شهر

رنگون میباشد و حالا در دست دولت انگلیس است

در روزنامه نوشته اند که کان نداشتند که تمام کردن

این جنگ چندان طول بکشد و آنچه مشکل است سبب بدی

آب هوای آنولایت است که کلاً جنگل است بگرد آنجا که در

بریده اند و زراعت می کنند زمینش است و سوار است و رودخانه

عظیم از آنجا میگذرد و در فصل باران آب چنان بالامی آید که بسیار

از آن مملکت در زیر آب بماند

فرانس

هنوز خبر جلوس لویی ناپلیان رئیس دولت فرانسه

بازمیرا طوری نرسیده است و لکن موافق خبر اخر که از این

ولایت آمد میگفتند که در تاریخ سیم ربیع الاول کمان داشتند که

سلطنت او را برقرار و بکل ولایات فرانسه ابلاغ نمایند و اگر

اهل فرانسه از بسکه از اغتشاش مفیدین و بیخوالان دولت

آمده بود و ضرر دیدند بودند و ازین دولت جمهوری خودشان

بسیک آمده بودند بهر قسم سلطنت و پادشاهی که نظم داری

خوب نگاه بدارد و کار را خوب پیش ببرد ارضی از خاصه سلطنت

لویی ناپلیان که در این چند سال که رئیس دولت فرانسه است

کار را با بطر خوب راه برده است اگر چه قاعده و قانون آزادی

که در آن مملکت فرار داده بودند بالمره موقوف کرده و کل نسط

و اختیار را بدست خود دارد و در کل بلوکات فرانسه چنان

نظم اسحت و کار را محکم نموده است که احتمال است امر دولتی بطور

خوب راه برو

عثمانیه

در روزنامه اسلامبول که زبان فرانسه چاپ میزنند نوشته بود که گفتگوی در

شده بود که اگر اخیر طرازان را موقوف بمانند بجهت آنکه بی مصرف باعث ازین

خلق بود و خصوصاً سیاح و تجار و اهل معامه که مردم راده روز و بار تجارتی را

پانزده روز نگاه میدارند تا او عمل کرختین دولت عثمانیه درین چند سال کا عهد کرده اند

در اینکه سابقاً خوشی طاعون در ایم الاوقات کم میشد و اسلامبول بود و حال چند

سال است که رفع شده است این نعمت بزرگ هم از سعی و کوشش انسانی

عثمانیه است که در باب کرختین اطراف مملکت کرده اند

احوال متفرقه

در یکی از روزنامه های نوشته اند که در شهر وین بنا دارند که برج و حصار زیاد بسازند غیر از آن برج و حصار که از قدیم دارد و منظورشان این است که شهر را سخت و محکم نمایند خصوصاً دو عمارت امپراطور را با ستیابها و حصار و قلعه سخت خواهند ساخت و در قورخانه را نیز همین طور خواهند ساخت جایش را همین کرده اند و قدغن نموده اند که در آن اطراف کسی خانه و غیره سازد

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است امیر عبدالقادر که بزرگ طایفه عرب جزیره العرب بود و مدتی با فرانسها جنگ میکرد و بعد خودش پیش فرانسها آمد و دستگیر شد درین روزها پرنس لوی ناپلیان رئیس دولت جمهوری فرانس او را مستخلص و مرض نموده است که برود در شهر بروکسل دولت عثمانیه بنشیند و قتی که امیر مزبور را بحضور لوی ناپلیان آورده اند مطالب قرآن بر سر او میخوانند و دست بقرآن برده و قسم یاد کرده است که بعد ازین دشمنی دولت فرانس نخواهد کرد و پرنس لوی ناپلیان بسیار التفات و محبت نشانته الیه کرده است و بنا داشته است که چند روز دیگر روانه شهر سبز شود که از آنجا سوار گشته بمملکت عثمانیه بیاید که در شهر بروکسل اقامت نماید و در هنگام توقف امیر عبدالقادر در پاریس بای تحت فرانس وزیر جنگ معانی سنگین سببه حرمت او کرده است و متشاد نفر در ضیافت مشارالیه بوده اند کل رزاهای قشون فرانس متوقف شهر پاریس و کل وزرا و کل سفرائی که سیر کرده اند از جانب پادشاه دول خارجی معین پاریس مستند و سایر ایلیان و ایوان

فرانس نیز در آن مجلس بوده است

در یکی از روزنامه های انگلیس احوالات مملکت براریل را مفصلاً نوشته اند و سبب نوشتن این است که درین روزها پادشاه آنجا خیلی سعی و کوشش کرده است که قاعده نگاه داشتن زارعین از غلام و کنیز سیاه و خرید و فروش آنها در مملکت او موقوف باشد و گفتگوی او زیاد در فرنگستان شده است و از آنرا که آن مملکت دور است و آمد و رفت ما بین آن مملکت و دولت علیا ایران نمی شود روزنامه مناسب دانستند که این مطلب ترجمه شده درین روزنامه ها نوشته شود

مملکت براریل بزرگترین ممالک سیکی دنیای جنوب است و درین روزها بسیار ترقی کرده است و دولتی قوی شده است و در بعضی امورات مسرعه سایر دول داخله با امورات فرنگستان میباید یک سر حدش سحر محیط اظتیک است و طول این سر حد شده و متشاد فرنج است و بزرگترین رود خانها دنیا ازین مملکت میگذرد و جای بسیار حاصل خیز است بلکه دنیا جای حاصل خیز مانند او گویا نباشد آب و هوایش بسیار سالم و ملایم است سبب و متشاد فرنج هم هم عرض دار اکثر مروجات چهار اقلیم دنیا در آنجا بعل می آید و از بسکه زمینش خوب و مرغوب است زراعتش چندان نعمت بجهت زارعین آنجا ندارد در فرنگستان شهر ناپولی و در اسپانیا شهر کادیز بحسب ملائمت و خوبی آب و هوا مشهورند و لکن آب و هوای مملکت براریل ملائمتر و بهتر از آنهاست با سختی این ریوده ریزه یو است و نزدیک سبب نیز جمعیت این شهر است دیگر از شهرهای مشهور آن یکی بومی است که صد و چهل هزار

۶۰۲

و بسیار سفید است و چشمش کبود با اینکه اهل این مملکت
 اندم گویند سوار بسیار خوب است و از کت و سواری و
 در شش بسیار خوشش می آید در وسط تابستان بجای بسیار
 مرتفع و خوش آب و هوا و جنگ می رود که شش فرسخ از
 شهر یزد در راست جای سخت است و چشم انداز خوب
 دارد و نزدیکش دمان طایفه است مستند که خود آن پادشاه
 آنها را با آنجا آورده است دمان را آباد کرده اند و غنچه
 دو دفعه بسلام عام می نشینند و از چاکران و رعایای دولت
 خودش با از اهل دول خارج بجز موری ایند زبان فرانسوی
 و انگلیسی و آلمانی و ایتالیایی را بطور خوب میدانند
 که هم می نویسد و هم حرف میزند بسیار با اهل بیابان
 و تاریخ است و بسیاری اوقات در مجالس علمای تاریخ
 می نشیند و صحبت و بحث آنها را می شنود خودش هم
 کتابخانه جمع کرده است که بیت هزار جلد کتاب در آنجا
 جمع است بسیار محافظت از صنعت کاران و رعایای آنجا
 می کند و بسیار نهر ساخته است که کشتیها در میان
 و لایس برده و نامیده رعایا زراعت کاران این مملکت بسیار
 سابقا نوشته شده است کلام غلام کنیز بسیار بود
 و موقوف کردن این غلام کنیز در آنجا بسیار امر شکی بود
 اما بتدبیر تمام موقوف کرده است اول صاحبان املاک
 هیچ راضی باین عمل نبودند حال می بینند که خیرشان درین است
 رزبر که کسی که نزد خودش را بگیرد و کار بکند و مقابل بکند
 سه مقابل کارش بیشتر و بهتر از غلام می شود که بضر و
 زون کار می کنند حال صاحبان املاک بدیوان امدادی
 که نگاه داشتن زارعین غلام کنیز بآمره موقوف باشد و دیگر

جمعیت دارد و شهر پر نام بود که ششاد هزار جمعیت دارد و
 مرانهم کسی و پنجاه جمعیت دارد و غیر از اینها شهرها و قصبه
 دیگر نیز زیاد دارد مالیات این مملکت بیت و دو و دو رول
 ابران است و هر سال مالیات ده یک اضافه از سال گذشته
 می آید و سالی یک کرور و صد هزار تومان با یک کرور و سیصد
 هزار تومان مالیات و جمعی اضافه از خورشید آید بسیار
 و درل بیشکی دنیای شمالی دولت جمهوری اند و این دولت
 پادشاهی و سلطنت است و لقب این پادشاه امپراتور
 بر اریل است کار دول جمهوری آنجا همه معشوش و بدست
 و لکن درین دولت یکی از پادشاهان سابق آنجا فراری
 در امر دولتی و مشورتخانه و وکیل گرفتن از خلق گذشته است
 که بسیار بطور خوب راه میرود پادشاهی که حالا در سلطنت
 میکند از اولاد قدیمترین پادشاهان فرنگستان است
 که سلسله بر اغنزه در نوز تو فال و نوزبان در فرانس و
 حبس نوزغ در آستره باشد پدرش از پادشاهی این
 مملکت استعفا کرد و آنوقت این پادشاه پنج سال
 و چند ماه از عمرش گذشته بود وکیل برای او تعیین کردند
 و چنین کارها را بطور خوب راه بردند که در ایامی که در آنجا
 و ایتالیایا و نوز تو فال و له و یونان و سایر دول یکی دنیا
 و انقشش بود بملکت بر اریل ضرر و زیان و عیب و نقضی وارد
 نیامد و این پادشاه بسیار خوب تربیت شد در سن
 پانزده سالگی پادشاهی رسید و چند سال بعد از آن
 پادشاه ناپولی را گرفت و دو پسر داشت و یک دختر بسیار
 مرده اند و حال دخترش وارث تاج و تخت است و این
 پادشاه همش دان پذیرا است و تند قد و تنومند است

۶۰۳

در اتومات قرار گیرد امر شکل درین کار این بود که زارعی غلام و کنتز
 سپاه بودند و چونکه در آنجا تلف می شدند هر سال از آنجا
 که مغرب زمین غیر سیامندی آورد پس لابد و لا علاج بودند که
 زارعی و دیگر بجای آنها بیادشاه و امینای دولت تدبیر کردند
 که رعایا از مالک فرنگستان که پرا باند با آنجا میاوردند و بطور
 رفتار و سلوک خوب نمودند که بسیار رعایا از مالک فرنگستان
 آمدند و در آنجا سکنی گرفتند حال می بینند که اینها کارزار
 همین از غلام کنتز سپاه بر راه میزند پد این پادشاه که اسم
 او نیز در آن پد و اول بود مرد صاحب تدبیر و صاحب فهم
 و کفایت بود و پسرش نیز مانند خودش صاحب فهم و
 ذکاوت و فطانت است اما اگر کسی بخواهد فهم و ادراک
 این پادشاه را مفضل لغوی با بد تاریخ مملکت بر این
 از ده سال پیش ازین الی امروز بخواند

در روزنامه اسلامبول که در زبان فرانسه چاپ میزند
 نوشته اند که مدتی که دزدی غریب با دستنه از
 دزدان که تابع او میباشند نزدیک بشهر اصبه میزدند
 بسیار سعی و کوشش کرده اند که او را بگیرند و از آنجمله که چند
 وقت بود که در آنجا دزدی شده بود خیال میکردند
 که این دزد که مشهور به سبکی قاطرچی است چون دیده است
 که نظام آنجا سخت است و کارش پیش نمیرود از دزدی
 آن صفحات دست کشیده است و لکن درین روزنامه
 ناچروکس بدست دزدان مرزور افتاده است
 و خبر با تو امش فرستاده اند با مشتاد هزار فردش
 که هزار و شصت تومان پول ایران است نیز دزدان کبیر
 که او را محض ناسید با او را خواهند کشت

اعلانات

از جمله قشونی که دولت انگلیس از هندوستان بملکت
 که در آنجا جنگ دارند فرستاده اند از طایفه سیخ
 پنجاب اند که سابقا صاحب ولایت مملکت پنجاب
 بودند و جنگ سخت بدولت انگلیس کردند اینها خود
 این اوقات داد طلب شده اند که بجنگ برمد
 بروند براه خشکی از پنجاب بشهر لکناور رفته اند که پای سخت
 مملکت عود است و در آنجا پنجاه و زعد کشتی کویک حاضر
 کرده اند و در سرکی میت و پنج نفر از قشون سیخ پنجاب
 نشسته اند غیر از کشتیها که کشتیها را راه میزند و این طور
 برود خانه کبچ خوانند رفت تا بشهر کلکتا برسد در آنجا
 بزرگ سواری شوند و از بحر محیط میگذرند که برنگون مملکت
 برمد خوانند رفت

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید با	مجمع البیان	شش تومان	۲۰۰
اسناد دارالطباعه این روزنامه در محله نزدیک	تفسیر امام عسکری	یک تومان	۱۰۰
دروازه دولاب الطباع شده از این قرار ختم می شود	شاهنامه	چهار تومان نیم	۴۰۰
	معراج السعاده	دوازده هزار	۱۲۰۰
	ختم نظامی	نه هزار و سیار	۹۰۰۰
	جوهری	شش هزار دینار	۶۰۰۰
	سالک	شش تومان	۶۰۰
	مدارک	سه تومان	۳۰۰
	کشور	هفت هزار دینار	۷۰۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه بیست و پنجم ماه ربیع الاول مطابق سال سچخان ۱۲۶۹

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر از چهار سطر بهر روز

بیشتر شد بهر سطر پنج سطر



نمره صد و یکم

قیمت روزنامه

یک نسخه و پشهر

یک ساله دو تومان و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه هفتم این ماه که یوم مولود مسعود حضرت خانم الانبیا صلی الله علیه و آله بود اعلیحضرت پادشاهی با سلام عام دادند و تمامی چاکران در جایون بقاعه متعارف هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب حضور مهر ظهور شرف و انی گردیدند و چون این عبد ملتی در میان اسلام بسیار عزیز و مبارک است و عموم اهل اسلام ازین عبد سرور و شادمانی دارند اعلیحضرت پادشاهی قبل از انعقاد سلام نیز حکم به شلیک توپ فرمودند و بعد از انقضاء سلام دیوانه بیخارت سر در ب دیوانه مبارک که تشریف آوردند در میان ارک نظام توپچی و زنبورچی و سربازان صف کشیده و عموم خلق از وضع و شرف دریدند ارک بجهت زیارت وجود فایض الهی پادشاهی مجتمع بودند و اسباب عیش و شادمانی فراهم آورده از زیارت وجود مبارک آثار مسرت و خورسندی نمودند و این روز مبارک را بهینت و خوشحالی گذرانند

و چون این عید از سایر اعیاد کرامی تر است و بدو دیگر نیز یکی در حین انعقاد سلام بزرگ و دیگری هم بعد از آن نموده شد جناب جلالتآب وزیر مختار دولت بهیه روسیه روز یکشنبه بیست و یکم این ماه با تمامی اجزای سفارت از برای تنبیت منسوب شدن نواب مستطاب معین الدین میرزا بولجهدی دولت ابد مدت ایران و هم از برای اذن گرفتن از اعلیحضرت شاهنشاهی شرفیابی حضور نواب ولجهد حضور مهر ظهور هایون مشرف شدند و پس از مرضی از حضور هایون باذن و اجازت اعلیحضرت شاهنشاهی در حالتی که جناب جلالت نصاب صدر عظم و جمعی از شاهزادگان عظام و اجد چاکران در بار پادشاهی در خدمت نواب مستطاب ولجهد مشرف بودند ایشان با تمام اجزای سفارت مشرف شده کمال احترام نسبت بایشان مرعی شد

عالیجاه منزه المحضه انخافانیه حاجی میرزا محمد خان کار

۶۰۵

سابق دولت علیه مقیم حاجی ترخان در مدت توقف آنجا
 حرکت کرد و از عمده خدمات محوله و مراقبت احوال آنجا
 و تبعه دولت علیه حسن استواری با کما شکران دولت
 رؤسای بخوبی برآمد و بعد از مراجعت بر کاتب حضرت انستاب
 مورد محبت خاطر اقدس هایون پادشاهی گردید از آنجا
 مراتب قابلیت دریافت عالیجاه شاره ایه اقتضای برتری بر
 و مقام را داشت لکن درین اوقات منصب نیابت اول
 وزارت امور خارجه مفتخر و سرفراز شد و فرمان مسایلو
 و خلعت مرطعت عالیجاه شاره ایه محبت و عنایت گردید
 چون عالیجاه مجد شاره قنبر علیخان حاکم تبریز در ایامی که
 ناخوشی و باد رشر تبریز و نواحی آنجا بروز داشتند و بافته
 بود موافق اخباری که تفصیل آن در ضمن روزنامه آذربایجان
 که در همین روزنامه در انخلا چاپ زده میشود در شهر
 مانده بی آنکه حرکت بجائی بکند و خلعت از خدمت نماید و لازم
 نظم شهر و خدمتگذاری دیوان اعلی مشغول شد و انهمی
 در نظر اقدس هایون و خدمت اولیای دولت روزانه
 مستحسن مطبوع افتاد لکن یک ثوب جبهه زرمه برسم خلعت
 از جانب سنی ایوانب هایون برای عالیجاه شاره ایه
 مرحمت و عنایت گردید و بحق خدمات و ثبات قدم عالیجاه
 مشارالیه در خدمتگذاری زیاده مقبول طبع اقدس
 اعلی افتاده است سایر ولایات
 آذربایجان از فراریکه در روزنامه آذربایجان
 نوشته شده بود در حسن مراقبت عالیجاه قنبر علیخان در
 عنایت اهل تبریز که بسبب ناخوشی اکثر آنها خارج شهر و بی

حول و خوش آن و بلوکات و مجال آذربایجان قریه بود
 بهیچوجه در مال آنها عیب و نقصی بهم نرسیده است
 و این اوقات که مردم بسبب رفع و تخفیف ناخوشی
 با و طمان و خانهای خود مراجعت کرده اند هر کس هر چه در
 خانه و دکاکین خود داشته است عیب و نقص نگردد
 نواب مستطاب شانزاده والا سبب رحمت الدوله
 صاحب اختیار مملکت آذربایجان در ایام اشتداد
 ناخوشی در تبریز و حول و خوش آن بقراب و اع رفقه بود
 و عالیجاه مقرب انخاقان میرزا محمد قوام الدوله همه جا با
 نواب مغزی الیه بوده اند که خدمت معامله دیوانی تعلق
 نیفتد عالیجاه مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام
 با عالیجاه قونسول دولت بهتیه انگلیس و میرزا مصطفی خان
 مباحثه هم خارج آذربایجان در اردو می نمودند و عالیجاه
 قونسول ژنرال دولت بهتیه روس هم که بسبب
 ناخوشی چند ماه بود در اردبیل توقف داشت بعد از خد
 ناخوشی بار دبیل از آنجا بجال سلسله رس رفته بود
 این اوقات که ناخوشی و با آذربایجان رفع شده است
 نواب مستطاب رحمت الدوله صاحب اختیار مملکت
 آذربایجان و مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام
 سایر کارگذاران امور دیوانی آنجا معاودت کرده هر
 مشغول خدمت محوله بنحو هستند
 از سایر ولایات آذربایجان درین صفت اخباری بود
 که در روزنامه نوشته شود و اگر خبری برسد در صفت
 آئینده نوشته خواهد شد

۶۰۶

دارالمرز

درین مهفته از نازندان و کسبان اخباری که در روزنامه نوشته شود نبود

فارس

ازین ولایت نیز درین مهفته اخباری که در روزنامه نوشته شود بمبب اشرفین روزنامه نرسیده است

خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته شده بود امر آنجا از استقامت اویسای دست

علیه قرین کمال نظم و انضباط است و امر قشون آنجا هم از هر جهت مضبوط و منظم است

و در کمال نظم حرکت می کنند و امالی شهر مشهد مقدس کمال رضامندی از حسن سلوک افواج

دارند و یک نفر سلطان بابت نفر سر باز فوج خلیج روز ناد و کوچ و بازارها گردش می کنند که کسی با

کسی بخلاف قاعده و نظم حرکت نکند

دیگر نوشته بودند که چندی قبل ازین چند بار شتری پوست بخارانی بارض اقدس می آوردند

شخصی صاحب یکبار از آنها بوده که تخمینا بار او چهار صد تومان مهیت داشته است بار فرود

در بیرون شهر بخانه شخصی تمجوری سپرده بوده است که بعد بارض اقدس بیامورد یا بجای دیگر بر داز خا

ان شخص تمجوری بار پوست او را سرقت کرده بودند مراتب بعضی نواب مستطاب شاهزاده و الایثار

حسام السلطنه والی مملکت خراسان رسیده بنزد عالیجاه محمد رضا خان تمجوری فرستاده و ما

ستروقه را از او طلب و حتما خواسته بودند شد پس نیز مهلت خواسته و ده نفر سوار بتفحص مال مرزور

فرستاده بود سوار ما رفته از خانه آن شخص تمجوری رد پای دزد را برداشته تا بجای از چاهای قنوا

که در آن نزدیکها بوده است برده و بار پوست را در آنجا یافت بودند برداشته بجنور نواب شاهزاد

حسام السلطنه آورده بودند نواب مغزی لمیه نیز صاحب مال را خواسته و مال او را بدون کسر نقصان

بعینها تسلیم او نموده بودند و بان ده نفر سوار تمجوری که پیدا کرده بودند تقریبا پنج تومان از خود

انعام داده و قد غر بپزوده بودند که از صاحب مال مطالبه خدایا بهیچوجه ننمایند

دیگر نوشته بودند که سر بازی از فوج مرغانه همیشه او قاتل در ارض اقدس مصدر هرزگی و شرارت می شده است

و بکرات او را تنبیه نموده و توبه داده بوده اند و باز با مردم بنای بی حسابی و ابحاف گذاشته و این قبیهات با او

فایده نمیکرده است تا این دفعه که کلاه شخصی را برداشته و حاشا کرده بوده است صاحب کلاه بنزد عالیجاه اسکند خان سرنگ

عرض کرده بود فرستاده بود سر بازار آورده بودند دیده بود این جان سر بازار است که بکرات تنبیه شده است کلاه را از او مطالبه کرده

حاشا نموده بود گفته بود او را بتاریخانه بسته بودند کلاه را از او برگردانند و نشانی داده بود رفته آوردند و حبس تسلیم شد و آن سر بازار تا

رزه و تبر اول انداخته بود بعد از دو روز سر بازار مرزور فرستاده شد

عراق

اصفهان از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته شده بود و فوج جدید که از دربارها برون محض شده بود در غزه شهر ریح الاول وارد آنجا شده اند و در منزل عرض راه با کمال نظم و قاعده حرکت کرده اند و بجای حاکم معلوم فرنگی که مامور مشفق دادن افواج آنجا بود همه روزه در میدان نقش جهان اصفهان مشغول مشق دان و تعلیم افواج

قزوین

از فرار یک در روزنامه قزوین نوشته شده بود و آنجا از حسن مراقبت و کفایت امیرالامراء العظام مقرب آنجا خسر و خان والی و حاکم قزوین در کمال نظم و انضباط و مردم قرین رفاهیت و اسودکی هستند و خلاف قاعده بسیار کم میشود و اگر بندرت خلاف قاعده از کسی صادر شود مقرب آنجا خان مشارالیه بمقام رفع و تنبیه مرتکب برمی آید از جمله نوشته بودند که شراب خورد در محلات قزوین زیاد شده بود و نفر از معارف آنجا شراب خورده بودند مراتب مقرب آنجا خان مشارالیه معلوم شد حکم تنبیه و ترحمان کردند و قرار دادند اگر بعد ازین کسی خورده مرتکب هرزگی شود هزار چوب تنبیه داده توان

یزد

از فرار یک در روزنامه یزد نوشته شده بود و قورخا دار و نقد یزد نسبت با مالی آنجا بی اعتدالی نموده و بعضی صادرات که معمول نبود بکسب و اصناف آنجا حواله می نمود مراتب در ضمن روزنامه یزد بعضی جناب محبت و جلالت نصاب صدر اعظم رسیده با امیرالامراء العظام

مقرب آنجا خان سردار حکمران یزد و کرمان و موسم چنین بجایگاه میرزا مطلب نایب الحکومه یزد نوشتند که بمقام ری بی حسابی او برآید و آنچه از مردم بخلاف قاعده گرفته اند تا دینار آخر استرداد نموده رد نمایند از جمله نوشته بودند که از شخص کبری سحر مایک شراب خورده جریمه گرفته اند از آنجا که قرار دولتی بر این است که تبخه دولت علیه ایران در هر جا و از هر مذهبی که باشند بطریق آزادی راه برود و کسی را با مذنب و ملت و طرز و طور معمولی خودشان جز

نباشد درین باب بم خدمت جناب جلالت مآب صدر اعظم نوشته بودند و نوشتند که بدار و غه مرزبوره قدغن شود که بعد ازین متعرض تبخه بلبل مختلف نشود و ترحمانی که از آن شخص کبر گرفته نام و کمال دینا

ارسا یرد لایات عراق درین هفته اخباری نمود که در روز کزت نوشته شود و اگر خبری برسد در هفته آینده نوشته

کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته شده بود سنگ داد و سنگ کسبه و اصناف آنجا فی الجمله اختلافی نوشته امیرالامراء العظام مقرب آنجا خان محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بر این کیفیت اطلاع یافته قدغن نموده اند که سنگهای کسبه را از روی سنگ صرا آنجا که بی اختلاف عیار بگیرند و بهمان وزن و عیار خرید و فروش نمایند و در اوزان سنگهای خود اختلافی نگذارند و موسم چنین اجناس ما کولات را قدغن شده است که اوزان بفرستند و کرمان بفرستند

کرمانشاه

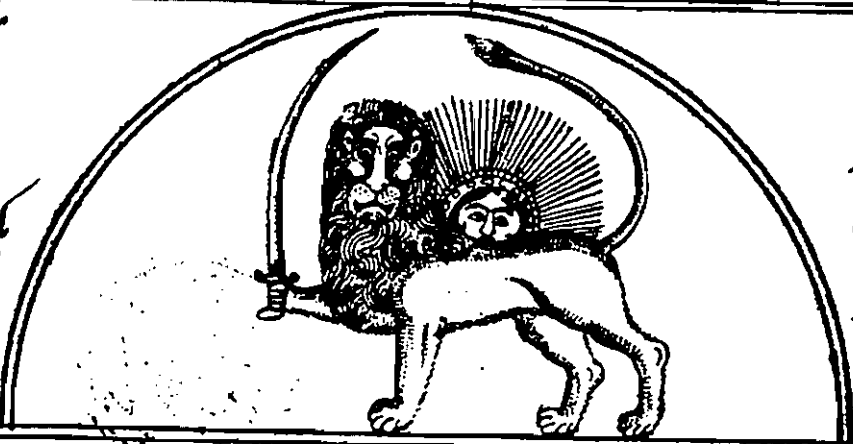
درین هفته از کرمانشاه اخباری که قابل روزنامه باشد نبود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه هشتم ماه ربیع الثانی مطابق سال سپحان میل ۱۲۶۹

منطبعة دار اخلاق طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الحادریه
بیشتر با هر سطر



نمره صد و دوم

قیمت روزنامه

یک نسخه دیشی

یکتاریت و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار اخلاق طهران

در روز یکشنبه بیست و هشتم ماه ربیع الاول اعلیحضرت پادشاهی زیارت حضرت شاکه نژاده عبدالعظیم علیه آلاف التحية والثناء تشریف بردند و بنا بر رویه اعلیحضرت صرف فرمودند و بعد از زیارت از راه فرود مراد حضرت فرموده عصرانه و چای در باغ دولت آباد صرف فرمودند و نزدیک بغروب آفتاب بجمارت ارک دار اخلاق مبارکه که مقر سلطنت عظمی است مراجعت فرمودند

اولیای دولت قاهره اوراحب الاشارة العلیه بمصبوبت بیاست کل اصطلیل خاصه و البقی وغیره سرفراز و دراز از منصب نوبور خلق آفتاب طلعت در وجه او مرحمت و عنایت گردید

چون متعلین مدرس دار الفنون بوفایه کما با کمال شوق بر مساعی و استقام خود می آید ایند لازم آمد که اسامی بعضی از آنها که خوب ترقی کرده اند در روزنامه نوشته شود تا موجب ترغیب و تحریک دیگران آید از آرزو آرزو لغزش کرد آن مخصوص میرزا ملک معلم هند است میرزا احمدی

نظر بر استبداد استکداری مقرب الخاقان عیسی خان و الی کبیران و ظهور محنت ملوکانه در باره او در روز عید مولود مسعود حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و سلامه علیه و علی آله الطاهرین از جانب سنی انجمن اعلیحضرت پادشاهی با عطای یک قصبه ششم مرصع از شیرهای خاصه معزز و سبای گردیده و بجهت او انقاد شد

قائمی و میرزا علی اکبر برادر میرزا حسن مندرس بسیار خوب و میرزا رضی کردستانی و مرتضی علی آقا که بهای الدین آقا علاء و بر علم پیاده نظام نزد مشاور الیه خوب ترقی کرده اند محمد حسن خان لیر که چک مقرب الخاقان حاجت با صغیر سن مورد تحسین متعلین و شوق متعلین شده در علم پیاده نظام بستان و منصب مفتخر و در زبان فرانسه که نزد عالیجاه مشاور الیه میخواند از همه بهتر است چنانچه

میواند بزبان فرانسه حکم نمود معلم تو چنانچه بجهت اطلاع اعلیحضرت پادشاهی

۶۰۹

دولت نعلیه از خدمات او شرحی مفصل از مراتب تحصیل
 شاکردان خود نوشته چون در روزنامه سابق ذکر
 شد اجمالاً نوشته میشود میگوید که در مدرسه بزرگ توپخانه
 پوزیسار مدرسه نظامی شاکردان توپخانه علوم ریاضی را که
 درین یکسال با وجود تعطیلات ماه رمضان و غیره شاکردان
 من تحصیل نموده اند در سه سال تحصیل مینمایند
 علوم رایج آن است که طوطی و آرا مویخته باشند بلکه هر
 علمی را تحقیق با ادله و براین گستاخی بخاطر خود نوشته
 دست دارند و میگویند که الحق این خدمات باستعداد
 میرزا زکی مترجم است و بدون زحمات او این
 خدمت انجام نمیکرفت و امید دارم که اگر بهین نوع
 کار کرده شود تا سه سال دیگر صاحب منصبان قابل
 از مدرسه بگردن بیاید و دوسه هفته است که توپخانه
 رکابی را خود و شاکردان قابل او شوق میدهند
 و تغییر کامل در شوق آنها پیدا شده است و این جناب
 شاکردان او که ترقی ایشان در مرتبه اول است
 نوشته میشود باقی نیز بعد ازین نوشته خواهد شد
 محمد حسن خان پسر سپهبدار محمد صادق خان و دلچسپ
 قاجار میرزا فضل الله ولد میرزا محمد حسین دامغانی
 محمد قاسم میرزا نوه مرحوم محمد علی میرزا مصطفی قلیخان
 برادرزاده محمود خان کلانتر شاکردان پیاده نظام
 بسعی عالیجاه قولونل و استمداد حاجی شیخ محسن مترجم
 بسیار خوب ترقی کرده اند چون قولونل درین دو هفته
 کیفیت درس و مراتب شاکردان خود را ابلاغ نمود
 در هفته آینده نوشته خواهد شد

۶۱۰

شاکردان موسی فکنتی معلم فربک یعنی علم طبعی و دوا
 سازی با استعانت میرزا رضای مترجم در درس
 خود ترقی کرده اند چنانچه دو نفر از آنها قابل آنند که اسم
 آنها نوشته شود یکی میرزا کاظم ولد میرزا احمد محلاتی و یکی
 باقر خان ولد دادستان شیرازیت و علم فربک بسیار
 شریف و ماخذ و مبنای حبیب تعبیه او صنایع غیر
 فزحکان است چندی قبل ازین بشاکردان خود این مسئله
 درس میگفت که دو فلز مختلف در وقت اتصال ایصال
 قوتی می کنند که آنها غریبه از ان منبعت میشود از جمله
 تحریک اعصاب حیوانات است چه مرده و چه زنده
 چون الماس را شاید بر تحریک اعصاب حیوانات
 زنده آورد و از برای تحریک اعصاب مرده قربانچه
 کشته پوست کنده پسلی از مس او سخت و کثیر
 آهنی را بسبب اتصال داده سرد دیگر اما ملاقی اعصاب
 قربانچه میزند قربانچه متوحشان دست و پامیزد چنانکه
 گویا زنده است

از شاکردان حکیم پولاک میرزا علی نقی ولد آقا اسمعیل
 و میرزا محمد صادق افشار و میرزا حسین ولد میرزا آقا بزرگ
 طهرانی و میرزا رضا ولد مرحوم حاجی میرزا مقیم و جدیخان
 زیاده از سایر ترقی کرده اند و سایر نیز بتفاوت
 خوب اند و از پنج نفر شاکردان عالیجاه حکیم کلک که بدست
 در نزد حکیم پولاک درس میخواند میرزا سید علی است
 که طب ایرانی را دیده بقواعد فربکی پرداخت و سابقین
 و در مدرسه سوای درس طب فربکی مشارالیه شاکردان
 شرح لغت و قانونچه درس میگوید و حاجی میرزا محمد علی در

علم و عمل ساختن جوهرات فرنگی مهارتی بهم رسانده
 و میرزا محمد حسین ولد میرزا احمد تنکابنی بسیار خوب است
 و این اشخاص سعادت یکدیگر از قرائت تحصیل جوهرات
 فرنگی را خوب ساخته اند
 تک فرنگی اقسام مشتمل سلفات دورنگ است
 اکید دورنگ سلفات دو فراسند دو پوتاس
 سرد دو فراسند دو پوتاس نه ادرجان
 که بنام دو پوتاس
 شاکردان موسیوریشاد معلم زبان میرزا داود خان
 پسر جناب جلالت تاب صدر اعظم که در خانجای
 معظم الیه درس میخواند با صد سن کمال دکاوت
 و فطانت را دارد با اینکه اندک زمانی است شروع
 نموده خوب ترقی کرده است و جعفر قلینجان پسر عالیجاه
 رضا قلینجان و حبیب الدخان ولد نصیر خان نیز که در
 درس میخوانند بسیار خوبند
 چون از معظلات امور تربیت سپاهی و امیدواری
 رعیت یکی بنیای مرصخانه است که مدتها بود در ایران
 متروک شده بود و این اوقات اولیای دولت
 قاهره بحکم محکم مایون بنا کرده اند و فواید کثیره ازین جهت
 در رعیت میرسد از غزوه ماه ربیع الاول سال گذشته
 تا اواخر این ماه گذشته بگذارد و دست و پاهای
 نفر مرصیف بمداو و معالجه عالیجاه میرزا محمد ولی حکیم باشی
 نظام در مرصخانه معالجه شده بکمال صحت بیرون قیام
 از غزای هم هر کدام استطاعت ندارند بحکم اولیای
 دولت قاهره مرصخانه برده مشغول معالجه میشوند و تدارک

چهار صد نفر از رحمت خواب و سبب آلات و سایر
 ملزومات الآن در آنجا حاضر و هر روز استهرا در آنجا
 طبع میشود حکیم باشی نظام بادوسه نفر شاکرد و چند نفر
 از اطبای فرج هر روزه تا حوالی عصر مشغول مداو و خدمت
 محو که بخوبی هستند و اهل مرصخانه کمال رضامندی از
 و بسیار شریف مرصخانه دارند و او هم هر چه لازم میشود حکیم
 میدهد و تفصیل کسانی را که معالجه شده اند از کدام
 در اخبار مخته آینده نوشته خواهد شد
 در اخبار شهر نوشته بودند که در شب دوشنبه
 ریح الاول نصف از شب گذشته در طویل عالیجاه
 قریب ده دو آرزو اسب سبته بود ابتدا از سقف
 طویل قد ری خاک ریخت و بر در ریزش خاک ریخت
 شد اسبها وحشت نموده افتادند را را پاره کرده اند
 طویل بیرون آمدند و دو نفر همتر نیز از عقب اسبها بیرون
 آمدند بیک مرتبه سقف طویل بجای خراب شد و همچو جبهه
 مال و آدم رسید
 دیگر در محله عود لاجان کلخن تاب حمام مرحوم بابا علیخان
 یک جوال سوخت بدوش کشیده روی بام حمام
 راه میرفت ناگهان عقلت بر روی قبه سقف حمام بر زمین خورد
 قبه و شیشهای حمام خراب شد و کلخن تاب تا کربان
 حمام آویخته فریاد کرد و او را بالا کشیدند قدری شیشه و کلن
 که بیان حمام ریخته بود بسرد و نفرزن آمده و سر هر دو
 شکست بطوریکه بهوش شدند بعد آنها را آنجا خودشان
 برده و بمجا بجا آنها اقدام نمودند هر دو خوب شدند و
 همچو ام عیب کردند

۶۱۱

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته بود خلف مهر طلعت که از جانب سنی بجواب اعلیحضرت پادشاهی تجیه نواب سناطاب هر ده حشمته الدوله صاحبان مملکت آذربایجان مرحمت و انفا و شده در ششم ربیع الاول که خلف حایون رسید بود نواب معزی الیه استقبال نموده و در دیوانخانه ریب پرودوشش مفارقت و مباحثه کرده بار سلام عام داده و شیلک توب نموده بود

دیگر نوشته بودند که درین اوقات که ناخوشی و با از تبریز رفع شده و کسانی که بیرون رفته بودند با وطن خود مراجعت کرده اند نواب حشمته الدوله عالیجاه قبه علیخان حاکم تبریز حکم نموده اند که از که خدایان محلات ثبت اسامی کسانیکه از این ناخوشی فوت شده اند بکبره که معلوم بشود چه قدر آدم تلف گردیده است

فوج نصرانی با اتفاق عالیجاه جبریل خان در پنجم ماه ربیع الاول وارد تبریز شده اند و مقرب انخاقان وزیر انظار تهنیه و تدارک آنها را دیده و از قراریکه نوشته بودند در دو از دهم ماه مزبور از آنجا عازم دربار حایون پادشاهی گردیده اند

مازندران و گیلان

درین مهفته اخباری ازین ولایت نرسیده است

فارس

ازین ولایت نیز درین مهفته اخباری که در روزنامه نوشته شود نرسیده است

خراسان

دوم چنین ازین ولایت نیز اخباری تازه که در روزنامه نوشته شود نبود

عراق

ششم از قراریکه در روزنامه ششم نوشته بودند امر آنجا از اتهامات اولیای دولت علیه حسن قیامت عالیجاه دو الفقارخان نایب قم و حاکم سواد و تنظیم منصب سوط است و عالیجاه پشار الیه لازمه است تمام را در انتظام امر آنجا بعمل می آورد و از هر کس خلاف قاعده صادر شود اگر چه جزئی باشد خود بدقت رسیدگی نموده بمقام رضع آن برمی آید از جمله نوشته بودند که شخصی از بخاری ده سیرمان خریده و در جای دیگر کشیده بود و سیر و نیم آن کم بوده است عالیجاه دو الفقارخان بعد از اطلاع بر این مستی تمبیه کامل کرده و بدکان دار دیگر قدغن نموده بود که بعد ازین بوزن کم و سنگ ناهش

چیزی نفره شدند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته شده بود درین روز در محله دارالطبیح ضعیفه بیک شکم سه دختر زائیده است و این معنی کاهی که اتفاق افتاد و تجربه نموده اند میگویند که دلالت بر طول عمر و از دیار شوکت پادشاه ان ایام می نماید

کرمان

ازین ولایت اخبار است که در مهفته آینده نوشته می شود کرمانشاهان اخبار ابوتولایت نیز در مهفته آینده نوشته می شود

اخبار دول خارجه

انگلیس ازین ولایت در روزنامه که این روزها
 خبری نبود که مدخلیت باطل دول خارجه داشته باشد
 مگر اینکه ترجمه شده است نوشته بودند که طلای بسیار
 از مملکت استرالیا آورده بودند چهار کشتی از مملکت استرالیا
 وارد شده بود و سه کشتی دیگر نیز نزدیک بود و در این
 هفت کشتی موافق حسابی که پیش فرستاده بودند در
 دست تجارتش شش کرو درودیت و هفتاد و چهار
 هزار و شصت و چهل و دو مثقال طلا بوده است که از مملکت
 مزبور در آورده بوده اند

در یکی از روزنامه های لندن نوشته بودند که ایلیجان
 دول فرانسه و روسیه و یونان و مینزل لاند
 ممبر بری وزیر دول خارجه انگلیس جمع شده بودند و بعد
 قول گذاشته بودند که نظمی در امورات مملکت یونان
 برضایت و صوابد یکدیگر بگذارند

دیگر نوشته بودند که از اعیان و صاحب منصبان
 فرنگستان درین اوقات بسیاری بشهر لندن آمده بودند
 که در دفن کردن دوگ و لنتین حاضر باشند و در
 تاریخ خیم ماه صفر اینها یکی بجنبه پادشاه مشرف شده
 بودند و پادشاه نسبت بانها کمال التفات و احترام
 نموده است و اهل انگلیس بجهت حرمت دوگ و لنتین در
 کردن او چنان طالب شده اند در اینجا حاضر باشند که
 در سه روز صد هزار کس بر آه آن و کال که بخار شهر
 لندن آمده اند

از جنگ دولت انگلیس با سیاهای رتس امیدوار

که کم مانده بود که این نزاع و جنگ تمام شود و امید داشتند
 که در اندک مدت نظم تمام در آن ولایت بگذارد

فرانس

در یکی از روزنامه های لندن در باب پادشاه شدن لوی
 در مملکت فرانسه باین منوال نوشته اند که بسیار
 در گذارش فرانسه که مردم آنجا که چند سال پیش ازین
 میخواستند قاعده آزادی برپا نمایند و آنقدر خو نری
 کردند و زحمات کشیدند که این قاعده و قانون سبب کرد
 حال راضی پادشاهی لوی ناپلیان شده اند بقلب امپراتور
 بتسلط تمام که هیچ اختیار بدست خلق نماند اما کینست

این است که آنها که لوی فلیپ را بیرون کردند و دولت
 جمهوری برپا نمودند مردمان ناقابل و بی پایه بودند که سواستند
 کار دولت را پیش میرند و بسیار مشهور بود که اکثر اهل
 فرانسه راضی بدولت جمهوری نبودند حال چاره دیگر
 در اینکه کار ولایت بی اقتشاش پیش برود نمی بینند

مگر اینکه لوی ناپلیان پادشاه فرانسه باشد خصوص
 مردمان صاحب املاک و با باجه و تجارت کسبه و دولتمندان
 که ضرر خودشان را در اقتشاش مملکت می بینند بجهت
 اینکه اموالشان بمعرض تلف نیاید و بالمره خراب نشوند
 راضی سلطنت لوی ناپلیان شده اند سابقا
 درین روزنامه ها نوشته شده است مردم چنان شده
 که اگر لوی ناپلیان پادشاهی برسد لا بجا و حکما و
 جنگ و نزاع مابین دولت فرانسه و دول دیگر برپا
 حال از طوری که می بینند کمان بنک ندارند گذارش
 دول فرنگستان چنانست که اگر فرانسه در سرحدات

دول فرنگستان چنانست که اگر فرانسه در سرحدات

خودشان جنگ نمایند که خاک خود را زیاد نمایند ضرر زیاد
 خواهند کشید و اکثر اهل فرانسه طالب جنگ نیستند و هر
 خودشان از بروز شمشیر زیاد کردن از برای فرانسه بسیار
 امر مشکل است و چیزی است که پیش نخواهند برد و در خصوص
 کم کردن قشون فرانسه در روزنامه نوشته اند که مملکت
 فرانسه حال چنین شده است که نمیتوان گفت که کلاً اهل
 قشون اند زیرا که از کل مردم قشون میگیرند که حکماً و جماعاً
 باید چند سال خدمت بکنند و بعد از آن مستخلص باشند
 اما در هنگام ضرورت همه این قشون را میشود دوباره
 بیرون آورد و بجهت جنگ بکار انداخت اما کم کردن
 قشون در فرانسه علامت خوبی است ازین جهت که معلوم
 میشود که آن دولت میخواهد اهل دول و بکر را مطمئن نماید
 و خاطر جمع باشند که اهل فرانسه در خاک خود آرام
 خواهند گرفت و مشغول آبادی و نظم دادن در ولایت
 خود میشوند و رفع ضرر روزیان چند ساله اغتشاش را خواهند
 نمود و از همینکه لویی ناپلیان پادشاهی فرانسه را
 قبول کرده است بکردن او حجت شده است که موافق
 شروط عهدنامه که دولت فرانسه با دول دیگر دارد
 رفتار نماید
 روزنامه از خود مملکت فرانسه که تاریخ او تازه باشد
 زسیده است و این اخبار از روزنامه روس نوشته شده
 و لکن در روزنامه دیگر چاپ زده اند که لویی ناپلیان پادشاهی
 فرانسه برقرار شده است در روز چهارشنبه سیم ماه
 ربیع الاول که موافق حساب فرنگی پانزدهم دسامبر
 هزار و شصت و پنجاه و دوی تاریخ عیسوی است

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در ایام
 برقرار کردن لویی ناپلیان پادشاهی آن ولایت یعنی
 مردم همان اغتشاش میزدند و لکن بدون آشوب و اغتشاش
 با کمال نظم در پاریس پایتخت فرانسه و در سایر شهرها
 آن مملکت گذشته است معتمدین آن مملکت که اخراج
 بله هستند و بشهر لندن پناه آورده اند در همانجا جمع
 شده اند و در خصوص پادشاهی لویی ناپلیان و موفق
 داشتن جمهوری به بحث و مشورت کرده اند و گفته اند
 چونکه لویی ناپلیان دولت جمهوری و قاعده آزادی را بر
 زده است واجب القتل است و هر کس او را بکشد کار
 ثواب کرده است و این گزارش را با لیبیان کل دول
 خارج مقیم لندن اعلام کرده اند

استریه

دقیقت که دو دولت بزرگ است که استریه و پروسیه
 میباشند و در خصوص بعضی از مطالب گفتگوی مخالف
 دارند از بعضی ممالک منتهی المپچیان بویته پایتخت
 استریه فرستاده اند و حرف و مصلحت و قول آنها
 در خصوص نظم دادن مملکت منبکی شده بود و چون
 شده بودند و لکن دولت پروسیه و بعضی از ممالک
 دیگر با دولت استریه بحث و مخالفت دارند
 المپچی از دولت منبکی و نیای شمالی که در وین پایتخت
 استریه بود ولایت خود شرفته بود و لکن المپچی دیگر
 بنا بود بجای او بیاید و منتظر آمدن المپچی مزبور بودند و گفت
 المپچی از جانب امپراطور استریه منبکی و نیای شمالی خواهد رفت

۶۱۴

که رفتار خوب و خوش سلوکی و انصاف مابین کل
 دول فرنگستان بشود و برسم خوردگی و مغایرت
 و حرف و بحث مخالفت موقوف گردد خیال ابله
 جمهوریه جناب برسم زدگی بود و لکن منظور لوی ناپلیان
 نخبه داری و نظم است
 پسر و سینه

در اجلاس وزرای این ولایت بعد از مشورت بنا
 قوشان متفقاً باین قرار گرفته است که قشون راقدری
 زیاد بکنند و از هر سبب تدارک جنگ میسند که
 آماده اتفاقیات باشند که اگر اتفاقی بیفتد دولت
 بی تدارک نباشد

در شهر برلین پامی تخت این مملکت در روزی که در
 دفن کرده اند شاهزادگان این مملکت و کل اعیان
 صاحب منصبان زیاد جمع شده اند و مجلس
 بقاعده خودشان بجهت احترام او برپا کرده اند

ساروینیه

مدتی بود که مابین این دولت و پاپای روم حرف
 و بحث مخالفت بود درین روزها نوشته اند که کلان
 است که گفتگوی خودشان را تمام بکنند و دوستی
 و دوست مابین آنها قائم و برقرار شود

رومه

از شهر روم نوشته اند که چند وقت پیش ازین بنا بود
 که قشون فرانسه بعد از برسم زدن قاعده جمهوریه
 و دفع اغتشاش و برقرار نمودن پاپا از ساحلوی آنجا
 مدخض باشند حال برعکس آن می نویسند و میگویند

در یکی از روزنامه های وینته پای تخت استریه نوشته
 که حال نزدیک است که قاعده پادشاهی باز در مملکت
 فرانسه برپا نماید سابقاً وقتی که در دولت فرانسه
 اغتشاش بود و پادشاه را بیرون کردند و دول دیگر
 دخل و تصرف در امورات فرانسه میکردند اما این بار
 اول است که سایر دول فرنگستان بیسوجه دخل و
 تصرف با امورات این ولایت نکردند لوی ناپلیان
 نخبه داشتن نظم در ولایت فرانسه و خاموش کردن
 نایزه اغتشاش در آن ولایت بسیار کار عمده و بزرگ
 کرده است بلکه در قوه کم کسی بود که چنین از عهده برآید
 و ازین جهت امید داریم که برقرار شدن لوی ناپلیان
 پادشاهی آن مملکت باعث خیر و نظم آن ولایت بشود
 که آرامی و امنیت در آن ولایت پیوسته و دائم الاوقات
 باشد و روز بروز آن ولایت در امورات داخله خودش
 کارش منظم بشود و پیش برود و دوستی آنها نسبت
 بدول خارج محکمتر و بهتر بشود بسیار خوشحال شدیم که
 لوی ناپلیان با آنها که دولت جمهوری میخواستند
 برسم زده است که فکر آنها فکر باطل و بی پایه بود و باعث
 خرابی ولایت می شد راجی که پیش گرفته است راجی
 و جان راه است که دولت فرانسه را از خرابی و خست
 سابق بیرون می آورد از آنچه امید داریم که لوی ناپلیان
 موافق عهد نامه که دولت فرانسه با دول خارج وارد
 نماید و کل عموم و شروط و فقرات آن عهد نامه را موافق
 حق و انصاف و قواری که گذاشته شده است نگاه بدارد

۶۱۵

که قشون مزبور در آنجا باید بماند سهل است که قشون دیگر نیز از فرانس با ولایت خواهند و ستا

سوئیس

از مملکت سوئیس نوشته اند که بنا دارند از شهر ژنیه که در آن مملکت میباشد اهل شهر لیسان که در مملکت فرانسه راه آهن چیده زد و کال که بخار سازند و هر دو دولت فرانس و سوئیس اخراجات آنرا موافق حساب و قرار معین بگذارند چونکه این ولایت کهستان است و موافق قاعده ساختن راه مزبور که باید مسوار باشد اشکال دارد اما از آنرا که بعد از ساختن راه مزبور منفعت یاف خواهند برداشت کمان مت که درین ایام ساخته شود

سنگی دنیای شمالی

چونکه ایام معین سخته مأمور کردن یکی از اهل این دولت بلقب پرزیدنت که تا مدت چهار سال بزرگ دولت جمهوری باشد نزدیک است مردم در بلوکات جمع میشوند و سخی و کوشش میکنند که بیکه پسند خودشان باشد تا این بزرگ دولت نمایند بحث سخت مابین اهل سمت جنوب این دولت و سمت شمال در باب گرفتن و نگاهداشتن غلام و کثیر سیاه است رعایای زراعت کار بلوکات سمت جنوب این ولایت که نزدیک بخط استواست و حاصلش بنه و شکر و سایر محصولات کرمبری است کلاً غلام و کثیر سیاه اند و منهای ظلم و اذیت از آقا بان خودشان می بینند خوراکشان بد و لباسشان بد است و آقا بان آنها درست با آنها مثل حیوانات انسی رفتار میکنند و اهل مملکت شمالی این دولت اینطور نگاهداشتن و اذیت دادن بنی آدم را

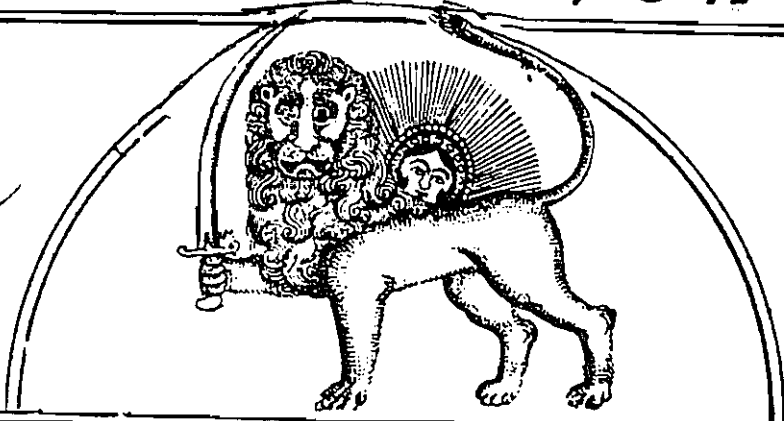
بسیار گناه و بد میدانند و پیوسته سعی و کوشش میکنند که قاعده نگاهداشتن غلام و کثیر موقوف باشد ازین جهت بحث سخت میان این دو تیره است و عداوت باهم دارند صاحبان املاک سمت جنوب چون رعایای خودشان کلاً غلام و کثیر سیاه اند اگر اینها آزاد باشند یا از دستشان بیرون بروند بجهت زراعت معطل و سرگردان میمانند و املاکی که حالا قهیمش بی شمار است تا آن وقت می افتد این بحث و گفتگو سجد می کشیده است که صحبت مسائلی است که ممالک جنوب این دولت از ممالک شمالی جدا شوند و در این یک دولت جمهوری متفق باشند و دولت جمهوری باشند اهل دولت نیکی دنیای شمالی مردمان عاقل و دانا هستند و این که زور در اتفاق است و دولتی نیست در روی زمین که مثل این دولت در اندک مدت تقدیر زرقی کرده باشد در یکی از روزهای این

ولایت درین خصوص نوشته اند که در باب نگاهداشتن غلام و کثیر بحث و معاربت لازم نیست این قاعده بتدریج خود بخود موقوف خواهد شد زیرا که اهل آن مملکت که از اولاد فرنگی و حساب ولایت هستند سال بسال زیاد تر میشوند و غلام و کثیر سیاه که زارعین پانچ سال بسال کمتر و سبب ضرب که می بینند و دلائل دیگر هر سال کمتر میشوند و کم کم تلف خواهند شد از ایجه صاحبان املاک کرمبر است این دولت چونکه از خارج غلام و کثیر سیاه آورد قدغن است لابد می شوند که مانند دولت برازیل و جزایر خط استوا که هند العربی نیز میمانند فکر زراعت خود را بکنند و رعایای زراعت کار در عوض این غلام و کثیر سیاه

بگیرند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه دهم ماه صیغ الثانی مطابق سال سیچان میل ۱۲۶۹

نزه صد و سیم
قیمت روزنامه
یکت بخود شیریکال
بیت چهار هزار دینار



مشیت و انخلاف طهران
قیمت اعلانات
یک سطر چهار سطر
بیشتر با هر سطر

احبار داخله مالک محروسه و شاهای

دار انخلاف طهران

در روز شنبه پنجم این ماه اعلیحضرت قوی شوکت
پادشاهی بکساعت از طلوع آفتاب گذشته
تشریف فرمای میدان مشق عساکر فابره که در خارج
در وازه دولت است شدند و تا یک ساعت افواج
منصوره مشق کرده از نظر انور گذشتند و بعد از آن
گشت و تفریح و شکار فرموده و امیر الامرا العظام احوال
بیرتیب الامرتزم رکاب نصرت شاد شده و سایر
خدم و چشم نیز در رکاب ظفر تاب بودند و بعد از تفریح
و شکار که بهای سمت و دلاب که شکارگاه خوب است
ز نزدیک بغرب آفتاب از در وازه دلاب بغیر و اجلا
تشریف فرمای ارک مبارک که گردیدند

و حسن رفتار او روز بروز کشف خاطر مایون گردید
و منظور نظر انور طوکانه افتاده بود که اداره امور خارج را
که دایر مابین این دولت علیه و سایر دول کامل بود
هم عهد و رسم جوار است در عهد چنین شخص پاک اعتقاد
بیغرض که در از دیا و روابط دوستی کوشش نماید کاملاً
باقی و برقرار گذارند لهذا مقرب الخاقان مشارالیه را
از قرار فرمان مهر لجان سما یون بمنصب خطیر وزارت
امور دول خارج و لقب جنابانی سرسلبند و با عطاکی
سه پارچه خلعت آفتاب طلعت مایون بدینجوب
معرزوار جند فرمودند

چون از وقتی که مقرب الخاقان میرزا سعید خان منصب
دبیری امور خارج سرافراز شده بود سواره مراتب
صدافت و ارادت خود را در نظر اقدس مایون
اعلیحضرت پادشاهی قلده الله ملکه و سلطانه و نوز
اولیای دولت علیه ظاهر نمود و مراتب خیر خواهی و بی

چون خبر فوت محمد خان مصلحت گذار سابق مقیم دار انخلاف
اسلامبول با ولیسای دولت علیه رسید عالیجاه
مقرب الحضره الخاقانیه حاجی میرزا احمد خان نایب دوم
وزارت دول خارج را که با و صاف درایت و فطانت
وامانت و دیانت موصوف بود اند در بار مایون

۶۱۷

بمنصب مصلحت گذاری واقامت دارا اختلاف اسلامبول
حب الفرمان نامزد و سرفراز فرمودند و مکتوب جنبه ترمیم
خلعت باو عنایت کردید که بزودی و چا پاری روانه دار
اسلامبول شود

احترام الدوله خالمیرزا در نظام امور عربستان
ولرستان و رفع و دفع مفستدین و اشرا را آنجا تقدیم
سار خدمات دیوانی در پیشگاه حضور مهر ظهور علیحضرت
پادشاهی معروض افتاده و بسیار تحسین و مقبول شده

و همچنین عالیجاه میرزا بزرگ قزوینی که سابقا پیشکار محرم
حاجی میرزا آقاسی بود بمنصب کارپردازی ارزنده الروم برقرار
گردیده و مکتوب جنبه ترمیم خلعت در حق مشارالیه حضرت
فرمودند و این روزها روانه خواهد شد

بودند امحضرت در باره نواب معنی الیه یک قطعه
شان مرتبه اول میربخکی با یک بند جامیل سرج سفید
که مخصوص آن مرتبه است با افتخار نواب معنی الیه حضرت
فرمودند و فرمان مهر لجان مبارک نیز درین باب

عالیجاه میرزا بیج مستوفی برود و وکیل نواب

شرف صدور یافت

والا بتبار احترام الدوله خالمیرزا در تقدیم خدمات محوله
بجود خوب از عهده برآمده و در بطریق خدمت دیوان از اذ
انما صداقت و خلوص عقیدت مشهود افتاده بود این روزها
نظر بطهور محنت ملوکانه در باره عالیجاه مشارالیه مکتوب
جنبه کرمانی طرح کشمیر اعلی از جانب شیخ جوانب علیحضرت
پادشاهی در باره او برسم خلعت مرحمت گردید

چون عالیجاه احمد خان نوانی کارپرداز سابق تعلیم در اوقا
ماموریت آنجا از عهده خدمات محوله بحد خوب برآمده
و بطریق معقولیت و حسن سلوک رفتار نموده بود و صداقت
او مقبول و تحسین خاطر اعلیحضرت پادشاهی افتاده
درین اوقات از جانب سنی ایچانب همایون مکتوب
جنبه ترمیم خلعت در حق عالیجاه مشارالیه مرحمت عطا

چون عالیجاه جانمحمد خان حاکم ارومی خوب از عهده خدمت
برآمده بود و در ایام انقلاب ناخوشی ارومی آنجا خوب
نظم و منتن نگا داشته بود مراتب خدمات او در
خاکبای همایون معروض و مشهود گردید لهندا محض ظهور حضرت
مکتوب جنبه ترمیم خلعت عالیجاه مشارالیه عنایت گردید

کردید
و همچنین عالیجاه میرزا ابوالحسن سررشته دار که در خدمات
محو له بجز در مراتب صداقت و راست فطرتی خود را مشهود پیشگاه
همایون و معلوم امنای دولت قاهره نموده بود درین
اوقات یک نوبت جنبه سلسله دار چهار کل برسم خلعت

نظر بطهور و فورم رسم ملوکانه در باره مقرب آنجا فان
نظام الملک درین روزها با اعطای یک نوبت نداد
ا بره ترمیم بطانه خزار طبوسات خاص قریب اعراض
گردید

باو مرحمت کردید
امورات قشونی
در منفعت گذشته کتبت مریض خانه دولتی اجالا مرقوم و مسطور
شده درین منفعت مفضلان نوشته میشود که از بیج الشانی

چون خدمات و استقامات نواب شاهراده والا

سال گذشته تا او اخر ماه بیج الاول امسال دو هزار و

۴

۶۱۸

دولت و سیست نغمه بجز بطلان عالیه

حاضر شده بعلیم عالیجاه کلونزل معلم کل درس جنگ میخوانند
و تا چهار ساعت در انجام وظایف این کار بستند

وزارت مرصه افواج

عالیجاه نتیجه الامراء العظام شیرخان ولد مقرب انخان خان

فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر

خان خانان چون از خانه زادان مخصوص دولت قاهره
و حساباً و سبباً یافت شمول التفات و محبت داشت

فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر

لنذا علیحضرت پادشاهی منصب نیرسی سواره سترابا
بعده او محمول و بخلعت افتاب طلعت مخلص و مقتر فرمودند

فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر

و بهر اسی عالیجاه آقا رضا خان نایب اجودان با سنی
حضور مایون شد

فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر

چون عالیجاه قاسم خان اباعنجه بمنصب ایل مکی کری
شامسون مشکین مضروب است و محض اینکه امر سواره عالیجاه

سواره نظام
عرب و قرا

مرزور نیز کمال نظم را داشته باشد و عالیجاه مشارالیه نیز
بکمال اهتمام مراقب امر آنها باشد سرکردگی سواره را هم

میرزا محمد ولی حکیم باشی نظام معاصج شده اند و اغلب آنها
امراض صعب داشته اند که با تمام مشارالیه چون است

اعلیحضرت پادشاهی بجای عالیجاه بیوک خان سپاه محبت و
واکد او فرمودند و حسب الامر مخلص شده با عالیجاه عبدحسین خان

صحت یافته اند چون تا این عهد مایون مرخص خانه در دولت
ایران متداول نبود لکن در اوایل مرضی را که با آنجا میبردند

نایب اجودان باشی شرفیاب حضور باهر النور پادشاهی
در مرضی گردیده روانه آذربایجان گشت که سواره را برده

میرفت و لیکن بعد از آنکه انواع نقذات و پرستاری و
معاصج میدید بعد از یافتن صحت با جبار پیردن می آمد حال

بر کاسب مایون بیاید
از آنجا که عالیجاه میرزا علی اکبر سرمنگ فرخان مبارکه فتنهای
و صداقت در تقدیم خدمات محو که خود ظاهر داشته و خاطر مبارک

بکمال شکر گذاری میبردند و در نهایت رضامندی و امیدوار
بیرون می آیند در همین هفته از فرار روز نامر حکیم باشی نغمه

از خدمات او راضی بود لکن محض حصول مزید افتخار و مباحث
او بکلیت احوال زمره برسم خلعت مشارالیه محبت فرمودند

معاصج شده بیرون رفته اند
چون منظور اعلیحضرت پادشاهی آنست که عموم رؤسای شکر

سار و لایات
درین هفته از سار مالک محروسه اخباری نمود که در
روزنامه نوشته شود مگر آنچه از روزنامه کرمان در گمان بود

از ادب علوم بحال استحضار داشته باشند لکن
بر حسب امر قدردان میران پنج و تیر سپان و نمایان نظام

اجودان باشی و سرمنگان افواج قاهره بعد از فراغ ایشق
بیرون دروازه دولت کلا در درسه دار الفنون

فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر
فوج ۱۰۰۰۰ نفر

۶۱۹

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان که درخست گذشت رسید
نوشته بودند که در ماه صفر خواجه طبرکس و قاین آدمی نزد
امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
فرستاده و نوشته بودند که دو دانگ از بلوچ که صاحب
خود بلوچها مرد انکی عبارت از بغداد نفر باشد برای تا
دناز طرق و شوارع از بلوچستان حرکت کرده اند لکن
غیبت کجا دارند و کجا ام طرف رو خواهند آورد معلوم
و بجابراین مترددین باید قدغن شود که در هر کجا که باشند
چند روز توقف نمایند پس از وصول این خبر سردار
عالیجاه شیخ علی خان نایب الحکومه را بادولت نفرستاد
مستعدان مورد اعتماد است که بتحصیل بلوچها برودند از قراریکه
نوشته بودند مورخ خبری از آنها رسیده است و زوایا
و قوافلی هم که بارض اقدس رفته بوده اند در همان
روزنامه رجعت کرده اند و در دایره ایات و ایالتی
رسیده و صحیحاً سالماً با دطان خود وارد گردیدند

چنانچه در روزنامه گذشت نوشته شده بود در سکنهای
اوزان کرمان که اختلاف بوده است امیر الامرا العظام
سردار قدغن نموده بود که همه را از آن بیک عیار ساخته
که بعد ازین کسی بوزن کم چیز نفرودند و اجناسی هم که
کران بوده است هر یک را با مقتضای وقت قرار می
داوه و ارزان نموده اند از جمله نان چند سال بوده است
که بیک قرار فرودخته می شده است این اوقات لکن
صد و بیار تنزل داد و وارزان نموده اند جماعت خبانه

انجا تصور اینکه رشوقی برهند و نان را بهمان قرار سابق
بفروشند مسلمانان که افسوسگش او رده بوده اند قبول
نکرده و قدغن نموده است که بهین قیمت که قرار داده است
فروخته شود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته شده بود
نواب شایسته برادره عماد الدوله حکمران کرمانشاهان در
نظم ولایت و قشون مسواره نهایت مراقبت را بعمل
می آورد و اگر از قشون یا رعیت ندرتة خلاف قاعده صادر
شود بجزد استحضار بمقام رفع آن برمی آید از جمله از قراریکه
نوشته بودند این اوقات در میان دو سه نفر از
نویسچیان زراعی اتفاق افتاده بود نواب معزی الیه آن
خواسته و هر یک با ضد تازیانه زدند و تسمیه کامل بعمل
آوردند که من بعد احدی از انواع نتوانستند با یکدیگر با
اهل ولایت مصدر نزاع با خلاف قاعده شوند و اولیای
دولت قاهره مرتکبین خلاف را احضار بدر بارها یون
فرمودند که در اینجا حکم بعمل و حق فرمائید

دیگر نوشته بودند که برخی غیر بود در کرمانشاهان تا حال کجا
و منبداستند که لعل می آید درین اوقات نواب عماد الدوله
مانند ران فرستاده برخی غیر بوده و در آنجا کاشته اند
بسیار خوب لعل آمده است و از نمونه آن قدری نیز داد لیبای دولت
قاهره فرستاده بودند در اینجا طبع کردند بابت ارجح بر سنجها
خوب با نذران بهتر شده بود بلکه در لطافت و نازکی می شد با برخی
بندی و پهای شیرازی برابر گرفت و معترضند که نواب معزی الیه بنده
در آن صفحات در مجله زیاد بکارند متداول شود و در آن بکارند

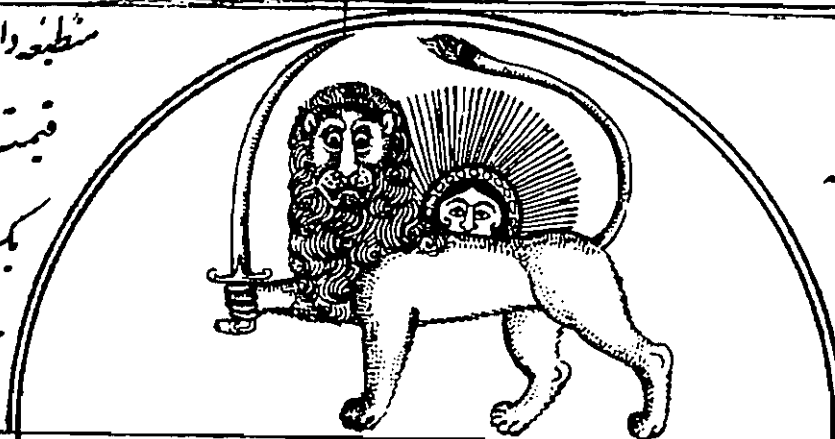
در این کتاب
تاریخ کرمان
جلد اول
صفحه ۱۰۳

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه هجری ۱۲۶۱ و بیستم ربیع الثانی مطابق سی و یکم فروردین ۱۲۶۱

مطبوعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر اجاره یک روز
یک سطر اجاره یک ماه
بیشتر با برابری



شماره صد و چهارم

قیمت روزنامه

یک ششماه یکسال

بیت و چهار هزار و ...

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه هجری ۱۲۶۱ و بیستم ربیع الثانی که بعضی از تربیتیان علم توپخانه دارالفنون در میدان ارک مشغول مشق و تعلیم توپچیان جدید بودند و فوج طرانی جمعی عالیجاه و مجرب سرنیت و فوج جدید جمعی عالیجاه علی بن تقی خان سرمنگ نیز حاضر شده بودند اول جناب جلالت با صدراعظم بمیدان مزبور آمده و بچاکان آنها را ملاحظه نمود و بعد از آن اعلیحضرت پادشاهی بمیدان ارک مبارکه تشریف فرما شده ملاحظه مشق توپچیان و دو فوج مزبور فرمودند و بجهت خوبی مشق و حرکت آنها مورد تحسین و تائید حضرت و انی گردیدند

میخواستند تشریف فرما شده معلمین بقدر نیم ساعت در حضور عابون بدرس و امتحان آنها مشغول شدند و جناب جلالت با صدراعظم و بعضی از اقلیه چاکران دربار در حضور عابون بودند بعد از فراغ از امتحان آنها با و طاق سواره نظام و معلمین توپخانه مبارکه و پیاده نظام و علم طبابت تشریف فرما شده ببنده کار و خدمت و درس و تعلیم آنها چاکران یکبارگی فرموده تا دو ساعت و نیم محض تشویق و امیدواری آنها در درس تشریف داشتند

نظر بخدمات عالیجاه میرغزخان این اوقات که شرفیاب حضوره ظهور اقدس شهرباری گردید او را بلقب دریا یکی لقب فرموده و یک ثوب جبه زرمه سیاه خلعت و رد جاویدت و عنایت گردید

در روز شنبه پنجم این ماه مرحوم میرزا علی اکبر کتکچی بر حمت ایزدی پوست و چاکران دربار عابون با احترام برداشتند و در مجلس ترجمه و فاستحه خوانی او امیرالامرا، اعظام اجودان باشی و سایر معتربان دربار

از آنجا که خاطر خطیر عابون پادشاهی متعلق بر انتظام امر مدرسه دارالفنون و ترویج علوم جنک و ترقی معلمین انجاست و غالباً بنفس نفیس مبارک لطف تو حقیقیات و امتحان آنها میبایستد لهذا بوم یکشنبه سیزدهم یک ساعت بعد از ظهر تشریف فرمای مدرسه دارالفنون شدند و اول با و طاقی که صاحب منصبها و آسنا علم جنک

هایون از بران پنجه و صاحب منصبان حاضر گردیدند

آنها خوانده شد که ابد از انقضای تخلف نمایند و سلوک و رفتارشان بدون اختلاف بران پنج باشد و التزام هم درین خصوص از صاحب منصبان گرفته شد

چون ایل شاسون از پیش از تعذبات عالیجاه پهلماغلی خان ایل بیکی بدربارهایون آمده شکایت نمودند لهذا اویلیا دولت قاهره حسب الاشارة العلیه عالیجاه رستم خان را که بحسب سلوک و مردم داری موصوف بود بخدمت ایل شاسون ایل مزبور منصوب و عالیجاه پهلماغلی خان را معزول فرمودند تا ایل مزبور در کمال آسودگی باشند و فرمان مبارک بر سر صدور یافته بکثرت جبهه برسم خلعت بافتن عالیجاه را مرحمت و عنایت گردید

فوج قندیسکی که احضار برکاب مبارک شده بودند درین روز وارد برکاب هایون گردیدند و در بیرون دروازه شاهزاده عبدالعظیم منزل برای آنها مهین گشت فوج نصاری ارومیه و سلماس نیز که حسب الامر شرفیاب رکاب بضررت ماب شدند در بیرون دروازه شیراز منزل نمودند

عالیجاه نتیجه انخواه بن العظام سنغلی خان پیشخدمت خان سرکار اعلیحضرت پادشاهی که سابقا مامور بیرون خلعتیای عبیدی نواب شاهزاده حشمت الدوله حمزه میرزا صاحب خستبار مملکت آذربایجان و سایر حکام و کارکنان آذربایجان بود بعد از انعام ماموریت خود در روزه جمعه یازدهم ایماه بدربارهایون معاودت نموده بزیارت خاکبای مبارک اعلیحضرت پادشاهی مشرف گردید

عالیجاه نصرالدین خان پسر مرحوم حاتم خان شهاب الملک درین روز نامنصب سربسکی خارج از فوج سرانوار گردید سایر ولایات آذربایجان از تواریک در روزنامه آذربایجان نوشته شده بود درین اوقات که بجهت الله تعالی ناخوشی و با بکلی رفع شده و نواب شاهزاده حشمت الدوله و مقررات نظام و سایرین که بیرون رفته بودند همه شهرتیز معاودت نموده اند و در امتداد ناخوشی امورات آذربایجان کمال نظم را داشته سهل است درین ایام ناخوشی که بمصر وزیر نظام بمجالات آذربایجان رفته بود آنچه عوض قشون از توپچی و سرباز و قشون آبخا بود با کسر فوج تمام و کمال گرفت و بهیچ وجه نقضی در امور قشون و مملکت نیست

امورات قشونی افواج قدیم و جدید و آکوزو جمع عالیجاه مصطفی قلیجان سرباز شرفیاب رکاب سبایون گشتند چون فوج طهرانی جمع عالیجاه محبت و بخدمت همراه محمد ضیا خان سرباز مدتی بود که کفایت و حرارت شهرو اول خانها مشغول بودند مخص خاستند لهذا اقوام خانهای شهر بست عالیجاه مصطفی قلیجان سرباز او سپرده شد و حکمی که لازم بود در رفتار آنها بامل شهرو است و مواظبت این خدمت مشروحا صادر و با عاود افراد

سایر ولایات آذربایجان از تواریک در روزنامه آذربایجان نوشته شده بود درین اوقات که بجهت الله تعالی ناخوشی و با بکلی رفع شده و نواب شاهزاده حشمت الدوله و مقررات نظام و سایرین که بیرون رفته بودند همه شهرتیز معاودت نموده اند و در امتداد ناخوشی امورات آذربایجان کمال نظم را داشته سهل است درین ایام ناخوشی که بمصر وزیر نظام بمجالات آذربایجان رفته بود آنچه عوض قشون از توپچی و سرباز و قشون آبخا بود با کسر فوج تمام و کمال گرفت و بهیچ وجه نقضی در امور قشون و مملکت نیست

۶۲۲

دیگر نوشته بودند که مرحوم اخوند ملا محمد علی المدقاسی
 که از جمله اعزّه علماء و نواد عصر خودش بود رحمت ایزدی
 پیوسته و حسب الوصیت او را در بقعه جناب ابا مراد
 سید ابراهیم دفن کرده اند و نواب مستطاب شایسته
 و الا بتبار حشمت الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان
 و عموم اعیان و اشراف آنجا بجهت توقیر و احترام جنازه مرحوم
 معزی الیه بدفن او حاضر شده و او را با کمال احترام دفن
 نموده اند و بعد از آن نواب حشمت الدوله بیدین عالیجناب
 نتیجه العلماء العظام میرزا محمد تقی پسر مرحوم معزی الیه تشریف
 برده اند

دیگر نوشته بودند که افواج متوقف آذربایجان در
 نظم حرکت مینمایند از جمله فوج ناصریه جمعی عالیجاه
 محققان سربازان هر روز در میدان سربازخانه مشغول شش
 میباشند

دیگر نوشته بودند که یک نفر تاجران منی رعیت دولت
 روس که جنبه دماغ بهم رسانده بوده است بیاض
 مریم نند که آرامنه بربارت آنجا میروند رفته و طلبانچه
 پر کرده بسینه خود خالی کرده و با آنجا افتاده بود فردای
 آن روز آرامنه بیاض فرورفت غرض او را دیده بودند
 بعضی نواب شاهزاده حشمت الدوله رسید از جانب
 کارکنان نواب معزی الیه و کما شکران دولت بهینه
 روسیه در تحقیق این مطلب اهتمام شد معلوم گردید
 بود که خود آن شخص بهین قسم که نوشته شده خود را طلاق کرده
 از سایر ولایات آذربایجان درین بخت اجباری نبود که در

دارالمرز

مازندران از قراریکه در روزنامه مازندران
 نوشته شده بود این اوقات نواب مستطاب شایسته
 مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بجهت انتظام مهات و نواب
 و امور ولایتی از بلده ساری غنیمت باز فرودش و محال
 بلده آمل کرده بودند که در امور آنجا نظمی کامل پسند و قور
 پانزده روز در آنجا توقف کرده اند و بعد از ورود به بلده
 آمل سرب معاون آنجا تشریف برده که خدا یان نایب
 کلول را حاضر نموده اند که در حضور نواب معزی الیه کلول
 بریزند از قراریکه نوشته بودند بطوری کلول بخته بودند

که هیچ تفاوت با کلول فنکستان که بدرجه کمال
 میشود نداشت نواب معزی الیه ببله و با شرفین انعام و
 داده امر کلول ریزی را از هر جهت منظم و منصف و طاک کرده
 دارند خدا یان و با شرفین الترام گرفته اند که در ریختن کلول
 و خوبی آن است تمام تمام بجا آورند و از قراریکه نوشته شده بود
 از اتهامات اولیای دولت علیه امر کلول ریزی انجام
 زنی کرده است

کیلان

ازین ولایت درین بخت روزنامه دیده نشد
 فارس ازین ولایت نیز درین بخت اخباری که قابل نوشتن در
 روزنامه باشد نبود

خراسان

و همچنین ازین ولایت نیز درین بخت روزنامه نرسیده است
 عراق

۶۲۳

قزوین

از فراری که در روزنامه قزوین نوشته شده بود ^{بخاک}
 حردخان والی و حاکم قزوین در نظم امور ولایت
 و رفع بیابانی و نندبات و غوررسی با ثمر مردم سواره
 منتهای مراقبت ابعلمی آوردند از فراری که نوشته شده
 بود از قزوین تا سجال سه هزار دوزخ داده ساخته
 و جنسی محکم ساخته شده است این اوقات چون
 سرد است داده است بالای سردا خاک ریخته
 که در بهار سال آینده بقیه سرد را هم با تمام برسانند

در الصفحات اگر بی نظمی باشد رفع کنند و امر آن خود را
 منظم و مضبوط بدارند از فراری که نوشته بودند علیجا
 علی قاسمی خان با فوج ابوالجهمی خود در شهر کرمان است
 و فوج او همه روز مشغول شوق میباشند و بسیار با
 نظم حرکت می کنند

دیگر نوشته بودند که این اوقات از طرف سیستان بعد
 یکصد نفر بلوچ براه یزد و کرمان آمده بوده اند علیجا
 شیخعلی خان نایب الحکومه با پنجاه شصت نفر سوار از ^{عفت}
 بلوچهارفته و شکت با نهاد داده است و سواره شاربیه
 پنج سراز بلوچها بکرمان آورده بودند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در کرمان از رنج
 برز بگری دختری متولد شده است و بعضی علامات
 عجیبه در او بوده است از جمله سرداشته و شست
 دندان و پامای آن کج بوده است و کف پای او
 مثل پست پای او و پست پای او مانند کف پای او
 بوده است و تا یک ساعت زنده بوده است
 و بعد از یک ساعت مرده است

کرمانشاهان

از فراری که در ضمن تحریرات کرمانشاهان نوشته
 شده بود این اوقات در کرمانشاهان کزله الا
 متولد شده است که یک سردودتن داشته است
 که سردودتن با تمام اعضا از هم مفصل بوده اند و یکسر
 داشته است و چهار دست و چهار پا و دو دم
 و لکن زنده نمانده مرده است

کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته شده بود چون
 همه سال برای نظم آن صفحات قرار بود که حکام کرمان
 به پسر میرفت اند اما سال امیر الامرا العظام مقرب الخاقان
 محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان علیجا عبدالغیا
 سرحور را با یک فوج دو وعاده توپ و یکصد نفر غلام
 لکرتو و دویت نفر غلامان ابروانی و پنجاه و هفت نفر
 توپچی و صاحب منصبان فرستاده اند که فرستاده

۶۲۴

تعییر اجناس ماکولات و غیره

برنج عنبربو چهارمین دو هزار و صد و شصت و شش	کندم ساوجیلان دو تومان و یکصد و بیست
برنج کرده چهارمین دو هزار و هفتاد و شش	کندم غریبه یکخردار دو تومان
روغن چهارمین یک تومان	کندم دورشهر یکخردار نوزده هزار
گوشت یکمین یک هزار و دو پون	کندم و رایین یکخردار چهارده هزار
نان یکخردار بیست هزار و دو پون	جو یکخردار دوازده هزار و پانصد
آرد کندم یکخردار دو تومان و سه هزار	کاه یکخردار چهار هزار و پانصد
شمع یکمین یک هزار و هشتصد و بیست	پونجه یکخردار هفت هزار و پانصد
روغن خراغ یکمین هفت عباسی	خلر یکخردار چهارده هزار و پانصد
ماست یکمین ده شاهی	لوبیا یکخردار سه تومان و دو هزار
غیر شور چهارمین شش هزار و ده شاهی	عدس یکخردار دو تومان و هفت هزار
قیاقوی اعلی چهارمین شانزده هزار	ماش یکخردار دو تومان و پنجاه هزار
قیاقوی وسط چهارمین دوازده هزار	ارزن یکخردار یازده هزار
آبقوره یکمین ده شاهی	کرچک یکخردار چهار تومان
سرک یکمین هفت شاهی	سکنیک یکخردار یازده هزار
مرغ یک قطعه ده شاهی	نمک یکخردار سه هزار و پانزده شاهی
تخم مرغ نیمیضه یکعباسی	پیاز یکخردار یک تومان
قند آذسی یکمین هفت هزار	سجود قرزینی یکخردار چهار تومان نیم
قند بزدی یکمین چهار هزار و صد و بیست	سجود رسی یکخردار دو تومان و شش هزار
بنات یکمین سه هزار و چهارصد	همه یکخردار هشت هزار و پانصد
شکر یکمین دو هزار و شصت و بیست	ذغال یکخردار هفت هزار و پانصد
هل یکمین هجده هزار	شیره چهارمین نه عباسی
میخک یکمین پنجاه و بیست	عزما چهارمین سه هزار و صد و بیست
داجینی یکمین یک تومان	کشک چهارمین دو هزار و بیست
زعفران یکچارک پانزده هزار	پنبه که اخته چهارمین شش هزار و پنجاه
سکنجین یکمین دو هزار و پانصد و بیست	

۶۲۵

اخبار دول خارجه

فرانس در باب لقب لوی ناپلیان که درین روز مابلق امپراطوری سپادشای فرانسه برقرار شد هم در روزنامه فرانسه هم در سایر روزنامههای فرنگستان گفتگونی شده است از آنکه گویا او را بلقب ناپلیان سیم میدارند که ناپلیان اول ناپلیان مشهور است که در فرانسه سلطنت و ناپلیان دوم بقاعده ارثی پسر او است که در استریتوت شد و موافق آن حساب پسر لوی ناپلیان که رئیس جمهور بود و حالا امپراطور شده است ناپلیان سیم میشود در روزنامههای فرنگستان نوشته اند که اگر چه دول خارجه لقب امپراطوری را بلوی ناپلیان قبول خوانند کرد اما بلقب ناپلیان سیم شکست که قبول نمایند زیرا که اکثرشان حق سلطنت ناپلیان بزرگ را قبول کرده بودند و حالا اگر لوی ناپلیان بلقب ناپلیان سیم قبول نمایند افاده این معنی نماید که سلطنت ناپلیان بزرگ را بحق دانسته و قبول کرده باشند

ماژری سینک که از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه است و ادعای سلطنت آنولایت را میکند کاغذی نوشته و دادها چاپ زده اند و با کثرت ولایات فرانسه فرستاده و در میان خلق منتشر نمود است باین مضمون که مادامی که در ولایت فرانسه قرار پادشاهی نبود من سکوت داشتم اما چونکه تاج و تخت دولت فرانسه را حق موروثی خود میدانم خلاق اعلام میکنم که سلطنت لوی ناپلیان در آنولایت ناحق است و تاج و تخت آنولایت حق من است این کاغذ را فرستاده است و لیکن امنای دولت فرانسه چندان اعتنائی نداشتند او مکرر و اندر بزرگ میدانند که دولتخواهان او در فرانسه

سپار کم زورند و آن قوت را ندارند که از آنها عملی که با عیش برسم خوردگی دولت بشود بوقوع بنبجاء و بتوانند کاری از پیش ببرند

ناپلیان بونه پارت پسر پسرش ریژوم برادر ناپلیان است که الان بی از نوکای عمده دولت فرانسه است میگویند درین روز با حکومت آن است مغرب زمین که بجزیره و جزیره با الجزایر هم میگویند و در دست دولت فرانسه است ناموز خواهد شد بلقب نایب السلطنه

از دولت فرانسه چند وقت پیش این حکم شده بود که کشتیهای دولتی آنولایت بروند بکنار مملکت ترکش که بزبان فرنگیها ماکومینا نامند آخر مملکت مغرب زمین و در دست سلطان عبدالرحمن است کشتیهای فروردکن آن مملکت و بعضی از ممالک دیگر مغرب زمین که با آنجا متصل است کشت کنند و عمق دریا در جانی که طناب برته آن میرسد مشخص نمایند نقشه مضبوطی بسازند و سنک و ریکه و کوه در هر جای آن دریا که باشد در آن نقشه معلوم نمایند و چونکه کشتی با چنین نقشه ها حسابی که خودشان دارند راه میرود این نقشه بسیار کشتیمانان کشتیهای تجاری و غیره از هر دولتی که در آن دیار تردد میکنند می آید

وزیر مهمام داخله دولت فرانسه که ساختن عمارات و سبزه و راهها و راه بردن امر معادن و اینگونه اعمال دیوان با در محل است درین روزها بست کنار رود خانه رین فرستاده که تدارک رفع ضرری که از آمدن سیل بابل آنجا رسیده است بکنند و بلکه با بستن بند و سد و غیره طوری نماید که بعد از این چنین اتفاقات در آن کشتیمانینند

۶۶۶

از سایر ممالک دول خارج که روزنامه رسیده است
چیزی قابل چاپ نبود مگر آنچه از احوالات متفرقه
ترجمه و نوشته میشود
احوال متفرقه

از مملکت آسترالیا نوشته اند که بازطلای خوادان
از آنجا در می آورند و هر چه بیشتر کار میکردند بیشتر طلا
می آمد خصوصاً باین سبب که اول اشخاصی که با آنجا
بودند بجهت همین اعمال اسباب درستی نداشتند
حال که اسباب و مایحتاج بسیار با آنجا برده اند بهتر
دیشتر در می آورند و لکن بجهت کم شدن زراعت کاران
ادویه در آنجا بسیار کران بود مان بجا ب وزن پول
ایران یکم بکهار و شاهی بود اما گوشت چندان کران
نبود از آنجهت که در آنولایت حیوانات کا و کوسفند
و غیره بسیار دارند جمعیت زیاد از ولایت انگلیس و سایر
دول روی زمین با آنجا رفقه اند حساب کرده اند که در
یکی از بنا دوات آنولایت در یک مغمه بکهار و سبده
سی و یک نفر با آنجا وارد شده اند

اکثر خوراک بسیاری از اهل انگلیس مینسی است
و حال چند سال است که آفتی مانند ناخوشی در میان
سبب مینسی افتاده است از آنجهت کشتهها از سایر
ولایات و مکنستان سبب مینسی بار کرده بولایت
انگلیس فرستاده اند و بعبت خوب بفرودش فرستاده
از آنکه در بصره نوشته اند که در آن شهر بسیاری
نظمی

شده است و سبب بی نظمی این است که بسیار کتب
الواطوبی کار که از ممالک خود گرفته و با آنجا آمده اند در
آن شهر مستند خصوصاً از خبر زه مان و سایر شهرها که در
سجده سفید میباشند بسیار مردم در شهرها میکنند
و زخمها رسیده اند و چونکه این مردم اکثر در زجر حیات دول
خارج هستند نظم در میان شان دادن بسیار مشکلات
قوسولهای دول خارج که در آنجا هستند انقدر زور زمان
که چنین اشخاص را تمیبه و سیاست موافق تقصیر شان
بکنند از آن جهت این الواط بسیار جو شده اند و شهرها
بطوری شده است که شب بدون آمدن برای خلق خطر
دارد

در مملکت پرو سید مرافعه غریبی شده است جمعیتی
از کیشیان آنولایت ادعای املاکی از دولت می کنند
و ادعای ایشان از املاک و عمارات و غیره بیشتر از
چهارصد هزار تومان پول ایران می شود این املاک و
عمارات مال طایفه از ملت کتولیک است که رزویت
مینامند و چند وقت پیش ازین با پا که بزرگ ملت کتولیک
میباشد چون دید که رزویت دخل و تصرف با مورا
و ولتی میکردند حکم کرده بود که نباشند بعد این املاک
به دست کیشیان بزرگ ملت عبسوی آنولایت افتاد
حاصلش را جمع میکردند و بخرج مدارس و مصارف
کسان بی بضاعت میدادند تا اباقی که در روم بویا
برادر نا پیمان بزرگ پادشاهی آن مملکت رسید
که حال داخل مملکت پرو سید است در روم مبرورین
املاک را ملاحظه بگردان کرد و در مسکنانی که پادشاه

فغانستان باز بر یک ستاج و تخت خود برقرار شدند این
 در دست دولت ماند حال کیشیان آنولایت ادعای
 که املاک و عمارات مزبوره باید با آنها برسد و یوان که این املاک
 ضبط کرده بود حاصل و مدخل آنها را در میان چند مد
 و بیار خانهای اشخاصی که کنگ و بیزبانه تقسیم کرده اند اذاعا
 کیشیان این است که املاک مزبوره را دیوان بناحق ضبط
 کرده بود و حال از دیوان پس میخوانند و گذشته از ان
 اجرت المل میت و نساله را نیز که در دست دولت
 مانده است ادعای کنند

از چند وستان روزنامه‌ای که رسید از بیانی ستاج
 دویم محرم و از تگلک بیت و دویم ذی الحجّه و از شهر
 چین یزدسم ذی حجّه بود و خصوصاً جنگ دولت انگلیس با
 مملکت برمه نوشته بودند که اهل ولایت پیکو که جزو
 برمه باشد و نزدیک کنار دریاست بسیار طالب بود
 که ادیم در زیر حکومت دولت انگلیس باشد زیرا
 مملکت آنها تا این زمانهای نزدیک مملکت برمه اکانه بود و
 برمه آمد و بجنگ و غلبه این مملکت را گرفتند و اگر بعد
 از جنگ دولت انگلیس دوباره این مملکت را بدست بر
 واکار نماید اهل برمه سلم و تعدی زیاد نسبت به این مملکت خواهند کرد
 و میگویند که اگر دولت انگلیس اینولایت را داخل ممالک
 خود کند دولت نیکی دنیای شمالی بلاخطه نفع خودشان
 جزو مالک خود خواهند کرد و بجهت اینکه تجارت زیاد بولا
 چین از بنولایت بتوان برآه انداخت از پنده و زبناک که حا
 از مملکت منده و سنان بچین می رود و نزدیک پیسجی که در
 در سال لکرک این تجارت عاید دولت انگلیس میشود اما اگر اهل

نیکی دنیای شمالی مملکت پیکو را تصرف می نمودند آنوقت
 بسیاری ازین تجارت بدست آنها می افتاد و ضرر کل
 انگلیس سید درازدوی انگلیسها در مملکت رنگون شهر
 داشته است که اهل برمه چهل هزار قشون جمع می نمایند که
 دوباره با قشون انگلیس جنگ نمایند و لکن اکثر مردم آنجا این
 مطلب را باور نمی کردند و چنین میدانستند که پادشاه
 آنولایت خود طالب صلح است و مصاحبه نموده جنگ را
 موقوف خواهد داشت

از چنین نوشته اند که باغیان آنولایت که کم مانده بود
 تمام شوند باز دوباره قوت گرفته و با دولت جنگ میکنند
 و میگویند که چهل هزار نفر جمعیت داشته اند و یک شهر را
 کرده بودند و قشون پادشاه آمده و دوران شهر را
 کرده بودند و مکان داشتند که درها بنجایا عیار از تمام
 تجارت بزرگ مملکت چین از شهر کانتان است و بجهت
 اغشاش و لایات آن اطراف ضرر و زیان زیاد تجارت
 میرسد مال فرنگ خوب بخرش صرفت زیرا که میان ولایت
 اموال تجارت بردنش خطر داشت و چای هم که تجارت عمده
 آنولایت کم یاب بود

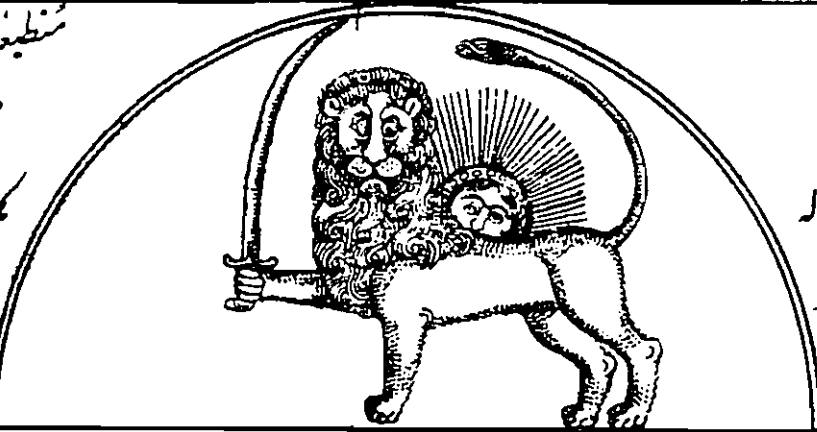
اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد با
 در محله نزدیک دروازه دولا ب الطباع شده است و فروخته
 جمع البسمان شش تومان
 تفسیر امام عسکری یک تومان
 شانامه چهار تومان و نیم
 حمله نظامی نه هزار و بیار

۶۲۸

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ روز شنبه بیست و چهارم ماه ربیع الثانی مطابق سال سیم چاهان ۱۳۶۹

منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
مکسیر الاجاره مطبوعه روزانه
بیشتر با هر مطبوعه
پخش میزند



نمره صد و پنجاهم
قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه یکساله
و هفتاد و چهار روز
دینار

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیستم ماه اعلیحضرت پادشاهی
بغیرم کشت و تفریح سوار شدند و بطرف قصر قاجار و
ان سمنها تشریف فرما گردیده تا عصر مشغول کشت و تفریح
بودند و نزد یک بزرگ بوقاق مبارک مبارک سلطان
و مقر سلطنت عظمی اجتمع فرمودند
چون در شکارگاه جاجرد و تاروف نیاید شکار خوب
نیست و درین اوقات که برف بسیار خوب و بوقع
آمد خاطر اقدس مایون پادشاهی مایل بشکار جاجرد
گردیده و پیشخانه بشکارگاه آنجا روانه شدند در روز شنبه
مؤکب سیروزی کوکب مایون بشکار جاجرد و حرکت
خواهند فرمود

دارالخلافه طهران باین سردی شده بود و بجهت صاحبان
اطلاک و زراعت کاران امیدواری کفایت حاصل گردید
و تشویبی که داشتند بکلی رفع گردیده
در روز پنجشنبه منته که شته اعلیحضرت پادشاهی
محض ظهور رحمت ملوکانه در باره جناب محبت و جلالت
نصاب صد اعظم نجایه جناب معظم اید تشریف فرما
گردیدند و لوازم پیشکش و پای انداز بطور خوب بعمل آمده
نهار را در آنجا صرف فرمودند و عالیجاه موسی خان پسر
جناب معظم اید چون در تبه و تدارک نهار و شبنی و سایر
لوازمات ضعیفان خوب از عهده بیرون آمده و خدا
امقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده بود لهذا یک مؤکب
ترمه برسم جلالت در حق او رحمت و عنایت فرمودند

اگر چه هوای دارالخلافه طهران در زمستان امسال بسیار
طایم و خوش گذشت و لکن بجهت نیایدن برف در
خود زراعت کاران تشوش کم آبی و خشک سالی
تاستان آینده را داشته بجهت ابد تعالی برف خوبی
بسیار بوقع و زیاد آمد بطوریکه کمر سالی درین فصل هوا

مقرب آنخاقان محمود خان فراگز لونا میب اول اجودا
که حسب الامر سرکار اقدس مایون پادشاهی نیابت
اول سفیر مخصوص دولت علییه مامورست بطرز بویع بود
بمک مایون شرف اندوز در بار محفلت دار گردیده است

۶۲۹

خدمت و طرز زیادت و صداقت و مشهوری اقدس طو کانی
افتاده با عطای بیک فطرتشان برسی از درجه اول با طایفه
سخن سرافراز و بصدور فرمان مهر لجان قرین عزت و افتخار

تشریح
در روز کتبه مفتحه گذشت که اعلیحضرت پادشاهی بکسر و الفنون
و جناب جلالت آتیب اعظم در کاتب رک بودند اول
با و طاق در سن بر پنجگان و تیر سپان و سر مشکان و غیره که زود غایب
گولون سر اسو علوم نظامیه در سن میخواند تشریف بدم و حضور
عالیجاه گولون مزبور و عالیجاه حاج شیخ محسن مطالب در سن آنها را
پرسیدند هر یک موافق فایده جواب گفته مورد محسن شد بعد از آن

اوقات فماید در سن متعلقین فردا و تشریف فرما شده در حضور
ادرس متعلقین از شاگردان آن مسئله سوال نمودند و شاگردان
بطور خوب جواب گفتند و مقبول رای بیا بون افتاد و عالیجاه
پولاک سلم طلب صد شرفی چیز آری انعام فرمودند و محمد
ولد شرب انخافان صاحب الدوله چون با وجود صغر سن بهتر
از همه شاگردان از عمد جواب هر کوی سوال را بسیار مورد محسن

و اشفاق ملوکا نیند و باوسم انعام حشر نمودند و چشم محسن خان
ولد محمد ضایخان و بیلا نیز انعام حشر شد بعد از آن متعلقین گردان خود را
در سخن بدر استحقاقی نمودند متعلقین این مقبول خاطرهای بون افتاد
و جناب جلالت آتیب اعظم در آن نظام مدرسه و انتصاب
در نوده و در حجت بمقر صلفنت عظمی فرمود

چون در روزنامه های سابق بجهت تسویق شاگردان بدر اسمی است حاجی که عظم
ترقی کرده بودند نوشته شد و اسمی اهل زرفی از شاگردان با و نظام
عالیجاه گولون مطر السجول بجهت آینه نمودند درین منصفه اسمی اهل زرفی از
شاگردان خود را باین تقصیل آنها را در آن سخن از اتهامات عالیجاه

گولون مزبور بر پیرایه نظام و کمال نظم است و در سن دستور آنها در زمان
خوبی است چنانکه تفصیل آن در روزنامه ماه قبل نوشته شد اکنون
اهل زرفی از شاگردان او نوشته میشود

شاگردانی که در میدان مشق هر یک سلم فوجی بیانشند میرزا امین
کر دستانی حسنعلی یک ولد محمود خان قزاقه داعی محمود آقا عسکر خان
شعانی شاگردانی که در حرکت افواج مشغول آنها زوری بنی علم
جنگ حرکت قشون کلمه میباشند علی قلی خان برادر سردار محمد حسن خان
ولد حاجب الدوله رضی قلیخان ولد محمد اسمعیل خان عبد محسن خان ولد
حاجب الدوله رضی قلی آقا ولد بهارالدین آقا حسن خان ولد محمد ضایخان

میرزا حسین ولد مرحوم میرزا احمد که شاگرد خوب حکیم پولاک معلوم است درین
هفته بنحیلم معلوم گامی در معالجه و با نوشته بجهت در سن بیا بون برده
سخن افتاده پانزده تومان انعام بوجرت شد

عالیجاه حاجی ملا علی طیب تو خجازه مبارکه کمال اتمام را در معالجه و مدد
در بعضیها نموده است از فرایک مقرب انخافان فضان آقا سرب تو خجازه
ببیشترین روزنامه اعلام کرده بود از غزه محرم تا این اوقات که فریب
ماه است چهار صد و هشت نفر بر لیس از تو خجانه و تو خجانه و غلظت
بد او او معالجه عالیجاه مبارک است از صحت یافته اند

درین اوقات که عالیجاه محمد صدیق خان سپر مرحوم با محمد خان
باجمعی از خوینان افغان و غیره شرفیاب کاتب بایون پادشاهی گردیدند
جانبی ایجاب ملوکانه بدین جهت خلق اقبال طلع و حق خود و بهرمان

عالیجاه محمد صدیق خان	عالیجاه امیر خان	سرور صالح خان
محمد حسن خان	محمد حسن خان	محمد حسن خان
محمد حسن خان	محمد حسن خان	محمد حسن خان
محمد حسن خان	محمد حسن خان	محمد حسن خان
محمد حسن خان	محمد حسن خان	محمد حسن خان

توضیحات

دلاوریان حمه زنده	فیض محمد خان جبه زنده	کرم خان و اولادها محمد علی خان جبه زنده
سرانجامه تجبه زنده	محمد علی خان که بعد از آنکه در محمد سرور	محمد علی خان محمد علی خان محمد علی خان
محمد باب محمد علی خان	محمد علی خان محمد علی خان	محمد علی خان محمد علی خان

کارهای فوج مزبور در تبریز مانده و فوج او بر کاسبارک آمده بود
درین روزها خود او نیز شرفیاری کابلین کرده
سایر ولایات
ازربایجان درین مهفته ازین ولایت اخباری نبود که
در روزنامه نوشته شود
دارالمرز

سلیمان خان سهام الله و نه که از قدیمی خدمتگذاران این دولت
جاوید است علیه و لهما بعد وقت و غیرت خدمت یابین دولت
می نمودن بود که ناخوش بود در شب یکشنبه سیم این ماه و قاف
و نظیر اقبیت و التفانی که اعلیحضرت پادشاهی بجوم چاکران این
دولت دارند حکم فرمودند که جنازه او را با کمال احترام برداشته
امیرالامراء العظام اجدان باشی و میرنجکان و سیرنیان و صاحب
و غیره با نظام سببه احترام در شیع جنازه او حاضر گردیدند آنچه لازم
احترام بود معمول داشتند و جنازه او را در کلیسای ارمنه در محله
نزدیک دروازه قزوین دفن نمودند و مخارج تدفین و داری اوسم و غیره
از جانب اعلیحضرت پادشاهی محبت کرده
امور است قضونی

کسبلان از فرار یک در ضمن تخریبات رشت نوشته شده
این اوقات ناخوشی و بادر آنچه حادث شده است و
تا بیخ کاندنی که از آنجا رسیده بنعمت رسیدن انانی بود و نوشته بود
که استند او ناخوشی در اسالم بیشتر بوده است با اینکه
در آنچه حادث شده است حج بر او ایمن ناخوشی برده اند

مازندان
از این ولایت نیز درین مهفته اخباری نرسیده است
عراق

اصفهان از فرار یک در روزنامه آنچه نوشته اند عالیجاه
نایب الحکومه اصفهان در نظام امر آنچه نهایت انعام را دارد و از
عموم رعایا اسودگی حاصل است و درین اوقات بابت کی خوبتر
شده است و حاملان تیرسی که با آنها عالیجاه شایسته از نور بار
مصحوب عالیجاه بزرگی ارسال شده بود با کمال احترام و امید داری آن
نموده و عموم خلوتشادانی در سکرگذاری نمودند

حمله
از فرار یک در روزنامه آنچه نوشته شد و غیرت اتمام بر اتمام
انجام لازمه تمام راهبلی آورد قلع و دروازه ای شهر تعمیر سعیدری نوره و غیره
عبارت سلطانیه نیز بنا و عمل و بنا همراه آدم مغرب اتمام حاجب الدوله با خواه برده
فارس از بنولایت نیز درین مهفته اخباری نرسیده است

عالیجاه موسیو بر بره که با ما تعلیم افواج کرمانشاهان بود چون بطوری که
لازم بود دست انعمده این خدمت بر می آمد لکن عالیجاه پیشین صلح
که بنابت مهارت و معملی داشت بجای او ما موسیو شایسته بر کاسبارک
احضار گشت
افواجی که بعد از عهد بعد سلطان باید در سلطانیه حاضر با از جانب اولیا
دولت قاهره حکم نمود که صادر گشت که بدون تکلف در سر موید سردر
سلطانیه حاضر باشند
عالیجاه جبرئیل خان سرنگ فرج نصاری ازومی که بجهه انجام

و قاصد رسیده است ۱۰۵ ال ۲۴ ربيع الثاني ۱۲۶۹

خراسان

از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود
کنندل خان حاکم قندما جمعیتی فواسم آورده بغرم
نصرف برات پناه آمده است وعمده الامراء العظام
سید محمد خان ظهیر الدوله حاکم هرات نیز جمعیت سبلو
آنها فرستاده است البته متشکیکه خبری دیگر برسد
درین روزنامه چاپ خواهد شد

دیگر نوشته بودند که افواج متوقفین خراسان همگی با
نظام تمام حرکت می کنند و از احدی خلاف قاعد
و بجای صادر نمی شود و موجب جیره که از دیوان اعلی
برای آنها مقرر است بی کم و کسر میرسد دسواره حرام
اسب و اسبشان مضبوط و بی عیب است و در کمال
شکوه و آراستگی میباشد مگر سواره ابو اجمعی ^{لجانه}
مذرفلیخان که از فراریکه نوشته بودند خدمت نواب
شاهزاده جام السلطنه والی مملکت خراسان آمده
انظار پریشانی کرده بودند که جیره که از دیوان محنت شده
نرسیده است نواب معزی الیه بسم نویسنده
تعیین کردند که بجات جیره آنها برسد و چهره آنها در پیش
هر کس است حکما گرفته برسانند

دیگر نوشته شده بود که در بیجیدم ماه ربیع الاول
بنفاد نواز ریش سفیدان ترکمانان مرقد خدمت نواب
شاهزاده والا تاج جام السلطنه والی مملکت خراسان
آمده عرض نمودند که اراض خان ترکمان باز کمانان خراسان
آمده بنجد نگذاری دولت علیه مشغول شدند اولیای دولت
قاهره هم روز بروز انواع القاهات در باره آنها مبدول

داشته مام آمده است دعای نوکری داریم و قدر
فرمایش شود بهتر و خوشتر از حسرتی نوکر میدسیم و قرار
میدسیم که رؤسای و ریش سفیدان مامم در ارض افسر
باشند نواب معزی الیه هم چون آنها را بنجد نگذاری
دولت علیه سابق در اعنبد دیدند آنها را با التفات
اولیای دولت قاهره امیدوار ساخته که ظاهر است
بعد از آنکه شما بصرفت طبع خود خدمت کنید در باره
هر یک و اخور خدمت خلعت و انعام و مواجب محنت
و برقرار خواهد شد که در کمال آسودگی مشغول خدمت نگذاری
باشید و خود نواب معزی الیه نوازش زیاده بانها
نموده و رخصت هر یک جبهه و شال کشیری و مشهدی
خلعت داده اند و بعد از آن مرخص شده رفته اند که بسیار
ترکمانان مرقد با التفات اولیای دولت علیه امیدوار
ساخته ده نفر از معتبرین و رؤسای خود را به این

اقدس بیاورند کرمان

از فراریکه در روزنامه آنجا نوشته شده بود ام آنجا انتظام کلی داد
و امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار در نظم آن صفحات
کمال استقامت را دارد و در آبادی آنجا خصوصاً خالصت
دیوانی منتسبهای مراقبت را بعمل می آورد و از خط این اوقات ترکمانان
و نوات خالصه را خواسته در باره هر یک نوازش کرده و تعین
نموده بود که در ضبط و نسق خالصت سعی و کوشش زیاد نمایند
و چندی در کرمان بارنگه درستی نشده بود این اوقات بارنگه خوب ^{نگارنده}

کرمانشاهان

درین مهفته این ولایت اخباری که در روزنامه نوشته شود نبود

اخبار دول خارج

انگلیس تا پنج کاغذ آخر که درین روزها از لندن پای تخت انگلیس رسید روز شنبه ششم ماه ربیع الاول بود در آن ولایت لار و درینی وزیر اعظم و بعضی از وزراء که بمصالحت او بودند حسب آنچه او از پادشاه استدعای استعفا از خدمت نموده و مرض مغزول شده اند و اسامی وزرای تازه را هم سنو چاپ کرده و لکن کمان دارند که لار و درین یکی از وزرای قدیم پادشاه انگلیس است و تا مدت بسیار وزیر دول خارج بود و از سلسله خوانین قدیم آن ولایت است وزیر اعظم بشود لار و جان رستل که چند بار وزیر اعظم شده است وزیر دول خارج بشود و لار و درین یکی سابقا وزیر دول خارج بود و وزیر امورات داخل بشود

فرانس

چنانکه در روزنامه سابقه نوشته شده است دربار امپراطور شدن لویی ناپلیان در مملکت فرانسه از هر بلوک و بر شهر معتبر فرانسه خبر پایداری رسید که بسیاری از اهل آن ولایت رضا بسلطنت او بلب ناپلیان سیم بودند بعد از آنکه این خبر از کل ولایات فرانسه پای تخت رسید امنای دولت بلوئی ناپلیان اعلام کردند که پادشاهی آن مملکت را قبول کرد و برقرار شد در شهر پاریس مراسم عیش و شادمانی و شیلان بعمل آورد و در چهار روز در ضرائح خانه پاریس بولیا سه ناپلیان سیم سک کردند که یک طریقه شکل ناپلیان سیم را داشت و در دوش نوشته بود ناپلیان سیم امپراطور و در طرف

دیگر آنچه فرانسه یعنی ممالک فرانسه در زیر حکومت امپراطور میباشد

بجهت خوشنودی خلق و از راه حسد که خود ناپلیان سیم وارد در جمله اول حکمی که کرده بود این بود که بعضی از مقصیرین را که بجهت افتاد و مجوس بودند قصه آنها را عفو نموده بودند و بعضی از مقصیرین دیگر را نیز که قصه شان خیلی بود بخشیده است از جمله اول قشون که عملی کرده بودند که خلاف نظام بود و بجهت قصه شان با مجوس بودند با توبه دیگر شده بودند عفو شدند و فراریهای قشون نیز عفو کردند و آنها که بجهت افتاد و با عجزی دولت مجوس بودند نیز خلاص شدند شرط بر اینکه بعد ازین آرام نشینند و از اعمال افتاد خود دست بکشند اما آنها که بطور مجرمی آدم گشته بودند یا قصه شان کثیف بود با مجوس اند و دیگر در خصوص فقر و صغفا و ابتام و این قسم اشخاص قرار گداشته که دیوبانها رعایت و مراقبت و محافظت تمام نماید که بجهت آنها رفاهیت حاصل گردد و بعبرت نکند راند از جمله ایلیان دول خارج ساکن شهر پاریس که دوباره ماموریت نامه تازه بعد از امپراطور شدن لویی ناپلیان آورده و بخدمت او داده اند یکی لار و گولی سفیر کبیر از جانب پادشاه انگلیس و یکی ایلیان از جانب پادشاه اسپانیا و یکی ایلیان از جانب پادشاه دانمارک و یکی ایلیان از جانب پادشاه استانبول و بعضی ایلیان دیگر از ممالک کوچک

منه

در روزنامه سابق نوشته شده بود که ماری سینگ که ادعای سلطنت مملکت فرانسه را میکند کاغذی فرستاد

۶۳۳

بالمی فرانس نوشته بود و مردم را از قبول کردن پادشاهی
 لویی ناپلیان منع کرده بود که آج و تحت آن مملکت را
 خود میدانت اگر چه امنای دولت فرانس چندان اعتنا
 باین کاغذ نکرده بودند و لکن درین روز که کانی از دولت
 سنجانی یکی از خوانین فرانس بآولایت فرستاده اند که میدانتند
 که این کاغذ را در نزد او بود و میان خلق منتشر کرده بود و کاغذ
 همه از او گرفتند و میخواستند او را مجبوس نمایند و درین
 بین چا پار از جانب امپراطور فرانس آمد و حکم کرده بود
 که او را مجبوس ننمایند و مطلق العنان باشد
 در یکی از روزنامه های بروکسل پای تخت پادشاهی نوشته اند
 که امپراطور فرانس درین روزها بنا دارد که دختر یکی از
 پادشاهان کوچک من را بزنی بیکر و درین اوقات
 او را نامزد خود خواهد کرد و در روزنامه دیگر نوشته اند که
 پاپای روم که بزرگ ملت گنولیک میباشد بملکت
 فرانس خواهد رفت

روس

امنای دولت روس چون دانستند که در
 راه آهمن بجهت زود کال که بخارج حل و نقل استباح و با
 تجارنی را بسهولت میکند و باعث آبادی و ولایت و
 منفعت دولت است درین روزها بسیار سعی میکنند
 بنمایند که این راهها را در آن ولایت درست بکنند
 و زیاد سازند از جمله بنا دارند که یکی ازین راهها از شهر
 مشکوالی ساحل دریای قزاقیکه سازند و یکی دیگر از
 مشکوتان و قزاق و اسباب آهمن بجهت ساختن این راهها

از مملکت انگلیس میخیزد و معامله با چند نفر از صاحبان
 و کارخانهای آهمن و ولایت انگلیس کرده اند که از میلهای آهمن
 که در راه نصب میکنند آنچه لازم باشد بقیمت معین بدهند
 هنوز چرخ بخار که کالکهای دیگر را می کشد ساخته اند
 و لکن بجان داشتند که آنها را نیز از مملکت انگلیس بخرند

امسال پنج در شهر سنت بطرز بزرگ و در روزی حصا
 قرآنی است و در چهل روز از پانزرقه بسیار سخت است
 کشتی بخار که ستیا حان سوار شده بودند و میخواستند
 بولایت انگلیس بروند کم مانده بود که در میان پنج بند نبود
 و رستنازاد درهما بخا بماند با شکستن پنج و زخم بسیار
 بیرون آوردند و لکن بیست فرزند کشتی بخارنی که با
 کرده بودند و میخواستند بخارج بروند در میان پنج
 بند شدند و باید رستنازاد را بجا بماند

استریه

در یکی از روزنامه های وینته پای تخت دولت استریه
 نوشته از بتاریخ دهم ربیع الاول که البچی فرانس
 وینته بر فرار شدن لویی ناپلیان را پادشاهی فرانس
 بلیقی ناپلیان سیم با امنای دولت استریه اعلام کرده
 بود و در همان مجلس باز دو باره اطمینان با امنای دولت
 منور داده بود که منظور امپراطور فرانس صلح و نظم و
 خود شش و کل دول فرمکتانت و عهدنامه که پادشاه
 فرانس سابقا بدول خارجه بسته اند کماکان برقرار میباشد
 و هر چه شروط آن عهدنامه است قبول دارد ازین جهت
 کمان دارند که دولت استریه امپراطور شدن لویی ناپلیان

قبول نمایند بلقب ناپلیان سیم چنانچه در مملکت
خودش لقب شده است

در روزنامه دیگر نوشته بودند که امپراطور استریت
از آنجا بیرون رفت که به برلین پای تخت پرودستیه
برود بدین پادشاه پرودستیه و از راه شهر درز
خواهد رفت و چند روز در آنجا توقف نماید

پرودستیه

سفیر کبیر فرانسه مقیم برلین پای تخت این مملکت این
اوقات امپراطور شدن لوی ناپلیان را با سنای دو
پرودستیه اعلام کرده بود و در همان مجلس گفتگویی که

الطینان و خاطر جمعی آنها باشد نموده بود که اگر چه
لقب امپراطور فرانسه ناپلیان سیم شده است و لیکن
عهدنامه ای پادشاهان سابق فرانسه را کلاً قبول
کرده است و هرگز منظور بر سرزدن فرانسه در نکستازا
ندارد

دیگر در روزنامه برلین پای تخت این ولایت نوشته
تا پنج نهم بر بیع الاول که پادشاه منو برباد والی مملکت
برتر و نیک بشهر برلین آمده بودند بدین امپراطور استریت
که بنا داشت از ویینه برلین چنانکه درین روزنامه
شده است بیاید

هندوستان

تا پنج کاغذ آخر که ازین ولایت رسید از شهر میانی
چهارشنبه سیم محترم بود و با آنجا خبر رسیده بود در باب
که فن شهر پرودم در مملکت برتمة نوشته بودند که قشون
انگلیس در کشتیها بودند و از رودخانه بالارفته بودند تا رود

شهر شده بودند اهل برتمة در آنجا توپ بسیار داشتند
و بکشتیهای مزبور توپ خالی کرده بودند و در کشتیها
نیز توپ با آنها خالی نمودند بعد قشون انگلیسیها جنگی
درآمدند و حمله بنکر و حصار اهل برتمة کردند و آنجا را
از دست اهل برتمة گرفتند و قشون در آنجا توقف
نمودند و معلوم نبود که پیش بروند میان ولایت یا نه

دیگر از هندوستان نوشته بودند که در اول پانز
گرماد در آنجا شدت داشت خصوصاً تا یکماه از پانزرفته
که اکثر سالها در آن فصل هوا خشک میشود اما سال
تا یکماه چهل روز از پانزرفته هوا گرم بود و تا خوبیشما
در ماهه وسط هندوستان و سمت شمال بکالده
پنجاب و سینه بود و ممالک هندوستان کلاً امن
و آرام بود

احوال است مسفره

درین روزنامه نقره بسیار بولایت انگلیس آورده
و در دست تجار چین زیاد شده است که قیمت نقره
قدری متزلزل کرده است این نقره را از جزایر خط استوا
و یکی دنیای جنوبی آورده اند و چند وقت در ویست
تجار مانده بعد در میان کشتی که استند و از راه اسکندریه
میضربند و در آنجا فرستادند و در آنجا خوب فروشن

خواهد رفت

درین روزنامه سبیل زیاد در ولایت انگلیس آمده است
چونکه اکثر این مملکت زمین مسوار است و ارتفاعی که
از رودخانه دارد کم است و رودخانهها نیز مانند رودخانهها

کومستان تندجاری نیستند مردفت که آب باران
زیاد می آید آب رودخانهها بالاسیکرد و بسیاری از دیگها
ز برای مسیر در زیر زمینهای خلق و اوطاقهای تحتانی
همه در میان آب میماند خانهای اینولایت را از آجر و
مسازند که آب چندان کاری باو نیستند بکنند با از
چوب و تخمه میبازند اما از لطف شدن حاصل حیوانات
و غیره ضرر و زیان زیاد بر دم میرسد و در بعضی کوهچهار
شهرهای انگلیس که هیچکس آب نمیده بود چنان آب زیاد
شده بود که مردمی که از خانه بخانه بازار که چه بگویند
بروند از لایبندی زورق سواری شدند و بعضی از مردم
بسم در میان آب لطف شده اند و بعضی هم از چاه
بالا خانها بیرون آمده زورق و غیره سوار شده و رفته
چونکه در مملکت انگلیس اکثر غله از فصل بانیس بکارند ازین
سبب ضرر زیاد بر دم رسیده است که بعضی
زمینها را که زراعت کرده بودند آب تخم و خاک را
همه برده بود و بجهت زیادتی آب و گل شدن زمین جایابی
دیگر را نیز که میخواستند بکارند نتوانستند در دست
نموده بکارند

از شهر سینگ پور که در یکی از جزایر بحر هند است نوشته اند
که دزدان دریا که کشتی تجار را تاخت میکنند و اهل کشتی را
می کشند درین روزها بسیار جویشده اند چونکه
این جزایر در راه کشتیها که از چین بفرنگستان و بعضی از
سنگی دنیا و اکثر ولایات روی زمین میروند واقع است و از آنجا
که کشتیها که از چین می آیند بارشان بسیار قیمت دار است
و دزدان در آن اطراف بسیار میشوند و کشتیهای کوچک

۱۳۶

و بار یک دبلند و تیز رو سوار میشوند و می آیند حمله میکنند
تجاری آورند اکثر اوقات آدمهایی یا اگر کشتی تجاری
می یابند می کشند از ترس اینکه مبادا خبر بد دولت خود برسد
و کشتی جنگی دولتی بجهت تنبیه آنها باید بارهای کشتی را ببرد
می آورند و غش اهل کشتی را بدریا می ریزند و کشتی را با
میزند با غرق می کنند که اثری از او نماند دول انگلیس و
اسپانیول و سکی دنیا شمالی و بعضی دول دیگر در اینجا
کشتیهای جنگی بجهت محافظت از تجارت خود نمایند اما کشتی
دزدان مزبور بسیار شکست زیرا که قوت کشتی را تا
که دزد میسر نرزد و بخاری که وطن خودشان است میروند
و اهل کشتی جنگی که عقب آنها میروند نمیدانند که دزد کدام است
و بی گناه کدام تجار درین خصوص بدست خود عرض کرده اند
و گویا قواری خواهند گذاشت که دزدان مزبور را تنبیه
نمایند و اهل دولت اسپانیول که در آن سننها بعضی
شهرها و جایها بجهت لنگرگاه کشتیها دارند سعی و کوشش
تمام می کنند که تجار را درست محافظت نمایند

اعلانات

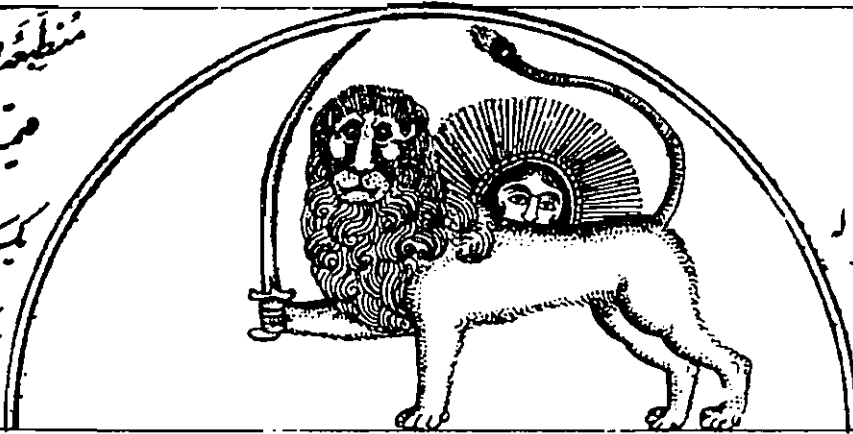
کتابهای چاپی طهران که در کاخانه حاجی عبدالحمید
در محله نزدیکی دروازه دولا ب انطباع شده از اینقرآ
فروخته میشود

مجمع البیان	شش تومان	۲
ختم نظامی	نه هزار و دینار	۱۰۰
تفسیر امام عسکری	یک تومان	۱۰
شاهنامه	چهار تومان و نیم	۱۰

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ پرده شنبه ماه جمادی الاول مطابق سال سیچان میل ۱۲۶۹

روزه ششم

قیمت روزنامه
یک ششده شاهی
بیت و چهار هزار
دینار



منظومه و المخلایه طهران

قیمت اعلانات

یک خط المجره هر روز
بیشتر هر خط

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالمخلایه طهران

چنانچه در روزنامه گفته نوشته شد در روز
چشمه میت و چهارم ماه ربیع الثانی اعلیحضرت پادشاهی
عزیزت شکار جاجرد فرموده موکب نیروزی کوکب با
حرکت فرمودند و جناب جلالت آفتاب صدر اعظم و
سایر خدمت حشم در رکاب هایون رفتند و درین
اوقات توقف موکب هایون در شکارگاه مزبور باریک
زیاد شده و چونکه تار برف نیاید در آنجا شکار خوب جمع
نمیشود از مطالع فیروز می مطالع ملوکانه باران و برف خوب
ستوالی آمده و شکار فرادان از هر قسم کرده شد اگر چه
کثرت برف و باران قدری زحمت بملزمین رکاب
هایون رسید لیکن شغل شکاری و لوگر باب در سفر
زحمت کشیدن است و تا زحمت کشد کارش پیش نمیرود
و بسبب شدت بارندگی و برف شکار خوب و فرادان
هم از شکار کوهی و دشتی و طیب بسیار شده و بعد
سابقه بجهت شاهزادگان غلام و خادمان حرم و سفرای
دول متجابه و علماء و فضلا و اعیان و ارکان در خانه از شکار

شکار رحمت فرموده بشهر فرستادند

درین اوقات بارندگی پیوسته و زیاد در دارالمخلایه
طهران شده است بطوریکه از روز جمعه بیستم ماه ربیع
ثانی تا روز سه شنبه میت هشتم ماه مزبور متصل بارندگی
مکرر و روزگه هوار اصاف کرد اول برف خوب آمد و
هوا بشدت سرد شد و بعد از آن هوار ملایم نموده باران
شدید آمد بطوریکه کل برف را از زمین برداشت و از شدت
باران خیزی خرابی هم بخانهها و دیوارهایی که از خشت گل
ساخته بودند در بعضی محلات رسید و لکن ضرر جهانی
سجد اندک کسی نرسیده بعد از آن در شب سه شنبه بارندگی
برف را گذاشت و بیشتر از برف اول آمد و لیکن چون
بزمین باران آمد بود و هوا هم ملایم بود و نصف برف
بکلی بیشتر آب شده و با وجود این باز برف سنگین در زمین
و هوا هم مناسب طاعت را دارد
در روزنامه شهر نوشته بودند که شخصی سوار آب بود
از محله سنبله عبور میکرد و در آنجا آب را واقع در میان کوه
خراب شده آن شخص با آب میان آب انبار افتاد و آن

۶۳۷

لذا آب بیرون آمده بخانه خود رفت و صبح چند نفر آدم آوردند
اسب را بیرون آوردند و عیب نگزیده بود

چهارسک در پشت بام حمام واقع در محله جالیدان باک
جنگ میگرداند چون در روی قبه خزان بود و قبه خراب
شده و هر چهارسک ناگاه میان خزان آب افتاده
چند نفر زن در میان آب بوده اند و حشتم نموده فرار کرده
و یکی از زنهای از شدت وحشت ضعف کرده بوده است
بعد استاد حمامی را خبر کرده بودند و آمدند که هزار خزان
بیرون آورده بود

سایر ولایات

ازربایجان از فراری که در روزنامه ارومی
شده بود عالیجاه جانمحمد خان حاکم ارومی در انتظام امر
کمال اهتمام را دارد سابقا از فراری که نوشته بودند باین
سلسله و خاک ارومی بسبب کثرت ایلات
درودی اتفاق می افتاد و قوافل و مترددین از تعرضات
ایلات این نموند عالیجاه شایسته چندی یک نفر صاحب
باسی نفر سوار تجمه حفظ و حراست راه گذاشته بود این وقت
امر آنجا نظم دارد و قوافل و مترددین میگذرند و هیچ چیز
و استیسی مال و حال آنها نمیرسد

دیگر نوشته بودند که در محبت یکم ماه ربیع الاول تعلیق
جلالت تاب صدر اعظم را که بمقرب آنخاقان وزیر نظام در خصوص
آبادی ولایت خوی و تحقیق که از سال حسب الاشارة العلیه
با آنجا حمت شده نوشته بودند رسیده و مقرب آنخاقان
همان تعلیق را با مر اسله از خود بخوی فرستاده و رسوم
امالی آنجا مسجد جمیع گردیده تعلیق را در سربسبب خوانده

و اینمندی بسبب مزید شکر گذاری و امیدواری امالی آنجا
برافت و عاطفت این دولت قوی شوکت علیه گردیده
و کبیر بر اسم دعا کونی و شکر گذاری را بعل آورده اند و چند
خانوار عیبت که سابقا بجهت ظلم و تعدی از دما ت آنجا بجا
عثمانیه رفته بوده اند بعد از استماع حرمتم نمودن تخفیف
با امالی آنجا با کمال امیدواری بعضی مراحت با وطن خود
نموده اند

دیگر نوشته بودند که ملا علی اکبر برادر حاجی طایر روضه خوار
سر خود را تا نصف برید و برادرش خبردار گشته نگذاشته
که تمام برید از فراری که از خود او سبب این حرکت را
گفته است که در نزد خود بانمده اطهار علیهم السلام العیاذ بالله
نامت را گفته کافر شدم باین جهت سر خود را بریدم که ملاک
دار المرز

درین معنی ازین ولایت اجباری نبود که در روزنامه

فارس

از فراری که در روزنامه فارس نوشته شده بود در روز
ماه ربیع الثانی نواب مستطاب شاهزاده و الا تبارک
فیروز میرزا حکم ان فارس غنیمت کرمیرات آنجا نمود
ورفته اند که در الصفحات نظم کلی ببیند

عراق

اصفهان از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته
بودند ضعیف وضع حملش شده اولادی زائیده است که دوگوش
و انامیت او معلوم نموده و بعد از تولد او پدرش فوت شده
و چند نفر اولاد دیگر داشته است وراثت و تقسیم ارث در
خصوص آن طفل معطل مانده مراتب را از جناب حاجی محمد جعفر

۶۳۸

اخبار دول خارج

روکش در روزنامه اسلابول که بخط فرانسه چاپ میزند و نام او ژورنال ده کاننٹیننٹالست کاغذ از طراز آن با خط نوشته بودند چاپ زده اند و مضمون کاغذین است که از وقتی که پرنس ورنسوف حائش علیحضرت امیرطوروس بحکومت لایت کرختسان مقرر شده است و نظر آبادی و غیره اولاً خصوصاً در امر تجارت و داد و ستد مردم نسبت بدول خارج چونکه در خصوص تجارت بدول خارج و بعضی چیزها در سایر ممالک روس مدین سخت است و پرنس ورنسوف خواسته بود که این قیغن در ممالک کرختسان نباشد و گویی که در پیش گرفته بود بسیار مشکل بود از جمله داشت که گشتی بخاربا این شهر طراز آن و قصبه بطوم و رود و طلعیه که کنار مملکت چرسین میا و مملکت فریم و اسلابول است اینها از دوک وایم وایم در وقت تعیین ترود بکنند و چونکه آن جایها بنا در سایر اطراف آن ولایات اند از بیرون بردن حاصل و اجناس آنجا منفعتمندان با بل آن ولایات میرسد در رود و طلعیه که یکی از بنا در بزرگ آن سمت است لسنکگاه و فصل رستمان چجه کشتی خطرناک است از آنجهت راه انداختن کشتی که دایم الاوقات در آنجا ترو دکنند مشکلست درین روزها یک کشتی بخار از دولت عثمانیه و یک کشتی بخار از دولت انگلیس در رود و طلعیه افتاده و لیکن در خصوص بعضی قاعده قانون که آنجا صاحبان این کشتیها ازین کشتیها و چونکه چنینکه نوشته شده است رود و طلعیه چجه کشتی در رستمان جای خطرناک است زود مراجعت بطراز آن کرده اند و رفته اند از سایر دول خارج درین بنفعا اخباری نبود که قابل نوشتن در روزنامه باشد مگر آنکه در احوالات متفرقه نوشته میشود

آبادی مسئله نموده اند جواب گفته اند که دند های هلیوی اورا بشمارند اگر مخالف ذکر است سهم آنهاست و اگر موافقت سهم دگور با و بدند ثانیاً بفرقه معلوم نمایند ثانیاً نصف ارث دگور و نصف ارث آنهاست با و بدند و ارث مرزوره بشوق ثانیاً عمل کرده اند

افراج متوقفین اصفهان از قرار یک نوشته اند روزها مشغول مشق میباشند و موسیویانکما معلوم فرکی آنها را تعلیم میدهند و از قرار یک نوشته شده بود آداب و رسوم مشق را خوب دریافت کرده اند و بطور قاعده و نظم حرکت می

خراسان

از قرار یک در روزنامه اینولایت نوشته بودند که شخاچی را که نواب حسام السلطنه والی مملکت خراسان برای سان اجضا کرده بود این روزها وارد ارض اقدس شده و در حضور نواب مغزی ایستاد و عالیجاه مغرب انخاقان طلیعی خان میرنجسان آنها دیده شده باره هر یک التفات نموده قرار داده اند تا یکماه در مشهد معتمدین وقت

کرمان

این ولایت نیز درین هفت اخباری رسیده است

کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته شد بود در سیم ماه بیج الثانی نواب شاهزاده عمادالدوله حکمران کرمانشاهان از شهر بیرون آمد و بقلعه حاجی کریم که یک فرسخ از شهر دورست رفته اند که آنجا با طرف کرمانشاه بروند و اولاً کرمانشاهان را آنجا حاضر کرده افواج مزبور را بتعلیم آداب مشق تیار کردند و دو ماه هر روز مشق کنند و در مشق را بطور شبانه با موزون و در روزها نیز از قلعه حاجی کریم روانه آن اطراف شده اند و عظامان نیز از امدان نگه داشته اند و در آنجا کوران و حرسین خان کلهر و جانی خان کزندی با افواج خودشان همراه بوده اند

۶۳۹

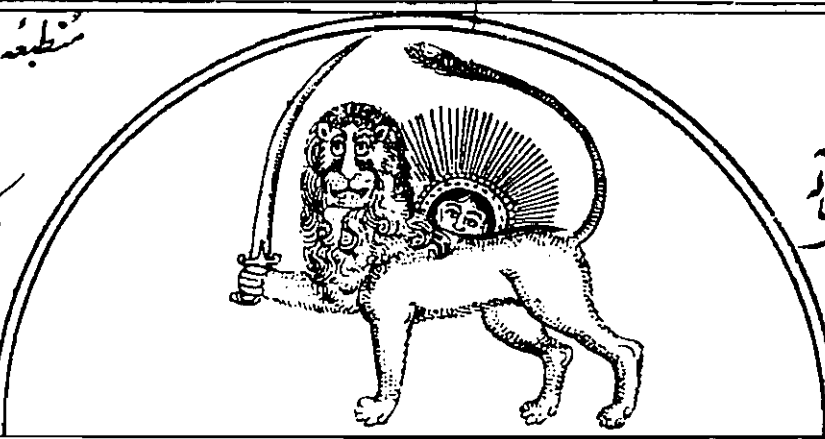
احوال متفرقه

در مملکت فرانسه قرار داده اند که کس که اطلاق داشته باشد
 و پول قرض بخواند از فراسالی صد تومان پنج تومان از دیوان
 میدهند بشرطی که اطلاق خودش را نزد دیوان کرده بگذارد
 و این قرارداد از جهت رفاه حال صاحبان اطلاق اولاً
 چونکه بعضی از آنها بسیار مقروض اند و ملکشان در گرفتاری
 و انتفاع زیاد میدهند و از طرف دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند
 این قرار بسیار خیر و صلاح صاحبان اطلاق است
 بعضی از سیاستمداران در روی دریا نوشته اند و گفته اند که
 ما بزرگ در دریا دیده اند که شاید سی چهل ذرع بیشتر دراز
 داشته باشند اگر مردم با ورنی کنند که اینطور جانور
 غریب وجود داشته باشد و حکایات اغراق بسیار می آید
 اگر چه چهار سال پیش ازین یکی ازین قسم ما را دیده اند
 و شکلش اتم کشیده اند درین روزها هم یکی از اهل کشتی که
 از سس آمیند نسبت بدش میرفت یکی ازین ما را دیده
 بودند شخصی از اهل کشتی که این گزارش را نوشته است
 نزدیک بطرف بود و در اطاق پایین کشتی طعام میخورد یکبار صد
 کشتیها نماندندش بالا رفت دید که نزدیک کشتی یکی ازین
 ما را ای بزرگ بود و سر و گردنش تا پنج ذرع و نیم باشد
 و سر از آب بیرون بود و دایلی داشت مانند آره و مرغابی
 زیاد بسم بدو راجع شده بودند و در میان آب که را
 میرفت آب مانند کشتی کوچک میخافت از زیر کسب
 که درش گمان میکردند که بیت و هفت باسی ذرع قد داشته
 باشد صاحب کشتی کشتی را بطرف او راند و بقدر صد و بیست
 که مانده بود با او برسد مار با آن فرود رفت و بعد از یک ساعت

دیگر باز بالا آمد و یکی از صاحب منصفان کشتی شکل او را
 کشیده و بولایت انگلیس فرستاد
 در مملکت مصر از عهد فرعون قدیم آثار بسیار مانده است خصوصاً
 از سنگهای تراشیده عمارات و مقبره و غیره اهل این
 ازین سنگها را خریده اند از جمله یک سنگ بلند یکپارچه
 که نزدیک بایکند ریست و در رویش خط قدیم آن ایام
 مصر را کنده اند و یکی ازین سنگهای یکپارچه قدیم آنولایت
 هم چند سال پیش ازین دولت فرانسه از مصر بولایت
 خودشان بردند اگر چه اهل انگلیس چند سال است که این
 سنگ را خریده اند و لکن بولایت خودشان نبرده اند
 خصوصاً بردن این سنگ رای مردم مختلف است بعضی
 میگویند که چون آثار جلال ایام قدیم مملکت مصر است از آنجا
 برداشتن بولایت دیگر بردن عمل قبیح است و بعضی
 میگویند که چون از خط آن تاریخ قدیم روشن و ثابت میشود
 و در ولایت انگلیس و فرانسه خوب نگاه میدارند آنجا بردن
 بهتر است که در ولایت مصر با که شاید شکسته و تلف بشود
 اما هنوز بولایت انگلیس نبرده اند
 سابقاً در مملکت سیام که ما بین هند و چین است سینه اهل عیسوی ازین
 که با نجاریت بسیار بد میکنند کشتیهایشان فرانسه با نجاریت
 و دو نفر از اهل انجار از جانب پادشاه آنجا نزد پاپا آوردند
 و پادشاه سیام بیایا نوشته بود که خاطر جمع باشد
 که در ایام سلطنت اوجیسو بها ظلم و تعدی نخواهد شد
 مذمب پادشاه و اهل بولایت مانند کشتی از این
 هندوست که هند میمانند

۶۴۰

روزنامه قایح اتفاقیه تاریخ پنجشنبه ۱۲۶۶ هجری قمری ماه جمادی الاول مطابق سال سیچقان میل

<p>منظومه دارالخلافه طهران قیمت اعدیات یک سطر ایچهار سطر پنجاه دین بیشتر باشد هر سطر پانزده</p>		<p>نزد صد و هفتم قیمت روزنامه یک نسخه و یک بریکه صفتان و چهار هزار دین</p>
---	--	--

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که بشکار جاجرد تشریف فرما گردیده بودند در روز چهارشنبه سلح ماه ربیع الثانی با الشوکه والا جلال بدار الخلفه مبارکه و مفر سلطنت عظمی مراجعت فرمودند و بسبب کثرت بارندگی و برف از غیر قبیل شکار فراوان شده بود و بقراری که در روزنامه سابقه نوشته شده بود با غلبه شکار و کان عظام و حرم و چاکران در بارهایون و سفرای دول مستجاب و علمای و فضلا که در مکتب سالیون بودند شکار محنت گردید

تعیین امیر الامرا العظام اجودان باشی و مبران پنجه و سیر سپان و سر مکان و کل صاحب منصبان هر روز در در رسم مزبور حاضر شده تا دو ساعت از روز گذشته و رزق عالیجاه قولول مطران صاحب تحصیل علم جنگ مشغول اند و کمال مهارت را بتصدیق قولول مزبور بهم رسانده اند

در باب کسوف جارد بیل و مشکین اولیای دولت قاهره یا در فوج عز و ذرا با یک نفر تفنگدار اعلیحضرت پادشاهی حسب الاشارة العلیه روانه نمودند که کسوف مزبور را گرفته بعد از عبور سلطانی بر کاب هایون حاضر

نظر بحسن خدمات عالیجاه مقرب انخانان میر افتخاری خان مستوفی که در خدمات متواله بخود حسن استقامت را موعی و در خاکپای هایون مستحسن مقبول افتاده لکن اموازی بکوتاهی زمه طاعت در حق او محنت و عنایت فرمودند

امورات قشونی

چنانکه در روزنامه های گذشته نوشته شده است نظر با تهامی که اعلیحضرت پادشاهی در انتظام امر مدرسه دارالفنون دارند حسب الامر هایون تمامی ایام مقدر گردیدند

و سه چنین قرار فوج رضا را داده اند که هفت و پنجاه نفر بجوی و سلماس وارد می موافق خانواری صمت نموده سر باز بگیرند تا بکمی شکم و تعدی نشود و یک نفر صاحب بایک نفر محصل مامور شد که کسوف مزبور را تمام و کمال گرفته بعد از عبور نوروز آنها را بر کاب حضرت انتساب هایون حاضر سازند

از آنجا که رای جهان آری مایون بران نظام امر مدبره و الفنون
و ترقی متعلمین قریب است لهذا محض تفقد و تملیخ خسروانه
در روز شنبه سیم متعلمین بحضور جلوس احضار فرموده وقت
مراتب تعلیمات آنها شدند و یکی بواسطه اینکه لازمه جد و جهد
کرده بودند مورد نوازشات مولا گشته

عالیجاه بارتون که منس صاحب منصب دولت تبه او شیراکو
دو سال خدمت باین مملکت آمده بود پیش از انقضای خدمت
منسکب معاوی بر چند کردید مستعدی خصت شد دولت علیه
بسم از راه غریب نوازی استغای او قبول و بعلاوه چند
فقره انعام و احسان و موجب ایام نوقت تار و زخمی او پاد
تومان بصیغه انعام و هشت تومان قیمت بکلاف شالی
با یک قطعه شان شیر و خوشید از مرتبه دوم با وعظت کرده
تا شاگرد خوش شود بوطن خود مراجعت نماید

نظر بحسن قابلیت عالیجاه نوز محمد خان میر تپ سواره باهلا
و نجیب یار عالیجاه شازاله سپرده و ابو اجماع فرمودند
و فرمان و خلعت با و مرشد
احتمالاً شهر

از فراریکه در روزنامه شهر نوشته بودند درین اوقات
سبب کثرت بارندگی و برف بعضی از خانها و دکاکین
فی بجله خرابی رسیده از جمله سقف دکان مشعل سخام مقبره
خواب شده چند نفر در زیر خرابی مانده بودند آنها را
سکته بیرون آوردند اما کسی تلف نشده بود و هم چنین خانه
علی سبزی کار در محله عود لاجان یک اطاقی که زن و بچه و دو
خوابیده بودند اندک شبانه خراب شد و دوسه تبر که مجاوی
سر آنها بوده است بعد از سکستن در طاقچه کبر کرده بطوریکه آنها

اذینت نرسیده بوده است و بعضی خرابی سخاها و دکاکین
و حمامها نیز رسیده است و لکن از فراریکه نوشته بودند
تلف شده است

سایر ولایات

از فراریجان از فراریکه در روزنامه از فراریجان نوشته
بودند یک نفر شیپورچی در شهر تبریز شراب خورده و در بار
بستی و شرارت میکرده است او را گرفته و نیز در نواست
حمت الدوله صاحب ختم مملکت از فراریجان آورده بودند و با
معزی لیه حکم قتیبه آن نموده بودند گفته بود مرا منید یک نفر
وزارت او را نشان بدمسم و یک نفر جبار نام نشان
داده بود جبار گرفته و در قهای او را جویا شده بودند گفته
چهار نفر رفیق دیگر دارم در اردن آنرا بسپارند نواب مغزی
محصل فرستادند و ورقه آن چهار نفر گرفته آوردند و تحقیق
معلوم شده بود که این اشخاص مدنی بوده است که بدیج خانها
مردم رامی بریده اند چنانچه از خانه نفر که با اسم درسم
کرده و اموال و اسباب برده بوده اند اموال مسروقه سردار
و بصاحبانش تسلیم گردید

و هم چنین نوشته بودند که از دروازه جیابان صحیفه
گرفته بودند و درین مطالبه اموال مسروقه معلوم شده بود که آن
کار شارقیدی او بوده و در مدت دو سال ارباب در خانه
دو نفر ضایع بود از خانه خارج نمودند در وقت رسیدن
میر تقی میر تپ

مردم وزندی کرده بود اموال مردم را تمام و کمال گرفته رد کردند
و ضعیف سارق را نواب حمت الدوله اخراج بلد نمودند

دوّمین دو سال قبل ازین از خانه عالیجاه میرزا احمد
جانشاهی اموالی سرفت شده بود بسیار تفحص کرده و ساقه
بودند تا درین اوقات عجبای او را آوردست عجبسین
مندی دیدند او را گرفته نگاردهشته اند که اموال مسروق
از او دریافت شود

دیگر در روزنامه تبریز نوشته بودند که این اوقات
اوهمای علی افندی از ساوجبلاغ بتبریزی آمده
در بین راه سه رس قاطر و قدری اسباب از
اوهمای مشارالیه سرفت کرده بودند نوابشاهزاده
حسنت الدوله محصل فرستاده اموال و اسباب آنها را
تمام و کمال گرفت با قاطر کبک صاحبش رد کرده آ

دیگر نوشته بودند که عالیجاه حاجی میرزا احمد خان صاحب
مقیم استامبول در روز شانزدهم ماه ربیع الثانی وارد
تبریز شده و نوابشاهزاده کمال احترام از او فرمودند
و در روز عیبت و چهارم ماه فروردین مقصد نموده از آنجا
روانه گردید است

دیگر در روزنامه تبریز نوشته بودند که بعضی اخبار از
در خوی انتشار یافته بود که قدری باعث شستی اموات
محمد حسین میرزا حاکم خوی شده بود نوابشاهزاده حسنت
یکموجب چینه ترمه برای نواب معزی الیه خلعت فرستادند
در روزهای گذشته نوشته شده بود که نوابشاهزاده
حسنت الدوله بجایگاه قمبر علیجان حاکم دارسلطنه تبریز حکم
فرموده بودند که از آنکه خدایان شهر صورت گرفت و سیاه شکار

از ناخوشی و باز هر محله فوت شده اند با دفت نام
نویسند بدند از فرار یک که خدایان صورت و ثبت
نوشته و داده اند از آن محله تبریز چهار هزار و ششاد
نفر ازین ناخوشی وفات یافته اند

دیگر نوشته بودند که افواج دهم خوی و پنجم ایلات
دوّمین و دوّمین نصرت و شتصد نفر توپچی که حسب الامر
اولیای دولت قاهره احضار بدربار مسابون شده
مقرب انخافان وزیر نظام بحکم نواب مستطاب
حسنت الدوله احکام صادر کردند که مواجب سه ماهه
مجلسی سینه آتیه او و نبل افواج فرودره را از محل خودشان
داوده روز بعد نورد در سلطانی مانده در تبریز حاضر
باشند که مواجب سه ماهه ثانی را نیز در اوطاق نظام
باستحضار عالیجان لشکر نویسان عظام داده روانه

دارالمرز
درین معنی از ما نذران کسبلان اجباری نبود که در روزنامه نوشته

فارس

نوابشاهزاده و آباء نصرة الدوله صاحب جنبای فارس برای زیارت
خاکپای مایون غنیت دار انخافه طهران است چون نظام است
اتجا الزم بود اولیای دولت قاهره آمدن اور صورت نمیدند محصل
احکام اولیای دولت نظام مملکت و الحاکم حکم را بنیارت خاکپای
مرجع داشته معاهدت نموده نسبت با و رات رفتند و از جانب
اعلیحضرت پادشاهی کیوتیبی ترمه و یک ششتر بنبر صریحی بود
معزی الیه محسنت نموده ارسال فرمودند

عراق و خراسان

این دو لایت نیز درین معنی اجباری نبود که در روزنامه نوشته

۶۴۳

ش

کرمان

بظان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امیرالاعظم
محمد حسن خان سردار حکمران بزد و کرمان در نظام
امرولایت دهنده اسباب افیت انجام مسواریه کمال
اتمام و مراوت را دارد و در هر یک از منازل خاک کرمان
معدودی از تفکیکی گذارشته است که مشغول حفظ و حرا
طاق و شوارع باشند و برای عابرین و مترددین
بکسوع الهمیان و اسایش از تعینات قطاع الطریق
حاصل شود

از قراریکه نوشته شده بود افواج متوقفین کرمان هر روز
در باغ نظر مشغول مشق و اموضن قواعد و آداب نظام
مستند و با کمال نظم حرکت می کنند و امیرالاعظم
مقرب الخاقان محمد حسن خان سردار در انتظام امر افواج
استمام زیاد دارد از جمله نوشته بود که دو نفر از سربازان
شرب خورده و در کوه چاه بدستی و شرارت می کرده اند
مقرب الخاقان شارالیه بعد از استحضار بر این
داده اند آنها را در وسط شهرت باز بستند و کمال
موزده اند که مایعرت سایر سربازان شده بعد از این
از آنها رکتب شرب و شرارت و سگونه اعمال ناشایسته
نمود

دیگر نوشته بود که فوج بهادران تبریزی تومان نسیم
از مشق کردن و اموضن قواعد نظامی خود را معاف نمیدارند
عالیجاه علی بن قی خان سرباز واجب جیره آنها را تمام کمال
فردا فرزند امید بد و بعضی با بهر سیکرد و بعضی از آنها که بهر ای
عالیجاه محمد تقی بیک با و را مور بجهتد حرمت قلم نمهند

سیار خوب در خدمت حرکت کرده اند و اغلب اوقات
عالیجاه موسی خان از طرفه حسن سلوک آنها کاغذ رضایت
بنویسد و باقی نیز که در شهر کرمان مستحفظ میباشند این شهر
کمال رضامندی را از آنها دارند

کرمانشاهان

درین هفته ازین ولایت اخباری بنود که در روزنامه
گردستان

از قراریکه در روزنامه سنجج کردستان نوشته شده
بود زوجه سید محمد نام در حالتی که حمل داشته و هفت ماه
استن بوده است ناخوشی براد عارض شده که ازین ناخوشی
سرا و خون متقاطمی شده است اطبای آنجا از تشخیص
مرض و دداوی آن عاجز شده بوده اند تا اینکه سید
تفضیل ناخوشی او را حکیم حق نظر و لد حکیم اسمعیل بیان
کرده مشارالیه بعد از رجوع بکتب طبیه گفته بوده است
که برای این ضعیفه فضا نافع است و بعد از فضا بقیه خون
از دماغ او نازل شده خوب میشود سید فرزند بید
او عمل کرده ضعیفه را فضا نموده است بعد از ساعتی خون
از دماغ ضعیف جاری شده و بحال آمده خوب گردیده است
و هیچ ضرری رسم بحمل او نرسیده است چون این مرض
و معالجه آن بیک نوع غرابی داشت در روزنامه گذشت نوشته
شد

دیگر نوشته بود که در انولایت نهایت افیت و نظام
و فراوانی دارزانی حاصل است و اما لی آنجا کمال آسودگی
دارند و هوای آنجا هم بسیار خوب است دو بار برف کمی با
آمده است و لکن هوا بسیار لطیف و سمر اچندان شدت ندارد

احبار دول خارج

موافق خبری که این اوقات رسیده است ممالک فرنگستان
کلاً امن و آرام بود و بهین سبب خندان خبری نبود که خبر
کرده و در روزنامه دارمخلاف نوشته شود و در اینست
آن ممالک این است که کار عسوم خلق بهتر پیش میرود
زراعت کاران مشغول زراعت خود بوده اند و صاحبان
کارخانها و صنعت کاران کارشان بهتر پیش می رود
و همه خلق راضی و شاکر و این امنیت را نعمت بزرگ
محصوله در مملکت فرانسه که در اوقات اغتشاش
که قوه از جمله رعایای بی بصاعت و مزدور و صنعت کاران
که بزودی می کار میکردند بجهت خوابیدن کارخانها و از آنرا
که مردمان مشغول و صاحب بخواب بجهت انقلاب و اغتشاش
که در زراعت با تجارت با کارهای دیگر نخواه بگذارد لهذا
اشخاص مزدور و بی بصاعت بی کار و بی نان میمانند اگر چه
اکثر اهل روی زمین در وقت این قدر شکر امیدند
اما چونکه فرانسه سختی ناامنی را دیده و بلخی اغتشاش
حلاوت امنیت این ایام بدائنه آنها شیرین تر می آید
امیت نظم را بیشتر از سایرین میدانند در مملکت فرانسه
و در اکثر دول فرنگستان در شهرها و قصبهای بزرگ دیوان
صرفخانه بجهت مزدور و سگونی اشخاص کشوده اند که این قسم مردم
اگر بول خبری بخواهند ذخیره بکنند باین صرفخانهها
و منفعت میکند قاعدتاً که از یکبار دینار یا ده تون اگر بزرگ در یکبار
صرفان قبول نمایند و اگر بیشتر بزرگ قبول نمی کنند زیرا که این صرفخانهها
مخصوص مردم کم قوه و مزدور کشوده اند و بعضی هم که از دیوان بی بدین
رفاه حال غالب این اشخاص است نه و نماندند و ترقی احوال او صاحبان

اهل فرانسه ازین معلوم شود که موافق حساب که چاپ زده اند
درین چهار پنج ماه پول زیاد باین صرفخانهها داده اند و بسیار کم
پس که فزاید و قاعده این است که صاحب بخواب وقتی که پول خود
پس بخواهد دو هفته پیش یا چیزی نماید که درین مدت مجال فکر
درست داشته باشد که پول خود را بعیث تلف نکند

پروسیه

درین روز صاحب کمال پادشاه اینولانت اجلاس نموده اند که
و خصوصاً معصرین که در اغتشاش سه سال چهار سال قبل در فرنگستان
جنگ و یا عینکری کرده بودند تحقیق نمایند اهل دیوان دو سوال
از آن مجلس کردند اول اینکه آیا اینها اراده داشتند که بزور و جنگ
دولت را برسم بزنند یا نه و دوم اینکه آیا منظور داشتند که رعایا
پادشاه را شجریک نمایند که سلاح حرب بدست گرفته بافتون
دولت یا با یکدیگر نمایند چنانچه از آنها که تقصیرشان ثابت بود
حکم کردند که شش سال حبس تنهائی باشند یعنی هر یک در اوطاق
کوچک تنها محبوس باشند و وقت نفوذ دیگر که تقصیرشان ثابت
مردم شدند و چونکه در فرنگستان شادی کمی باورند خرج او را می
و محتاج دیگر هم درین طور تحقیق است خرج این اجلاس و تحقیق
آوردن را از معصرین هم گرفته اند

بلژیک

از شهر بروکسل نمای سخت این مملکت تاریخ روز شنبه
ماه صفر نوشته اند که وزیر دول خارج مشورتخانه آمد و با آن مجلس
مضمون اعلام کرده بود که عهدنامه تجاری ما بین دو کشور بلژیک
که مدتی در سران بحث و گفتگو داشتند در روز بروز و گلای دست
شهر بروکسل قول کشیدند سابقاً بعضی از اجناس بلژیک
سرحد کشنده داخل خاک فرانسه می شد که زیاد از آنها

۶۴۵

میکرفتن بطوریکه چندان مغفقت سببه صاحبان اطلاق میکرد
 از جمله از بر مغفول اسبابی که از این ساخته میشد خواه این شمشیر
 با پیزیهای دیگر که از این ساخته شده است در مملکت بلژیمت ازران
 بعل می آوزند و بخارج میفرستند و ذغال سنگی که در مملکت بلژ
 فزوان در می آوزند و با طراف زیاد بفروش میرود اهل مجلس
 شورخانه ازین گذارش اظهار خورسندی زیاد نمودند زیرا
 میدانند که چند مغفقت بولایت بلژیمید و اینهم معلوم شده است
 که رای امپراطور فرانسه نسبت بدولت فرانسه این بود که بطور
 رفتار کند که مابین دولتیسن و الهالی ملکین دوستی و دوست

استحکام باید
 ناپولین

ازین ولایت بتاریخ ششم ماه صفر نوشته بودند
 که اناسی دولت چند نفر اشخاص فرستادند که گرفته بودند که
 قصد کشتن پادشاه و برسم زدن دولت را داشته اند
 و کمان داشتند که اشخاصی دیگر هم با آنها مصححت و ازین
 عمل مخبر بوده باشند
 احوالات متفرقه

در یکی از روزنامه های فرانسه در باب امیر عبدالقادر
 که از آنوقت که امپراطور فرانس حکم استخلاص امیر مزبور را
 داد و است بسیار خاندی و امیدواری از رافت و حمت
 و بزرگ منشی امپراطور بامل آن مملکت حاصل شده است اگر چه
 امیر مزبور چند سال در آنجا محبوس ماند و لکن در محبوس شدن
 او دولت لا علاج بودند و آنچه نوشته اند در مدت حبس او غرت و
 حمت و محبت با او کردند و ازین بجا نمودند و لایق شان
 مرتبه ابد و رفتار نمودند در یکی از عمارت خوب فرستاده

داشت در و را و قراول نوکرهای دیوان بودند و نظام
 سخت داشتند که مباد از آنجا فرار یابد و لکن قراولها و نوکرها
 دولت را بطوری گذاشته بودند که چندان بخطر نمی آمدند و
 رفتاری که با او میکردند شباهت رفتار با محبوس است
 بلکه مانند هماننداری با او رفتار میکردند و صاحب مضبان
 که شغل آنها محافظت امیر مزبور بود در ولایت فرانسه جدا
 که با آنها رجوع می شد بطوری اقدام میکردند که خود امیر مزبور کمال
 رضامندی از آنها داشت و از دولت خویش کرده بود که همان
 صاحب مضبان که چند سال با آنها انس گرفته و آشنا
 شده است از مملکت فرانسه بطور هماننداری با او تا شهر
 برود و در وقت رفتن خویش کرده بود که صاحب مضبان
 مزبور از دولت مضب التفات گردیده ترقی برای آنها حاصل
 شود و در همین روزنامه ها نوشته اند که چند خانوار از خویشان
 امیر عبدالقادر نیز حسب اجازت خویش او شهر بروش فرستادند
 که در آنجا توقف نمایند

بعضی ممالک فرنگستان در اکثر سالها غله که از خودشان
 بعل می آید کفایت خوراک خلق را نمی کنند و باید از خارج
 در فرنگستان جا های غله خیز عمده یکی مصر است و بعضی از غله
 است و مملکت روس هم از سمت شمال که بدرمای
 بالتیک بیرون میرود و هم از سمت جنوب که از شهر او دشته
 براه قزاقگیر بیرون میرود و مملکت و الاکیت که جزو ممالک عثمانیه است
 و درین باب در یکی از روزنامه های فرانسه این منوال نوشته است
 که لنگرگاه اتریش که در کنار رود دونا بسیار نزدیک آنجا که
 داخل دریای می شود جای بیرون بردن غله و سایر اجناس مملکت
 و الاکیت است و اجناس زیاد از همین بندر بسیار ممالک

۶۶۶

فرنگستان میفرستند و چونکه این اجناس از مملکت واکت
 بسیار راه رود و توب می آید حمل و نقل اجناس مزبور در
 دوتوب در دست کشتیهای دولت استریه است که در
 رودخانه نزدیک بشهر بگردد می آیند و درین سال این تجارت
 بسیار زیاد شده است سابقا بجهت اینکه راه در ولایت
 والاکیته ساخته بودند بیرون آوردن اجناس از قوه
 مشکل بود این راه را قدری تعمیر کرده اند و بنا دارند در
 بسازند بجهت زد و عرابه و غیره و مهندسان هم
 آورده اند بجهت ساختن راه مزبور و در این سال
 بسیاری از کشتیها که از بحر محیط می آیند و سابقا از این
 رودخانه که داخل دریا میشود بالائی آمدند از رودخانه
 رفته اند و بارشان را از نزدیک بجای حاصل خیر گرفته
 و سبب بالا آمدن کشتی از آنجا بخلاف سایر کشتیها
 اینست که در کنار رودخانه سکونی سبب آنست که کشتیهای
 بزرگ بتوانند با آنها بیایند و اجناس مزبور را از عرابه
 میان کشتی بگذارند امینطور در اخراجات بسیار فرو میکنند
 از آنرا که اگر اجناسی که بالای عرابه بیکداند و بکنار رود
 می آورند و یکبار در میان کشتی میکداند که بجز محیط برده بخارج
 ببرد اخراجات کشتیهای دیگر که سابقا بارها از بالا باین
 رودخانه می آورد و رحمت و مخارج فعله و حمل که داده میشود
 همه در کسب تجارت میماند که نشسته از آنکه بیرون آوردن بارها
 کشتی و داخل کشتی دیگر کردن در میان آب خالی از سوسن
 بنا دارند که انبارهای بزرگ هم در کنار همین رودخانه
 که غلظت او را آنجا خشک نگاه دارند چونکه این مملکت رطوبت زیاد
 دارد و زمین آنجا سوار است بسیار از غلظت که

از آنجا می آید بسبب طوبت کم و بیش صنایع میشود مملکت
 والاکیته تجارت دیگر هم دارد و سایر ولایات اطراف
 خصوصه در ششم که بشهر قرآشتاد مملکت مجاز میفرستند
 در عوض اجناس فرنگستان میگیرند اما تجارت عمده ما
 چنانکه نوشته شده است از غلات است که بجز محیط می رود و آن
 غله اکثرش کدو است و در ششم از آنجا حمل آورده
 میزند نصف حاصل غله این مملکت در اول تابستان در رود
 کرده و کوبیده شده با نبار می رود و چونکه غیش حاصل
 اگر دیوان چنانکه اراده دارند در ساختن راهها و انبارها
 و غیره جزئی امداد بخلق نمایند اینولایت ترقی زیاد خواهد
 کرد از بندر اینرا اینکه بالار کشتی بزرگ کار می کند کشتی
 کوچک می رود و اینها هر یکی تخمینا بروی هم جای رود
 خردوار بار بگردانند نزدیک بیاضد فرزند ازین کشتیها
 کوچک و بزرگ است که غله از بالای رودخانه باین
 و در عوض آن ملک مملکت میفرستند بعضی هم با شتر
 وینه پای تحت مملکت استریه میروند اما اگر اجناس که
 با آنجا ببرد ششم که منفذ است از جمله اجناس دیگر غیر از غله که
 از بنولایت بیرون می رود گوشت خشک ملک سود است
 و پیه که اخته و پوست کاد و توتون و کره و روغن و سبب
 جنگلی و غیره و در عوض این اجناس که از ولایت والاکیته
 بیرون میفرستند قند و شکر و قهوه و جای داد و توبه
 و مال خاوری و غیره است که از خارج باین ولایت می
 تجارت دزدان مملکت ایتالیا و ضعف دیوانیان
 ازین معلوم میشود که در یکی از روزها ممالک آنجا نوشته

۶۴۷

یکی از این که خانه اش قدری از شهر دور بود چند نفر از دوستان خود را مهمانی کرده بود و در سفره نشسته طعام بخوردند و عیش میکردند تا گاه دست از دروان آن ولایت دو خانه او را گرفته بعد از آن در سفره صاحب خانه و با مهمانها نشستند و گفتند کسی از اهل آن مجلس بیرون برود و مشغول عیش و نوش شدن و بعد از اکل و شرب تمام صاحب خانه گفته بودند که قدری پول بماند لازم است بفرستد که نزد یک پچه صاحب تومان پول باشد از او خواسته بودند صاحب خانه گفته بود که من نمیتوانم پول در خانه موجود ندارم بزرگ دروان گفته بود که چون باید این حالات را بگویم که رفع خمت نموده مرخص بشوم شما بهتر پول را جابجا کرده زود مرخص بکنید ما هم با مهمانهای ما در اینجا هستیم تا شمار برگردید صاحب خانه از ترس دروان بشهر رفت و پول را آورد و دروان پول را گرفتند و با کمال تعارف و عذر خواهی از صاحب خانه و مهمانان عذر او را گرفته و فرستادند

پناه گشتی هم از دول خارج که اگر از اهل سپاسبول بود با آنجا آمده بودند بارگبری خوب کرده و رفته اند و زجر جنگ ملک خراب بنا دارد که گشتی جنگی دیگر از دولت با آنجا فرستند که هم نظم در میان گشتیان که مرجان درمی آوزند بگذارد و سه گمرکی که دولت از گشتیها که با آنجا می آیند میگیرد مطالبه نماید و این گمرک از فرار هری فرانک است که تخمین هشتاد تومان پول ایران با است و ملک تاروی چونکه نزدیک نقطه شمالی واقع است جای سرد و لکن سال در آنجا هزاره و سه شش است و از شهر کرمانست پای تخت آن ولایت نوشته بودند که بتایخ شانزدوم محرم آن ولایت را برف گفته بود و جزوی نخ نیز در کنار دریا بود و درخت شده بود بطوریکه زراعت موقوف گردیده بود

اعلانات

کتابهای چاپی دار اختلاف طهران که در کاخ حاجی عبدالمحمد با سیبیه در محله نزدیک دروازه دولاب طباع شده

از این قرار فروخته میشود

سه هزار	کتابیات
دو هزار	کلیات
یک هزار	تفسیر نامه
دو تومان	تفسیر نامه
یک تومان	تفسیر نامه
شش تومان	تفسیر نامه
چهار تومان و نیم	تفسیر نامه
نه هزار و دویست	تفسیر نامه
یک تومان	تفسیر نامه
شش هزار	تفسیر نامه
پنج هزار	تفسیر نامه
دو تومان	تفسیر نامه
هفت هزار	تفسیر نامه

اسال در کنار آن سمت ملک از ترقی که آنجا میرسد و در آنجا نیکویند و آنجا زمینها مندرجهان زیاد از دریا آورده اند صد و پنجاه شش گشتی که چک اسال مشغول در آوردن مرجان بوده اند و اگر این مرجان در ولایت ناپولی بشود حساب کرده اند که یکصد و دویست و پنجاه هزار تومان پول ایران در همین سال در آنجا فروخته میشود بعضی از صاحبان این گشتیهای کوچک بعد از وضع مخارج خود هر یک هزار و پانصد تومان تا دو هزار تومان داخل مغفوت کرده اند و اکثر این جا از دریای رو بروی ناپولی آورده اند و قدری هم از دریای نزدیک باور آن در آورده اند تا بحال از دریای آن سمت شهر اوزان مرجان دریا آورده بودند غیر از این گشتیها که مال فرانسه بوده است

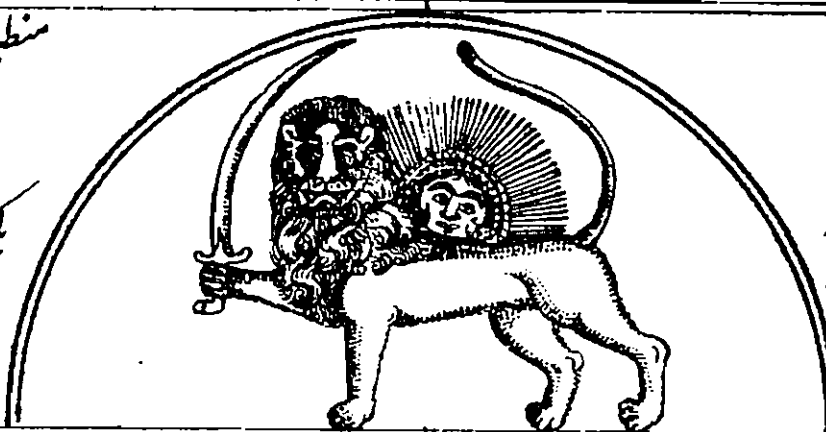
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۲۰ شهریور ماه جمادی الاول مطابق سال ۱۲۶۹

شماره صد و هشتم

قیمت روزنامه

یک شش‌ده بیست یک

وقایع چهار هزار دینار



منظومه و اخبار طهران

قیمت اعلانات

یک خط اول چهار خط یکم

بیشتر هر خط یک

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلاق طهران

در روز پنجشنبه هفته گذشته اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفریح و گشت سوار شده بطرف بالای قصر قاجار و آن شریف فرما کرده در آنجا گشت فرمودند و زودیکه به افتاب معاودت بارگسلطانی و معرسلطنت عظمی فرمودند

نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره نواب ستیاب شاهزاده و ابالاتیام الدوله صاحب مشنار بر وجود و عربستان و لرستان و بختیاری درین روز یک ثوب قبای نظامی میرچکی اعلی و یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول میرچکی و یک شمشیر حایل سرخ و سفید که مخصوص این مرتبه است از جانب شاهی بجا اعلیحضرت پادشاهی باو مرحمت کرد

مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله چون خاطر اهدی همایون را از خود خورسند داشته بود خاصه در سفر شکار جاجرد که لازمه خدمتگذاری را بعل آورده بود یک ثوب خز قه ابره ترمه بلبلان پوست باو خلعت مرحمت فرمود

عالیجاه محمد تقی خان معمارباشی چون در انجام خدمات دیوانه و ساختن توپخانه جدید و تعمیرات عمارات و غیره لازمه استامان فرموده و خدمات او مقبول و ستیج خاطر ملوکانه افتاد یک ثوب خز ترمه دو رنگ باو مرحمت فرمود

چون مراتب صداقت و ولایت و حسن کفالت و وفایت مقرب الخاقان محمدخان نایب اول اجدان باو در پیشگاه حضور مظهر ظهور اقدس شاهنشاهی بدرجه برزخ رسید با اینکه منصب شاریه در درجه برتری بود محض مرحمت از فرار صد و فرمان مهربانان منصب برتری باو استیصال

باو عنایت و فوج جدید فرما کرد و بمرسکی عالیجاه اجدان پسر مقرب الخاقان مشارا به و سواره نظام لبر کرد کی عالیجاه امان الله خان برادر ادب و ابوجه او کردید

عالیجاه نورمحمدخان قاجار درین روز با منصب برتری بجا کردیده و یک ثوب خز ترمه دو رنگ باو خلعت مرحمت کردید

عالیجاه رین العابدین برانوند که منصب سرسنگی سر او را کردید ببطاف شال ابره دو رنگ باو خلعت مرحمت کردید

عالمجاهد حسین خان اشرفی این اوقات منصب نیابت شکر افغان
باشی سرزوار گردیده یکمطابق شال ابره و یک توپسای بولک در وجه اول
مرحمت کردید

عالمجاهد موسیوستانو طبیب فنی که در آذربایجان مشغول طبابت مرضیه
افواج و غیره بوده است از فرار که ذاب طباطبائی دولت صاحب حساب
مملکت آذربایجان بجاکپای تایون عرض داشته بود بسیار استقام
در محاجبه و مداوای مرضیه نامنوده است خصوصه در ایام ناخوشی که بسیار
بمحاجبه و مداوای او صحیح یافته اند لکن اولیای دولت قاهره سبب الازمه
بسیار چاه نومان بر مغزی سابق او کرده است و بیست و پنج نومان بود افزوده و صد
نومان هم پول دو امرحت نمودند که به جهت چهار صد نومان در وجه اول قرار
گردید و یکمطابق شال زر منسیر با دخلت مرحمت کردید

عالمجاهد میرزا محمد بن محمد ششم خان دلموئی چون در
شکارگاه جاجرد خوب خدمت کرده بود یکمطابق جبه زر در وجه اول
مرحمت فرمودند

محض مرحمت ملوکانه اعلیحضرت پادشاهی هواری یک جنبه
تفکد انگلیسی بسیار ممتاز با عیال معرب انخافان سامخان ایلیانی
خراسانی مرحمت فرمودند

امور استقونتی
بعد از آنکه برف برخاسته شد همه روزه برسبیل استراحت
از طلوع آفتاب گذشته کل افواج در میدان مشق حاضر شده و ضابط
در میان افواج ماه و ساعت مشغول مشق سپاستند و امیر الامرا
اجودان باشی میدان آمده ماد ساعت در میان افواج قاهرستند
تا ساعت از آفتاب گذشته صاحب منصبان مدرسه دار الفنون
آمده ماد ساعت هم در نزد عالمجاهد فولکل مطر السو صاحب جنسین

علم جنگ مشغول میشوند و نزدیک نظر با و طاق نظام آمد با مورت
نظامیه مشغول میشوند

سایر ولایات

آذربایجان درین هفته ازین ولایت اخباری نبود که در روز
نوشته شود

دارالمرز

مجموعه خین از نامزدان و کیلان نیز درین هفته اخباری
سند

فارس

از فرار که در روزنامه فارس نوشته شده بود خود نواب
نصرت الدوله حکم آن فارس چنانکه سابقا نوشته شده بود
اولیای دولت قاهره سبب که میرات رفقه اند که امر انخافان
کلی به بند و عالمجاهد حاجی قوام الملکت بهم سبب در میان
که اگر در امر انخافان بی نظمی باشد رفع کند و امر انخافان از هر جهت

مقطعه مضبوط بداد

دیگر از فرار یک نوشته بود این اوقات از میرزا علی اکبر نام که حوزر ظاهر در
اسلام قلداد کرده و باطناً مرتکب معاصی صغیره و کبیره می شد بعضی اعتقاد
بابطل بر روز کرده بود که منافق با اعتقاد استعدا علیه بود علمای انخافان
بازداد او کرده قرار داده بودند که موافق حکم شرع مطاع جمیع اموال او را
تصرف او بیرون آورده بتصرف عیال داد و او که مسلمستند بپند
نواب استطاب بنزاده نصرت الدوله نیز حکم علماء را جاری خسته اموال او را
از تصرف خود او ممنوع داشته بتصرف عیال داد و او شاد بود

از جمله غریب است که در گزشت بمبئی هندوستان در روزنامه موسوم بان لار
بشرایب این عیارت نوشته بودند که از نوشیجات متواتره استعدا که ملاحظه
دو نفر استی مسلمان با عیاد و سیرفته اند در راه بزنی جوان و دیده بخوردند

که بواسطه بودن عید نمود بدین پدر خود میرفته است این دو نفر
 و شیفته گردیده و بر اثر اردوان شده اند تا اینکه بخانه پدر خود رفته
 و آنها هم در کار و انصرافی منزل کرده و بعد از ساعتی نیز پدر آن
 تمهید همه همتها و خصوصیت نموده تا چند روز هر روز بدین منزل
 تا یکروز آمده اند و در ای منزل آن شخص رسیده دید توقف کردند تا بعد از
 ساعتی آن شخص باز آمد جو یا شنید که در کجا بودی گفته بود که در خرم خانه سوخته
 که در دوی درین نزدیکی است میرفت من شایسته اما دو دختر خود رفته بود
 آن دو نفر از آن ده و خانه و اما دو ای که از کدام راه رفته حال کجا
 باشد تحقیق نموده و آن شخص هم را بیان کرده بوده است بعد از آن
 اسبهای خود را سوار شده و آن زن و شوهر را تعاقب نموده اند
 و بد است که دو سوار از عقب می آید بغایت دریافته است که همان
 دو نفر تنسپاهی میباشند شوهرش کوه است در میان علف زار پنهان شوکی
 سواران بقصد نومی آیند تا آن شخص پنهان شده است سواران رسیدند
 و از زن پرسیده اند که شوهرت کجاست گفته است که او پیش رفت و من
 از عقب میروم گفته اند اگر او را نشان ندهی تو را از دست میگیریم گفته است
 قسم جناب بر نفسی علی جناب ایام حسین بخورید که ما را از دست نگیرید او را نشان
 میدهم آنها هم بهین عبارت قسم یاد کرده اند بعد از آنکه شوهرش
 هر دو بشتر با جلا آورده اند و یکی بیاده شده و سر شوهر را از تن جدا کرده
 وزن را بزرگ ریش خود نشانده روانه شده اند از فرار تقریر آن ضعیف
 که میگفته است از ترس دم نمیزدم اما طبعی آن بزرگواران بودم ناگاه دیدم
 دو نفر پیش پیدایشند و هر یک علی در دست داشتند و آن دو سوار
 نیب و او را از اسبها بزرگ کشید و برداشتی که در آنجا بود او بخت نمود
 کیفیت احوال ازین پرسید بمفصل مذکور عرض کردم فرمودند غم مخور و شوهر
 خود را با نشان بدسراوه آنها رفتم و جد شوهر خود را نشان دادم بدست
 مبارک سر برشته و با آب و من مبارک تر کرده بدین او گذاشتند و فرمودند

تم باذن الهی الفوری شوهرم صحیح و سالم برخواست و هیچ آثار زخمی
 در او نماند من و شوهرم هر دو کلمه طلبت شهادت بر زبان جاری
 کرده مسلمان شدیم و بعد از مسلمان شدن آن دو بزرگوار از نظر ما
 غایب شدند و یقین داریم که آن دو بزرگوار جناب بر نفسی علی و امام حسین
 بودند که بغیر ما رسیدند با جمله مردم خوت آنها را بجهت بر یک
 پارچه کرده و برده اند و آن دو نفر سپاهی بهمان قسم هنوز از درخت
 او نیخندند و بعد از شنیدن کس که این کیفیت را دیده یا شنیده
 بوده اند بشرف اسلام شرف شدند و مردم جوته جوته بجای
 آن کشته زنده شده است می آید و زیارت می کنند و بار میگردند

خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته شده بود از تقاضا
 خداوندی این اوقات نمای الهی از هر قبیل در آنجا کمال نور
 دارد و هر روز از هر سمت تخمیناً هزار بار برنج و روغن و
 گندم وجود داخل شهر میشود و از فرار یک نوشته بودند تا او از
 شهر بیع الثانی بکده برف با آنجا آمده بعد از آن هوا سرد
 در اینجاها چهار چرخ دفعه پنج انداخته اند بعد از هفت روز
 هوا طایم شده کم کم گرم شده بجزیکه مردم در آفتاب
 نمیتوانستند بنشینند و از اتهامات او ایامی دولت علیه
 انخدود هم کمال نظم را دارد

و نیز از فرار یک نوشته بودند که نذل خان با جمعی از
 قتلون کشیده است فراه و سبز آمد که غمب طغیان
 هرات را داشته است
 آنجا اسباب خان پسر محمد حسن خان زیدی این روزها با سواره نظام که با خت
 آمده بودند محاربه نموده زده نفر از سربازان کشته شدند از آنها گرفته و مشت نیز بر سر
 زنده از آنها دسبیک کرده و سر را با بزرگان خود برد

۶۵۱

کرمان

از فرایک در روزنامه نوشته بود صفحات کرمان قرین امن و امان است و امیر الامراء العظام مقرب امجاخان محمدخان سردار حکمران بزود کرمان در انتظام امور ولایت و آسودگی که ایام برید و عاکونی دوام دولت علیت جبهه مرافقت کامل دارد و منازل عرض راه را بخت و حرست تفکیکیان منظم و مضبوط داشته است و کاروانسرای منازل کرمان را آباد و معمور ساخته که برای سرتوین عابرین کمال آسودگی حاصل است

کرمانشاهان

از فرایک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بود ذام آبخا از اتهامات اولیای دولت علیه منظم و مضبوط است و نوادگان عماد الدوله زمانی که عزیمت سرحدات کرمانشاهان داشته است بجهت انتظام شهر قرار داده اند که سرانینا و تندی جمعی عالیجا مهدیخان سرمنک ساعت از شب گذشته الی طلوع صبح پاس شهر اقدام نمایند و ازین سبب نیات اینست از برای امانی شهر حاصل است چنانچه خود صاحب منصفان فوج هر شب مشغول محافظت و محاربت میباشند و اگر شبها در خانهای مردم بازاریست و اینچنانچه دزدی نمیشود

و یکروز نوشته بودند که شخصی شستوری پیش از اذان صبح از خانه بیرون آمده بود است در راه گرفتار با دزدان شده و بجادله نجر گرفته اند آن شخص شستوری سنگی بر پیشانی غسسه و مجروح کرده بود مراتب به آرد و غده رسیده آن شخص شستوری را گرفته مجوس کرده و بعد از دو سه روز دیگر مرض خود برود و بویگاه و یکوان عیسی بنا خوشی دیگر فوت شده و آرد و غده است شباه تمام نموده بهر علای شهر و سایر مردم هم

مهر کرده بوده اند که شخص شستوری یک نفر عیسی را قبل ازین زده و حال مرده است مراتب اباباب الایلا عیسی میکنند غلامی فرستاد آن شستوری را آورده اند که خود تحقیقت برسد بعد از تحقیق معلوم شد است که داروغه دروغ میگفته است شش را از نیز داروغه را هزار چوب زده از شهر اخراج کرده است

بگماه قبل ازین حاجی محمد علی کلید دار از دار انخلاف طهران روانه عیبات عالیات بوده است در ورود و بکرمانشاهان در خانه جناب آقا محمد صالح منزل نموده بوده است بعضی از جمله یکشنبه مروراید و ششاد تومان نقد و بعضی بسیار دیگر در صندوق خود داشته است و چند نفر نیز بازم در خانه آقا محمد صالح بست نشسته بوده اند منگامی که بهر حاجی محمد علی آن اسباب را در میان صندوق میگذاشته است یکی از آن سربازها نگاه کرده دیده بود خود را با آن بسیار رسانده سرفقت نموده بوده حاجی مشا را بعد از آن و تجسس بسیار با یوسس گردیده و روانه عیبات عالیات شده است درین روزها شخصی از اهل گنگاورد کورد داشته است که شده مروراید در گنگاورد شخصی بیهودی میفرودست من خذیم همان ساعت جناب آقا محمد صالح آدم بکجا آوردند آن شخص بیودی را با آن فرود شده آورده احوال را تمام کرده و سابقین را جا کرده و در بازار گرانده اند و حال بدین میباشد

تعییر اجناس دار انخلاف طهران

کندم سا بجد غنی بیت و بکبار و پانصد
 کندم غریب و شهر یاری بیت و بکبار
 کندم در این پانزده هزار

۶۵۲

۱۷۰۰	خما چارمن دو هزار و سیصد	۱۷۰۰	بیرنج غیره چارمن دو هزار و سیصد
۱۷۰۰	کشک چارمن دو هزار	۱۷۰۰	بیرنج کرده چارمن دو هزار و سیصد
۱۷۰۰	روغ خجراع یک من هفت عباسی	۱۷۰۰	روغن چارمن یک تومان و دوه
۱۷۰۰	تنباکوی اعلی یکمن چهار هزار	۱۷۰۰	نان یکخوار دو تومان و دوه پول
۱۷۰۰	تنباکوی وسط یکمن سه هزار	۱۷۰۰	گوشت یکمن شش عباسی
۱۷۰۰	ماست چارمن یک هزار و دوه پول	۱۷۰۰	شع یکمن یک هزار و نهصد
۱۷۰۰	پنیر شور چارمن چهار هزار و پانصد	۱۷۰۰	جو یکخوار دوازده هزار
۱۷۰۰	آبغوره یکمن نه شای	۱۷۰۰	کاه یکخوار چهار هزار و دوه
۱۷۰۰	سرکه یکمن هفت شای	۱۷۰۰	بوی خشک یکخوار هفت هزار و دوه
۱۷۰۰	قند زری یکمن شش هزار و پانصد	۱۷۰۰	باقلا یکخوار دو تومان
۱۷۰۰	قند زردی یکمن پنجرار	۱۷۰۰	لوبیا یکخوار سه تومان و دو هزار و پانصد
۱۷۰۰	بنات یکمن سه هزار و دوه شای	۱۷۰۰	ماش یکخوار دو تومان و هفت هزار
۱۷۰۰	شکر یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۰۰	عدس یکخوار سه تومان
۱۷۰۰	بن یکمن فوزه هزار	۱۷۰۰	غله یکخوار پانزده هزار
۱۷۰۰	میخک یکمن پنجرار	۱۷۰۰	ارزن یکخوار دوازده هزار و پانصد
۱۷۰۰	قلقل یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۰۰	سببک یکخوار پانزده هزار
۱۷۰۰	دار چین یکمن یک تومان	۱۷۰۰	نک یکخوار پنج هزار
۱۷۰۰	زیره یکمن دو هزار	۱۷۰۰	گرچک یکخوار چهار تومان
۱۷۰۰	زعفران یکچارک سیزده هزار	۱۷۰۰	سجود قزوینی یکخوار پنج تومان و نیم
۱۷۰۰	رز شک بدآ یکمن دو هزار	۱۷۰۰	سجود رسی یکخوار سه تومان
۱۷۰۰	رز شک تبریزی یکمن سه هزار	۱۷۰۰	همه یکخوار یک تومان
۱۷۰۰	آب لبو یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۰۰	ذغال یکخوار هجده هزار و پانصد
۱۷۰۰	لبوی عمانی یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۰۰	سرخ قطعه سه عباسی
۱۷۰۰	سکنجین یکمن دو هزار و سیصد	۱۷۰۰	سجود مرغ نیمه یک عباسی
۱۷۰۰	حلوانات یکمن چهار هزار	۱۷۰۰	شیره چارمن سه عباسی

احبار دول خارج

انگلیس تاریخ روزنامه‌هایی که درین روزها ازین ویلا رسید جمعیت هشتم ربیع الاول بود و زرای تازه که ماموریت آنها درین روزنامه نوشته شده بود هر یک در کار خود برقرار شده اند و امور دولتی بطور خوب و نظم تمام راه می‌رفت و موافق حساب خرج دیوانی سه ماه گذشته که قاعده این ولایت است که سه ماه چاه پیرنه معلوم می‌شود که اوضاع خلق بسیار بطور خوب بوده است و کارررا غنتکان در حالیکه کلام نبودند که سبب آمدن غلّه از خارج غلّه آنها خوب بفرودش می‌رفت ازین محاسبات و وصول بیا معلوم می‌شود که چندان جای کله نداشته اند و امور تجار و صنعت کاران هم بطور خوب راه می‌رفته است و در دو ماه سال گذشته احوال اکثر رعایای انگلیس رو ترقی بوده است

فرانسه

کانه آخر که از پاریس پای تخت این ولایت رسید شنبه بیستم ربیع الاول بود و اول سال عیسوی که موافق قاعده فرنگستان شنبه بیستم ربیع الاول بود ایلیچیان کل دول متحابه که در پاریس بودند مبارکبادی سال نو حضور امپراطور فرانسه فرستاد ایلیچی با پای رومه که پیشوای ملت کتولیک عیسویست پیش رفته با امپراطور فرانسه مبارکباد گفت و گفت که خداوند عالم امپراطور فرانسه را محافظت نماید که باعث امانت و صلح فرنگستان گردیده است بعد از آن ایلیچیان دیگر یکبار پیش آمده و از جانب دول خودشان با امپراطور فرانسه مبارکبادی سال نور گفتند و آنها که در آنروز آنجا بودند شکوه در خانه دادند ایلیچیان و آری دولت فرانسه بحضور امپراطور از ایام

نظرس را بسیار بیشتر دیدند و سبب نظم در خانه که بسیار معشوس بود و حالاً منظم است برقرار شدن امپراطور را

و شب از روز امپراطور فرانسه ایلیچیان مزبور را کلاً با کوچ آنها و بعضی از اعیان دولت فرانسه ضیافت نمودند
 در روز چهارشنبه بیست و چهارم ربیع الاول موسوم به ایلیچی مخصوص و وزیر مختار از جانب امپراطور فرانسه نیز امپراطور را بحضور امپراطور فرانسه رفته و اعتمادنامه خود را که تازه از دولت روسیه باور رسیده بود خدمت امپراطور فرانسه داد و زرای مختار از جانب دول و ممبرو غ و بوازیه و کنتیه و سمور و بندن و سفتائیه و نیکی دینای شمالی و پروتیه و استریه و شهرهای هینس که اعتمادنامه تازه از دول خودشان با آنها رسیده بود که بابت خدمت امپراطور فرانسه بودند در آن روزها بنا بود که بحضور امپراطور بیزند

در روزهای سابق نوشته شده بود که امپراطور فرانسه بسیاری از مقصرین را که در محبوس خانه دولتی حبس بودند از تقصیرشان گذشته و عفو فرموده است در آنوقت مقصد و نفع ازین مقصرین را بخشیده بود و بعد از آن باز پانصد سی نفر را با تقصیرشان بامر گذشته و عفو فرموده است و عرض نموده با تقصیر که با آنها حکم شده بود کمتر نموده است شخصی در مملکت فرانسه کتابی نوشته است در باب سرحدات مملکت مزبور و کویا درین کتاب سرحدات فرانسه را زیاد کرده است موافق ادعائی که در بعضی ایام آن دولت اهل آن دولت داشته اند در روزنامه دولتی فرانسه که مانی نویسنده است در خصوص این کتاب نوشته اند که دولت هرگز چنین خیالی

نذارت و کتاب نویس خود حسین چیزی نوشته است
 و دولت نامه چنین ادعا را انکار میکند و خلاف را
 امپراطور است چنانکه امپراطور بکرات اشکارا زبانی گفته است
استریه
 تاریخ روزنامه آخر که این مملکت رسیده است از پای
 وینه روز چهارشنبه بعد مسموم ریح الاول بود و میگفتند
 که پادشاه پر دستیه بنا داشت که با نجای باز در امپراطور
 استریه بیاید و در آخر ماه ریح الاول فرار بوده است
 وارد وینه بشود

از فرار روزنامه اینولات معلوم میشود که اگر چه امپراطور
 چند سال است که سلطنت میکند هنوز تاج سلطنت
 نگذاشته است از آنجهت که خبر داده اند که چهل یا پنجاه روز
 بعد از غیبت روز سال آینده قرار است که تاج ببرد داشته
 جلوس نماید چون دولت استریه چند ممالک است که سابقا
 هر یک پادشاه جداگانه داشتند پیش ازین قاعده بود که
 استریه در هر یک ازین ممالک طعنه جلوس می نمود حال
 بنا که داشته اند که جلوس سلطنت کل ممالک استریه را
 در یکجا نماید

ناپولی

لوسیئین مورات وارث روایم مورات که یکی از سرداران
 مشهور ناپلیان و مدتی پادشاه ناپولی بود درین روزها
 غریب از پادشاه ناپولی نموده است که با وقتیکه مورات
 از پادشاه ناپولی که ریخته و از تاج و تخت آنولایت دست کشید
 بسیاری از جواهرات و اسباب قیمت دار او در شهر ناپولی
 در ولایت مانده بود و پادشاه ناپولی که از اولاد پادشاه

قدیم آنولایت بود و باز آمده در سلطنت خود ممکن گردید
 صاحب این جواهرات و اموال شده همه را ضبط کرد و
 این پادشاه ناپولی که بحال در آنجا سلطنت میکند و در
 اوست حال لوسیئین مورات ادعا میکند که جواهرات
 و اموال مزبور حق اوست و باید باور دیشود با انتفاع پول
 از آن ایام تا بحال و این مال بیشتر از دو کرو و دو سیزده
 تومان پول ایران می شود حال در روزنامه نوشته اند که پادشاه
 ناپولی قبول کرده است که اصل این مال را بدهد و لکن در
 سخاوته داد و جواب این تکلیف هنوز از دولت فرانسه

نیامده است

سیکی و نیای شمالی

کفکونی که ما بین دولت است پانول و این دولت بود
 در باب جزیره کوبه بطور اصلاح و دوستی و موافقت گذشته
 و از زمان دولت سیکی دنیا نوشته اند که دولت فرانسه
 با دولت سیکی که سرحد دول سیکی و نیای شمالی جنگ
 داشتند و لکن تفصیل این جنگ هنوز مباشترین روزنامه
 رسیده است

احوال متفرقه

در روزنامه اسلابول نوشته اند که چونکه هوای پانیر نیابا
 خوش گذشت منفعت زیاد بجهت زراعت کاران حاصل
 و از هر طرف ممالک عثمانیه نوشته اند که غله پانیره در کوه
 جایها زیاد کاشته شده بود و جان قدر بارندگی شده بود
 که بجهت کشت غله پانیر لازم بود حساب کرده اند که یک
 ملت ارسالهای گذشته بیشتر غله کاشته شده است
 خصوصه در ولایت روم ایلی که جای غله خیز است و از همه جای

نز و بکتر است چهل روز از پانز گرفته هوا خشک بوده است
 و ننواسته بودند تخم زیاد بکارند اما از آنوقت تا اول
 زمستان بارانهای مناسب موقوع آمد و زارعین از کندم
 پانز تخم زیاد کاشتند
 امیر عبدالقادر که از خلک و فتنه روانه شده بود که برود
 برود و در آنجا توقف نماید همراه نوکران و کسان خود
 با سلامبول وارد شده بود و بتاریخ یکشنبه ششم
 ربیع الثانی سفیر کبری و نه مقیم سلامبول را وداع کرد
 و کشتی سوار شده روانه شهر بروم کرد دید در لشکرگاه
 کخلیک از کشتی بیرون می آید و از آنجا بشهر بروست
 خواهد رفت و در کخلیک اسبها و کال که دعوت
 غیره و هر چه بجهت امیر عبدالقادر لازم بود حسب احکام ایچی
 و آن حاضر کرده بودند و موسیو نیکولائی مترجم سفارت
 همراه امیر عبدالقادر روانه شد که از سلامبول شهر
 بردست برود و در راه همراه امیر مزبور باشد که آنچه
 لازمند مدارک و معانداریت بعلن بیارد
 عالیجاه قولونل لومیس با مورد دولت انگلیس که مدتی در سرحدات
 دولسین ایران و عثمانی با ما مورد دولت روس با اتفاق میبود
 دولتین اسلام مشغول ملاحظه خطا سرحدات بود چندین مرتبه
 راس حدود با سلامبول رفت بخو یک در روزنامه سلامبول
 نوشته بودند عالیجاه مشارالیه با عظامی یک قطعه نشان
 اعلی از جانب دولت انگلیس از مرتبه سیم که بزبان انگلیس
 بت میسانند مقرر شده است در ازای رضامتی که چند
 در سرحدات مزبور کشیده است
 عالی پاشا که سابقا وزیر اعظم دولت عثمانیه بود درین مورد

۶۵۶

حاکم شهر صمیر شده است
 پادشاه بواتیه در روز دوشنبه پانزدهم ربیع الاول از
 پای تخت خود روانه شده بود که بولایت ایتالیا برود و بشهر مود
 که در اعیان آن ایام در نزد اقوام خود باشد و در حکام سفر خود
 بجهت گذراندن امور دولتی تسلط نام بوزرای خود داده و آنها
 مستقل کرده است
 در روزنامه سلامبول که سابقا رسیده بود مخصوص دسته از دزدان که
 بشهر صمیر زدوی و بی بی بگردند مکرر نوشته اند و درین روزنامه
 چاپ شده است بزرگ این دسته دزدان لقبش میکی قاطرجی است
 چاکران دیوانی در سلامبول بسیار با بی این دزدان شدند و
 این روزنامه نوشته اند که میکی قاطرجی از صمیر گریخته و در یکی از جزایر کوه
 یونان که داخل خاک یونان است توقف کرده است بسیار کله از
 نوکران دیوان که در آن جزیره هستند نوشته اند که دزد مزبور اجرا با
 راه داده اند با وجود اینکه بی لبط آمده بود سهیل است که کاغذ از کرا
 داشت که از آنجا گذشته بایانه و حال اینکه چنین اشخاص را
 بی تحقیق داخل خاک یونان کردن خلاف قانون ایشان است و
 دزد مزبور با د و نفر از جمله دسته خودش که آنها نیز در همان کشتی
 رفته اند در آن جزیره اشکار میکردند و کویا مال مردم را که در دیده
 همراه خود بسیار با آنجا بردند و روزنامه لومیس هم ضرب حساب
 کشتی را میگیرد که دسته و همین دزد مشهور دولت را در کشتی گذاشته
 و از آنجا کز زانده است و هم ضرب حاکم و چاکران دیوانی
 جزیره مزبور را میگیرد که چنین اشخاص را بدون تحقیق
 ولایت جزیره وارد اند و در آنجا اشکار میکردند

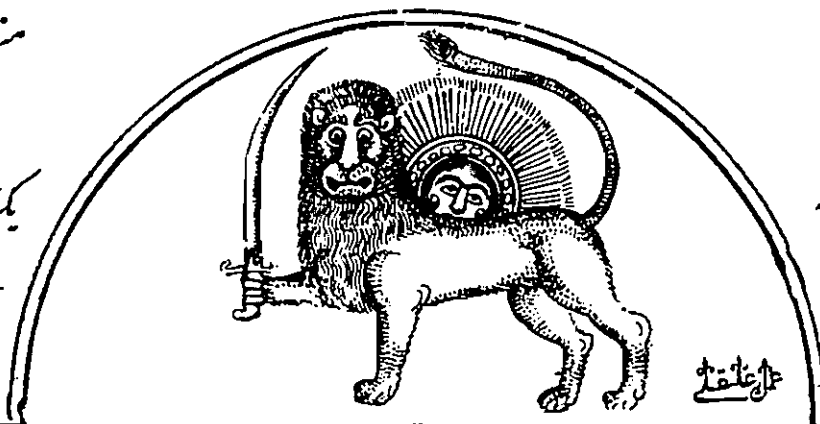
روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز شنبه بیست و دوم ماه جمادی الاول مطابق سال سیچان سیل ۱۲۶۵

مذمه صد نهم

قیمت روزنامه

یک نسخه شش پیریکله

دو تومان و چهار هزار



منظومه و انخلاف طهران

قیمت اعلانات

یک سطر ایچا سطر یکبار دینا

بیشتر بر سطر پنج بر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارانخلاف طهران

در هفته گذشته اعلیحضرت پادشاهی دو ساعت از طلوع آفتاب گذشته سوار شدند اول به بنار توپخانه مبارکه که تازه ساخته اند تشریف برده آنجا را ملاحظه فرمودند بعد از آن میدان مشق افواج قاهره تشریف فرما گردیده اول افواج جدید را ملاحظه فرمودند بعد بمیان افواجی که مشق حرکت میکردند تشریف آورده تماشای مشق حرکت آنها را نمودند و مشق حرکت آنها بسیار سخن خاطر ملوکانه افتاده و چهار ساعت از روز گذشته معاودت ببارک سلطانی فرمودند

لا اگر حکمی از جانب دیوان اوقبیل فرستادن قسط مالیات و قشون یا سایر جهام بشود اولیای دولت علیه حکم آنرا با چاپار خواهند فرستاد و هینقدر آنجا حکم باید جواب اولیای دولت علیه را بنویسد که فلان حکم را فلان چاپار در فلان تاریخ رساند و این حکمی که مقرر شده بود تا فلان روز انجام داده خواهد شد یا بالفرض شخصی از دست کسی با اولیای دولت علیه عارض شد بر طبق عرض او حکم از دیوان صادر گشت که حاکم آن ولایت آنرا انجام دهد یا مدعی او را بنیاید کند یا فلان قاتل و مقصر را بگیرد و بفرستد اولیای دولت علیه حکم آنرا بدست خود آن شخص عارض خواهد شد

چون رفاه و آسایش کاغذ عباد و عامه ساکنین ابرصار و بلاد همواره منظور نظر اعلیحضرت پادشاهی است و از فرار یک بعض خاکبازها بایون رسید از ناموریت محصلین حکام جزو رعیت ولایات ممالک محروسه آزار و اذیت میرسد و اخراجات محصلین موجب ریشانی رعایا میگردد و لهذا امر مقرر فرمودند که کلیه ناموریت محصل خواه از دربار بایون بمالک محروسه و خواه از حکام ممالک محروسه بولایات ابوالیحیی خود موقوف و متردک باشد و این باب بر حسب امر بایون بهر یک از حکام از حکام صادر شد این قسم

بعد از رسیدن حکم بحاکم اگر عارض عرض خلاف نموده حکم صادر کرده حاکم با چاپار بیکدی می آید با اولیای دولت علیه نوشته معلوم دارد که فلان حکم را در فلان وقت فلان شخص آورد و رساند باین دلیل آن شخص عرض خلاف کرده است تا بعد از اولیای دولت علیه بهر سخن حکم ثانی صادر شد از آنقرار معمول دارد و اگر آن شخص در عرض خود صادق بوده است حاکم ولایت باید مدعی علیه او را حاضر کرده حکمی که از دیوان اعلی واده شده است انجام داده نوشته از آن شخص که حکم از دیوان اعلی صادر کرده است گرفته با چاپار

۶۵۷

دو دولت علیه اسلامیه در عهد و سلاطین سلف انارالد بر اینهمه موافق
 عهد دوستی و یگانهی عهد در این ستر و حکم بود و اگر بندرت شایسته بود و تالی
 میشد که با واسطه آن بوده که سفیر یک فطرت از جانبین در پاریس تخت بر یک
 دولتین اقامت دانی نه داشته است که بیرون اسلحام دوستی کو شود
 از محاسن فواید اتفاق دو دولت اسلامیه پوشد جناب کفایت یاب
 احمد و فقی اندکی المچی کبیر بخمار دولت علیه عثمانی که اسحق باوصاف یکی
 حسن سیرت موصوف و مقیم دربار دولت علیه ایران است از نظر رقابت
 و عقل و کفایت ایشان بسیار امیدوار میستوان بود که انشاء الله تعالی آنا
 فائز بر اسم اتحادین دو دولت بیفرای چنانکه در روز یکشنبه بیاز
 شهر بیجانی که ملاقات با جناب جلالت آید عظم در دولت خانیان
 نمودند بعد از رفتن ایشان جناب عظم ایضا اظهار رضامندی از نظر رقابت
 جناب المچی کبیر میفرمودند

در روز دوشنبه نوزدهم ماه جمادی الاول جناب جلالت با فواید
 شیل المچی مخصوص وزیر بخمار از جانب دولت بکلیس از دارالخلافه طهران
 روانه ولایت انگلیس شده و عالیجاه بلند جایگاه طامین صاحب
 بمنصب ارتزی دیگر از جانب دولت به اقامت نمود
 مغرب الخاقان وزیر نظام در روز شنبه هفدهم این ماه از آذربایجان
 وارد دارالخلافه شدند در روز ورو جمع سرکردگان قشون از بخمار
 و تیرپان و همسرگان و صاحب منصبان باستقبال فرید و در بخمار
 بیت و یکم اعلیحضرت پادشاهی محض ظهور حرمت طوکانه کیسوب جبهه ترند آمد
 با و مرحت نمودند و معترف نمودند که زیاده از پانزده روز در دربار
 نماند و بجهت انتظام امر قشون با در بایجان به امانت
 چون مغرب الخاقان ملک الکتاب لماره کداری دولت علیه آنا رسید
 خود را ظاهر آشکار ساخته بود و این اوقات مراتب صداقت و حسن
 مغرب الخاقان شار ایله در مکاره حضور تایون پیش از پیش معلوم میشود و کردید

مستوجب شمول عنایت خود یوانه آمد لهند محض در حمت بکسوب جبهه
 اعلی برسم خلعت با و حمت فرمودند که موجب مزید اعتبار او بوده
 با صدق عقیدت مشمول خدمت باشد
 محض التفات طوکانه در باره عالیجاه علیه عینی خانی یک ثوب جبهه
 در وجه عالیجاه شار ایله خلعت حمت کردید
 عالیجاه نیز صاحب علم سواره نظام که با نصد نفر سواره نظام را هر روزه
 مشق میدهند و چون از عهد تعلیم آنها برآمد چنانچه قبل از حرکت بکسوب تایون
 با جود و اعلیحضرت پادشاهی بیدن مشق آنها تشریف فرما کردید و در حضور تایون
 مشق نمودند و حرکات آنها مقبول و سخن خاطر طوکانه از افتاده دولت تومان
 انجام بانها حمت فرمودند و عالیجاه شار ایله بعد از فرغت از مشق آنها هر روز
 بدرسه دارالفنون آمده از روی کتاب صاحب مضبان و چند نفر شاگردان در تعلیم

مشق سواری بنمایید
 احوالات متفرقه
 در جزیره مدیره از قراریکه نوشته بودند آذوقه بسیار کم یاب
 شده است اهل شهر فدا لقیه نیکی دنیای شسالی از راه انفقرا
 پول جمع کرده داد و دو بان شهر فرستاده اند که در میان
 تقسیم شود و در جزایر کناری که آنهم در بحر محیط اطانتیک واقع
 بارندگی شده است و بجهت آب بسیار تشکی می کشند چشمه
 و چاهها خشکیده و زراعت هم از بیابی بسیار خراب شده است
 و فرنگستان خصوص در شهرهای دینیه پامی تحت استبر
 و پاریس پای تخت فرانسه و لندن پای تخت انگلیس سلسله
 از تجار بزرگ از ملت موسوی مکتون دارند که نام آنها را در نشانی
 میباشد و در اکثر شهرهای فرنگستان و سایر جایهای روی زمین
 عامل و کار کرده دارند و معاملات آنها بیشتر با دیوان است

۶۵۹

درین روزها در روزنامه نوشته اند که آنها که در فرنگ فرست
 و بیست و ناپولی می نشینند دوباره شریک شده اند و
 شراکت را بوعده سال نوشته اند
 از جزیره چه یک که یکی از جزایر هند غربی است که خط استوا
 میانند نوشته اند که درین روزها باران زیاد آمده و صحرای
 جزیره مزبور زده است و از مملکت ریو نیز یونک درینکی دنیا
 جنوبی می باشد نیز نوشته اند که باران زیاد آمده بود و ضرر
 حاصل رسانیده بود خصوصاً حاصل قنوه
 در جزیره مینتکه که در بحر هند می باشد زلزله سخت شده بود
 و بسیار خرابی شهر جزیره مزبور از فرار یک در روزنامه نوشته است
 رسانده بود
 در مملکت آستره توجه زیاد در سر توئون گذاشته اند از آنجمله
 بعضی علفهای دیگر بجای توئون می کشند یا به توئون مخلوط نموده
 می کشند دیوان هم قرار داده اند که هر قسم علف که بجای
 توئون می کشند همان توجه توئون را داشته باشد
 در مملکت فرانسه بنا دارند که پول سیاه را کلاً از توئون
 نمانند و چونکه زدن این پول در مملکت انگلیس خراب است
 که در فرانسه زده می شود یکی از تجار انگلیس که کارخانه
 در شهر برتینگ هم دارد معامله کرده و عهده بسته اند که این
 پول سیاه را کلاً او سکوک نموده و بدولت فرانسه تحویل
 یکی از خوانین قدیم فرانسه مکتوبات تاریخی سینک را که
 از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه است در میان خلق
 منتشر میکرد و مضمون کاغذها این بود که خلق را از قبول کردن پولی

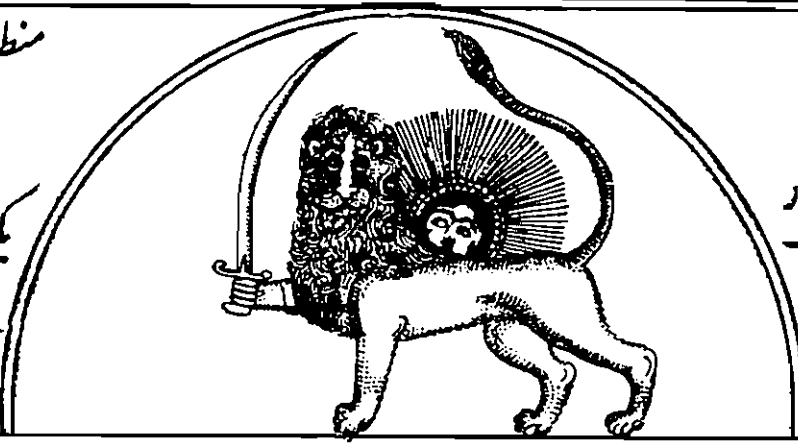
نایبالتان با مپراطوری مملکت فرانسه مخالفت کرده بود
 تاج و تخت مملکت فرانسه را حق خود شمرید است امنای
 دیوان او را گرفتند و چونکه تقصیرش ثابت شد یکماه
 در حبس نگاه داشتند و پانصد فرانک که نزد یک بیخچه
 تومان پول ایران میسازد از او جبریده گرفتند
 کشتیها که از مملکت سینکی دنیای شمالی بسنت چیان
 میفرستند باین تفصیل نوشته اند ده فروید کشتی جنگی
 و سه فروید کشتی بجهت بردن آذوقه و سه هزار نفر قشون
 و کشتیان و درین روزها از سینکی دنیای شمالی روانه
 میشوند
 در شهرهای دکرگ و کلی و بعضی جاها در دهن رودخانه
 در مملکت فرانسه توپهای سنگین وزن و بزرگ فرستاده
 که در باستان و سنگرهای کنار دریا بگذارند که آنجا
 سخت نمایند
 اعلانات
 کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید
 با اسمی در محله نزدیک دروازه دولاب لطباع شده
 از اینقرار فروخته میشود
 سما و عالم جلد چهارم اسم سجارا لالوار تومان دو هزار و پانصد
 مجمع البیان شش تومان
 تفسیر امام حسن عسکری یک تومان
 شاننامه چهار تومان و نیم
 ختم نظامی نه هزار دینار
 داستان یک تومان
 کلیات شش هزار

۶۶۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه پنجم ماه جمادی الاول مطابق سال سیچان میل ۱۲۶۹

شماره صد و دوم

قیمت روزنامه
یک ششده شایر
هفتاد و چهار ریال



منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الی چهار سطر یک ریال
بیشتر با هر سطر یک شایر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه پنجم این ماه یک ساعت از اوقات گذشته کل افواج و صاحب منصبان در میدان مشق حاضر شده بود تا ساعت از اوقات گذشته اعلیحضرت پادشاهی سوار شده ند اول میان نظام تشریف فرما گردیده و تا نیم ساعت بمشق افواج تماشا فرمودند و بعد از آن موکب کاتبی بجهت تفریح بطرف قصر قاجار عزیمت فرموده تا نزد یک عریضه افقاب مبارک مبارکه سلطانی و معتزلت عظمی مناجت فرمودند

اعلی زب و آرایش گرفت و جناب جلالت مآ صدراعظم دولت علیه را در آن سلام تمام بوجه کلام ملوکانه مخاطب و مخصوص و بعد از خطابات مرحمت آمیز که باعث امیدواری و سرافرازی عموم جا کران و خدمتگذاران دولت بود از مقدمه سفر سلطنتیه و موجبات حرکت موکب مسعود که از جمله خوبی هوا و وسعت فضا و فراوانی آذوقه و علوفه آن مکان بود بیان و اعلان فرمودند و در طی این فرمایشات بنسبت مقام لشگاه بجایون مخصوصاً مقرر داشته که بعضی از اجیف و سخنان بی فایده و واهی که منشا آنها فقط حیالات و طبایع عوام است بسمع جایون رسید که بجز تفریح و سباحت و رسیدگی مشق و نظام امور افواج حاضرین کتاب مقصودی هم در نظر اندیشگان ما بوده باشد و حال اینکه مراسم اتحاد و یکجبهتی با کل دول دوست بسجوار در اعلی مدارج کمال است و روابط یکجانبی با دولت علیه عثمانی که بجهت جامعه اسلامی و معاهدات مؤلفه سمت اختصاص دارد همسوار مقتضی است که نظم حدود و دستورات علیتین اسلامین را با التوجه منطوقه مودت اثر فرمایند و بعد از ظهور این نوع فقرات اتحاد آمیز که از شاه جایون ماجرای

در روز پنجشنبه میت و دویم این ماه سلامی عام در دیوانه بخانه بزرگ پادشاهی در حضور بیا هر النور جایون مشتمل بر کافه جا کران در بار شوکت اعلی از اجده شاهزادگان و اُمراء و روسای نظام و اکابر و اعظم و صاحب منصبان و سایر خدمت چشم انتقاد یافت هر یک علی قدر مراتب در پایه و درجه مخصوصه سجد که از عهد سلف وارثه سابقه در سلام سلطین با یکین دولت علیه ایران معهود است و ایستادن و فرار سخت جایون از وجود فایض السجود قدس

شد احد بر اگر چه عوام الناس و سرحد نشینان دولتین باشند
 راه جناب باقی نخواهد بود و سرحد نشینان و سرحد داران کجانی است
 بو ظایف مواعدت دولتین علیستین خواهند پرداخت و حکم
 صریح فرمودند که اگر مجدداً اراجبئی مذکور شود یا حرکتی بر خلاف
 منظور از احدی اتفاق افتد در تکب سیاست خواهد بود

و هم در روز بروز چهار ساعت بعروب آفتاب مانده ^{علیه حضرت}
 پادشاهی بساغ لال از تشریف فرما گردیدند و بعد از فرج
 سیاحت باغ مزبور نزدیک بعروب آفتاب بارک سلطان
 مراجعت فرمودند

چون در بنه ایامی که در ارومی ناخوشی و با حادثه شده بود
 جمعی کسب ازین ناخوشی تلقی شده و پریشانی بسیار با مالی آنجا را
 داده بود و لهد امحض رحمت کلمه و عنایت شاه ملوکانه مبلغ چهار هزار
 تومان نقد و مقدار دو سبت خرد و اجنس با مالی آنجا تحقیق رحمت
 و عنایت شد

جناب جلالت آفتاب قولون نشینان المی مخصوص و وزیر مختار
 از جناب دولت بهیه انجلس از دار اسخلاف طهران چنانچه در روز
 هفته گذشته نوشته شده روانه ولایت انجلس بودند چون
 مزاجشان کسری داشت از امنای دولت علیه خواست نمودند
 که عالیجاه حکیم نولاک معلم متعلمین در سه دار الفنون تا بریز
 بسراه ایشان اولیای دولت علیه نیز خب از خوششان
 حکیم مزبور را سه راه نمودند و معترض شد که ناوقت مزاجت او
 متعلمین در سهای گذشته با یکدیگر مباحثه نمایند

چون عالیجاه ابراهیم خان لوزی سر تنک فرج قزوین است
 که در خدمت دیوان خاصه و رفقات حسان مصدر خدمات

نمایان شده و مراتب حسن خدمت و شایستگی و خلوص عقیده
 او سواره در پیشگاه حضور مسایون اعلیحضرت پادشاهی
 معلوم و مشهود افتاده بنا بران این اوقات عالیجاه پادشاهی
 حسب الاشارة العلیه منصب تیرسی فوج بزوار و ما بین
 فریدن اصفهان سر او از فرموده و فرمان مهر لعان مبارک
 شرف صد دریافت بک ثوب جبه کرمانی اعلی نیز خلعت در حق
 مرحمت و عنایت گردید

عالیجاه عباسعلی خان در این روزها حسب الاشارة
 منصب بر تپی فوج دلقان و لبت کوه سرافراز گردیده و در
 ازای منصب مزبور یک ثوب جبه کرمانی خلعت با رحمت
 التفات فرمودند

عالیجاه امان الله خان سر کرده سواره و کور لوجون در
 فاس مصدر خدمات نمایان گردیده و خدمات او مقبول
 و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده بود و لهد درین اوقات یکطافه
 شال ترمه و یک ثوب قبا ی زری خلعت با رحمت گردید

سایر ولایات

آذربایجان درین هفته ازین ولایت اخباری نبود که
 در روزنامه نوشته شود
 دار المرز

مازندران از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بود
 در عشر اول شهر جمادی الاول در آنجا بارندگی زیاد شده
 بقستی که کوهستانها سیلابی آنجا جمیعاً از برف و باران زیاد
 آمده است مایه وار شده و از رودخانههای آنجا سبیل آمده
 و آب اینبار برای منازل آنجا مملو از آب شده و برای زارعین
 ازین رکذ رکال رفاه و آسودگی حاصل است و امید دارند

ک

که در سال آینده حاصل زراعتشان بشود بسیار خوب شود

دیگر از فراریکه نوشته بودند فواید بسیار زیاد و الا انهار صطی

حکمران مازندران در آبادی ولایت خاصه در آبادی و آستن

دعوات خالصه دیوانی کمال اهتمام دارند و رعایای که در

سنوات سابقه از دعوات خالصه متفرق شده بجای دیگر

رفته بودند همه را قدغن کرده اند که آمده در خالصه جات

انجام مشغول عیشتی و زراعت باشند و در محل زراعت

قدیمی خود زراعت کنند که روز بروز خالصه جات دیوانی

آباد و معمور شود و هم چنین در امر شکر ریزی مازندران

کمال اهتمام را دارند که این اوقات شکر مازندران را

مثل شکر لاهور درست مینمایند و از کارخانه شکر ریزی

در هر ماهی هزار من شکر بدار اختلاف طهر آن حمل و نقل میشود و

در این ماه ده هزار شکر انجاری را بدار اختلاف آورده اند و انجاری

و اصناف بطور غیبت خریداری نمودند

کستان

از فراریکه در روزنامه انزلی نوشته بودند خانه کربلای جایی

تمام انزلی بی آتش گرفته بوده و باد هم شدت میوزیده است

نوکری ساغلی انزلی در رعایای انجاری خبردار شده و آتش را

خاموش کرده بودند و نگذاشته بودند که بجانهای اطراف

سرایت نماید و بجز یک خانه جای دیگر نسوخت بود

استرآباد

از فراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند چهار نفر هم

و قد اذ تفنگ بر رازده اندامان شخص را که کرده است او را

بشهر آورده اند و یکدکش محبوب است

خراسان

از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته شد بود از انعامات

اولیای دولت قاهره امر انجاری کمال نظم و انضباط است

و هر روز از هر طرف قافله زیاد وارد مشهد مقدس میشوند

از جمله نوشته بودند که بگردد و است بارشتر از خنوق وارد

ارض اقدس شده بود و بار آنها چرم و مخمل پسته و پوست

کلاه بوده است همه را در ارض اقدس کشوده و مصرف

رسانیده اند دیگر نوشته بودند که امسال در انجاری بارندگی

شده بود و مردم بجهت نیامدن باران فی الجمله تسویشی داشتند

اماد حیدر که حکمرانان بارندگی زیاد شده است

و اضطراب و تسویشی که برای مردم از قنط بارندگی حاصل

بود در رفع شده است

فارس

درین هفته ازین ولایت نیز اخباری نبود که در روزنامه

عراق

سنندج کردستان از فراریکه در روزنامه

این ولایت نوشته بودند آقا حسین نامی از اهل سنندج

صاحب سلم و تندرست بوده که بهیچ وجه من الوجوه در

انار مرضی نبوده بجان خود رفته است و بعضی رسیدن

بجان و شستن بر او افتاده و جان بجان افرین تسلیم نموده

دیگر نوشته بودند که در آن ولایت این روزها کمال فراوانی و

۶۶۳

اصفهان

از فرار یک در روز نامه اصفهان نوشته بودند سر باران
 در ماوندی و فیروز کوهی و فوج جدید اصفهان هر روز اول
 صبح در میدان نقش جهان مشغول مشق هستند و عصر با هم
 افواج مزبور مشغول مشق هستند و کتری خلاف قاعده و حجاب
 از آنها صادر و ناشی می شود و اگر بر سبیل نذرت امر خلافت
 قاعده از آنها بطور بر سر عالیجاه چراغ علی خان نایب الحکومه
 اصفهان بمقام رفع آن بر می آید از جمله نوشته بودند این اوقات
 در میان چند نفر از سر باران جرقه فوج جدید اصفهان
 اتفاق افتاده بود عالیجاه شارالیه بعد از استحضار بر این
 آتوارتیبیه نظامی کرده بود که بعد از این بابکد بکر صدراعظم
 نشوند

و بیکر نوشته بودند که این اوقات کمال فراوانی و ارزانی و فوج
 نعمت در اصفهان حاصل است و از پانزدهم ماه ربيع الثاني
 الی چهارم جمادی الاول بارندگی خوب در آن ولایت شده
 سه برف بموقع و بجا آمده و تشویشی که برای صاحبان
 املاک و زراعت کاران از قلت بارندگی و خشک سالی
 حاصل بود رفع گردیده و بسبب این بارندگیها امیدواری
 کلی بخوب آمدن حاصل بسم رسانده اند و این اوقات
 نیز هوای آنجا در نهایت خوبی و اعتدال میباشد

دیگر نوشته بودند که در بیت هشتم ماه ربيع الثاني
 عالیجاه نایب الحکومه اصفهان سبت چال سیاه بشکار
 بود و چون در چال سیاه آبادی درستی نبود باین جهت
 مسافرین و مترودین پس بیکدشت بلکه اکثر اوقات مال

در معرض تلف بود عالیجاه شارالیه تخواهی داده است
 که در آنجا آبادی کنند و ققائی جدید احداث نمایند که از بزرگان
 عابرین و مترودین آسودگی حاصل شود و حال مشغول آبادی
 آنجا میباشد و عالیجاه شارالیه بیت نفع غلام در آنجا
 و اول گذاشته است که مشغول حفظ و حراست عابرین و مترودین
 باشند که از وزدان آسپنی تا بنهار سبده صحیح و سالم از آنجا
 عبور و مرور نمایند

دیگر در روز نامه اصفهان نوشته بودند که میرزا عبدالمجید
 نظم بر قوه و اخذ مالیات آنجا مامور شده بود و در بیت هفتم
 ماه ربيع الثاني روانه شده و باده دو از زده نفر از قصبه
 گذشته بمقصد میرفته است ناگاه علی القله پلنگی از میان آن
 برخاسته حمله شارالیه آورده و بارزوی او را گرفته همراه
 پیش آمده اند که میرزا عبدالمجید مستخلص نمایند پلنگ او را نگرفته
 و یک نفر از آنها را گرفته زخمی نموده و دوباره بمیرزا عبدالمجید
 در او نیخته است بالاخره علانان که مسرعه بوده اند پلنگ را
 به تفنگ شمشیر کشته اند و میرزا عبدالمجید را با دو خنجر
 با آن یک نفر دیگر که آنهم زخمی شده بود هر دو در تعصبه
 قیسه آورده و با الفعل مشغول مداوا و معالجه خنجر آنها شدند

دیگر نوشته بودند که یک نفر از اهل محله نو اسکان شیخی با نام حسین علی
 در خواب دیده و عرض نموده بود که بعضی از شیعیان آرزوی زیارت جاس
 سید الشهدا را دارند و استطاعت ندارند فرموده بودند که هر کس از
 که سابق زیارت با باشد امام زاده زید را که از اولاد فرزندان علی علیه السلام
 زیارت نماید زیارت مقبول است و حال مردم دسته دسته زیارت
 آنجا میروند و این امام زاده در خارج دروازه بغا صلیک میدان واقع است

۶۶۴

یزد

از قراریکه در روزنامه دارالعباده یزد که در هفته گذشته
 نوشته بودند این اوقات امر آنجا از اتهامات اولیای دولت
 پیش ازین منظم است و نهایت اغیبت در آن ولایت
 حاصل است و اگر بر سبیل ندرت کسی مصد خلاف
 بشود عالیجاه میرزا مطلب نایب الحکومه بمقام رفع آن برمی آید
 از جمله نوشته بودند مخف نام ساکن بندر آباد زنی داشته
 نموده و از او طفل صغیری باقی بوده بعد از آن زنی دیگر عقیده
 در این زن ثانی روزی آن طفل را با او طاقی برده پارچه سیلی با
 گذاشته اعضای آن طفل را داغ کرده بود عالیجاه نایب الحکومه
 از کیفیت مطلع شده آن زن را با شوهرش بمحضرت کی انجمن
 فرستاده بود که هر چه حکم شرع مطاع است جاری سازد
 بعد از حضور بمحضرت محمد حکم بدیده شده و عالیجاه میرزا مطلب
 آن طفل را گرفته باورش رسانده بود

دیگر نوشته بودند که درین اوقات نفر محسن بطیب نفس
 عالیجاه میرزا مطلب آید گفته بودند که شوق داخل شدن
 اسلام داریم عالیجاه مشارالیه نیز آنها را بنزد علمای آنجا
 فرستاده بود و در حضور علمای اعلام اقرار شهادت نموده
 بشراف اسلام شرف شده بودند

دیگر نوشته بودند که امیرالامرا العظام مقرب آنجا خان محمد
 سردار حکم آن یزد و کرمان مستحکم توقف در یزد فرار داده
 بودند که ضریح معفس با مزاده فاضل را تا ما از فولاد خانه
 نصب کنند عالیجاه میرزا مطلب درین روزها مرقب انعام
 آن است که با تمام رسانده بدو نصب

کرمان

ازین ولایت درین هفته اخباری نبود که در روزنامه
 شود کمال انتظام و اغیبت برای عموم رعایای آنجا حاصل
 خاصه برای عابرین و مترددین که از طرف دشواری که سابقا
 مخوف بود حال نهایت اطمینان عبور و مرور می نمایند

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
 عمادالدوله حکمران کرمانشاهان در روز نوزدهم
 ربیع الثانی با افواج کرمانشاهانی وارد جلگه زاهدان
 شده و در سرپل زهاب اردو زده اند و جمیع افواج
 هر روزه مشغول مشق میباشند و اردوی آنجا در کمال
 انتظام میباشد بطوریکه در اردوی که بقدر هفت هشت
 نفر از سرباز و سواره و توپچی و ایلات متوقف کرمانشاهان
 هستند ابد از احدی صد ابیرون نمی آید سهل است نوشته
 بودند که یک نفر قاطرچی خود نوابش بنزاده عمادالدوله
 یک کاسه است بجنف از شخص کردی گرفته خورده بودند
 بنواب شاهزاده عرض شده آن قاطرچی را فرستاده
 بود آردده بودند و حکم کرده بود که کوشش او را بدرب
 کاروانسرا کوبیده بودند و تا دوروز بهمان نظر ماند
 بود و بعد از آن دیگر احدی بارای خلاص حساب و سر
 و غیره نداشتند است در کمال نظام مشغول و انتظام
 امر آنجا بوده

سایر حاکم محروسه پادشاهی سجد الله همه جا
 و آرام درین انضباط و انتظام است و رعایا و برابرا
 مرد و محال مشغول در کونی دوم دولت ایصال

اخبار دول خارج

انگلیس کا غذا آخر که از لندن رسید بتاریخ روز دوشنبه
 بمقام ریح الثانی بود و در روزنامه نوشته بودند که لارڈ جان
 رسل که سابقاً وزیر اعظم مملکت انگلیس بود درین ایام آخرو
 دول خارجة انولایت شده بود از پادشاه خواہش و استعفا
 کرده است و لارڈ گلارڈین بجای او وزیر دول خارجہ گردیده
 بعضی میگویند چون لارڈ جان رسل مریض بود و ضعف مآج داشت
 طاقت شغل وزارت نداشت از آن جهت ازین منصب دست کشید
 و خواہش کرد که چند وقت برود یاد در خانہ خود بماند پس
 بجایهای خوش آب و هوا بگذرد چہ تعبیر آب و هوای بحال
 بیاید و بعضی میگویند که باز داخل وزارت خواهد شد و در صورت
 وکیل رعایا بزرگ دستہ وزارت خواهد کردید

استریه

چونکہ امپراطور استریه موافق قاعدہ ارثی پادشاه چند ممالک بود
 و این ممالک ہر یکی یک نشان داشت از جمله نشان خود استریہ
 شکل عقاب بود و لکن نشان بعضی از ممالک دیگر چیزهای دیگر بود
 تا بحال این نشانها در روی سیدق و پول و غیرہ دولتی ہر یک
 ترکیب ولایت خودش جدا بود حال بنا دارند کہ از ہر ولایت
 نشانی با ہم جمع نموده در بید قبا و مہر و عمارت سلطانی
 طرز نشان کشیدہ شود

بیشکی دنیای شمالی

از شہر نیویارک بشکی دنیای شمالی نوشته اند کہ قشون
 خزانہ کہ بمملکت تنگ کورفتہ بودند از اہل آن دولت شکست خورد
 و لایب بودند کہ دست بند و امان بخواہند مابین روزنامہ
 تفصیل این جنگ را در یک روزگاہی بیشکی دنیای شمالی

نمیدہ اند کہ آنچه مختصر نوشتہ اند کہ ترجمہ شدہ است
 احوالات متفرقہ

در ولایت انگلیس بحکس زلزله سخت نمیدہ است و در تواریخ
 نیز نوشتہ اند کہ در انولایت زلزله شدہ باشد لیکن
 درین روز ما در سمت شمال ولایت انگلیس و آریلز زلزله
 شدہ است باینطور کہ ضرر و چینی و غیرہ کہ در طاقچما آودہ است
 بہم حوزہ و بعضی افتادہ و سکنہ اند اما خرابی در خانہا نشانی

در ایام بالتیک از قاریکہ در روزنامہ نوشتہ بودند در فصل بہار
 چنان بیخ بستہ بود کہ کمان میگردند تا فصل بہار بیخ آوای
 نشود و تردد کشتی مشکل باشد چونکہ اہل آن صفحات کدرا
 از تجارت است خصوصہ در دریای باستن بیخ در آنجا ضرر
 زیاد با اہل ان مملکت می آورد

ما بین مملکتیں فرانسہ و سویس کوی سخت است کہ سنت زیبا
 مینامند و در بالای این کوی بعضی ارگیشہا از ملت کتولیک
 صیوی کلیسا وارند و دایم الاوقات در آنجا مقیم اند و چونکہ
 راہ عبور مملکت ازین کوی است بسیار اتفاق می افتد کہ مردم
 برف و باد دم ماندہ را ہر اکم می کنند کیشہای بزبورسکھا
 بزرگ دارند مانند سکھای چوپانی این ولایت دآنها را ہم
 دادہ اند کہ وقتی کہ برف و بوران سخت است و بیرون رفتن
 مشکل است این سکھا را بیرون می کنند و در کردن ہر یک
 سببی می آویزند و در میانشان نان و گوشت و یک شیشہ عرق
 میکذارند و این سکھا در اطراف کوی و دشت آنجا گردش
 مینمایند اگر کسی را پیداکردند کہ راہ را کم کردہ و لیکن قوی و شور
 حرکت وارد از آن زمان و گوشت و عرق حوزہ بحال می آید و

جلو افتاده بجدت می کند و اورا بگلیا برساند و اگر سرما
 آن شخص را از کار برده و بی حس و بی شعور نموده است که
 چنان تعلیم داده اند که بصرعت مراجعت بگلیت نموده و
 خبر میکنند و کیشان بیرون آمده بر آسمانی سکهها می
 و آن شخص را بر داشته بگلیت می آورند در هر یامی پادشاه
 فرانس محبت بسیار بکیشها نمور کرده اند و دولت بهر
 که بوده است پادشاهی یا جمهور کسی با آنها ذات نگرفته
 ریزا که کار آنها را عمل ثواب میدانند درین روزها دروغ
 نوشته اند که اهل دولتین فرانس و سویس بنا دارند
 ریزا که فرور را سوار کبکند که تردد مردم از راه ریزا که
 و کیشان فرور اگر ایطور باشد در زمین راه آن زیر زمین
 بیمارخانه همه خلق خواهند ساخت

چونکه تردد مردم ما بین فرنگستان وینکی دنیای شمالی
 روز بروز بیشتر میشود بعضی از تجار در لندن و نیویارک سبکی
 و کانا ده و سایر دولتمندان آنولایات تنخواه جمع می کنند
 که کشتیهای تازه که بچرخ بخار حرکت می کند از انگلیس تا بکنای
 شمالی راه بیندازند که ششین سیاح باشد و بارهای سنگینی
 نیز حمل و نقل نماید
 در مملکت ایتالیا نوشته اند که از کوه سوزنده آتیه که در جزیره
 سینیلیا پیدا باز درین روزها آتش سنجند زیاد بیرون
 آمده بود

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده بود که نری سینگ
 که ادعای تاج و تخت و سلطنت فرانس را می کند در
 امپراطور شدن لویی ناپلیان کاغذ نوشته بود و خلق را
 از قبول کردن سلطنت لویی ناپلیان ممانعت کرده بود

روزنامه نوشته نوشته بودند که ازین کاغذ بسیار در
 ممالک هندستان منتشر کرده است
 از مملکت مصر نوشته اند که در آخر پاییز آب رود نیل بسیار
 کشیده شده و کم گردیده بود و در فصلش بان مرتبه که باید بالا
 بیاید نیامده بود بلکه بکذریع و نیم از متعارفی سالهای دیگر
 کمتر بالا آمده بود از آنجهت بعضی جاها زمینهای مصر را درست
 آب گرفته بود و کمان داشتند که حاصل سال مصر کم بیاید
 خصوص حاصل گندم که امسال آنقدر بعلنی آید که زیادی آن
 بخارج برود

در لیب سینگ وارث مهر راجه پنجه سینگ راجه
 و پنجاب که بعد از آنکه انگلیسها مملکت پنجاب را گرفتند
 در هندوستان مجبوس نظر بود میگویند درین روزها

عبسوی در آمد است
 در مملکت استرالیایا وجود اینکه آنقدر پول طلا از معدن
 در آورده اند و در داد و ستد مردم قدری اغتشاش بهم
 رسیده است زیرا که پول سکو کمند استند حال دیوان
 با آنجا عیاجات فرستاده اند که صاف بچرخش بودن طلا را
 امتحان کنند و هر زمانه همان طلای شمش مهر کرده در
 خلق بعبیت معتبر رواج باشد و گذشته از آنهم پول سکو
 از ولایت انگلیس زیاد با آنجا آورده اند اما باز کسی نمی کشیدند
 بجهت اینکه پول سیاه در آنجا بسیار کم بود

چهار هزار قشون فرانس ارگشتی بیرون آمده بودند در
 ایتالیا که بروند بشهر روم و داخل قشون ساخوی آن مملکت
 برینس روم بونه پارت برادر ناپلیان بزرگ درین فصل

۶۶۷

پانزدهم و شش سال تمام بود

بنادارند در راه آهن مابین پاریس پای تخت فرانسه و

فویینه پای تخت استریم کال که بخار تیزر و راه پندازند که از

پای تخت استریم تا پای تخت فرانسه در دو شبانه روز

برود

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که عروس ای پرا

فرانسه را تا پنجشنبه نوزدهم ریح می خوانند

شخصی از اهل فرانسه کتابی نوشته و چاپ کرده است

اسم کتابش را ناپلیان کوچک گذاشته است چونکه ناپلیان

اول در میان فرانسه ناپلیان لغزاند لقب داشت یعنی ناپلیان

اعظم و این کتاب ضرب لوی ناپلیان است سمش را

ناپلیان کوچک گذاشته است و این کتاب را چون در

مملکت فرانسه نمی توانست چاپ کند از ترس مواخذه و سیاه

دولت در ممالک اطراف چاپ زده است خصوصاً در

ایتالیه و در بعضی جاها دولت مانع شده و نگذاشته

و لکن ازین کتاب در میان خلق بسیار منتشر شده است

چند وقت پیش ازین در جزیره سیلونی که یکی از مفت جزایر

یونان است که در زیر حمایت دولت انگلیس میباشد

اعتناش را با عنسگری در میان خلق بود درین روزها

از معصومین آنجا هفت نفر متخلص کرده و چهار نفر اخراج بلد

دوستان

کلیات

تعبیر نامه

قاموس

تا فرود خود کرده است و بنا دارد این روز عروسی نماید

کشتیهای جنگی و نه که در شهر تولان لنگر انداخته بود

و حاضر سفر و حرکت بودند درین روزها حکم آمده بود که

حرکت نمایند و بدریا بروند

حساب کرده اند که در نه ماه سال گذشته چهار هزار و

یکصد و هجده نفر اعلام کنیز سیاه بخار تیزر کوبه آورده و فروخته

با اینکه چنین تجارت خلاف عهدنامه است که دولت

ایتالیای قول داده بود دیگر دارند

راه مابین شهر ناپولی و شهر روم چهره چینی شده است که تردد

در آنجا بسیار خوف و خطر دارد بسبب اینکه دزدان

بطوری جبرور شده اند که مردم را میکشند یا برهنه میکنند

یا نگاه میدارند تا اقوام او هر قدر پول که دزدان خواسته

بدهند و او را خلاص نمایند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در دارالطباعه حاجی عبدالمجید با

در محله نزدیک دروازه دولاب نظرباع گردیده از آنجا

فروخته میشود

سما عالم جلد چهارم بکار الانوار سه تومان و دو هزار و

مجموع البیان شش تومان

تغیر امام حسن عسکری یک تومان

شاهنامه چهار تومان و نیم

نظم نظامی نه هزار و دینار

یک تومان

شهر اردینا

چهار دینار

دو تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۶۹

منطقه دارالخلافه طهران
 قیمت اعلانات
 یک سطر اچهار سطر یکروز
 بیشتر با هر سطر بیشتر



موزه صدیورده
 قیمت روزنامه
 یک نسخه ده شاهی
 هر کس در چهار روز

اخبار داخله ممالک روسیه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه دویم این ماه اعلیحضرت پادشاهی عز
 فرمودند که بقصر قاجار تشریف برده چند روز در آنجا بوقت
 زمانید اول نسبت دو شان تپه که عمارت تازه ساخته
 در آنجا ساخته شده است تشریف فرما گردید و عمارت
 مزبور را تماشا فرمودند و نهار را در آنجا صرف نمودند و چونکه
 این عمارت را تازه در روی تپه مزبور ساخته اند و در ساختن
 آن سفر انجاقان حاجی علیخان حاجب الدوله کمال استقامت
 نموده است باینکه زمستان و یخ بندان کار بنانی مشکل بود
 عمارت مزبور را بطرح خوب و مستحکم با تمام رسانده است
 خدمات او مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده از راه اتفاقات
 کامل کیثوب کلچیه طوبس تن مبارک را بقرب انجاقان مشارالیه
 مرحمت فرمودند و از آنجا موکب بایون نسبت قصر قاجار حرکت
 فرموده و در نزد یک قصر قاجار کل قشون متوقف دارالخلافه
 از توپچی و افواج قاهره و سواره نظام حاضر شده بودند و در
 حضور بایون مشق حرکت نمودند و مشق و حرکت آنها زیاده
 مستحسن خاطر ملوکانه افتاده او آلا یک ثوب کلچیه طوبس تن مبارک

بامیرالامرا العظام اجدان باشی مرحمت نموده و مزید
 تقرب اختصاص دادند و بعد از آن چون معتمدین فرنگی در مشق
 و حرکت افواج اهتمام نموده و قشون مشق و حرکت را خوب
 با آنها تعلیم کرده بودند یک طاقه شال زمره کشمیری بجایجا
 قول اول مطرات سو معلم کل یک طاقه شال زمره کشمیری نیز
 بگریختن صاحب معلم تو چنانچه در یک رسال است
 خاصه بجایجا میرا صاحب معلم سواره نظام مرحمت فرمودند
 و جایجا میرا صاحب یک دست زین و براق که سبجه نمونه از برای
 سواره نظام ساخته بود حضور مبارک آورده ملاحظه و
 فرمودند و سواره نظام که بلباس سربوت و کلاه برنجی
 که در همان روز با آنها داده شده بود ملتفت گردیده بودند
 بسیار باشکوه و در استکی تمام بنظر آمده مورد تحسین قرار
 گردیدند

در سوم چنین در روز سه شنبه چهارم این ماه اعلیحضرت
 پادشاهی نظر بظهور و فورم جسم ملوکانه که در حق جناب
 محبت و جلالت نصاب صدر اعظم دارند بیاباغ دادند
 که مال جناب معظم الیه است و عمارت جدید باصفاد را

۶۶۹

ساخته اند تشریف فرما گردیدند و لوازم بیکشور و پای انداز
و قربانی صنایع تقدیم و تدارک شد تا وقت عصر در
تشریف داشتند و وقت عصر از آنجا در جهت بصره قاجار
فرمودند

در روز یکشنبه مرتجع چهارم که شنبه جناب جلالت فاضل
و جناب نظام الملک و امیر الامراء العظام اجودان باشی با جمعی از
امراء صاحب منصبان بر رک نظام کاجان مجمع صنایع که بر
ارجابون مقرب امخاقان حیر الممالک از ارباب صنایع و ارباب
رفتند و بجای و صنعتها بیکه ازین تربیت این دولت عمومی
رواق و رواج یافته ملاحظه و رسیدگی نمودند اول بکارخانه کاشی
سازی که بباشرت عالیجاه محمد علی بیگ کاشیهای خوب
ساخته میبودند و مشارالیه از اینکه در کار کاشی سازی
به تمام نموده و درین سال دوازده دستگاه کاشی برای دیوان
اعلی و سایر اعاظم و خوانین ساخته بود مورد تحسین و توفیرش کرده
بعد از آن جناب معتمد باشی بکارخانه مجمع صنایع توجه نمودند و کار
و صنعت هر یک از صنعت کاران را جدا جدا در حجرهای آنها ملاحظه
کردند و در حجره خواجه احمد ساعت ساز شده جای و شیرینی
نمودند و حسن صنایع مشارالیه و نظر جناب صدرت عظمی و امین
دولت علیه بسیار پسندیدند و سخن افتاد مبعوض یکصد تومان
موجب ادا فرودند و درین کارخانه اغلب صنایع افریقایی ساعت
و آپالیت سازی که نشان دوش صاحب منصبان نظام
وزر و وزی بوس نظام و بریدن و دوختن آن و تیکه سازی
علی عین که زرکشی و زر و وزی مخصوص مثنای است و نقاشی
خوب متاز و نقاشی و چمن سازی و قداره سازی بسیار
خوب رونق گرفته و از حسن تربیت این دولت علیه و اتمام

مقرب امخاقان حیر الممالک تمامی این صنایع بطور بسیار
میشود و چون از دولت علیه و اخلاص صنعت هر یک ازین اشخاص
انعام و الثقات مبدول شده و میشود و مورد تحسین و توفیر
میکردند امیدست که ترقیات کلی برای آنها حاصل گردید

صنایع خوب درین دولت علیه رونق و رواج یافته و
چون بعضی از تجار و رعیت دولت ابد مدت علیه از راه
مال التجاره خود را با اسم رعایای دولت متحابه از کمرک عبیره
جواز گرفته حمل و نقل ولایات محروسه می کنند و این
باعث خمت و گفتگو فیما بین اولیای شوکت علیه و سفر
دول متحابه میشود لکن در حساب امر اعلیحضرت شاهی معزز
که اگرین بعد کسی از تجار و رعیت دولت علیه اینگونه
قاعده و تقلب را ترک شده مال التجاره خود را با اسم
رعایای دولت متحابه جواز بگیرد مورد سیادت و زجران دیوان
اعلی خواهد شد

امورات قشونی

چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شده است کل
قاهره طرزین کار بضرر انساب مسایون از توپخانه مبارکه
و افواج قاهره همه روزه در میدان مشق حاضر و بعد از وقت
از مشق در مدرسه دار الفنون تا دو ساعت تحصیل علم
چنگ مشغول میباشند و در روز یکشنبه بیت و پنجم
جمادی الاول اعلیحضرت پادشاهی محض الثقات ساعت
بغروب نماند برای امتحان متعلمین مدرسه دار الفنون تشریف
نمودند و عالیجاه قول اول مقرر السو معلم کل در حضور مسایون
حسب الامر الامرس از متعلمین مدرسه تحقیق درس آنها را کرد
اغلب آنها بطور اتمکل و حسن از عهد عرض و ادای آن برآمدند

وزاید الوصف در خاکهای با بون مقبول و مستحسن افتاد
مورد نوازشات ملوکانه شد در اندک زمانی که مشغول
تحصیل هستند ترقیات کلی برای آنها حاصل شده و آن
خواهد کثیره از اسبگونه مراقبت و اهتمام و کلای و دولتیه
که در تعلیم و تشویق آنها دارند عاید شوکت قاهره خواهد

چون رای جهان آرای ملوکانه لبان عساکر ظاهر ملزمین
رکاب سبایون قرار یافته بود لهذا در روز سه شنبه پنجم
ماه جمادی الاول امیر الامراء العظام اجودان باشی بمهرنج
شکر نویس باشی و امین شکر و سار شکر و زبان عظام
در میدان مشق حاضر شد ملازمین قرار سان آنها را دیدند

پوچیان فوج اول خاصه بر فوج شانزدهم فوج جدید نصدا
فوج جدید اربیل فوج قدیم قدسی فوج جدید فوج قدیم
فوج جدید فوج سوادکوهی فوج قدسی تعلیمی سکا بانی

و موافق بر آنکه هر روزه چهره میگردید یک نفر مختلف شد

چون عالیجاه مغرب الحضرة انخافانیه اسکندر خان باب
اول امیر الامراء العظام اجودان باشی و رخصیات متعلقه خود کمال
همتمام و جد و جهد و جانفشانی دارد و خاطر خطیر با بون
پادشاهی از حسن خدمت و صدق ارادت او راضی و خور
گشته است لهذا محض حصول افتخار و سر بلندی او یک سوار
سواری از اصطلب مبارک با و محنت فرمود
اجتبار شهر

درین اوقات که نزد یک عید نوروز است عموم حشود تبارک طردا

عبد مشغول اند و اصناف بازاری بجهت کرده شش عید و کاکین و
حجرات خود را آرایش و زینت میدهند و بدو دست مشغول
مباشند خاصه دکانهای فناوی و نان کلوچه پزی که شبها
تیز در دکانهای خود مشغول ساختن حلویات میباشدند
و انواع ماکولات و مطهومات و حبوبات که در چنین اوقات
تعمیرم میرساند امسال بجهت احوال و نوروز زانی را دارد

درین روزها حجاج بیت الله الحرام را چادون بقانونی که دارند
ریاست اختیار نمودند و قانون آنها این است که شبیه محل جناب
ختمی تاج را در که چهار بازار میکردند با بعضی که در محل محل
اول طبل بکسج است که میزنند و عقب آنها میدقند و عقب آن
سه اسب یک و عقب آنها مکار بها قاطرهای خود را بر ابق پوش نمودند
و بعد از آنها چادون و بعد از آنها محمل فرور بار و پوش سبز
و بعد از آن کجاوی چند با اطال فوج خوان ترتیب داده
و حجاج سر نشین کلا لیکت که بان و عقب آنها چند سوار بجهت محافظت
باین ترتیب حجاج را اخبار میمانند

سایر ولایات

اورد با بجان و دار المرز و فارس درین مقدمات این
اجباری نبود خراسان
چون مقرب انخافان سامخان الجانی این اوقات از خراسان
غزیت بدر بار معدلت مدار جا بون نموده بود طایفه ضایع
تر کمانتیم ملاحظه اینکه سرحد قوچان بجهت غیبت معبر
مشارابه از نوکر جمعیت خالی مانده است و مستعد
بان سرحد دست بردی بزنند یا اسیری ببرند بان
خیالات فاسده که فطری حبیبی این طایفه ضایع است

جمیعتی فریسم آورده بخمال تاحت و تازو دست انداز
 بان سرحدات روانه شده اند عالیجاه یزدان و یردی خان
 برادر مقرب انخاقان ایمنی نقره مطمع کردید جمعی از نوکرها
 برداشته بجلو اطاقیغه ضاله رفته عرصه را با نمانتک نمودند و
 جمیعتی از آنها را وسبکه و اسیر نموده و برخی را بضر شمشیر
 از پای در آورده و چهل نیزه از زوس منخوس آن طالبه
 ضاله را هم بدر بار معدلت مدار تا بون فرستاده بودند
 پیشگاه حضور معدلت ظهور مایون گذرانیدند و خدمات
 عالیجاه مشارا بمقبول و مستحسن خاطر خطیر مایون انباشت
 و از جانب سنی ابوجانب علیحضرت پادشاهی لازمه نقات
 در باره مشارا بمذول افتاده مورد تحسین التفات ملوکا کرده
کرمان

چاه چهل ذرع بوده و آب بسم داشته است
 از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امر آنحدود
 در کمال انتظام است و امیر الامراء العظام مقرب انخاقان
 محمد حسن خان سردار حکمران یزدو کرمان در نظام امر و بلا
 و تحصیل اسباب ایت و نمودگی عرت و آبادی انجا پیوسته
 کمال اهتمام را دارد از جمله نوشته بودند چون محل سکنی
 سر باران آنجا خرابی داشته است فرار داده است که در باغ
 کلشن هم بار خانه خوب بقاعده و ترتیب ساخته شود و با این
 بنا و عمل مشغول است که یک بنه انجار بار خانه میسازند و یک
 بنه دیگر که متصل باغ مذکور است باغ می سازند و همین
 نوشته بودند که سابقا پول سفید آنجا بسببیکه نقره است
 خالی اغشش و عیب و خلل نبوده ضرر داشته است و در معالجه
 و داد و ستد چیزی کم میکردند و با این جهت قدری پول سفید
 در آنجا رواج نداشت و در معالجه برای مردم معطلی حاصل
 بود این روزا مقرب انخاقان مشارا لیه قدغن کرده است
 که پول سفید را از فقره خوب خالی اغشش در ضرا آنجا سکه
 بزنند و فرار درستی داده است که دیگر در معاملات برای
 مردم معطلی حاصل نشود

کرمانشاهان

از فراریکه در روزنامه آنجا نوشته شده بود این اوقات که نواب
 شاهزاده و الاثبا عما و آله و له حکمران کرمانشاهان بجهت
 رسیدگی بمشغول اواج کرمانشاهان در زمان سپهباشان نواب
 امیرزاده بدیع الملک میرزا در غیاب نواب معزی الیه امیر شهر
 کرمانشاهان را منتظم مصنف بطو لکا بداشته است و از اید
 خلاف قاعده و چپانی ناشی و صادر میشود

از فراریکه در روزنامه بم و زمان شیر کرمان نوشته بودند
 امر آنجا نسبت سابق کمال انتظام مداورد و از جمله چیزهایی
 که در ضمن روزنامه آنجا نوشته شده بود یکی این بود که در غرض
 سز و نذ که از مزارع زمان شیر است در خانه که قریب بصد است
 که محل سکنی بوده در نیمه شب صدای غریب و عجیبی از یکی
 اطاقهای آنجا بلند شد صاحب خانه دست ایگان او بسبب
 آن صد از خواب حسته بی اختیار بان خانه دویده بود
 و از ده نفر که برای تحقیق صدایان خانه رفته بودند مجروح
 اینکه داخل اطاق شده اند میان چاه افتاده اند بعد از آن
 روشنائی آورده بودند معلوم شده بود در میان اطاق
 از قدیم چاهی بوده بسبب رطوبات روی چاه باز
 شده پائین رفته و از آن دوازده نفر که بجای افتاده بودند
 صاحب خانه مرده بود و مابقی همه صحیح و سالم بیرون آمدند و

تعمیر اجناس	کولات و غیره	دارالخلافه	ماست	چهارمین	یکهزار و شصت و نهار
گندم	ساجیلای	یکهزار و نوزده هزار دینار	برنج کرده	چهارمین	دو هزار و سیصد و نهار
گندم	دور شهر	یکهزار و سیصد و نهار	گوشت	یکمین	سنت عباسی
گندم	غریب	یکهزار و سیصد و نهار	پنیر شور	چهارمین	سنت هزار و نوزده و نهار
گندم	در این	یکهزار و سیصد و نهار	مرغ	یک قطعه	دو شاهی
جو	یکهزار و	دوازده هزار	تخم مرغ	دو بیضه	یک عباسی
کاه	یکهزار و	چهار هزار	شعیر	یکمین	یکهزار و نصد و نهار
پونجه خشک	یکهزار و	هفت هزار	ردغ خراغ	یکمین	هفت عباسی
باقلا	یکهزار و	دو تومان	حلوبات اعلی	یکمین	سنت هزار
ماش	یکهزار و	بیست و سه	حلوبات وسط	یکمین	چهار هزار
عدس	یکهزار و	بیست و چهار	انقوره	یکمین	دو شاهی
لوبیا	یکهزار و	بیست و چهار	سرکه	یکمین	هفت شاهی
ارزن	یکهزار و	یازده هزار	تنباکوی اعلی	چهارمین	شانزده هزار
خل	یکهزار و	سیزده هزار	تنباکوی وسط	چهارمین	دوازده هزار
سکنک	یکهزار و	دوازده هزار	بکین	یکمین	هجده هزار و دو شاهی
حزما	چهارمین	سه هزار	بجک	یکمین	پنجاه و نهار
کشک	چهارمین	دو هزار	دارچینی	یکمین	یک تومان
همه	یکهزار و	هفت هزار و نصد	لفل	یکمین	دو هزار و نصد و نهار
ذغال	یکهزار و	هفده هزار و نصد	زیره	یکمین	دو هزار
شیره	چهارمین	سنت عباسی	قدار سی	یکمین	سنت هزار
کشک طعام	چهارمین	سنت عباسی	قد زردی	یکمین	چهار هزار و نصد و نهار
پیه کراخته	چهارمین	شهرار و نصد	نبات	یکمین	سه هزار و دو عباسی
روغن	چهارمین	یک تومان و نصد	شکر	یکمین	دو هزار و نصد و نهار
برنج غنبر	چهارمین	دو هزار و چهار عباسی	ایلیو	یکمین	دو هزار و پنج شاهی
نان	یکهزار و	دو تومان و نصد و نهار	سکنجین	یکمین	دو هزار و نصد و نهار

اجار دول خارج

روس امپراطور روس که زوجه اعلی حضرت امپراطور
بنام شده است که در چله کوچک سستان بفرکند اما سرش تا چند
مدت موقوف گردیده است و کمان داشتند که درین روزها
روس بشهر وارش و تشریف بیاورد و از جانب دولتین
و پرستیه المچی بشهر مزبور میفرستادند بجهت بارکبادی و زودا

فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس بای تحت فرانس رسید روز دوشنبه
بیت و یکم ربیع الثانی بود و اجاری که در روزنامه نوشته بود
در باب عوسی لوی ناپلیان بود و یکی از دستهای سلطه خوبان
قدیم مملکت اسپانیول را عوسی کرده است و در تاریخ مزبور در
کلیتای بزرگ وسط شهر پاریس موافق فاعده مذکور گویک عوسی
عقد بسته اند و با کمال اساس و جلالی که لاین شان سلطنت است
عوسی نموده اند و چونکه در جنبین عوسیهادر فرنگستان از
طرفین باید که امین باش از طرف امپراطور روم ناپلیان و پسر
پرنس ناپلیان گواها شده اند و از طرف عوس و روس وزیر مختار
پادشاه اسپانیول و چهار نفر از خوانین آن مملکت گواها گردیدند

احوال مسفره

دست چند سال میشود که در انگلیس و بعضی از ممالک فرنگستان
در میان سبب منیسی آفتی افتاده است و باین سبب بعضی از ممالک
آن ممالک که خورشید سبب منیسی است تنگی زیاده کشیده اند
و درین روزنامه نوشته اند که در سال گذشته در جزیره پورتو
لذاتین آفت باله سبب منیسی بجا ضایع شده است

روز خانزین از فرار یک در روزنامه نوشته اند درین روزها

باز آتش زیاد شده و از جای خود بیرون آمده و مملکت را
در زیر آب برده بود و از فضل بهار سال گذشته تا بحال در
این رودخانه چهار بار سیل آمده و شست نموده و مملکت را
زیر آب برده است

درین روزها کشتی جنگی پاشای مصر از ولایت انگلیس روان
شده بود و بسیاری از اسباب آهن و چرخ و غیره بجهت راه
آهن که از مملکت مصری سازند در میان کشتی مزبور بار کرده
بودند که بان مملکت ببرند

از جانب دولت فرانسه حکم شده است که سنکر و چهار و
برج و غیره که در کنار دریای سمت مغرب آن مملکت دارند
نمایند و در روزنامه نوشته اند که گویا این حکم ازین سبب
که دولت انگلیس قشون سحری کشتیهای جنگی خود را درین روزها
زیاد تر کرده اند

دولت همس که یکی از ممالک کوچک است بیاید از آن
تجارت بزرگ جوید که در دول فرنگستان اند و آنها را رورشیلد
مینامند یک طیان و دولت هزار فلانین فرض گرفته اند که بحساب
پول ایران تخمیناً یک کرو و صد هزار تومان می شود و این
پول را بنادارند که منفعبت بدهند از فراسالی هر صد تومان چهار
تومان و نیم و این وجه را بجهت ساختن راه آهن در آن مملکت
فرض کرده اند

دولت فرانسه بسیار اصرار کرده اند که پای پای رومه که بزرگ
مملکت گویک عیولیت مملکت فرانسه بیاید که با بجهت عقد بستن
و عوسی لوی ناپلیان امپراطور فرانسه بوده است اما پای این مملکت
قبول نکرده بود

پرنس شارل برادر پادشاه پروسه درین روزها

رفته بود اسبش افتاده و بروی پریش مزبور غلطیده استخوان
جناغ سینه او را شکسته و سایر اعضای او سبب کرده است

هزار فلان چیزی زیاد تر حساب کرده اند که تخمیناً شصت
چهار کرد پول ایران می شود پیش ازین زیاد بود اما درین چند
سال کمتر کرده اند

پول طلا که در رضاخانه فرانسه زده اند در سال گذشته
سه مقابل آن بوده است که در دو سال قبل در رضاخانه مزبوره
سکه زده بوده اند و این مرحله را علامت ترقی و امیت مملکت
فرانس میدانند

در سبکی و بنای شبالی چونکه اکثر این مملکت جنگل است تجارت
بزرگ که دارند از چوب جنگلیت و سبجه حمل و نقلش همیشه بکنار
رودخانه های بزرگ که از آن ولایت میگذرند و بهم دسترس است
در میان آب می اندازند و این دسته چوبها چنان بزرگ اند

تا جی که بجهت لوی ناپلیان امپراطور مملکت فرانسه ساخته اند بمکان اقیانوس
دارد بلکه در استادی زرگری بهترین تا جمای روی زمین
و سنگها و مروارید که در او نصب کرده اند هم بسیار
که اینها میباشند

که برایشان خانه می سازند و مردم در میان آنها بهای طور
که در روی آب میروند و سکنی می نمایند و در جلوش یک
سجاری راه میبرد که این چوبها را با آب بسته اند و یکسار دریا
میبرد درین روزها این چوبها بسیار بهر یک بسته و میان
رودخانه انداخته اند بطوریکه چهار صد ذرع طول داشته
و نزدیک سیصد ذرع عرض و پنجاه و یک باب خانه در
روی آنها بوده و کشتی سنجار در روی آنها بود و همه را
بست دریای کشید

حساب کشتی تجارتی از کشتی سنجار کشتی بادبانی از هر
در سال گذشته در مملکت انگلیس هجده هزار و یکصد و شصت و نه
چهار فرزند کشتی بوده است که در وقت کشتی کرده اند و کشتیها
که این کشتیها را راه میبرد صد و چهل و یک هزار و نهصد و سی و هفت
بوده اند غیر از بزرگ کشتی که هر کشتی یک بزرگ علاقه است
این کشتیها ندارد

اخراجاتی که بجهت لوی ناپلیان دیده بودند و وقتی که پیش
دولت فرانس بود و دوازده ملیان فرانک معین کرده بودند
که تخمیناً دو کرد و دو دولت هزار تومان پول ایران می شد
حال که امپراطور و پادشاه شده است بیت و پنج ملیان
فرانک اخراجات او برابر آورده اند که تخمیناً پنج کرد و پول
ایران می شود

چند سال پیش ازین دولت انگلیس اطلاکی جمعیت از اهل مملکت مزبور
دادند که در آنجا زراعت نکنند و ولایت را آباد نمایند در آنوقت
کسی گمان نداشت که خاک طلا از آنجا ما بیرون بیاید جمعیت
مزبور یک کرد و دو دولت هزار تومان در آنجا خرج کردند و نفع
خوب از وجهی که در زراعت آنجا گذاشته بودند کردند حال که
خاک طلا از آنجا درآمد است این املاک را پشت کرد و چهار صد
هزار تومان قیمت کرده اند

از این گنبد ریّه مصر نوشته اند که در فضل بائیر بهوای آنجا
با آن ولایت که کرمیر است بسیار سرد شده و بارندگی کم است
بدقی است که دول فرنگستان میخواهند که کرمیرین وادر
کنار آن دکنر یا بالده موقوف بدانند که اوست بخلق زرسد

پول کاغذ که در مملکت آستر به میان خلق رواج است صد و

یا کمتر نمایند و درین خصوص صاحب منصبان از بعضی دولت
 خارج با سکنه ویه مصر آمده بودند که تحقیق نمایند
 در راه آبن که در مصر میزند خوب کار میکردند و زود تمام
 خواهند کرد قدری خرابی باین راه رسیده بود از آب رود
 نیل که از نهر محمودیه بالا آمده بود اما خرابی جزئی رسانده بود
 و پسای سعی و کوشش نمایند که این راه را زود تمام نمایند
 خصوص در این ایام که بجهت کم شدن آب رود نیل عبور کشتی
 در آنجا مشکل شده است اگر این راه ساخته شود سیاحت
 و با تجار تاتی از این راه میرود و اگر بنده میسم که بنا دارند
 در رود نیل بازند قرار بگیرد آنهم مانع عبور کشتی خواهد بود
 صورت ساختن راه نوبل بسیار لازم است

بنابوده است که پسر بزرگ عباس پاشای مصر عوسیه نامی
 و در شهر قاهره تدارک میدیدند که با کمال جلال و آسایش این
 عوسیه را با انجام رسانند

درین روزها پول ریاد و جیوه از انگلیس هندوستان فرستاده
 و اکثر این پول از بنکی دینا آه است و بملکت مستبورغ
 بلژو و سایر ممالک منته هم از انگلیس پول فرستاده اند
 اما از بسکه نقره و طلا فراوان بود همیشه قدری تنزل داشت
 خصوصه نقره که تجارت نگاه میدهند و بان قیمت که مردم میخواهند
 میفرجند حال چونکه بسیاری ازین نقره هندوستان رفتند
 آنقدر تنزل ندارد

از دولت جمهوری بنکی دنیای شمالی نوشته اند که مشورتخانه این مملکت
 بتاریخ دو شنبه بیست و چهارم ماه صفر منعقد شده بود و بزرگ
 آن دولت در باب بعضی مطالب گفتگویی دولتی در آن خصوصها

بابل مشورتخانه باین منوال تکلم نموده بود که در تابستان گذشته
 دولت ماباد دولت انگلیس صحبت و گفتگویی داشت در خصوص
 شبلات اطراف خاک انگلیس در بنکی دنیای شمالی و دولت
 انگلیس فراتر گشتی با آنجا دستاوردند از آن جهت که بمان بگردیم که
 بر عایای ماضری برسد و گفتگویی درین باب بدولت انگلیس
 داشتیم حال می بینیم که دولت انگلیس با بطور اصلاح و دوستی
 بکنار می آیند و خواهش آن دولت این است که این گفتگو را بطور
 تمام نمایند که ضرر بابل و بترین زرد سابقا از ماهی که از خارج می آوردند
 در ولایت مالک زیاد میگرفتند حال شش سال است که
 این کم کم را کم کرده ایم و اهل مالک دول خارج ما می بولند
 ما می آورند و میفروشند و ازین سبب منفعت بابل بکلیم شده است
 و چونکه درین خصوص از طرفین خواهش گذشت و رفقا خوب داریم
 امید داریم که این گذارشسانی تمام شود

یک پارچه طلا از معدن استرالیا در آورده اند که وزن او
 هزار و چهل مثقال است و بهین طور معدنی بوده است و چاکران
 دیوانی آنجا این پارچه را خریدند و بجهت پادشاه انگلیس
 فرستاده اند

شخصی از اهل اسپانیا که سی سال حاکم جزیره کوبه بود درین روزها
 فوت شده است و سپارد و تمند بوده است بلکه در مملکت اسپانیا
 کسی بقدر او دولت نداشته است و امرالی که دارد پانزده
 میان دالار حساب کرده اند که تخمینا حساب پول ایران
 پانزده کرو می شود

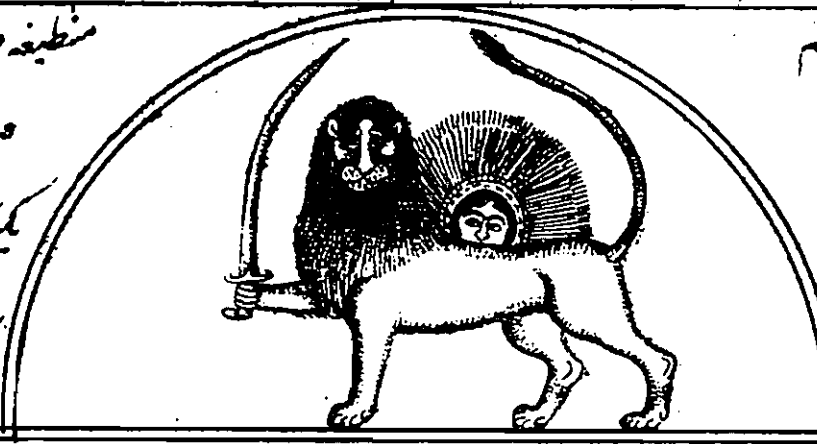
روزنامه قایم انقابتی پنجشنبه هجدهم ماه جمادی الثانی مطابق سال اول ۱۲۶۹

شماره صد و دوازدهم

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه
یک ششدهش هر یک
صفتان و چهار هزار و بیست

قیمت اعلانات
یک سطر اجاره هر خط یک روز
بیشتر با هر سطر



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چنانچه در روزنامه گفته شده نوشته شده بود اعلیحضرت پادشاهی که بجهت خرمی فصل و تقوی چند روز بقصر قاجار تشریف برده بودند که عمارت مبارکه ارک پادشاهی را بجهت سلام عبود و سلطانی چنانچه هر ساله رسم است چاکران در بارها یون زیب و آرایش میدهند در روز پنجشنبه اینماه اقصی قاجار بعمارت ملوکانه قصبه شاد تشریف فرما گردیده و نهار را در آنجا صرف فرمودند و تا هنگام عصر در عمارت مزبور تفریح مشغول بودند و نزدیک بغروب آفتاب موکب های یون بعمارت مبارکه و مقبره عظمی بالشوکه و الاجلال معاودت نمودند

خسروانی و هر یک در مرتبه و مقام خود مورد اعطاف و الطاف ملوکانه گردیدند و روز مزبور را اعلیحضرت قوی پادشاهی در دیوانخانه بزرگ با سلام عید دادند و چاکران در بارها یون و امراء و خانین و صاحب منصبان بزرگ و غیره هر یک در جای خود زیارت وجود فانی انجام دادند و مباحی شدند و از توپخانه مبارکه و زنبورخانه بفرار معمول شلیک گردیده بعد از ادای خطبه در حضور مبارک عظمی شاهی و اشرفی با همین حضور مظهر و صرف شرف و تقوی سلام دیوانخانه بزرگ بعمارت سردرب دیوانخانه که مشرف ببارک سلطانی است تشریف فرما گردیدند و بار عام دادند و رسوم خلق از وضع و شرف و صعوبت کبر در میدان مزبور مجتمع گردیده اسباب عیش و شادمانی فراهم آورده از زیارت وجود های یون آغاز سرت و خورسندی نمودند

در روز دوشنبه دهم این ماه که روز عید نوروز سلطانی بود چنانچه در این دولت علیه منداول است در شب زور که یک ساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته تحویل انقابتی برج حمل و ابدا ای سال حیرت مال بود انسانی دولت علیه و ابدا خواص و مقربان شوکت بنیه بجلا عفا حره شادمانی عیس و مباحی گردیده در وقت تحویل شرفیاب حضور مظهر

چون استقام اولیای دولت قاهره در تشدید مباحی اتحاد ما بین دولتین علیتین ایران و عثمانی بسیار است و بخواهند در سرحدات ما بین این دو دولت علیه حکام

۶۷۷

عاقل و کافی بکارند لهذا امیرالاعظم اسکندر خان سردار را
که بحال درایت و کفایت موصوف و حسن سلوک و رفتار معروفست
بحکومت خوبی که سرحد و بیابان دولت است حسب الاشارة العلیه
و منصوب فرمودند و زمان مهر لعان شرف صد و یازده خلعت
مرحمت و عنایت کردید

تختیغ مرعشی دیوان را نیز تقویت نواب شایسته با نجات
استحقاق داشته اند برساند و قبض رسید که آنها را گرفته
بدر بارها یون بسیار و تا ازین معنی نوع رفاه و اسودگی
رعایای آنجا حاصل شود و ما بریز حصول دعا گوئی وجود مبارک
اعلیحضرت پادشاهی کرد

از آنجا که خدمت و مراتب ایتمات عالیجا مجد و مجد
سیر پاشم خان در حضور اولیای دولت علیه معلوم و مشهود گردید
بودند و اورا بحکومت بنیاد امور منصوب فرمودند و زمان
خلعت مرحمت شده این روزها بجل ماموت خواهد
نظر بلاخط انظام امور سوار خیزل خدمت سرکردگی سوار مزبور را
بعهد و عالیجا میرطلب خان پسر میر پاشم خان محمول موقوف
فرمودند

و هم چنین بلاخط رعایت حال رعیت بنیادند عالیجا جان
سیرز حسین میر از در بارها یون نامور گردید که بنیادند خدمت
بجاء معالجه حاکم سابق آنجا بارعیت رسیدگی نموده
آمد و بادبای دولت علیه معلوم سازد که اگر از حاکم چجابی
و اجافی نسبت برعیت شده باشد رفع شود و اگر از زمان
دیوانی چیزی در پیش رعایا باقی باشد مطالبه شود و همچنین
تختیغی که از دیوان اعلی حضرت شده بود رسیدگی کند که
اگر رعایای آنجا رسیدانت از دیوان اعلی مجری می شود

۶۷۸

از آنجا که منظر اعلی حضرت پادشاهی و اولیای دولت علیه
همواره رفاه و سایش رعیت است و جهت نظر توجه با مالی هر یک
از ولایات ممالک محروسه می بکارند بنابر آن این اوقات
عالیجا میرزا عبدالقدخان از در بارها یون حسب الاشارة العلیه
نامور گردید که بغارس رفه باستحضار نواب استطاب شاهزاده
و الا تبار بصره الدوله فیروز میرزا حکمران مملکت فارس مستقیم
ارباب و ظایف و نجاه هزار تومان تختیغی که در سال گذشته با
مملکت فارس مرحمت شده بود رسیدگی نمود معلوم سازد که
تختیغ و صاحبان طبعه رسیده با مباحثین و حال حیف و میل
کرده اند در صورتیکه ستمیات مزبور بصاحبانش رسیده باشد
و همچنین تختیغی که ستمی که سبب بلخ خواری معترض
و ستمی شده بودند بقدر آنخصه نبرده باشند باستحضار
نواب معزی الیه ستمیات ارباب و ظایف را برساند

سایر ولایات

افور بایجان از فرار روزنامه که عالیجا مقرر است
حاجی میرزا احمد خان بصلحت که دولت علیه مقیم از اختلاف
در شرف حرکت از ارزنه آردم سلمی داشته بود جناب
مصطفی ظریف پاشا و الی ولایت ارزنه آردم نظر بآنجا
دولتین علیتین بحال استام را در تقدیم لوازم تو قیر و کریم
عالیجا هشار الیه و عالیجا مجد است سمره میرزا بزرگ کار پرداز
رعایت نموده از تعین معاذر و مستقبیلین در هر یک از منازل
از اول در دو خاک دولت علیه عثمانیه تا ورود ارزنه آردم
و فرستادن اسبان یدکی براق طلا و رسوم دید و بازدید
و مهربانی فرزد که از نموده اند این معنی بر کمال مودت و کجمنی
علیتین و نهایت کفایت جناب معزی الیه محمول گردید و در نظر

اولیای این دولت علیه زیاد دستخس افتاد

دارالمرز

ازین مملکت درین مهغه اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود

فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته بودند از زانی و

فزاوانی نعمت در آن ولایت حاصل است و رسوم مالی آن ولایت

در نهایت رفاه و آسودگی بشکر کذاری این دولت علیه مشغول

از فرار یک نوشته بودند نواب شاهزاده والای تبریز حضرت آید

حکمران فارس و قاتی که بجهت نظام کرمسرات و بنا بر

فارس از شیراز بیرون رفته بودند بعضی اخبار را جمعیت

یافته بوده است که بعد از ماموریت در روان شدن نواب معزی

سبت کرمسرات دوباره در بار مسایون احضار شده

و سببش را این را جمع در راههای آنجا فی الجمله افتاد

بهم رسیده بوده است پس از آنکه دوباره رسیدن طبعیت

مایون و ماموریت نواب معزی آید محقق گردید هر کس در

جای خود آرام گرفته است و در طرق و شوارع آن اطراف

سناست امنیت حاصل است و نواب معزی آید الآن در حلقه

لار و بنا بر کرمسرات و مشغول نظم آن صفحات میباشند

خراسان

از فرار یک در روزنامه شاهرود و بطغام نوشته بودند علی

محمد صدیق خان که از دربار مسایون مرخص و روانه بر

شده بود در دوازدهم شهر جمادی الاولی با همراهمان خود

وارد شاهرود شد و در روز در آنجا توقف کرده اند و حاج

مرتضی قلیخان حاکم شاهرود و بطغام در رعایت شرایط

عالیجاه شاره در ساندن سیرت او لازم است تمام

بعل آورده است و در روز چهارم ماه فروردین از آنجا روانه

مقصود گردیده است و از فرار یک نوشته بودند منازل عرض راه

خراسان در کمال نظم و انضات است و قوافل و ترددین

از هر طرف زیاد عبور می نمایند

از سایر ممالک محروسه اخبار بود و لیکن درین مهغه اخبار

نوشتن در روزنامه نبود در مهغه آینده نوشته خواهد شد

اخبار دول خارج

از فرار یک در روزنامه لندن نوشته بودند عالیجاه محمد

اسراش شفیق خان وزیر مقیم دولت علیه ایران در لندن

مشغول خدمات محوله خود میباشند و از آنرا که کل اهل انگلستان از

خاص و عام حرمت این دولت علیه را نگاه میدارند و جزو

این دولت علیه میباشند نسبت عالیجاه شاره را بسیار محبت

و احترام میکنند و عالیجاه شاره را بسیار از خویش

و مقرب دولت با کمال احترام میمانی و نیامفت کرده بود

و از هر سبب توقیر و احترام او را منظور داشته اند

احوال متفرقه

بنا دارند در رودخانه رین که ازین میگذرد کشتیهای

سجاری زیاد نمایند بجهت اینکه درین اوقات راه آن

در آن ولایات بجهت کاسکه سکه ساجار و غیره می سازند و

رود خلق بیشتر از سابق خواهد شد و باین سبب

زیاد هم در رودخانه فروردین لازم است که بر این مهغه

و از بعضی شهرها و قصبهای آنجا روزی دو دفعه

کشتی ساجار روانه میشود

در مملکت کسانانی مامور کرده اند که کل آن مملکت را گشت کرده

معادن آنجا را ملاحظه نمود و نقشه سازند که معادن آنجا معلوم

سهر سکر مقرر ملک کلی فایزادین روز با بازارش گرفته
 و اگر خانهای آنجا موافقت و بعضی مردم بتر در میان پیش
 تلف شده اند و میگویند که بعد از آنکه در اموال مردم
 تلف کرده است شهرهای ملک کلی فایزادین را چون تازه در
 ساخته اند و اگر خانه ها و بنا را پیش از خوب است وقتی که پیش
 بجانی می افتد از خانه بجان زود سر میزند و ضرر زیاد میرسد
 و اینکه خانه ها و بنا را در آنجا از خوب بیازند و سبب
 یکی آنکه خوب جنگی در آنجا فراوان دارند است دیگر آنکه در
 اگر کسی بنا را بخاری یا کاروانسرا یا زو بس که تجارت رواج
 احتمال میرود که اجرت یکبار آن شهر اقمیش عاید بشود از آن
 سعی و کوشش و رزوه شن آن دارند که نقش را زود در دریا
 نمایند و چندان در قید آن نیستند که مثل سایر شهرهای رومی
 بتامای مستحکم و پردوام بسازند که زیاده باشد و عیب نکند

و چنان میدانند که مانند ناخوشیهای دیگر در ولایت خود
 ماند و لکن شدتش مانند اوایل نخواهد بود و باین نسبت که
 صلب کرده اند رفته رفته زورش کمتر میشود و اطباء میفرمود
 این ناخوشی را مسری میدانند بخلاف اعتقاد سایر اطباء
 روی زمین که میگویند این ناخوشی هرگز از شخص بشخص نرود
 شهر کو بگ تخمینا سی هزار نفر جمعیت دارد و شدت ضعف
 این ناخوشی در آنجا بقدری بوده که گفته شد

در مملکت سیکی و نیای شمالی در یکی از راههای آهن که بسیار
 چونکه در سر راه کوهاست و این راهها باید مسوار باشند
 راه فرور از زر که برده اند و نزدیک نهند در عریز
 کوه را سوراخ کرده اند که کالک از آنجا بگذرد
 یکی از عمارات با املاک که مال سلنه پادشاهان قدیم
 بود که شطرنجی میانند و موافق قاعده ایزدی بدو کتوبال
 پس لوی فلیت رسید بود درین روزها دیوانیان دولت
 فزانت فرودخانه اند و تجارت انگلیس خریدند و کور و چهار

نهرانومان پول ایران
اعلانات

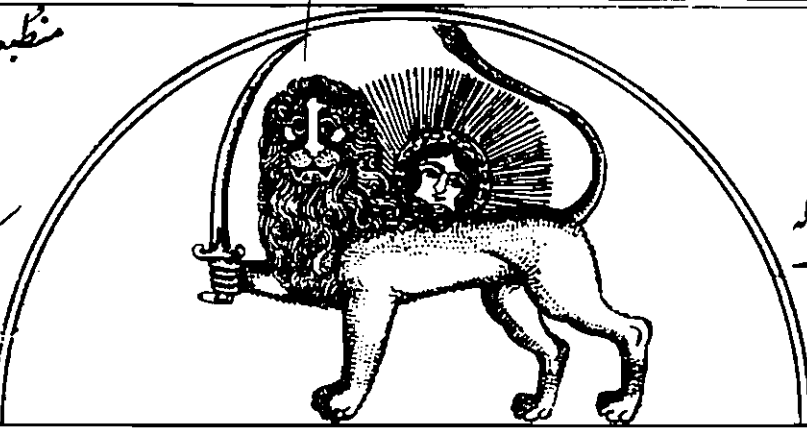
کتابهای چاپی دارالخلافه که در دارالطبعه حاجی عبدالحمید
 محله نزدیک دروازه دولابک نطباع شد از این قرار فرودخته شد
 مجالس المتقین بیت و دو هزار و پانصد و پنجاه
 حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و پنج هزار
 سهام عالم جلد چهارم بحار الانوار سه تومان و دو هزار پانصد
 مجمع البیان شش تومان
 تفسیر امام عسکری یک تومان
 شاینامه چهار تومان و نیم

سال ناخوشی و باد در شهر کو بگ که در مملکت کلاناده سیکی
 شمالی واقع است بروز کرده است و لکن مانند ناخوشیهای
 سابق چندان مهلک نبوده است و بهرجهت صید و چارنفر
 ازین ناخوشی فوت شده اند در با شدت ضعف این ناخوشی
 موافق تاریخ که در شهر فرور نگارده شده اند در سنه هزار و هشتصد
 سی و دو و عیسوی که بیت یک سال پیش ازین ایام باشد سه هزار کس
 این ناخوشی فوت شده اند و چند سال دیگر که باز ناخوشی
 افتاد و هزار و پانصد نفر فوت گردیدند و در ناخوشی ششم هزار
 یکصد و هشتاد نفر فوت شدند و دو سال پیش ازین دولت
 هشتاد نفر و درین سال چنانچه فوت شده است صد و چهل و پنج
 نفر فوت شده اند و جماعت اطباء آنجا درین باب کتابی نوشته

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۳ خرداد ماه جمادی الثانی مطابق سال اول و میل ۱۲۶۹

منظومه دار الخلفه طهران

میت اعلانات
یکسطل الاجهت کبیر
بیشتر با هر چیزی



نزد صد و نهم
قیمت روزنامه
یک نسخه پست برسد
صفت چهارم از روزنامه

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

از الترام خدمت حب الامراء قدس مایون مرخص معاف
مگر بعضی که بجهت خدمات مخصوصه لازمه بدر بار شوکت دار
الترام خدمت دارند و بجهت اله تعالی از ابتدای این سال
خبریت مال تاکنون هوای دار الخلفه طهران بسبب کینه
نافع و بوقوع در کمال خرمی و صفاء و خوبیت و باقتضای فضل
هنکام طراوت و نزهت باغبان و باغبان است و عموم خلق
در کمال رفاه و آسودگی و خورسندی بشکرانه و دعای دوام
دولت جاوید مدت علیه مشغول اند و اغلب دکانین بازار
بجهت گردش عمد و دید و بازدید مردم بیکدیگر بسته است
مگر دکانین قنادی و جنابخی و غیره که بجهت حاجت
مردم کشوده است

درین اوان سیروزی نشان که اول سال خیرت مال
و ابتدای بهار است چنانچه در روزنامه مکتوبه گذشته
سمت تخریفات اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
در دیوانخانه بزرگ باسلام عمید دادند و امنای دولت
علیه و مقربان حضرت گردون بطت سینه بجلاعی افتاد
شعاع لولکانه مخلص و ملتس گردیده شرفیاب حضور مهر ظهور
خسروانی شدند و در خور بهر یکشاهی و اشرفی عمیده
مرحمت گردیده چند روز مرخص شدند که بید و بازدید
یکدیگر و عیش و شادمانی این فضل مشغول باشند و قبل
از انعقاد سلام عمید چنانچه درین دولت علیه رسم است
سفرای دول محتاج به تهنیت عید سلطانی و مینت سال
جدید شرفیاب حضور مایون گردیدند و مراسم الطاف
لولکانه در باره آنها بعمل آمده سبب مزید محبت و نمودت
و یکجندی این دولت علیه بادول محتاج گردیده و این اوقات
که هفت هشت روز از عید گذشته است عموم چاکران و بندگان
مایون بید و بازدید یکدیگر مشغول اند و تا روز سیزدهم عید

۶۸۱

دولت عثمانی نمایند

دیگر از قرار یک نوشته بودند یک نفر سربازان مکه نو بر تبریز در
 کرده بود بعد از آنکه دستگیر شده بود محقق گردید که چند نفر دیگر هم
 با او رفیق بوده اند بدفعات مال مردم را برده اند و در عان
 وقت که دستگیر شده بودند یک باب دکان عطاری یک باب
 دکان برآزیر بریده قدری سباب برده بودند مراتب بعض
 نواب شاهزاده رسیده اموال مردم را استرداده بودند و
 بصاحبان اموال رسانده اند و دزدان مزبور را محبوس نموده

از قرار یک در روزنامه اردبیل نوشته بودند آدمی کوزل نامی
 از اهل طالش که در شهر ارومی سکنی دارد پسرش یک نفر از
 منوبان خود را بجا دعوت کرده و شب برده او را بقتل رسانده
 و خود به بست کریمه بود عالیجا محمد رضا خان حاکم آنجا محبوس
 دستارده قراول گذاشته بودند تا اینکه او را بدست آورد
 محبوس نموده و مراتب را بنواب حبشه الدوله معروض داشته
 بود تا بدینچه حکم شود معمول دارد

دیگر نوشته بودند که قافل بطرف شیروان میرفته است سی نفر
 سوار قطع الطريق آنطرف رودخانه قراوسو سر راه بر آنها گرفته
 اهل قافله نیز بستیر و متعابله و آمده بوده اند عالیجا محمد رضا خان
 حاکم اردبیل مستحضر شده و از آنجا بهشت نفر سوار دستارده بود
 سواران مزبور که رسید بودند دزدان قدری از مال قافل را که
 بدست آورده بودند برداشته فرار نموده اند سواران آنها را
 تعاقب کرده و دزدان اسبابی که از قافلده داشته اند ریخته و کشته
 و چون درین بین دو ساعت از شب گذشته و هماتار یک شده
 دزدانرا کم کرده بودند مراتب معروض نموده و مال اهل قافل را آورده

وجود و ایضاً خود را زیارت نمود باشند و از آنجا بیابان دولت
 شریف فرما کرده تا عصر باقی و سیاحت مشغول بودند و در
 بغروب آفتاب از آنجا مراجعت نموده از دروازه دولت بالمشرف
 و الاقبال بارک مبارک سلطانی و منسلک غطشی شرف ورود
 ارزانی داشتند

چون در سنه ماضیه پتجان سبب قوع ناخوشی و باد از پربان
 بسیاری از اهل خوی تلف شده و پیرانی بر عابای آنجا روی داد
 بود اعلیحضرت پادشاهی محض فضل و رحم مگوانه در بار یکت
 رعایای آنجا مبلغ ده هزار تومان نقد و مقدار یکت از خردار حسن
 ضمیمه پتجان میل مبلغ دو از ده هزار تومان نقد و مقدار یکت از
 خردار حسن در زده است و دلیل تحقیق آنجا حتمت فرمودند که
 امیرالامراء العظام اسکندر خان سردار باستحضار و اطلاع
 نواب حبشه الدوله تحقیق مزبور را بجهلای شکسته و مستحق خوی
 رسانند

و همچنین عیارت دیو آخوی از بی اسمای حکام سلف
 خراب و بایر شده بود از دیوان اعلی مبلغ یکت از تومان امیرالامراء
 اسکندر خان سردار حتمت شد که در زده است و دلیل آنجا را

و ایر و آباد نمایند
 سایر ولایا

آذربایجان از قرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته
 شده بود این اوقات نفرم دو یک نفر زن که هر چهار مرتب
 دولت عثمانی بودند فرار آنجا که دولت علیه ایران آمده بود
 مراتب بعض نواب سرتاب حبشه الدوله حتمت میر صاحب
 مملکت آذربایجان رسیده محض ملاحظه اتحاد و دوستی و و داد
 مابین دو سلسله عینین حکم نموده اند که آنها را برده تسلیم

بالتام بخودشان رد کرده و آنها را منزل رسانده معاودت

نموده اند
دار المرز

درین مغه ازین ولایت اخباری بمباشین روزنامه رسیده

فارس

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند بعد از آن

اعراب که یکصد و میت و چهارمین بار داشته و صد نفر

از تجار و زارندی و مسافر از غرب و محکم بعضی با عیال و اطفال

در او نشسته از بصره و بندر ابوشهر با کبری نموده و عازم

بوده اند در نزدیکی بندر خرفوگان که در وسط مسقط و بندر عیال

واقع است در روز دوشنبه طوفان شدید شده و بعد از آن

بگوه خورده و سگ است پازده تعزن و چهل و پنج نفر عرق

و تلف شده و باقی باطل نجات رسیده اند و اعراب آنجا

بهر چه اموال در قبله بوده است برده اند و از فرارند کورچ لک

مال التجاره در او بوده است از غایب اینک ضعیف طفل شیر خواره

دشمن است پس از ما بوسی از نجات طفل را با چهای ریاده

و در زینیل که استمه بد بر آن اخت است بعد از یک شبانه روز

اعراب آنجا دیده بودند چنبری بکار در با افتاوه است برده

و شکافته بودند زنده بودند طفل شیر خواره است زنده او را

خود برده بودند و غسل شخصی را که تلف شده بودند در آنجا

دفن کرده اند

خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته بودند این اوقات که

صیت عدل انصاف این دولت قوی شوکت بهر جا رسیده است

عکسالی که ازین دولت علیه دوری و احتراز داشته حال مالک

و الرغبه مایل شد کتاری و اطاعت و انقیاد این دولت علیه

کردید مانند از جمله سردار علیخان سیستانی که تفصیل آن در روزنامه

کرمان نوشته شده بود باستالت نواب سزاده و الایثار حاکم

والی خراسان از در اطاعت و انقیاد در آمده همچنین خلیفه عبد

خلیفه مرو سپهر خود را با پنجاه نفر از رؤسا و کدخدایان مروئی نزد نواب

حسام السلطنه فرستاده آنها را اطاعت و انقیاد نموده و

خدمت کتاری این دولت علیه را موجب اسودگی و دستکاری خود

والسنه حاکی از جانب نواب مغزی الیه درخواست نموده بود که

رفته در آنجا متوجه حفظ و حرارت و انتظام امور آنجا باشد

مغزی الیه نیز از فرار یک مذکور شد بنا داشته اند که حاکی تعیین

نموده با آنجا بنیست

عراق

اصفهان از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته شده بود

عمارات دیوانی آنجا را که از جانب اولیای دولت ظاهر حکم

تعمیر آنها شده بود اکثر آنها در نهایت خوبی و پاکیزگی تعمیر شده

جندی بود که بسبب سستی هوا در آنجا کاسی شد عالیجاه چراغ آنجا

ناب است حکومت اصفهان قدغن کرده است که بعد از آنکه هوا اعتدالی

بهم رساند مشغول انعام بقیه تعمیرات عمارات فرموده بشوند

کاشان

از فرار یک در روزنامه کاشان نوشته شده بود اطفال

زیاد در هر خانه و هر کوچه کدالی میکرد عالیجاه محمد ابراهیم خان حاکم کاشان

جمیع اطفال آنجا را در هر محله که بوده اند و کدالی میکردند بسیار نمود

و در فرقه کرد است آنها که نیم و بی سیکس بوده اند در میان اطفال

که هم بس یاد بگیرند و هم احساس آنها بگذرد و آنها که پدر خویش را وام

بکاشان سپرده است که منوچه آنها باشند که دیگر در کوچه و محلات کدالی

کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته شده بود چندی بود که از طرف بلوچستان و قشون انور آن صفحات خبری رسید بود روز بیستم ماه جمادی الاولی جا پاپا مخصوصی با نوشتجات عید از عالیجاه عبدالرحمان میرنجه رسید و نوشته بود که اردو از بمپور و قلعه سر باز و تمامی خاک بلوچستان تجاوز کرده و قلعه سونج حوالی کرمان رسید و از فردت و اقبال باو شاد در هر جا هر کس از طوایف بلوچیه اعم از بادپیشین و غیره که بود با یکی اظهارت ماعت و انقیاد و بندگی خود را باین دولت قوی شوکت نموده اند و احد بر قدرت مرده و انکار نمودند و از اتهامات اولیای دولت علیه امر انحد و در کمال نظم و انضباط و از فرار یک نوشته بودند عالیجاه عبدالرحمان میرنجه اردو را خوب با نظم برده و در آذوقه آنها بسیار اتمام کرده است بطوریکه اغلب اوقات آذوقه بکامراهم راه داشته اند

دیگر در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند که عالیجاه سردار علیخان سیستانی میثه در ضمن نوشتجاتی که با امیرالامراء العظام محمدخان سردار حکمران یزد و کرمان می نوشت اظهار کمال بندگی و اطاعت و انقیاد خود را باین دولت علیه مینمود درین اوقات که امیر علم خان قاینی و حسن خان جلیلو بند سیستان وار شده عالیجاه سردار علیخان لازمه احترام و اعزاز نسبت بیدق دولتی بعمل آورده و بیدق را در سر قلعه سه کوه که از معظم قلاع سیستان و محل توقف خود اوست نصب کرده و سپهر خود را با سپران عالیجاهان دوست محمد خان سیستانی و ابراهیم خان سیستانی با هم گرومی بجای عالیجاه امیر علم خان سپرده و خود را در تحت ظل حمایت این دولت علیه کشیده

۶۸۴

دیگر نوشته بودند که قاعده زهنای کرمان از قدیم الایام این بوده است که از جهت معامله و داد و ستد تا دو ساعت از شب گذشته در بازار ما بوده اند چون امیرالامراء العظام سردار ایمنغنی را منافی با حفظ عصمت و ظاهر شریعت دیدند و سب بود که باین سبب الواط و او با شش مصدر هرگز میشدند تا بران قدغن کرده و در شهر جا کشیده اند که بعد از غروب آفتاب یک نفر زن در کوچهها و بازارها راه نرود و از خانه بیرون نیاید و درین باب بکده خدا جمیع محلات آنجا قدغن شدید و تاکید اکید شده است که مراقب بوده نگذارند بعد ازین از طایفه نسوان احدی بعد از غروب از خانه بیرون نیاید

یزد

از فرار یک در روزنامه دار العباد یزد نوشته شده بود نهایت ائمت و رفاه و ارزانی و فراوانی نعمت از برای امالی آنجا حاصل است در اوایل رستان چون در آنجا بارندگی و برف کمتر شده بود قدری پریشانی بامالی آنجا روی داده بود و تسلیس جنگ سالی داشتند و لکن در اول ماه مزبور بارندگی و برف زیاد شده بود بطوریکه مردم کم تسلیس که داشتند اسود و خاطر شد بود

دیگر نوشته بودند که استری در یکی از کارخانهای جناسا بوده است روزی یکی ارشاکر دای کارخانه مزبور را تنها یافته یکطرف سردار بندگان کنده و او را بجزر زانو گرفته و هلاک کرده بوده است صاحب کارخانه بعد از استحضار علاوه بر اجرت شاکر و مزبور و دهی بکسان او داده و آنها را راضی کرده بود

روزنامه قایم اتفاقیه تبایخ روچشمیه و هفتم ماه جمادی فی مطابق سال اودیل ۱۲۶۹

مزه صد و چهارم

قیمت روزنامه

یک شمشه ده هر یک

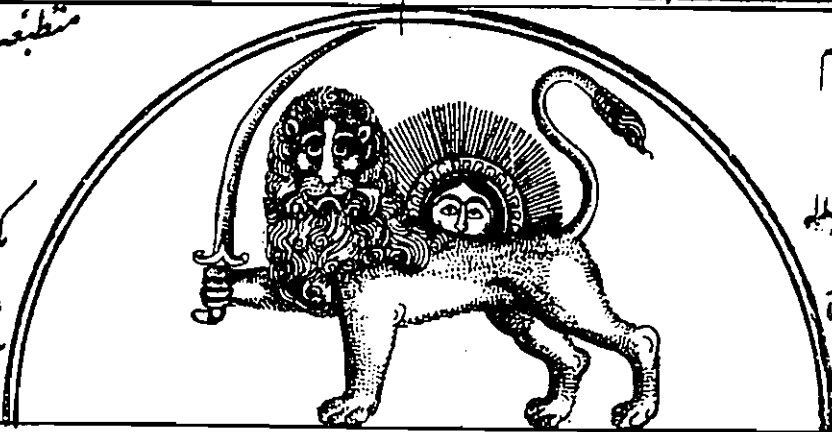
صفت چهار برابر

مطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار خطی

بیشتر با هر سطر



اجبار و احضار ممالک محروسه پادشاهی

چون فرار و قانون این دولت علیه است که روزنیزه
 عید را قاطبه حلق از وسیع و شریف بجهت تفریح و تماشا
 به باغها و باتین خارج شهر فرستاده شد و سیاحت
 میمانند و این روز را پیش و شادمانی بسر میبردند
 اعلیحضرت قوی سؤکت پادشاهی اهل دربارخانه و چاکران
 در بارهایون را معاف و مرضض فرموده و خود غایت تفریح
 و سیاحت باغ دولت آباد را نمودند و مرکب هایون
 باغ مزبور که درین فصل که باطباتین سبز و خرم است
 مشحون به شکوفه و ریاحین و کمال صفا و خرمی را دارد و لطف
 فرما کرده و تا حوالی عصر را در آنجا بفرج و سیاحت
 مشغول بودند و چاکران در بارهایون و سایر خدمت و
 مقرر خدمت بوده خاطر خلیفه هایون در روز مزبور از
 قرین مسرت و اظطکر دیده نزدیک بغروب آفتاب از
 باغ مزبور بارک مبارک که سلطانی و مملکت عظمی
 نمودند

او باش و اشعار مصدر شرارت و هرزگی می شنید
 بجهت الله در این اوان فیسروزی نشان که خاطر ملوکانه توجه
 به اعیانیت و اسودکی و رفاه حال حلق دارد امنای دولت
 قاهره حسب الاشارة العلیه چنان نظمی در میان مردم
 گذاشته اند که احدی از لوکر یا رعیت یا کاسب قدرت
 و بارای حرکتی خلاف قاعده با یکدیگر نزنند چنانچه در روز
 مزبور که جمیعت زیاد بجهت تفریح و تماشا باغها و باتین
 خارج شهر فرستاده بودند از احدی خلاف قاعده ملاحظه و
 مسموع نگردیده

چون خاطر خلیفه ملوکانه تیر و چ صنایعی که سابقا در دولت
 علیه ایران معمول و متداول نبود بسیار مایل و اعجاب پیش
 که شیوع و رواج یابد و مسموم ناس از فواید آن بهره
 سوئد از جمله کارخانه بلور سازی دارالخلافه طهران که چندین
 حسب الامر هایون با تمام امنای دولت علیه و سعی نگاه
 حاجی میرزا جبار ناظم المهام دایر و استادان قابل مشغول
 بلور سازی چباشند درین روز که در عمل آنها ترقی کئی حاصل
 و انواع بلور آلات رخکار رنگ بطور خوب ساخته میشود بطوریکه

در زمانهای سابق بجهت کثرت و ازدحام حلق که در روز مزبور
 در پیرون در وازنا و باغات خارج شهری شد بعضی

۶۸۵

از بعضی بلورالات فرنگستان چندان تمیر داده نمی شود و از هر چه
 اسباب قالی و فرش در کارخانه مزبور ساخته می شود و تقدیر صد
 پارچه از هر قسم بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاهی در روز غدا آورده
 بودند بسیار سبده به مطبوع خاطر ملوکانه افتاده و در پیش استادتان
 کارخانه مزبور به انعام محبت فرموده مورد تحسین گردیدند که بایست
 آنها شده بهتر ازین در کار بلورسازی اهتمام نموده بدرجه کمال رسانند
 و هم چنین کیر و قبل از غید نیز از بلورالات مزبور به مجلس جناب
 جلالتاب صدر اعظم آورده بودند جناب معظم الیه و سایر چاکران
 در بارها یون بدقت ملاحظه و رسیدگی کرده توصیف و تحسین نمودند
 و امیدست که این صنعت روز بروز درین دولت علییه شتر بهتر
 بشود و در سایر ممالک محروسه ایران نیز شیوع و رواج یابد
 اگر چه محبت لقب و لبعدهی بنواب سرتاب و الامین الدین میرزا
 مدتی بود که کشته بود و لکن نظر باینکه در هیچ جا بحکام ممالک
 محروسه اخبار نشده بود همه منتظر اخبار بودند تا اینکه بعضی
 دیدند که عید سعید نوروز رسک زد دیگر بانتظار اخبار اولیای دولت
 علیه مترصد نگشته بنامی جشن و سرور و چراغانی را که استند بظهور
 نواب شاهزاده و ابالارضه الدوله فرزند پسر حکمران فارس با آنکه
 در سفر بودند در همان لارستان جشن و چراغان و تشبازی
 مضبوط کرده و حکم نموده بودند که در شهر اراک هم عیش و شادمانی
 و شیلک نمایند و همچنین در اصفهان نیز عالیجا چه را غلی خان
 نایب الحکومه و شبانه روز شهر را چراغان کرده با طاق
 و عیش و انبساط کرده لایحه جشن و شادمانی را معمول داشته بود
 عالیجا محمد حسن بیگ پسر مرحوم محمد خان مصلحتی که ارد دولت معتمد

اسلامبول که بعد از فوت پدرش سچا پاری غنیمت در باطن
 نموده بود درین روزها وارد دارالخلافه طهران گردید خدمت
 جناب جلالتاب صدر اعظم رسید مورد تقدیر و التفات
 گردید و کمال امیدواری حاصل نموده با اتفاق جناب وزیر دول
 خارج شرفیاب حضور مهر ظهور اعلیحضرت پادشاهی و مورد محبت
 ملوکانه گردیده و محض محبت در وقت تحویل و دور و سلام
 بعالیجا هم اشارتیه نیز اذن شرفیابی حضور بجایون داده شده
 بزبانت وجود فالین و جو فایز آمد و منصب نیابت مصلحت گذاری
 اسلامبول سرافراز و فرمان مواجب خلعت منصب مزبور باو محبت
 گردیده و از دربار جایون اذن مرخصی حاصل نمود که بعد از سیزده عید
 با اسلامبول قدم در نزد عالیجا مقرب المحضت العلیه حاجی میرزا
 مصلحت گذار این دولت علیه مشغول خدمات محول بخود باشد

سایر ولایات

ا در با یجان از قراریکه در روزنامه اذربایجان نوشته
 بودند چهار فرده ابریشم مال حاجی جبار تاجر تبریزی را
 مستکام عبور قافله در نزدیکی قرا ملک بسرقت برده بودند
 قریه علیجان حاکم تبریکه خدا یان قدغن اکیه کرده بود که با
 مسروق را حکما باید پیدانمایند تا اینکه عالیجا همیر انصیه که خدا
 در روز بیجمه سم ماه گذشته چهار فرده ابریشم را پیدا کرده
 بدیوانخانه مبارکه آورده ابریشم و صاحب ابریشم را بکنوز
 نواب شاهزاده و ابالارضه الدوله آوردند و رسیدگی نمودند
 مال را تمام و کمال بصاحبش رد نمودند و نواب معزنی
 و رازای خدمت مزبور یک طاووس مال ترمه بعالیجا همیر انصیه
 که خدا باشی محبت نمودند

ایضا یک نفر زن ساروقه در محله باغ میه پاره اشیا از

۶۸۶

خانهای رعیت سرقت کرده بود عالیجاه قنبر طلیحان و شش
کلیه او را بدیو امانخانه مبارک آورده بودند و تحقیق کرده اموال
مردم را از او استرداد و بصاحبان مال تسلیم کرده و او را تائب
نموده مرخص کرده بودند بعد از شش روز دوباره سرقت نمود
و او را در زدی گرفته بودند در ثانی بدیو امانخانه مبارک آورده
قتبیه مضبوطی نموده بودند که باعث عبرت سایرین شده دیگر
کسی مرتکب سرقت نشود

دیگر نوشته بودند که عیوض نام تبریزی مبلغی مال از محمد صالح
سرقت کرده بود و پارچه از اسباب سرود را در نزد مشار
دیده بودند اسباب سرود را از مشار الیه مطالبه نموده بودند
ده روزه مهلت خواسته و ضامن داده بود که مال محمد صالح
بیک را بدید یک روز بوعده مانده در خانه خود تریاک خورد
و در گذشته بود

دار المرز

درین هفته اخباری ازین ولایات بمباشیرین روزنامه

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند از ترکمانان
طش تاخت و مازی نسبت بمجلات تموری شده بود که
از یک محمد آن هفت نفر تموری اسیر برده بودند و در قفس
الالی ارض اقدس که سببه معاطله روغن با بخار رفته بودند درین ضمن
اسیر شده بودند چون نواب شاهزاده جام السلطنه والی مملکت
خراسان عالیجاه محمد رضا خان تموری را بجهت نظم آنجا روانه
کرده بودند عالیجاه مشار الیه بعد از استحضار جبارت
ترکمانان طش فی النور سواره ابو ایجمعی جو در ابرداشته ترکمانان
مزبور را تعاقب کرده بود تا آنکه به بل خاتون رسیده بودند

و در آنجا بمقام مجادل برآمده نه نفر اسیر را که ترکمانان برده
بودند از دست آنها مستخلص کرده و چند نیزه سر از آنها
گرفته و چند نفر هم زنده و سبک نموده خدمت نواب
شاهزاده آورده بود در آن اثنا ترکمانان حش و طایفه
دسپر خلیفه مرد و خواین خراسانی در خدمت نواب
حضور داشته اند و همگی از مشاهده این احوال اظهار شکر کردند
کرده بودند که مدح ما ازین نوع خود سری و جسات که پیش

اینطور هلاکت است آسوده شدیم و بشرف خدمتداری
این دولت علیه فایز کشتیم نواب مغزی الیه بخود عالیجاه محمد صالح
یک قبضه شیره غلاف طلا داده بودند و بمحمد خان کندی
که او هم با عالیجاه محمد رضا خان تموری در رفع و دفع ترکمانان
طش آن بوده یک قبضه تفنگ داده بودند و باوردگان سیر
ترکمانان نیز فرآور خودشان انعام داده بودند و حکم کرده
بودند که آنها را که زنده آورده اند بسزای اعمال خودشان

برسانند پس خلیفه مرز که حضور داشته شفاعت کرده بود
که ایندفعه از تقصیر آنها چشم پوشی شود و نواب شاهزاده نیز
انهارا بمشار الیه بخشیده بودند

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند نواب شاهزاده
والا تبار نصره الدوله که نسبت کرمیرات رفته بودند امور بلده شیراز
و بلوکات حول و حوش العجوه عالیجاهان میرزا محمد خان بکر سکی
د حاجی ماشم خان امیر دیوان میرزا عبدالعزیز قمشه باشی و میرزا بزرگ سنی
و اکذا نموده بودند چون مشار الیهم از عهد خدات مرجوع بخود نظم شهر
و وصول در قسط خوب آمد بودند نواب مغزی الیه بجهت هر یک خلعت انعام
آفاحین صندوقه روانه نموده و در دوپایه مبارک خلعتهای مزبور را پوشیده آ

۶۸۷

و بیکر نوشته بودند که عالیجاه حاج محمد حنیفان را که اولیای دولت
 قاهره حسب الاشارة العلیه بامور بندر عباسی و انتظام آن
 صفحات نموده بودند و چندی قبل از دربار عالیون مرخص در وقت
 شده بود درین روز با منزل فرگ رسیده و از آنجا ماموریت
 خود را مباحث و امالی بندر عباس اجبار کرده بود شیخ سعید
 و سایر شیخ استاجواب کوشجات عالیجاه مشارالیه
 را نوشته و اظهار کمال بندگی و اطاعت و انقیاد این دولت
 قوی شوکت علییه را نموده بودند و بارخانه و پیشکش بجهت عالیجاه
 مشارالیه روانه نموده بوده اند و کل متوفین آنجا از تجار و کتبه
 و غیره در رتبه و نذراک استقبال بوده اند

حمت

از فرار یک در ضمن روزنامه رنجان نوشته شده بود معرفت
 امیر اصلاخان حاکم حمت در روز بیت و نهم ماه جمادی الاول
 بجهت رسیدگی کارسانی عمارت مبارکه سلطانیه آنجا
 رفته که چند روز توقف نموده در امرسانی و تعمیرات آنجا
 نظمی داده مراجعت نماید

و بیکر نوشته بودند که آقا محمد مجتهد اعلی الله مقامه شش روز
 ناخوش بوده و بعد از آن بر حمت ایزدی پیوسته متوفی آنجا
 امیر اصلاخان حاکم حمت و جمیع اشرف و اعیان آنجا بیست
 جنازه او حاضر گشته در دم از وصیعی و شریف قریب
 ده هزار نفر در نماز مرحوم زبور در بیرون دروازه حاضر شده
 با حرم تمام مشغول تغشیل و تکفین او شده اند و در مسجد جامع
 مجلس ترجمه و فاشحه خوانی او را برپا نموده و اخراجات مجلس
 فاشحه خوانی او را مقرب آنجا خان امیر اصلاخان از خود داده و در روز

سیم خود مسجد آمده و مجلس تغزیه را ختم کرده ماند و غشش او را
 در بیرون دروازه در کنار قبرستانی که در آنجا واقع است
 دفن کرده اند

و بیکر نوشته بودند که درین رستان گذشته برف و باران
 در خمره بسیار کم آمده بود و زراعت کاران و صاحبان
 املاک آنجا غلبت قلت بارندگی تسویش خشک سالی و کمی
 محصول را داشته در این اوقات از لغضلات خداوند
 بارندگی بسیار و بموقع در آنجا شده و نرخ غله تنزل کرده
 بطوریکه کندم خرواری شست هزار و جو خرواری شش هزار گال
 و عوز را دارد و زراعت با نیره را از فرار یک نوشته اند که با بهتر
 از سالهای گذشته باشد

و بیکر نوشته بودند که شکور نام فرزندش رنجانی که محمد حسن
 غلام مقرب آنجا خان امیر اصلاخان را کشته و فرار نموده بود در
 روزنامه در شهر ظاهر شده است مقرب آنجا خان را لیه و رسانده
 گرفته اند و در انبار حسن نموده اند

کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته بودند ولدان قنبر باغی
 که از جمله اشراک و مخدین خونخوار بلوچیه بودند و همیشه اوقات
 مصدر شرارت و قتل نفس می شدند و در سال گذشته نیز
 بی اعتنائی لغشون پادشاهی نموده و سر از خدمت باز کرده
 و اموال و حشام زیاد از انالی بمپور و حوالی آنجا تجارت
 برده بودند درین روزها امیر رستم خان ولد عالیجاه امیر
 سعید خان حسب احکام امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار
 علمان یزد و کرمان آنها را بدست آورده و بسزای اعمال خود
 رسانده و یک نفر از آنها هم که فرار کرده است حکم نهم بلوچستان رفته است

۶۸۸

بسم در روزنامه این ولایت نوشته بودند که شخصی فقیر که شغل
 خنجر بود همیشه در خرابیهای قدیم کار میکرد و از در آوردن
 و فروختن سقظ و آجر کهنه که زمان پسنموده است این اوقات بعد
 پنجاه شب ریال کوچک و بزرگ سکوک بک شاه عباس صفوی
 که بوزن ریال پناه آبا و این عهد بوده از دهنه باقیه و نیز در صرافی
 برده بوده است که با پول رواج معاوضه نماید شخص صاف چون
 قدم در دست او دیده بود نامی پولها را از او گرفته و خود او نیز
 بنزد امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار آورده بود بعد از تحقیق
 در سبب معلوم شده بود که هینقدر زیاد تر نبوده است حکم کرد
 که بخوان شخص رد نماید که صرف عیال خود نموده عیال دوام دولت

علیه پردازد

دیگر نوشته بودند که پشت عمارت ارک کرمان طرف داخل حصا
 قطعه زمینی که شصت ناسی هزار رزغ مضر و بی میا از قدیم الایام تاکنون
 بایر بود این اوقات امیر الامرا العظام سردار در صد آبادی
 مزبور در آمده و چند روز قبل از ماه حوت قرار داده است که آنجا را
 باغ بنا کنند و از همه تم نهال آورده در آنجا غرس نمایند و
 این روزها عمده زیاد هر روز مشغول غرس نهال و خفر جدا اول
 و آنها میباشند و بنا و عمده نیز با فتن دیوارهای اطراف باغ
 مشغول هستند و در وسط باغ مزبور هم قرار گذاشته اند که
 کلاه فرنگی طرح کلاه فرنگی باغ فین کاشان ساخته شود
 بسبب استقامی که در ساختن آنجا شده است نهار الله سال

باتمام خواهد رسید

اخبار دول خارج

روس از قرار روزنامهانی که درین روزها رسید

پرنس منچکوف وزیر قشون بجزی علیحضرت امیر الطور روس
 که این اوقات منصب غیر کبری با قامت اسلامبول اموشده
 درین روزها وارد اسلامبول گردیده بود و موسیو ازوف
 شازرنی دیر تا بیوک و دره با استقبال المچی مزبور فرستاده
 بعد از آن گشتی دولتی که المچی و صاحب منصبان سوار شده
 بودند با اسلامبول آمده و بروی توپخانه ایستاد و در آنجا
 المچی ارگشتی بیرون آمده و رفته داخل عمارت سفارتخانه
 دولت بیته روس در اسلامبول گردید و در کتار دریا
 کل صاحب منصبان سفارت و رعایای روس ساکن اسلامبول
 بجهت احترام و تهنیت ورود المچی مزبور حاضر شده بودند و یکروز
 بعد از ورود کامل بیک ایشیک آقاسی سفر از جانب دولت

علیه عثمانیه بدین المچی مزبور فرستاده

استر

شخصی دیوانه از طایفه مجار که شغل او خنجر بود درین روزها از
 با امیر الطور استر به زده است امیر الطور استر به قاعده ده
 وقت ظهر نزدیک تجارت خود پیاده گشت کند و همسرش یک
 صاحب منصب بود ناگاه این شخص از عقب امیر الطور آمده و کلاه
 پشت کردن امیر الطور زده بود امیر الطور بر گشته و شمشیر با یک
 که در کمر داشت کشیده درین بین آن صاحب منصب پیش آمده و کلاه
 از دست آن شخص بیرون آورده و او را حبس نموده اند
 رخس امیر الطور جنبی است و لیکن میگوید کاری و جنگ
 نیست و بجای که عیب بکند بخورد است و این شخص خط
 بعد از آنکه در اجلاس تحقیق کرده اند درین عمل متحرک شده
 و محض جنون و دیوانگی خودش مرتکب این جارت شده بود

۶۸۹

هندوستان

از فرار که در روزنامه انولایت نوشته اند قشون انگلیس در آخر فصل با شهر پیکور که یک وقتی پای تخت مملکت رنگون بود و حالاً سمر از شهر می معتبر آنولایت است گرفته بودند و تقصیل فتح آنجا را سردار قشون انگلیس بفرمانفرمای هندوستان نوشته بود و چون شهر مزبور نیز در کناری از رودخانههای آنجا واقع است قشونی که با آنجا فرستاده بودند از شهر رنگون بجستی نشسته و از راه رودخانه با آنجا رفته بودند از قشون انگلیس درین جنگ شش نفر کشته و سی نفر زخمی گردیده اند و درین جنگ توپها که در زورق کشتی گذاشته بودند جنبی بجار قشون آمده است که اگر کشتهها بیرون آورده و میدان جنگ برده اند شهر پیکور از شهر رنگون پانزده فرسخ دور است و مملکت زمین سوار و جنگل است و در بعضی از فصلها که آب طغیان نماید زمین آنجا را مانند اگر آنولایت فرود میگیرد

احوال متفرقه

چنانکه در روزنامههای سابق نوشته شده است اموال لویی پادشاه سابق فرانسه و اموال اکثر اعیال او را دیوانیان فرانسه ضبط کرده اند و درین روزنامه اموال ذوق دار لیانس را که پسر بزرگ لویی غلب و وارث تاج و تخت او بود فروخته اند از جمله اسباب خانه که فروخته اند در روزنامه نوشته اند که پسران ارزان بفرودش رفته است یک ساعت بزرگ مجلسی نصیب و تومان فروخته شده است ساعت دیگر بصد هفت تومان و سه عدد کاپیسی عمل کارخانه سونر که در فرنگستان مشهور است بصد هشت تومان و این اسباب را از فرار که نوشته اند چهار یک قیمت خودشان بفرودش رفته اند یک اسباب میز که بجز شتا نفر با همه اسباب بطرح اعلی ساخته و سنگهای قیمتی

در آنها نصب کرده بودند اول بصد و پنجاه هزار فرانک که تخمیناً پانزده هزار تومان پول ایران باشد بهراج گذاشته بودند چون خریدار یکجا بهم نرسیده بود مجبور کرده و دسته دسته بفرود رسانده بودند و این اسباب هم نوشته اند که بقیمت بسیار ناچهار بفرودش رسیده است و شش نوشته هم که هزار و پانصد تومان تمام شده بود بصد تومان بفرودش رسیده است

در یکی از روزنامههای فرانسه نوشته اند که قونسول فرانسه ساکن شهر موصل بشهر مزبور فرستاده بود و بعضی اسباب غریبه از زمین شهر قدیم آنجا از زیر خاک در آورده بود و بعد از آن بدشتی زد یک بانجا که از بل تیسماند رفته بود و آن مینسی است که اسکندر رود را در آنجا با یکدیگر جنگ کرده اند و اسکندر و ازاراچان سنگت داده بود که بعد از آن دارا دیکر قوه جنگ بهم نرسد و بدون جنگ کل مالک ایران تبصره میکنند در آمده بود و در رفتن قونسول فرانسه بدشت مزبور بجهت این بود که شاید چیزی از آثار بودن لشکر اسکندر در آنجا پیدا بکنند که موجب اثبات تاریخ آن ایام که نوشته اند باشد

پادشاه بواریه درین اوقات از فرار که نوشته اند در شهر روم بوده است و موافق نوشتهجات آنجا حالا باید بولایت خود مراجعت کرده باشد و لکن هر جهت او را درین روزنامهها نوشته اند در روزنامه پاریس پای تخت فرانسه که کزت دولتی است و ما نیز می نامند تقصیل سیاحت کشتیهای آن دولت را در بحر سمت مشرق چین و کناره ولایت تاتارستان نوشته اند بسیاری از کشتیهای هر دولت هر سال بنزد یک بحر میخیزد

۶۹۰

شمالی آن است میروند که ما بین دو قطعه آسیا و ایرکا
 که سینکی دنیا بنامند واقع است بجهت گرفتن با بهیهای بزرگ که
 در آنجا بهم میرسد و روغن او را مصرف می کنند چون بجهت
 شدت سرما و یخ کردن دریا در آنجا بسیار نمی تواند باشد
 و باید در آخر تابستان از آنجا بیرون بیایند و بجائی بروند
 که زمستان را در آنجا محفوظ باشند لکن از سحر منجمد کبیر با سحر
 تحیطی یا سحر ابر دیگر آن سمت میروند و چون که این جزایر از سحر
 منجمد بسیار دورند سفر این کشتیها مدتی طول می کشد و چون
 زیاد دارند و اهل کشتی بیکار میمانند و متضرر میشوند حال این
 کشتی دولت فرانسه که بکنا مملکت تانارستان رفته است
 در آنجا لنگرگاه خوب پیدا کرده است و عنق دریا و نقش عرض
 و طول آنجا را در بن لنگرگاه مشخص کرده و همه را نوشته اند
 و مکان دارند که کشتیها که حال سحره گامای در فصل تابستان
 نزدیک سحر منجمد میروند در عرض این جزیره تحیطی یا سحر ابر
 آن سمت میروند بکنا مملکت تانارستان بیایند که بتوانند
 آنجا آذوقه پیدا نمایند بسبب اینکه ایلات آن سمت در آن
 فصل نزدیک بکنا در ریاحی آینه سم سحره علف چرانی حیوانات
 و سم سحره شکار در ریاحی که پوتش لقبیت خوب میروند
 در این دریا هم از آن با بهیهای بزرگ که این کشتیها سحره شکار آنها
 میروند بهم میرسد و از آزاره که هوادر آنجا چندان سخت نیست
 میتوانند تا آخر پاییز در آنجا بمانند بلکه در بعضی جایهای آنجا زمستان
 هم میسوزند و توقف بکنند و چون که این با بهیهای بزرگ در آنجا
 در ریاح می بند و سمت جنوب می آید کشتیهای نهانی میروند
 در آنجا مشغول شکار آنها بشوند با بقایان سمت کنا تا تابستان
 نمیروند سحره ای که معلوم نبود که آذوقه در آنجا پیدا بشود و از اهل

تانارستان نیز اندیشه داشتند که شاید مثل اهل بعضی ممالک
 آن سمتها با آنها دعوت و ظلم نماید حال موافق نوشتهجات
 صاحب مضیبهان این کشتی دولتی فرانسه که در آن سمت
 کرده اند رفتن کشتی بان لنگرگاه کنا مملکت تانارستان
 محل توبیش نیست زیرا که مردم آنجا را بخلاف آنکه مکان بیکرند
 خوش سلوک و فقیر و غریب دوست دیدند و در خصوص آذوقه
 نیز خاطر جمعی حاصل کرده اند که بقدر کفایت کشتیهای که با آنجا
 آذوقه بهم میرسد

یک نفر از اهل فرانسه بملکت ناپولی رفته بود و مردم را سحره
 میکرد که دوباره اعتناش و یا عجبگری در آن ولایت برپا نمایند
 دولت ناپولی او را دستگیر نموده و حکم کرده بودند که هزار
 با جالو جریمه بدد و ده سال در جزیره کوچک که در آن سمت است
 محبوس بماند و یک نفر دیگر از فرانسه نیز که بهین خیالها با آنجا
 رفته و بدست دیوانیان آنجا افتاده بود این هر دو نفر را پادشاه
 آنجا از قصیرشان گذشته و عفو نموده است

ایچی مخصوص از جانب دولت فرانسه نیز پادشاه سحره
 و مستیکه اعماذ نامه تازه که از امپراطور فرانسه باورسید بود
 بخدمت پادشاه سحره سحره پادشاه سحره سحره سحره سحره
 کمال محبت و التفات کرده بود و گفته بود که از خوش سلوکی
 و رفتار لوی ناپلیان است که کل فرانستان دوباره مانند
 سابق برسم نخورده و نظمش شکسته است و بعد از آن
 معانی و نیات سنگین با اساس تمام سحره ایچی مزبور کرده بود

چند سال میبود که ما بین دول فرانستان خصمه دولت است
 بحث و گفتگوی است در باب بعضی از قانون تجارت و کمرک

۶۹۱

گرفتن از مالی که از خارج می آید در ولایت انجلس سابقا کرک
 زیاد از اجناس خارج میکردند بسبب اینکه اگر اجناس
 خارج را می گذاشتند که بی کرک داخل آن ولایت بشود ضرر
 زیاد بر عایا و صنعت کاران خودشان میرسید از جمله
 کندی که از خارج می آوردند کرک زیاد داشت زیرا که چنین
 میدانستند که اگر کندی خارج بی کرک داخل ولایت انجلس شود
 زراعت کاران آنجا بایکسندم خود را بقیعت ارزان بفرشند
 بطوریکه کاشتن و بعل آوردن آن چند آن منفعت برای آنها
 حال چند سال است که کندی و سایر اذوقه در از خارج
 بی کرک داخل ولایت انجلس میکنند و چندان ضرر بر اهل آنجا
 انجلس نخورده است و منفعت بسیار صنعت کاران و سایر
 خلق رسیده است که اذوقه از هر قسم ارزان شده است
 در مملکت نهران نیز این فاعده را دارند که بعضی از اجناس
 دول خارج را میگذارند که بی کرک زیاد داخل ولایت
 بشود از جمله ذغال سنگی و اسباب که از آهین ساخته شده
 و ماهوت و بعضی از پارچه ها و قماش دیگر که زیاد در آنها
 گذاشته اند که صنعت کاران خودشان بسبب زیاد آن
 این اشیاء از دول خارج ضرر نخورد و درین روزها در تبریز
 فرانسه نوشته جاتی شده است و مخصوص اینکه آیا بر دست
 کرک ضرر و زیانی بدیوان یا بر عایا داشته باشد یا نه بعضی
 از صنعت کاران میدانند که ضرر میرسد اما بسبب منفعت زیاد
 که سایرین خواهد رسید و در منبت که بعضی ازین کم که باره
 بشود گذشته از آن اجناسی که پیش نوشته شده است
 ترمه یا شالهای ایران بولایت انجلس یا فرانسه برود در
 هر صد تومان سی تومان کرک میگیرند و متبا که هم از هر قسم

۶۹۲

که باشد ازین زیاد تر کرک دارد و کرک که در شال ترمه گذاشته
 بجهت پیروفت در و اج کار شال با فنای مملکتین انجلس و فرانسه
 که اگر شالهای خارج را بکرک خبرنی داخل انجلس و فرانسه
 نمایند شال با فنای آن ولایت شالهای خود را نمیتوانند بقیعتی بفرشند
 که برای آنها نفع داشته باشد و لکن بعضی اشخاص میگویند
 که اگر این شالها با کله مالهای دول خارج بی کرک یا با کرک
 خبرنی داخل این ولایات می شد بسببیکه در عوض اینها اجناس
 این ولایات را می گرفتند و بخریدند نفع آن عاید
 این دو دولت می شد اگر چه شال با فنای تادی بی کار میماند
 تا شغلی دیگر بجهت خودشان پیدا میکردند و لکن صنعت کاران دیگر
 چونکه اجناسشان بیشتر بفروش میرفت منفعتی بیشتر میکردند
 این گفتگوها حالا در ولایت انجلس و فرانسه است و دور نیست
 که کرک بعضی اجناس طرفین درین روزها برداشته شود

اعلانات

کتابهای چاپی دار اختلاف طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد
 با سه جی در محله زکب دروازه دولاب الطبع شده است
 و در خنت میشود

- مجلس المتقین بیت دود هزار و پانصد تومان
- حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و چهار دینار
- سما عالم جلد چهارم بجا الانوار سه تومان و دو هزار پانصد
- مجمع البیان شش تومان
- تفسیر امام عسکری یک تومان
- شاهنامه چهار تومان و چهار
- خمت نظامی نه هزار دینار
- دستان یک تومان

روزنامه قایم انقابت ساج روبرخ شبیه پنجم ماه حرم مطهر سال اوایل ۱۲۶۹

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک سطر الاحاطه یک هزار
بیشتر به ازای هر سطر



مره صد و پانزدهم
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی
هفتاد و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز سه شنبه هفدهم گذشته علیحضرت قوی شوکت
پادشاهی نظر بطهور و فوراً محرم ملوکانه در حق جناب
جلالت اب صدراعظم سنجانه جناب معظم الیه تشریف فرما
گردیدند و جناب معظم الیه و والی بنگران ایشان
جداجداً تقدیم قربانی و پای انداز و پیشکش نموده مورد الطاف
و اعطاف خسروانی و قرین مفاخرت و مباحثات گردیدند
و علیحضرت پادشاهی بنهار را در آنجا صرف فرمودند و لایزال
استقامت در رتبه و تدارک صنایع بعمل آمده بود مقبول
خاطر مایون افتاده تا عصر را در آنجا تشریف داشتند بعد
از صرف عصرانه و جای از آنجا مبارک مبارک که احب فرمودند
در روز یکشنبه عرشه ماه رجب نیز خاطر علیحضرت پادشاهی
بتماشای مشق و حرکت افواج قاهر نظام که در میدان
خارج دروازه دولت هر روز مشق می نمایند بایل کرده
ببمان قشون تشریف بردند توپچی و سواره نظام و سایر
کلاً در میدان مزبور در حضور مایون مشغول مشق و حرکت نظامی

گردیدند و از اینکه قواعد مشق و حرکت نظامی را بتعلیم صاحب
مضببان فرنگی در این اوقات خوب یاد گرفته اند و در کمال حاجت
حکومت مینمایند مشق آنها را به الوصف حسن و مقبول خاطر ملوکانه
بعد از دو ساعت مشق و کلمات آنها رسید نمودند و تحسین و تزیین
که مایه توفیق وارد باد سعی آنها باشد فرمودند و از آنجا باغ
تشریف فرمادند مستوفیان را بحضور مبارک خواستند بعضی از
دستور العمل ولایت که بعضی حضور مایون بر سر عرض کردند
در آنجا صرف فرموده تا عصر تشریف داشتند عصر از آنجا سوار
مدری تفریح صحرا تشریف فرما گردیدند و از آنجا مبارک مبارک معاود

در روز پنجشنبه هفتم ماه گذشته که اسبهای توپخانه را بمیدان
ارک آورده بودند جناب جلالت اب صدراعظم میدان مزبور
و لکنزویان عظام در حضور جناب معظم الیه آنهارا دیده
بدقت رسیدگی نمودند و اسبهای که سان دیده شد
در کمال چاقی و فریبی بودند و همه را پسند نمودند و اسبهای
مربوره را بعد از سان در سبدکی داغ و سال و نشان
با صطلب توپخانه مبارک بردند

۶۹۳

این اوقات سرکار علیحضرت پادشاهی نظر بر تبت کفایت حسن سلوک و مردم داری نوآب استطاب شاهزاده و الاتبار مؤید الدوله طهاسب میرزا حکومت ولایت همدان را بعهد کفالت و مراقبت نوآب معزی الیه محول و مغرض فرمودند که امر آنجا را نظری کامل داده عین و امالی ولایت را مرز دارند

مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام که از آذربایجان بر بار شوکت مدارها بون آمده بود این اوقات از حضور مبارک علیحضرت شاهی مرخص شده چند روزی خانه مقرب انخاقان مهدیخان نقل مکان کرده و از آنجا روانه آذربایجان گردید که حسب الامر بایون رفته بانظام امر قشون آنجا و قدیم خدات محول بخود مشغول باشد

سایر ولایات

آذربایجان از فرایکه رسم و قانون این دولت در روز عید سعید سلطانی حکام و فرماندان سایر ممالک و نیابت وجود بایون ترتیب سلام عید داده و خطبه بنام پادشاهی خوانده می شود و شلیک شادمانه و لوازم عیش بسیار کی سال جدید و سلامتی وجود فایض الحود معمول می آید از جمله در روزنامه آذربایجان نوشته بودند که نوآب استطاب حشمت الدوله حکمران مملکت آذربایجان در وقت تحویل دیوانخانه تبریز شاهزادگان عظام و علمای اعلام و ستوفیان و خواجه صاحب منصبان نظام و که خدایان را احضار نموده و خطبه بنام علیحضرت شاهی در مجلس تحویل خوانده شده و اسرفی بجای داده و در روز عید باسلام عام داده و شادمانی نموده و خواجه صاحب منصبان و غیره بخلع فاخره

مخلع نموده اند و هم چنین در روز چهارشنبه آخر سال که نیز در باغ مشهور سیاه بخار صاحب کی شاهزادگان عظام و سران سپاه و ستوفیان و خواجه و اعیان و اشراف اقلایات را ضیافت نموده بوده اند

دیگر نوشته بودند که فوج ششم تبریزی و فوج دوم نصرت درین اوقات هر دو در دار السلطنه تبریز حاضر شده و از روز عید شکر نوبان عظام در اطاق نظام مشغول و اون مواجب آنها نشدند تا در پنجمین ماه مواجب هر دو فوج را با تمام رسانده فوج نصرت در همان روز از آذربایجان روانه دربار میایدن گردیده اند و فوج ششم نیز در روز بعد روانه خواهند شد

عالیجاه جعفر قلیخان سرتیپ مراغه بجهت انجام بعضی کارهای فوج ابوالجهمی خود در نوزدهم ماه گذشته وارد تبریز شده و نوآب عباسعلی میرزا حاکم مراغه نیز در شب عید تبریز آمده

دیگر نوشته اند که حسب احکام نوآب حشمت الدوله از روز چهارم عید مقرب انخاقان قوام الدوله و سایر ستوفیان در دفتر خانه آذربایجان مشغول تفریح محاسبات حکام و مباشرین آذربایجان شده اند

دیگر نوشته اند که در بیستم ماه گذشته جناب المی محض و وزیر مختار دولت بهیسه تکلیس از تبریز روانه شده اند و عالیجاه حکیم کارک حکیم باشی آذربایجان را که بلاخط دوستی و اتحاد و دوستی و احترام جناب معزی الیه حسب احکام انامی در علیه تا میا میا با استقبال آمده بود همسراه خود تا طرازان بردند که تکسر مزاجی که داشته اند معاصبه و مداوایا

۶۹۴

دارالمرز

ازین ولایات درین هفته اخباری بنود که در روزنامه

عراق

بروجرد از قراکه در روزنامه این ولایت نوشته
سه نفر در در یک خانه منزل داشته اند و بالاتفاق
زنهای خود را هر روز بجلالت میفرستاده اند و زنهای
بصورت افتقار در خانهای مردم و در حمامها اموالی
بسرقت میبرده اند و بشوهری خود میداده اند و آنها
بطایف بحیل آن اموال را از شهر بیرون برده در
منزلی شهر میفرخته اند در این اوقات یکی از آن
در حالت سرقت گرفتار شده است از قراکه نوشته
شهرهای آنها بجنس استماع گرفتار شدن آن زن سارق
فرار نموده متواری و منقود الاثر شده اند زنهار گرفته اند
و مال بسیاری از مردم در نزد آنها بوده که هنوز
بوده اند عالیجا میرزا ابوطالب پیشکار بروجرد فرار داده
که هر کس ثانیه مال خود را بگوید تسلیم کند
دیگر نوشته بودند که از اول حوت هوای بروجرد که نسبت
بسالهای سابق بسیار گرم شده بوده است اعتدالی بهم رساند
تا سه روز قبل از غیر بر فشدیدی آمده است بطوری که مردمان
ساخته و سن میبگفته اند که سالهاست که چنین برفی در این
ولایت دیده نشده است و ستر بتر شدت کرده بوده است
که از اوایل رستان سرد تر بوده و چون در اواسط رستان
بارندگی شده و هوا گرم گردید بود است غله قدری تسخیر
رسانده و زنی کرده بود و امالی آنجا تپوش از خشک سالی
و نیادن حاصل داشته اند تا اینکه بعد از برف مزبور بارانهای

نافع و موقوف متوالی آمده است و رفع تپوش مردم شده
امیدواری کلی بهم رسانده

عربستان

چون عالیجاه جواد خان سرمنگ که دو سال از قراک
نواب شطاب شاهزاده و الایب احتشام الدوله در
ساخته بود و بواسطه عفونت دریا و اعتیاد شتاب
آنجا اکثری از سربازان ابو اجمعی او در آنجا تلف شده بود
اوقات که نواب سعزی الیه در عربستان توقف داشته
عالیجاه مشار الیه را مرض کرده اند که بروجرد رفته
در آنجا متوقف بوده عوض سربازان متوفی را بگیرد
از آن بهر خدمتی که مویزودا اشتغال نماید

فارس

از قراکه در روزنامه این ولایت نوشته شده بود بعد از
درد و مقرب انجاقان حاجی قوام الملک و عالیجاه آقا جان
سرمنگ فرج بهادران بصفحات دشتستان و بندر ابوشهر
کمال انتظام در امورات آن صفحه بهم رسید و احمد خان
تنگستانی که سابقا مخالفت و خیرگی نسبت بعالیجاه
حسنعلی خان دریا یکی نموده بود چون خود را در معرض
از کرده خود نامدم و پشیمان شده پناه تپوشانه مبارک
برده و تعهد خدمت دیوان اعلی را نموده بود و از غلط
او در گذشته اند

عالیجاه خوجرخان یا در با سیصد نفر سبزه فرج قراکوز که
بندر ابوشهر نامور بود بعد از ورود عالیجاه آقا جان سرمنگ
بهادران به بندر بروجرد مراجعت بشیر از کرده اند و بعد از چند
روز دیگر از آنجا غمیت در بار حایون نمودند

۶۹۵

خراسان

از قرار روزنامه این ولایت که نوشته بودند در بیت و نهم ماه جمادی الاولی جایگاه محمد صدیق خان و همزمان او در ارض قدس شده اند که از آنجا روانه بهرت شوند و در ده روز نیز در ارض قدس توقف کرده اند

دیگر نوشته بودند که در شهر جمادی الاولی دولت مراد خان ترکمان که از معتبرین ریش سفیدان طایفه ساروقی میباشد بهمراسم بیت نذر دیگر در ارض قدس شد و بعد از سفر فی الجمله نواب شاهزاده و لاتباحام سلطنته والی مملکت خراسان اظهار مراتب بندگی و اطاعت و انقیاد خود را باین دولت جاوید نهادنموده بودند و استعدای بنیادین بوده است که آنها را بخدمت گذاری قبول فرموده و باره آنها از بذل رحمت مضایقه نشود و آنها نیز مثل سایر ترکمان چند نفر از معتبرین خود را بارض قدس پاورند که همیشه مشغول خدمت باشند نواب معزنی الیه نیز آنها را با لغات و لیاای دولت حلیه ای دادنموده لازم نوازش و باره آنها بعمل آورده بودند

دیگر نوشته بودند که نواب شاهزاده و لاتباحام سلطنته و مملکت خراسان در مقام امراضضحات سواره کمال اهتمام را دارند و اوقات خود را پیوسته باحقاق حقوق و رفح عجبانی مردم صرف میدارند از جمله نوشته بودند که یکی از محلات شهر مشهد مال شخصی را بسرقت برده بودند و هنگامی که نواب معزنی الیه بعزم زیارت از ارک بشهر شریف پیروند صاحب مال مراتب خدمت نواب شاهزاده عرض کرده بود نواب معزنی الیه حکم نموده بود که فرانس فرقه

قیمت مال سرور قدر از که خدی بهمان محله دریافت و از آن مراجعت از زیارت حاضر نماید و قسمتی که نواب شاهزاده بر زیارت فایز شده بیرون آمده بود نذرش قیمت مال را گرفته آورده بود ساعتی در مسجد جامع کبیر کتبتنمود و حکم کرده بودند که صاحب مال را بحضور آورده و بدست خود قیمت مال سرور را با آورده بودند

و هم چنین از شخصی بکریه سلب سرقت شده بوده است نواب معزنی الیه بجایگاه مقرب اسحاقان حلیقعلی خان میرنخبه فرموده بودند که بقرا و لجانهای شهر سپارد که یا قرا و لان از عهده سی تومان قیمت سلب برآیند یا اینکه سلب را پیدا کنند آنها نیز چهار روز مهلت خواسته بودند روز چهارم مشخص شده بود که شخص معینانی را بعبیت نازی فروخته بوده است سلب را گرفته و بصاحبش دنوده بودند

کرمان و یزد

ازین دو ولایت نیز درین همفقه جناری میباشند روزنامه رسیده

کرمانشاهان

از قراریکه از این ولایت نوشته بودند بعد از ورود موسیو معلم قشون که از دربارهایون بجهت تعلیم و مشق قشون که حالا در خدمت زتاب میباشد روانه شده بود و ایم اوقات افواج قاهره مشغول مشق میباشند و مشارالیه مشغول تعلیم آنهاست و بعد از پنج روز مشق چند حرکت تازه با آنها آموخته است و مقرب اسحاقان عاقلعلی خان میرنخبه از قراریکه نوشته اند تعلیم قشون سعی و کوشش زیاد دارد و صاحبان آحاد افواج کله و کور را و گردنی و رنگنه و غیره که در آنجا هستند همه روزه در کمال سعی مشغول میباشند

۶۹۶

اخبار دول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسیدیم
 بیامدی الاول بود در مشورتخانه گفتگونی شده بود در باب گذارن
 مابین دولتین انگلیس و فرانسه از وزرا سوال کرده اند در
 قبول کردن پادشاهی لوی ناپلیان جواب داده اند که درین
 باب هر چه در زاری سابق کرده اند ما نیز تصدیق نمیکنیم
 اینکه صلاح دولت انگلیس این بود که با دولت فرانسه دوستی
 اتحاد تمام داشته باشد و گفتگونی هم در مشورتخانه انگلیس بوده
 که قسطنطنیه را چهار هزار و پانصد نفر زیاد نمایند اما آنها هم هنوز
 قرار گرفته بود

هندوستان

بعد از گرفتن قسطنطنیه شهر پیگوراک پای تخت مملکتی است که
 اسم موسوم است و جزو ممالک برمه است و انگلیسها مدتی
 در اینجا جنگ استند فرما فرمای هندوستان حکمی نوشته است
 که در شهرهای هندوستان خوانده شود و در روزنامه های
 و هندوستان انطباع شود و مضمون حکم مبرور این است که
 مملکت پیگور بعد الیوم داخل ممالک هندوستان و در زیر حکومت
 دولت انگلیس است و پس خواهند داد و اگر پادشاه برمه
 که پای تخت او اعوه میباشد جنگ را موقوف بکند و
 بکند دولت انگلیس دیگر با او کاری ندارد و صلح خواهند کرد و
 اگر دوباره بنای جنگ بکند او را از پای تخت خودش
 بیرون خواهند کرد این خبر آخر است که از این ولایت رسیده است
 و معلوم نیست که این گذارن شهرین طور کام شده باشد یا اینکه
 پادشاه برمه دوباره بنای جنگ را خواهد گذاشت سابقا
 مملکت پیگور دولت جداگانه بود تا صد سال پیش ازین پادشاه آن

ایام برمه آنجا را جنگ و غلبه گرفته و داخل ممالک برمه کرد
 مملکت مبرور بسیار حاصل خیز است خصوصاً در غله از هر قسم
 و عاج و عسل و شوره و آهن و قلع و یا قوس بسیار خوب است
 که چک و سرب و درین اجناس در آنجا تجارت زیاد است
 در آن سمت این مملکت که نزدیک بیست دهوار است
 خانها را بروی تیر میزنند که در فصلی که آب رود خانها زیاد میشود
 و مملکت در زیر آب میماند خانها را آب بکشد و در آنوقت تردد
 اکثر مردم بانا و وزو است و پیگو که شهری است تحت آنجا است
 اول جای آباد بود و بیشتر از یک فرسخ دور شهر بود و دیوار
 سخت داشت با برج و باستان و غیره و در گیش مثلث بود
 حال ثلث این شهر بیشتر آباد نیست یک تجانه در میان شهرها
 که تخمیناً نزدیک لصد ذرع ارتفاع دارد اما سایر خانها را
 یا از چوب ساخته اند بروی تیرهای بلند که رطوبت نکند یا اینکه
 بالای باغها را از سخته شیر وانی پوش کرده اند و دیوارها را
 از حصیر ساخته اند اهل این مملکت کلابت پرست اند از سبزی
 از نذایب هند و لکن بسیار غریب دوست اند و سخاوت
 بطبع آنها غالب است و فقرا و مردمان بی بضاعت آن
 بخش زیاد می کنند و بدل بار باب استخفاف می نمایند

استریت

موافق خبر آخر که از ولایت پای تخت مملکت استریت رسید
 که امپراطور استریت را که شخص خفاط مجاری خشم زده بود
 این روزها خشم او رو به بهبودی است و روز بروز بهتر میشود
 و لکن ضرب زخم قدری خشمش را تار کرده بوده است اما
 کاغذ جراحیها که هر روز چاپ میزنند آنهم بهتر شده بوده است
 و بطوری شده است که در میان خست خواب بر خوسته و مست

و کاردی که این خیاط با مپراطور استریه زده بود کار در زیر
 مطبخ بود بسیار تیز و چنان زده بود که سر کار قدری کج گشته
 بود امپراطور اول خیال کرده بود که کلوله با خود و تانج کاغذ
 آخر که از وینه آمده است پنجه بیت و دویم چهار دی لاله
 که سیزده روز بعد از زخم خوردن امپراطور بوده و در آن روز
 قدری از جا برخاسته و بقدر دو ساعت نشسته بود و خیاط
 مرنور اول میگفتند که دیوانه است و معش غیب کرده است
 و خودش را هم بدیوانی زده بود بلکه از سیات و سزا
 عمل خود خلاص بشود و در روزنامه نیز نوشته بودند که محرک
 داشته باشد یا نه اما در روزی که خبر این عمل داشته اند
 آنها را در شهر بست گرفته اند که آنها نیز نب داشته اند که
 ارشش دوگ البطر را که یکی از شاهزادگان استریه و عمومی
 امپراطور و بزرگ قشون آن سمت بود در همان روز بکشند
 و اسم این خیاط که زخم با مپراطور زده بود پستی بود و او را
 موافق قانون و لایحه استریه که هر کس قصد کشتن مپراطور را
 بکند واجب القتل است در میدان شهر بدار کشیدند
 و نقشش را بعد از آنکه شش هفت ساعت بگردن او بچینه بود
 جلادان در پای همان دار قبر کنده و دفن کرده بودند

مزیونی نام که بزرگ مفتدین و یا عیان مملکت ایتالیا بود
 و با اهل استریه مدتی جنگ کرد و بعد که مغلوب شد از آنجا
 گریخته و پناه به دولت انگلیس آورده بود و از آنوقت در
 ولایت انگلیس نشسته است درین روزها کاغذی با اهل
 ایتالیا نوشته و آنها را تحریک کرده است که بدولت
 استریه باغی بشوند و در آنوقت قسود نام که بزرگ یا عیان

مجا بود در اوقاتی که آنها نیز با استریه جنگ داشتند
 درین روزها کاغذی با اهل مجارستان نوشته است
 که بلکه در یک وقت اهل برده مملکت ایتالیا و مجار از دست
 استریه باغی شده و دولت جدا گانه بشوند و مژ این دو
 کاغذ این است که در شهر میلان یا عینکری شده است
 و یک روز با قشون دولت استریه جنگ کرده اند اما آنکه
 قشون دولت استریه با آنها غالب آمده و بسیاری از مخصرین
 گرفته و مجبورس کرده اند و در مملکت لامباردی نیز که جزو
 ممالک ایتالیا و در تصرف دولت استریه است بنای
 اعتناش و یا عینکری داشته اند بسیاری از یا عیانها
 گرفته و بدار کشیده اند و در روزنامه و پتیه هم نوشته
 که بعضی از یا عیان مجار که در میان آنها از اهل ایتالیا است
 بودند میخواستند شهر کو مارزاکه جای بسیار سخت است
 و مخصرین دولتی را در آنجا محبوس کرده اند از دست
 قشون امپراطور بگیرند قشون امپراطور مجرب شده و در رفع حمله
 یا عیان را کردند در شهر پتیه هم که یکی از شهرهای بزرگ
 مملکت مجار است و یک وقتی پای تخت آن مملکت بود بنای
 یا عینکری را داشته اند و لکن جا کران دیوانی خبردار شدند
 و نگذاشتند که بجنگ و خونریزی بکشد و در یکی از روزها آنها
 همه نوشته اند که دولت استریه از دولت انگلیس خوشتر
 کرده اند که مزیونی و قسود را از ولایت انگلیس بیرون بکشند
 و الا دولت انگلیس اگر آنها را از ولایت خود بیرون بکشند
 دولت استریه نیز اهل انگلیس را که میخواهند در ممالک
 استریه سیاحت بکنند راه نخواهند داد و در خصوص شهر
 میلان هم نوشته اند که چهار هزار با لصد نفر از اهل طنین که

۶۹۸

دولت کمان میگرداند که آنها نیز شریک یا عیان نباشند
 از آن شهر بیرون کرده اند این اشخاص درین باب
 عرض بدولت کرده اند که ما با عیان کاری نداریم
 ما را بیرون نهند اما دولت قبول نکردند و آنها را بیرون
 نمودند و بمجده هزار بابیت هزار نفر ازین طایفه هم از
 مملکت لامباردی بیرون کرده اند و این مردم از اهل یکی
 از بلوکات مملکت سویس اند و با منای دولت استر
 معلوم شد که اسباب جنگ از همین ولایت سویس
 سخته یا عیان میلان و لامباردی آورده اند در ولایت
 انگلیس در باب بیرون کردن فراریهای مجار و ایتالیا
 گفتگویی شده بود در مشورتخانه یکی از وکلای رها یا از
 لارڈ پارتستن سؤال کرده بود که آیا از دول خارجه
 چنین خواهشی شده است بانه لارڈ پارتستن در جواب
 گفته بود که تا مجال چنین خواهشی نشده است و اگر هم
 بشود دولت انگلیس نمیتواند مردمان فرور را از خاک
 خود بیرون نمایند زیرا که خلاف قانون ولایت است
 اگر چه دول خارجه درین خواهش حق داشته بانه
 و از شهرت مجارستان هم نوشته اند که قشون با
 بسیار زیاد کرده بودند و در کوههای نزدیک رودخانه
 دنوب که از آنجا میگذرد منزل کرده بودند یا عیان که در
 انقدر قشون در آنجاست یا عنیکری و انغاشش خود را
 موقوف کردند و در یکی از روزنامه های مملکت نمون
 که در فصل بهار بعضی از دول فرنگستان بنا دارند بشیر
 سئین وکیل بفرستد که در باب بعضی امورات فرنگستان
 سجت گفتگو نمایند

سارونیه

از شهر طورین پای تخت این مملکت نوشته اند که وقتی که
 خبر باغی شدن اهل شهر میلان با آنجا رسید انمای دولت
 حیا ل کرده اند که شاید بعضی از اهل ان ولایت داخل مملک
 استر بلیونند که امداد یا عیان استر بلیونند و در واقع
 شدند و در مشورت نشند و خود پادشاه سارونیه
 نیز بان مجلس شرفین آورده بودند معلوم شد که کسی از
 ولایات داخل ممالک استر بلیون شده باشد که امداد یا
 نماید و نظام گذاشته اند که مباد از رعایای آنجا کسی سخته
 امداد یا عیان داخل مملکت استر بلیون شود و در آنجا همه مردم
 در خصوص انغاشش شهر میلان و مملکت لامباردی
 میجوژند

میجوژند

سویس

چونکه این مملکت نیز جزو سرحدات ممالک استر بلیون در ولایت
 ایتالیا است در آنجا هم قرار گذاشته اند که از اهل خودشان
 کسی داخل ممالک استر بلیون نشود که امداد یا عیان نماید و نظام
 سرحدات راست کرده اند و در ان اهل ایتالیا که در
 ولایت بودند و محک یا عیان بودند اخراج مله کرده اند
 و در خود ولایت سویس در چند جا اسباب جنگ گرفته
 که اهل ایتالیا که در آنجا بودند میجوژند استند از آنجا ولایت
 ایتالیا روانه بکنند دولت استر بلیون چندین تکلیف
 سویس کرده اند معلوم است که این تکالیف چیست و هنوز
 دولت سویس جواب صریح در باب آنها نداده اند و درین
 خصوص بحث و مشورت میکنند و کنگرایی و کوشش تمام
 میکنند که نگذارند که مفتدین از سرحد خودشان داخل

ممالک ایتالیا بشوند یا اینکه اسباب حرب از آنجا روانه
نمایند

احوال استمرفه

در باب جزیره کوبه نوشته اند که با وجود اینکه دولت پرتغال
با سایر دول فرنگستان عهدنامه بسته است که تجارت
علام و کنیز را موقوف نماید و آنچه بتواند سعی در کوشش کند
که این عمل دیگر نشود مع ذلک باین جزیره همیشه غلام و کنیز
از مغرب زمین می آورند و درین روزها چند کشتی بسیار
در مملکت یونانی شمالی ساخته اند و بشهر هونته
که پای تخت جزیره کوبه میباشد آورده اند و در آنجا
خریده اند و بجهت آوردن غلام و کنیز روانه کرده اند چونکه
عملها خلاف عهدنامه است و در مملکت که دولت انگلیس و سایر
دول فرنگستان از دولت اسپانیول بازخواست نمایند

در فرنگستان بجهت کارخانهای رسیان تابی و ماهوت
و پنجه و غیره چرخ نجار پر زور می سازند و دو کشتی او سپار
باید بلند باشد درین روزها در ولایت انگلیس یکی ازین
دو کشتیها که صد ذرع بیشتر ارتفاع داشت و شش هفت کرد
اتجر در ساختن او بکار برده بودند درین روزها عیب کرد
بود و لابد بودند که خراب نمایند چون خراب کردن او خرج
زیاد داشت در زیر او چهار ده سوراخ کنده و از بارو
پر کرده اند و این بارو را بچرخ الماسی آتش زده اند و بچرخ
بارو آتش گرفته و دو کشتی را بر جای خود حرکت نکرد
بود و در خرج دهم که آتش گرفت از بالاتا پانین دو پارچه
شد و همه افتاد و بارو را چنان خوب گذاشته آتش
زده بودند که این دو کشتی را است بجای خود افتاده و محراب
نکرده بود

اعلامات

بعد از پیدا کردن طلا در مملکت کلی فارینا و استر ایلیا که
اکثر این طلا را بملکت انگلیس می آورند و از آنجا روانه
سایر ولایات می شود طلای رنبا و از انگلیس ولایت روس
فرستاده اند و در یک هفته موافق روزنامه چهار صد هزار
پوند پول انگلیس که بجا پول ایران تخمیناً یک کرد و در
هزار تومان می شود از لندن بیست و پنج پونز نوزع روانه کرده
و سبب روانه کردن اینقدر پول بملکت روس این است
که انگلیس با غله زیاد از ولایت روس خریده اند و خصوصاً
از شهر آودته که در کنار قزاقان گیر واقع است که در چند هفته
معتاد و پنجاه هزار غله از این شهر بولایت انگلیس روانه
نموده اند

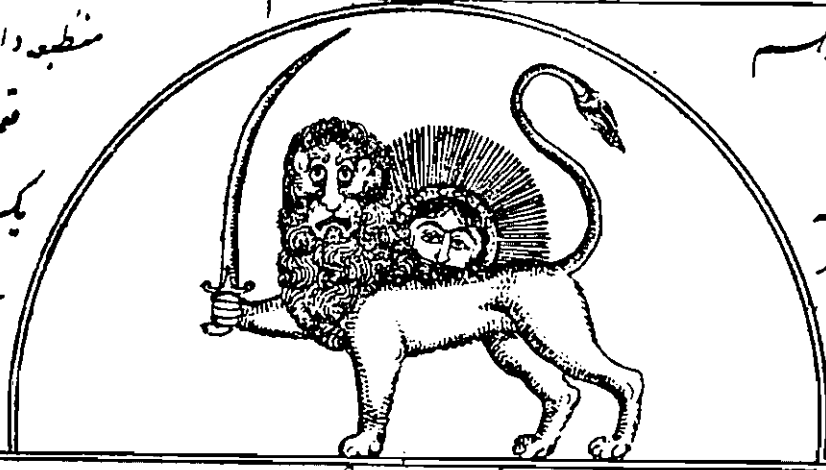
کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد باسکه
در محله نزدیک دروازه دولاب الطباع شده از اینقرار
فروخته میشود

مجالس المتقین	جیت و دو هزار و پانصد دینار	۵۰۰
حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم جیت	و پنجاه دینار	۵۰۰
سما عالم جلد چهارم بجا	الا نوار سه تومان و دو دینار	۳۰۰
مجمع البیان	شش هزار تومان	۲۰۰۰
تفسیر امام عسکری	یک تومان	۱۰۰
شاهنامه	چهار تومان و پنجاه دینار	۴۰۰
شرح نظامی	نه هزار و دینار	۹۰۰
دستان	یک تومان	۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ زور شنبه وازدهم ماه حبه المرحط بسال ابره ۱۲۹۹

مزه صد و شانزدهم

منظومه دارا خلاق طهران
قیمت اعلانات
یک سطر چهار سطر پنجاه
بیشتر به هر سطر



قیمت روزنامه
یک نسخه ده سطر یک
هر قاف و چهار سطر ده

اجبار و احسانه مالک محروم پادشاهی

دارا خلاق طهران

در روز شنبه مفرم این ماه اعلیحضرت پادشاهی تیر نفی
مقرر قاجار گردیدند و غلامان هرکاری را که در روز پنجشنبه
جناب جلالت آبد صدارت عظم در پشت باغ لاله زار سان
دیدند و رسیدگی نموده بودند مقرب انخاقان میرزا محمد
کوشکی باشی مجدداً بحضور مسایون حاضر ساخته و شکو
عظام سان دیدند و همگی در کمال شکوه با اسبهای خوب
و اسلحه تمام منتظر مبارک رسیدند و مقرب انخاقان میرزا
بجهت انتظام و راستگی غلامان مزبور مورد عنایت و ایت
ملوکانه گردیدند کلیه تن مبارک را با و رحمت فرمودند

فرمودند که زیارت که منظومه رفقه مشغول دعا کوئی ذات
اقدس طایون پادشاهی
نظر بطور شایستگی جشن مردم داری عالیجاه داود خان
سرتیپ درین روزها اولیای دولت قاهره حب الاله
حکومت نصاری و ارامنه سرحدات اروغنی و سلما سن
بعالیجاه مشارالیه از قورمان مبارک مغفوض فرمودند و در
روز یکشنبه ششم انیماه از دربار طایون روانه محل ماموریت
گردید

از آنجا که سلیمانخان سهام الدوله سالهای سال بحال
صداقت و راستی بدولت قاهره خدمت کرد این اوقات
که او تصدق فرقی طایون شد اعلیحضرت پادشاهی
محض رعایت حقوق عدالت او و لیاقت عالیجاهان جهانگیرخان
و زیمان خان ولدان مشارالیه عالیجاه جهانگیرخان را
بنصب سرتیپی و عالیجاه زیمان خان را بنصب نیابت
اول امیر الامرا العظام اجودان باسنی که از اجله مناصب
نظامی است سرافراز منصوب فرمودند

نظر بفرمودم ملوکانه در باره نواب شاهزاده مصطفی علی میرزا
حکمران مازندران و ظهور مراتب منسکداری و صداقت نواب
منزلی الیه اعلیحضرت پادشاهی از ابتدای ندره پسند او بدین
مبلغ بانصد تومان بر بموجب ادعای فرمودند که در نظام امر
ولایت و رعیت مراتب تمامات خود را بر این پیش نظر سازد

درین اوقات نظر بحسن خدمات عالیجاه حاجی میرزا علیقلی با

نواب شاهزاده جهانگیر میرزا اعلیحضرت پادشاهی مرضی

۷۰۱

اولیای دولت قاهره جلاله العلیه مضرب کلتری
دار السلطنه تبریز با و مغوش فرمودند و فرمان سپایون نیز
درین باب شرف صد یافت

امورات قشونی

افواج قاهره متوقف دارا اخلا و مبارکه هر روزه بر سپل
استرارد در میدان مشق حاضر و مشول مشق میباشند
صاحب مضربان نظامی بعد از فراغت از مشق افواج چنانچه در
روزنامه های سابقه نوشته شده همه روزه بدرسم و از
آمده درس علم جنگ و قواعد نظامی میخوانند و کمال
جدد از معلمین متعلین در تعلیم و تعلم قواعد و کمال
نظامی می شود

صاحب مضربان فوج جرقویه اصغمان ابو ایحیی عالیجاه
مصطفی قلیجان سرتیپ درین روزها بحضور مبارک اعلیحضرت
پادشاهی شرفیاب گردیدند

چون عالیجاه مقرب الخاقان محمود خان سرتیپ تالی اول
امیر الامراء العظام ابودان باشی بامور سنت بطرز توابع بود
و چندی از دربار عابون اذن مرخصی حاصل کرده و بهدرا
رفته بود که بامورات خود رسیدگی نماید درین روزها در
عابون مراجعت و شرفیاب حضور هر ظهور حسره وانی گردید
و معترض شد که این اوقات سنت بطرز توابع شود

از فرار روزنامه مرصق خانه دولتی که نوشته بودند در ماه گذشته
صد و دوازده نفر از مضربهای افواج قاهره با تمام عالیجاه
سیر زانچمدولی حکیم باشی نظام صحت با و میان افواج و مسایل خود
رفته اند و در ماه مزبور متوقف مانده و همگی معالجه و مداوا
گردیده اند

سایر ولایات

افزربایجان از فرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته
شده بود در شب عید نزدیک لغزوب آفتاب یک نفر
طبال از فوج ششم بسن چهارده ساله بدر دکان صرافی اند
صاحب دکان مسجد نماز رفته بوده و پسری کوچک داشته
در دکان گذاشته بوده است طبال مزبور مشتکی خاک ششم
آن طفل را شنیده و صد و پنجاه کوچکی که یکصد و سه تومان
پول نقد در میانش بوده است در بر بوده و کریمه بود صاف
پول بعد از استحصار بر این معنی طفل خود را برداشته نزد
عالیجاه قمبر علیجان حاکم تبریز آمده و مراتب را بمشاریه
القا و بعضی نواب شاهزاده و الا تبار حشتمه الدوله حکمران
مملکت آذربایجان رسانده بود و نواب مغزی الیه قدغن
مزدومه بودند که عالیجاه قمبر علیجان مال صراف را حکما پیدان
عالیجاه مشاریه نیز آدم تفحص کرده است تا اینکه پول صراف
بعینه پیداکرده بصاحب رسانده بود

دیگر نوشته بودند که در شب چهاردهم ماه گذشته نزدیک
بصبح یک نفر بخانه میر حسین با سینه آمده مشارالیه سینه
و با سینه در او نخته بودند آن شخص طبیبانچه بدست میرزا حسین خانی
کرده و خود کریمه بوده و در حین فرار کلاه از سرش افتاده بود
کلاه را برداشته بود در رقی در میان کلاه بوده است میرزا
بعضی نواب شاهزاده حشتمه الدوله رسید مقرر داشته
که دزد را حکما پیدانمایند

حتمه

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند چون حکم اولیا
دولت قاهره بجمع مالک محروسه صادر شده است که محصل

۷۰۲

بولایات زود مقرب الخاقان امیر اصلاخان حاکم
 در تمهید سبب رفاه و آسایش رعیت و امالی و بلاد
 هتمام نموده و نظر با اجرای حکم اولیای دولت علیه این
 اوقات رعایا و اربابان دامت حمت را بشهر حاضر
 کرده و مالیات دیوانی بده بستانه هر یک را تفکک معین
 گرفته است که در قسط معین مالیات خودشان را آورده
 در رنجان مقرب الخاقان مشارالیه بپسند و قبض رسیده
 دریافت نمایند و اغلب صاحبان ملک و رعیت باین امر
 راضی و شاکرند که دیگر از ضابطه و نواب در مطالبه
 مالیات بر جای نیاوردی و حجاج و سخاوت

و از دروازه او بخته بوده است از فرار بکه نوشته بودند
 حمت و محاللات آنجا کرگ آدم خوار بسیار است حتی
 نهجی است که بجکه کوسفند که میزند کوسفند را میگذارد و شبانرا
 میخورد و بچه کوهک را از نخل مادرش میبرد و میخورد این
 روزها این که کها بیشتر شده و شدت کرده

وار المرز

درین هفت روز ازین ولایت اخباری بود که در روزنامه

فارس

از فرار بکه در روزنامه فارس نوشته بودند چند وقت
 قبل ازین یک نفر از جماعت جهود معاهد و محاسبه با ابا
 نام کرمانشاهی که ساکن شهر است بوده داشته است
 بمنزل او بجهت اخذ حساب خود رفته بوده و تفنگی پهلوی دست
 اقا حسین نام بوده است از روی مزاح و شوخی تفنگ را
 برداشته و بردی آن بود آتش داده است و تفنگ
 چهارپاره پر بوده در رفته و یهودی بقتل رسیده است
 کار گذاران شهر از مطلع شده آدم فرستاده و اقا حسین
 قاتل را گرفته محبوس کرده اند و فرار داده اند که آنچه علی
 اعلام حکم نمایند موافق شریعت مطهره از عهده و قصاص و
 خون یهودی برآید

اصفهان

از فرار بکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند در کوه مشهور که چو باغبانها
 در میان خاک کوزه کوچکی پیدا شده که پراز اشرفی قلب بوده است
 کوزه را داروغه نزد مالچاچه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان
 بود چون دیده بود که اشرفیها کلاً غلبت بعضی از آنها قلابه بود که نفر
 او خاک شده بوده است کوزه را بخود داروغه رد کرد، بود

از امور غریبه که این روزها در رنجان اتفاق افتاده و در روزنامه
 نوشته بودند در شب چهارشنبه آخر سال اطفال و جهال
 استجا بقانون معمولی به سال در اول شب بخانهها گردش کرده
 شیرینی آلات و میوه جات میگیرند بنا بر آن اطفال و جهال
 چهارشنبه آخر سال گذشته در خانهها گردش میکردند
 طفلی دوازده ساله در یک ساعتی شب از خانه خود بطرف خانه
 همسایه میرفته است ناگاه کرکی دچار آتش شده کلاه او را باین
 گرفته و پهای دیوار قلعه برده طفل را یکجا خورده بود سحرگاه
 کسان آن طفل ببراغ او با طرف و جوانب شهر گردش
 کرده پای او را در برون قلعه پیدا کرده بودند معلوم شد
 بود که او را کرک خورده است یک نفر از امالی رنجان که در
 تیر اندازی مهارتی داشته است ببراغ آن کرک رفته بوده
 که کی قوی میکل پیدا شده این شخص سوار سب بوده است کرک را
 حمله کرده و او سبم چالاکي نموده در سر تاخت یک تیر تفنگ
 کرک رازده و فی الفور کرک افتاده بود لاشه او را آورده

α

۷۰۳

کرمان

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته شده بود امیر
 آن صفحات قرین الضبط است خاصه طرق و شوارع که
 از روز حرکت قشون نسبت بلوچستان در هیچ معبری از
 از قطع الطريق و بلوچ دیده نشده قبل ازین تفصیل ورود
 اردو در آن روزنامه نوشته شده بود
 منتظر وصول اخبار کوجیدن از آن منزل که سورتیج است بود
 تا این روز ناچند نفر آدم از عالیجاه بمقرب انجان خان عبدال
 میر پنج رسیده کیفیت ورود و تصرف کرمان را اینطور
 نوشته بودند که بعد از نزدیک شدن قشون بمکران عالیجاه
 دین محمد خان که رئیس بلوچیه است با جمعی از بلوچیه که ایل
 و طایفه و نوکر او بوده اند از در اطاعت و محسکداری دولت
 با چند نفر از رئیس سفیدان ایل نیز عالیجاه عبدالله خان سرخ
 آمده و کادو کو سفید زیاد بجهت آرد و سر بار آورده بودند و بعد
 خواهرش کرده بودند که چون مردمان بلوچ احشامی و از رسم
 خدمت و اسانت عاری میباشند بهتر این است که این
 مکران را موقوف نموده مالیات مکران را بیکر بدو بخش
 نماید عالیجاه مشارالیه قبول کرده و گفته بود که این قشون
 از جانب اولیای دولت قاهر مأمور بصیراط و نظم مکران میباشد
 و حکم گرفتن مالیات و مراحت نداریم منظوری بخرنظم دادن
 در مکران نداریم و بعد از نظم آنجا البته مراحت خواهیم نمود
 جمعیتی که در مکران بودند بعد از تعیین کردن ورود قشون
 بکوهها و جاهای سخت پناه برده و متفرق شده بودند و در
 روسیم جمادی الاول عساکر منصوره داخل قلعه تصرف نمودند
 چون عالیجاه دین محمد خان و بعضی از رئیس سفیدان تصرف

همسراه بودند اهل آنجا متواضعانه بودند از دستبرد و راید
 و عالیجاه امامعلی خان سرکنک با سه دسته سر بار مأمور
 بقلعه منوره نموده بود که رفته در قلعه نشستند و غله که در آنجا
 بسیار قشون بهد عالیجاه مشارالیه سر بار مأمور را
 همسراه قاسم آقای باورد در قلعه نشاندند و غله آنجا را
 از فرار حواله لشکر نویس نقیون تقسیم کرده بعد از چند
 روز آذوقه اردو کم شده بود قلعه دیگر در چهار فرسخی
 از حوالی مکران بوده و غله زیاد در آنجا داشته اند عالیجاه
 نصر الله خان و قاسم آقای باورد با سواره و سر بار و کوه
 مأمور شده بودند که جنبس آنجا بجهت سیورت قشون
 اهل قلعه بجزد ورود مأمورین شروع باظهار مخالفت و انداختن
 تفنگ نموده بودند مأمورین بمسم بدون درنگ توبت بطلعه
 منوره بسته دیورش برده در یورش اول بطالع فیروزی
 مطالع پادشاهی قلعه را تصرف در آورده بودند و درین
 یورش یک نفر توبچی و دو نفر سر بار مقتول شده بودند و از
 باغیان نیز نسبت نفر کشته و زخدار کرده بودند چون عالیجاه
 دین محمد خان ازین حرکت مجبر نموده است بعد از تصرف نیای
 متصرف نشده و امان داده بودند مکران از قطع سخت و محب
 مستحکم است و درین سنه پای قشون با آنجا رسیده بود
 و قریب بدو سیت هزار ایل در آن صفح در قلاع و غیره متکین دارند
 و اغلب مردمان جنبکی میباشند و درین اوقات عالیجاه
 و سپردار در اوزار جانب اولیای دولت قاهره الهیسان
 داده و مخلع نموده از مکران حرکت دستوجه درگ میشوند و بنا
 است که زنی و پسری از عالیجاه سردار دین محمد خان برسم
 کرد می همسراه بیاورند

۷۰۴

تعییر خناس ناگولات و غیره از خلاق و طهران

س.ط.ا.	نیر چهارمین سه هزار و ده شاهی	کندم ساجی بکچوار دو تومان و ده شاهی
... ه	ماش و لوبیا چهارمین یک هزار دینار	کندم دور شهر بکچوار مبعده هزار
... ه	عکس چهارمین چهار عباسی	کندم شهر یاری بکچوار نوزده هزار
... ط.ا.	سوخو قزوینی چهارمین سی شاهی	کندم غریبه بکچوار نوزده هزار و ده شاهی
... ه	کرچک بکچوار دو تومان و ده شاهی	نان بکچوار دو تومان و سه هزار و ده شاهی
... ط.ا.	بکچوار هفت هزار و ده شاهی	جو بکچوار یازده هزار
... ه	یکمین ده شاهی	گاه کندم بکچوار چهار هزار و ده شاهی
... ط.ا.	چهارمین شش عباسی	گاه جو بکچوار چهار هزار
... ط.ا.	چهارمین دور یال	ار و کندم دو تومان و دور یال
... ه	سه هزار و ده شاهی	ار و جو بکچوار شانزده هزار
... ط.ا.	چهارمین یازده عباسی	فصل بکچوار سه هزار و پنج شاهی
... ه	یک تومان	یونجه بکچوار شش هزار
... ط.ا.	دور یال	حله بکچوار سیزده هزار
... ه	سه هزار و پنج شاهی	سکنیک بکچوار یازده هزار
... ط.ا.	چهارمین	ارزن بکچوار یک تومان و یکریال
... ه	سه هزار و پنج شاهی	همه طاق بکچوار شش هزار
... ط.ا.	چهارمین	همه کز بکچوار چهار هزار و ده شاهی
... ه	سه هزار	نمک بکچوار چهار هزار و یک عباسی
... ط.ا.	دو تومان	برنج غمبرلو چهارمین دو هزار و پنج شاهی
... ه	چهارمین	برنج کرده چهارمین یک هزار و هفت دینار
... ط.ا.	یکمین نه هزار	روغن چهارمین نه هزار
... ه	یکمین نه عباسی	کره تازه چهارمین یازده هزار و ده شاهی
... ط.ا.	یکمین دو هزار	گوشت یکمین شش عباسی
... ه	چهارمین	ماست کوسفد چهارمین یک هزار دینار

اخبار دول خارج

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است دولت
 استریه از دولت انگلیت خواش کرده است که قسود نام
 و تریبی نام که یکی از اهل مجاری و یکی از اهل ایتالیا است از
 انگلیس بیرون نمایند و اگر بیرون نکنند دولت استریه
 ایچی خوشتر از ولایت انگلیس بر میدارد و بعضی روزنامه
 نوشته اند که دولت پروسه و فرانسه و بعضی دول دیگر
 و مکتان هم با دولت استریه درین باب متفق و موافق
 میشوند و خواهش میکنند که مفذین و مکتان را که بنا
 سجاک انگلیس آورده اند اخراج نمایند و اگر دولت انگلیس
 خواهش آنها را قبول نکند دولت پروسه که آنها نیز بزرگ مواضع
 و دوستی نموده ایمچیان خود را از ولایت انگلیس بر دارند
 از فراری که در روزنامه انگلیس نوشته اند که با دولت انگلیس
 این تکلیف را قبول نخواهند کرد باینکه معدوم شدن
 بیت و در قوه نازند از قدیم قانون این ولایت است
 این قانون را برسم بزنند باینکه بودن مفذین در ولایت
 انگلیس خود دولت انگلیس میسرساند زیرا که اگر اتفاقاً در
 ولایت انگلیس رویدد و فراریهای مکتان با مفذین
 هم مصلحت میشوند و آنها را تحریک یافتار می کنند
 و در فت و آنها را میمانند اما ما میباید که در ولایت
 نشسته اند و کاری که خلاف دولت انگلیس باشد نکنند
 بیرون کردن آنها روس مکن نیست

سنت بطرز توابع تا بوزاناسک میرود که یکی از عمارات
 نشین علیحضرت امپراطور در آنجا است و چهار فرسخ و نیم طول
 این راه است و کالسکها و چرخ بخار در آن راه خوب میروند
 و منفعت زیاده و کم بجهت دولت و هم بجهت خلق میکند و ده دوم
 که ساخته اند باین پای تحت و شهر گوانت و این صد فرسخ است
 از شهر تاشهر و در بیت و ساعت میروند و روز بروز در وقت
 و حمل و نقل مال تجاری در آنجا زیاد تر میشود این راه نور نام است
 که امپراطور حکم کرد راهی باین پای تحت و شهر وارشا و بسازند
 و این راه تخمیناً صد و چهل فرسخ طول دارد و از شهر و قصبه
 آباد عبور میکند و از رودخانه های بزرگ میکند راههای دیگر هم
 از شهریکه تیت ساند که متصل براه باین سنت بطرز توابع و وارشا
 بشود و این راه هم بیت و نه فرسخ طول دارد راه دیگر هم
 میازند از شهر دونه توابع الی شهر سکو و از شهر سکو تیتسک هم
 میکند و در سمت جنوب مملکت روسیه هم راهی میازند
 از شهر حرکاف الی شهر اودتسه و این راه از رودخانه
 که یکی از رودخانه های بزرگ مملکت روس است میگذرد
 چونکه آن ستهما جای غله خیز است و اودتسه لنگرگاه کشتیها
 که غله از مملکت روس سجاج میرند بجان دارند که حمل و نقل را
 در آنجا بشود و منفعت زیاده و حمل و نقل غله ازین راه عاید بشود خصوصاً
 چونکه در رودخانه تیر جانی است که آب در آنجا تند جاریست و از
 برای کشتیها مقامی خطرناک است از آنچه حمل و نقل غله از رود
 تیر قدری مشکل است و راهی که از شهریکه تا دونه توابع ساخته
 که تفصیل آن نوشته شد تجارت آن است از بنا میکنند
 و باعث منفعت خاص عام خواهد شد خصوصاً در تجارت کتان
 و چوب جنگلی غله و سایر اجناس صاحبان املاک و جوانان

۷۰۶

مستقت از این برهه زیرا که حاصل املاکشان درین راه بود
 میرسد بریکه که کنار دریای بالینک پناهنده و از آنجا
 میفرستند در مملکت بولند از وارشاد و تاسر حد پرورش
 که راه آهن ساخته اند و سیاح و با تجاری میروند حال بنا
 دارند که راه دیگر با نزدیکی مابین شهرهای وارشاد و
 بونوع و دیگر می مابین شهرهای وارشاد و پوزن راهی که
 میانند مابین شهر وارشاد و سرحد پرورش بنجا فرستند
 و آنوقت و وقتی که راههای مابین وارشاد و سنت بطرز
 تمام میشود اکثر راههای آهن و نمکستان یکدیگر متصل خواهد
 شد و از شهر پارس که پای تخت فرشته پناست در
 مغرب فرنگستان است تا پای تخت رودش که در
 مشرق فرنگستان است در چهار با پنج روز خواهد رفت

از سایر دول فرنگستان اخباری نبود که در روزنامه
 نوشته شود مگر اینکه در احوالات متفرقه نوشته شود

احوال متفرقه

لازم است ترتی فورد که سالهای سال از جانب پادشاه
 انگلیس ایچی کبیر بمقام اسلامبول بود و درین ایام آخر بولایت
 انگلیس مراجعت کرده بود و بتاریخ بیت و دویم جمادی الاول
 از لندن بنا داشته است که روانه بشود که باز با اسلامبول
 و از راه پاریس پای تخت فرشته و وینه پای تخت استر خوار
 آمد و جهت آمدن آن راه این است که در باب بعضی
 دولتی و بحث مابین دول فارسی بگذارد که رفع بعضی گفتگوها
 بشود

در یکی از روزنامه های نوشته اند که موسیو دلا کوراک

وینه پای تخت استریمامور است که با اسلامبول رفتند
 آنجا ایچی کبیر از جانب دولت فرشته پناست با تاریخ
 جمادی الاول از وینه وارد اسلامبول شده بود و لایحه
 و که و لایحه که سابقا این منصب را داشت بمملکت فرشته
 مراجعت کرده است

چونکه در لنگرگاه اسلامبول مابین آزاد قاپی و ادن قاپان
 بی ساخته بودند و سببه اینکه بر خوب بود از نو ساخته اند
 و قتی که تمام شده و هنوز مفتوح نگردد دیده بود که خلق تردد نمایند
 اول اعلیحضرت سلطان با آنجا رفتند و از پل فرور عبور نمودند
 و مراجعت کردند و همه را ملاحظه نموده و رسیدگی کردند و بعد
 فرمودند که چه عجب خلق باز نمایند

در معدن ذغال سنگی که بسیار عمیق باشد و هوادر
 آنجا محبوس بسود بخارا از آن ذغال در آنجا جمع میشود که
 وقتیکه چراغ نزدیک با آنجا برود مانند باروط بلکه از آن
 پرزور ترش میگیرد و در معادن بسیار سعی و کوشش کرده اند
 که این بخار معدن در آنجا جمع نشود و چاههایی کنند که چاه
 با در و بجهت معدن باشد و چرخ هم ساخته اند تبرکات
 و توله که هوای تازه بمیان معدن داخل نمایند با وجود اسکله
 اینقدر احتیاط کرده اند باز بعضی اوقات این بخار آتش
 میگیرد و بسیار مردم تلف میشود و یکی از معادن آن
 این روزها چنین اتفاق افتاده است معدن مزبور صد و پنجاه
 چهار رزغ عشق داشت عملجات که در آنجا بودند در وقت
 سببه غذا خوردن کارشان را موقوف کرده و مشغول غذا
 خوردن شده بودند صد و چهل و دو نفر در آن معدن بودند
 و از زیر زمین راههای زیاد بود که بمعادن دیگر میرفت و در

۷۰۷

این راههای ریز زمین بخار زیاد جمع شده بود و قشک
 تان میخورند متوجه نشدند که هوای تازه میان معدن
 نماید بخار جمع شده بود و یکی از چرخهای عمده جات
 لصدای سپار میبش گرفت شعله زیاد از میان چاه با
 آمد و بسیاری از چرخ و اسباب که در آنجا بود خراب
 گردیدند نفر معدنی کشته شده و مشت نفر خمدار گردیده بودند
 و بعد از آتش گرفتن بخار توانسته بودند میان معدن بروند
 تا آب میان معدن کشوندند که هوای قوی صاف شود
 و برود نفس آنها را که مرده اند در آورد

یکی از سرداران عرب که سالها همراه امیر عبدالقادر
 جنگ بدولت فرانسه کرده بود و لقب او ابو مغزیب
 و در جنگ آن ایام دستگیر قشون فرانس شد و از قوت
 در مملکت فرانسه محبوس است درین روزها اذن داده
 که از هر طرف خاک فرانسه که بخواهد سیاحت نماید و در
 جا که بخواهد توقف نماید و لکن اذن بیرون رفتن از آنوقت
 ندارد

در مملکت فرانسه بنا دارند که پون از نو ساخته بزنند و این
 پول سیاه را اول در میان قشون تقسیم نمایند که اهل
 قبل از آنکه سایر خلق داده بشود این پول کشته باشد
 چند نفر از اهل ایتالیا که در مملکت اریتریه هم مصلحت
 ایتالیا بودند درین اوقات از آنجا بیرون کرده اند و بنا
 دارند که قشیکه از سر حد بگذرند عریضه ببرد و لتی که خود
 میخواهند بزنند که اذن بدهند که در آنوقت توقف نمایند
 و اگر از دول فرانستان هیچکدام عریضه آنها را قبول ننمایند
 نباست که بگشتی نشاند بملکتی که دنیا پرستند

در مملکت ناپولی قدغن شده بود که روغن و پیه و از هر قسم
 روغن که در چراغ مصرف میشود از آنوقت لایت بیرون نبرند
 مگر روغن زیتون که از آنهم مگر بیرون بردنش را زیاد
 کرده بودند و سبب این حکم این است که حاصل زیتون
 پارسال کم آمده بود

کوه آتشفشان در جزیره سیتیلیا که جزو ممالک ناپولی میباشد
 سوزند است و در اینم اوقات کمی دو روز آنجا بیرون
 می آید مدتی بود که خاموش شده بود مگر آن دو روزی که در اینم
 از میان او بر پنجه در آن درین روزها آتش او زیاد شده است
 و سنگ و معدن که اخته روز بر دوشتر از کوه با این میریزد
 با صدای بسیار درشت مهیب مثل اینکه صد عراده توپ
 یکبار خالی نمایند

در شهر لیان کارخانها و تجارت زیاد در پارچه ابریشی دارند
 و این تجارت این روزها بسیار رواج بود و یک سببش این بود
 که پارچه ابریشی از مخمل و غیره میخریدند و بشهر پاریس میفرستادند
 بجهت لباسهای تازه که بعد از برقرار شدن لوتی ناپلیان تسلطت
 فرانسه دوخته میشود

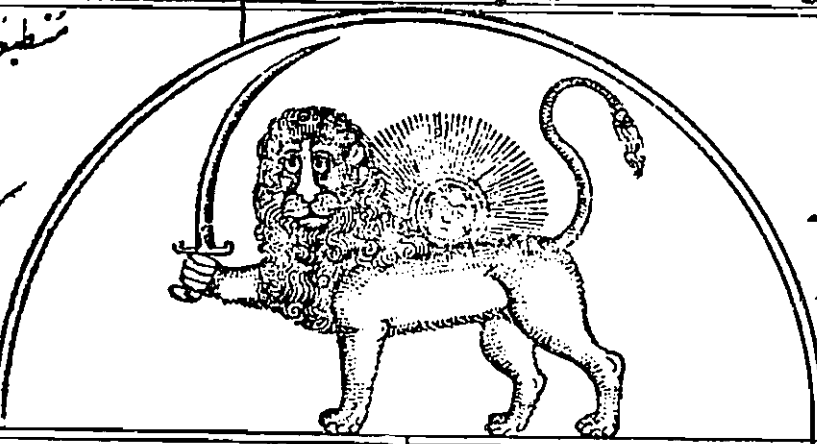
اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کاخ حاجی عبدالحمید با سه مجلد
 نزدیک دروازه دولاب طباع شده از اینقور فروخته میشود
 احتجاج شیخ طبری شهرار
 مجالس اتین بیت و دوهزار و پانصد
 حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و پنجاهار
 سمار عالم جلد چهارم بخار الانوار سه تومان دو بول
 مجمع البیان سشش تومان

۷۰۸

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ چهارشنبه روز دهم ماه چهره چنگیز سال وکیل ۱۲۶۹

منظومه از انخلاف طهران
هفت اعلانات
یک سطر اخبار سطر به سطر
بیشتر با سطر



نزد صد و هفتاد
قیمت روزنامه
یک ششده هر یک
و تومان چهار هزار

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

و از انخلاف طهران

در روز شنبه چهاردهم این ماه نظر بقانونی که درین وقت
علیه من اول است اعلیحضرت پادشاهی باب دوازدهم
تشریف بردند و افواج قاهره نظام از بیرون دروازه
دولت الی میدان آب دوانی که تخمیناً نیم فرسخ باشد
در کمال آراستگی حاضر بودند و تعظیم نظامی نموده مورد تهنیت
و مرحمت شاهانه شدند و اعلیحضرت پادشاهی در
شوکت و اجلال در عمارتی که در آب دوانی ساخته شد
تشریف فرما گردیدند و جمیع آداب و قوانین که بجهت
این روز همه ساله معمول بود بجای خود مهیا و آراسته شد
دسته دسته اسبهای سوغانی از سان حضور
بیاورن گذاشته بعد از آن اسبها را سه دسته کرده بای
تاختن گذاشته دسته اول چهار دوره زدند که عبارت
از دو فرسخ باشد و دسته دوم سه دوره که یک فرسخ
باشد و دسته سیم دو دوره که یک فرسخ باشد و هر کدام از
اسبها که پیش آمدند موافق قرار همه ساله العام خود را
بید قهار برداشتند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از آن

و تفرج آب دوانی با آسوکا و الا جلال بزرگ مبارک
سلطانی مراجعت فرمودند
چون پنج در در انخلاف طهران بقرار معمول سنواتی در قیصریه
و زوخته می شد و سایر کتبه نیز از قیصریه خریدند و در
دکان خود می گذاشتند درین روزها که حب الامتویون
شاهشاهی مقرر شده بود که بجهت جشن دلپسندی نواب
مستطاب مهین الدین میرزا و بعد دولت علی صنیعی
ترتیب داده جمیع جاگران در باره طایون را معالی نام
و هر صنفی از لوگو را حکم شده بود که با شهبان آنها ضیافت
نمایند انشای دولت علیه بجهت تدارک ضیافت مزبور
هر یک بخرداری پنج در روز چهارشنبه یازدهم عیال
آدم بقیصریه فرستاده بودند بعضی از مردم شرار مغیبه
این خریداری جنس را مایه دو سبیله فساد داشته سختی
بر زبان رانده موجب وحشت بازار بایان و عوام الناس
شده و نایک ساعت اغتشاش و وحشت و اضطراب در
میان خلق شهر بود و مردم بخرداری آذوقه مشغول بودند
و اجناس نسیب هم رساند تا اینکه مراتب بعضی از

۷۰۹

بماریون شامشاهی رسید امنای دولت قاهره حسب الاشیاء
 فرستاده چند نفر از خدیوین را گرفتند بنیست نمودند
 و آشوب فرستادند
 نظیر براتب خدمتگذاری و شایستگی عالیجا متوجه
 حاج محمد خان درین روز با اعلیحضرت پادشاهی منصب
 جلیل شیک آفاسی باشی گری نواب مستطاب شاهزاده والا
 حشمت الدوله صاحب احتیاط مملکت آذربایجان را با او
 مفوض فرمودند و فرمان مبارک نیز درین باب شرف صدور
 یافت از جانب اعلیحضرت پادشاهی یک رس اسب و
 یک قبضه شمشیر و غلاف طلا با و مرحمت گردیده و حسب
 روانه آذربایجان شد که بخدمت محوله بخود اقدام نماید

تفصیل معالجه ناخوشی و بالاکه عالیجا حکیم اندر لوگیک حکیم باشی
 قشون کربستان نوشته شده چون از برای دفع ناخوشی
 مردم آنجا بسیار مفید افتاده است لهذا متوجه آنجا فاک
 موسی و کلو که حکیم باشی اعلیحضرت پادشاهی طریق معالجه
 او را در سطور مستور الذیل می نویسد که احاد الناس
 از اعلی و ادنی و کبار و صغار ممالک مجر و سه ایران
 از طریق معالجه مستحضر گردیده در حین ضرورت بکار بند
 و مستفیض شوند و آن تفصیل این است پیش از آنکه
 ناخوشی و باد روج و شخصی ظاهر شود اول اسهال عارض شود
 و قوی که اسهال عارض شده باید انشش قطره تا ده قطره
 لفظ سفید را بمیان یک فنجان عرق شراب یا شراب یا چای
 لغزاع داخل کرده بناخوشی بپسند اگر تا نیم ساعت دیگر
 باز ناخوشی اسهال و یا استفراغ نمود یک خوراک

دیگر نیز بپسند و ناخوشی را در لحافی پیچیده مشت مالش
 کنند که عرق نماید و اینجا تا اگر ناخوشی شدت یافته
 باشد یعنی از اول مرحله ناخوشی قوی کند و لرزد در شسته باشد
 اسهال کند جسم البول باشد و دست و پایش چنگ شود
 آنوقت باید در همان دقیقه که معده ناخوشی قدری
 آرام گرفت از ده تا پانزده قطره قطعه سفید را بمیان اجزا
 مفصل الفوق داخل نموده بناخوشی بپسند اگر ممتد
 شد و ناخوشی در حالت اولی باقی ماند یک خوراک
 دیگر هم بدینند که ناخوشی آرام گیرد بعد از آرام گرفتن
 اگر ضعف داشته باشد باید در هر چهار ساعت یک
 خوراک دیگر هم همان طریق بپسند تا درست بجان بیاید
 و چنانکه ذکر شد ناخوشی را بلحافی پیچیده انقدر مشت مالش
 کنند که عرق نماید و بروی معده هم قدری لفظ سفید
 بمالند تا رال بسیاری اخذ نمایند خواهد بود

امور استقشونی

افواج قاهره نظام بطریق استمرار همه روزه در
 بیرون دروازه دولت مشغول مشق میباشند و صفا
 نظام کمال دقت و اهتمام در مشق افواج دارند و بعد از
 فراغت از مشق افواج کل صاحب مضن بان در میدان
 با سایر متعلمین در رزده مملین همه روزه مشغول تحصیل قوا
 و حرکات نظامی می باشند
 فوج دویم حضرت که از آذربایجان احضار در آنجا
 شده بودند در روز شنبه چهارم که مرکب مسالین
 میدان اسب روانی تشریف فرامی شدند از آذربایجان
 وارد و شرفیاب حضور محظوظ پادشاهی گردیدند

۷۱۰

نظر بر آنت لیاقت و شایستگی عالیجاه ذوالفقار خان
خسته درین روزها از فرزانان مایون منصب سرکرد
سواره خسته باو محبت گردیده و در ازای منصب
مربوریک طاقت شال ترمه و یک ثوب قشای زر
بشار البه خلعت مرحمت شد

سایر ولایات

آذربایجان در روزنامه آذربایجان درین
هفته چیزی که قابل نوشتن در روزنامه گزینت باشد
نبود مگر اینکه از فرار یک نوشته بودند نواب مستطاب
شاهزاده و الاتباحت دولت صاحب اختیار
مملکت آذربایجان در روز چهارم عید قدغن نموده
که مقرب الخاقان قوام الدوله بمجانبه حکام جزو ازبک
که پرتبر آمده بودند رسیدگی نموده مغزوغ نماید
مشاریه نیز از آن روز مشغول تفریح مجاسبات حکام است

وارالمرز

درین هفته نیز ازین ولایت اخباری نبود که در روزنامه
نوشته شود

فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته بودند در روز
ماه جمادی الثانیه حاجی بنین العابدین خان سیریزی
بکام رفته بود چند نفر از اشرا و الواط بعزم قتل او
پیش از مشارالیه بکام رفته بودند که در آنجا فرصت
یافته او را بھلاکت رسانند بعد از آنکه مشارالیه بکام
وارد شده بودند کی گذشتہ آن چند نفر که در آنجا بکام
او نوشته بودند بر سر او ریخته از طرف چپ خشم میگری

با وزده بودند کویا در کام هم بغیر از مشارالیه کسی نبود
مردم از خارج مطبوع با او مدعی او آمده و آن چهار نفر
گرفتند بجزای اعمال خودشان رسانده اند

دیگر در روزنامه نوشته بودند که چند خانوار از ابلات
سنگلو در رسانیدن متوجبات دیوانی کوتا می
میکردند و براه دار را جواب کرده بودند عالیجاه حاج
ششم خان دیوان پسکی چند نفر سوار روانه
کرده بود که اشخاصی را که مخالفت کرده و در ادای
مالیات دیوان تکامل نموده بودند گرفتند بجزای
که تشبیه بسوند بعد از رفتن سواران مزبور آن اشخاص
فرار کرده و متواری شده بودند و مال وحشری
از آنها در صحرا بود سواران ضبط کرده و بشهر شیراز
آورده بودند بعد از آوردن اموال منسوبه تحقیق نمودند
بودند و مشخص گردیده بود که بعضی ازین اموال از
اشخاصی است که خلافی از آنها سرزده است

بصاحبانش رو نمودند

دیگر نوشته بودند که یک نفر از رهایای گوار در سباز
میتند با مالی شبانکاره نماز نموده و شخص کواری
مقتول گردیده بود عالیجاه حاجی ششم خان دیوان
بیکه از کیفیت مطبوع گردیده و محصلی روانه نموده است
که آن اشخاص را از شبانکاره باورده مقتول از گوار
بشهر شیراز آورده در آنجا تحقیق و رسیدگی شود

و احقاق حق بعمل آید

اصفهان

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری نرسیده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود رضایمان
 حجاز پیر حسن نام که بسبب شش ساله بوده و شال باقی
 میکرد بگردن طرف عصر در کارخانه تنها مانده بوده است ناگهان
 دیده است که چند سنگ شیشه‌های جامکاه که در سقف
 کارخانه نصب بوده خورده و شیشه‌ها شکسته است و در
 آن لفظ از شدت و احمه مدبوس شده و درها بجا افتاده
 بود چون وقت رفتن او بجا از قرار معهود هر روزه دیر
 شده و تاریک گردیده بود پدر و مادر او بکارخانه فرستاده
 رفته و او را در آنجا بدوشش یافته بودند بهمان حالت برداشته
 و بجا برده در میان رخت خواب خواب داده بودند صبح که
 بتمحص حال او برآمد بودند معلوم شده بود که اجنه او را خسته
 کرده اند و بعد از خسته سفیداب بچراحت او ضامنوده
 بطوریکه دلاک باوقوف کسی را خسته نماید پدر و مادر او این
 معنی را بغال میمون گرفتند و چنان تصور کرده بودند
 که جهت آن لفظ خود آنها این عمل سبب فیوضات و برکات
 خواهد بود لکن لفظ فرموده بسبب استیلا و احمه تار روز
 بیشتر زنده نبوده و فوت کرده بود
 دیگر نوشته بودند که شخصی محمد کاظم نام صاحب باغ از
 اهالی شیرجان مشغول شرب خمر شده و زوجه خود را
 نیز که سیده و صبیبه سید علی نامی بوده تکلیف بخوردن
 شراب نموده بوده و ضعیف از خوردن شراب با او بکار
 نموده آن شخص در حالت مستی کار دی بشکم ضعیف
 و ضعیف فی القدر هلاک شده بود آن شخص ملافاصله
 آمده یا از تاسف و ذممت یا از بیم قصاص جان کار در

سجلی خود کشیده و خود را هلاک کرده بود و بسبب
 جناللات و ساءس شیطانی که حاصل کیفیت شرب
 خمر است باعث هلاکت خود و زوجه خود گردیده بود
 دیگر نوشته بودند که در شهر کرمان و حوالی آنجا باوصف
 بودن آب و زمین مستعدار بابان و صاحبان املاک
 در غرس اشجار سالمه و اجمال میگردند اند چنانکه در
 شهر کرمان بواسطه کم بودن چوب و تیر و تخته یک خانه
 تیر پوش در کل عمارات عالی و ادانی یافت نمی شود
 و همه خانه را طاق خستی زده و پوشانده اند و اگر بر
 سبیل ضرورت چوب و تیر لازم می شود باید از راه دور
 بصعبت بشهر بیاورند از آنجا که بنای امیرالامرا و نظام
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بران نظام ورود
 و آبادی ولایت و رفاه حال و آسودگی رعیت است درین
 اوقات که موسم غرس اشجار بوده است همه اربابها
 و صاحبان املاک قدغن آید نموده است که چه در شهر چه
 در بلوکات در هر جا که آب و زمین است درخت بنشانند
 که باعث آبادی ولایت و مس نفع آن عاید ارباب
 و رعیت بشود
 از سمت بلوچستان و قشون مانور بان صفحات بود از آنجا
 در روزنامه های سابق نوشته شده دیگر خبری مجد و پیر
 که نوشته شود مگر اینکه طرق و شوارع آن اطراف که
 سابقا بجهت تاخت و تاز بلوچیه مخوف و بجهت مترودین محل
 بود درین روز با کمال اقیبت را دارد و قواخل و مترودین
 با نهایت اطمینان عبور و مرور مینمایند

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند چون محاسبه
واصناف شهر باعالیجاه نورمحمدخان و شهابی نواب
احشام الدوله بود این اوقات عالیجاه میرزا ابوطالب وزیر
حساب اصناف شهر را با نورمحمدخان رسیدگی نموده است
اجحاف و زیادتیا با حدی نشده و مشارالیه بر عایای بلوچ
و بلوک نهایت خوش رفتاری و سلوک را معمول داشته
و همگی کمال رضامندی را از او داشته اند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا ابوطالب مباشرین
بروجرد را از برای تفریح حساب در دفترخانه حاضر کرده در
حساب میرزا کریم خان که خدا که مودی یکبار تومان و کسری
از مال دیوان بود مستوفی بروجرد و میرزا کریم خان خواسته
بودند که تقبلی و حساب مال دیوان بکنند عالیجاه میرزا
ابوطالب از این معنی مطلع شده حکم کرده بود هر دو را
از مجلس کشیده مال دیوان را حکما دریافت کرده بود

دیگر نوشته بودند که آغا فرج نام سیاه خواجه نواب
احشام الدوله زیاده با اهل ولایت و نوکر در سرخرنیا
فضولی دبی احترامی میکرد و مردم آزاری را شاعر خود کرده
و درین اوقات با میرزا کریم خان که خدا بنای درشت گوی
و هرزگی را که داشته بود عالیجاه میرزا ابوطالب در توبه نمود

دیگر نوشته بودند که نواب ایلدزم میرزا باوج سیلاخوری
ابو اجمعی و لیجان سرتیب و سواره باجلان در صید مرو
مشغول انتظام مهم لرستان و وصول مالیات اینجا
و امورات لرستان از هر سبب مضبوط و منظم است
واحدی قدرت حرکت خلاف ندارد

عربستان

از قراریکه در روزنامه مخمره نوشته بودند امر اینجا از جهت
و هر حیث منظم و مضبوط است و عالیجاهان سلیم خان
و حاجی جابر خان که مأمور خدمات آن حدود هستند در نظر
مخوله بجز در هر یک کمال اهتمام را دارند و کافه الی آن حدود
قرین امن و امان هستند و نواب شهابی زیاده و الا بتی
احشام الدوله در نظم آن حدود و مسواره نهایت ارقبت و
اتهام را دارند

اخبار دول خارجه

درین هفته در روزنامه های فرنگستان اخبار دولتی خبری
نبود که قابل ترجمه و نوشتن در روزنامه باشد مگر اینکه
اشوبی که در مملکتین ایتالیا و مجار که هر دو جزو ممالک استریه
شده بود بسبب نظم و تدارک تمام که دولت استریه داشت
موقوف گردیده و آرام شده بودند گفتگوی عمده که ما بین دول
فرنگستان بود است و با جزئیات اخبار فرنگستان بود که در روزنامه

سابق بکرات مفصلا نوشته شد و موافق خبر آخر که آمد پنج
دولت بزرگ فرنگستان متفقاً از دولت انگلیس خواهش
کرده اند که فواید بسیار از ولایت انگلیس اخراج نمایند و در سرخرنیا
خواین انگلیس درین خصوص بحث و مشورت شده است و بعضی
از وزیران گفته اند که اگر این اشخاص قصد برسم زدن دولتی
که با دولت انگلیس دوست باشند داشته باشند
اشوبی در ممالک پادشاهان دول خارجه بکنند
قاعد و قانون ولایت انگلیس آنها را از ولایت انگلیس
میتوان اخراج کرد اما باید انجمنی بگردان این اشخاص
ثابت بشود

احوال متفرقه

مورخین فرنگستان بلکه اگر اهل تاریخ عالم مصر را از جمله قدیمین آبادیهای دنیا میدانند و آثار شهرهای قدیم و غیره که در آن ولایت پیدا میشود دلالت بر اینست برایشان قدیم بودن آنجا و در آن ایام قدیم آبادی آن ولایت یک برصد بیشتر از حال بود است کل رعیت این ولایت بسته برود نیل است و چون که بر و ایام یک وزل باد آورده و بجایمانی که آب رود نیل نیست ریخته است سال دست زمین حاصل آنجا کمتر شد و صحرائی کبیر که لم یزرع و مطلقا حاصل نمیشود سال بسال زیاد تر شد است احوال آثار جلال قدیم مملکت مصر درین روزها همان نوشته اند که شهر بسیار بزرگی که رمل کلاً او را فرو گرفته بود است درین روزها از زیر خاک پیدا کرده اند در مصر بتی در قدیم الا ایام آنسکه تراشیده بوده اند که بدن و دست و پایش بر کشتی و ازینجه بالا بصورت زن درین روزها خاک آنجا را که این بت بوده است باد برده و سر بت فرور از زیر خاک پیدا شده بود سیاح و غیره در آن اطراف بود این خبر را که شنیدند برداشته و با آنجا برده زمین را شروع بکنن نموده بود و معلوم کرده بود که جای شهر قدیم است از پاشای مصر اذن گرفته و عمل زیاد در آنجا برآید آنجا را که تا بحال یک کوه چیده کرده است که طولش هزار و سیصد ذراع است و بسیار اسباب آن ایام را بر کتب غریب در آنجا حجت است و چونکه این اسباب و کل این شهر در زیر یک ماسه نده و رطوبتی نداشته است چندان اسباب و بنای او ضایع نشده و مانند روز اول مانده است

در یکی از روزهای فرانس نوشته اند که چند نفر از اهل

۷۱۴

یکی دنیا از جانب صاحبان کشتی آن ولایت بملکت سوس آمده اند بگذر دولت با با خلق فراری مسیخی میکنند که کشتیها برای فراریهای فرنگستان بیاورند که از آنجا به سوسی دنیا خصوصاً آنها را که درین روزها از خاک استریه بیرون کردند

ایضا در روزنامه فرانس نوشته اند که موسیو دوبرگنی از جانب امپراطور فرانس مامور شده است که برود در وینیه پایتخت استریه بنشیند بجای وزیر مختار فرانس که مقیم وینیه بود و از آنجا مامور با قاضی استامبول کرد

در کشتی سازخانه و قورخانه شهر طولان که یکی از شهرهای بزرگ فرانسه است و قورخانه و جای کشتی ساختن تعمیر کردن زیاد دارد درین روزها آتش افتاده است آتش را زود خاموش کردند و بعد از آنکه تحقیق کردند که این آتش از کجا بوده است معلوم شد که کسی قصد این آتش را انداخته بود بجهت اینکه پارچه چوب نیم سوخته و قطاب که بقیه گرفته بودند و بعضی چیزهای دیگر که زود آتش میگردد در یک جا جمع یافته بودند اما محرک این عمل نمورید است

در زمستان گذشته در بعضی بلوکات فرانس خصوصاً در شامپین کرگنما بسیار زیاد و جوشیده اند بطوریکه گذشته از آنکه کوسفند زیاد کشته اند چند نفر مردم را نیز زخمی کرده و اطفال را برده و خورده است

از فرانس حساب تجاری که در مملکت فرانس چاپ نمیشد قند و شکر که از چند رجا میارند درین سال بسیار زیاد ساخته و حالا سیصد و سی و شش کارخانه قند سازی و شکر سازی در چند رجا در مملکت فرانس دارند

در مشورتخانه فرانس گفتگویی شده است که اجرت مکتوبات
 خلق را که حل و نقل می کنند کمتر نمایند و قاعده بگذارند که هر چه
 اجرت این مکتوبات باشد صاحبان کاغذ پیش بند
 چون دیدند در ولایت انگلیس که این قاعده آمده است اندام
 زحمت تقسیم کردن و جو کردن کاغذ کمتر شده و منفعت
 دیوان زیاد گردید و هم خلق بجهت رسیدن نوشتجات
 آسوده شدند در ولایت انگلیس اجرت مکتوبی که بیشتر از
 یک ورق نباشد و شاهی است اگر هر دولتی که بدو
 داده اند در روی او باشد اما اگر بعد از رساندن کاغذ
 اجرت او را بگیرند چهار شاهی است و از آن وقت که در دست
 انگلیس این قرار گرفته است از حساب کرده اند که از هر صد
 کاغذ نود و هفت کاغذ اجرتش پیش داده میشود و سه کاغذ
 بعد از وصول و در مملکت بلژیک که اجرت یک کاغذ اگر پیش
 ده شاهی و اگر بعد از رسیدن کاغذ پند شاهی است
 حساب کرده اند که از هر صد کاغذ نصد کاغذ اجرتش پیش
 داده میشود و چهل کاغذ اجرتش بعد از رسیدن و در ولایت
 فرانسه که اگر پیش بند باشد بعد از رسیدن اجرتش یکت
 از هر صد کاغذ هفده کاغذ اجرتش پیش داده میشود و باقی
 بعد از رسیدن حال میخواهند در مملکت فرانسه نیز اجرت
 مکتوبات را مانند ولایت انگلیس قرار بگذارند و چونکه حل و
 نوشتجات خلق در اکثر دول روی زمین از جمله مالیات
 عمده دولت باعث آسودگی و پیشرفت کار خلق است
 چند وقت است که در مشورتخانه فرانسه بحث گفتگو و
 مشورت درین باب می کنند که قرار درستی بگذارند

از شهرت است که در مملکت مجار است نوشته اند که قشون
 خبر بانجا رسید که امپراطور استریم را زخم زده اند اما
 میت مردم جمع شدند و در کلیت با شکر از سلطنتی امپراطور
 بعل آوردند اما از مردم آنجا بعضی را گرفته و حبس کرده اند
 که میگویند آنها نیز خبر ازین عمل داشته اند سهل است
 چند نفر در یکی از میخانهای آن شهر سلطنتی نیمی نام
 که امپراطور را زخم زده بود میخوار کی مسک کردند و قشون
 داشتند که معین در آن ولایت مبادا یک سورش با
 نمایند اما گویا از آراه که دیدند که قشون و چاکران دیوان
 استعداد تام دارند بروزندادند
 در روزنامه های دینارک نوشته اند که در چله کویک
 رستان گذشته سر ما در آنجا شدت کرده بود و در شهر
 کوپن تا کن و آن اطراف برف زیاد آمده بود و مردم
 در عوض کالک که چرخ در کالک که بچ بود ما بین مملکت دینارک
 و مملکت سویدن در بای با یکی است که یک فرسخ عرض
 دارد و کمان داشتند که اگر سرما بآن شدت خنجر
 دیگر دوام بکنند این دریا بچ خواهد لیت و اهل آنجا ما بین مملکتین
 بردی بچ عبور و مرور خواهند نمود
 از هندوستان نوشته اند که جنگ در مملکت پیکو پوتیه
 بود و اهل برمه باز قشون کشی بان سست کرده بودند که بک
 شهر پیکور از دست قشون انگلیس بگیرند قشون انگلیس
 حمله آنها را کرده بودند و اهل آن اطراف شهر پیکو پوتیه
 و حوز را در زیر حمایت دولت انگلیس کشیده بودند که ضرب
 و صدمه از قشون پادشاه برمه نبینند و موافق خبر آخر که
 از هندوستان آمده معلوم نبود که این جنگ و دوام میشود یا نه

۷۱۵

از اسکندریه مصر نوشته اند که در زمستان گذشته پاشای آن مملکت در مصر علیا بود اما در آخر خرداد کوهک بشه قاهره پای تخت مصر را حجت کرده بود در روز دوشنبه که کشتی بخار که یک تیر و بره انداخته اند منفعت جسم بدو و هم بخلی می رساند و سیاحت در آن ولایت آن شده سیاحتان زیاد درین سال مبرآمده اند خصوصاً از این کوهک تا دنیای شمالی در اسکندریه مصر بخار از اهل فرنگستان و سایر ممالک روی زمین بسیارند و اکثر تجارت ایشان از فله و سایر محصولات مصر است از جمله پنبه و غیره درین گفتگونی شده است ما بین قونسولهای دول خارجه و پاشای مصر درین باب که بخار دول خارجه حاصل از رعایای آن پیش فرمیکند یعنی هنوز وقت درو و برداشتن حاصل پول پیش میدهند و قیمت ارزان سلم میخورد پاشای مصر گفته است که این معنی خلاف قاعده است از آنرا که باید اول مالیات دیوان ازین حاصل برداشته شود بعد از آن حاصل فروخته شود اهل دیوان زیاد ازین کاره کرده اند و در وسط مملکت مصر پول پیش داده و حاصل حزیه اند و باین سبب گرفتن مالیات دیوان مشکل شده در روزنامه انگلیس درین خصوص نوشته اند که حق بجانب دیوان است

در مملکت مجارستان و در اکثر ممالک استریمه بنامند که قشون را کم بکنند اما درین روز ما کم کردن قشون را معروف کرده اند سبب انباشت در مملکتین مجاریا

شخصی در مملکت سیکی دنیا چرخ و اسبابی اختراع کرده است

که در عرض چرخ بخار بیاید و در حش این است که در عرض اینک بخار آب با استعانت آتش حرکت بدید هوا را گرم میکند بی آب و چرخ را حرکت میدید یک کشتی دریایی بهین طور بره انداخته و میخواهد بولایت انگلیس بیاید و در بعضی از روزها ناهماهنگی نوشته اند که این طرح کشتی حرکت دادند اختراع این شخصیت چند سال پیش ازین در ولایت انگلیس اینطور چرخ می ساختند و لکن هرگز موفق نبوده اند یک شدت حرارت آتش میل و چرخ آهن را زود جدا میکرد اما اگر این قاعده هرگز بکند بهتر از چرخ بخار میشود زیرا که لازم نمی شود که اینقدر آب بردارند و جانی که در میان از برای این چرخ لازم است در صورتیکه بی آب بود کمتر میشود

در ولایت انگلیس دوباره گفتگونی بود است که قشون را زیاد بکنند و شهرهای اطراف را در کنار دریا با ساختن سنگرو باستیان و غیره محکم نمایند و پیش این نیت که با دول دیگر گفتگونی داشته باشند بلکه ازین راه است که دولت انگلیس بسیار بی تدارک اند و تکلیف هر دولتی این است که حالت از ولایت خویش بکند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجرب با کمال در محله نزدیک دروازه دولاب الطباع شده از نیزه از کمال مجالس المتقین بیت و هزار پانصد دینار
 حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و پنجاه
 سما عالم جلد چهارم بخار الاوار سه تومان و دو دینار
 تغییر اسم عسکری یک تومان

۷۱۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز پنجشنبه ۱۱۴

نمره صد و پنجاهم

قیمت روزنامه

یک ششماهی یک ریال

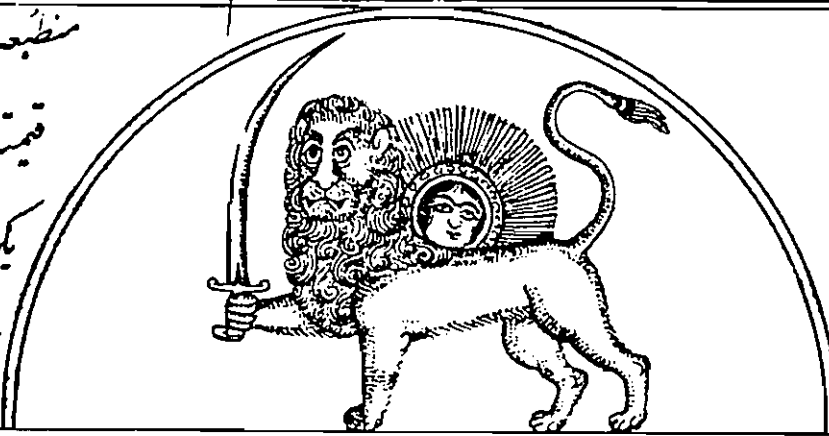
سه سال چهار هزار ریال

منشعبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار سطر یک ریال

بیشتر با هر سطر بیشتر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است چون
 خاطر اعلیحضرت پادشاهی مایل استظام امر در ^{دارالخلافه} ^{و القون}
 میباشد گاهی نفیس در تحصیل متعلمین و تعلیم ^{تعلیم} ^{تعلیم}
 رسیدگی و توثیق میفرمایند از جمله در روز ^{ششم} ^{ششم}
 این ماه ساعت بغروب مانده بدر سه فرزند شریف
 فرما گردیده بدر سه متعلمین بجان بجان رسید فرموده و تا
 یک ساعت و نیم در آنجا تشریف داشتند و بعد از آن
 بیابغ لاله زار تشریف برده چای و عصرانه در آنجا صرف
 فرمودند و نزدیک بغروب آفتاب بجمارت مبارکه
 از ک سلطانی مراجعت فرمودند

آن ساحت بوده نزدیک بغروب از آنجا بمقر سلطنت

عظمی معاودت فرمودند

و هم چنین باقتضای خرمی فصل بهار و طراوت و لطافت
 هوای شیرین خاطر اعلیحضرت پادشاهی مایل
 چند روزه توقف قریب نیاوران گردیده در روز ^{پنجم} ^{پنجم}
 بیت دویم موکب پروزی کوکب هایون از دارالخلافه
 طهران حرکت و بجمارت جدید نیاوران که درین اوان
 نهایت خرمی و صفارا دارد با الشوکه و الاقبال نزول
 اجلال فرمودند و بعد از چند روز توقف و تفریح و سیاحت
 آنجا بزودی مراجعت خواهند فرمود

بسم الله از میامن الطاف الهی و طالع فروری مطالع عصر

پادشاهی هوای دارالخلافه طهران و حول و حوش اطراف
 درین اوقات و کمال خوبی و اعتدال است و نسبت به سایر
 سابق که غالباً درین موسم که قریب بچهل روز از عید نوروز
 میگذرد هوای گرم می شد اما سال از تقضات خداوندی
 بسبب بارندگیهای متوالی و موقوع بودتی که درین فصل
 برهوا غالب و هنوز آثار کربا هیچ ظاهر نشده است بخصوص

درین هفت که از روز پنجشنبه گذشته چند بار بارندگی زیاده
شده و برف بطوری آمد که کوه سمران را سرسره نمود و در هوا
برودت و صفائی بهم رسیده که نسبت به انهای دیگر نازد
قرار که تا حال بارندگی شده است بعد ازین هم بارندگی
اقتصادی موسم بارندگی نماند هم هوای سرد و موسم
صاحبان املاک و زراعت امید واری کلی حاصل خواهد
که حاصل غلظت بیشتر از سالهای دیگر بیاید

عالیجاه طه اسفلی خان در محل خود لاجان خراب شده با اینکه
چند نفر متمر و غیره و چند رسد سال در آنجا بوده اند هیچکس
استیسی نرسیده است

دیگر در اخبار شهر نوشته بودند که از روز دوشنبه هفت
گذشته آنچه اطباء تشخیص داده اند آنرا با خوشی و باد محبت
سکلیج بروز کرده است تا بعد خداوند عالم حفظ نماید

امورات قشونی

از افواج افشار بعد رشت نفر عقب مانده بودند درین اوقات
بهرای تقی بیگ یا در فوج هفتم افشار وارد در انخلا ف
طهران گردیدند و بعد از چند روز روانه خراسان میگرددند
که بفرج خود ملحق شوند

مصب تیرسی فوج نصار درین روز صاحب الامر
پادشاهی بجای حاج حسن خان پسر مقرب انخان خان جانی
مرحمت گردیده و فرمان نسیمون درین باب مشرف

فوج قدر سکی استر ابا جمعی عالیجاه وزیر علی سنی خان

حسب الامر با یون درین روز ما مرض خانه شده که چندی
رفته در خانهای خود استراحت نمایند تا وقتی که امور
خدمت شوند

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه اینولایت
نوشته بودند نواب مستطاب شاهزاده و الایا شیمه
حکمران مملکت آذربایجان علاوه بر آنکه اهتمامات زیاد در
کلیه امور آذربایجان دارند مسواره کمال مراقبت در نظم
و ادب خانها و امر تذکره عبور بعل می آورند از جمله این اوقات

در روزنامه شهر نوشته اند که حاجی محمد ابراهیم بر اثر طهرانی
دکانی در بازار جدید جنب امامزاده زید دارد و قریب بیست
روز متجاوز است که طایفه اجنه در مقام اذیت او برآمده اند
بطوریکه با طابری او را یک وقت غفلت بمیان بازار میریزند
و از سقف دکان سنگهای بزرگ بجانب او می اندازند و
بیشتر و شانه او میخورد و اما چندان دردی ندارد و گاهی نقل
و نبات از سقف دکان میریزند سقف دکان سوراخ میزند
و میگویند آنچه معلوم کرده اند از سقف دکان این حرکت میشود

و اللهم علی الراوی

بسبب بارانهای منوالی که درین روز آمد در روزنامه
نوشته اند که بعضی خانها و طویله خرابی بهم رسیده لکن
بکسی اذیت نرسید از جمله در شب بیت و دویم مطنج و سیر
و بالاخانه نواب شاهزاده بهرام میرزا خراب شده اما کسی تلف
نکردیده بود و همچنین چند روز قبل در محله سنگلیج خانه جرای
شد چند نفر در میان خانه بوده اند مجرد فهمیدن بیرون دویدند
یک نفر زن بعد از همه خبردار شده و خود را بمیان درگاه
بوده است که سقف پائین آمده و راهم بعد از آنکه خاک و خرابی را
عقب ریخته اند تنه راست بیرون آورده اند و هم چنین طویله

قدغن کرده اند که اگر کسی بدون تذکره بولایات آنجا برود مستخفین در دوازده و سوارهای مستحفظ دور شهر او را گرفته بیاورند که نواب والا از او مواخذة نموده دیگر احدی بی بجائی نرود و باین سبب امر تذکره آنجا نظم کامل دارد

دیگر نوشته بودند که مرحوم اخوند ملا محمد حجة الاسلام علی الله که وفات یافته بود قروضی در دتمه داشته است نواب مستطاب حشمته الدوله مبلغ دولت تومان از بدیعی نامقان داده اند که بقروض مرحوم مشارالیه داده شود

دیگر نوشته بودند که آقا حبیبی حکاک ساکن محله پل سنگی صبح بی بازار آمده و دکان خود را کسوده چند ساعت نشسته بعد از آن بملا اسدالدکتب دار گفته بود که بازوی چپ من بسیار درد میکند مشارالیه قدری بازوی او را مالش داده بود و بعد از آن برخواست بمسجد مقبره آمده نزد محراب روشرق خوابیده دستهای خود را به پهلو انداخته بود شخصی که در آنجا بوده است دیده است که این مرد خواب و هیچ حرکت نمیکند نزدیک آمده دیده بود که وفات کرده

دارالمرز

گیلان از فرار یک در روزنامه رشت نوشته شد مقرب انخاقان عیسی خان خاکم گیلان که بجهت ملاحظه نکر از بی بان حد و دینت بود تباریخ چهارم ماه حب مراجعت نموده است مدت هفت روز در آنجا توقف داشته نوبکر آنجا بوقت دیده است و بناد داشته که پانزده روز در آنجا بماند بجهت ناخوشی و با که در آنجا

شده بوده است زیاده از هفت روز در آنجا نماند است

فارس

ازین ولایت درین هفتة اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود

خراسان

از فرار یک در روزنامه سبزوار نوشته بودند فرمان بان که حب الاشارة العلیه بجهت تحقیق قسبان بکده سبزوار شرف صد و یازده بود تباریخ دوازدهم ماه ربیع با آنجا آورده و در چهار و بیسم باه مزبور در بالای مسجد جامع زمان مهرلعان حضرت آقا سید جابون شائشای را با تعلیقہ جناب جلالت اب صدر عظیم خواندند در وقتی که جمیع ضعیف و شریف و عیال بده و بلوک در آنجا حضور داشتند و جمیعاً بشکر گذار در لت قوی شوکت علیه افتادام نموده اند از فرار یک نوشته اند اهل آن ولایت ازین تحقیق زیاده خویشند و شاکر بوده اند بطوریکه مکفته اند اگر ده هزار تومان تحقیقات داده می شد مردم بگویند خوردنی شد

کرمانشاهان

در روزنامه این ولایت نوشته بودند که تیموری بقوت خیالات باطله و وساوس شیطانیه او غای بعضی مقامات میکرد و چند نفر از عوام را فریفته بوده است و خیال داشته است که کم کم جمعی را بایرزه خود داخل سازد و براه ضلالت بنده از چون دفع اینکه اشخاص که مخرب دین و مایه کفر ابی و اعوان عوام از طریق شرع متین می شوند از خلع لوارم است نواب هر دو عیال از فرار یک نوشته بودند حب حکم هابون شائشای او را برای اعمال خود رسانده و التفتشند او را فرو نشاند است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امر آنکه
 از اتهامات اولیای دولت قاهره و مزید مراقبت
 امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کراچین
 قرین کمال نظم و انضباط است و از احدی خلاف قاعده
 و بی حسابی که دلیل بر بی نظمی باشد صادر نمی شود و اگر
 کسی مصدر سرقت و خلاف قاعده شود فی الفور بمقام متنبه
 و تادیب او برمی آید از جمله از قراریکه نوشته بودند پوچیان
 که دو عاده توپ از دارالخلافه طهران بکرمان برده بودند
 بعد از ورود با شمشیر چون هنوز از طرز و طور و نظم و برآفتاب
 امیرالامراء العظام سردار استحضار نداشتند در بیرون
 شهر شرب کرده و آثار بدستی از آنها صادر شده بود
 بعد از استحضار سردار بر این معنی تنبیه کامل از آنها بجا
 آورد است که مایه عبرت سایر توپچیان و اهل نظام آنجا
 بشود و کسی را هم که بآنها شراب فروخته بود گرفته و مجبور
 نموده است

که بنا دارند از آن بدینند که ملت جهود را که بقادر
 مشورتخانه دولتی راه نمیدانند حال از آنها نیز وکیل در مجلس
 مشورتخانه باشد و بعضی رفتار که نسبت با ایشان ناجای
 در ولایت انگلیس میکردند مانند این بود که از اهل خارج
 باشند و رعیت دولت انگلیس محسوب نشوند حال در بی
 که داده اند این است که مانند سایر رعایای دولت
 انگلیس با آنها نیز رفتار نمایند

دیگر نوشته اند که گفتگو در خصوص فرارهای فرنگستان
 که بآن دلالت پناه آورده اند باز در میان بود و هنوز
 تمام نشده بود و لیکن بجان داشتند که این گفتگو را بجا
 تمام نمایند که کل دول خارج که بدولت انگلیس دوستی
 و مودت دارند راضی باشند

عشما

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که صارم پاشا
 حاکم طابزان شده است و سوار کشتی بخار دولتی که
 طایف مینامند شده بود که بطرازان بیاید

دیگر نوشته اند که لاردر کینگ کالج کبیر دولت انگلیس معتم
 اسلامبول در روز سه شنبه بیت و چشم ماه جمادی
 وارد اسلامبول شده بود

دیگر نوشته بودند که بعد از عید نوروز در سمت ارزنة الروم
 و سرحدات ایران و آن اطراف هوا بسیار سرد شده
 و بارندگی زیاد کرده است از جمله در ارزنة الروم نوشته اند
 که در بیت و سیم و بیت و چهارم جمادی الاخری در
 کرده و آثار از ده ملا سلیمان الی قریه که در آن سمت است
 و موسوم بخراسان و نزدیک ارزنة الروم است

و هم چنین نوشته بودند که بخانه و نفر عتیت دزد
 بعضی مخلفات جزئی برده بودند مراتب بعضی امیرالامراء
 سردار رسیده بلکه خدای آن محله قدغن کرده بود که با
 عهد و اموال سر و قد براید یا اینکه سارق را پیداکرده
 بدست بد چون دزد معلوم نشده بود غرامت اموال
 آن د نفر از که خدای محله گرفته و بآنها داده بودند که بعد
 ازین که خدایان محلات در نظم شهر مراقبت یابد عمل آید

اجبار دول خارجه

انگلیس از لندن پای تخت این ولایت نوشته اند

۷۲۰

برف چنان آمده است که تردید شکل شده بود
و نیز از ارزنده الروم نوشته اند که جناب جلالت مآب
فولول شیل ایچی مخصوص دوزیر مختار از جانب دولت
بهینه انگلیس که سالها معتمد دارالخلافه طهران بود درین
روزنامه حاجت بولایت انگلیس نمود در روز پنجشنبه پنجم
رجب وارد ارزنده الروم گردیده بود و بنا داشته است
که چند روز در آنجا توقف نماید و بعد از آن بسمت طرابلس

روانه شود

استریه

از شهر وینس پای تخت این مملکت نوشته اند که امپراطور
استریه را که زخم زده بودند زخمش بالمره خوب شده
و بتاریخ اول جمادی الاخری بکلیت سای بزک آن
رفته بود و جمعیتی از خلق هم در آنجا حاضر شده بودند
که شکرانه سلامتی امپراطور را بجا آورند

درین روزنامه عهدنامه تجارتنی مابین روسین استریه و پروسیه
بسته شده و باعث آسودگی خلق گردیده بود و این خرسه
سبب مزید مودت دوستین خواهد بود

در باب مفقودین مملکت استریه در مجارستان که چند وقت
سابق بر این بنیاد استند که آن مملکت را دوباره هم
زده اغتاشش برپا نمایند نوشته اند که در کل ممالک
مجارستان ازین اشخاص بودند و بنا داشته اند که اول
بشهر گومارن بیاورند چاکران دیوان منجر شده و بعضی
از مقصربین را گرفتند و یکی از آنها که تقصیرش ثابت شده
بود حسب احکام دیوان گشته گردید

در خصوص فراریهای پیشه که در مملکت روسین نوشته اند

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است دولت
استریه از دولت سوئیس خواهرش کرده است که فراریهای
مربور را از آنجا بیرون نماید و دولت پردهس نیز درین باره
هم مصلحت دولت استریه است زیرا که رعایای آن دولت
که در ولایت خودشان مقصد دیوان بودند بدو تسلیس

رفته اند و پیوسته در خیال اغتاشش و جسم زدن
دولت خارج هستند و دولت پردهس قشون نیز بان
فرستاده اند و امپراطور استریه در خصوص فراریهای
مربور خد حکم داده و این احکام را در روزنامه اعلان کرده

از جمله اینکه هر کس از آن مملکت فرار کرده باشد ملک
و اموالش ضبط دیوان است و این حکم هم نسبت بانهاست
که درین ایام آخر اغتاشش و جنگ بدو تسلیس کردند
هم نسبت بانهاست که سال پیش ازین بدو تسلیس
و جنگ کرده و رفته اند

فرانس

تاریخ روزنامه آخر که از پاریس پای تخت ایولایت روسین
ستیم ماه جمادی الاخری بود و قرار داده بوده اند که جلوس
فرانس در روز سه شنبه عزة ماه شعبان با خود پایاک بزرگت
کتولیک و پادشاه روم است باید در آنجا حضور داشته باشد که
دعائی که قانون کتولیک است در جلوس امپراطور بخوانند

و دیگر نوشته بودند که وزیر مختار از جانب پادشاه پروسیه
مخصوص از جانب دولت اسپانول ایچی مخصوص از جانب
دولت بعدن همه حضور امپراطور فرانس رفته و مبارکبادی
از جانب دول خودشان بجهت عود سی امپراطور فرانس نموده بودند

پروستیه

در یکی از روزنامه‌های پرستش نوشته که پیر مردی از انا
 قشون که در جنگ حمل سال پیش در قشون خدمت کرده بود
 و درین اوقات مجلس شنی پیدا آن ایام بر پا کرده عیسی و عیسی
 میزدند و برادر پادشاه پرستیه چونکه خود نوشته بود
 بجلس جن آنا یا یکا غدی با بل آن مجلس نوشته بود این
 مضمون که چنان سال قبل ازین من خودم سر کرده همین قشون پرستیه
 بودم و روبروی دشمنان غیرت و شجاعت این قشون پرستیه
 کمال ظاهر کردید و منظور جمع شدن قشون امروز این است که
 رشادت و جلال و فتح و استقلال آن ایام را بیا د خلق بسازد
 حال سی و شت سال است که صلح و امنیت می بینیم و این
 که جنگ آن ایام است اما روزی خواهد شد که دوباره جنگ
 و آشوب بر پا شود زیرا که اعتقاد من این است که ما و ایسکه
 بی نوع بشر در روی زمین هستند در میان شان جنگ و
 آشوب خواهد بود و اگر خدا نخواسته دوباره جنگ نشود
 از قشون امروز نیز خاطر جمعی دارم که مانند قشون آن ایام
 بارشادت و شجاعت جنگ خواهند کرد

احوال متفرقه

از جمله محتاج عمده که در فرنگستان دارند یکی این است که
 تمامی کوچا را از سنگ تراشید و فرس می کنند و درین
 خصوص چند چیز دیگر اختراع کرده اند که بلکه خرس کمتر و
 دوامش بیشتر شود و چونکه در فرنگستان اکثر تردد در کوچه
 بکال که مشو چرخ کالک و عآ که در میانش بار سنگین
 گذاشته باشد اگر فرس کوچا را محکم سازند زود جدا
 میکند و درین روزها در شهر باستان سینی و بنای شمالی

از چو دن چیزی ساخته اند بزرگ دایره کرد ریخته اند
 مانند طوق دوره چرخ عاده و میانش هم مشبک از
 چو دن ریخته شده است که پای اسب میانش زود اینها
 در زمین فرس می کنند و میانش را که خالی است از یک
 ریزه پر میکنند و سبکو بند پاسا محکم میشود و بجهت تردد اسب
 و کالک که غیره بهتر است

وسط مغرب زمین را که در کتب جغرافیا افریقا می نامند
 در روی نقشه تفصیل نوشته اند و از کسانی که سباحت
 معموره دنیا را کرده و نوشته اند کمتری آنجا نوشته اند
 بروند و احوالات آن سمت روی زمین در تاریخ قدیم
 یا تاریخ این ایام هیچکدام از روی تحقیق نوشته نشده و
 سرچشمه رود نیل هنوز درست نمیدانند که از کجاست
 و بسیاری از رود خانهای عظیم هم در سمت مغرب
 این مملکت بجز محیط داخل می شود از آنچه بسیاری از
 سیاحان فرنگستان از در بلاد داخل این رود خانها
 شده و بیان ولایت رفته اند و خیلی از آنها هم بایسب
 بی آب و هوای آنجا تلف شده اند یا بدست خلق آنجا
 کشته شده اند درین روزها هم چند نفر سیاح از من
 بان سمت رفته اند و بعضی جاها که تا حال کسی ندیده بود
 سیاحت کرده و تفصیل آنرا نوشته اند بعضی از رود خانها
 بزرگ را که از بحر محیط سبت بالا رفته و دیده اند بخلاف
 اکثر رود خانهای روی زمین هر چه بالا تر رفته و بسر چشمه
 نزدیکتر شده اند رود خانه بزرگتر شده است و بان سبب
 کان کرده اند که باید در وسط مملکت افریقا در بالای آب
 شیرین با و این رود خانها از آنجا جاری خواهد بود

۷۲۲

از فغانستان یا از سمت مشرق یکی دنیا به کلی فارسیا
میفرستند باده سه چهار ماه در روی دریا راه بروند
که ربع مملکت سینکی دنیا جنوبی و شمالی را دور میزنند
اما اگر این نهر ساخته بشود در عرض این سه ماه راه سه
شش روز راه ندارند زیرا که آنجا که خشکی است تخمینا سی
چهل فرسخ راه است و بعد از ساختن نهر نوبت راه را در
بقره معتین از کشتیها که در آن راه میروند خواهند گرفت
و گمان میزند که اگر چه در اول اخراجاتش زیاد خواهد بود
اما مسافت کلی بجهت بر کس که درین راه مایه بگذارد و شریک
این عمل بشود خواهد کرد نهری که میجو اهند با زیست
ذرع باید عمق داشته باشد و چهل ذرع عرض دارد و هر
نهر که داخل دریای می شود لنگر گاه خواهند ساخت

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که در هندوستان
دولت انگلیس لول طلای قدیم الوالات را که مهربانان
در عرض مالیات میگیرند و مردم گمان میکنند که دولت
تولیش می کند که صمت طلا بجهت فراوانی طلای استرالیای
و کلی فاریا تنزل بکند و این حسد سبب تنزل قیمت پول
طلا شده است و صرافان و تجار در هندوستان پول
طلارا با قیمت ارزان میخرند و میفرستند بجایای دیگر و
منفعت زیاد می کنند
در سنگه پور که جزیره میباشد در بحر هند و در سر راه
کشتیهاست که بچین میروند درین روز معدن ذغال
سنگی حبه اند و چون کشتی بخار که مابین هند و چین رود
بکند ذغال سنگی زیاد باید بردارد و باین سبب

سباح دیگر هم از مملکت حبش داخل وسط افریقا شد
و در آنجا که نزدیک بحر استواست که مهادیده است
که چنان مرتفع اند که برف مدعی در سر آنهاست و چشم
بعضی از رود خانها را دیده است که آبشان داخل رود
نیل میشود اما هر چشمه خود رود نیل را تا بحال کسی معلوم
نکرده

دولت انگلیس و دولت سینکی دنیا شمالی
بنا دارند که مابین بحر محیط آلمنتیک و بحر محیط معتدل درجا
که پانامه سینا مندی که خشکی باریکی است مابین سینکی دنیا
جنوبی و شمالی نهری بجهت کشتیهای بزرگ بسازند
چند سال پیش ازین گفتگونی مابین دولت انگلیس و
یکی دنیا شمالی درین خصوص بود و بنا داشتند که آن
از طریق داده شود که ایلی مملکتین این نهر را حفز نمایند
و کثوره باشد بجهت تردد کشتیهای کل اهل روی زمین
سبب زیادتی اخراجات تا هنوز این نهر ساخته نشده
و اگر بجهت تردد کشتی که چک بسازند شازوه کرده
دارد و لکن این کشتیها که بدریا میروند کشتیهای بزرگ
و بجهت تردد کشتیهای نوبور آب نهر با پشت ذرع عمق
داشته باشد زیرا که کشتیهای بزرگ که در بحر محیط
میروند هفت ذرع چیزی بیشتر میان آب می نشینند و
اگر باید نهری ساخته بشود که پشت ذرع عمق داشته باشد
چهل ذرع و در مابین سمت مشرق سینکی دنیا تا سمت
مغربش حال تردد زیاد است جائی که آبادی یکی دنیا
ز نزدیک بدریای سمت مشرق این مملکت است و معادن
طلای کلی فاریا نزدیک بدریای سمت مغرب است پارا

۷۲۳

تجارتی که محل می کنند اگر این معدن دغال سنگی در آنجا
 درست کار بکنند منفعت زیاد و سبب اهل کشتیهانی که بان
 میروند خواهد کرد و نزدیک بسنگ پور طلا هم حبه اند و قری
 نیز در آورده اند اما معلوم نیست که منفعت بکنند یا نه
 در هنگامی که پادشاه بواریه در روم بود جاهانی که قشون
 فرانسه توقف داشتند در ایام محاصره آن شهر همه را
 کشت و سیر کرده و جاهانی که ما بیچ و سنگ و غیره ساخته
 بودند همه را تماشاکرده بود و از تجارت قشون فرانسه
 درین محاصره کردن و گرفتن شهر بسیار خوش آمده و سینه
 و خیلی قشون فرانسه را از هر سبب توصیف و تعریف کرده
 در مالک انگلیس در دو جا حاضر آنجا دارند یکی در پانچی
 لندن و یکی در هندوستان که محض هندوستان است
 و تا بحال اذن نداده اند که در جای دیگر حاضر آنجا نه
 بنیادند اگر چه مالک دولت انگلیس در روی زمین مغرب
 بسیار از یکدیگر دور و این قاعده سبب حجت زیاده
 خلق شده است و لکن باعث منفعت تجار گردیده است در
 استرالیای که طلا در می آورند خاک طلا یا پارچه پیش که از زیر
 زمین در می آورند بقیمت ارزان میفروشند و لکن طلا می
 کم یاب و کرات از آنجا تجار خاک طلا را میخرند و بولایت
 انگلیس میفرستند که در آنجا فروخته شود و موسم چنین تجارتی
 در لندن نشسته اند اول مسکوک بکشتی باری می کنند و مملکت
 استرالیای روانه می نمایند که در آنجا بقیمت خوب رواج
 از انگلیس تا مملکت استرالیای تخمیناً چهار ماه یا پنج
 راه است هم طلا از آنجا بولایت انگلیس می آورند و طلا
 مسکوک را در آنجا بقیمت خوب میفروشند

۷۲۴

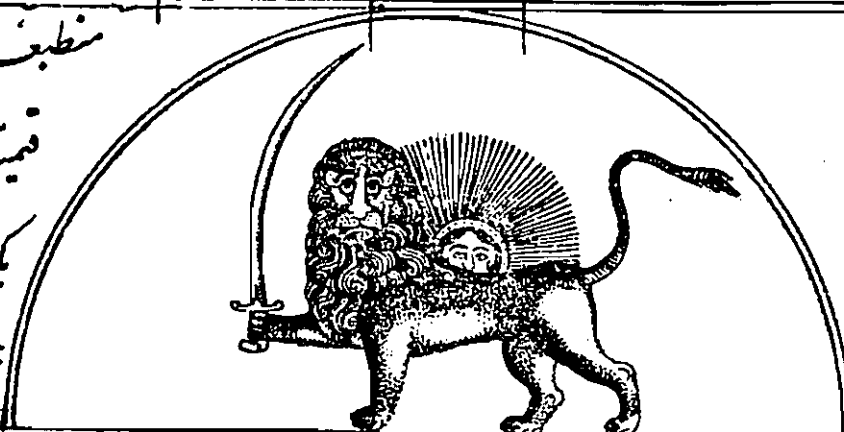
تسویس راه و اخراجات زیاد جسم دارد از آنجا
 اهل انگلیس که در آنجا تجارت دارند بدولت عرض کرده اند
 که اذن بدهند که در مملکت استرالیای حاضر آنجا نه
 اما معلوم نیست که دولت عرض آنها را قبول بکنند یا
 در مملکت فرانسه نسبت به بعضی مالک دیگر سبب کم
 مخصوص این اصیل و نجیب این سبب هر سال از ولایت
 انگلیس اسب میخرند و از برای قشون سواره نظام و توپخانه
 و غیره از دو مملکت اسب میخرند یکی از مملکت انگلیس و یکی از
 مملکت منسه و باین جهت دولت فرانسه پول زیاد از
 خرج میکنند که بلکه اسبهای را که لازم دارند در ولایت
 خودشان بعل بیادند و درین سال در دستور العمل
 اخراجات دیوان پانزده هزار فرانک که پنجاه هزار
 پول ایران باشد آنچه اخراجات الهی زمین کرده اند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید
 در محله زده دروازه دو لایه الطبع شده از انبار
 فروخته میشود
 مجالس المتقین بیت و دویست و پانصد
 حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و چهار
 سما عالم حلیه چهارم بجا الانوار سه تومان و دویست
 مجمع السیاحین سشش تومان
 تفسیر امام عسکری یک تومان
 شاننامه چهار تومان و نیم
 خدمت نظامی نه هزار دینار
 دستبان یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پسریم ماه شعبان المعظم مطابق سال ۱۲۶۹

شماره صد و نوزدهم
قیمت روزنامه
یک ششده سیریکه
صفحات چهار هفتاد



منطبت دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر الجهار سطر یکبار
بیشتر پنج سطر
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی درین اوقات در عمارت جدید تشریف نیاوران شیران تشریف داشت و اکثر خدام در بار سپهر حشام نیز در آن اطراف جمع منزل کرده یا چادر زده اند یا در خانه ها سکنی نموده اند که ملزم رکاب همایون و حاضر انجام خدمات محوله بخود باشند

نظر بفرموده اسم لوکانه در باره نواب مستطاب شاهزاده والا تبارار و شیر میرزا درین اوقات از وزارت زمان مهرلعان مبارک حکومت دارالخلافه طهران و توابع آن را که پایگاه سر بر خلافت و جایگاه اوریک سلطنت و از سایر ولایات ممالک محروسه بر تقدیم و شرف بزرگی داشته و حکمرانی این ولایت نسبت سایر حکام دیگر ولایات بحسب رتبت و قرینت و مکانت اقبال و اختصاص بهم رسانده بنواست معنی مغفوض و اورا با عظامی این رتبت از حسیع حکام و اوردگان و فرماندهان ولایات سمت اختصاص و اقبال دادند که

از ابتدا ای بده اسنه او دیل و ما بعدا حکومت دارالخلافه مبارک که مخصوص نواب مغزی اسپه بوده و در ازانی مرزور یک لوب جبه ترمه لاکه تخمیر دار از طبوس خافه خاص باد خلعت مرحمت فرمودند
هم چنین نظر بقدمت خدمت و حسن کفایت و کار دانی و راست فطرتی عالیجا مقرب انخاقان میرزا امیر مستوفی و دیوان اعلی وزارت نواب مستطاب شاهزاده والا تبارار و شیر میرزا و داد و ستد معامله دیوانی را از اطراف و بلوکات و دهات خالصه دیوانی را از ابتدا ای بده اسنه او دیل و ما بعدا لعنده کفایت مقرب انخاقان مشارالیه مغفوض و مرجوع فرمودند و فرمان همایون درین باب بشرف صدر دریاخته با عظامی یک لوب جبه ترمه لاکه محشع و مباحی کرده که با بحال امیدواری مشغول نظم خدمات محوله بخود باشند
چون امیرالامرا انتظام مقرب انخاقان میرزا محمد خان کشیکچی باشی سالهاست که ابا عیجده مشغول خدمت گذار

۷۲۵

دولت ابد مدت بوده و مخصوصه از بد و طلوع نیز این دولت ابد
 آیت طور ابعدها را کفایت و کار دانی و مراسم خندگزار
 خود را ظاهر ساخته خدات مقرب انخافان مشارالیه در خاکهای
 اعلیٰ حضرت قوی شوکت پادشاهی زیاد مقبول و مطبوع افتاده بود
 لهذا با قضای مرحمت کامله سلطانیه یکقطعه نشان صورت تمشان
 هایون که اجل عطا یاست با فتح مقرب انخافان مشارالیه
 و عنایت شد و فرمان مبارک نیز شرف صدور یافت

چون عالیجاه و لیخان پسر عالیجاه چراغ علیخان نایب الحکومه
 که پیشکش حضور هایون را در شب عید نور و سلطانیه بدر بارش
 هایون اعلیٰ آورده بود مراتب قابلیت و شایستگی و استعداد
 او در خدمت اولیای دولت قاهره مشهود و کشف افتاده
 بر حسب حکم هایون اعلیٰ او را بمنصب غلام پیشخدمتی سرفراز فرموده و
 دیست تومان هم بصیغه مواجب در بان او حمت و بر
 شن فرمان مبارک نیز شرف صدور یافته یکقطعه نشان و کتوب
 قبا برسم خلعت مشارالیه عنایت گردید

امورات قشونی

نظر بطور مراتب کفایت و ارادت و صداقت امیر الامراء العظام
 اجودان باشی که اجل مقربان درگاه سپهر چشم حسن بنکوبندگی
 و خدمتگذاری او در نظام امری که منصوصه نظام روز بروز
 پیشگاه حضور پهلوان پادشاهی بیشتر در قبول و استیحان یا
 شایسته مزید حمت و ارتفاع مرتبت و توفیق و توجیه کامله
 و عنایت شد و خبر دانی گردیده درین اوقات بزمید تقرب
 اختصاص و امتیاز یافته علا و منصب جلیل اجودان باشی
 که داشت با عطای رتبت نبیل سرداری سربلند و پیر
 ممتاز و ارحمید گردید و فرمان مهر لعلان در باب این منصب خطیر

شرف صدور یافت با حاکمی که مخصوص این مرتبه است بانضمام
 یکقطعه نشان صورت تمشان یمثال هایون با فتح امیر الامراء العظام
 مغزی علیه حمت عنایت گردید

نظر بحسن قابلیت و استعداد و شایستگی عالیجاه ابو حسن
 پسر عالیجاه علی بن تهمی خان سرتیپ فوج قهرمانیه این اوقات
 حب الاشارة العلیه او را بمنصب سربسکی سرفراز فرموده
 و فرمان مبارک نیز شرف صدور یافت

چون عالیجاه حاجی میرا محسن مراتب انعامات و شایستگی
 خود را در خدمت محوله بخود مشهود و کشف داشته اند
 اوقات از قرار حکم نظامی بمنصب نیابت دویم اجودان باشی
 سرفراز و مبلغ صد تومان اصلا و اضافه مواجب بانضمام
 جیره در وجه او از دیوان اعلیٰ حمت گردید

فوج ششم تبریزی ابو اجمعی مقرب انخافان محمد خان میر
 که احضار رکاب حضرت انتساب سالیون شده بود
 در روز یکشنبه بیت و دویم ماه گذشته دارد و انخافان
 مبارک که طهران گردیدند

و هم چنین افواج حتم دم جدید گرا از جمعی عالیجاه علی نقی خان
 سرتیپ که احضار رکاب هایون شده بودند در روز بروز
 وارد گردیدند

اخبار شهر

چنانکه در مقدمه گذشته در روزنامه شهر نوشته شده بود
 درین روزنامه ناخوشی و با کمی در شهرت و لکن بحمد الله نسبت
 بناخوشیهای سالهای سابق چندان شدت ندارد و
 معالجه که عالیجاه مقرب انخافان حکیم کل که حکیم باشی اعلیٰ حضرت
 پادشاهی نوشته بود و در روزنامه سابق در نمره ۱۱۷ نوشته

۷۲۶

بعضی اشخاص خوب فایده کرده است از جمله چند نفر که نامش
بوده اند مقرب الخاقان شارالیه و کان او بهمان لفظ
سفید بقرا یک نوشته شده بود معاصی کرده اند و اغلب
یافتند

در روز یکشنبه پست هفتم ماه گذشته شخصی از اهل
هرسین در شهر دزدی کرده بود او را گرفتند نزد
استاد شاهزاده و الا تبار را در شیر میرزا حاکم دارالخلافه
طهران آوردند و بعد از محقق شدن دزدی او نواب
معزی الیه حکم نمودند تنبیه و سبب استی که سزاوار او بود
نموده و در بازار را گردانده اخراج بلد کردند

در پنجین در روز دو شنبه سلخ ماه گذشته نیز شخصی بزرگ
از اهل طهران دزدی کرده بود مراتب بعضی نواب معزی الیه
رسیده و او را هم بعد از تنبیه و سیاست حکم باخراج
بلد نموده از دارالخلافه طهران بیرون کردند

سایر ولایات

آذربایجان درین هفتة اخباری ازین ولایت رسیده است
رنجان

از فرار که در روزنامه رنجان نوشته بودند فتحعلی نامی اندر ری
که از توابع طارم بوده زمین را بجهت زراعت شیار سبزه در
ریز زمین خنی یافته است که اطرافش را باخورد و آب مسدود
کرده بوده اند مطلب را مخفی داشته و روی خیم را با زوشانده
و شبانه با سمداد و نفر دیگر خیم فرور رنجان پسر حقویری
برده پنهان نموده بوده اند مراتب توسط تبول دار انجا بعض
عالیجاه مقرب الخاقان میرزا صدخان حاکم رنجان رسیده
اولا فرستاده جای خیم و قطره قد او مشخص نموده اند که تخمیناً

پانزده من شیر یا امثال آن سیکر فته و از فرار مذکور در میان
خیم فرور نقره بوده است آن سه نفر را که آورده اند هرچنان
تحتین کرده اند چیزی بر در نداده اند اما اقرار کرده اند که
خیمی سر بسته بود و بخانه پسر حقویری بیک برده و سپردیم
و از پسر حقویری بیک نور تحقیق شده است

دارالمرز

گیلان و مازندران ازین دو ولایت درین هفتة
اخباری نبود

استراباد

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته شده بود امورا
از ولایت و کمال نظام است و اهل آنجا در نهایت رفاه
و آسودگی میباشند و زراعت آنجا امسال بسیار کثرت
شده و بارندگی فراوان کرده امید داری بسیار برای
زراعت کاران آنجا حاصل گردیده است و همه در کمال شکرند

میباشند

دیگر نوشته بودند که از فنی آباد شش نفر لقمچی بشکار فته
بودند در وقت مغرب به پنجاه سوار ترکان برخوردند
و با آنها شلیک نموده بودند سواران نور شکست خوردند
یک نفر ترکان در سرتیر افتاده و با نوقت دو نفر از
علامان یوزباشی رسیده ترکان را سمر کرده و سر او را
بند مقرب الخاقان محمد ولیجان بیکر بسکی استراباد آوردند
بودند و شارالیه با آنها خلعت و انعام داده بود و دیگر
نوشته بودند که عالیجاه محمد علیجان فوجردی در نظم طریق
و رفع سرفتن ترکان کمال انعام را دارد
کرمان ازین ولایت اخباری در هفتة آینده نوشته خواهد شد

۷۲۷

اصفهان

از قرايکه در روزنامه اين ولايت نوشته اند کمال
 ايفت و انتظام در آنجا حاصل است و تا چهارم
 رجب نوشته بودند که بارندگی درستی نشده بود
 اگر چه چند روزی آب در رودخانه جاری بود اما معلوم
 که مایه که موجب اطمینان و امیدواری اهل زراعت باشد
 ندارد تا اینکه از تفصیلات چند اوندی در شب چهارم
 ماه منور از اول شب تا غروب روز پانزدهم صلی الا
 باران و افزاده و اراضی آنجا سیراب نموده ازین بگذرد
 امیدواری کلی برای عموم اهالی آنجا حاصل گردیده
 به عاکوفی و شکرگذاری دولت علیه استعجال دارند

آنجا او را استقبال نموده و لوازم احترام را بعل آوردند
 و بعد از ورود و مشاوره بقریه داران چون از بی اعتدال
 صنباط سابق بعضی دعات محال منبوعم بررع مانده و
 آنجا متفرق بجایای دیگر شده بودند فرستاده آنها
 آورده و استمالت داده است و بقدر چهار صد خرد
 ستم بجهت زراعت کاری آنها داده و با کمال اطمینان و
 امیدواری آنها را بدعات خودشان فرستاده است
 که مشغول زراعت و رعیتی خود باشند

عربستان

انفواج فیروز کوچی و دماوندی متوقف اصفهان از قرايکه
 نوشته بودند همه روزه برسبیل استمر مشغول مشق و
 قواعد نظامی می باشند و صاحب مضیمان آنها کمال
 در انتظام و مشق فوجهای منور دارند و عموم خلق اصفهان
 از حسن سلوک و رفتار آنها نهایت رضامندی دارند
 و هم چنین نجفعلی خان سلطان توپخانه مبارکه با سایر
 توپچیان ساخوی اصفهان همه روزه مشغول مشق میباشند
 و هم چنین نوشته بودند که عالیجا میراحسن این توپخانه
 مبارکه در رسیدگی بعربان و مرافعات مردم کمال اهتمام
 و رسیدگی دارد و اهل آنجا نهایت رضامندی از حسن
 سلوک و رفتار او دارند

از قرايکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند از آنجا
 اولیای دولت قاهره و نزدیکان و اشراف
 هشام الدوله کمال ائین و رفاه و تاسیس سنج عجم
 اهالی آنجا حاصل است و منت کمال و فوز را دارند غله
 پارسا لیسار و فوز وارد و ارزان است و حاصل
 هم در هر جای آن ولایت زیاد کاشته شده و بسبب
 زیاد که درین اوقات شده است امیدواری کلی دارند
 که غله از سایر ایلهای دیگر بیشتر و بهتر بیاید و ارزانتر باشد

دیگر نوشته بودند که قبل از عید نوروز ستان روز باران
 زیاد آمده و وسیل برکنجته بود بطوریکه رودخانه سوسر طغیان
 زیاد نموده و بند مرحوم محمد علی میرزا بخی در زیر آب مانده بود و
 اشتهت کرده بهم آن بوده است که بند را خراب نماید و آب
 آب زور آورده و سطاتدی را که سته بندی کرده بودند برداشته
 و بند از تلویش خرابی محفوظ ماند و آنجا را که آب خراب کرده بود
 شاهزاده و ابا را هشام الدوله قرار گذاشته اند که طاق بر بند گذارند

اخبار دول خارج

انگلیس روزنامه آخر که از این ولایت رسید تاریخ یوم
جمعه مضمون جمادی الشانی بود از اخبار دولتی چیزی که قابل
نوشتن درین روزنامهها باشد نبود بجهت حمل و نقل توپهای سنگین
با اسبها و قورخانه و توپچیان و غیره در راه آهن چرخ بخار
بطور غریب تازه اختراع کرده اند عراب ساخته اند بسیار محکم
و بروی چرخ آهن گذاشته اند و توپهای سنگین را با توپخانه
و توپچی و اسب و اسباب بروی او گذاشته در اندک
مدت براه انداخته و چرخ بخار را بسته اند که در چند ساعت
بهر طرف مالک انگلیس که بخواهند می توانند حرکت بدهند

هندوستان

کاغذ آخر که ازین ولایت رسید تاریخ روز شنبه سیم
جمادی الاول بود از مملکت برمه نوشته بودند که پادشاه
آنجا وفات کرده بود و مادرت معلوم نبود که او را کشته اند
یا خودش مرده است و درین خصوص چند قسم نوشته است
یکی از اهل آن ولایت که ادعای سلطنت میکرد نیز در آن
که در آن ولایت بود آدم فرستاده بود که جنگ را موقوف
نماید و سردار نیز برزفته بود که او را ملاقات کند و بنا
داشت که یک سرتیپ و سه نفر صاحب منصب بر سیم چرخ
پای تخت بفرستد مردن پادشاه برمه را که پادشاه آووه
نیز مکه نیک که پای تخت است قسم دیگر نیز نوشته اند
که چون سمت جلگه و زمین سوار آن ولایت که حاصل خیر است
خصوصه برنج که خوراک اکثر اهل آن ولایت است پست قشون
انگلیس افتاده بود داد و در پای تخت کم یاب شده و احتمال
و اختلاف مابین اهل آنجا روی داده و وزیر اول از پادشاه

یا غنی شده و پادشاه را از تاج و تخت انداخت و بعضی
میکویند که پادشاه را کشته و اقوام او را محبوس کرد قشون
برمه شهر پیکورا محاصره کرده بودند که بلکه از تصرف قشون
انگلیس بیرون و روند وقتی که این خبر از پای تخت آووه آنها
رسید اغلب قشون برمه خود را پس کشیدند اگر چه در میان
جنگلهای اطراف آن شهر تفکیکی بسیار بود و اگر کسی تنها
از شهر بیرون میرفت او را به تیر میزدند و یک صاحب منصب
انگلیس همین طور کشته شده بود و در بعضی جا بهای دیگر آووه
باز جنگ بود و در یک جانی شش عراده توپ و قدری
قشون انگلیس سبب حصاری رفته بودند و نتوانستند بگیرند
کردند در جای دیگر حصاری سخت بالای کوهی بود قشون انگلیس
که آن سمت رفته جای جنگ بود و کوههای بسیار بلند
قشون انگلیس شب بی صد رو بروی حصار مزبور فرستادند
حصار از نزدیک بودن قشون انگلیس بی خبر و سسه در حصار
بودند یک دسته از قشون انگلیس بالای بلندی رفته بمیان اهل
حصار که در خواب بودند شلیک کردند و دسته دیگر بر سر
بروه داخل دروازه حصار شدند و اهل حصار همه کتر سخت
اسباب جرب و هر چه در حصار بود بجا گذاشته بودند
و در جای دیگر هم که قلعه بود و قشون انگلیس از دست اهل برمه
گرفته اند باز داخلن چهاره و ششک جنگی داخل برمه را از آن
قلعه بیرون کرده اند و قلعه را متصرف شده اند و ضمیمه
رنجیر قبل بست قشون انگلیس افتاده است با عرابه های بسیار
و درین حصار توپها بسته اند ترکیب غریب که از فی ساخته
و باطلاب سیم بسته بوده اند و همه ترکیب بوده اند معلوم
شده است که این توپها را محض یک فیه تیر اندازی ساخته بودند

۷۲۹

که کلوله اش در رفته و منزل میرسیده است و خود تو بچشم
و خراب می شده است و دوباره دیگر تیر از او انداخته
انگلیسها آذوقه از راه رودخانه بشهر پر دم فرستاده بود
و کشتیهای جنگی هم در شهر پر دم حاضر و جمیاد است

فرانس

از پاریس مای تحت این ولایت بیخ ششم جاوی انشا
نوشته بودند که چون موسیو لانا رکی ده طور قوز بر
خارج فرانس مامولت اسپانیول شده است که از
دولت فرانس بصب ایچی کبر معتم اسپانیول باشد
امورات وزارت دول خارج را از جانب خود موسیو
وزیر قشون بحری فرانس سپرده است تا وقتیکه وزیر دول
خارج دیگر معین شود

در گزیت دولتی این ملک اخبار کرده اند که در فصل بهار
دو سال بعد این مانند عمارت بلور لندن که بجهت نمونه
و اشته و امتع کل روی زمین گشوده شده بود در پاریس
برپا و گشوده خواهد شد و درین روزها فراری و مخصوص
اجناسی که از هر ولایت بفرستند خواهند گذاشت

در شهر پاریس مردم در باب آمدن پای پای رومه بشهر پاریس
گفتگو میکردند و اندک شایه پادشاه رومه و بزرگ
گنولیک عیسویت و قرار بود است که بجهت جلوس و تاج
گذاشتن امپراطور فرانس بشهر پاریس بیاید و بگویند چند
تخلیف بدولت فرانس کرده است و این کالیف منظور
که تسلط خود را پادامورات دینی در خاک فرانس بشهر
درین روزها و اسپانیول نام که یکی از مقتدین فرانس

الآن مجلس است در پاریس و است شده و معتمدین
پاریس کو با میخواستند از روز خود را بر مردم بنامند که مردم
بفهمند که هنوز بی قوت شده اند و فنی که لغش ضعیف تر بود
بیرون میگردند که در فنی نمایند از کوهها و خانهها مردم بیخ
و در عقب او میرفتند حتی بیست هزار نفر در اندک مدت در
اتجام جمع شده بودند دولت فرانس نیز قشون در آورده
و جمیای رفع آشوب آنها شده اما سفید بن کاری کردند
و بدون جنگ و نزاع جمعیت آنها از یکدیگر متفرق گردید

در گزیت دولتی فرانس که با نیتیر میانند شرحی چاپ
زده اند از زبان تجار در دمان دولتند و لایست
که سببی بر اظهار دوستی و یگانگی ما بین انالی دولتین
و فرانس است و چون که دوستی و مودت اینست
میدانند باید اهل فرانس و انگلیس آنچه از دستان برآید در
اسحکام مودت سعی و کوشش نمایند که این دوستی
روز بروز زیاد شود و هرگز بر هم نخورد

اسپانیول

ازین ملک نوشته اند که بنا دارند از یکی از تجار لندن که
نام او برینک است صد و بیست و پنج طبلان فرانک که تخمیناً
بیست و پنج کرد پول ایران میباشد و فرض بکنند پیش ازین
دولت اسپانیول مانند اکثر دول فرانستان در نزد
تجار تو انکران انقدر اعتبار نداشت و هر وقت که پول
قرض میخواست از فرار صد و ده یا صد و دو و اندوه و در بعضی
اوقات هم صد و پانزده در سال منفعت میداد اما
این پول که حالا قرض میکند از فرار صد و ده و پانزده

۷۳۰

در سال نفع سپید بد

سویس

ازین مملکت نوشته اند که دولت استریه در سرحد مملکت خودشان قشون بر باد گذاشته بودند که مانع تردد قشون ما بین خاک مملکتین استریه و سویس باشند و درین روزها در کل آن سرحدات قشون گذاشته اند و بعضی جاها را که چندان سخت نبود سخت تر کرده اند و از بعضی ممالک که چک نیستند هم قشون بان سمت فرستاده اند از جمله آن مملکت وایمنبرغ و بواریه اگر چه تا بحال هیچک از این دولت از سرحد سویس تجاوز نکرده اند و لکن جمع کردن قشون در آن سرحدات علامت جنگ میدانند و اهل این دولت کوچک سویس هم بغیرت آمده و مشورتخانه خودشان عرضیه داده اند که مبادا طوری باشد که دول خارجه امورات داخله ولایت سویس تصرفی بکنند که قانون آزادی آن ولایت برهم بخورد

در روزنامه گذشته نوشته شده بود که دولت استریه اموال فراریهای مملکت لاتباردی را که داخل ممالک خودش میباشد ضبط دیوان کرده است دولت سویس نیز دایلمچی خودش که در استریه پیا شد کاغذی فرستاده است که بامنای دولت استریه ابلاغ نماید توسط بکنند که بلکه این حکم را نسبت بکل فراریها مجری نمایند

استریه

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند در روز یکشنبه دو تیم جادی انسانی امپراطور استریه سلام نمودند و کل ایلیان دول خارجه مقیم پای تخت وینه

کصفور امپراطور آمده بودند و نفر جراح امپراطور که زخم او را معالجه کرده بودند مورد انقیاد امپراطوری گردید یکی از آنها را نشان داده و یکی را از اهل مشورتخانه کرده بلقب باران که از جمله خوانین آنجا باشد

ینسکی و نیای شمالی

موافق قاعده که درین دولت جمهوری دارند که چهار سال بچهار سال یکی از اعیان آن ولایت را رئیس دولت میکنند که بوعده مرور حکماتی بکند جنرال پیرس که یکی از سرداران مشهور آنها بود در تاریخ بیت و سیم جادی الا اول بزرگی آن مملکت برقرار شده است

احوال متفرقه

از شهر فلارنس که یکی از ممالک کوچک ایتالیا میباشد تاریخ بیت و یکم جادی الا اول نوشته اند که یک صاحب منصب انگلیس بآن ولایت وارد شده بود و چونکه در ایام طفولیت در شهر فلارنس بوده است در آن شهر دوست و آشنای زیاد داشت بعد از آنکه مدتی از ورودش دیوانیان آنجا توتم کرده بودند که شاید در آن ولایت مایه افادی بشود حکم کرده بودند که فوراً بیرون بروند صاحب منصب مرور نیز دایلمچی انگلیس که در آن ولایت است رفته بود و گفته بود که خیال دیوانیان اینجا محض از راه اشتباه است و من هرگز خیال افساد درین ولایت ندارم ایلمچی نیز مانع اخراج او شده و بامنای دولت آنجا حاضر جمعی داده بود که این صاحب منصب هرگز من چنین اعمالی که بکنان کرده اند نخواهد شد اما انسانی دولت آنجا قبول کرده و او را از آنجا بیرون کرده بودند و کوبا

۷۳۱

این کذا رسباعت کنگوی لبتین بشود

کشتیهای جنگی دولت انگلیس که بنا بر دو از دهم ماه
 جمادی الثانی در جزیره مالته بودند باین تفصیل نوشته
 در روزنامه اضمیر که دو کشتی که هر یک صد و بیست عراده توپ
 داشتند و در یکی از آنها سردار قشون سحری که امیرال
 دند اسس میماند نشسته بود و کشتی دیگر نود و دو عراده
 توپ و کشتی دیگر نود عراده و دیگری هفتاد و شش عراده
 و دیگری پنجاه عراده و دیگری بیست و شش عراده داشتند
 اینها هر کشتی با دویست و هفتاد و هشت نفر و بیست و شش کشتی
 که در هر یک از شش عراده تا چهارده عراده توپ بود
 و منظور و دو کشتی دیگر نیز بودند که در یکی نود توپ
 و در دیگری شصت و دو توپ و در دیگری پنجاه و یک توپ
 توپ و در دیگری شانزده توپ بود اینها نیز در راه
 بودند که بان کشتیهای سابق ملحق شوند

کم یاب است که این خانها را هنوز تمام شده مردم کرا میگرد
 عباس شاه حکمران مملکت مصر بنا داشت که خانهای بسیار
 بسازد که جای نشین فرنگیها که در آنجا اقامت دارند باشد
 تا بیخ کاغذی که ازین شهر رسید بیت و چهارم جمادی الاول
 بود و در آنوقت آب رود نیل بسیار کشیده شده و کم
 گردیده بود و در ایامی نهری که با اسکندریه میاید بسته بودند
 که آب را در نهر نگاه میدارند و چون که آب رود نیل تا چهل روز
 یا دو ماه از تابستان نگذرد زیاد نمیشود و گمان داشتند
 که تا آنوقت بسیار کشیده شود و ترود کشتیها مشکل باشد
 اما چون که در راه آهن که ما بین شهرهای اسکندریه و قاهره میآید
 جنبی رود کار میگردند گمان داشتند که پیش از آنوقت تمام
 بشود و خلق انقدر محتاج ترود رودخانه نمی شوند بلکه بسیار
 و از خود و غیره از راه این عبور خواهند کرد

۷۳۲

از او دست مملکت روس نوشته اند که موافق حساب در

که دوگ و نه پازمه که رئیس یکی از دول کوچک ایتالیا
 میباشد در خصوص رعایای دولت خودش حکمی ابلاغ
 نموده است که هر کس که در آن دولت باشد و بنحوا

سال گذشته از آن شهر یک ملیان و چهار صد هزار کرا
 غله بوزن انگلیس بنجارج فرستاده بودند که تخمیناً دو کرو
 صد هزار خردوار بوزن ممت عباسی ایران می آید

اعلانات

یا در آن دولت یا در دول خارجه ضامناید تمیبه اوان
 پنج سال تا ده سال حبس باشد و کسیکه مقصود یوان را
 پنهان کرده باشد از سه سال تا پنج سال محبوس باشد

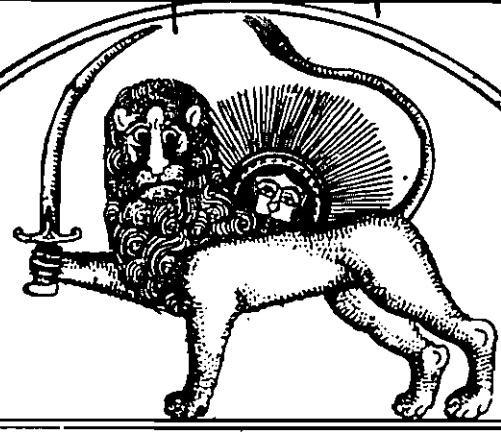
کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید باس
 در نزدیکی دروازه دولا ب الطباع شده از اینقرار فروخته می

- مجالس المتقین بیت و دو هزار و پانصد دینار ۱۰۰
- حاشیه شیخ محمد تقی بر عالم بیت و پنجاه ۱۰۰
- سما عالم حله چهارم بحار الانوار سه تومان و دو ربال ۱۰۰
- تفسیر امام حسن عسکری یک تومان ۱۰۰
- شاهنامه چهار تومان و نیم ۱۰۰

از شهر اسکندریه مصر نوشته اند که کثرت جمعیت در آنجا
 خانها بسیار گران و کم یاب شده اند و درین سال
 کرایه خانه بجا یک زیاد شده است پیرامی ابرهیم باشا
 که مال بسیار دارند بسیار خانها میسازند اما خانها

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه هجرتی پنجم ماه شعبان المعظم سنه ۱۲۶۹

منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر اول هر خط
بیشتر هر خط
بیشتر هر خط



شماره صد و بیستم
قیمت روزنامه
یک نسخه ده روز
خزانه چهار

اخبار داخله ممالک روسیه پادشاهی

دارالخلافه طهران

مذکور در روز دوشنبه بمقام عموم امانی دارالخلافه از ضعیف
و کبیر و صنایع و شریف و تقی و سقی لغجوی از امته اکثر
خزانه عاری و نیاز بدرگاه خالق بی نیاز آورده و در مصلا
خارج شهر جمع گردیده و از در تضرع و توسل بار و روح
رسول مختار و انمه الطهار و آمده اغلب با زبان روزه
مجلس نیت بعد از ادا ای صلوته رفع این بلیه را از درگاه
احدیت مسئلت و حفظ و استعانت مزاج مبارک علیه صلوات
پادشاهی را دست بدعا برداشته و جناب جل العلاء
امام جمیع و جماعت دارالخلافه طهران خلق را ترغیب بطاعت
و عبادت و توبه از معاصی و بذل خیرات و ثمرات و امان
نعمت و صفا نمودند
ناخوشی و باد رین شهر اگر چه چنانچه نوشته شد با الهی نسبت
بسالهای سابق چندان شدتی ندارد و لکن نسبت
بهفته های گذشته قدری شدت نموده باین معنی که روز
شبت با بقناد نفر میزند و بسیاری مردم از شهر بیرون
در و مات اطراف خصوصه کوه پایه جات شیران و جای
سرد سیر و آزار گرفته اند اطباء روی زمین در حضور این ناخوشی

چون قریه آمده لو آسان سبب بیلافت از سایر بیلافت
بلوکات دارالخلافه طهران تمناز و بجزوبت با و بروست
و لطافت هواموصوف است لهذا خاطر اتمس با این
پادشاهی مایل بخند روزه توقف در قریه منور کرده کرده
در روز دوشنبه بمقام این ماه موکب نیروزی کوکبانی
از قریه نیانوران شیران بیسلیاق منور حرکت فرمودند
امورات دارالخلافه طهران از ایتمات اولیای دولت
قاهره حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده و آباء
اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع در کمال
نظم و انضباط است و سرقت و خلاف قاعده کمر اتقان
می افند و اگر کسی مصدر خلاف حسابی شده باشد در مقام
تنبیه و تادیب آن برمی آیند و چیزی که قابل نوشتن
در روزنامه باشد نیست مگر اینکه ناخوشی و باد بعضی
محلات شهر شایع شده بعضی معاصجه و مداوایند و بعضی
تلف میگردند و لکن نسبت سالهای سابق چندان شدتی

۷۳۲

دو چیز استحتسب کرده اند یکی آنکه این ناخوشی در جمیع وارد
 خلق بیشتر بر روی کند و چرا که مردم زیاد تر باشند
 زیاد تر میکنند و بیرون رفتن خلق بسیار فایده دارد که
 رفع توهم آنها می شود و رسم درین فصل با قیصر آب و هوا
 داده و کشت در سیلابات که در غیر ایام ناخوشی منوط است
 نموده اند دیگر آنکه در هر جا که عفونت کسافت باشد محقق
 شده است که زیاد تر مردم را بهلاکت و تلف می آورد و بر
 خلق لازم است که مهاگن هر جا که عفونت باشد با رفع نماید و هر
 متعفن می شود و زود بزیر خاک بکنند حتی طبخ و سلاخ کردن
 و فصلات کوسفند و مرغ را بیرون می کنند بهتر این است که
 زیر خاک نمایند در بعضی از شهرهای فرنگستان که ناخوشی
 و بابرز کرده بود اطبا جمع شده و بعد از مصلحت مشورت
 به مطلب بخلق اخبار کردند یکی اینکه در میان ممال و مبرز
 ایک بریزند که بوی عفونت را رفع نماید دیگر آنکه دیوارهای
 اطاقها و خانها را با آب ایک سفید بکنند زیرا که بخصوص
 بوی بخار ایک سببه رفع عفونت هوا بسیار فایده دارد
 دیگر آنکه مردم در خوراک افراط ننمایند و زیاد نخورند زیرا که
 این مرض کبسی که معده اش ممتلی باشد زود سیرت میکند
 خصوصاً اگر طعامی خورده باشد که قلیل باشد و در تحلیل برود
 غذای مغوی خوب باید بخورد تا آنکه همان قدر که گرسنه ماند چونکه
 بی که صنف داشته باشد یا سفر و حرکت کرده خسته و گرسنه
 باشد رسم زود تاثیر می کند و خوف و واهمه نیز بسیار درین
 ناخوشی مدخلیت و تاثیر دارد حتی کسیکه این ناخوشی را نگرفته
 باشد از شدت واهمه مانند این ناخوشی در وجود او حادث
 میشود در بعضی از شهرهای هندوستان که این ناخوشی دایم الا
 و

است ابل آنجا که در خوف و تشویش نداشتند زیرا که فهمیده
 که در اول بروز این مرض در شخص که اسهال دست مسید بود
 که قابض طبیعت است بخورند معالجه می شود و وقتی که دیگر معالجه
 پذیر نیست آنوقت است که از اول برادرش غفلت کرده باشند و
 مدتی گذشته باشد که دست و پا چنگ بشود و خون متعفن دقا
 لشته باشد و رنگ بدن کبود بشود آنوقت دیگر معالجه مشکل است
 اما اگر پیش از ظهور این علامات بخوردن دوامای قابض مداوم

غالبه صحت می یابند

از جمله اتفاقات غریب که درین شهر افتاده در محله سنگلج میر عبدالرحیم
 اصغهبانی لقب بمولانا در روز دوشنبه با کمال صحت بدن مذکور
 نمود که از توقف این دنیا بکن آمده ام و جانی را در خانه خود قف
 داده گفت برای من اینجا را بکنید و بعد از دفن بجهت زید و خانم هم
 باشد و با کمال شجاعت خود هم آمد و خضر قبر نموده بعد از آن جوارش
 بهم خورده صبح سه شنبه در گذشت و در بنا خمد فون کردید

در روز سه شنبه اینها نزدیک ساعت نوبت به سیلی از کوهستان
 جاری شده و از قنات هر که در داخل ارک و از قنات سنگلج داخل
 سنگلج گردیده اما حسب الامور استطاب هر آرزو و آبار در شهر
 فراش و غیره رفقه جلوات اگر قفه نهند و سیل را بحدق انداخته
 و بجهت خرابی لغارات سلطانی و غیره رسید که اعمال می شود

سایر ولایات

از اجناسایر ولایات آنجا اجمالا درین مقصد نوشته میشود این است که
 و اینکه در میان خلق مذکور است درین اوقات در شیراز زلزله سختی
 عمارات محکم قدیم را انداخته است و بعضی میکوبش شش هزار کس
 زیر خرابیها ماند اما تفصیل بن گذارش هنوز مباشرین روزنامه

اخبار دول خارجه

استریه بعد از اغتاشش در شهر میلان بعضی از احکام سخت و قانون غریب بجهت نظم آن شهر گذاشته اند
خانهای شهر مزبور بچیک از سه مرتبه کمتر نیستند و حکم شده بود از پنجه های مرتبه دوم که رو بکوچه نگاه میکنند از هر یکی قانون روشن کرده بیاویزند حال این حکم موقوف شده است
مگر اینکه بشنوند که در کوچه معرکه شده یا صاحب بیرون می آید بعد آن باید صاحب خانه فائوس از مرتبه دوم خانه اش بیاید
که کوچه روشن بشود و اگر صدای توپ شب از حصار شهر میلان بیاید آنوقت باید از کل خانهای شهر فائوس روشن کرد
باین قسم بیاویزند حکم دیگر اینکه اگر در شهر اغتاشش با صاحب خانه باید در خانه اش را ببندد و کسی در میان کوچه نباید بماند زیرا که اگر در کوچه کسی باشد بقصر من مشتبّه خواهد حکم دیگر آنکه بعد از یک ساعت از غروب آفتاب تا وقت طلوع هیچکس اذن ندارد که نزدیک حصار و ستیانه ها شهر برود و اگر کسی در آنجا پیدا بشود مورد مواخذه و مجازات خواهد شد بعد از اغتاشش مزبور دیوان شهر میلان را جریمه کرده بود و این جریمه بجهت سخته اخراجات قشون ساخو آنجا گرفته میشد درین روزها تخفیف درین جریمه داده شده و آنچه بقیه ببقیه گرفته می شد حالا نصف کرده اند
اما از اول این حسد تا تاریخ روزنامه آخر دیوان چهار صد هزار فرانک که تخمیناً چهل هزار تومان پول ایران میباشد با صدر رس کا و بجهت خوراک و پنجاه رس ماده کاوشبری از اهل شهر بجهت قشون دولت گرفته اند
از سایر دول فرنگستان اجباری نیست مگر آنچه در حواله متفقون نوشته

احوال متفرقه

موفقاً که در روزنامه انگلیس چاپ زده اند از اول پیدا کردن طلا در مملکت استرالیایا با مجال تخمیناً ناس صد و پنجاه طلا از آنجا در آورده اند و بخارج فرستاده اند که قیمت او چهل کر و حساب پول ایران میشود
در باب بیرون رفتن رعایای انگلیس مینگی دنیای شامی مور روزنامه باینطور نوشته اند که تقدیر از زارعین انگلیس از مملکت ایرلند بیرون فرستاده اند که در بعضی بلوکات رعایا بسیار کم شده اند حتی مستاجرین از برای رعیت که رعیت بکند معطل مانده اند در پانیه و رستان بار این زمانه شدند و در اکثر جاهای ولایت انگلیس چنان سیل آمده و زمین حاصل شده بود که نتوانسته بودند تخم بکارند از آنجهت در اخر که زمین قدری خشک شده و فصل تخم کاشتن بود در اکثر بلوکات ولایت ایرلند رعایا لازم داشتند که زمین بسیار بکنند و تخم بکارند با اینکه مزد رعایا باین اشخاص داده اند باز در بعضی جاها کم یاب بوده اند رعایای آنی که از آن قسمت بولایت مینگی دنیارفته اند چونکه در آنجا که زراعتشان خوب میشود پول میفرستند بزرگ اقوام و خودشان که در ولایت مانده اند که مدارک خود را در زمین مینگی دنیاروند و جنسی تسویش بجهت وقت درود از زمین میکنند که اگر حالا که وقت تخم کاشت رعایا اینطور کم باشد در وقت درو و جمع کردن حاصل که عله و زراعت زیاد تر لازم باشد چه خواهند کرد در مملکت انگلیس اکثر زراعت مثل قند روز مزد کار می کنند سابقاً بجهت زیادتی جمعیت مزد با آنها کم می رسید و درست گذران شان نمی شد حال که در

چند سال بعد از آن ولایت بیرون رفته اند و فخر و رفاقت
 کم یاب شده است مزد زیاد میدهند و کارشان بسیار
 خوب پیش برود و بعضی ممالک است که آبادی زیاد دارند
 بهین احوال را دارند مردمان زیاد از آنجا بسینگی دنیا و سایر
 جاهای روی زمین رفتند اما در روزنامه نوشته اند که
 تا بحال بعد از رعایا آنست بیرون رفته باشد که زارعین و
 رعایا در آنجا کم یاب شده باشند ممالک است که آبادی زیاد
 دارند و مردم از آنجا بسینگی دنیا میروند بشمال اتولایت
 افتاده است خصوصاً زنده اند و هنوز بعضی هم از پر و سینه
 ممالک منته

در یکی از روزنامه های سیوس نوشته اند که در جانی از کوههای
 آلبانس برف زیاد بدتر افتاده بود که درین ولایت زمین
 میگویند و حاصل بسیار خراب کرده و درختها شکسته بود
 و خانه های که یکی یکی در اطراف ده بود خراب کرده بودند
 و تمام در زیر برف مانده بود چهار صد نفر از رعایای آن اطراف
 جمع شده بودند که مردمی را که در زیر برف مانده بودند بیرون
 و دوازده نفر زن و نوجوانان فرود آورده بودند و
 بسیاری هم از حیوانات اقبیل اسب و گاو و غیره در زیر
 برف مانده اند و سوزنند اند که چقدر مال و آدم در آنجا
 تلف شده باشند
 در یکی از روزنامه های هند در باب مملکت سیام نوشته اند
 که پادشاه این ولایت سی هزار قشون بطور نظام فرستاد
 دارد و صاحب منصبان آنها همه از اهل نخلیس باشند
 که یا از نظام نخلیس اخراج شده یا خود از خدمت استخفا
 کرده و حال رفقه اند و بان دولت خدمت می کنند

در روزنامه فرانس نوشته اند که شخصی که در علم جراحی و
 طبابت مهارت و حدقت داشت و نام او موسیو فلورین
 چنان دریافت کرده بود که بعضی از غذاها که برنگ ابله
 اینجته باشد همان رنگ باستخوان حیوانی که بخورد تا که
 میکند درین روزنامه موسیو فلورین نام نیز این مرحله را فحینه
 و ابریشم را بعل آورده است با اینطور که هر چه برک توت
 که بگرم ابریشم داده است در میان نیل گذاشته است
 و ابریشمی که بعل آمده بود در رنگ نیل برداشته بود و در رنگ
 دیگر هم به برک توت داخل کرده و بگرم ابریشم داده است
 و رنگ ابریشم کلی بسیار خوب شده است این دو رنگ
 را حالا در ابریشم تقبیه کرده اند که بدون رنگ کردن
 از خود همان گرم همان رنگ بعل می آید این است ای
 کارشان است و کمان دارند که رنگهای دیگر نیز با ابریشم

تقبیه نمایند
 اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید با
 در محله نزدیک دروازه دولاب النطباع شده ازینقرار
 فروخته میشود
 مجالس المتقین بیت دو هزار پانصد و نسیار
 حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و پچهار
 معالم جلده چهارم بجا اولوار سه تومان و دو ریال
 تفسیر امام عسکری یک تومان
 شاننامه چهار تومان و نیم
 ختمه نظامی نه هزار و نسیار
 رستان یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجم ماه شعبان المعظم سن ۱۲۶۹

منظیف دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر المجره یک هزار
بیشتر به هر سطر



شماره صد و یک
قیمت روزنامه
یک نسخه ده هریک
در سال و چهار هزار

اخبار و احوال ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بجهت ناخوشی و باک در این روز در دارالخلافه طهران و حول و حوش آن حادث گردیده از قریب نیوران شمیران چنانچه در روزنامه عمده گذشته نوشته شد در روز دوشنبه هفتم این ماه بیسبب و بیادب لواطان عزیمت فرموده و موکب هایون بانجا نزول اجلا و بجهت لطافت و خوبی هوای آنجا از قراریکه نوشته اند مزاج مبارک بسیار سازگار و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده و سایر خدمت و چشم نیز که ملتزم کاتب و رزی انساب بسیار خوش گذشته است و اعلیحضرت پادشاهی اغلب روزها بجهت تفریح و سیاحت اطراف بیسبب و مزبور و جاهای با وسب و حرم آنجا سوار میشوند
این اوقات حسب الامر قدس هایون اعلیحضرت پادشاهی محض ظهور کمال محبت ملوکانه در باره نواب استیجاب شاهزاده والاینا علیقلی میرزا حکومت خلخال بنواب معزی الیه محبت شده و نواب شاهزاده عباسعلی میرزا که بحسن سلوک و کاردانی و مردم داری موصوف بود بنیاب

حکومت آنجا سرافراز گردید

مقرب الخاقان ساخان المیحانی که در بارهایون آمده بود این اوقات حسب الامر قدس هایون اعلیحضرت پادشاهی مرض خراسان شده و از راه رحمت ملوکانه یک لوب حبه کرمانی ملبوس تن مبارک بافتخار عالیجاه مشارالیه برسم طلعت رحمت و عنایت
مقرب الخاقان میرزا صادق مستوفی این اوقات از اولیای دولت قاهره مرضی گرفته بغیرت زیارت مشهد مقدس روانه خراسان گردید
عالیجاه مقرب المحضرت العلیه حاجی میرزا صادق مستوفی و طایف آذربایجان چون با کمال صداقت و راستی از عهد خدمت مفرقه خود برآمده و در رساندن ستمی انانی او پربا اهتمام زیاده کرده و حسن خدمت او در نظر هایون بحسن و ممدوح افتاده مواری یک لوب حبه ترمه برسم طلعت سرافزای عالیجاه مشارالیه رحمت و عنایت گردید که سبب نبرد معاوضت و امیدواری خود نسبت به ستم پیشتر اهتمام در انجام خدمت محوله بخود نماید

۷۳۷

مرحوم میرزا علی اکبر شکر نویسی که از قدیمی نیکوکاران این دولت علی بود
 و چندی قبل ازین فوت گدید درین اوقات بلاخطه خدمات او
 و ظهور شایستگی و قابلیت عالیجا میرزا غلامعلی پسر او اولیای دولت
 قاهره حسب الاشارة العلیه مشارالیه را بجای مرحوم منوب
 شکر نویسی سرفراز و چهار صد تومان موجب در حق او حرم
 و فواید مبارک نیز بدین باب صرف صدوق

امورات دارمخلای طهران از حسن مراقبت نواب مستطاب شاد
 و الاتبار و شیر میرزا و مقرب انخاقان میرزا موسی در کمال شطام
 هر کس بکار و خدمت محوله مجوز مسئول از جمله مقرب انخاقان میرزا زمان
 دیو انخانه مبارک همه روزه در دیو انخانه حاضر آمد بعد از غایت
 رسیدگی می نماید و سنجید عالیجا محسوس خان کلانتر و که خدا
 محلات نهایت مراقبت در انضباط شهر و حفظ و طراوت اموال مردم
 دارند باینکه بسیاری از اهل دارمخلای نسبت و اید از ناخوشی بسیار
 حوز دار خانهای خود بی آدم و مستحضر ریخته و بیرون رفتند
 کتری سرفت اتفاق می افتد و اگر کسی مصدر سرفت و خلاف
 بشود تنبیه و سزا کسب کرد از جمله دوسه نفر که در شهر و تخریش
 اسباب در دیده بودند یعنی کلانتر و که خدایان بدست آمد نیز در
 میرزا موسی آورده و مرتب بعضی از اسباب از دیده رسید اموال مردم
 استرداد و بصاحبانش تسلیم شد و سابقین حسب احکام
 میدان قاپوچی سیاسی که سرای اعمال آنها بودند که عبرت دیگران
 باشند

از آنرا که انسانی دولت قاهره پیوسته رفاه و آسودگی عموم
 این دولت علیه را طالب میباشد خصوصاً اهل قشون که سرباز و جوانان
 و چون این مرحله ظاهر است که از دحام خلق در یکجا بیشتر موجب ظهور
 و بامی شود لهذا از افواجی که در دارمخلای منوقت بودند چند فوج

مرخص فاند کردند و افواج دیگر هم که در سرباز خانها یا در اردو
 دور شهر بودند از دن مرخصی حاصل کردند که بجای خوش محرم
 که نزدیک بدارمخلای باشد بودند از جمله یک فوج در کربلا
 و فوج دیگر در کن و سولقان و فوج دیگر در کرج و این حکم بسیار
 قاید و دارد هم برای افواج و هم برای اهل شهر و در باب
 مرخصیهای افواج حکم نموده شد است که اگر صاحب مضبان در
 پرستاری آنها تا غافل نماند موافقت باشد از جمله چندی قبل ازین
 یکی از سربازان فوج کرازی ناخوش شده و صاحب مضب فوج
 گفته بود او را دور از فوج در صحرا گذاشته بودند امیر الامراء
 سردار کرازی گفت که مضوره از این معنی مستحضر شد فرستاده بود
 خود همان صاحب مضب حکماً بنف رفتن سبب از ابرود در منزل
 خود پرستاری نماید و بسبب این حکم عموم صاحب مضبان
 از افواج خود کمال مراقبت را دارند

چنانچه در بنقه گذشته نوشته شد در روز سه شنبه ششم
 سبیل زیاد از سمت کومستان شمیران بشهر آمده در دامان
 کومستان رعد و برق شده مگر که زیاد باریده بود و از دره
 اوین و تخریش و آن سستها آب زیاد جاری شده بشهر رسید
 و از سمت دیگر هم از طرف نیاداران در ششم آباد سبیل آمده
 آنچه از سمت تخریش و اوین آمده بود از دره شمیران و
 تا سمت غربی شهر داخل خندق شده بطوریکه نزدیک بود در
 آب خندق بالا آمده بود و سه طرف شهر را دور زده و نزدیک
 بدروازه محمدیه آنجا که فاضل آب خندق میردن می رود پیرون
 و آبی هم که از سمت نیاداران آمد از طرف دروازه دو لایه
 شده و باین آب متصل گردید و از سمت دروازه محمدیه پیرون
 رفت در آنجا آب دریاچه شده که سیصد چهار صد قدم

۷۳۸

لحل و عرض داشت اگرچه قناتی که از آنجا جاری بود آب
سین را بسیار کشید و لکن باز سبیل بالا زده قدری خرابی
سجانه های جدید البسای بیرون دروازه محمدیه رسانید
دوازده باب خانه و یک حمام و یک سنجال و چند باب
دکان و دیوار بسیار خراب شد و نصف پل دروازه
آب برده و در سمت بالای باغ لاله زار هم قدری از
دیوار باغ خراب کرده و آب داخل باغ لاله زار شده
و در دروازه دولت و دروازه شمیران در طرف سنجال
قدری داخل شهر گردیده و لکن نواب مستطاب هزاره
فورا بدفع آن کوشید آقا محمد ابراهیم پسر عالیجاه معیار
و باقر خان نایب فرشته شاه را با آقا عبدالحسین فرشته
خود با فراش و علمه و در و تخته زیاد فرستادند که جلو
لبسته بجنود ریختند و نگذاشتند که بعمارت مبارک
سلطانی و سایر عمارات شهر خرابی برسد و درین حضور
کوشش و اهتمام را نمودند و در روز چهارشنبه نیز محمد ابراهیم
کو شمیران تا شهر آمد اما بدست روز قبل بود و خرابی زیاده

رجب المرجب دار و تبریز گردیده و مسموم محارفات و سرگردانی
و صاحب منصبان و اهل نظام استقبال نموده اند و نواب مستطاب
شاهزاده و الا بنا حشمته الدوله حکمران مملکت از بیابجان
کشتی کوچی باشی خود را با یوزباشی و غلامان و دوزس اسب
باستقبال مقرب انجان خان مشارالیه فرستاده و در کمال
احترام او را وارد ساخته اند و مقرب انجان خان مشارالیه نیز
بجز در و خدمت نواب معزی البیه رفته بعد از آن در احوال
نظام نشسته است و فرمان منصب نیابت وزیر نظامی و خلعت
مدرخلت را که با افتخار عالیجاه میرزا محمود خان سپهر مقرب انجان خان
مشارالیه عینایت شده بود همان روز در خلعت پوشان آنجا در حضور
صاحب منصبان نظام عالیجاه مشارالیه داده اند و او هم
برود و دشمنی است و افتخار خود نموده و هم چنین شان و جاهلی
که از جانب اعلیحضرت پادشاهی عالیجاه قنبر علی خان حاکم تبریز
مرحمت شده بود در روز و در مقرب انجان خان وزیر نظام
پیرایه صدر اعتبار خود نموده است

فارس

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد در فارس راه حرکت
و تفصیل آنرا که نوشته اند تخمینا ده دقیقه طول کشیده است و اگر بخواهند
و عمارات شهر بکلی خراب و منهدم شده است بجز یک نوشته بود
حدود خانای مردم و تیر محلات از یکدیگر معلوم نیست و درین
زلزله آنچه تا بحال موافق اعداد امواتی که از زیر خاک در آورده اند
که تلف شده اند قریب ده هزار نفرند که خود اهل فارس مشخص کرده اند
و اکثری هم در زیر خاک مانده اند که معلوم نیست کیا تندرست
تلف شده و قبلی از خانها سالم مانده اند و در سمت بندر کنکان و سایر
نیز کرک غریب که بقدر کجا که بوده مات خرابی ده و دو کو منهدم ساز
نموده است

درین روزها ناخوشی نسبت بچند روز قبل تحقیقی یافته است خاصه
در محله سنبلج و بعضی مرصها هم معایجه میشوند از جمله حدیجان فایز
که یکی از معلمین مدرسه دارالفنون است چند نفر از مردون
و اطفال را که معایجه کرده است از قرار نوشته عالیجاه ضابطخان
ناظم دارالفنون صحت یافته اند

سایر ولایات

از بیابجان از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بود
مقرب انجان خان میرزا فضل الله وزیر نظام در روز بیت و دویم

کرمان

چون از قاریکه امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار کرمان
 یزد و کرمان بدر بارها یون پادشاهی معروض داشته بود
 در مقدمه فتح و تسخیر قلعجات بلوچستان و کیچ و کرمان هر یک
 از اشخاص مفصله که بامرتب انجاقان عبداللہ خان میرنخود در
 سفر بوده اند و آثار جلالت و رشادت خود را بطور سابقه
 بطور رسائیده و مصدر خدات نمایان شده اند و مراتب
 خدمتگذاری و جان فشانی آنها در خاکپاسی های یون اعظمت
 پادشاهی کشف و مشهود افتاده ریاضه در خج قبول و
 استخوان یافته لهذا بلا حظه پادشاه خدمات و امانات
 آنها در خور هر یک نشان و خلعت و انعام و رحمت و ارسال
 که امیرالامراء العظام سردار با نهاد داده از بذل این رحمت
 آنها را امیدوار سازد

عالیجاه امامعلی خان سرمنگ نشان نقره از مرتبه دوم سرمنگ قطعه
 کلنعلی خان یادر نشان یادوری مینا قطعه
 سلاطین فرج نشان طلا قطعه
 نایب اول و دوم نشان مطلق شش قطعه
 سر بازاران فرج نشان سی قطعه
 میرزا احمدخان یادر نشان یادوری مینا قطعه
 حاجی سمعیل سلطان که زخم برداشته نشان طلا قطعه
 نایب اول و دوم نشان مطلق قطعه
 کریم بیگ دوم توپخانه نشان مطلق قطعه
 اللهوردی بیگ وکیل توپخانه نشان نقره قطعه
 ابراهیم خان بیگ توپچی که در دعوا زخم برداشته نشان نقره قطعه
 سایر توپچیان نشان نه قطعه

۷۴۰

موسی خان قاجار ولد مرحوم ابراهیم خان جبه ترمه ثوب
 امیر سعید خان جبه ترمه ثوب
 امیر علام حسین خان جبه ترمه ثوب
 عالیجاه محمد خان کنگر لود فرج آقا پسرش و نصر اللہ خان یوزنا
 سایر غلامان کنگر لود و مهاجر انعام صدقمان
 چون در مقدمه فتح قلعجات نربوره قاسم آقا باور فرج
 قدیم کرمان ابو اجمعی عالیجاه امامعلی خان سرمنگ مقبول
 و مراتب لیاقت و شایستگی عالیجاه علی اکبر خان در خدمت
 ادبای دولت قاهره مشهود و کشف افتاده لهذا اورا
 یادوری فرج نربور سرافراز فرستاد

یزد

از قاریکه در ضمن روزنامه یزد نوشته بودند در مقدمه ما
 رجب ساعت لغروب مانده بادی از سمت شمال
 وزیده در ابتدا زرد رنگ بوده بعد سرخ گشته بعد سیاه
 گردیده است و چنان سیاه شده است که دو نفر که با
 نشسته بوده اند یکدیگر را نمی دیده اند و در بازارها چراغ
 روشن کرده بوده اند و ضرر کلی از این باد مردم رسیده و
 در برختهای میوه دار زده و ازین باد حاصل تریاک ضایع
 و در رشت موضع از شدت باد سقف بازار خراب شده
 و چهار مدرسه خان آنجا از ریش بیرون آمده است و
 در وسط وزیدن باد مگرک بسیار آمده و بعد از مگرک
 باران آمده و بعد از آن باد ساکت شده است و از
 قاریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند از ابتداء وزیدن
 این باد تا انتها رآن که قطع گردیده است بعد از دو
 ساعت طول کشیده است

اجبار دول خارجه

در روزنامه فرانسه نوشته اند که وزیر قشون بحری خوا
از دولت کرده است که اذن حاصل نموده شش فروند
کشتی جنگی با توپ و قوخانه و اسباب حرب و سایر
ر و بروی شهر طولان بگذارد و شش فروند کشتی دیگر با
با اذوقه مینارد روی شهر بریت بگذارد و شهر طولان در
سست جنوب مملکت فرانسه واقع است در کنار آقی
و شهر بریت در سست شمال مغربی مملکت فرانسه واقع
در کنار بحر اقلینیک و در بروی مملکت انگلیس و درین دو
کشتی سازخانه و قورخانه و سایر کارخانه های آلات حرب
مال دولتی زیاد دارند و کذا شش کشتی و قشون بحری
در و بروی شهرهای مزبور بجهت محافظت آن شهرها

در اوقات نرستان که شخص خانی از اهل مجار امپراطور است
زخم زده بود و سراه امپراطور یک صاحب منصب که نام او کا
او و اذانت بود و آن شخص را گرفته بر زمین زد و شخصی دیگر از
رعایای شهرتیر که حاضر بود بانه اذ آن صاحب منصب آن
مقتضی مزبور را گرفتند صاحب منصب مزبور درین اوقات
سبب آن خدمت مورد التفات کماله امپراطوری و از جانب
اکثر پادشاهان فرنگستان بجهت اوشان آمده است و
شخص رعیت نیز امپراطور سپار التفات نموده و نشان بر او
و عموم اهل استریت نسبت باین دو نفر عزت و احترام زیاد
مستوفی

از سایر دول خارجه درین هفته اخباری نیست مگر آنچه در
احوال متفرقه

احوال متفرقه

اکثر مملکت مکی کونست به بحر محیط سپار مرتفع و سوا
خیلی لطیف و سالم است و اینر حله کمال وضوح را بهر سانه
بجهت اینکه در پای تحت آن ولایت که شصت هزار جمعیت دارد
یک دکان دو سازی بیشتر نیست و کم اتفاق می افتد که
در این شهر مریض دیده شدن باشد
در اواخر نرستان در سست شمال مملکت فرانسه و در ولایت
انگلیس طوفان و باد شدید زیاد شده بود و چونکه در وقتیکه
برف و بوران می شود کشتیها نمی توانند از دریا بیرون
باین سبب بسیاری از کشتیها درین باد و طوفان با
بر یک نشسته یا بسک خورده و شکسته و غرق
شده اند از جمله یک کشتی سجار که از ولایت انگلیس روان
مملکت ایرلند بود و بقدر بخا و نفر در او بودند شب بسک
خورده و شکست و کلی غرق شدند

در آخر نرستان گذشته در شهر پاریس ناخوشی بسیار بود
خصوصاً ناخوشی مطبوعه و محرقه و قسی از تب و لرزه که سابقاً
مزید بودند ولیکن درین چند سال در فرنگستان بهر سبب
هلاک کرده است و این قسم تب و لرزه را کریب نامند مانند
و لرزه مریض سرد و گرم میشود اما ار چشم و دماغش آخسلی می
و در بعضی مریضها آخسرتب محرقه میرسد در پاره قبرستان انگلیس
پارلس روزی بوده که ازین مریض پانزده نفر بجهت نفر دفن
و در قبرستان بزرگ پیرکاشیر و مات مرت پیرکاشیر
می آوردند و یونان آنچه بتواند سعی و تمام می کنند که مردم
روزی چند نفر میزند و لکن مریضها معلوم شده است که از ایام و با
چند سال پیش ازین که در پاریس بسیار مهلک بود اما بحال
ناخوشی مزید اند

۷۴۱

در چهل بزرگستان گذشته در سنت بطرز بزرگ پای تخت
روستیه ناخوشی و با شدت داشت و روزی پانزده نفر
یابست نفر میزدند
تاجرای بزرگ جهود که در فرنگستان مشهورند درین روزها
بد و دولت پول قرض داده اند یکی پادشاه سارتنه
پناه میان فرانک داده اند که تخمیناً داده کرد و پول ایران
میشود و یکی بزرگ مملکت تسکان که دوک مسینا مندیک طبیب
و پانصد فرانک داده اند که تخمیناً ماسه کرد و پول ایران
میشود

معطل مانده اند که کشتیهای آنها همه گریخته و معجن طلا
رفته اند
در فرنگستان پارسی و کوشش کرده اند که عمق سحر محیط را
معین کنند اما چونکه هر چیز سکنین که لطفاً بسته شده دریا
فرود بگذرانند بعد از آنکه بجای جنسی عمیق برسد دیگر پانین میبرد
و از اینجه تشخیص نه دریا مشکل شده است درین روزها
صاحب منصب انگلیس که در کشتی دولتی انجیر محیط آلمنتیک
عبور میکرد و سبابی ساخته است که عمق دریا را معین میکند
و در بعضی جایها آب دو فرسخ عمق داشته است

در فرنگستان گذشته در ولایت انگلیس هوا بسیار خوش گذشته
و بیخندان کم شده بوده است بطوریکه قیمت بیخ که اکثر اوقات
در آنولایت از فرار خرداری پنجه از دینار بود اما سال تجبه بیخ
خرداری چتومان فروخته شده است و بسبب خوبی هوا
در چند کوچه کسنان از داماهی گرفته اند و یکی از آنها را
هفت من وزن داشته و اکثر اوقات آزاد مای در میان
رودخانههای ولایت انگلیس تا یک ماه انجید نورور گذشته
پیدائی شده و دو سال بود که بشهر سوئت همپطان که سمت جنوب
مملکت انگلیس است برف نیامده بود اما سال کمی برف در آنجا
بارین است

چند سال پیش ازین دوی از انگلیس است سحر پنجه قطب کشتیا
فرستاده اند و از آنها دیگر خبری نشده است درین روزها
دیگر بان گسست فرستاده اند که بلکه از آن کشتیهای سابق
که رفته اند و مفقود الاثرند اثری پیدا نمائند تا اگر سه سال قضا
این کشتی را در آنجا دیده اند و ادو قه سه سال را در میان کشتی
گذاشته اند اینقدر ادو قه را احتیاطاً برداشته اند و لکن
ندانند که سفرشان یکسان است طول کشتی در فرنگستان آنجا یعنی
فصل بیخ که در با بیخ می بندد و سمر می شود نه ماه است و این
رستان را در آنجا خوانند و در فصل بهار که هنوز برف
تمام نشده باشد بنا دارند که کشتیها را در کال که بیخ
نشسته زوی برف و بیخ بروند تا بجائی که چند سال پیش ازین
ادو قه در آنجا سحر کشتیها احتیاطاً انبار کرده اند و اگر
با آنجا بروند احتمال میرود که از آن کشتیهای سابق خبری معلوم
نمائند که بانبارهای مزبور آمده و ادو قه برداشته و کاغذ
در آنجا گذاشته باشند

۷۴۲

در یکی از روزهای فرانس نوشته اند که کلبه کلیت
 قصبه نزدیک شهر آریانس را که هفتاد و پنج ذرع
 دارد در نزدیکی آخرستان برق زده بود و چونکه این کلبه
 اگر شش چوب بود آتش گرفته و باد زیاد بود آتش شعله
 گردیده شدت نمود و بجهت زیادتی ارتفاع کلبه سوختند
 آتش را خاموش نمایند و کلبه بعد از چند ساعت سوختن
 و بعضی از خانهای اطراف هم آتش گرفت و مردم زخمی شدند
 اما کسی تلف نکردید

عباس شاه حکمران مملکت مصر صاحب منصبان نسبت
 رود نیل فرستاده است جنبلی نسبت بالای رودخانه
 رفته اند و فهمیده اند که یک شعبه از آن رودخانه نسبت
 افریقا میرود که نسبت مصری آید چونکه کل زراعت مصر
 از آب رود نیل است و در آن ولایت بارندگی نیست هر
 آب رود نیل زیاد بشود و ارتفاع بگیرد حاصل ولایت
 میشود در ایام قدیم حاصل مصر یک لصد زیادتر از حاصل این
 ایام بوده است بجهت اینکه در قدیم هر سال که آب رودخانه
 بجهت زراعت بزمینهای انداخته اند گل و خاک و غیره بتدریج
 زمینها رفته و مرتفع کرده است بطوریکه بسیار جاهائی که سابقا
 زراعت میشد حالا آب با آنها نمیشیند ازین جهت عباس
 پاشا مهندسین با آنجا فرستاده است که شاید جلوان
 شعبه که از رود نیل نسبت مغرب افریقا میرود بسته و برو
 نیل که بمملکت مصری آید علاوه نمایند که آب رود نیل زیاد
 ارتفاع گیرد و بزمینهای که حالا در اطراف مصری نشینند جاری
 گردد که زراعت نمایند چند سال پیش ازین پاشای مصر بنا
 که در رود نیل بندی بنهند که آب رود نیل بالا آمده و

اتجار را بگیرد حال ملاحظه کرده است که ساختن بند نور ضرر
 زیاد بعضی از خلق میراث سبب اینکه اگر رود مملکت مصر در
 که در رود نیل عبور میکنند و اگر بند ساخته شود باید نهری
 پهلوی بند بسازند با دریچه ها که گشتی از آنجا عبور کنند و بنهم
 مشکلست و ما معطلی گشتیها میشود در عهد فراعنه مصر نهری کنده
 بودند نامین رود نیل و بحر الاحمر و لیکن این نهر حالا از یک
 خاک پر شده است و درین روزها خیال داشتند که نهری
 دیگر بکنند یا از بحر الاحمر تا بحر سفید که هر دو داخل بحر محیطند
 یا از بحر الاحمر تا رود نیل مهندسین فرانس که در ایام
 همراه قشون ناپلیان مصر آمدند بودند در ایام تسلط
 در مصر ارتفاع بحر سفید را از بحر الاحمر سی و دو سه که تخمینا
 نه زرع ایران می شود بلند تر دانسته بودند لیکن مهندسین
 انگلستان که در این روزها با آنجا رفته اند ارتفاع زمین ما بین این
 ملاحظه کرده اند و نوشته اند که چندان تفاوتی با هم ندارند
 بعضی از مهندسین فرانس چنین میدانند که مهندسین انگلستان
 سهو کرده باشند و مهندسین فرانس باز با آنجا رفته
 که بیسند درین باب که ام یک از طرفین سهو کرده اند

از آنجا که چین نوشته اند که یاغبان آن ولایت بار اغشا
 حوز را موقوف کرده بودند و قشون خاقان دست بیایان
 غالب نیامده بودند و چند شهر هم در دست یاغبان
 نزدیک بخیره ماگکان دزدان دریا بسیارند و در روی
 می آیند و کشتیهای رعایای آن دولت را می کشند و با آنها
 میرند و اگر چیزی پیدا کنند زنهاهی جوان و اطفال در آنجا
 باشد با سبیری میبرد و میفروشند در روزنامه دیگر هم در

۷۴۳

خصوصاً باغیان چنین نوشته اند که درین روزها یک شهری از شهرها
 بزرگ آنولایت را محاصره کرده بودند و لقبها بزبرج و بدنه شهر
 زده و در میان شان باو ط کذاشته بودند که برج و باستانها
 شهر را خراب نموده بعلبه و پوشش بگیرند و قشون پادشاه چنین
 که در میان شهر بودند لقبها به بیرون زده و میان لقبهای باغیان
 آمده باطل کردند و با رو ط های آنها را بردند و درین بین هم
 اهل شهر بیرون آمده حمله باغیان آورده و سبب چهارصد نفر
 از باغیان را کشته و باقی را از دور شهر نریمت داده دور
 کردند بعد از آن باز برای باغیان امداد رسیده به حاجت
 کردند و توپ شهر بسته برجها و باستانها را خراب کردند
 و حمله بشهر آوردند و لکن نتوانستند غلبه نمایند و شهر را
 بگیرند

حساب کرده اند که در مدت دو سال هشت و سه کرباب
 پول ایران طلای مسکوک از ولایت انجلسین خراج و ستاده
 اگر چه اکثر این پول با ستر ایارفته است و لکن بسیاری
 سایر مالک روی زمین فرستاده شده است و در بعضی
 اما لک سپار رواج بود و از طلای شمس خالص قدری قیمت طلای
 مسکوک بیشتر بود زیرا که چون در ضرا انجان انجلسین که زده شده است
 اعتبار دارد و در مصر پول طلای انجلسین از حد پولها زیادتر است
 و در بعضی از مالک سیکی دنیای جنوبی هم از حد پولها رواج
 پول طلای ولایت انجلسین است

در یکی از روزها جمعی نیکی دیندار با بجزیره کوبه باین منول نوشته
 که چون مشهور بود که حاکم و سایر دیوانیان جزیره مزبور از
 کسانی که داد و ستد غلام و کنیز سیاه میکنند حمایت و محافظت
 مینمایند یکی از کشتیهای انجلسین بجهت بازخواست از حاکم انجان
 رفتند

۷۴۴

دولت اسپانیول مانند ایردول فرنگستان بود
 دیگر عهد بسته است که غلام و کنیز فروشی در مالک اسپانیول
 موقوف باشد اما چونکه منفعت زیاد دارد باز بخلاف
 عهد نامه این تجارت را می کنند و کشتیها میخوانند بفرستند
 پی غلام و کنیز بروند در آن جزیره ساخته میشوند و اینمحل چون
 سبب و وضع پوست است صاحب منصب کشتی انجلسین که بجهت
 بازخواست از حاکم انجان که چرا مرکتب کاری که خلاف عهد
 دولت است شده با انجان رفته و از حاکم بازخواست کرده بود
 اول حاکم انکار نموده و گفته بود که من خبر این کشتیها ندارم
 و اگر میدانستم که چنین کشتیها در انجا بود در همین جا ضبط
 میکردم و میکذاشتم نسبت از قیام بروند صاحب منصب
 کشتی انجلسین گفته بود که چگونه میشود که کشتی بزرگ در انجا
 باشد که توپ و تفنگ و سایر اسباب حرب داشته باشد
 نفه کشتیان در او بگذارند و ملک از قیام بفرستند و حاکم
 خبر ندانسته باشد حاکم در جواب محفل مانده و معلوم شد
 که خودش از ساختن و فرستادن کشتی خبر نداشته است اما متعجب
 شده بود که بعد از این قسم اعمال جزیره کوبه موقوف باشد و یکی از
 تجاران انجلسین هم که از حاکم جزیره کوبه بظلم دید بود درین خصوص نیز
 گفتگو کردید و رفع ظلم از ما جزو بر شده بود

اعلامات

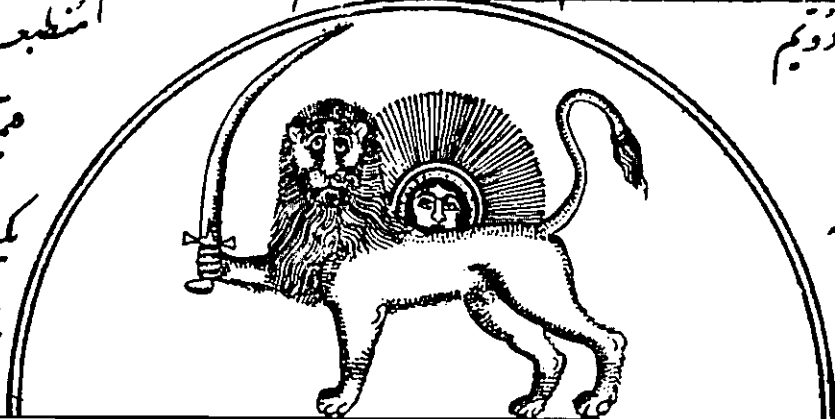
دفتر خانه این روزها ما حکامی السابق در میدان ارک حجاز
 و همه روز ایام هفت راکشوده است مکرر و جمعه و دو شنبه
 هر کس کاری متعلق بر روز نامه داشته باشد بدفتر خانه
 مزبور بنزد مباشرین روز نامه بیاید بجهت اعلان نوشته
 شد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه و چهارم شعبان المعظم مطابق سال و دین ۱۲۶۹

شماره صد و بیست و دوم

منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات
بکسر الاجرام بکسر دینار
بسیار با هر سطر پنج هر



قیمت روزنامه
یک نسخه شش هر یک ماه
چون و چهار هزار

احبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

اعلیحضرت پادشاهی درین اوقات چنانچه در محفله کتبه
نوشته شد در سیاق آنامه لواسان شریف دارند
و در روز یکشنبه بیت و یکم اینماه موکب هایون برای تفریح
ببالای کوهی که از همه کوههای سیلاق آنامه ارتفاعش بیشتر
و در حول و حوش او برف بود شریف و نما کردید بنهار
در آنجا میل فرموده تا عصر رادر آنجا شریف داشتند
و بوجود مبارک بسیار خوش گذشته بود و وقت عصر
از آنجا مراجعت فرموده بسر اوقات مبارکات شریف آمدند

بجمع صاحب منصبان عساکر منصوره حکم شد که در شهر
شوال تدارک حوز را دیده در شهر ذیقعد الاحرام و حین
سلطانیه حاضر شوند و موکب هایون نیز در شهر فرود
غزیت چمن سلطانیه خواهند فرمود

چون مقرب الحضره العلیه آقا اسمعیل خولیدار عساکر منصوره
از بدو عمر تا بحال همه را مشغول انجام خدمات معظّمه بود
و کمال امانت و کفایت ظاهر داشته و مراتب لیاقت و
استعداد او در استان هایون مقبول و مطبوع افتاده
لهذا امر حمت جدیدی در حق او لازم دیده بصرفت طبع
مبارک اعتقادشان و ارتفاع رتبت و مقام او را منظور
فرموده منصب جلیل و شغل نبیل خزانه داری کل عساکر
قاهره را که از اجده مناصب دولتی است بعد کفایت او
محول و با عطا خطاب مستطاب خانی و لقب معبر الخانقا
قرین کمال افتخار و مباحات فرمودند

چون از فرا که در ضمن تحریرات آذربایجان نوشته شده بود
در خلخال ختمه این روزها ناخوشی و با بروز کرده است
لهذا اعلیحضرت پادشاهی که در شهر رمضان المبارک
غزیت چمن سلطانیه رادر نظر مبارک داشتند ملاحظه
مبادا بعد از شرفت بدون موکب هایون چمن سلطانیه
ناخوشی در آنجا ماست کرده در اردوی هایون نیز ناخوشی
واقع شده ملزمین رکاب در معرض تلف میفند غزیت چمن
سلطانیه را تا شهر ذیقعد الاحرام موقوف داشتند

بعد از آنکه موکب هایون اعلیحضرت پادشاهی بجهت حد
ناخوشی و باد در نیاداران شریف فرمای سیلاق آنامه شد
مقرب الخانقان محمد علیخان سرتب را که بحسن صداقت و وف

۷۴۵

کفایت موصوف بود در آنجا کما شتند که مشغول نظام
 امور شمیرانات باشد و مراقب بوده مگذار که نسبت به جمعی
 که از شهر آمده و در دهات شمیرانات قرار گرفته اند بی اعتدال
 و بی جایی صادر شود و عالیجاه مشارالیه نیز درین مدت در
 نظام امر آنجا کمال اهتمام بطور رسانیده است و امر دهات
 شمیرانات را از هر جهت و هر حیث منظم و مضبوط داشته
 و دو چادر مریم خانم در کنار کاشانک دوه زده اند
 و یک طبیب معین کرده است که هر یک از سربازان و سکاکن
 دهات شمیرانات ناخوش میشوند آورده در آنجا بدو
 مشغول میشود

ناخوشی و با که در و آنخلا فطهران است در یک وقتی بزودی
 صدوسی نفر بلکه بیشتر که ازین ناخوشی تلف می شدند
 و در این ایام آخر بسیار تخفیف یافته بطوریکه روزی سی چهل
 نفر بیشتر نمی میرند اما چونکه حال چهل و شش روز است که از قوای
 تشخیص آنها که دیده و فهمیده اند این ناخوشی در شهر طهران
 باید موافق قاعده ایام سابق درین روزها باشد و این
 ناخوشی تمام بشود زیرا که درین ولایات هر وقت که برود که
 بیشتر از پنجاه روز یا دو ماه طول نکشیده است و درین اوقات
 جمع سکنه و آنخلا فطهران تبرغیب و تحریک و صواب مید
 اجل العلماء العظام امام جمعه و جماعت دار آنخلا فطهران و سایر
 علماء اعلام و فقه المذاهب به توبه از معاصی و تعزیه داری جناب
 سید الشهدا زده و بکرات بهینت اجتماع از صغیر و کبیر مصلحا
 بیرون شهر رفته بر اسم طاعات و عبادات و دعا می
 این بلبه از عموم خلق ستیما از وجود مبارک اعلی حضرت پادشاه
 اقدام نموده اند از جمله در روز دوشنبه که ششمین جمعی کثیری

از کل محلات دار آنخلا فطهران برسم تعزیه جناب سید الشهدا
 دسته دسته نوحه کنان و سینه زنان و دعا گو یان
 بمشلا شتافه لوازم تضرع و عبادت و سنت از فضل
 جناب احدیت در رفع این بلیت معمول داشته و قاطبه
 خلق درین اوقات بدعای دولت علیه و شکرانه زلفاه و امانت
 اشتغال دارند زیرا که سرقت و بی اعتدالی که لازمه آنست
 ایام فطرت و انقلاب است بسیار کم اتفاق می افتد و از آن نظام
 و اہتمام نواب مستطاب شاهزاده و الاستاد
 حکمران دار آنخلا فطهران و توابع و حسن مراقب متقرب آنخان
 میرزا موسی وزیر دار آنخلا فطهران و سایر کارکنان دیوانی کمال
 اہمیت در فافه ازین رهگذر برای خلق حاصل است که سیر
 و خفاف حساب بسیار کم اتفاق می افتد و اگر سببرت حلا
 از کسی صادر شده باشد فوراً بمقام تنبیه و تادیب
 آن برمی آیند

هوای دار آنخلا فطهران اسال بطور غریب گذشته است
 از عهد نوروز تا روز یکشنبه پانزدهم حبیب
 هوا بسیار خوش و خرم بود و از پانزدهم حبیب
 تا اوایل شعبان اکثر روزها بارندگی شده و در عدد و بر
 و طوفان زیاد شد و از آن تاریخ تا بحال که اواخر ماه
 شعبان است هر سه چهار روز بارندگی بود تا چند روز
 پیش ازین هوا قدری گرم گردید حال باز بارندگی شده
 و نسبت باقتضای فصل هوا بسیار خنک است در اکثر
 سالها اهل دار آنخلا فطهران درین فصل شہاد درین
 خانها و بالای باها میجوایند اما اسال بجه شدت
 بارندگی فوژ کثیری از مردم بیرون میجوایند و اینطور هوا

۷۴۶

در در انخلا فہ بخلاف لہای لہای سہا غریبہ

سارولایات

اذربایجان از قراریکہ در روزنامہ اوزربایجان نوشتہ بودند امسال بہار خوبی در آنجا شدہ است تجکیہ نوشتہ بودند کہ چند سال بودہ است کہ بہار آنجا باینطور خوش گذشتہ و این قسم بارندگی شدہ بودہ

دیکہ خدا بان محلات قدغن کردہ است کہ شبہا در معاہدہ و سرگذر ہا کشیکچہ مگذارند کہ مشغول حفظ و حرمت باشند و مگذارند زودی و سہرقت اتفاق بیفتد و از دو نفر از سہرزان آنجا خلاف قاعدہ بہرور رسیدہ بود ہر دور اتبہ نظامی کردہ و قدغن نمودہ بودند کہ بعد ازین اہدی از اہا و اوج آنجا مصدر اینگونہ بی حسابی نشوند و پابجاہ خلاف گذارند

اصفہان

دیگر نوشتہ بودند کہ آقا محمد نام مکاری ہدانی خدمت مستطاب شاہزادہ والا تبار حشمت الدولہ حکمران مملکت اوزربایجان عرض کردہ بود کہ یکبار حنا و یک رس اسب مراد دہات چار دلو زدیدہ اند نواب معزی الیہ نیز حکمی بعالیجاہ پرویز خان چار دونی نوشتہ بودند کہ مال ادا کر فتمہ عاید سازد و اگر تا موعدی کہ قرار میدہد مال مکاری بر آید اکر دہ اہمال نماید برجب فرار داد او بپادشاہ دولت قاہرہ پانصد تومان جریمہ بدہد عالیجاہ بشار التیہ محض اطاعت حکم قیمت یک بار حنار با یک رس ا بعد از قسم بکاری دادہ و از او قبضہ گرفتہ فرستادہ بود

از قراریکہ در روزنامہ اصفہان نوشتہ بودند بعد از آنکہ خلعت عیدی عالیجاہ چراغعلی خان نایب الحکومہ اصفہان رسیدہ بود در روز چہار و ہفتم شہر شعبان عالیجاہ رسیدہ از دروازہ قوچچانہ باستقبال خلعت افتاب طلعت رفیقہ در باغ قوچچانہ با احترام و اعزاز تمام خلعت عیدی را بہ دستش اعتبار خود ساختہ و بشہر مراجعت کردہ و بوجہ احترام و توقیر خلعت ہمایون دادہ چند توپ شلیک کردہ اند

قسم

از قراریکہ در روزنامہ ہمدان نوشتہ شدہ بود نواب امیرزادہ جلال الدین میرزا کہ از جانب نواب مستطاب شاہزادہ والا تبار مومیۃ الدولہ لہا سب میرزا حکمران ہمدان بنیابت حکومت آنجا رفتہ است در انتظام امر ولایت بحال مراقبت و ہستام را دارد و بعد از ورود بآنجا حکم نمودہ جا کشیدہ اند کہ ہر کس شراب خوردہ و مصدر شرارتی بشود مورد مؤاخذہ و تہنہ کلی خواہد شد و از تقصیر او گذشت نخواہد شد

از قراریکہ در روزنامہ قسم نوشتہ شدہ بود جمعی ادعا رویت کردہ و مذکور مینمودہ اند کہ در قریہ و روان فراوان قبر امامزادہ پیدا شدہ مستثنی با امامزادہ سمجیل کہ از فرزندان جناب امام موسی کاظم علیہ السلام است و درین اوقات قریب یکصد نفر اعمی و مشلول مادر زاد شفا دادہ است و خلق بسیار از صفحات عراق بزبارت آنحضرت آمدہ و شہر مشہور

۷۴۷

فارس

در هفته گذشته مگر کی که در سمت بندرکنگان آمد بود
 نوشته شد از قراریکه در روزنامه فارس تفصیل از آن
 در آخر سامان دشتی که تا بندرکنگان سفر فرسخ بوده است
 الی سفر فرسخ از بندرکنگان مگر کی باریده است که جمیع خانه
 و عماراتی که درین پیش فرسخ واقع بوده خراب کرده و
 آنجا خرابی کلی رسانند و آنچه مال و دوایب بوده از قبیل
 کاو و کوسفند و شتر و اسب و غیره که در صحرا بوده اند همه را
 هلاک نموده و از قراریکه نوشته بودند دانه کوچک این بکر
 سبب وزن و سیر بوده است که یکدانه از آنها بر سر
 خورده فی الفور هلاک گردیده است

دیگر در روزنامه فارس نوشته بودند که از آنجا
 خبر رسیده بود که پسر عالیجناب شیخ مشکور ساکن نجف
 بعزم زیارت بکر ملای متعلقه میرفته است و عرض راه با یک
 سید در میان طراده نشسته است در آنجا صحبت سخنی از
 ضاله بابیه بیان آورده اند پسر شیخ مزبور باب الغت کرده
 سید متعجب شده است که چرا باب الغت کردی و یک سبب
 با وزده دلی مشارالیه با احترام سیادت او متعرض نشد
 و با هم صلح کرده بوده اند تا اینکه هنگام مراجعت از کربلا
 همان سید آن مجتهد اطح رفاقت با پسر شیخ انداخته و قدر
 از سافت که طی کرده اند آن سید چند دانه خرما بیرون آورده
 قدری از آن خودش خورده و تمه را به پسر شیخ داده است
 و قدری گذشته است چند دانه خرمای دیگر در آورده و پسر شیخ
 داده است او هم خورده و گفته است که طعم این خرما با خرمای
 اول جنسی تفاوت دارد سید گفته است بخوبی خرما نیست

پسر شیخ چند دانه دیگر از آن خرما خورده پس از آن بکر را
 وداع کرده و رفته اند و پسر شیخ تا زمان ورود بشهر حویش
 متقلب گردیده و فوت شده از قراریکه معلوم کرده بود
 آن سید بابی بوده و پسر شیخ را مسموم کرده است

دیگر در روزنامه فارس نوشته اند که این اوقات که
 نواب استطاب هزاره و الا تبار نصره الدوله فیروز میرزا
 حکم آن مملکت فارس از بشهر مراجعت کرده به دشتی آمد
 و در آنجا اردو زده بوده اند آنش سحر من علف محل توقف اردو
 نواب مغزی ایبه افتاده چون صحرای آنجا علف بسیار
 قریب چهار فرسخ صحرای آن حد و در اسوزانده چاره
 بسیار هم که در آنجا نازده بوده اند سوخت است
 لیکن از تفصیلات خداوندی آسبی بهمرآن نواب مغزی آ
 نرسیده است و قورخانه هم که همراه داشته اند بجز ظهور
 شعله آتش نواب مغزی ایبه حکم کرده اند که برده در کنار رودخانه
 که در آنجا بوده است گذاشته اند و از آفت آتش
 محفوظ مانده است

کرمان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند مترب آنجا
 عبدالمدخان میرنجه که برای نظم صفحات مآخیزان
 و کتب و کمران بافتون بان حد و رفته بود امر آن صفحات
 از هر جهت و هر حیث منظم و منبسط داشته در
 بیت و ششم ماه حیب المرجب بکرمان مراجعت کرده است
 و اکنون امورات آن صفحات در نهایت انظام است و
 طرق و شوارع آنجا کمال اتمیت را دارد

۷۴۸

۵

سیر اجناس مالکولات و غیره دارالخلافه	فندق چهارمین پنجهاروده شای	۱۰۰
برنج یکمین سیزده شای	پسته چهارمین سه هزار و ده شای	۱۰۰
روغن یکمین دوربال	سجود برشته چهارمین یک هزار و شصت	۱۰۷
گوشت یکمین شش عبا	کنش یک خردار پنج تومان و دو پورل	۱۰۰
نان یکمین هفت پول	کنش متفرقه یک خردار چهار تومان	۱۰۰
همه طاق یک خردار نه هزار	شیره سفید چهارمین سه هزار	۱۰۰
همه متفرقه یک خردار شش هزار و ده شای	شیره شهد چهارمین شش عبا	۱۰۰
کندم ساوجبلا یک خردار دو تومان	هل یکمین هجده هزار	۱۰۰
کندم متفرقه یک خردار هجده هزار	میخک یکمین پنجهزار	۱۰۰
جو یک خردار یک تومان و سی شای	دراچینی یکمین شش هزار و ده شای	۱۰۰
ارد جو یک خردار شانزده هزار	فلفل یکمین سه هزار	۱۰۰
ارد کندم یک خردار دو تومان و چهار پورل	حنای یکمین دو هزار	۱۰۰
گاو یک خردار چهار هزار و پانصد	زیره کرمانی یکمین دو هزار	۱۰۰
ارزن یک خردار دوازده هزار	قندارسی یکمین شش هزار	۱۰۰
سنگینک یک خردار یک تومان	قند بزدی یکمین چهار هزار و پانصد	۱۰۰
ماست یکمین پنج شای	نبات یکمین سه هزار و سی شای	۱۰۰
پنیر شور یکمین پانزده شای	شکر سفید یکمین سه هزار و یک عبا	۱۰۰
کشک یکمین یازده شای	شکر سفید یکمین سه هزار و ده شای	۱۰۰
سرکه یکمین دو عبا	پیه که اخته چهارمین شش هزار و سی شای	۱۰۰
البغوره یکمین دو عبا	شمع یکمین دو هزار	۱۰۰
ماش چهارمین بیست و شش شای	صابون یکمین هفت عبا	۱۰۰
لوبیا چهارمین هفت عبا	روغن خراغ یکمین سی شای	۱۰۰
عدس چهارمین بیست و یک شای	حلویات اعلی یکمین شش هزار	۱۰۰
سجود قزوینی چهارمین دو هزار و یک عبا	سکنجبین نباتی یکمین سه هزار و ده شای	۱۰۰
سجود رسی چهارمین شش عبا	تباکوی اعلی یکمین چهار هزار	۱۰۰

۷۴۹

زیرا که میداند که خیر و صلاح هر دو دولت در دوستی و اتحاد
 طرفین است و جنگ و عداوت باعث ضرر مملکتین است حال آنکه
 چهل سال است که ما بین دو سنی دوستی و یگانگی است و خیر این
 اقیانوس صلح بابل هر دو مملکت رسیده است و با جماعت تجار
 میدانیم که ولایات دیگر که جنگ و مغایرت داشتند چه قدر ضرر
 کشیده اند خواه در اطلاق خلق آنها در جنگها و خواه در مخارج
 زیاد که در جنگها مصرف کرده اند راست است که درین اوقات
 بعضی از روزنامه نویسان انگلیس بخلاف این مطلب نوشته اند لکن در ولا
 انگلیس قانون آزادی است و آنچه روزنامه نویسان آنجا از زبان خود
 نوشته اند دخلی بر می و عقاید عموم ندارد اعلیحضرت امیرالطور
 فرانسسه در جواب کمال التفات به تجار مزبور فرموده اند و گفته اند
 که از آمدن عیان تجار انگلیس و اطمینان ما فی الضمیر عموم مالی آن دولت که
 منی بر استحکام بنیان مودت و اتحاد طرفین است زیاد الو
 خورسند و مسرور گردیدیم و چونکه خیر و صلاح فرانسسه را زیاده
 طالبیم و میدانیم که صرفه و خیر فرانسسه در صلح است از آنچه
 فخر میکنیم که این خاطر بسمی از اهل دولت انگلیس من حاصل کرد
 پار سال گمان میکردم که اهل انگلیس نسبت با بل فرانسسه خیال
 مغایرتی داشته باشند اما حال که ملاحظه میکنم این مطلب بر
 خلاف گمان بق بوده و من هم مانند شما طالب آن هستم که
 دوستی و مودت دولتین روز بروز در ترزاید باشد بکلمه
 آمدن تجار مزبور بملکت فرانسسه و التفاتی که اعلیحضرت امیرالطور
 نسبت با آنها کرده است باعث اطمینان خاطر اهل طرفین گردیده
 خصوصه اهل تجارت انگلیس که از این معنی بسیار مغایرت دارند و
 امیدوار شده اند که دوستی دولتین انگلیس و فرانسسه
 مستحکم و برقرار باشد

عسل بکمن دو هزار ۱۰۰۰
 آب نارنج بکمن سی شای ۱۰۰۰
 سخود لپه تبریزی چهار من دو هزار و دو عبا ۱۰۰۰
 سخود لپه رسی چهار من دو هزار ۱۰۰۰
 زرشک تبریزی یک من سه هزار ۱۰۰۰
 خنا یک من هفتصد دینار ۱۰۰۰
 انجیر زردی یک من هزار دینار ۱۰۰۰
 آلو بخارا یک من چهار عبا سی ۱۰۰
 کرفه تازه یک من سه هزار ۱۰۰۰
 کرکبین علفی یک من چهار هزار ۱۰۰۰
 سبزی آلات یک من چهار پول ۱۰۰۰
 پیاز یک من صد دینار ۱۰۰
 کاهو یک من دو پول ۱۰۰
 تخم مرغ دو از دو بیضه یک عبا ۱۰۰
 مرغ قطعه پانصد دینار ۱۰۰
 احبار دول خارج

و نه کاغذ آخر که از پاریس بای تحت این ولایت
 بتاریخ چهارشنبه نوزدهم ماه جمادی الثانیه بود و نوشته بود
 که جمعی از عیان تجار لندن پاریس آمدند و عریضه از جانب عموم
 تجار و صاحبان کارخانهای ولایت انگلیس بخدمت امیرالطور
 آورده بودند و ضمنش اینکه چون سمیع مالی انگلیس گردیده بود
 که اهل فرانسسه چنان تصور نموده اند که اهل انگلیس نسبت با آنها مغایرت
 عداوت و مغایرت اند لذا عیان تجار انگلیس لازم دانستند که بخدمت
 امیرالطور فرانسسه آمده این معنی را از جانب خود و سایر اهل انگلیس
 دارند که اهل انگلیس بچوچه عداوت و دشمنی با بل فرانسسه اند

پروستیه

در روزنامه این ولایت نوشته بودند که بانمای دولت معلوم شده بود که بعضی از مفسدین آنجا میجو استند آسوب بر پانمانید و دولت را برسم بزنند در روز شنبه پارسا جاری الثانی دیوانیان آنجا بخانه آن اشخاص که مکان افاد در باره آنها داشته غفله ریختند پس از آنکه اغتاش در شهر میلان برد کردند چونکه چاکران دیوان آنجا دیدند که بعضی از مفسدین با آنجا آمد و رفت میکردند بطوریکه مکان میکردند میجو ایند در شهر برلین پای تخت پروستیه آسوب و اغتاش بر پانمانید و از لندن هم خبر داشتند که فارسیهای پروستیه در آنجا اسباب حرب میخریدند و هتیا میکردند و در یکجائی در شهر برلین هم کارخانه باروط و فشنگ حبسکی و غیره جسته با بچه شتادوشش نفرز گرفته مجوس کردند و لکن سی و نوزده از آنها را مرخص کردند و چونکه امناهی دولت زود خبر داشتند امید داشتند که طوری مراقبت نمایند که نظم ولایت بهم نرسد

ناپولی

درین مملکت نیز مردم در خوف و تپوش بودند و تیر رسیدند که دوباره آسوب و برسم حوزدکی در آن ولایت روی نرید زیرا که در جزیره سیسیلیا که جزو مملکت ناپولی است یک سرباز شب در کوچه های شهر کشته شده بود وقتی که نفس او را بیدار کرد همان خنجر که باورده بودند در سینه اش بود و بروی خنجر کمانی چسبانده و در او نوشته بودند که این انتقام میربئی است از شرزله های آنجا چند نفرز گرفته مجوس کرده بود و پنج نفرز که در نزدشان اسباب حرب یافتند معلوم شد که شریک مفسدین هستند بمیدان سیاست در آورده و او استند

سربازها بروی آنها شلیک کردند و سردار آنجا حکم کرد و آن حکم را چاپ زده و بدیوارهای شهرها و حصه های آن خبری را چسبانند و خلق را خبر کرده اند که اگر کسی شریک مفسدین باشد کمال سخی از جانب دولت خواهد دید و فتنه که خبر این که از شش شهر ناپولی رسید هر چه امان سیسیلیا بود از آنجا بیرون کردند و اخراج نمودند که به سیسیلیا بروند

سیویس

دولت جمهوری این مملکت در سر این مطلب سخت استاده اند که ظل و تصرف دول خارج در اموات سیویس ممنوع با و قبول نکنند گفتگوی زیاد دول استریه و پروستیه و غیره حرف آخر شان سه تکلیف بود که بدولت سیویس کرده بودند اول اینکه فارسیها هر کس که باشند از ولایت سیویس بیرون بکنند دوم اینکه کشتیهای که از قسم مذکور کتولنگ میسوی میباشند چند سال پیش ازین از سیویس اخراج شده بودند اذن باشد که سیویس مراجعت نمایند بنیکه دولت سیویس تعهد کند که بعد ازین عملی نکند که باعث کله دول باشد دولت سیویس هیچکدام این تکلیف قبول کرده و سه تکلیف بدولت استریه و غیره کرده اند یکی اینکه جمع کردن قشون را در مرصده خودشان فوراً متوقف نمایند دیگر آنکه اهل سیویس را که رعایای دولت سیویس اند و از شهر میلان و ممالک آن اطراف اخراج شده اذن باشد که بولایت خود مراجعت نمایند و دیگر آنکه هر چه اهل سیویس در اوقات اخراج شدن ضرر و خسارت کشیده باشند دولت استریه از عهده ضرر آنها برآید

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که بیت روز از عبدلور
 ملخ در جزیره مطلقین بروز کرده بود اسمعیل شاه حاکم جزیره مزبور حکم
 کرده بود که رعایای کلی با تلافی و دفع ملخ بیرون بیایند و خودش
 نیز یکروز با کل اهل آن جزیره بیرون آمد مشغول کشتن ملخ گردید
 اگر حاصل این جزیره زیتون است و کدو در آن حلق از داد و بستند
 این حاصل است که هم غنمش را گرفتند و کسب می نمایند و هم
 زیتون را بک سود کرده میفرستند و چونکه درخت زیتون
 در جزیره مزبور قدری کسب شده بود بسیار سوسه می کشند
 که از ملخ خرابی بجای زیتون برسد و بسیار در تلافی ملخ می کشند

بعضی اوقات آفتاب دو پاسه بنظر می آید و سبب آن
 میدانند از قراریکه نوشته بودند در روز سه شنبه ششم جمادی
 آفتاب پیدا شد که یکی اصل بود و در وسطش دو آفتاب
 عکس او و در روز او چند دایره مانند قوس و قزح پیدا شد

یکی از کبرای شهرستانی که فرانسوی کو انجی می نامند بجات
 و اعمال خیر مشهور بود درین روز ما فو شده است و اموال
 داشت و اکثر آن اموال را در یافتن مدینه حجه ترتیب
 و بیارخانه حجه مریض و ساختن دریا حجه نگاهداشتن است
 و سایر اعمال خیر و احسان مصرف کرده است و مشارالیه
 یکی از دیوانیان شهرستانی بود

ایضا در همان روزنامه نوشته اند که در دوان بخانه سامی
 که سابقا سفیر کبیر مامور بملکت ایران بود رفته بود خانه شایسته
 در محله اسکودا است در دوان از آنجا یک شمشیر مرصع که
 سنگ الماس بر لبانت تراش داشت و آنرا یک خرقه
 و نازجیل و سایر اسباب برده اند اهل نظام ضبط
 خبردار شد بعقب در دوان فرستند و کمان داشتند که آنها
 برست بیاورند

درین روز که کشتی تجارتی در ولایت انگلیس تازه ساخته اند
 که مخصوص سفر چین باشد چون اکثر تجارت از چین ب انگلیس
 چای است و اگر این چای در روی دربار یادماند صنایع میشود
 از آنجمله سعی می کنند کشتی تند رو بسازند که زود بمقصد
 برسد سابقا کشتیها از چین تا انگلیس در مدت پنج ماه می
 حال بطوری کشتیها را نیز رومی سازند که در سه ماه از چین

انگلیس می آید
 اعلانات

در یکی از شعبهای رود نیل که از دمیاط میگذرد بنا دارند که
 درین روزها پل بسازند از برای تردد کال که بخار در راه
 این و این پل را بطوری می سازند که کشتی در زیرش عبور نماید

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد
 با سه چپ در نزدیکی دروازه دولاب مطبوع شده از اعتبار
 و قیمت می شود

در شهر مدینه پای تخت اسپانیول بنا دارند که بیارخانه
 بسازند و تا پنج نفتم جمادی الاول پادشاه آنجا بقای که این
 بیارخانه را می سازند رفته و سنگ اول بنیان بیارخانه
 مزبور را بدست خود بکار گذاشته است

احتجاج شیخ طبرسی شهر اردینار
 مجالس المقبولین بیت و دو هزار پانصد
 مجمع البیان شش تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه عاشر ماه مبارک رمضان سال اول و سی و ششم

نزهت صد پست و ششم
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی
صفت چهار هزار



منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر اجبار سطر
بیشتر با شش سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه های هفتگه گذشته نوشته شده است در سیلابی آمانه تشریف دارم در درین روزنامه مقام اردوی هاپون را چند قدم تغییر دادند و فی الحقیقه عوض کردن مقام اردو در همه اوقات بسیار خوب است خاصه درین اوقات زیرا که وقتی که اردو مدتی در یک جا اقامت نماید با القلع بسبب کثرت جمعیت اجداث عفونت خواهد شد هر چند که کسی در پاکیزگی اردو نماید باز کم و بیش عفونت بهم خواهد رسید و باین جهت تغییر دادن مکان اردو که هر چند روز بجای صفادخرمی دارد و برود بسیار خوب است و در وقت توقف مومکب هاپون در جای اول چند نفر با خوشی و بافت شده بودند و لکن از فرار یک تحقیق معلوم گردید از اشخاصی بوده اند که در شهر این ناخوشی را گرفته بوده اند چونکه درین ممالک این ناخوشی در کوهها مرتفع که برف جا میدهد و در سربت نمی کند در اول توقف اردوی اعلیحضرت پادشاهی در تمامه هوا بسیار سرد است

شده بوده است و لکن درین چند روز از فرار یک نوشته کمال ظلمت و اعتدال در هوای آنجا به هم رسیده است و ناخوشی و با که مدتی است در شهر طهران است درین اوقات تحقیق کلی یافته است یک وقتی از شدتی که داشت تحقیق یافته بود بطوریکه روزی سی و دو و سی و سه نفر میمیرند بعد باز قدری شدت نموده بالا رفت که بر روزی چهل و چهل و پنج نفر رسید حال چند روز است که بسیار کم شد بطوریکه روزی پانزده و شانزده نفر میمیرند و بیست نفر نمیرند و امید کلی است که انشاء الله تعالی درین چند روزه بامروزه رفع بشود در چند جای از دانات شیران هم این ناخوشی است از جمله در سنجش و بماران و نیادوران و اوژنل و غیره و لکن در آنجا از اول هم شدت نداشت و حال کم شدت ندارد بهار امسال در دارالخلافه طهران بارندگی زیاد است و طوفان و رعد و برق اکثر روزها در حول و جوش شهر بود و این بارندگی زیاد به بعضی از حاصل قدری ضرر رسانده است

از جمله کدم که همیشه در دست شده و دانه کم بسته است
 بسبب زیادتی بارندگی در بعضی جایها بروی هم خوابیده
 رنگ زده است اما درین چند روز با قضای فضل جوانی بخت
 گرم شده است و در روز چهارشنبه غمگین گشته باز بارندگی
 زیاد و در کوه شمیران شده و آب سبیل از دما ت و بک و این
 جاری گردید و بشهر رسید و لکن چندان قوتی نداشت و خرابی
 بجای نرساند سیلهای این اوقات خرابی بکار زیاد قوت
 رسانده است و بعضی از قنات را بالمره پرازا خاک و سنگ
 که مانع از جاری شدن آب گردید است از جمله قنات فخر کرد
 که بازگ مبارک می آید بالمره خوابیده است و چند روز است
 که آبش منقطع گردیده و نمی آید و چون برای امالی دارالخلافه
 کم آبی مشکلی حاصل بود نواب مستطاب هزاده و الا تبار در
 حکمران دارالخلافه طهران و توابع آدم گماشته و از آب کرج و بعضی
 آبهای شیران داخل شهر نمودند که خلق بجهت آب سنگینی شدند
 و آب موافق عدالت در میان مردم تقسیم بشود تا وقتی که قنات
 تنقیه شده ایشان جاری گردد

درین نوشتن روزنامه اخبار از اردوی هایدون رسید
 و از فراری که نوشته بودند اعلیحضرت پادشاهی بجهت خوبی
 آب و هوای میساق نامه که مطبوع خاطر ملوکانه افتاده است
 تا پانزدهم ماه مبارک رمضان را در آنجا توقف میفرمایند
 و بعد از آن بیسلاقات نزدیک دارالخلافه طهران
 خواهند آورد

امورات قسونی

درین اوقات مرحوم علیجان سواد کوی بجوار حرمت الهی پوسیده
 و نواب مستطاب هزاده و الا تبار در شیرمیرزا حکمران دار

طهران حکم نمودند که نقش او را با کمال اغزاز و احترام بردارند
 و چاکران دیوان و میرنجهگان و تیرسپان و مسرکنان
 و سایر صاحب منصبان نظامی در تسبیح جنازه او حاضر گردند
 و لوازم احترام را معمول داشتند و نظر سجدات مرحوم مشایخ
 اولیای دولت قاهره حجب الاشاکره العلیه عالیجاه میرزا
 کریمخان را که بسترشکی فوج سواد کوی سرفراز بود بجای مرحوم
 مشارالیه برقرار نمودند و دستخط مبارک بجهت سرفرازی و مبارک
 و امید داری و شرف صد دریا قند و یکتوبه سیای زری و
 یک طاقه شال ترمه برسم حلف بشاد الهیه حرمت و عنایت
 گردیده و مقرر شد که خدماتی که مرحوم علیجان محمول بود در
 قراولی عمارت ارک سلطانی و خزانه و حفظ وجود مبارک
 حکامان عالیجاه میرزا کریمخان محمول باشد هم چنین محمل بشود
 و موجب و تمویل که در حق مرحوم مزبور برقرار بود در وجه
 مشارالیه حرمت و واکداری باشد و کمال التفات و دجوتی
 از جانب الیای دولت قاهره حجب الاشاکره العلیه در حق او مبذول آمد
 در اوایل بروز گردان ناخوشی و با خنچه در روزنامه سابق
 نوشته شده است انسانی دولت قاهره چند فوج را که در
 دارالخلافه متوقف بودند مازون نمودند که بجایهای خوش
 حریم که نزدیک دارالخلافه باشد رفته اردو بزنند ازین فوج
 حالا اگر شان مرضی شده اند و از قشون متوقف و در
 مقرب انخافان فغان آقا سرتیپ توپخانه مبارک با توپچیان
 در دارالخلافه توقف دارند و فوج ابوالکحیم مقرب انخافان
 محمدخان سیرنجه در بالای خارستان اردو زده اند و
 فوج قدیم و جدید کزازی ابوالکحیم مقرب انخافان علیستغنی خان
 سرتیپ و ربالای باغ ایلیخانی میباشند و فوج سواد کوی

۷۵۴

۸

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود در بلوک حیرت
 که یکی از بلوکات کرمان است درین اوقات مگرکی باریده است
 که هر دانه پنج سیر وزن داشته است و بجهوانات و نباتات
 هر دو ضرر رسانده است حتی از قراریکه نوشته بودند در وقت
 باریدن مگرک یک گله کوسفند را که در صحرا بوده اند گلاگشته
 و تلف کرده است و چند نفر آدم را معیوب و اعضای آنها را
 ناقص کرده و چند رأس گاو را هم تلف کرده است

دیگر نوشته بودند که بانه و بروج شهر کرمان خرابی زیاد است
 چنانکه مال باری از قبیل شتر و غیره از رختنهای آن تردد و عبور
 نمیکرد است و ازین جهت نقص و ضرری در عمل تذکره و مگر
 آنجا هم میرسد است این اوقات امیر الامراء العظام
 محمد حسن خان سردار حکم ان یزد و کرمان ادم گذاشته است
 که خزانههای آنجا را تعمیر نمایند و بنا و عمده همه روزه مشغول
 تعمیر میباشند

دیگر از امورات غریبه که در روزنامه اینولایت نوشته شده
 بود و این بود که شخصی چند بیضه تخم جبهه بیرون آوردن
 جوجه در زیر مرغ خاکلی گذاشته بود و همینکه موعده بیرون
 آوردن جوجه رسید بود از چند بیضه که سگته بود
 جوجه مفاد بیرون آمد است و از یک تخم دیگر یک
 عجیب غریب جوجه بیرون آمد با بنطور که دو سر داشته
 و در یک سر چشم و سه منقار داشته و در سر
 دیگر یک چشم داشته است و نه منقار و سایر اعضای او
 مستوی الخلقه بوده است و چند روز هم زنده بوده و در
 منجورده است بعد از آن مرده است

چنانچه نوشته شد قراول عمارات مبارکه که ارک و خزان
 و غیره میباشند و فوج فدوی قراکوزلوا ابو کجی متعلق
 مصطفی قلیخان میرنجه قراول قراونجا نهای شده و عالیجاه
 آقا رضا خان نایب اجودان باشی از جانب امیر الامراء العظام
 سردار کثیر الاقدار کلعبا که مضموره همه روزه در اطراف
 نظامی ارک مشغول انظام امورات قشونی میباشد و در
 انجام خدمات محوله بجد کمال سعی و استقامت را دارد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
 بودند عالیجاه نصر الله خان سرمنگ فوج کلپا بگانی که
 با فوج خود حسب الامر مأمور فارس بود و وارد اصفهان
 گردیده و بعد از چند روز توقف در آنجا در بیت و چشم
 ماه رجب المرجب روانه شیراز گردیده اند و چند روزیکه
 در اصفهان توقف داشته اند در کمال نظم و درستی
 حرکت کرده اند بطوریکه مطلقا خلاف قاعده و بی اعتدالی
 ناشی و صادر نشده است و از قراریکه نوشته بودند
 اصفهان کمال رضامندی از حسن سلوک و رفتار فوج مزبور
 داشته اند و در سایر منازل عرض راه هم همین نظم
 حرکت کرده اند

تسم

از قراریکه در روزنامه تسم نوشته شده بود درین اوقات
 که ناخوشی و باور و از مخالفه حادث شده بود و آرزو بودی تعم
 رفته اند سجدیکه نوشته بودند که در آنجا خانه که خالی از زواران
 باقی مانده است و از کثرت جمعیت در روی قبرستانهای
 آنجا چادر زده اند

کرمانشاهان

بعلت قلت آب در تنگی و عسرت نباشند
خراسان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود نواب
شاهزاده و الا بتاریخ دادله و امامعلی میرزا حکم ان کرمانشاهان
در سیزدهم ماه رجب المرجب وارد کرمانشاهان گردیده
اعیان و اشراف و ولایت و عموم نوکر باب کلمات با ما باشد
استقبال نموده و نواب سرتی الیه را با کمال احترام وارد
شهر کرده اند و فوج نهادندی نیز در بیرون شهر هر روز
مشغول مشق میباشند و در کمال نظم حرکت میکنند

از قراریکه در روزنامه شاهپرد نوشته شده بود در
هفدهم ماه رجب المرجب زوار کثیری در آنجا مجتمع
بوده اند و از آنجا روانه ارض آمدنس گردیده سفری
که از شاهپرد دور شده بوده اند هم نفر سوار
از طایفه صالحه ترکمانیه که سخته تاخت و تاز زوار و قوا
در آن صحرا کردش میکرده اند نسبت زوار آمده بوده
سواران کو داری که عالیجاه مطلب خان تفنگدار خاصه و کوفه

فوج بزچلو که از دربارهایون مأمور کرمانشاهان شده بودند
بعد از ورود با آنجا چون در میدان سربازخانه جا برای آنها
بنوده است در بیرون شهر نزدیک پایتختانات آنجا
زده اند و بطوری با نظم و قاعده حرکت کرده اند که از احدی
دست لغدی و تقاول به برگ و ختی درازت است با
شهر کمال رضامندی از حسن سلوک و رفتار آنها داشته
و نواب شاهزاده عمادالدوله عالیجاه جدید بخان سرینک سخته
اهتمام و مراقبت که در نظم فوج خود لعل آورده است خلف داده

سواران کو داری و بطایمی سخته محافظت زوار سواره کرده
بوده است ترکمانان مزبوره را تعاقب نموده یک نفر
و یک نفر دیگر را زنج و سبکی نموده بودند و یکی دیگر
فوار نموده بودند یکی زوار از این معنی خوشحال گردیده کمال
شکر گذاری از فرار داد اوسای دولت فایز که برای
محافظت طرق و شوارع سواران مزبوره را کجاشته اند
بنموده اند عالیجاه مطلب خان حسب الامر علیحضرت پادشاه
سیر کردی سواره کو داری و بطایمی و محافظت زوار و قوا

دیگر نوشته بودند که دو نفر آب که یکی مشهور به نهر و لنگانه
و دیگری شهر به بخر که نهر در د مخزوب شده بوده است
کی آب آنجا در تابستان با مالی کرمانشاهان میسکند
چون نواب شاهزاده عمادالدوله که سواره اوقات خود را
نظم و آبادی ولایت در فاه حال و آسودگی عیب مصروف
دارد و نهر مزبور را حکم کرده است تعقیب نمایند و
مقتضی و عمل حسب حکم در کار تعقیب نهرین مزبورند که پاک نموده
آب آنها را جاری سازند که در تابستانها مالی آنولاه

مدتی است که مأمور است و از قراریکه در روزنامههای آنجا
میوسند همیشه اوقات کمال اهتمام در اقیب و انتظام
آن راهها دارد و سواره ابو یحیی مشا را الیه دایم الا
مویا و آماده اند و هر دسته از زوار که بارض آمدنس
یا از ارض آمدنس بر اجبت می کنند در ده سه منزل مخوف
که اغلب اوقات محل تاخت و تاز ترکمان است سواران
مزبور سواره زوار بوده آنها را بی سبب میزنند و بی معنی
سبب می حصول عا کوفی سخته و در کلمات است که دریم بنویسند

۷۵۶

اجبار دول خارجه

در روزنامه های فرانسه نوشته اند که علیحضرت امپراتور
 فرانسه و زوجه او بنا داشتند که بست جنوب ولایت
 فرانسه کشت و سیاحت نمایند چند وقت پیش ازین گفتگویی
 در روزنامه فرانسه و سایر روزنامه های فرانسه و انگلستان بود
 که پاپای رومه که بزرگ مذهب کتولیک عیسوی میباشد
 بملکت فرانسه باید بجهت جلوس لوی ناپلیان امپراطور فرانسه
 این گفتگو باز در میان است و امنای دولت فرانسه
 سعی و کوشش میکنند که پاپ بملکت فرانسه بیاید آنوقت
 بنا بود که پاپ بولایت فرانسه بیاید و از آنجا برود بولایت
 استریم و از آنجا راه به جهت ملکت ایتالیا و ولایت خود
 بکند پاپای رومه کمال رضامندی از دولت فرانسه دارد
 بچند سبب یکی آنکه در ایام اغتشاش رومه فرانسه قشون
 با نداد پاپ فرستاده با عینان رومه را شکست دادند و پاپ
 دوباره بجای خودش برقرار و مستقل نمودند و سبب دیگر
 اینکه بعد از تسلط لوی ناپلیان در ولایت فرانسه پاپ
 کتولیک در آن ولایت قوت گرفته است و لکن احتمال میرود
 که سایر پادشاهان فرانسه و انگلستان که از مذهب کتولیک میباشد
 راضی نشوند که پاپ بفرانسه رفته تاج لبرلوی ناپلیان بگذارد
 زیرا که بقانون ارثی تاج و تخت دولت فرانسه را حق
 نژادی سینک میبندند که از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه
 و اگر پاپ بدست خود تاج لبرلوی ناپلیان بگذارد و خلافت
 قانون موروثی پادشاهانست که از مذهب کتولیک عیسوی میباشد
 و اول انگلستان و پروس و نورو و بعضی از سایر دولتیست
 دولت یکی دنیای شمالی درین گفتگو هیچ مدلیستی ندارند

زیرا که آنها از مذهب کتولیک هستند

از انگلیس خبری تازم نرسیده است مشورتخانه خونین و دکلمای
 رعایا از دهم جمادی الشانی تا بیست و چهارم ماه فروردین
 از اجلاس مشورتخانه و گذراندن امورات دولتی مرخصی میباشد
 بوده انور و مشورت جمع نشده اند بجهت عیدی که در آن وقت
 دارند
 در باب مفیدین پروردگاری که میخواهند در برلین پای
 اتجا اغتشاش و آشوب نموده و دولت را برهم زنند
 و از یک نوشته بودند دولت روم خبردار شده بسیاری
 مفیدین را گرفته بودند و کمانده هستند که مفیدین را
 دیگر بتوانند مصداق افتادی بشوند
 تفصیل گفتگویی دولت روس با دولت استریم در رومه و
 از دولت فرانسه در روزنامه هفت گشته نوشته شد از قرار
 در روزنامه های آن ولایت نوشته اند دولت روس در
 مطلب خود سخت استنادی کرده است و از قشون استریم
 که در سرحد روسیه توقف دارند هر روز مردم زیاد فرار
 میکردند و بولایت روسیه میرفتند
 احوالات متفرقه
 یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که یکی از نقاشان مشهور آنجا بکلمه شده
 که چند طاق عمارت بشیک طاش سلطان را در اسلامبول بقاعده فریبکی نقاشی
 و چونکه این نقاش بسیار قابل مشهورست درین روزگاری کرده است
 که یا تا بحال اینطو نقاشی در هیچ جا نشده با اینبار در ولایت فرانسه
 و برپدید میگردد و بعد از آن با اسلامبول میفرستند و استخار
 درین علم سررشته دارند کار نقاشی فروردین بسیار
 تعریف بنمایند

جمع از اعیان انگلیس که بنا دارند نهری بسازند در خشکی با
 مابین سکنی دنیای جنوبی و شمالی که کشتیها از بحر محیط آن
 تا بحر محیط معتدل در آن عبور نمایند بخدمت امپراطور فرانس
 رفته اند و عریضه با داده و استدعا کرده اند که او نیز در سا
 نخر مزبور امداد نماید زیرا که نهر مزبور بجهت تردد کشتیهای کل
 اهل روی زمین است و خیر ساختن آن همه کس میرسد از آنجهت
 ابد و استند که دولت فرانسه نیز در ساختن نهر مزبور
 بتواند امداد بکنند و غیر از راه نهر مزبور بنا دارند که راه آهن
 درها بخا بجهت تردد کالاهای که بخار سازند چونکه بجهت معدن طلا
 کلی فارسیا تردد خلق در آن صفحات بسیار میشود کمان
 دارند که هم نهر و هم راه آهن بجهت کانی که در ساختن
 آنها خواه مایه بگذارد منفعت زیاد حاصل نماید

در اوقاتی که اعیان شهر لندن در پای تخت فرانسه بودند
 امپراطور فرانسه معانی سنگین با زینت و اوضاع تمام کرده
 و چهار هزار و دویست نفر بان معانی طلبیدند و خودش
 با زوجه اش در آن مهمانی شریف داشتند و کمال تحف
 و زینت در مجلس مهمانی تریب داده بودند

مابین دول مسیه درین اوقات گفتگوئی شده است در باب
 امورات مملکت سوئیس و دولت پروسه منظرش این
 بوده است که بدولت سوئیس سخت گیری نشود و بجهتی که با
 آن دولت و دول مسیه است با مصالح بگذرد و لکن دولت
 استریت سخت گیری میکند و پوسته قون متعاقب یکدیگر
 سوئیس میفرستاد و یکی از وزرای پروس بشهر تنو و ز رفته بود

و در آنجا وزرای سا بر دول مسیه آمده بودند که بکجا میروند
 بنشینند که در باب معنیدین کل ولایت مسیه گفتگو نموده
 بگذارد که طوری شود که نگذارند که مفیدین مزبور در ممالک
 دوباره فساد و اغتشاش برپا نمایند و زبردت مملکت استریت
 منظورش این بود که پادشاه استریت از تقصیر مقصرین که فر
 کرده و بجای حق فرستاده بودند و تقصیرشان خبرئی بود که شت
 فرمایند اما وزرای دیگر قول او را قبول نکرده و گفته بودند که
 دولت سوئیس دارد که چنین اشخاص را اذن بدهد که با
 داخل خاک استریت شوند

در روزنامه اسلامبول که در زمان ده کانتیپینول میباشند
 در زبان فرانسه چاپ میشود نوشته بودند که نزدیک شهر
 مدتی بود که دزدان جبر شده بودند در عمل خودشان بسیار
 از تبت بخلق میرسانیدند حتی بعضی از مردم را که در بیرون
 شهر میگذشتند میزدند و نگاه میداشتند و نابول از اوقاش
 میگذشتند او را میگردانند اما بعد از ورود عالی پاشا که حکومت
 آن صفحات را مأمور شده است نظم در آنجا گذاشته است
 و بسیاری از مردمان اواط مهند و بیکار را از آنجا اخراج
 کرده است میان دزدان از خطایف متفرقه آن صفحات بودند
 خصوصاً زطابقه یونان و یکی هم از رعایای استریت بود که آن
 او در میان دزدان مشهور بود این شخص بقول خبرال دولت
 استریت که در اقمیر است سپردند که بولایت خودش بعزیمت
 که در آنجا سزاوار عمل خودش تنبیه شود و مشارالیه را در استریت
 حکم کرده اند که ده سال محبوس باشد و زنجیر در دست و پا
 فعلکی مشول باشد و یکی دیگر هم از دزدان مزبور بود که حکم
 که هفت سال محبوس باشد و او نیز بهمان طریق دست و پا

۷۵۸

شول فعلی باشد و یکی از دزدان دریا هم که مشهور بود
 چاکران دولت افتاده بود
 ایضا در همان روزنامه حساب تجارت طرازان را در
 سده گذشته نوشته اند و کل مال التجاره که با آنجا آمده
 روانه شده است مفصلاً نوشته اند و قیمت اجناسی
 که در یکسال رفته بود دویست و چهل و پنج و صد
 هفتاد و نه هزار و سیصد و هشتاد بود که بحساب پول ایران
 هشت کرد و چهار صد و شصت و سه هزار و پانصد و شصت
 سه تومان می شود و این مال تجاری بود که از خارج بطرازان
 داخل شده است و مال تجاری که از طرازان بخارج
 فرستاده اند صد و نوزده طمان و صد و شصت و شصت
 و شصت و چهل و چهار و هشتاد بود که بحساب پول ایران
 کرد و سیصد و شصت و دو هزار و پانصد و سی و دو تومان
 کسری می شود و چون که مال که از خارج آورده اند زیادتر از
 آن است که بیرون فرستاده اند حساب کرده اند که تمه
 این تنخواه به پول نقد رفته است تجارت عمده طرازان با ملک
 ایران است که مال از فرنگستان با بخامی آورند و با ایران
 می کنند و هم چنین مال ایران از زمان راه طرازان با
 و فرنگستان برود از جمله مال التجاره که از آنجا خارج
 شال و ابریشم و ما زوج و زالو و تناکو و مووم و کورک
 چوبیشاد و زعفران و صمغ از چند قسم و قنب و خوش
 و غیره بوده است
 کشتیهای جنگی فرانس که چند وقت پیش ازین نزدیک
 پابین اسلامبول آمده بود موافق خبر آخر که از اسلامبول
 آید است باز در آنجا توقف داشتند

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که دزدان در
 سوار شده بودند و به یک کشتی از اهل مشه که در بخارت
 رود بروی اسلامبول لنگر انداخته بود دست حمله آورده
 سه دسته دزد بودند و هر دسته در زور قی تشبه
 و هر سه دسته بی صد ایکبار بروی کشتی آمدند چون که کشتی
 انداخته بود اهل کشتی همه در الحاقهای کشتی خوابیده بودند
 مگر یک سیری که بجهت شک در بالای کشتی بود آن سیر را
 زدند و افتاد و آمدند بر اطاق کشتیها و قنبیکه اهل کشتی
 که در الحاقها بود یکی میخواستند از در اطاقها بیرون بیایند
 دزدان با شمشیر آنها را میزدند و چند نفر از کشتیها
 که میخواستند از زردبان بالا بیایند زخمی شدند و افتاد
 نماندند بالا بیایند صبح قشون بحری دولتی بدریا افتاد
 که جستجو کرده میبندند که مگر یکین این عمل که ام اشخاص بوده
 و نظام جنبیطیه شهر اسلامبول کمال سعی و کوشش در
 کردن دزدان مبرور نموده دو نفر را دست آوردند و
 داشتند که سایرین را هم دست بیاورند مردم بسیار
 نجات میکنند که دزدان دریا چگونه حصور شده اند که در
 نزدیکی اسلامبول اینطور عمل مینمایند در دریای جزایر
 یونان دایم الاوقات دزدان دریا هستند و لکن دزدان
 اسلامبول تا بحال کسی نشینده بود که دزدان اینطور
 نمایند
 ایضا در همان روزنامه نوشته اند که در روز جمعه ششم
 رجب الحش در یکی از خانهای محله قلاعه اسلامبول افتاد
 محجوبیک حاکم قلاعه زود مجرب شد و نظام الحش خاموش کن
 جمع کرده و بانداختن آب از طوبه بخانه مبرورش را خاموش

۷۵۹

کرده و نگذاشته بود که سرایت باطراف نماید و در همان روز
آتش بجای دیگر محله مزبور افتاده بود نزدیک بیابان قاپچی
اورا هم با کمال چابکی خاموش کرد و نصف خانه بشیر
سوخته شده بود در خاموش کردن این آتش محمد بیک
نظام آتش خاموش کن کمال جلدی و چابکی را بعمل آورده بود
و اگر اتهام آنها بود چون باد شد از سمت جنوب میوزید
بود که خزانی زیاد با سخا بر شا

اهل نیکی دنیای شمالی درین اوقات از حاکم و چاکران
دیوانی جزیره کوه کله ریا دارند بجهت اینکه کشتی در نی
سنگی و نیار که مکتوبات حلق در میانش بود نگاه داشته
مکتوبات حلق را باز کرده بودند چونکه این عمل خلاف قانون
دولت است اهل نیکی دنیای سار سنجیده اند و دولت
خودشان عریضه نوشته اند که آنها نیز مانند انگلیسها
جنکی با سخا فرستاده بازخواست از حاکم جزیره مزبور نماید
کشتیهای جنکی فرانسه و انگلیس هم در نزدیکی جزیره کوه
بودند و در آنجا کشت میگردید که بلکه کشتیها که غلام
در میانشان باشد بدست آورده ضبط نمایند

از کلی فارسیا نوشته بودند که در آنجا سیل زیاد شده
بطوریکه تردد در آن ولایت مشکل بود و بعضی جاها دریا
ولایت آذوقه کم یا شده بود
در مملکت فرانسه قاعده است که سالی یکده امپراطوران
مملکت خرج عودسی چند نفر جوانان را از راه جهان می کشد
آنها را عقد بسته و عودسی می نمایند و درین سال در کلیسا
نظره دم امپراطور فرانسس تقدیم آورده و خرج عودسی چند
نفر جوانان را با عودسیان داده است و آنها را عقد بسته

و عودسی نموده اند
درین روزها یک پارچه طلا از معدن استرالیای آورده و به
انگلیس فرستاده اند و داخل صراحتخانه انگلیس شده است
و وزن این یک پارچه طلا پنج من چیزی زیاد تر بوزن
مست عباسی ایران بوده

درین روزها در ولایت انگلیس بهالی با چرخ و عراد
کرده اند که درختهای بزرگ را از ریشه با خاک خود
در می آورند و بردی عواده گذاشته بهر جای دیگر که بخوا
میرند و می نشانند

سابقا در مملکت پروتیه آهن که از خارج می آوردند
که کم زیاد داشت حال چونکه بجهت ساختن کشتی با آهن
همیناج زیاد دارند این بخت را اذن داده اند که بی
داخل آن ولایت نمایند

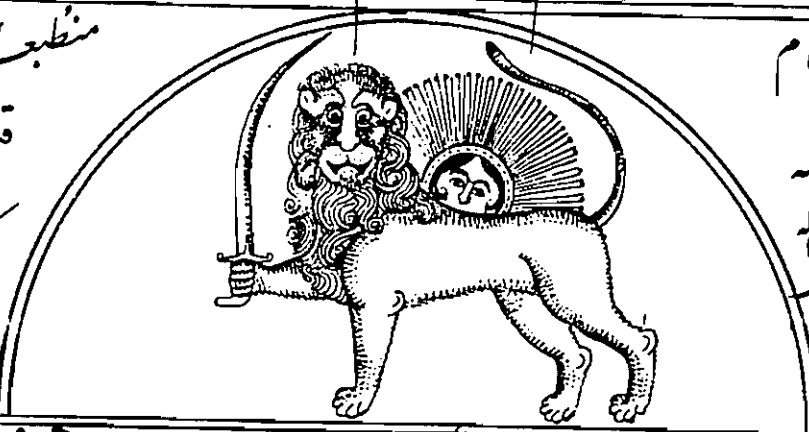
اعلانات

کتابهای چاپی دارالسخلا فخران که در کارخانه حاجی
عبدالمجید با سه حی در نزدیکی دروازه دولاب بیاب
از انبقر فروخته میشود

- مجالس المتقین بیت و دویز و پانصد دینار ۱۵۰۰
- حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم بیت و پنجاهار ۵۰۰
- نما عالم جلد چهار الانوار سه تومان و دویز ۱۰۰
- مجمع البیان مئش تومان ۲۰۰
- تفسیر امام عسکری یک تومان ۱۰۰
- شاهنامه چهار تومان و نیم ۱۰۰
- خمس نظامی نه هزار ۱۰۰
- دستان یک تومان ۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ششم ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۶۹

نزه صد بیت و چهارم
قیمت روزنامه
یک شش‌بیک
روزان و چهارشنبه



منطبع دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر چهار سطر یکمزد
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موافق خبر آخر که از اردوی پادشاهی رسیده علیحضرت پادشاهی کماکان در سیلاک آقامه تشریف دارند و لکن در پانزدهم ماه مبارک غزمت فرموده اند که بیسیلاکات نزدیک شهر تشریف بیاورند و در بعضی دهات سمت لواسان چند نفر از ناخوشی با گرفته بودند اما در هیچ جای آنجا شدت نداشته و هوای آن صفحات بسیار خوش و خرم است و در رکاب پادشاهی علیحضرت پادشاهی قلیلی از چاکران بعد ضرورت خدمت حباب الامر هستند و سایر خدمت چشم اغلب و اکثر در سیلاکات شمیمان پناه درین اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است علامت و بسادات دومی الاحترام و زنا و عبادت در مساجد و معابد مستعمل طاعت و عبادت و نماز جماعت و دعا کوفی دانند آمدن پادشاهی پادشاهی میباشند چون با عقدا اهل اسلام حدودت بلیات بود

و منهای است و رفع آن منوط به توبه و انابه و عبادت و توسل بوجود پاک رسول مختار و انمه الهام علیهم صلوات الملک انجبار میباشد درین سال که ناخوشی و با ورود دارالخلافه طهران حادث شده است ایام و ماه مبارک رمضان را مژدم بیشتر از سالهای دیگر به طاعات و عبادات و قیام صلوات و اعمال خیر و نوا استقام دارند و امید کلی دارند که بسبب توسل عبادت اخبار معاصی اثر بخشیده شده و این بلیه و با نشانه درین روزها رفع بشود ناخوشی و با که حال امیت درین شهر است در همه کجاست پشیمان شده بود حتی مردمی که این ناخوشی میبردند روزی پانزده نفر بیشتر بودند اما درین سه چهار روز باز قدری شدت کرده است و لکن نه مانند سابق و از طوریکه مذکور می شود روزی بیست نفر تا نزدیک سی نفر ازین ناخوشی تلف می شوند و در بعضی از سایر ممالک محروسه ایران نیز میگویند که این ناخوشی برادر کرده است از جمله در ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و در مملکت مازندران چند وقت سابق

۷۶۱

و در اخبار
و در اخبار

کمال شدت را داشت است و تقصیر علی غیر از اینکه نوشته شد همین روزها شریف روزنامه برسد

نظر بطور رحمت ملوکانه در باره عالیجاه سمرغریز خان دریا بیکی درین اوقات او را با عطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول بهر منگی قریب مفاخرت و مہمانت فرمودند که نشان مزبور را آویزه پیکر افتخار و تمجید خود سازد

در بین نوشتن روزنامه مجدداً خبر از اردوی همسایان رسید و اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی سنجی خوبی و سیلاقت آب و هوای لارغزیت فرموده اند که چند روز تا آنجا تشریف فرما شده تفرج و سیاحت فرمایند و چون سیلاق لار بسار جای سرسبز خوش آب و هواست و انواع شکارها از زکونی و ماهی در آنجا بهم میرسد بخصوص ماهی قزل آلا که در رودخانه آنجا دفر دارد و بسیار خوب می شود

خاطر اقدس ملوکانه مایل تفرج آنجا گردیده و بنا بوده که در روز چهارشنبه هفتم یا پنجم ششم موکب هالیون با آنجا عزیمت فرمایند و از قراریکه نوشته بودند رفتن و مراجعت شش روز طول خواهد کشید

چون چند یوم قبل از قراریکه در روزنامه نوشته شد استیل از چند جای کوهستان شمیرانات بشهر آمد و بقنوات شهر خرابی رسانده بعضی قنواة را کم آب و بعضی را بالمرسد و نموده و با مالای دارالخلافه طهران بعلت قلت آب عبرت و تنگی حاصل بود خاصه درین

اوقات که ماه مبارک رمضان است از آنجا که نواب مستطاب هزاره و الا تبار را در شیرمیرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع مسواره اوقات رفاه و آسودگی خلق و حصول ازدیاد دعا کوئی ذات اقدس ملوکانه را طالب رعایت میباشند لهذا آدم گذشته

که از آب رودخانه کرج و آب شمیرانات داخل شهر نموده در محلات بطریق عدالت و سوت در میان خلق تقسیم نموده همه فایدهها برسانند که کسی از آب عبرت و تنگی سنی نکند تا آب قنواة جاری بشود و تقنواة هم که سیل خرابی رسانده است معنی و عمل گذشته و در کار تقیبه میباشند اگر چه درین خصوص کمال سعی

کوشش و اهتمام از لوازم معنی آید می شود و لکن بهرسم اینقدر آب که از خارج می آید کفایت حلق را نمی کند و بجهت آب تنگی سنی می کشند

درین روزها یک نفر سلطان از فوج کرازی روز مسگر خورده و در کوچها راه میرفت مردم از بسکه

انمعنی می باشند خصوصه درین ایام ماه مبارک رمضان که در میان اهل اسلام کمال حرمت را دارد جمعی خبر شده و بر سر او هجوم آوردند و نزدیک بود که

بجوم عام و از دحام حلق مشارالیه از تیت دید و تلف بشود چاکران دیوانی او را از میان ازدحام و کثرت خلق بیرون آورده و بارک مبارک که آوردند و بعضی نواب مستطاب خورده و الا تبار را در شیرمیرزا رسیده حکم بتسبیه او نمودند و لکن بعد معلوم شد

۷۶۲

که سبب ناخوشی و بابر سبیل مداد اخزده است
لهذا اورا بخشیده و مرضش فرمودند که بمنزل
خود برود

درین روزها عمارات مبارکات سلطانی دراز
و غیره حب الامر قدس هایون تعمیر میشود و
عالیجاه محمد تقی خان معمار باشی با تمام مقرب
حاجی علیخان حاجب الدوله بنا و عمل بسیار در
بنائی و تعمیرات نامی عمارات و بیوتات دیوار
کذاشته و مشغول سفیدکاری و تعمیرات لازمه
و از جانب نواب مستطاب بزرگه و الایثار و
حکمان دارالخلافه طهران و توابع و مقرب انخافان میرزا
وزیر نیز رسیدگی و اهتمام لازمه درین باب
و از عمارات جدید البنا که درین روزها ساخته
عمارت باغ نواب امامپوری میرزا است که بطرح
ساخته شده حال مشغول سفیدکاری و نقاشی
انجام پاشند و حتی درین دولت علیه زیاده شدن
عمارات سلطانی و تغییر وضع آنها بحسب طرجهای
تازه بسیار بر رونق و آبادی و شهرت دارالخلافه
طهران افزوده است و شکوه شهرت حال پیشین
بایام سابق ندارد چنانچه کسی بیستال یا پارد
قبل ازین دیده با و حالا ببیند میدانند که یک
بر آبادی و جمیع شکوه عمارات دارالخلافه
و چونکه خاطر اقدس ملوکانه زیاده مایل به آبادی
که رسم سلاصین نامدار و انار پادشاهان کثیر الاقدار
بپاشند امید کلی است که هشار الله در اندک مدتی از

نیز آباد نزد ترشیش و از جمله شهرهای معظم
افواج قاهره و نظام که در بیرون دارالخلافه بودند
چندی قبل ازین ناخوشی و با کمی در بباتان شد
کرده بود و بسکن درین روز از فراری که میکشید
در میان افواج بسیار سبک گردیده و تخفیف
یافته است

سایر ولایات

از سایر ممالک محروسه درین هفت اخباری که
قابل نوشتن در روزنامه کزیت باشد مگر آنچه از
فارس و خراسان نوشته میشود

فارس

در خصوص زلزله شیراز که در چند هفت پیش ازین
در روزنامه نوشته شد تفصیل آن که بعد با شرمین روز
رسید از یقین است که نوشته می شود و چونکه این بلای بسیار
بزرگ است و کاهی در دنیا اینطور اتفاق افتاده است و این
روزنامهها بفرمانت مان و سایر جاهای که میرود طالع
که تفصیل از اینها اند لهذا مفصلا در روزنامه نوشته
در شب چهارشنبه بیت و پنجم ماه ربیع زد یک
بد ساعت صبح مانه ناکاه زلزله سخت در
شیراز اتفاق افتاد صدای مردوزن و الطحال
بزرگ و کوچک که در زیر خرابی و خاک مانده و زخم
شده بودند با آسمان بلند گردید و صدای دیوارها
و خانهها که افتادند و خراب شد و صدای زمین
که از زلزله صد میکرد مانند صدای رعد میست بود

صبح شد بدند که اکثر خانهای شهر از خراب کرده
 حتی کسانی که در جاهای دیگر شب مانده بودند صبح
 بخانههای خودشان برودند راه و محل خانهای خود را
 نمیکردند و میگویند که در بعضی از جاها خانه از جای خود
 شده و بلند کرده بجای دیگر افتاده است و بجای آن
 خانه که بجای دیگر افتاده است بکندیده از زمین بیرون
 آمده است و در بعضی جاها که کسب خانه نبود بعد از زلزله
 سست و آجر و سبب خرابی خانه پدید می شد از هر خراب
 صدای ناله و جریح و فریاد خلق بیرون می آمد بعضی از خلق
 شده و بعضی زنده در زیر خرابیها بودند و کسی که گشت
 مردم را از زیر خاک و خرابیها بیرون می آوردند اکثر
 اموات مجال و فرصت غسل کردن و کفن نمودن نبود
 میان چادرشها پیچیده و بدوش فخله و عمله داده بیرون
 میفرستادند در جائی مرد زمین را می کند که عیال و اطفال
 خود را از زیر خاک بیرون بیاورد و در جائی عیال و اطفال
 زمین را می کنند که مرد خود را در بیاورد و در بعضی جاها
 که بیل و کلنگ و سبب نبود خلق از مردوزن و اطفال
 زمین را بناخن می کنند که گمان خود را از زیر
 بیرون بیاورند اگر چه طرز اکثر خرابیها صدای ناله و جریح
 می آمد و لکن بسیار کم زنده و سالم بیرون آمدند و بعضی
 از زخم داران را نیز که زنده بیرون می آوردند بعد از
 بیرون آمدن میبردند تا سه روز مشغولیت اهل شهر از
 بیرون آوردن مرده از زیر خاک بود و وقتی که فی الجمله
 فراغتی ازین بلیه حاصل شده بود بلاهای دیگر با اهل این شهر
 داد از جمله آنکه بعضی مرده در بیرون ماند بود و دفن نگردیدند

۷۶۴

از بوی عفوشت آنها ناخوشی تب محرقه و مطبوعه برود کرد و دزدان
 مجال یافته بنای دزدی بیرون آوردن و بردن اموال مردم را
 گذاشتند و تاریخ کاغذ آخر این ولایت میخندیم همچنان بود و تا وقت ما نیز
 حرکت در مردم این شهر مشغول نمیشدند و در روزهای اخیر زلزله

تلف شده اند خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته شده بود این واقعه
 جمعی از ترکمانان که بغرم ناخت و تاز زوار بطرف شهر
 آمده بودند و اندک عالجاه محمد حسین خان مطبلع کردین فوراً
 جمعی از سواره پیاده همراه خود برداشته و رفته و همه
 که معبر ترکمانان مزبور است گرفته و پیادگان را در اینجا
 محمی ساخته و خود با شصت نفر سوار سبب میان آنک
 حرکت کرده است ترکمانان نیز مطبلع شده بعد هزار سوار
 که بوده اند بیانات اجتماعی بمقامه پیش آمده و بنای مجاد
 گذاشته بودند عالجاه محمد حسین خان و سواره او نیز
 کمال رشادت و هتور و بی باکی را ظاهر ساخته بیکدی
 با شمشیرهای آخته لب به ترکمانان مزبور انداخته و د
 گردیده پس نفر از آن طایفه ضاله را مقتول ساخته
 و پانزده نفر را نیز زنده دستگیر کرده اند و بقیه
 متفرق گشته بعد از آنکه رسته جمعیتان رشادت
 و غلبه عالجاه محمد حسین خان و سواره او از یکدیگر گریخته
 بجز فرار چاره ندارند و مسکی فرار کرده و در قتل
 و هیچ وجه نتوانسته اند بزوار و قوافل دست اندازی
 نمایند بلکه جان از آن نهنگ بیرون برودن را غنیمت دانسته
 و فرار کرده اند و عالجاه محمد حسین خان و سواره او با سوار
 و سربا مراجعت کرده اند

اخبار دول خارج

انگلیس

تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید روز شنبه بیت هشتم رجب المرجب بود از جمله اخبار که نوشته بودند این بود که درین اوقات سجد علیا حضرت پادشاه انگلیس فرزند دگر بود وجود آمو و بنا بوده است که پادشاه بنو و در بعضی از امر اینست که خویش پادشاه انگلیس مستند بولایت انگلیس یابند سجد اینم که داشتن و عمل دادن پس بزور بقاعده که در میان عیسوی مهور است

بیت که گفتگونی در مشورخانه وکیل رعایای ولایت انگلیس شد است که طایفه جهود هم مانند سایر رعایای انگلیس در مشورخانه وکیل داشته باشند و اینم جمله بعد از بحث و مکالمات زیاد در مشورخانه وکیل رعایا قبول شد و گذشت و اذن از وکلای رعایا داده شد و لکن چون قانون انولایت این است که آنچه در مشورخانه وکلای رعایا بگذرد بعد از آن باید مشورخانه خوانین برود و در آنجا هم جری شده بعد از آن بنظر پادشاه رسیده و ادم دستخط بگذارد که حکم باشد و بطلب بعد از آنکه مجلس مشورت خوانین رسید در آنجا بحث و مکالمات زیاد شد و مشورخانه قبول کرده برسم زدند

استریه

گفتگونی مابین این دولت و دولت پیانت که دولت نیز میگویند درین روزنامه است در خصوص اینکه در بین مابین دولت ساردینیه و استریه اهل مملکت لامباردی که در ایتالیا باشد و سرحد ممالک ساردینیه و جزو ممالک استریه است

ابداد بنظر پادشاه ساردینیه و جنگ بدو استریه کرده بودند بعد از آنکه دولت استریه بدو استریه ساردینیه غالب آمد و مصالحه کرده عهدنامه بستند یکی از فقرات عهدنامه این بود که اهل لامباردی که با ادا ساردینیه استریه کرده بودند نباید از تبت میبندد درین اوقات که بسیاری از آنها آمدن دعوت ساردینیه شده اند و استریه املاک و اموال بعضی از آنها را ضبط کرده اند و چونکه این اشخاص رعایای پادشاه ساردینیه شده اند دولت استریه درین باب باز خواسته دولت استریه میگویند که اشخاص مزبور شریک عمل مفیدین ایتالیا شده اند خصوصاً امداد بانها که مزین نام بزرگان است نموده و پول جمع می کنند و درین باب پادشاه ساردینیه کاغذی نوشته و بکل دول فرنگستان فرستاده است که دول مزبور توسط مابین دولتین استریه و ساردینیه بکنند و نگذارند که دولت استریه عملی بکند که خلاف قانون عهدنامه باشد

عهدنامه باشد

در باب گفتگوی مابین دولتین استریه و سیویس کمان داشتند که باصلاح بگذرد و در یکی از روزنامه های استریه نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور روس بنا داشت که بشهر وارشاد تشریف بیاورد و از آنجا به برلین بآید پرودتسیه بیدین پادشاه پرودتسیه برود و بعد از آن باتفاق پادشاه پرودتسیه بیدین امپراطور استریه برود و در روزنامه دیگر اینولایت هم نوشته اند که بنا بر سجد جمع بیستم رجب المرجب امپراطور استریه بسلام عام بود و بسیاری از جاگران دامنای دولت استریه و

و ایچیان دول خارجه بان سلام حاضر شده بودند و هم
 درین روز نامه نوشته اند که غیر از امپراطور روس و
 پادشاه پروس لئوپولد پادشاه بلژو و پادشاهان
 بواریه و یونان و ناپولی و بزرگ مملکت سیسیل که برنج
 از ممالک کوچک میباشد نیز بدین امپراطور استی
 می آیند

نخانه خودش برود و بیرون بیاید و موافق حکم اول
 فانوس از بالا خانه خانه اش که رو بکوجه نگاه می کند
 و اگر در کوجه بماند با معصومین شسته خواهد بود حکم دیگر آنکه
 اگر صدای توپ از حصار آنجا بشنود صاحب خانه باید
 در ب خانه خود راه بندد و چراغها از پنجره های بالا خانه
 که بکوجه نگاه می کنند بگذارد و فانوس روشن کرده

عناصرت

در باب نظم شهر میلان که بعد از اغتشاش آنجا با خلق را
 بسختی نگاه داشته بودند بعضی از احکام را نوشته اند که تخفیف
 داده اند از جمله یکی این بود که جمع شدن مردم در یکجا ممنوع
 شده بود حال اذن داده شد است که در تماشاخانهها
 و سایر جایها که موافق قاعده اتولایت باشد اذن داشته
 که جمع شوند فتره دیگر اینکه در دروازه شهر از اول صبح تا سه
 ساعت بعد از غروب آفتاب باز میباشد و خلق اذن
 دارند که سوار ارب یا سوار کالک یا پیاده نزدیک
 باستیانیهای شهر تردد بکنند مادام که در دروازهها
 باشد حکم دیگر آنکه هر کس که اطفائی در خانه خودش یکی کرایه
 بدهد باید در بیت و چهار ساعت با منای دولت عرض نماید
 که اسم آن شخص که خانه با او کرایه داده است چیست حکم
 دیگر اینکه شبکیان و قراولان شهر که در شب گمان دارند
 که کسی بی عمل بد میرود صدای کنند که آن شخص باستند
 اگر نایستند آن قراول اذن دارد که با اسباب
 او را بزند نگاه بدارد حکم دیگر آنکه کسی در میان کوچهها صد
 بلند نکند و اگر صد بلند کردند و بعد از گفتن قراولها ساکت
 نگردیدند محبس خواهند کرد حکم دیگر اینکه اگر اغتشاش
 شهر باشد هر کس که شمشیر بندد و نو کردیوان نباشد باید

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که بعضی از وزرای
 اعلیحضرت سلطان عرض شده اند و از فرار دستخط
 مبارک سلطانی مصطفی پاشا که بزرگ مشورتخانه بود
 بود و وزیر اعظم گردیده است بجای محمد علی پاشا و محمد علی
 وزیر جنگ شده است و محمد رشیدی پاشا سردار اعظم
 قشون خاصه شده است و داخل مشورتخانه وزیر گردیده است
 و رشید پاشا وزیر دول خارجه شده است بجای رفقا
 پاشا و رفاد پاشا میر محبس مشورت گردیده است

پروکسیه

در باب معنیدین این ولایت که در روزنامه سابق
 نوشته شده است دولت خبردار شدند معنیدین را
 گرفته و اسباب حرب که داشتند از دست آنها گرفتند
 درین روزنامه درین خصوص باین طور نوشته اند که
 یکی از اسباب معنیدین چهاره نارنجک بود که با
 دست می اندازند و در ایام قدیم افواج مخبران و بهادران
 فرنگستان داشتند و می انداختند چونکه این چهاره ای
 نارنجک در جنگ کوچهها بسیار کار معنیدین می آید در بعضی
 از کارخانهها ازین چهاره ای نارنجک خریداری بودند اما از

در روزنامه سابق
 نوشته شده است دولت خبردار شدند معنیدین را
 گرفته و اسباب حرب که داشتند از دست آنها گرفتند
 درین روزنامه درین خصوص باین طور نوشته اند که
 یکی از اسباب معنیدین چهاره نارنجک بود که با
 دست می اندازند و در ایام قدیم افواج مخبران و بهادران
 فرنگستان داشتند و می انداختند چونکه این چهاره ای
 نارنجک در جنگ کوچهها بسیار کار معنیدین می آید در بعضی
 از کارخانهها ازین چهاره ای نارنجک خریداری بودند اما از

۷۶۶

هر جانی می خریدند بودند که خلق پی نبردند که آنها از آده اسناد
 دارند یکی از بزرگ یا غیاث اسم چند نوبت بلندن فتنه
 بود که بغیر بهائی که بلندن رفته اند مصلحت و مشورت با
 و در قصبه راستاق که در کنار دریای می باشد
 چند صندوق در کمر کخانه تفنگ و شمشیر و چهاره
 نارنجک بسته بودند و اینها را ضبط کردند و معلوم
 شد که مال مفتدین پروسیه است و میخواهند این
 چهارمای نارنجک و مسایر اسباب حرب در ولایت
 انگلیس نیز بخرند دولت پروسیه بعضی از چاکران دولت
 خود را بلندن فرستاده بود و نظام مستحفظ شهر بلندن
 با آنها امداد کرده و جویا شدند و فهمیدند که در بعضی کارخانه
 بنیاد استند که چهاره نارنجک سازند و بفرستند
 از راه دریای قصبه راستاق که به پروسیه برود
 و چند صندوق که سه هزار ازین چهاره نارنجک در
 میانش بوده است چاکران دولت گرفته و در خود بلندن
 ضبط کرده اند درین باب دولت پروسیه و سایر
 دول کوچک منته از دولت انگلیس اظهار رضامندی
 کرده اند که آنچه توانسته اند مانع عمل مفتدین بلندن
 بلندن شده اند و ازین مرحله خاطر جمعی حاصل کرده اند
 بعد ازین دولت انگلیس درین باب سعی و کوشش نمود
 کرد و سخاوت کند داشت که مفتدین اولایات در بلندن
 جمع شده و مشاء آشوب و فساد می توانستند

پلر

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در تاریخ یوم
 دوشنبه بیست و نهم رجب المرجب پادشاه پلر از

انجا روانه شده بود که بسبت پروسیه و برلین با تخت
 آن مملکت برود و پادشاه پروسیه در شهر پانزدهم
 در تابستان جای بسیار با صفا و خوش آب و هواست

اقامت داشت
فوات

روزنامه که ازین ولایت نوشته بودند تبایخ روز
 بیست و هشتم ماه رجب المرجب بود و لیکن اخباری در او
 نبود که قابل ترجمه و نوشتن در روزنامه باشد

سویس

درین مملکت ما بین دو مذهب عیسوی که یکی کتولیک و یکی
 پروتستانند مباحثه و جابجایی در روزنامه سابق نوشته شد
 چند سال پیش ازین جنگ و نزاع شده و دولت انجا
 بعضی از کیشهای مذهب کتولیک را از انجا اخراج کرده
 و یکی از تکالیف دولت استریه درین اوقات بدولت
 سویس این بود که کیشهای فرور را اذن بدین که دو با
 ولایت سویس مراجعت کرده در انجا بقر سابق برقرار
 این تکلیف را امنای دولت سویس قبول نکردند درین
 روزنامهها نوشته اند که از بعضی لوکات کوچک انجا
 جمع شده و در بزرگ کیشهای بقصبه فری تو بیخ آمد بودند
 و در انجا مدرسه بزرگ و قدیم مشهور است رفته و آن
 مدرسه را تصرف کرده بودند چند قبضه تفنگ و سایر اسباب
 حرب در مدرسه بود از آنجهت که بعضی از اطفال که در انجا
 درس میخواندند علم جنگ را هم در انجا یاد میکردند

این اسباب بدست مفتدین افتاده بود و دو کتولیک
 در انجا داشتند اما مفتدین چنان رفود حمله بدرسه آورده

بودند که اسباب حرب را کلاً از اهل مدرسه گرفته بودند
 کشیکچیان شهر قشون نظام دولت منجر شدند جمعیت کرده
 و حمله بیاغیان نمودند و لشکر زیاد بیکدیگر انداختند و با
 از پنجره های مدرسه بقشون دولت لشکر می انداختند و قشون
 دولت از بیرون و خانهای اطراف بعد بیاغیان دیدند که قشون
 دولت پیش می آید بیرون آمدند و حمله بقشون آوردند درین جنگ
 بزرگ مدرسه یک خشم نیزه ببرد داشت بیاغیان میخواستند
 بکشند اما قشون دولت فرصت ندادند و رسیده ننگه اشند
 که بیاغیان اورا تلف نمایند درین بین توپها بجایکی بانجاری
 و بیاغیان بستند و جا نیر که بیاغیان با من خود کرده بودند بصر
 توپ از دستشان گرفتند و کیشان نیز که همراه بیاغیان و محرک
 آنها بودند دستگیر قشون دولت گردیدند بیاغیان بیدن
 درست کرده بودند که یکطرفش شکل خاج و طرف دیگرش
 صورت حضرت مریم بود و بعد از آنکه جنگ سخت شد یکی از آن
 کیشان که همراه بیاغیان بودند بالای دروازه مدرسه آمد
 و ستامی سفید بالا کرد علامت اینکه بیاغیان به امان آید بودند
 قشون دولت هم با آنها امان دادند بشرطی که اسباب
 که در دست دارند برین بگذارند و خودشان مجبوس دولت
 باشند بیاغیان نیز لا علاج به منظور نموده آنچه اسباب
 داشتند بر زمین ریختند و خود را بست داده مجبوس
 گردیدند در خصوص این اغتشاش امنای دولت تحقیق میکنند
 و کویا بنا دارند که اموال آن اشخاصی را که مرکب این عمل شده اند
 دیوان بکشند

دولت استریه چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است
 در سرحدات سوسیس قشون زیاد گذاشته است و مانع تردد

۷۶۸

خلق میشوند اما با وجود اغتشاش در خود ولایت سوسیس بودند
 قشون استریه در سرحدات ولایت باز در سر مطالب خود نسبت

استریه ایستادگی سخت دارد
احوال استریه

در روزنامه اسلامبول نوشته بودند که امیر عبدالقادر که مدتی
 در فرانسه مجبوس بود و حالا اذن توقف در شهر بروکس
 حاصل نموده و در آنجا اقامت دارد درین روزها بنا داشته
 که سه نفر از پسران خود را قتل نماید و شصت نفر از پسران فقرا
 آن شهر را نیز در راه احسان بنیاد و سه راه پسران خود
 خسته نماید و رخت تازه و کفش مخارج آنها را امیر مزبور از خود
 میگذارد و مشارالیه با قونسولهای دول فرانکستان که در بروکس
 توقف دارند با کمال التفات و محبت رفتار میکردند و درین
 روزها قونسول دولت انگلیس را با ناب قونسول دولت سارده

بهمانی طلبید بود

دیگر در همین روزها بنا نوشته بودند که جناب علالتاب قونسول
 مخصوص و وزیر مختار دولت انگلیس مقیم دولت ایران که درین وقت
 بولایت خود مراجعت نمود در روز چهارشنبه نیم ماه شعبان
 از طرابلس آن وارد اسلامبول گردیده بود

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید
 در محله نزدیک دروازه دولابطباع شده اینقرار است
 مجمع البیان شش تومان
 شاننامه چهار تومان و نیم
 حقه نظامی نه هزار
 دبستان یک تومان

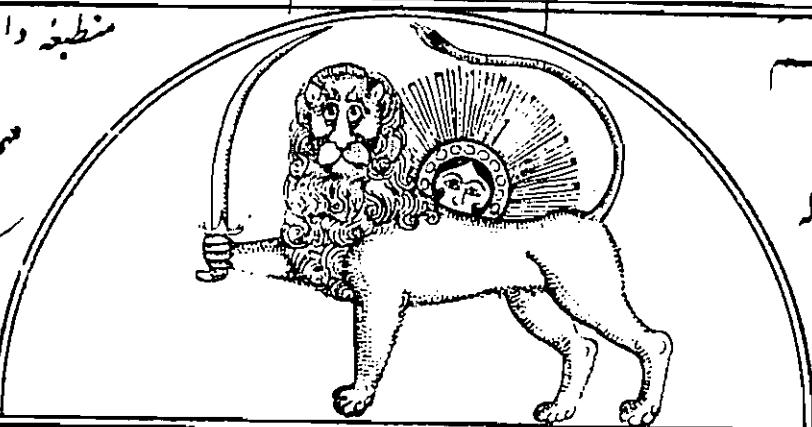
روزنامه قایم القیاس پنج بوم چشبه هشتم ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۶۶

نزهت و بیت چشبه

قیمت روزنامه

یک سواد شریکانه

و تومان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

مهمیت اعلانات

یک سواد چهار سواد

بسیار با سواد

احبار و اخلاص ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه گذشته نوشته شده در روز پنجشنبه هشتم این ماه از یسحاق امامه بشکارگاه لار حرکت فرموده اند و چون شکارگاه مزبور بحسب آب و هوا از سایر یسلاقات آن اطراف امتیاز دارد و بسیار هوای آنجا مطبوع خاطر اقدس ملوکانه افتاده است موافق خبر آخر که از اردو بی جا لون رسید توقف شکارگاه مزبور را تا ایش روز معین فرموده اند

بسیار طول کشیده است امید است که درین روزها انشاء الله بکلی رفع بشود

هوای دارالخلافه طهران که امسال بسبب کثرت بارندگی بسیار سرد بود درین روزها گرم شده است و لکن چون این ایام آخر بهبهار و اوایل تابستان است گرم شدن هوای درین وقت مناسب فصل است

امورات قسطنی

عالیجاه موسیونیر امعلم سواره نظام چون از عهد خدمت محوله بخود خوب برآمده است درین روزها مورد رحمت ملوکانه گردیده با عطای یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول یادوری سرافراز گردید که نشان آن آویزه سپهر افتخار و اعتبار خود نماید و حسب الامرهای درین روزها سه ماهه مرخص و معاف گردیده است که بمحکمت استریتیه که وطن خودش میباشد رفته و عیال خود را برداشته بدر بارها یون مر اجبت نماید مشغول خدمت محوله بخود باشد

ناخوشی و باد درین روزها سجد الله بسیار کم شده است و در کل شهر بیشتر از روزی پانزده شازده نفری میزند در اوایل ماه مبارک رمضان قدری شدت کرده در قریب بسی نفر تلف میشوند و در بعضی از دعات شمیران هم چندی قبل ازین کم دمی بر روز داشت و لکن در دعات نسبت بشهر بسیار کم بود و حال چند روز است که از دعات شمیران بالمره رفع شده است و چون ناخوشی حالا مدیست که در دارالخلافه طهران و اطراف

۷۶۹

حکمت می کنند و اگر بندرت از کسی خلاف قاعده
سبزه عالیجاه آقا رضا خان نایب اجدان باشی مقام
و نادیب او بر آن در حبل و اطلاق نظام تنبیه نظامی

اختر ششم

در روز دوشنبه دوازدهم این ماه در مسجد شاه که
سجده نماز مجتمع بودند و نفر قورخاچی باشی رعیت در
سر جای نماز دعوا کردند مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر
دارالخلافه طهران و توابع سبزه ای که دعوا غلیظ نشود آن
قورخاچی را حکم کرده با اطلاق نظام بربند درین بن سبزه
قورخاچیان مجز شده و قریب سبزه نفر بر سر آد همای
مقرب الخاقان مشارالیه و فرایش غلام دیوانی بخت
و چند نفر از غلام و فرایش دیوان رسم زحما نمودند
آن دو نفر قورخاچی را از دست آنها گرفتند و نگذاشته
بودند که با اطلاق نظام بربند مراتب بعضی نواب مستطاب
شاهزاده والا تبار را در شیر میز حکمران دارالخلافه
و توابع رسیده فرستادند و قورخاچیان را که جمعیت
و افساد کرده بودند گرفته بحضور نواب معزی الیه آوردند
و حسب حکم فردای آن روز را در جلوه اطلاق نظام در حضور
مقرب الخاقان رمضان آقایی سرتیپ توپخانه مبارکه و
عالیجاهان آقا رضا خان نایب اجدان باشی و میرزا علی
سرفک قورخانه تنبیه نظامی کامل از آنها بعلل آوردند
و چهار نفر از آنها هم کمر نیخته و بشاهزاده عبدالعظیم
بست رفته اند و مستحظ بکفرتن آنها گماشته شده و هنوز
بست نیامده اند و دو نفر صاحب منصب در میان
این قورخاچیان بودند آنها هنوز تنبیه نشده اند

نواب شاهزاده آنها را در حضور خود میخواند تنبیه نمایند
درین اوقات ماه مبارک رمضان که شبها را مردم
پدارند اوقات خود را به تعزیه داری جناب سید اشهد

مصرف میداشتند و در بعضی از محلات و جایهای شهر
مجلس روضه خوانی بود و در بعضی تجا یا نیر شبیه درمی آوردند
چون صدای طبل و شیپور که در شبیه میزنند در شب غلاف
قانون نظام و منافی نظم شهر بود و احوالنا باعث تشویش
بعضی از نسوان و اطفال می شد لهذا بویان عظام حکم نمودند
که شبها شبیه در آوردن موقوف باشد و مردم در
تکاباد مجالس تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه السلام
درین لیالی بروضه خوانی اکتفا نمایند

اکثر حجرات کاروانسرا و دکا کلب بازار دارالخلافه
درین روزها بسته است و اغلب مردم یا بسبب با
یا بسبب گرمی هوا که هر ساله درین فصل بیرون میروند این
اوقات بیرون رفته اند اما قورخانه و جبه خانه دولتی
شده و در کار است اصناف و عیالجات کارخانها
مشغول کارهای خود میباشند و عالیجاه حاجی محمد حسین
جبه دار باشی پیوسته لنگ سربازی خوب در جبه خانه
باتمام رسانده و هر روز دسته دسته با متجان
میرساند و تفنگهای فوج قزوین را درین روزها از جبه خانه
مبارک دادند

در نزدیکی دروازه شاهزاده عبدالعظیم چند کارخانه
صابون پزی و شماعی و دباغی و غیره بود که عفونت
انها باعث ازدیاد ناخوشی در اطراف آنها شده بود
حسب حکم دیوانیان عظام چند روز این کارخانها موقوف

نشود و در همان چند روز نسیم ناخوشی در اطراف آنجا
تخفیف کلی یافت باز دوباره اهل این کارخانه کارخانه
کسوده مشغول کارهای خود گردیدند و در همان روز ناخوشی
نیز دوباره شدت نموده قریب بده نفر تازه در اطراف
اطراف ناخوشی گرفتند این مرحله بدیوانیان عظام معلوم
گردید حکم شد که کارخانههای مزبور درین اوقات
و کارشان موقوف باشد و از آنوقت که باز موقوف
گردید ناخوشی نیز در آن اطراف تخفیف یافت و بعضی
کمال وضوح را به هم رسانده و بکرات تجربه شده است
که شسته و رفته و پاکیزه نگاه داشتن بویات و منازل
در تخفیف این ناخوشی بسیار افاقه میکند و بخلاف آن
ارتفاع سنجرات از هر چیزی که در هر احوال عھونت
نماید هوای آفتاب آورده و باعث اشتداد و زیادتى
این ناخوشی میشود

از فرار روزنامه مریض خانه دولتی که نوشته بودند
در این اوقات عالیجاه میرزا محمد ولی حکیم باشی نظام
و سایر طبیبان سپرده بجالیجا به اشارتیه نهایت
اتهام و در معالجه و مداوای مریضهای افواج غیر نموده
و شبها را هم در مریضخانه مانده و کمال سعی و کوشش
نموده اند و سوائی مرضی نظام از غربا و مساکین نیز هرگز
ناخوش شده و با سنجار فقه است جد و جهد تمام در معالجه
مداوای او نموده اند و چهل نفر مریض که مرض آنها داخلی به
ناخوشی و بانداشته است در مریضخانه معالجه و مداوا شد
و صحت یافته مریض گردیده اند و چهارده نفر دیگر نیز درین
روز مابصحت پیوسته اند که بسبب جننی وضعی که دارند و هنوز

درست بقوت و توانائی در بنامه اند در مریضخانه میباشد
سایر ولایات
چند وقت قبل ازین مذکور بود که در قزوین در شانی ناخوشی
و با بروز کرده است و لکن از فرار یک درین روزها خبر
در قزوین مطلقاً نیست و اگر هم بوده است بسیار
بوده است و از ختمه و زنجان هم نوشته بودند که
ناخوشی و با در آنجا بروز کرده است مفصلاً خبر صریحی
از این ولایت بمباشین روزنامه نرسیده است و لکن
ظاهراً اگر در آنجا هم بروز کرده باشد شدتی نداشته است
و هم چنین در کاشان چندین پیش ازین از فرار
ناخوشی شدت داشته و میگفته اند که در قسم و اصفهان
و وائلان و آستهبان هم بوده است و لکن چون درین باره
بتفصیل روزنامه از این ولایات نیامده است گویا بابت

چندان نداشته است
مازندران
از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته شده بود
خلعت عیدی نواب سرتیاب شایزاده و الاپار ^{مصطفی قلی}
حکمران مازندران که از دربار بایون مرحمت و ارسال
بود بقریه سُرَخ کلا که در دو فرسخی شهر واقع است رسیده
نواب مغزی الیه با جمیع اعیان و اشرف مجال استقبال
خلعت فقه در قریه مزبور در خلعت مهر طلعت را با احترام
توقیر تمام پوشیده و مراجعت شهر ساری کرده اند
و در باغ ملک آرا صفت شربت و شیرینی نموده انواع
تهنیت و شادمانی را معمول داشته اند و لازمه توقیر و احترام را
ارضوف بایون بعلل آورده زین بر دوشش عبا را فخر ساخته اند

۷۷۱

۲

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده بود بعد از آنکه
 عالیجاه شعبانعلی خان نزدیکی برات رسید بجا که که از
 جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاهی بجهت عمده الامراء
 سید محمد خان ظهیرالدوله مرحمت شده بانجا رسیده بود
 ظهیرالدوله آدم فرستاده بود که کالک را در یک فرسخی
 نگذارد تا لازم تو قیر و احترام و استقبال عمل آید و داد جا
 کشیده بودند که انالی کلاً از دروازه بیرون رفت تا کفر
 شهر بقانون نظام با نظم و ترتیب بایستند بعد از آنکه
 و اسباب استقبال بطوریکه قرار شده بود مهیا گردیده است
 عن الامراء العظام لظهورالدوله از شهر بیرون آمدن استقبال
 کالک که رفته بود و سنوز بجا که نزدیک از اسب
 شده چند قدم پیاده رفت بجا که رسیده لایحه
 بعمل آورده و اظهار کمال شکر گذاری از مرحمت فرموده کرد
 بعد در کالک نشسته بجهت تماشای مردم کالک را
 میرده اند تا اینکه داخل دروازه شده است و از قرار
 نوشته بودند عالیجاه عباسعلی خان که از بهر احتیاط
 بجا که سبایون شده بود چند لیت که از آنجا بیرون
 آمده و وارد ارض آمد کس کردید است
 و بیکر نوشته بودند که میرزا محسن نامی بر قهای خود گفته
 که مردم بسکونند که هر کس در خواجه ربیع شراب بخورد
 فی الحال بسزای معصیت خود خواهد رسید من عمداً میروم
 و در آنجا شراب بنجو رم میپشم چه میشود نوشته بودند که
 عرقی برداشته رفته بود بالای ایوان خواجه ربیع و در آنجا
 مشغول شرب گردیده بود لمح مکذشته که از بالای ایوان

سرازیر شده و بر زمین افتاد و بخشش از دماغش بیرون
 آمده و تلف شده بود و بخشش او را که خواسته بودند
 رواق حضرت امام ثامن علیه السلام نموده طواف چند
 دیرون بپزند مردم ممالعت نموده و نگذاشته بودند
 در سایر اداب میت هم ممالعت کرده و کعبه بودند
 که کسی که دارای اینگونه اعتقاد فاسد باشد ادای
 میت و نماز و تلقین هم هیچ فایده باحوال او نخواهد
 دیکر از قراریکه نوشته بودند امر قسطن خراسان در
 نظم و انضباط است و از احدی هیچگونه بی اعتدالتی
 نسبت مردم آنجا صادر نمی شود و اگر بذر ت امری
 بیفتد فی الفور نواب مستطاب شاهزاده و الا بتارحام سلطنته
 و الی مملکت خراسان و مقرب اسخاقان علیقلی خان
 میرنجه بجا م رفع آن برمی آید از جمله نوشته بودند
 از یک نفر سرباز صد پایه یک نفر هیمه فروش و ارد
 آمده بود و پای سیمه فروش شکسته بعد از آنکه مراتب بعضی
 مغزی السیمه رسیده بمقرب اسخاقان علیقلی خان میرنجه
 قدغن کرده بودند که سلطان آن سرباز را اخراج کرده
 و از خود آن سرباز هم دیده پای سیمه فروش را حکماً
 بگیرد میرنجه هم دیده پای سیمه فروش را برضای او
 بمغنی مصباح کرده و گرفته داده بود و سرباز
 بود که مادامیکه پای او خوب نشده همان سرباز
 از عهد بخارج معا لجه پای او براید تا وقتی که پایش
 خوب نشود و بجهت آنها مات میرا نظام امر نظام دیکر نکند
 خلاف قاعده ناشی نمی شود

۷۷۲

اجتار دول خارجه

انگلیس قسود نامی که بزرگ یا غیان مجاز بود
 و حال در مملکت انگلیس میباشد درین روزها ما پیش
 و گفتگو در دولت انگلیس گردیده است در خانه شخصی
 نزدیک بشهر لندن چند هزار فشنگ جنگی یافتند چونکه
 انسانی دولت خبر داشتند که فشنگ جنگی در آنجا
 ساخته میشود چاکران دیوان را با آنجا فرستاده و
 ضبط کردند هفتاد و صد و یک یافتند که همه در فشنگ
 جنگی بود و دو هزار چهارده نارنجک که هنوز اجزا بیافش
 پر کرده بودند و هفتاد و پنج من بار و طو سار اسباب
 و اجزای پر کردن چهارده نارنجک و ساختن فشنگ
 در آنجا پیدا کردند و چند هزار فشنگ جنگی حاضر و تمام کرد
 در آنجا موجود بود قسود انکاری کند که این اسباب مال من
 نیست و صاحب کارخانه نیز انکاری کند که مال قسود نیست
 و خودم بجهت فروش ساخته ام و بنا داشته ام بدولت انگلیس
 بفروشم و اگر دولت انگلیس خریدار نشود آنوقت اذن بگیرم
 که بدولت دیگر بفروشم اما انسانی دولت انگلیس متحفظ و
 کشیک ضبط کرده است خانه و حیاط و هر چه در او بود ضبط
 کردند بعضی از چهارماری نارنجک بهمان قالب و ترکیب
 یافتند که درین اوقات در اقصای پروسه در نزد
 آنجا حبه بودند و فشنگ جنگی را هم بطرح تازه ساخته بودند
 که اختراع خود صاحب کارخانه نمیشود چونکه بجهت خوب
 که بدیناله فشنگ نصب می کنند محل و نقلش در جنگ قیام
 مشکل میشود این شخص فشنگ جنگی را بطوری ساخته است
 که در وقت انداختن احتیاج بچوب دست و دنباله ندارد

و در انداختن چرخ میخورد مانند کلوکه که از تفنگ سشش خوان
 انداخته میشود با آنجه در مشورتخانه انگلیس در سر این گذارش
 بحث و گفتگو شده است بعضی از اهل مشورتخانه گفته اند که معلوم
 و ثابت است است که این اسباب مال قسود بوده است
 میخواسند است بملکت بفرستد یا نه درین صورت
 انسانی دولت که آدم فرستاده و آن خانه و حیاط و هر چه
 در او بود ضبط کردند عملی کرده اند که خلاف قانون آزادی
 ولایت انگلیس است اما از قرار اکثر روزنامهها که درین خصوص
 چاپ زده اند واضح است که این چهارماری نارنجک و فشنگ
 جنگی و سایر اسباب را بجهت قسود نام تارک نموده بودند
 و میخواسند از ولایت خارج بفرستند
 تاریخ روز دوشنبه نهم ماه رجب مستر کلیدستون وزیر
 محاسبات ولایت انگلیس دستور العمل داد و سیدما
 و جمع و خرج سال نود دولت انگلیس را مشورتخانه آورده و
 فقره بفقره بابل مشورتخانه مفصلاً تقریر و خاطر نشان نمود
 و چهار ساعت و نیم مشول خواندن دستور العمل و مکشوف
 داشتن آن بابل مشورتخانه بود از جمله مخارج که بر او کرده
 بود یکی این فقره بود که در سال گذشته مدخل دولت انگلیس
 یازده کروڑ و دوازده هزار تومان بحساب پول ایران از
 مخارج زیاد تر بود اما امسال موافق دستور العمل که نوشته
 کو با مدخل از سه کروڑ بیشتر از مخارج علاوه نیاید و این
 تفاوت نسبت این است که مالیات و مدخل دولت
 انگلیس کم شده باشد بلکه بسبب مخارج زیاد است که
 امسال بحسب صلاح و صوابید و زرا لازم دانسته و زیاد
 کرده اند و سبب این اخراجات زیاد این است که بجهت

۷۷۳

مملکت انگلیس را طوری نگاه بدارند که اگر خدا نخواسته
چونکه اتفاق بیفتد سیصد هزار قشون خشکی و صد هزار قشون
سجری باند ارکات لایمه آماده و همپا داشته باشند

فرانس

در روزنامه پاریس پای تخت ایولایت نوشته اند که
درین روزها چند نفر از مفتدین با که بنای آشوب و اغتشاش
داشتند و نوشتجات آنها نیز مدعیین که در دول
خارج بودند آمد و رفت نمود در پاریس گرفته اند
مردم درین خصوص قدری خوف و احتیاط کرده بودند
که شاید مفهین در همان اوقاتی آشوب و اغتشاش
داشته باشند و لکن از فرار بیکه در روزنامه فرانس
نوشته بودند معلوم نموده است که مفتدین در آن اوقات
بنای افتاد داشته باشند اما انمای دولت فرانس
گرفتن اشخاص مزبور را لازم دانسته بودند

درین روزها ایلی از جانب پاپای رومنه پاریس پای
فرانس آمده و بحضور اعلیحضرت امپراطور فرانس رفته بود
در وقتی که چند نفر از اقوام امپراطور و از انمای دولت
فرانس حضور داشته اند و کمال اعزاز و احترام از
جانب اعلیحضرت امپراطور نسبت به ایشان شده بود

استریه

امپراطور این مملکت چنانچه در روزنامه های سابق نوشته
از زخمی که برداشته بود بکلی صحت و بهبودی حاصل نموده
موافق قاعده سابق که داشت روزی چند ساعت در اطراف
باستیانها و چهای شهر پیاده گردش میکرد
بابین دولت منته خصوصه دولتین استریه و پروسیه

درین روزها گفتگوی شده است در خصوص اینکه بعضی از
جمعیت رعایا و صنایع کاران را که در مملکت جمع میشوند
موقوف بدارند چون اگر صنعت کاران و اصناف در
میان خودشان قرار گذاشته اند که صنایع و صنایع جمع میشوند

و هر کس موافق قوه باختیار خود پولی در آنجا مایه بگذارد
که اگر یکی ازین اشخاص ناخوشش بشود ازین پول مخارج او را
ببندد که در ایام مرض عبرت و تشکی نگذازند یا اینکه یکی ازین
اصناف اگر بیکار بماند دیگران باید سعی کنند و کار و شغلی
از برای او پیدا کنند که بی کار نماند که از آن بیفتد و اگر نتواند
چیز جزئی ازین تنخواه بابد بماند که خود در عیالش عسرت
نکشند دیگر اگر یکی ازین اصناف ببرد ازین وجوه است که
هفته به هفته جمع میشود و مخارج کفن و دفن او را بپردازد که عیال او
ازین مرحله در رفاه باشند این قواعد که گذاشته بودند
همه خوب بود برای خودشان نفع داشت و بدیوان
صزری نداشت و لکن درین روزها در مملکت منته این معنی
معلوم گردیده است که اصناف بهمانه اینکه جمع شده
در امورات کار و کسب خودشان مصلحت و مشورت نمایند جمع
میشوند و در خصوص امورات دولتی با هم مصلحت و مشورت
میکنند که شاید طوری نمایند که فتنه و اغتشاشی در آن
ولایت برپا بشود و ازین جهت دیوانیان آنجا میخواهند
جمع شدن اصناف آنولایت را در یکجا موقوف بدارند
و درین باب از هر یک از دولت منته شرحی بجا آورده
دولت که در مشورت نشسته اند فرستاده شده اند
در یکی از روزنامه های وین پای تخت استریه نوشته بود
که فریبتی نام که بزرگ مفهین ایتالیا بود و مدتی بملکت انگلیس

فرار کرده و پناه بان دولت برده بود حال در مملکت سیستان
و در بین اثنا عشر شهر مسلمان نیز در آن اطراف بوده است
و باز هم درهما بنجاست و لیکن مخفی است بطوری که امنای
دولت در پست نمیدانند که در کجاست

عثمانیست

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که والده اعلیحضرت سلطان
در شب دوشنبه بیت و سیم ماه رجب در عمارت
سلطانی که عمارت چو افغان می نامند وفات یافت
و چهل و هشت سال عمر کرده بود و چون بصفه سخاوت و
احسان بفقرا و مساکین و اقدام باعمال خیر و ثواب مشهور
بود کل اهل آنجا از وفات مشارالیها بسیار متالم و
متأسف بودند از جمله کارهای خیر و ثواب او یکی آنست
که بجهت مریض از بر قسم و از هر مذمت و ملت که باشد ساخته
که با آنجا رفته معالجه دهد و ابشوند و مدرسه هم ساخته است
که قریب چهار صد نفر طلبه در آنجا درس میخوانند و
سائر اعمال خیر و احسان بفقرا و مساکین نیز مشایع بود
نقش او را با کمال اعزاز و اکرام برداشته و در کتب
میان اسلامبول آورده بجانانی که توپ قاپی میگویند و او را
با جمیعت و از دحام برداشته در نزد یک قمر مرحوم سلطان
دفن کردند شیخ الاسلام و وزیر اعظم و سایر روزرا
و علما و چاکران و جوان و جمیعت زیاد از اهل آنجا در بیجا
جنازه و دفن او حاضر بودند

هندوستان

تاریخ آخر روزنامهها که ازین ولایت رسید از بنساخت
پنجدهم جمادی الثانی بود و از برمه بیت و نهم جمادی الاول

و از نامتخان چین سلخ ماه جمادی الاول در خصوص جنگ
مملکت برمه درین روزنامهها نوشته اند که درین روزنامه
جنگ دولتی شده بود و لکن قشون پادشاه برمه که مرخص
شده بودند دسته دسته که در آن ولایت کشت و عموماً
میکردند آنجا مارا تاخت و غارت می نمودند چند دسته
از قشون انگلیس نیز بحکم صاحب منصب خودشان
از عقب این اشخاص رفتند از هندوستان درین
روزنامهها چیزی نوشته اند که قابل ترجمه کردن باشد

چین

درین مملکت چنانچه در روزنامههای سابق نوشته شد
مدتیست که در بعضی از بلوکات آنجا مردم از پادشاه باغی
شده اند و با قشون دولتی جنگ می کنند و درین روزنامه
بعضی جایها بقشون پادشاه سگت داده اند و یک شهر
بزرگ که نام او ووچنگ فو است بدست یاغیان افتاد
و از فرار یک معلوم میشود و درینست که یاغیان بقشون دولت
غالب بیایند و پادشاه آنجا از تاج و تخت میزند
سلسله پادشاهان حالاکه در چین سلطنت می کنند از
طایفه منچوی تاتارستان می باشند که تخمیناً در
سال قبل ازین از تاتارستان حمله بملکت چین آورده و
بجنگ و غلبه سلسله پادشاهان قدیم آن ولایت را از
تاج و تخت انداخته و یکی از تاتارها پادشاهی چین
برقرار شد که تا حال اولاد او در آن ولایت سلطنت می کنند
و طایفه تاتاری از آن وقت صاحب ولایت چین شده اند
و بسیار شجاع و رشید و صاحب شمشیرند و لکن نسبت جمیعت
چین جمیعت تاتاری بسیار کم است بلکه کمتر از انگلیسها در هندوستان

۷۷۵

مملکت داری می کنند نسبت به جمعیت و تنه استان در چنین قشون ششده
 اگر صاحب منصبان شجاع که دارند از همین طایفه میخوانی تا نمانند و لکن چنان
 ووزرا و سایر انسانی دولت را باین خود چندان حال کسی نمیدانند که سبب
 شدن اهل چین این است که میخواهند تا ما را از اینجا و تحت بند از بند
 سببی بگردانند باشد حال چنان است که این با عیگری در اولویت است
 و یا عیان شخصی اجماعی پادشاه بزرگی برداشته اند و لکن خود را بکل
 القاب پادشاهی لقب کرده است و میگوید پای تخت را تصرف نشوم
 القاب را نسبت بخود مناسب نمیدانم و اسم این شخص طین طه است اول
 جنگ و آشوب است جنوب آن مملکت بود یا عیان کم کم بستمال که طرف
 پای تخت است فتنه در فصل پاییز سال شهر و چونگ را تصرف شد
 این شهر در وسط مملکت چین است و در کنار رودخانه بزرگ که از آنجا میگذرد
 اکثر دره خلق و حمل و نقل بارها بملکت چین ازین رودخانه و نهرهای دیگر میروند
 از شهر تا کلین که یکی از بزرگترین شهرهای چین است صد و بیست و پنج فرسخ
 دور است و چون که این رودخانه از دوشهر میگذرد فتنه با آنجا اشکالی ندارد
 و بعضی میگویند که شهر تا کلین نیز تصرف یا عیان افتاد است جمعیت یا عیان
 پنجاه هزار میگویند اما این جمعیت نسبت به چین که خلق زیاد و قشون دولتی فراوان
 دارد بسیار کم است و قشونی که پادشاه چین روبرو آنها فرستاده بود
 از پنجاه هزار کمتر بوده اند و مردم سمت پای تخت بسیار خوف و ترس
 کرده بودند و معلوم نیست باند سبب این آشوب چه بوده دیوان در ایالت
 زیادتی نموده و ظلم هم بکنی نموده است در مملکت چین قیام دولت نسبت بخلق
 با کمال عدالت و انصاف و خوش سلوکیست اما این شخص طین طه نام که بزرگ
 یا عیان است در یکی از فرمانها که نوشته و میان مردم منتشر کرده است
 بخلق وعده کرده است که اگر کارش برایش بود و پادشاهی برسد
 با یک ایالت قرار میگیرد که نسبت بخلق قدری رفاه باشد و در خصوص
 عدالتخانه هم قرار میگذارد که پسند خلق باشد و اینها را بخلق توپید

داده است که مایل با و بشوند اگر چه این جنگ و آشوب مملکت
 چین هیچ مناسبتی با اهل دول خارجی ندارد زیرا که معلوم است که
 هر کس در اولویت پادشاه باشد رفتارش با دول خارج
 همانطور که هست خواهد بود اما ضرر این اغتشاش عاید دول خارج
 بخصوص دولت انگلیس خواهد کرد و بدین سبب است که اغتشاش در میان
 ستمهای ولایت چین است که حاصل جای از آنجا بعضی می
 رود و درین که اگر این اغتشاش رفع نمکد و دجانی کم کم با
 بشود و چونکه یک مالیات عمده در ولایت انگلیس از کم
 جای است اگر جای کم یاب بشود هم ضرر بدولت و هم
 بخلق انگلیس میرسد حالا این آشوب در وسط مملکت چین است
 از آن سبب خبر درست ندارند و از گذارش اولویت
 همین قدر که نوشته اند خبر دارند و لکن اگر منتشر بشود
 شهرها و جاهایی که نزدیک بکنار دریا هستند آنوقت خبر

صریح از اولویت خواهد رسید

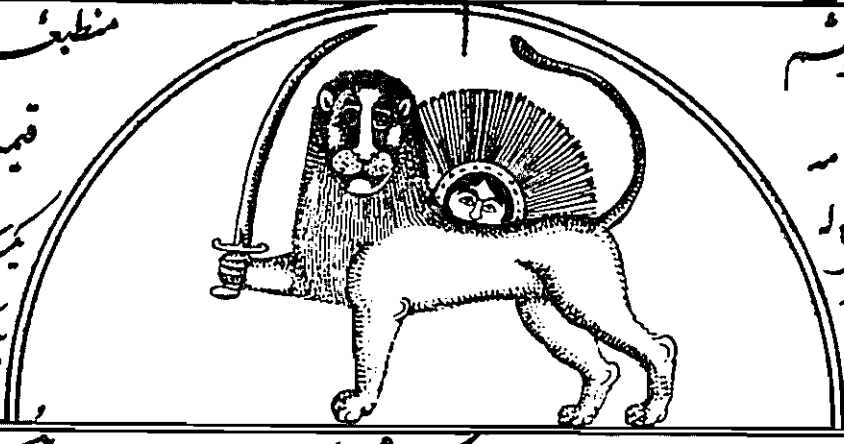
اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی
 عبدالمجرب با سه حقی در محله نزدیک بدروازه دولاب
 الطباع شده از اینقرار فروخته میشود

- مجالس المتعین دو تومان و دو ریال
- حاشیه شیخ محمد تقی بر عالم دو تومان و نیم
- سما عالم جلد چهارم بحار الانوار سه تومان و دو ریال
- تفسیر امام حسن عسکری یک تومان
- شاهنامه چهار تومان و نیم
- ختم نظامی نه هزار
- دستان یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه و دویم ماه رمضان المبارک مطابق سال اول

نزد صد بیت ششم
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی
تفان و چهار



منظومه در انخلاف طهران
قیمت اعلانات
بیم سطر الی چهار سطر
بیشتر

اخبار داخل ممالک روسیه پادشاهی

دار انخلاف طهران

از اردوی هاپون اعلیحضرت پادشاهی که در شکارگاه
لاشرفین دارند درین روزنامه نوشته بود که نو
فیروزی کوکب سبکی از سیلاقات شمیران غنیمت داشت
که تشریف بیاورند و نواب ستیاب شاهزاده والا تبار
از شیرمیرزا صاحب اختیار دار انخلاف طهران و نواب
حب الامر هاپون آدم بدعات شمیران فرستاده
که در باب ناخوشی تحقیق در سیدکی کامل نمایند که با
از دعات مزبور بالمره رفع شده باشد یا نه از قرار
معلوم شده است از دعات شمیران ناخوشی و نا
رفع شده است و بیچ نیت و مکان کلی است که در
روزنامه اردوی سماپون به نزدیک سوگاتک شمیران
و آن اطراف نزول اجلال فرمایند
ناخوشی و باد در انخلاف طهران در اوایل ماه مبارک رمضان
قدری شدت کرده بود و روزی قریب بی نهم روز
بعد از آن کابلی منزل کرده و پانزده نفر رسیده و کا
بالا رفته نزدیک بی نفر رسیده است و لکن از بی نفر

بالاتر زفته است در دعات اطراف هم از اکثر جاها
بالمهره رفع شده است و اگر هم در بعضی دعات باشد
بسیار کم است اما از قراریکه این روزنامه خبر رسیده است
در دعات اطراف و حول و حوش قزوین ناخوشی
هست سهل است که شدت دارد بطوریکه نوشته بود
از یک ده در یک روزش نفر مرده اند و در محال طاقان
هم ازین ناخوشی بوده است و از ما نزدیک آن هم
نوشته بودند که این ناخوشی در آنجا نیز بود و با کربها
انولایت افتاده بود و لیکن مانند سایر ایالتها
نداشته است و در قریبه امامه نزدیک باجناکه اردو
هاپون توقف داشته است بعد از حرکت موکب فیروزی
لوکب شکارگاه لار ناخوشی بروز کرده بوده و نسبت به
بجاشدتی هم داشته است و در بعضی دعات دیگر لو
و آن اطراف هم کم دبیش ازین ناخوشی بوده است
و در کن و سولقان هم چند نفر ازین ناخوشی گرفته
بودند و لکن صحت یافتند و خوب شدند در میان
دور دار انخلاف که در سر از خانهای دور شهر و دیر

در باره بیماری
در باره بیماری
در باره بیماری

شهر اردو دارنیک وقتی شدت داشت حال از بعضی قوا
پایه رنج شده است که در میان دو فوج کزازی که بالائی است
الیمخانی نزدیک پارس باجای کنار نهر قاسم خانی
اردو زده اند که باز کم و بیش ناخوشی در میان آنهاست
و هم چنین از فوج فدوی قراکوز که قراول قراونخانی
شهر نیز خیزد نفر ازین ناخوشی درین ماه مبارک تلف شده

درین روزها که خبر ناخوشی در میان فوجا شیوع هم رسانند
بوده اعلیحضرت پادشاهی از راه حرمت مقرب انجمن
مجمع علی خان میرنجه را باحوال پرسی قشون متوقف اطراف
دار اسخلاف طهران بشهر فرستاده بودند و عالیجناب
وارد اطاق نظام گردید و کل صاحب مضمان نظام
و غیر نظام را در اطاق نظام جمع آوری نموده التفات
شاهانه را بایشان رسانیده و احوال پرسی کرد و
این حسد سبب آید و آری و مزید شکر گذاری جمیع
گردید

نواب استغاب بنزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران
دار اسخلاف طهران و توابع درین اوقات معتمد بکروز از فضل
و علماء واعیان و تجار و مالی شهر احوال پرسی می نمایند
نسبت با اهل شهر و بجزوی و مهربانی می کنند

جناب حاجی سید نصر الله مجتهد که درین اوقات هم اول
ذکور و انان ایشان درین ناخوشی و فوات یافته اند
ماز جانب سنی انجمن اعلیحضرت پادشاهی بصدور دستخط
مبارک مبنی بر التفات و دعوتی و اعطای عسای ترمه
و خرجی آیام پیام قرین اعزاز گردیدند

و هم درین اوقات از جانب اعلیحضرت پادشاهی
برای نفع خیر و جود تصدق وجود مالون و اتفاق فقر انبزر
مقرب انجمن خان میرزا موسی و زبرد ار اسخلاف طهران و توابع
اوروند و مقرب انجمن خان مشاریه نیز خدمت علمای
مبیین و نشاند که بقرا و ارباب حاج برسانند
دیگر درین اوقات که مردم تشویش ناخوشی اطراف رفته اند و اکثر عمارات خانها
و دکا کین تحفظ درستی نزار نواب استغاب اردشیر میرزا آور داده اند که

گرفته ای شهر که شبها پاس اموال مردم را میزدند روزها هم از همه
خبرداران که خسارتی کسی نرسد و در ازانی این خدمت بفرموده آنها

سایر ولایات

درین هفته از سایر ولایات اخباری نبود که در روزنامه

اخبار دول خارج

انگلیس

موافق خبر آخر که از انگلیس رسیده است امید آن بود جنبگی که اهل
انگلیس می بود که با سیاهای وحشی احتشامی کوستان و
جنکهای آن اطراف داشتند تمام شده بود و در کار بود
که سرحد خاک دولت انگلیس را با خاک آنها مشخص نمایند
که دیگر قطع بحث و گفتگو بشود دولت انگلیس درین جنبک
بسیار خسارت کشیده و متضرر شده اند و این کار
دولت انگلیس بر عابای رس سید جنر کرده اند
که اگر بعد ازین دیگر در ولایت رس امید با این
سیاهای جنک و زرد خورد اتفاق بیفتد
خود رعایای ولایت رس امید از عهد اجراء
جنبک بر چه میشود برانند که ضرر نجران دولت انگلیس
نرسد و دولت سخته جنبک آن ولایت متضرر نشود

و از پیش خبر کرده اند سخته اینکه اهل اسجاک را عیای دولت بکلیس
بطوری با سبایه های وحشی آنوقت که جنگ بگردند سلوک
نمایند که باعث بر سحر و کی و جنگ دوباره نشود و دولت
خود را نیز محافظت کرده باشند

مزبور فرستاده شده است
دولت استریه از ایامی که اهل فرانسه شارل دهم پادشاه
فران را از آنوقت بریدن کرده و لویی فیلیپ را بجای او
برقرار نمودند و بکیش آن منصب مالی دولت فرانسه انداختند

در مشورتخانه انگلیس گفتگو و بحث شده است در خصوص اینکه
چند وقت پیش ازین اعیان تجار شهر لندن بفران رفته
و عریضه بامپراطور فرانسه داده و اظهار دوستی بکلیس
نسب اهل فرانسه کرده بودند و این تفصیل در ضمن
گذشته نوشته شده است حال اهل مشورتخانه پادشاه
انگلیس میگویند که رفتن اشخاص مزبور بسپای تخت
فرانسه و دادن عریضه بامپراطور فرانسه بدون
اذن پادشاه انگلیس خلاف قانون دولتی و
منافی احترام پادشاه انگلیس بود زیرا که در کمال
دول رومی زمین قاعده این است که گفتگوی مابین
دول از پادشاه پادشاه می شود و نوکر یا رعیت
حق از ازار دگر بی اذن دولت خود در اینکه مطالب
با دول دیگر اقدام در گفتگو و قرار نماید و درین باب در مشورتخانه
انگلیس گفتگو و بحث و تحقیق بود

باین سبب که بریدن کردن پادشاه فرانسه و بر
نمودن لویی فیلیپ را بجای او خلاف قاعده موروثی
پادشاهان فرانکستان میدانند اما موسیود لاکور که از
جانب دولت فرانسه درین ایام سفیر کبیر مامور بامقامت
سپای تخت دولت استریه بود و وقتی که از دولت مزبور
بهمان منصب مامور سفارت دولت عثمانیه
از جانب دولت فرانسه گردیده بود در وقت
مرخصی از دولت استریه از جانب اعلیحضرت امپراطور
استریه نشان اعلی باو التفات شده بود

احوال مسفره

در بعضی ممالک کرسیات موریا نه میان تیرهای سفید و غیره خانها
میخورد و بسیار ضربه بخانهها میرساند چونکه مغز تیرها میخورد و از بیرون
ت یک قیخیر تیرهای شکند و خانه خراب میشود و اجانها
آدم در زیر خرابی مانده تلف میگردند حال شخصی در ولایت
فرانسه در باب علاج موریا نه تدبیری اندیشیده است
که خوب از آفت موریا نه سالم بماند و نوشته است که
بخار تیرها را با جوهر گوگرد که بموریا نه بخورد و همه را
هلاک می کند و اگر کسی احتمال میدهد که در میان تیرهای
عمارت او موریا نه افتاده باشد جوهر همین دو را
که نوشته شده است بکار برد اگر موریا نه باشد حکمت
هم تلف خواهند شد چون که عیب نمیکند

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده اودین نام
صاحب منصب دولت استریه بسبب ادتی که در کیش
آن وقت مجارستانی که بامپراطور روم زود بعل آورده بود
از اکثر پادشاهان دول فرانکستان نشان یافت
و درین روزها از جانب پادشاهان دولتیس برودیه
و اسپانیول نیز از هر یک نشان علی سخته صاحب منصب

استریه

در بعضی ممالک کرسیات موریا نه میان تیرهای سفید و غیره خانها
میخورد و بسیار ضربه بخانهها میرساند چونکه مغز تیرها میخورد و از بیرون
ت یک قیخیر تیرهای شکند و خانه خراب میشود و اجانها
آدم در زیر خرابی مانده تلف میگردند حال شخصی در ولایت
فرانسه در باب علاج موریا نه تدبیری اندیشیده است
که خوب از آفت موریا نه سالم بماند و نوشته است که
بخار تیرها را با جوهر گوگرد که بموریا نه بخورد و همه را
هلاک می کند و اگر کسی احتمال میدهد که در میان تیرهای
عمارت او موریا نه افتاده باشد جوهر همین دو را
که نوشته شده است بکار برد اگر موریا نه باشد حکمت
هم تلف خواهند شد چون که عیب نمیکند

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده اودین نام
صاحب منصب دولت استریه بسبب ادتی که در کیش
آن وقت مجارستانی که بامپراطور روم زود بعل آورده بود
از اکثر پادشاهان دول فرانکستان نشان یافت
و درین روزها از جانب پادشاهان دولتیس برودیه
و اسپانیول نیز از هر یک نشان علی سخته صاحب منصب

۷۷۹

بعضی آرد های نقاشی ایام قدیم در فرنگستان درین روزها
 قیمت بسیار زیاد بود و شش مبرود یک سببش این است
 نقاشی این ایام نسبت کارهای قدیم خیلی متزلزل کرده است
 نقاشان این ایام خوبی پردهای کاقدیم نمیتواند سازند سبب دیگر اینکه
 فرنگستان این اوقات به مطالب و خرید پردهای قدیم گردیده اند از
 یک پرده کار بار توام که نقاشی بوده است از اهل ابطال باو
 پرده مال مرسل ملت بود درین روزها به پنجاه هزار تومان چیزی
 بحساب پول ایران فروخته شد است تاریخ وصیت نامه نقاشی
 مزبور صد و هفتاد و سه سال پیش این ایام است و از فقراتی که در آنجا
 معلوم میشود که در آن ایام اینقدر پول به جای این پرده نمیدادند
 ریز که نوشته است در وصیت نامه اش که پرده بجهت
 کلیت با نقاشی شد به قیمت نهصد و الارپول آن ایام که تخمیناً
 چهار صد و پنجاه تومان بحساب پول ایران با و ازین پنجاه
 دلار به نقاشی مزبور رسیده و شصت دلار طلب و مانده
 و سایر پردهای بزرگ و کوچک هم بهین نسبت قیمت
 و بعضی کوچک هم بوده اند که بسی و در دلار فروخته

تخمیناً هفتاد و پنج فرسخ از دریا دور است و ارتفاعش از
 سطح محیط هشتاد و پنج فرسخ بلند تر است این اشخاص حال بنا دارند
 که بجهت راه آب از خودن مانده جنبه سازند و آب را از زیر
 بروج سجا که بطلبه حرکت میدهند بشهر پارس بیاورند و خرج
 ساختن این راه را با هشتاد و پنج هزار تومان یک کرده
 بحساب پول ایران بر آورده اند و خان میدانند که نفع
 کند چون که بعد از ساخته شدن و رسیدن آب دریا بشهر پارس
 از هر کس که نخواهد میان آب برود و چیزی خواهد

منجمن حساب که ستارهای دنباله دار را که بچندی گاهی پیدا شده است
 میدانند و مدت معینی دارد و وقت پیدایش و ماندن او
 تا وقت غایب شدن و بعضی این ستاره ها هر چهار صد سال
 پیدا میشوند و بعضی زودتر و بعضی دیرتر درین روز در فرنگستان
 یک ستاره دیده اند که دو سال قبل ازین ایام پیدا شده
 بوده است و منجمن آن ایام وقت پیدایش را دو باره در دو
 سال بعد که این ایام باشد نوشته بودند و امسال که منجمن
 متعین او برآورد دیده اند چنان دور بوده است که بی زور
 چشم نمی آید است در بعضی شهرهای فرنگستان درین ایام

و دیده اند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید چاپی در محله
 نزدیک دروازه دولا بظرباع شد از اینها فروخته شود
 شاهنامه چهار تومان و نیم
 خزانه نظامی نه هزار و بیست
 داستان یک تومان

بعضی از اطباء در فرنگستان فتن میان آب بحر محیط را که شور است
 بسیار مفید میدانند بخصوص برای کسی که ضعیف المزاج باشد میتواند
 که مزاجش را قویتر کند و این سبب بعضی از مرصها را در تابستان
 بکنار دریا میفرستند که در آنجا درزی بکند فواید و دفعه میان
 آب دریا برود و چون رفتن بکنار دریا برای همه کس بضرر نیست
 مسئله دارند و بعضی نضاعت از آن لذت اشخاصی چند در شهر پارس
 پای تخت فرانس خیال کرده اند که آب دربارا بشهر سازند
 که هر کس نخواهد در شهر میان آب دریا برود و شهر پارس

۷۸۰

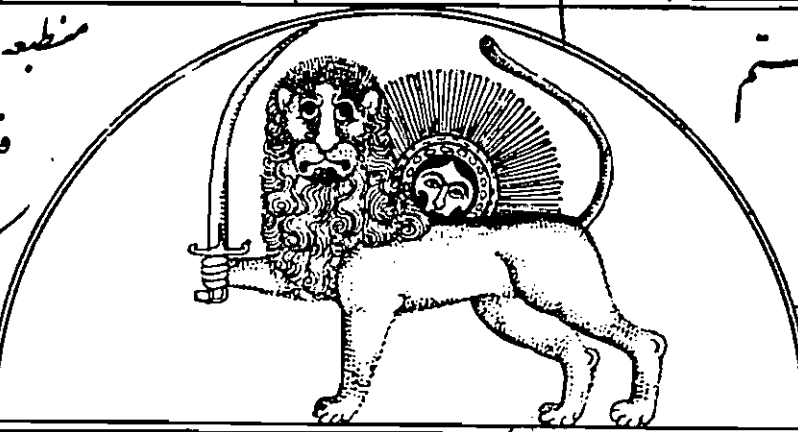
روزنامه قایق انفاقیه شرح یوم شنبه و ماه رمضان المبارک مطابق سال وکیل

منطبعه دارالخلافه طهران

نزهت و بیت هفتم

قیمت اعلانات

یک سطر اول چهار هزار
بیشتر با هر سطر



قیمت روزنامه
یک نسخه ده هزار
بیت چهار هزار

اجبار و اخلاص ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موکب هایون اعلیحضرت پادشاهی که بجهت تفریح و شکار بیسلاقات لار تشریف فرما شده بودند تا یکشنبه بیستم ماه رمضان المبارک در کنار رودخانه لار نزد یک کبوه دماوند تشریف داشتند و در روز منور بوجه تغییر و تبدل مکان و جای اردو بکفرسین بطرفی دیگر که مکانی بهتر بود تشریف فرما گردیدند که چند روز در آنجا توقف فرموده بعد از آن لواسان تشریف فرما شوند و هوای سیلاب منور بسیار خوب است و بر وجود مبارک اعلیحضرت پادشاهی و قلمین رکاب مسایون بسیار خوش گذشتند و از فرار احکامی که از اردوی پادشاهی میرسد موکب بیروزی کوکب تا آخر ماه مبارک رمضان در حدود بیسلاقات لار توقف فرمودند و بعد از انقضای ماه مبارک رمضان انشاء الله به عمارت سلطانی شمیران تشریف فرمایند و اول که موکب هایون نسبت لار غزمت فرمودند

زیاده از یک هفته منظور توقف در آن صحیفات نداشتند و لیکن بعد از ورود اردوی هایون بیسلاق لار و ملاحظه صفا و خرمی و ترتیب و طراوت و خوبی آب و هوای آنجا که زیاده مطبوع و مستحسن خاطر ملوک و افاضاده و فی الحقیقه از سایر بیسلاقات اطراف امت سازگلی دارد تا آخر ماه مبارک رادر آن حدود غزمت توقف و تفریح فرموده اند و خطاب نوشته شد بر وجود فالین احمد پادشاهی و همگی رکاب هایون خوش گذشتند است

درین اوقات ایام صیام ظن غالب بر دلمین بود که بجهت ضعف و تعاقب روزه داری ناخوشی و با که در دارالخلافه طهران است زیاده تر بشود بلکه امر آن و علل دیگر بروز نماید و لیکن از تفصیلات خداوندی در ناخوشی و با که عنون تسویش خلق ازین رهگذر بدست غلایمت هو اتخفیف کلی حاصل گردیده و امراض دیگر مطلقاً ظهور و بروز می ندارد و عسوم سکنه دارالخلافه در کمال امانت و رفاه و آسودگی خاطر بشکر گذاری

۷۸۱

قد بزدی یک من چهار هزار و پانصد	و دعا کونی دولت قاهره اشتغال دارند
قداری یک من شش هزار و صد	چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است بنجد
شکر سفید یک من سه هزار و پنجای	سبیل برار اخلای طهران بعضی قنات شهر خرابی رسیده
شکر ما زندگانی یک من شش عباسی	از بخرافات مقرر کرد که بارک مبارک می آید و آب کل عمارت
چای یک من هجده هزار	ارک از قنات مزور است بآمره خوابیده بود حسب احکام اولیا
آب لیمو یک من دو هزار	دولت قاهره قناتی در همه قنات شهر مشغول تفتیه میباشد
آب ناسخ یک من هزار دینار	و آب قنات مقرر کرد در این روزها جاری گردید و در حال
بل یک من دو تومان	عمار است سلطان ارک گردید و موافق قاعد تقسیم گردید
دارچینی یک من نه هزار	کافی السابق بخرافات تقسیم مینمایند و آب کرج را هم
فلفل یک من سه هزار	بیان شه آورده میان خلق موافق عدالت تقسیم مینمایند
زرد چوبه یک من سی شاهی	که مردم از آب تنگدستی نکند
تخم بیل یک من دوازده عباسی	تسعیر اجناس با کولات و غیره دار اخلای که عالیجا میرزا
میجک یک من شش هزار	اصحاب آفاسی صورت داده است درین نغمه از بنفرا
زرشک یک من دو هزار	برنج غنبرو یک من سه عباسی
زیره یک من دوازده عباسی	برنج کرده یک من ده شاهی
لیموی عمانی یک من دو هزار و شصت	روغن یک من دو ریال
تخم بیل پرورده یک من پنجم هزار	گوشت یک من یک هزار دینار
خرما خارک یک من دو هزار	گندم ساوجی یک خردا دو تومان
خرمای رزد یک من چهار عباسی	گندم و راهین یک خردا هجده هزار
قیصی یک من شش عباسی	نان یک خردا دو تومان و هزار و پنجاه
بادام یک من هزار دینار	آرد کندم یک خردا دو تومان و دو ریال
مغز بادام یک من سه هزار و صد	آرد جو یک خردا سیزده هزار
پسته یک من یک ریال	یک خردا ده ریال
منزل پسته یک من دو هزار	یک خردا هفت هزار
سمن بوداد یک من هفتصد	یک خردا پنجاه

۷۸۲

۸ ص	تک یک من پنجاهی	۵۰	سجود قزوینی خام یک من چهارعباسی
۱ ص	رود غمخراغ یک من سی شاهی	۵۰	ماش یک من سصد دینار
۲ ص	کرک یک من شاهی	۵۰	لوبیا یک من سصد دینار
۳ ص	هندوانه یک من پنجاهی	۵۰	عدس قزوینی یک من چهارعباسی
۴ ص	بادنجان صد عدد دو هزار	۱ ص	عدس شهر یک من پنجاهی
۵ ص	خیال صد عدد یک هزار دینار	۱ ص	فندق یک من هشت عباسی
۶ ص	الوجه یک من یک عباسی	۱ ص	شع یک من نه عباسی
۷ ص	گوجه یک من پنجاهی	۱ ص	پیکداخته یک من یک هزار و شصت
۸ ص	زرغالو یک من سصد دینار	۱ ص	صابون یک من یکریال
۹ ص	سیب یک من هفتاد و پنجاه	۱ ص	تنباکوی شیرازی اعلی یک من سه هزار و صد دینار
سایر ولایات		۱ ص	تنباکوی اصفهانی وسط سی شاهی
۱۰ ص	آوردن با ایچان از قراقرم در روزنامه خوی نوشته	۱ ص	شیره سفید یک من سه عباسی
۱۱ ص	در روز دهم ماه شعبان حجاج عراق و فارس و آذربایجان	۱ ص	شیره سفید یک من دو عباسی
۱۲ ص	خوی شد و اسال زیاد ترا ساکنان دیکر بوده اند از معرفین حجاج	۱ ص	کشش طعام یک من ده شاهی
۱۳ ص	نوا جیانگیر میرزا بوده که با پسر و کوشش عازم که معطله بوده اند	۱ ص	کشش سبز یک من هفتصد دینار
۱۴ ص	در تبریز ناخوش گردید و بهمان حالت روانه خوی شد و سه روز	۱ ص	انجیر زردی یک من دو هزار
۱۵ ص	در آنجا مانده و از آنجا روانه شد بزراوه که منزل اول خوی است	۱ ص	انجیر ابوالک یک من یکریال
۱۶ ص	رسیده است مریض عاف مبتلا شد انقدر از دماغ خون	۱ ص	سرکه شیره یک من سبزه شاهی
۱۷ ص	آمد که غشش نموده بعد از حال آمدن خود مرخصت به تبریز نموده	۱ ص	سرکه یک من سبیدر
۱۸ ص	دعای حاج رودی ساخته و بعد از ورود به تبریز مردم نویار	۱ ص	ماست یک من سبیدر
اوراد مسیخه خواجه علی صغیر را کرده اند		۱ ص	پنیر شور یک من یکریال
۱۹ ص	مازندران در روزنامه این ولایت نوشته اند که چون در	۱ ص	سکنجین یک من سه هزار
۲۰ ص	آنجا شایان ناخوشی و بادری از نذران بطور رسیدن نواب شایان	۱ ص	طلوبات یک من چهار هزار
۲۱ ص	مصطفی علی میرزا غنیمت سیلاق آنجا نموده محمد حسن خان آدم خود را	۱ ص	مرتاب یک من سه هزار و صد
۲۲ ص	خود نمایب کرده اند که مسئول استقامت امپراتوری باشد	۱ ص	پاپا یک من یک شاهی و پنم

۷۸۳

۴

همدان

از قراریکه در روزنامه همدان نوشته بودند امر آنجا
 از اتهامات اولیای دولت علیه کمال نظم و انضباط
 دار و بنواب امیرزاده عبدالباقی میرزا که از جانب
 مستطاب هزاره والا تبار مؤید الدوله طهاسب میرزا
 نایب الحکومه میباشد در انتظام امر ولایت و تحصیل
 رفاه و آسایش رعیت کمال اهتمام دارد و بسبب آنکه
 ناخوشی و باغیشتراکثافت شهر حاصل میشود اینروز
 قدغن کرده است که سلاح خانه را بیرون شهر برند
 که آنچه کوفتگشته میشود در خارج شهر کشته بشود همچنین
 در رفع کثافات از کوچهها و محلات و جاروب کردن
 آب کشیدن و پاکیزه نگاه داشتن کوچهها و خانهها قدغن
 اکید کرده است که آنچه اسباب ظهور ناخوشی باشد
 رفع نموده کوچهها و محلات و معابر را پاک و منقح نمایند
 استعداد حدوث ناخوشی و یا در همدان انشاء الله تعالی

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
 چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان بر حسب حکم اولیا
 دولت قاهره قرار داده است که در دیوانخانه آنجا هر
 بطلب مردم و ادخوابی بیاید مطالب او را با مشربین
 امور دیوانخانه بنویسند و بنحود عالیجا چراغعلیخان
 نشان بپند که بمقتضای عدالت و قانون حساب
 مردم را فیصل بدید که برای عارضین در عرض مطالب
 حق آنها مصلحت حاصل نشود و اگر اجابا اهل دیوانخانه
 بجهت جلب منفعت خود آنها را مصل و کارشان را

میدانسته اند بعد ازین نتوانند و کار مردم بدین
 تعویق و تعطیل فیصل یابد و ازین حکم اولیای دولت
 قاهره که عالیجا پیش را بجا برده است کتب
 امیدواری برای امالی آنجا دست داده و سبب
 سکرگذاری و دعاگوئی آنها گردیده است

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بود
 در یوم چهارم شهر شعبان المعظم عالیجا
 عباسقلیخان با عالیجاخان امیرخان سردار و محمدخان
 سردار و ارض اقدس شده اند که از آنجا
 شوکتدارهایون اعلی بیایند و همچنین در تاریخ
 ما در زن عمده الامراء العظام طبر الدوله با جمع کثرتی
 از امالی هرات وارد مشهد مقدس شده اند که
 بزبانت دوضه معتبر که سرکار فیض آنا شرف شوند و
 یکصد نفر شجاعی هم بجهت محافظت ما ارض اقدس
 همراه داشته اند

دیگر نوشته بودند که در هشتم ماه منور عالیجا محمودخان
 سرهنگ فوج شیاوری با فوج ابوالجمعی خود وارد ارض
 اقدس شده و در بیرون دروازه چادر زده اند
 و همه روز مشغول مشق هستند
 امورات ارض اقدس از استقامت اولیای
 قاهره قرین انتظام و امالی آنجا در کمال امنیت میشوند
 مستحفظ و گزیده و قرائنهای شهر منسبط است و سر
 بذرت اتفاق می افتد و بیخود و اهل نظام از حسن سلوک
 و رفتار خود امالی آنجا را راضی و شاکر دارند

۷۸۴

فارس

از قراریکه در روزنامه انولایت نوشته بودند در
 هجدهم ماه شعبان خلعت نواب مستطاب شاهزاده
 والاتبان رضه الدوله حکمران مملکت فارس بقریه زرقا
 که در چهار فرسخی شهر شیراز است رسیده بود در
 روز نوزدهم نواب معزی الیه با جمعی سوار شده
 باستقبال خلعت مطلقه رفته اند و در خلعت نواب
 آنجا که در یک فرسخی شیراز واقع است خلعت هایون
 بالوازم احترام و توقیر تمام زیب برودش افتخار
 و اعتبار خود ساخته و بشهر مراجعت نموده اند
 استقبال و احترام خلعت هایون کمال اهتمام معمول
 داشته و اهالی آنجا را به رسم خاطر ملوکانه امیدوار
 ساخته اند و یکی بر اسم شرف و شادمانی و شکر
 گذاری و دعای دوام دولت علیه اقدام نمودند
 و وجوه داعیان فارس نیز هر کدام که بخلعت عید
 سیر او از شده بودند در روز نوبور که نواب معزی الیه
 خلعت هایون پادشاهی را زیب برودش خویش
 نموده اند آنها نیز حسب حکم بخلع مزبور مخلص گردیده
 بحضور نواب معزی الیه آمدند

کرمانشاهان

در روزنامه این ولایت نیز تفصیل ورود خلعت عید
 نواب مستطاب شاهزاده والاتبان رضه الدوله حکمران
 کرمانشاهان را نوشته بودند که بعد از رسیدن خلعت
 بیک منزلی کرمانشاهان نواب معزی الیه رسانده
 در لب آب قرآسنو که در یک فرسخی شهر است چادر
 زدند

و خود نواب معزی الیه با امیرزادگان عظام علیقلی میرزا
 و بدیع الملک میرزا و مقرب الخاقان عباسقلخان میرزا
 و سه عراده توپ و یک فرسخ سرباز نهادند و
 فوج بزچلو بخلعت نوابان آنجا استقبال نموده و در
 آب قرآسنو خلعت هایون را پوشیده اند و شربت
 و شیرینی در مبان اهل نظام و نوکر و غیره صرف شد
 و اهل شهر نیز از ضعیف و شریف کلاً از دروازه بیرون
 آمده بودند آنچه لازمه توقیر و احترام خلعت مطلقه
 پادشاهی است معمول داشته با کمال خورسینگی
 و شکر گذاری و امیدواری بخواطف این دولت بوی
 مکت علییه بشهرت رسانیده

دیگر نوشته بودند که بسبب اذیتنی که از اکراد احمد
 سلیمانیه نسبت سنجاک کرمانشاهان میرسید و غایب
 سرقت و بیجایی میکردند نواب شاهزاده عماد الدوله
 آن سرحدات را با گذاشتن فرادل و مستحفظ در منازل
 و طرق این اوقات نظم تمام داده اند و راه دست
 ظایفه نوبور بسته شده است چنانچه درین روزها
 نوشته بودند که خسرو نام احمدوند با جمعی از آب سیر
 عبور کرده بعزم سیرقت با آن اطراف آمده بودند اما
 بسبب حسن اهتمام نواب شاهزاده عماد الدوله که در
 قصر و سایر جاه فرادل و مستحفظ گذاشته خبر شد
 بودند و اهالی واحشام آن طراف را خبردار کرده
 سارقین را محال توقع نموده و هیچوجه نتوانستند
 دست اندازی بجائی بکنند و بی منیل مقصود
 نموده اند

۷۸۵

اخبار دول خارج

سویس

بزرگ مفیدین فری بوریج که پریه نام دارد در جنگ استیکر قشون دولت شده بود درین روزها اورا بعدالت خانه برده اند که تقصیرش ثابت نموده موافق تقصیر تنبیه شود و حکم کرده اند که سی سال حبس باشد با زنجیر و اهل انجا باین حکم ارضی دید یوانیان عریضه داده و اصرار کرده اند که اورا بکشند بجهت اینکه میگویند این شخص چند ماه که در حبس ماند و ستاوساپل دو سالیط خواهند برکنجخت و طوری خواهند کرد که امنای دولت از تقصیر او که شسته عفو نمایند آنوقت دوباره آشوب و خویریزی در ولایت سویس خواهد کرد اما امنای دیوان درین خصوص عریضه خصلق را قبول نکردند و بسیاری از مردم را در آن ولایت گرفته و محبوس کردند خصوصاً از کشیشانی که محرک مفیدین دریا عیگری شده بودند و این کشیشان و مفیدین از زینب کتولیک عیسوی میباشند و سایر خلق و رجال دولت از زینب کتولیک عیسوی و کتولیک پراتتند جنگ کرده بودند

گذشته کشتی در دریا میرفت و باد کم بود و ملایم موج نداشت ناگهان دیدند که در آب حرکتی ظاهر گردید و در کشتی تکب و خاک و غبار پهل بلند میشود و آب دریا اول قوی بالا آمد بعد از آن فروشت و آب خشکی بدریا جاری ماند و در خانه تنگ که سر اشیب با قبل از زلزله در روز یا با لنگر سجانی انداخته و عمق آب را مشخص کرده بودند سی و پنج ذرع عمق داشت و وقتی که آب فرونشست بود درها طناب انداخته بودند و شش ذرع عمق داشتند باز در آب بالا آمد چنانچه در وقت فرونشستن از خشکی بطرف دریا جاری شده بود هنگام آمدن از دریا بطرف خشکی جاری گردید و در هنگام آمدن آب کم شده بود از کوهها و سنگها که در زیر آب مانده بود ظاهر گردید و مراجعت آب یک موج بسیار بلند آمد بود و صاحب حکم کرده بود که لنگر کشتی را ببنده اند که مبادا موج کشتی را بسنگ دکوه زده بشکند و وقتی که آب خشکی رسید در کنار دریا صفت و پنج فرود زورق و ناو بود که اول در روی آب بودند بعد که آب کشیده شد در خشکی ماندند و وقتی که آب دوباره بالا آمد و باین زورقها دانا و ما رسید همه را بهم زده و بعضی از آنها را سنگته بود و چهار بار آب نسبت دریا کشیده شد و باز بالا آمد و در کوه سوزنده که در آن اطراف است دو دکی داشتند آنرا زلزله در خشکی هم بسیار سخت بود و لکن چونکه خانهها آن جزایر را اغلب از خوف میسایند یا از خصیر که با چوب بهم بسته میشود این زلزله در خشکی اندر خرابی نرساند بود و در بالا آمدن آب دریا از حد خود بیرون فرشته و بعضی

احوال متفرقه

از سایر دول خارج اخباری که در روزنامه چاپ شود بخواند که آنچه در ضمن احوالات متفرقه نوشته می شود
در فرستان گذشته از قراریکه نوشته اند درمیدو زلزله سخت شده بود و این زلزله بدریا نیز تاثیر کرده بود در روزنامه یکی از صاحبان کشتی که نزدیک سیکی از جزایر آن اطراف بود نوشته اند که قریب بدو ساعت از صبح

ن کوه سوزنده که در آن اطراف است دو دکی داشتند آنرا زلزله در خشکی هم بسیار سخت بود و لکن چونکه خانهها آن جزایر را اغلب از خوف میسایند یا از خصیر که با چوب بهم بسته میشود این زلزله در خشکی اندر خرابی نرساند بود و در بالا آمدن آب دریا از حد خود بیرون فرشته و بعضی

خانهارا که نزد یک بکنار دریا بودند خراب کرده بود و
 مردم که در روی سکوی کنار دریا ایستاده بودند در
 میان آب غرق شدند
 در هندوستان بسیار سعی و کوشش کرده اند که
 یکی دینار در آولایت لعل بیاورند و لکن آب لعل
 آنجا جهت پنبه خوب نیست و در اکثر جاها خوب لعل
 نیامده است اما درین روزها صد و میت و دولتی که
 از پنبه نیکی دنیا از هندوستان بولایت انگلیس آورده
 و چون که بسیار خوب بود امیدوارند که بعد ازین بسیار
 لعل بیاورند و دولت انگلیس و اهل انگلیس پول بسیار
 خرج کردند که پنبه نیکی دینار در هندوستان لعل
 بیاورند و لکن خوب لعل نیامده است مگر آنچه نوشته
 یکی از تجار عمده ولایت انگلیس کارخانه های پنبه
 و اکثر این پنبه از نیکی دنیا می آید و مابقی از مصر و
 هندوستان و بعضی جاها می دیگر روی زمین اینها
 دولت انگلیس بسیار سعی و کوشش کرده اند که پنبه زیاد
 در هندوستان لعل بیاورند و از ولایات دیگر
 بیاورند که جهت پنبه انقدر محتاج به نیکی دنیا نباشند در
 هندوستان پنبه بسیار لعل می آید و لکن در جاها می که
 مبریا دورند و حمل نقلشان مشکلست و جهت آسانی حمل
 و نقل بارها دولت انگلیس راهها ساخته اند و امید
 که وقتی که راه آهن بجهت ترده و عرابه و کالکه بخارزاده
 پنبه ربار از هندوستان بولایت انگلیس برود
 که آنوقت پنبه میان ولایات هندوستان را که
 بجهت بیادنی اخراجات حمل نقلش میسر آید بکنار
 بفرستند آنوقت باسانی بکنار دریا میزند که از
 آنجا بولایت انگلیس فرستاده شود و بسیاری از
 زراعت هندوستان از آب دریا چای بزرگ است
 که دستی ساخته اند بجهت جمع کردن آب در موسم
 بازندگی و بعد از آن بدریج آب او را بمصرف زراعت
 می رسانند ازین دریا چاه در آولایت درین چند سال
 زیاد ساخته اند و بسیار بکارر عایا و زراعت می آید
 اما که منفعت زیاد خواهد کرد تمام کردن راه آهن بجهت
 ترده و عرابه و کالکه بخار است
 مابین دولت نیکی دنیا و شمالی و یکی از دول کوچک
 آن است نیکی دنیا که نیکی دنیا و وسطی میگویند
 درین روزها جنگ و مخالفت افتاده است بسبب
 مار یک که مابین نیکی دنیا و جنوبی و شمالی می رود
 چند نفر از اهل نیکی دنیا و شمالی در آنجا زمین خریده
 و راه ساخته اند و کشتی و عرابه و کالکه برآوردند
 و در اندک مدت کُلل بار تجار تری و حمل و نقل سیاح و غیره
 بدست آنها افتاد و اهل آنجا بی کار ماندند و خستند مابین
 نیکی دنیا بردند و در میان شان جنگ و نزاع شد اما اهل
 نیکی دنیا و شمالی با آنها غالب آمدند باز اهل آنجا جمعیت
 زیاد فراهم می آوردند که دوباره بنیایند و با اهل نیکی
 جنگ نمایند اما کشتی جنگی اهل نیکی دنیا در آن سست بود
 و قدری قشون بجهت امداد اهل خودشان فرستاده
 مردم آنجا چون دیدند که قوه جنگ ندارند هتبه و حصار
 و لکرگاه آنجا را بدست سرهنگ کشتی جنگی مبرور و
 و لکن ایچی فرستادند نزد دولت نیکی دنیا

۷۸۷

و این گذارش باعث گفتگوی دول خواهد شد
 در روزنامه های هندوستان نوشته اند که جنگ کلکتها
 در مملکت برمه تمام شده بود اما اعتقادی در آنجا نماند
 بود و بجهت اینکه قشون پادشاه آنجا که مرخص شده بودند از آنجا
 که می نشستند آن ولایات را تاخت و غارت میکردند
 و انگلیسها قدری قشون بعقب آنها فرستاده بودند

و خود اکثر مسموم منحصرا برک توت پخت بلکه برک اکثر
 درختها را میخورد حتی برک درخت بید و گردو و قهوه و این
 که معنا هستند ابریشم میدهند بسیار سخت و محکم و اینها
 و قسی دیگر که چکند و ابریشم آنها چندان محکم نیست اما
 و ابریشم خوب اگر بتوانند این گرم را در مملکت فرستند
 بعن باورند در تجارت ابریشم در آن ولایت منفعت زیاد
 خواهد بود

بعضی از روزنامه ها را در فرنگستان که مال خلق است
 اوقات زیاد چاپ زده و میفرستند و آنکه زیاد تر
 از همه چاپ زده می شود روزنامه ایست که در شهر لندن
 میزند و نیمه میانند و این روزنامه را هر روز میزنند مگر
 روزهای یکشنبه و روزی چهل هزار نسخه ازین روزنامه
 بیرون میفرستند و این حساب از محاسبات دولتی
 چاپ زده اند چونکه هر نسخه دو شاهی توجیه دیوان دارد
 و هر دیوانی باید در رویش باشد

در تربیت مردم نابینا در ممالک فرنگستان بسیار
 سعی کرده اند اول کسی که در سه بجهت نابینا ساخت
 اهل فرانسه بودند حال اهل فرانسه درین مثل پیش اند و بسیار
 و مکتب خانها که در ولایت انگلیس دارند به سهای می
 و نمه می رسد و نابینایان را چنان تربیت می کنند که
 علوم را با ایشان می آموزند حتی بازی شطرنج نیز با آنها یاد
 و کتا بها که بجهت خواندن آنها می نویسند خطش چرتبه است
 که با کذا اشتراک نماند می شناسند و میخوانند

در مملکت جزیره العرب که در دست دولت فرانسه است
 پارسال بلخ زیاد آمده بود اما سال دولت فرانسه در
 لغر بجهت جمع کردن تخم بلخ با تخم معین کرده اند و از فرار
 و زن تخم بلخ که آورده کشیده اند حساب نموده اند
 از سه هزار کرد و تخم بلخ بجهت تلاقی جمع کرده

در باب طلای محادن کلی فارس و استرالیای جنوبی
 که شش بیتی و پنج کرد در کلی فارس و استرالیای
 بحساب پول ایران طلا در یکسال بیرون فرستاده اند و مملکت
 کلی فارس هر جا خاک طلا بود در آورده اند و حالا سنگهای
 سفید را که مانند سنگ چکان است می شکند و از میان
 او طلا در می آورند و دیگر در خاک رودخانه جانی مانده
 که بجهت طلا زیور و کرده باشند اما در استرالیای مانده
 تازه است و بسیار جاها مانده است که هنوز دست
 نزده اند و باید طلا داشته باشد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه هفتم ماه شوال المکرم مطابق سال اودیل ۱۲۶۹

نزد صد و بیست و هشتم

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شاهی است

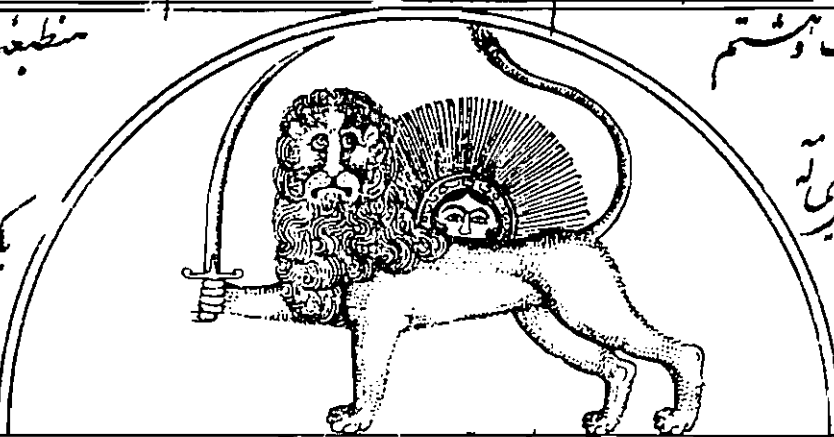
در تهران و چهارم

منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر اجاره سه روز

بیشتر با هر سطر



اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

اعلیحضرت پادشاهی در یکی از سیلاقات لار که بطافت هوا و عذوبت ماه از سایر سیلاقات آنجا ممتاز است تشریف دارند و برود و سردی و سایر کمالات آن بسیار خوشگوار است و این روز عزیمت دارند که از آنجا حرکت فرموده به سیلاقات شیران تشریف فرما شوند و چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده موکب های لاری که در غره ماه ذی قعدة عزیمت چمن سلطانیه فرموده بودند بجهت خوبی آب و هوای سیلاقات لار که مطبوع و مسخس خاطر ملوکانه افتاده و توقف موکب های لاری در آنجا قدری بطول انجامیده بود عزیمت چمن سلطانیه را در دهم ماه ذی قعدة مقرر فرمودند

چون بعضی اقدس چایون پادشاهی رسیده بود که زرگر اسلامبولی که در دار الخلفه طهران است تمسح انواع جواهرات را بطور خوب از عهد پادشاهی

لذا از جانب سنی اجواب ملوکانه حکم فرمایند شده بود که یک قطعه جیقه فرنگی ساز بسیار خوب تمام الماس ممتاز که در خورتارک مبارک هایون ساخته با تمام برساند و هر قدر کران بهاتر و خوشتر تمام شده باشد در حضور مهر ظهور هایون بیشتر جلوه خواهد افتاد این روز جیقه فرنگی ساز مزبور با تمام روز عید ماه مبارک رمضان که بهترین اعیان مسلمانان از حضور هایون پادشاهی در شکامی که بجهت تزیین و شکار در سیلاقات لار تشریف داشتند که چون بسیار خوب ساخته شده بود در نظر هایون جلوه کرد و پسندیده افتاده و سخن زرگر اسلامبولی خوب از عهد بر آن بود و از قرار قیمت مقومین در پنجاه هزار تومان تمام شده است

چون نواب نصره الدوله درین چند سال که بگلگوت فارس مامور بود آب و هوای آن ولایت بمرحس سازگار نیامده و بجهت علیلی مزاج از عهد خدمات آنجا نمی توانست براید و خود استدعای احضار برکات هایون

و استغفار از حکومت فارس نموده بود لهذا احضار
برکات نصرت اقتاب گردید و نظر بکمال کار در آن
و کفایت نواب مؤید الدوله طهاسب میرزا که در راه خدا
و یوان سواره بطور رسیده بود خاصه در ماموریت
بجکومت کرمان که خاطر مایون را زیاده از حد
و اهتمامات خود را ضعیف داشته بود حکومت مملکت فارس را
بعهد کفالت نواب معزی الیه حرمت و واکند از فرمود
و فرمان حکومت با خلعت اقتاب طلعت مرحمت و عینا

چون حکومت همان بعهد نواب مؤید الدوله حرمت و
بود بعد از آنکه نواب معزی الیه بجکومت فارس سرافراز گردید
از آنجا که از حکام سابق همان صدمات باشجا وارد
بود و رای جهان از ای اعلیحضرت پادشاهی بر آن تعین یافت
که یک نفر آدم عاقل کامل کافی که بحسن سلوک اصفان
داشته باشد بجکومت آنجا مامور فرماید بنا علی
عالیجاه مقرب انخاقان اسد الدخان امیر اخور سابق که
بحسن سلوک و کار دانی موصوف بود بجکومت سرافراز
گردید و فرمان حکومت و خلعت مرحمت شد

چون مراتب شایستگی عالیجاه تبحر الامراء العظام جهان
در خاکپای مایون اعلیحضرت پادشاهی مشهود و مکشوف
افتاده بود این روز نامتصب امیر اخوری بعهد عالیجاه
مرحمت و واکند از شده فرمان مایون صادر و خلعت اقتاب

طاعت عنایت شد
سایر ولایات
اور پای بجان درین هفته ازین ولایت اجباری نبود

که در روزنامه نوشته شود

دارالمرد

و هسم چنین ازین ولایت نیز درین هفته اخباری نبود

عراق

اصفهان از امور غریبه که در ضمن روزنامه اصفهان

نوشته شده بود این بود که میرزا غلامعلی ضابط لنگان
این اوقات لنگان میرفته است در نزدیکی لنگان در
میان صحرا بدون اینکه آثار ناخوشی در او ظهور داشته باشد

ناگاه بیهوشتی بر او مستولی شده از اسب بزیر افتاده و
حالت او بجدی منحرف از صحت شده بود که هر آن او

قطع کرده بودند که مرده است و او را رو بقبده کشیده و چشم
و گوش او را بطریق مهیت بسته بودند در آن اثنا همین

حالت بر اسب سواری او هم دست داده علی النقله
افتاده تلف شده بود و بعد از تلف شدن اسب خود

مشار الیه سجال آمده برخواستند تخته بود چشم و گوش
خود را باز نموده بود و اسب دیگر سوار شده بلنگان فرستاد

و معلوم شده بود که از تصدق شدن اسب رفع بلا از
او شده است

دیگر نوشته بودند که حاجی جعفر نامی در عالم رؤیا غریبا
در خواب دیده بود که بجان او آمن است سوال کرده بود

که کیستی و برای چه آمده جواب داده بود که غزرا بیستم
و چند روز دیگر در مسجد حاجی رضا در میان روح و بدن تو

مفارقت خواهیم انداخت حاجی جعفر بعد از بیدار شدن
خواب خود را با اهل خانه خود نقل کرده بود چند روز او را از

بیرون رفتن منع کرده بودند یک روز خود مشار الیه

۴

۷۹۰

بی خبر از اهل خانه خود تس از خانه بیرون شده بی
مسجد حاجی رضا رفته بعد از ورود با آنجا جان بجان افزین

و دیگر ز سینه بودند حاجی عبدالمجید نامی تدارک دیده بود
که بریارت حضرت معصومه قم علیها السلام برود شخص

تسلیم کرده بود

دیکر نوشته بودند که در قریه خوراسکان مابین مادر و
نزاع اتفاق افتاده بود چون خانه خلوت بوده است دختر

فقیری بدر خانه او آمد سوال کرده بود و برنج و روغن
خواسته بود حاجی مشارالیه او را جواب داده و زود

با درغلبه کرده و پای او را بسته و بقتل رسانده بود
نفس او را در متورخانه منحنی کرده و خاکستر و خاکشاکید

آن شخص فقیر گفته بود حالاکه مرا از زرد و ما بوس کرد
بهمت مولای متقیان علیه السلام ما طعام خیرات تو را

او ریخته بود بعد از چند روز که خوشان او بقاعده که
و مات معمول است برای بچکن مان آمده بودند استمام

مشارالیه بجان رفته از زوجه اش غلیان خواسته بود
هنوز زوجه اش غلیان نیارده و فات یافته بود

تولیسرکان

عفو نیست از آن متور کرده بود معلوم شده بود که مادر آن
دختر است که بیان آن دختر را گرفته تحقیق کیفیت از

در روزنامه آنجا نوشته بودند که چون چند نفر شل
و مریض در امامزاده زید تولیسرکان شفا یافته است زوار

کرده بودند او هم اول انکار کرده بعد اقرار نموده بود که میا
من و مادر من نزاع اتفاق افتاد عرصه بر من تنگ شد

زیادار بلده همدان و بلوکات حتی از لرستان دگوما
زیارت آن امامزاده واجب التعظیم است

اورا بقتل رسانده مراتب بجایگاه چراغعلی خان
شده برای آوردن دختر فرستاده است و در حقیقت

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته شده بود امیرالاعظم
مقرب انخاقان محمد حسن خان سردار حکمران بزده کرمان

این عمل جنسی غرابت دارد و بجز جنون دختر بجز دیگر
ممنونان حل کرد

کرمان

همدان

از فرار یک در روزنامه همدان نوشته بودند این واقعه
در محله مسجد آباد آنجا زنی طفلی زاینده است که از دست

در انتظام امر آنجا استمام کامل دارد و خلعت عیدی او را
که عالیجاه والی خان پنجمت آندس شهر باری برده بود

و پاوشکم انسان بوده و در صورت بوزینه و دود
داشته و دو پارچه کت برنگ جگر سفید در پشت

امیرالاعظم سردار باریش سفیدان داعیان و شرافت
کرمان با استقبال خلعت رفته لازمه توقیر و احترام را

کردنش بوده و میانش استخوان داشته و بعد از
شیرینی تنبیت و ادای هر اسم شکر گذاری بشهرت

در استقبال خلعت بعل آورده است و پس از صرف
شیرینی تنبیت و ادای هر اسم شکر گذاری بشهرت

تولد فوت شده است

کرده است

اخبار دول خارجه

از قرار روزنامه فرنگستان در اکثر ممالک آنجا
و آرامی بود در مملکت هند که یکی از ممالک شمال
در هر شهر و قصبه موافق قانونی که دارند و کبل تعیین میگردد
که بیای تخت بنشینند که در مشورخانه آنجا اجلاس
نمایند

پادشاه بلرچانچه در روزنامه سابق نوشته شده
بود بساحت بعضی دول فرنگستان رفته اول
بیای تخت بر روی رفته چند وقت در آنجا توقف
نموده و بعد از آن بویته پاشی مملکت استریه رفته بود
در روزنامه نوشته اند که نهایت که سبزرک

پادشاه که بعد او پشاد خری از اقوام امپراطور
استریه بگردن پادشاه بلرچانچه که نوشته
و میگردد که در رفیت خودش نیز مانند پسرش
اقوام امپراطور استریه زن بگرد و پادشاه بلرچانچه
جنگ عظیم فرنگستان که سی و شش سال پیش ازین

بود در سنگامی که وکلای کل دول فرنگستان در
پای تخت استریه جمع شده بودند او هم در آنجا تشریف
و از مردمان آن ایام بسیاری مانده اند و همه تعریف
عقل و فهم وزیر کی پادشاه بلرچانچه در ایام جوانی او میگردد
چونکه دارش تاج و تخت نبود در آن ایام کسی بجان او
که او تاج و تخت برسد بالاخره بختش او را بدو رسانید

رسید و با کمال عقل و تدبیر و کفایت دولت دارا بود
و ایام جوانی بسیار صاحب حسن بوده است و میگردد
که پسرش نیز در وجهت عقل و فهم به پدر خود نماند

بعد از اغتشاش در مملکت بلر که آنولایت از مملکت
مانند جدا شده دولتی جدا گانه شده بودند پادشاه
بلر که سلطنت مملکت بلر رسیده بطوری امر آنولایت
گرفت که باعث دعا کونی کل اهل آن دولت شده بود
در اکثر ممالک روی زمین در همین اغتشاش ضرر

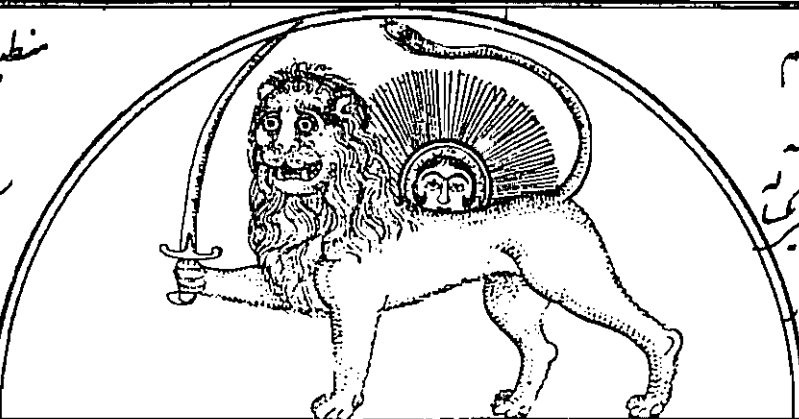
کلی سخلق میخورد اما مملکت بلر زود نظم گرفت و حال
آبادترین ممالک روی زمین است تجارتش زیاد
و دلمند و صاحب چیز و با خیر میباشند و پنج سال پیش
ازین که سلطنت بعضی از پادشاهان فرنگستان
خصوصه فرانس که هم حواری مملکت بلر بود برسم حوز در

مملکت بلر اغتشاش فرانس فقر تا تیر نگردید و
پادشاه بلر در مملکت خودش با کمال استقلال
بود در وقتی که پادشاه بلر در اردو سینه پای
مملکت استریه شده بود با کمال حرمت و عزت با او
رفار کرده اند و خود امپراطور بلر بلر که بجهت پادشاه

بلر قرار داده بودند بیدن اورفته و درین روزها هم
پادشاه بلر به آبخا بیدن پادشاه استریه رفته
نباید که بیاید و مسوز نیاید بود و می گفتند که نباید
امپراطور روسیه هم تشریف بیاورند و گن مسوز
نیاید بودند و چونکه نباید که در پای تخت روس
بجهت مشق و حرکت قشون کلیه عساکر زانجا جمع
نمایند و درینست که نباید امپراطور روس

پای تخت منس از آن سبب باشد و از سبب نظر بدو
پای تخت بدس است نوشته اند که علیا حضرت امپراطور
که بنا داشت بشهر و ارشاد برود تا چند وقت سفر خود موقوف
کرد

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه چهارم شوال الحکم مطاب سال اوایل ۱۲۶۹

<p>منطقه دارالخلافه طهران قیمت اعلانات یک سطر از چهار سطر یکروز بیشتر با هر سطر بیشتر</p>		<p>نزه صد و بیست و نهم قیمت روزنامه یک نسخه دوشش یک هر سال چهار هزار</p>
---	--	--

اخبار واحسنه ممالک محروسه و پادشاهی

دارالخلافه طهران

وانیت و آسودگی خاطر هر کسی بکار و کسب خود مشغول
میباشند و درین ایام ناخوشی با اینکه اغلب مردم
اسباهای خود را در خانهای خود ریخته و بی مستحفظ
گذاشته بشیرانات و غیره رفته اند و بجز یک
فعل که بدرخانه خود زده اند دیگر اسباب محافظتی
از اتهامات و سرقتی که کارگذاران دیوانی در وی
و سرقت بسیار کم اتفاق افتاده است و کمتری
شده است که خانه کسی را دزد زده باشد و یا
جای شکرانه و تعجب است زیرا که در چنین اوقات
وقت کار و مجال دزدان است که از خانهای بی صاحب
که اموال بسیار در آنها موجود است بهتر از سایر اوقات
میروند سرقت نمایند و لکن سببه انتظام امر
کارگذاران دیوانی در انصباط مستحفظی که همواره
قراونخانهای شهر دزدان را مجال سرقت و دست
اندازی بخانههای مردم نشده است و ازین رو بگذرد
عموم سکنه دارالخلافه طهران از بجا و صاحبان اموال
و غیره در نهایت امیدواری بدگویی ذات اقدس تعالی مشغول

موجب مایون اعلیحضرت پادشاهی که در سیلا قاف
لا در تشریف داشتند از آنجا حرکت فرموده بلوآسان
نزول اجلال نمودند و بعد از سه چهار روز توقف
در لواسان در روز سه شنبه دوازدهم اینماه
از آنجا حرکت فرموده در نزدیکی قریه لویزان شیران
در زمین مسطحی مابین لویزان و اوژگل و داراباد و غیره
که بجهت آردوی مایون مناسب بود تشریف فرما
گردیده آردو زدند و حکم فرموده اند که از نوکرو
رعیت همگی بی احضار و حکم بار دوی مایون
ناخوشی دارالخلافه طهران درین اوقات سبب
تحقیق یافته است و چند روز قبل ازین بسیار کم شده
و بروزی چهار و پنج نفر رسیده بود و درین روزها
روزی هفت و شش نفر میبند و بده نفر نمیرسد و باید
است که انشاء الله درین چند روزه بالمره رفع بشود
و کل ایامی در سکنه دارالخلافه طهران در نهایت رفاه

۷۹۳

در روز جمعه این ماه که روز عید ماه مبارک رمضان
 و از جمله اعیان و عزیز و محترم عموم اهل اسلام است
 بقاعده که معمول و متداول این دولت علیه است لواب
 مستطاب شاهزاده و الایبارار د شیر میرزا حکمران
 دارالخلافه طهران و توابع نیابت وجود فایض السجود
 اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بسلام نشینند
 و اهل نظام از توپخانه مبارکه و از افواج قاهره بقاعده
 نظامی در دربارهایون حاضر گردیده و شیلیک
 و زنبورک نمودند و مقرب انخافان میرزا موسی وزیر
 و سایر چاکران دیوانی و اعیان و اهل دارالخلافه
 کلا تر که خدایان بعد از ادای صلوة عید و دادن فطریه
 بربار شوکتدارهایون شتافته مراسم عید بفرمودند
 معمول بود اندام نموده و شربت و شیرینی صرف
 کردند و عموم اهل سلام بدعای دوام دولت علیه در
 سلامتی وجود مبارک حضرت اقدس هایون پادشاه
 مبادرت نموده به انظار شرف و شادمانی و تهنیت عید
 پرداختند

در روز چشبهه نهم این ماه عالیجاه مقرب انخافان
 و ضنان آقای سرنیب توپخانه مبارکه توپچیان عالیجاه
 دارالخلافه طهران را در میدان ارک حاضر نموده عالیجاه
 میرزا محمد علی سرشته دارکفل توپخانه مبارکه کسان
 آنها را بدقت دیده و رسیدگی نمود و درین ایام
 ناخوشی احدی از توپچیان غایب و فزاری از خدمت
 شده بودند

چون از داروغه سابق دارالخلافه طهران بی استقامی
 در نظم کرمهای شهر و محافظت و حراست دکاکین بازار
 و غیره شده بود لهذا کار که از ان دیوانی دارالخلافه
 مشایخه را معزول و از فرار رسم نواب مستطاب
 شاهزاده و الایبارار د شیر میرزا حکمران دارالخلافه
 طهران و توابع شغل داروغگی دارالخلافه طهران را
 بعهده عالیشانان عبدالعظیم بیک و محمد حنفی بیک
 که سالها دخیل این کار بودند و مراتب لیاقت و
 شایستگی آنها مشهود و ملحوظ افتاده بود و والد
 نمودند که در نظم شهر و کرمهای شب و محافظت
 خانات و دکاکین بازارها و حراست اموال مردم
 مراتب اهتمامات خود را پیش از پیش ظاهر سازند

از فرار حکم نظامی که ملاحظه شد درین اوقات منصب
 نیابت عالیجاه مجدت و نجد همسراه اسمعیل خان
 خزانه دار نظام حب الامر هایون عالیجاه حسینقلی بیک
 برادر عالیجاه مشارالیه محول و واکدار گردید که در لوازم
 خدمت منور ساعی جمیده بطور رساند

در بین نوشتن و حاضر کردن روزنامه خبر از اردو
 هایون رسید که حسب الامر اقدس هایون اعظمت
 پادشاهنا جلالت تاب صدر اعظم از اردو میسالیون
 که مابین کویران و آوزقل و حیره شمیرانات میباشد
 درین چشبهه شهر تشریف می آورند که از جانب

و هم چنین نظر بفرموده جسم ملکانه در باره عالیجاه
 اسمعیل خان خزانه دار از فرار حکم نظامی عالیجاه محمد علی بیک
 بر آورد و دیگر اورا بمنصب یاوری حاج از فرج سرفراز

۷۹۴

ملوکانه نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیر
 حکم ان دارالخلافه طهران و توابع و مقرب انجاقان
 میرزا موسی و زبر و سایر چاکران دیوانی را که در
 غیاب سوکب نسیر و زنی کوکب در کار و خدمت
 محول بخود هر یک اہتمام نموده و درین ایام ناخوش
 ثبات قدم و رزیدہ و از خدمت دولت علیہ
 غفلت نکرده اند مشمول عواطف و مرحمت حضرت
 سزند که سبب امید واری و دلگرمی آنها در خدا
 خود باشد و بحق این التفات از جانب اعلیٰ حضرت
 پادشاهی نسبت بچاکران متوقف دارالخلافہ
 التفات بزرگی است کہ جناب جلالت مآب معظّم
 بنوارش و تقف و حصول دلگرمی و امید واری
 آنها مامور فرموده اند و عموم مالی و اعیان دار
 از ظهور این نوع مرحمت و کرمیت ملوکانه کمال مفاتر

و مبالغت دارند
 سایر ولایات
 آذربایجان ازین ولایت درین مہفت اجناس
 میباشد روزنامه پیرسیدہ است
 دارالمرز

ازین ولایت نیز درین مہفت اخباری رسیدہ است
 عراق
 اصفهان از فراریکہ در ضمن روزنامه
 نوشته شدہ است امر آنجا از ہر جهت و ہر
 منتظم و مضبوط است و اربکمال مراقبت و نظمی
 عالیجاہ چراغعلی خان نایب الحکومہ اصفهان در

کارهای آنجا دارد و تری حسابی و بی اعتدالی از اعیان
 اعم از سرباز یا اہل ولایت ناشی و صادر نشود
 و ہمہ موافق قاعدہ رفتار میکنند با اینکہ ہمیشہ
 در اصفهان الواطد اسرار زیاد بی حسابی و شرارت
 میکردند از اہتمامات عالیجاہ مشارالہ بہر
 اوقات راہ شرارت و بیجایی آنها بکلی سدود
 شدہ است و اگر جزئی خلاف قاعدہ از یک نفر
 صادر شود فی الفور بمقام غوررسی و رفع آن برمی آید
 و ازین رہگذرا مالی آنولایت ہمیشہ مرفہ و آسودہ خاطر
 و شاکر و دعاگوی این دولت علیہ میباشد
 توپچی و سرباز متوقف آنجا ہمد روزہ مشغول مشن
 و صاحب مضمان جسم کمال اہتمام و انتظام و مشن
 آنها دارند

چند یوم قبل ازین اوانا مذکور میشد کہ در اصفهان سیز
 مانند شیراز زلزله اتفاق افتادہ است اما درین
 روزہا میکونید آدم از اصفهان وارد دارالخلافہ گردیدہ
 و از فرار مذکور زلزله در آنجا اتفاق نیفتادہ است
 و لکن یک روز باد بسیار شدیدی وزیدہ است بطوریکہ
 بعضی از نمازهای آنجا را انداختہ است اما درین باب
 روزنامہ دولتی از آنولایت ہنوز بہا شربن روزنامہ پیرسیدہ

قرقون
 از فرامیکہ در روزنامہ قرقون نوشتہ بودند ناخوش
 و باد در این اوقات چند روز در آنجا شدت کردہ
 بود و بعد از آن تخفیف یافته درین روزنامہ بسیار
 کم شدہ است بطوری کہ امید داشتہ اند کہ بالترہ رفع شود

۷۹۵

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
 عالیجاه دین محمد خان کرانی که از اجله روسای بلوچستان
 و صاحب طایفه و تبیله معظم میباشد این روزها بتر
 اظهار مراتب خدمتگزاری و اطاعت و انقیاد این دولت
 قوی کنت علیّه بکرمان می آید و قریب الورد بوده است
 و امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد
 و کرمان بجهت مزید امیدواری او آدمی بجهت مجاهداری
 فرستاده است که او را با عفت وارد

دیگر نوشته اند که امیرالامرا العظام سردار درآبادی
 اینت ولایت و اسودکی در فاه حال عیث اہتمام تمام
 وارد و احدی را یارای حرکتی خلاف حساب نیست
 و طرق و سوارع آنجا کمال نظم را دارد و قوافل با نهایت
 خاطر جمعی از راهبالی که سابقا مخوف و محل خفت
 و سرفقت طایفه بلوچیه بود این اوقات بی توشیح
 و مروری نمایند و عموم امانی و اعیان و رعایای آنجا
 در مہدایت بدعا کولی و شکرگزاری این دولت علیّه

اشغال دارند خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
 و منازل کمال اہمیت و انتظام دارند و زوار و قوافل
 در نہایت اسودکی عبور و مرور میکنند و امر ارض اقدس
 کمال انضباط را دارد و افواج و نوپیمان متوقف آنجا
 ہر روز مشغول مشق ہستند و بسیار خوب مشق میکنند
 و قواعد در رسوم مشق را بطور شایسته آموخته اند و بموجب

علیقلی خان میرنچہ ہمہ روزہ بچہ دیدن مشق انہا بدین
 دروازه میرد و چون مشق انہا را بروفق قاعدہ نظام
 مشاہدہ میکند کمال تعریف از چابکی و حرکت انہا می

دیگر نوشته بودند کہ بعد از آنکہ عالیجاه حبیب ربیع
 حامل خلعت عیدی نواب مستطاب ہزارہ والا

حسام السلطنہ والی خراسان کہ در شہر شعبان
 بنزدیکی شہر رسیدہ بود نواب معزنی الیہ با جمیع
 سرکردگان و صاحب منصبان باستقبال خلعت

اقاب طلعت ہابون بہ بیرون دروازه رفتہ
 و لازمہ توقیر و احترام را در استقبال خلعت
 بود و محض توقیر خلعت و تہنیت آن کل افواج

نظامی بانظم و ترتیب الینادہ دستلیک شادمانہ
 کردہ و شیرینی صرف نمودہ بود و بعد از آن نواب
 معزنی الیہ با اعزاز و احترام تمام مراجعت بہ

نمودہ بودند و سایر چاکران دولت ابدینیان
 ہم کہ بخلعت عیدی سرافراز شدہ بودند درازند
 ہمگی خلعت عیدی خود را زیب برود و شش اعتبار
 و افتخار و مہابت خود ساختہ در خدمت

نواب شہزادہ وارد شہر شدہ بودند و کل امانی
 ارض اقدس از ضعیف و شریف و ضعیف و کبیر
 ہمہ اسم تہنیت و مبارکباد و شکرانہ و خورشید
 بجل آوردہ و اطہار شرف و شادمانی نمودہ بود

و نواب معزنی الیہ انہا را بوجوالہف این دولت علیہ
 امید و اساختہ و کمال التفات در بارہ انہا نمودہ

۷۹۶

اخبار دول خارجه

انگلیس چنانچه در روزنامه سابق نوشته
 جمعی از تجار و دولتمندان این ولایت میخواهند نهی
 در خشکی باریک مابین امرکای جنوبی و شمالی که جزای
 از نیکی دنیا باشد بسازند که بحرین را بهم متصل نمایند
 و کشتی از بحر محیط اطلانتیک تا بحر مدیترانه تردد
 چون حالا اگر کشتی بخواد از سمت شرقی یکی دنیا سمت
 غربی انولایت برود باید دو ثلث یکی دنیا را دور زده
 نزدیک قطب جنوبی برود و بعد از آن سمت شمال بیاید
 و این راه که ساخته شود دیگر این دور را نمیزند و چونکه
 مزبور را برای تردد کل اهل دنیا سازند اهل انگلیس که با
 و مستقیم این بخرند حضور لومی ناپلیان امپراطور فرانس
 رفته و درین باب با عرضیه داده اند و او هم نسبت
 بانها کمال التفات را نموده و فرموده بود که اگر امری
 از جانب ما لازم باشد منسابقه نخواهد شد باینکه
 ساختن این بزرگ است ثواب که خیر و منفعت آن بجا
 کل اهل روی زمین خواهد گردید و قرار شرکت اشخاصی
 که درین راه تنخواه میکند از این است که هر کس و از هر
 طایفه روی زمین که باشد و بخواد در راه مزبور تنخواه
 بگذارد و شرکت بگذارد و موافق تنخواهی که در
 منفعت بر میدارد

بر دو دور آن مملکت سیاحت بکند و بنا دارند در شهر بلین
 نمونه اجناس ککل روی زمین را چنانچه دو سال پیش این
 در عمارت بلور لندن جمع کرده بودند جمع نمایند و عد
 مرخص شدن اهل مشورتخانه در وسط تابستان است و
 بعد از آنکه آنها مرخص میشوند پادشاه روانه مملکت ایرلند خواهد
 کرد و دید میگویند که پادشاه بر دسینه و پادشاه بلور
 به بنیانشان باز دکان نمیشد که اقوام پادشاه انگلیس میباشند
 در آنوقت بولایت انگلیس خواهند آمد و همان پادشاه
 بوده همراه او بشهر بلین خواهند رفت و از آنجا بملکت
 اسکاتلند چنانچه هر سال در فصل تابستان پادشاه
 انگلیس بکوهستان آن مملکت میرود و بجهت خوبی آب و هوا
 آنجا و شکار مرال که در آنجا فراوانست چند وقت در آنجا
 توقف می نمایند

فرانس

مشلی یکی از سرداران مشهور ناپلیان بود و وقتی که
 ناپلیان از تاج و تخت فرانسه استعفا کرد و رفته در
 جزیره البریتانیا خدمت بلوی دیزوید یعنی لوی هجدهم
 که پادشاه فرانسه بود کرد و بعد از آنکه باز ناپلیان از
 جزیره البریتانیا بداعیه سلطنت فرانسه مراجعت کرد
 پادشاه فرانسه قشون فرستاد که با ناپلیان جنگ کنند
 و او را بگیرند و این قشون سپرده مشلی بود و بعد از آنکه
 قشون نزو یک شد در عرض اینکه با ناپلیان جنگ بکنند همه
 رفته خدمت به ناپلیان کردند و مشلی نیز از لوی دیزوید
 دست کشیده دوباره رفته خدمت به ناپلیان کرد و بعد
 از آنکه ناپلیان کارش خراب شد و او را بجزیره بلین

۷۹۷

فرستادند مرشلی را با جلاسی رزاهای پادشاه
 و نمستان که در پای تخت پاریس جمع شده بودند
 کشیدند و چونکه رزاهای مزبور عمل اورا نسبت با قاعده
 خودش حیانت میدانستند که در عوض اینکه بنا بپایان
 نماید رفته و با و خدمت کرده بود حکم قتل اورا دادند
 و بقاعده نظام کشته شد بعد از آنکه لوی فلیپ پادشاه
 فرانسه رسید ستمی بجهت زن مرشل مزبور برقرار
 نمود و تا این اوقات این ستمی در حق او برقرار است
 اما از وقت کشته شدن شوهرش تا وقتی که لوی فلیپ
 پادشاهی فرانسه رسید پانزده سال گذشته بود
 و درین پانزده سال ستمی بجهت او برقرار نگذرد
 و نداده بودند حال لوی ناپلیان بنا دارد که این ستمی
 پانزده ساله را با و بدهد موافق قرارداد ای که لوی فلیپ
 داده است و این گذارش را رجوع بشور تخانه دولتی
 کرده است و لکن اهل مشور تخانه هنوز تصدیق کرده اند
 ایچی از جانب پادشاه ساردینیه پاریس پای تخت
 فرانسه آمد و بحضور امپراطور رفته بود و امپراطور نسبت
 بمشار الیکال التفات را کرده بود
 در مملکت فرانسه بعد از بیرون کردن لوی فلیپ
 بجهت یاغی شدن از دولت مکتبه اندک زمانه که درین
 جنگ و افتشاش کشته شده اند و باقی را محسوس کرد
 و تمبیه دیگر نموده اند و لکن قانون و قاعده کل دول
 این است که کسی که از دولت یاغی بشود و بقشون پادشاه
 جنگ بکند واجب القتل است و درین روزها امپراطور

فرانسه بنا داشت که باز این حکم را برقرار نماید که بعد
 ازین اگر کسی بدولت یاغی بشود موافق قانون قدیم ستم
 او قتل باشد و لکن بعد از گفتگوی زیاد در مشور تخانه قرار
 گذاشتند که یاغیان اخراج بلد باشند
 موسیو لاپستین را از جانب امپراطور فرانسه بمملکت سیویس
 فرستاده اند که در ایستاکوم پای تخت آن مملکت
 ایچی مخصوص و وزیر مختار باشد پادشاه سیویس
 مدتی است که ناخوش است اما با وجود ناخوشی ایچی
 مزبور را بحضور طلبیده و کمال التفات را با و بعمل آورده
 و گفته بود که نطمی که در فرانسه بسبب حسن سلوک قضا
 امپراطور بهم رسیده است باعث خورسندی
 خاطر من و خوشنودی کل اهل سیویس است
 تا پنج کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانسه رسید
 روز پنجشنبه و هم شعبان بود در آنوقت بنا نموده است
 که مشور تخانه تا روز شنبه نوزدهم ماه مزبور در اجلاس
 بنشینند و بعد از آن مرخص بشوند
 موافق روزنامه مملکتین انگلیس و فرانسه دوستی و دوست
 مابین دولتین سبب حد کمال بود و درین روزها امری که
 سبب بحث و مکالمات دولتین باشد روی نداده
 بود و در خصوص اکثر امورات فرنگستان حرفشان
 را بیان متفق بود
 چند وقت پیش ازین قشون فرانسه راه دری کم کرد
 بودند و بنا داشتند که از قشون دولت بسیاری را
 کم کرده مرخص نمایند و لکن درین روزها کم کردن قشون
 موقوف داشته اند و بهمان طور که سابق برقرار بود

باز برقرار دارند

از سایر دول خارج اجباری نبود مگر آنچه در احوالات

متفرقه نوشته شود

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که در زبان فرانسه چاپ می‌شود

نوشته بودند که در شب سه شنبه مین و نهم شهر

شعبان آتش میان مکرک خانه اسلامبول افتاده بود

و در چند دقیقه کل مکرکخانه آتش گرفته بود اما چونکه

آتش در بالا خانه افتاده بود بسیاری از مال التجار

که در آنجا بودند بیرون آورده بودند و آنچه در میان حیاط

مکرک خانه بود بیرون کشیده بودند و با آنها آسیبی

اما خود عمارت مکرک و دکاکین که در آن اطراف بودند

سوختند و چونکه یاد بسته میوزید خاموش کردن

آتش بسیار مشکل بود کل وزرا و بسیاری از امانت

دولت بامداد خاموش کردن آتش آمدند و کشتیها

یک کشتی جنگی انگلیس که در آنجا بودند بامداد خاموش

آتش آمده بودند و همچنین کشتیها نمان کشتی جنگی دیگری

که در آنکه گاه اسلامبول بودند بامداد حریق آمده بود

که آتش را خاموش نمایند یک بنا بزرگ در همین مین

از سنگ بود عیب کرده بود و مال التجاره که در پیش

بود محفوظ مانده بود و همچنین در روز جمعه در قلعه آب

سراپت کرده بود چون آن سمت محله قلعه جای

لشمن طایفه جهود است و مردم ما نش بسیار بی خبر

و فقیر میباشند اگر این آتش از زود خاموش نشود

خانهای آنها بامره میسخت

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که دست

از دزدان بودند که نام بزرگ آنها یانی قاطرحی بود

و اینها بطوری جور شده بودند که مردم را میکرفتند

و بطور اسبری نگاه میداشتند و تا اقوام و کسان این

اسیرها مبالغ کلی که دزدان میخواستند نپذیرستادند

دزدان آن اشخاص را را میکردند سهل است اگر پول

نمیرسید یا دیر میرسید آنها را می کشتند از حجاب نپذیر

از اهل جزیره ساماس بدست دزدان افتاده بود

چاکران دیوان بسیار سعی کردند که این اشخاص را از

دست دزدان بگیرند و لکن نتوانستند و دزدان

بدست نیامدند آخر الامرا و اقوام این اشخاص لابد شدند

که بخواه بنزد دزدان بفرستند که کسان خود را

مستخلص نمایند اول آدمی نزد دزدان فرستاد

و خاموش کرده بودند که دزدان بهمان اموال زیاد که

این اشخاص که گرفته اند بسیار افتاده است

کنند و این اشخاص را را نمایند و دیگر پول علاقه سخا

دزدان این معنی را قبول کرده و گفته بودند که اگر تا دور

بودند با پولی که از کسان آنها گرفته اند همه جهت صدور
 هفتاد و هفت هزار و پانصد قروش است که تخمیناً
 سه هزار و پانصد و پنجاه تومان بحساب پول ایران میشود
 و علاوه بر اینها سه هزار قروش نیز که شصت تومان
 باشد در زمان تسک ازین اشخاص گرفته اند علی شاه
 حاکم جزیره ساسا با مس در اسلامبول بود و اهل جزیره
 مزبور منستقر آمدن مشارالیه بودند که نظمی در آنوقت
 بگذارند

مترقب که در فرنگستان این کیفیت را دریافت کرده اند
 که در آدمی جاذبه ایست مانند آهن ربا و کاهربا که از شخص
 بشخص تاثیر می نماید و میگویند که شبیه این جاذبه ما را
 که چون بکنجک نظر میکارد اگر کنجک با اوی درخت باشد
 کم کم باین آمده بدن ماری افتد و ما را و اطعمه خود می کشد
 و هم چنین کرب و موش و شغال و مرغ خانگی و شیر الاغ
 و گوزن و ما ر چند سال است که در فرنگستان کسیکه
 قاعده و قانون این عمل را میدانند به نگاه کردن چشم
 و دراز کردن دست اشخاص دیگر را بخواب می اندازند
 و ادعای آنها این است که این خواب غیر از خوابهای
 متعارفی است و مانند این است که روح از جسم مفارقت
 کرده باشد چنانچه اگر از آن شخصی ازین عمل در خواب باشد
 سؤال نمایند از کسی که غایب باشد و در دلالت بعیده که
 در چه کاه است و چه می کند در آن حالت جواب بگوید بطوریکه
 آن غایب از برای لعین می بیند و احوال او را از روی تحقیق
 میگوید و اغلب مطابق آنچه درین قسم عمل اثر دیگر غیر معلوم
 است که کسانی که این عمل را دارند دست یا پا را مقابل همان عضو

۸۰۰

شخص نگاه میدارند و بقوت جاذبه عضو آن شخص نیز بدان
 پنج می ایستد چنانچه دست را بسوی کسی دراز کنند دست
 آن کس هم اگر چه او بیخسته باشد بی اختیار بلند می شود
 راست می ایستد بطوریکه در آن وقت اگر کنجک و ارباب را بر
 بازوی او حمل نمایند هیچ خم نمی شود و درین اوقات درین
 شمالی خاصیت دیگر ازین عمل ملاحظه کرده اند که چند نفر
 شده و در یک میز کوچک را گرفته می ایستند و انگشتان
 دستها را بطرف میز دراز می کنند بطوری که انگشتان
 کوچک هر کدام بیکدیگر بخورد و انگشت بیچکد ام بهر نطق
 نباشد بعد از آنکه وقتی آن میز خود بخود بچرخ می افتد
 کلاه فرنگی را در روی میز یا در روی زمین میکشاند و چهار
 در و در آدمی ایستند و انگشتان خود را بطرف کلاه
 می کنند بعد از آنکه دست که از پنج دقیقه تا پنجاه دقیقه
 و یک ساعت باشد کلاه چرخ میخورد چرخ خوردن نیز کلاه
 اول در یکی دنیای شمالی فهمید و در روزنامه های آنجا نوشتند بعد از آن
 کل روزنامه های روی زمین اسطبل نوشتند اما بعضی اشخاص باز باور
 نمیکند و میگویند این کار جادو و کراست و مرکب شدن آن چنان میباشد
 کناه زیاد دارد

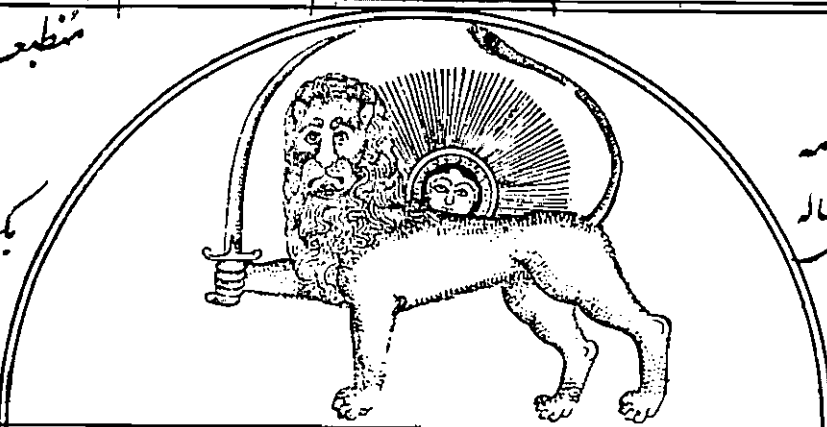
اعلانات

چون در بعضی از شهرهای فرنگستان جاهای دیگر جمله نام از اول روزنامه
 این دولت علیه تا بحال جوخته اند و از آنرا که از نزه اول
 نزد مباشرین روزنامه کم مانده است لهذا اعلان می شود که هر
 نزه اول این روزنامه داشته باشد که خودش ضرورت ندارد
 مباشرین روزنامه فرستاده و جایز بگیرد یا بفرستادن که
 تقسیم می کنند بدو و پیش از آنها دریافت که

روزنامه قایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه بیست و یکم ماه شوال المکرم مطابق سال اوسیل ۱۲۶۹

منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
بک سطر الا چهار سطر یکبار
شش سطر پنج
بیس سطر با هر بار یکبار



نزد صدوسی
قیمت روزنامه
یک نسخه شش ماهه
دو نسخه چهار هزار

اخبار داخله ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه هفتگی
نوشته شد نزدیک بقریه کویزان شمیران ارد
زده اند و چند روز بنیاد دارند در آنجا توقف فرمایند
و بعد از چند روز توقف آنجا اراده دارند که بشهر
تشریف فرمایند

چنانچه در روزنامه هفتگی گذشته قلمی گردید بر
امراء کسهایون شاهنشاهی جناب حاکم
مآب صدر اعظم در روز پنجشنبه گذشته حجه
نوازش و تقدیر احوال چاکران متوقف دارالخلافه
از جانب سنی اجوائ ملوکانه مارک مبارک
سلطانی آمدند و در اطاق نقاشخانه که نواب مستنظام
شاهزاده و الایثار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه
طهران و توابع و مقربان آنجا قان میرزا موسی وزیر
سیران پنجه و سیرپان و صاحب مضبان نظام
حاضر شده و شیرینی چیده بودند نشستند و با
عنایت و مرحمت ملوکانه رایگان یکان یکان خاطر

نمودند و بعد از آن آحاد و افراد نظام از توپچی و سرباز
با صاحب مضبان خود دسته دسته بکجهنوز
معظم الیه آمدند و مراسم و نوازشات ختم شد و
در باره خود از جناب معظم الیه استماع نموده
سبب مزید امیداری و دلگرمی آنها در خدمات
محوله بخود گردید و هم چنین اعیان و امالی و تجارت
و کلانتر و که خدایان شهر هر یک هر یک مشمول تقصد
و مرحمت گردیدند و از آنجا جناب معظم الیه بر کشتی
تعمیرات عمارات دیوانی و رسیدگی بکار فورخانه و
جبهه خانه رفتند و نزدیک بقریه بقیع از
دارالخلافه طهران بباردوی هایون مراجعت نمودند

و هم چنین در روز دوشنبه بیستم اینها
کایون امیرالامراء العظام سردار کل عساکر منصور
نوازش و بجزئی افواج قاهره نظام و روانه کردن
و غیره که بجهت سفر سلطانیه لازم بود بشهر آمده و عساکر
صاحب مضبان و آحاد و افراد نظام را بر اسم ملوکانه

امبدوار ساخته و تدارک سفر سلطانیه را از قوفا
سار که آنچه لازم بود از ملبوس نظام و غیره دید
فرستاد و خود شب در شهر مانده روز دیگر باز
هایون شتافت

دستم چنین در روز منور مقرب انخاقان حاجی علی
حاجب الدوله بجهت بیرون فرستادن سر برده
و چادر و تدارک سفر حسب الامرهایون بشهر آمده
آنچه از سر برده و تجیر و چادر پوشش و آلیحی و غیره
لازم بود از انبار فراشناخته بیرون آورده روانه نمود
و خود شب در شهر مانده روز دیگر بربهایون شتافت

نظر بفرموده محکم طوکانه در باره مقرب انخاقان شیرخان
و ظهور لیاقت و شایستگی و ارادت و بایستگی او
در حضرت کردون لبطت علیه درین روزها با قضا
رای جهان از رای ملوکانه منصب نظارت را که از جمله مناصب
عمل و معظم دربارهایون است بمقرب انخاقان شایسته
مرحمت و باعطای این رتبت ارجح و متمیز و سربند
فرمودند و بخلعت افتاب طلوع مخلص گردید

از فرار روزنامه دولتی که عالیجاه محسود خان کلانتر
دار اختلاف در باب ناخوشی و باروز بروز بدقت از
روی تحقیق می نویسد درین روز کسی از ناخوشی با
فوت نشد است و امید است که انشاء الله درین
اوقات بکلی رفع شده باشد

درین هفته چهار نفر که دزدی کرده و بتوسط کلانتر
و کدخدایان دستگیر شده بودند نواب مستطاب
شاهزاده والابنار و شیرنیر از حکمران دار اختلاف

طهران و توابع حکم بسیار است آنها نمودند حسب حکم
آنها را در میدان قاپوق قتیبه و سیاستی بسبب
که عبرت سایرین بوده دیگر مرکب سرفقت و عمل
نمودند

دستم چنین دزدی دیگر که بشهرت و سرفقت مشهور بود
و در محله عالیجاه میرزا رضای که خدا بقدر رسیدن زمان
اموال از خانه شخصی سرفقت کرده بود عالیجاه مشاریبه
در پیدا کردن اموال مسروقه و بدست آوردن دزد
اهتمام نموده و آن دزد را گرفته خدمت نواب شاهزاده
آورده و در انبار محبوبس خانه دولتی در حبس است

تا حکم بسیار است او بشود
دیگر شخصی علی اکبر نام بختیاری که پول قلب گه
درین روزها قلب عمل او بروز کرده و او را گرفته
خدمت نواب مستطاب شاهزاده والابنار حکمران
دار اختلاف آورده و نواب مغزی الیه حکم حبس نمودند
که بعد تحقیق حکم بسیار است شود

مرحوم والی خان شیخ مت پسر عالیجاه سهراب
که خلعت عبی امیر الامرار العظام سردار کثیر الاقدار
محمد حسن خان حکمران یزد و کرمان را از دربارهایون
برده بود در مراجعت از آنجا در منزل نه کنسب فوت
شده است و از فرار مذکور بناخوشی و باد رکشته است

و مجلس ترجمیم و فاتحه خوانی او را در دار اختلاف طهران
برپا کرده بودند اعلیحضرت پادشاهی نظر بر حتمی
که در باره عموم چاکران دارند عالیجاه شهباز خان
فوریس اول باشی را باظهار مرحمت ملوکانه در حق عالیجاه

سهراب خان و دنجویی و سرسلاستی او و برچیدن مجلس
فاتحه خوانی از اردوچی مسایون روانه فرمودند و
شارالیه مجلس منورانه فرمایش ملوکانه را ابلاغ
و مجلس فاتحه را برچید

عالیجاه میرزا سردش که سالهاست بدآخی ذات
اندکس با یون و خوانندگی و قصاید غادر سلا
اعیاد و سایر اوقات در حضور حضرت گردون
مخصوص و گذشته از اشعار دل پسند و مضامین
در خواندن قصاید و مدایح در حضور مبارک اعلیحضرت
پادشاهی در سلامهای عام و غیره از همکنان ممتاز
و سمت اختصاص دارد در این اوقات از قرار
زمان مهملعان مبارک بقلب شمس الشعرائی طعنه
و سرافراز گردید

سایر ولایات

آذربایجان ازین ولایت درین هفته نیز
اخباری نبود که در روزنامه نوشته شود

دارالمرز

ارین ولایت نیز درین هفته اخباری بباشرین
رسیده است

عراق

اصفهان چون این اوقات بعضی اولیای
قاهره رسید که چند دسته از فوج دماوندی ابوجهی
عالیجاه ابوالقاسم خان سوهنگ بنو سنجانه اصفهان
رفت بت نوشته و هرزگی کرده اند لهذا احکام
مؤکده حسب الامر اعلیحضرت پادشاهی صادر شد

عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان مرکبین
و محرکین و مقصرین فوج منور را معین و مستحق کرده باها
آدمی که احکام منوریه را ابلاغ میکند روانه دربار سوهنگ
ها لودن نماید که مورد تنبیه و مواخذة اولیای دولت
علیه شوند و آنها را هم که تقصیرشان جزئی بوده است
در هانجا تنبیه مضبوط کامل شوند که عبرت سایرین
شده و بعد ازین جرئت ارتکاب میکنند حرکت نداشتند
باشند از قراریکه معلوم میشود گویا مقصود فوج منور
از آن هرزگی این بوده است که از ساخلوی آنجا حاصل
حاصل کنند و چون این محسنی منافی رای اولیای
دولت علیه اتفاق افتاد و لهذا حسب الامر عالیجاه
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان نوشته اند که فوج
منور تا سال دیگر ساخلو آنجا باشند و حاضر نشوند

بروجرد

از قراریکه در ضمن روزنامه این ولایت نوشته شده بود
نواب استطاب نیز آده دالاست با حشام الدوله
خان میرزا بعد از آنکه از تقدیم خدات و انتظام جماعت
عربستان فراغت حاصل کرده بودند در شهر مبارک
بروجرد آمده اند و نواب الیدرم میرزا نیز در خدمت
نواب مغزی الیه بوده و در غره شهر سوال المکرّم نواب
مغزی الیه روانه حدود لرستان شده اند که رفته مراتب

نظم امور آنجا باشند

از امور غریبه در ضمن روزنامه بروجرد نوشته اند که از نظام
بیرانند و پانزدهم رمضان زنی طفلی زاینده است که از کمر بالا
و از کمر پایین چهارپا داشته و دو آلت انانیت

درین هفته از اکثر جاهای فنکستان روزنامه رسیده است
 اقتشاشی که در ممالک ایتالیا که تابع دولت استریه
 هستند بود درین اوقات رفع گردیده بود ولیکن
 باز تشویش برسم حوزدکی در آن ولایات بود
 سبب اینکه میدانستند که فراریها که در ولایات خارج
 نشسته اند پوسته طالب این بودند که باز آشوب
 اقتشاش در ولایات خود برپا نمایند از جمله میخواستند
 که از باغیان مشهور مملکت استریه بود و بعد از اینکه اقتشاش
 کلی در آن ولایت کرد از آنجا فرار نموده بود درین اوقات
 بلباس تبدیل خود را بشهر میلان رسانده و مجدداً
 در آن ولایت آشوب و اقتشاش نمود دولت استریه
 بتفحص مشارالیه اقدام داشته اند که شاید او را دست
 بیاورند و لکن نتوانستند مشارالیه قبل از اختلال شهر
 میلان در بلباس تبدیل اول بشهر پاریس باسختی
 فرار نموده بوده است بیانات انگلیس پاریس و
 سردر آنجا کسی بر نخورده بود که این شخص مزینتی است
 از آنجا بهر مملکتی که گذشته است بصورت و قیافه دیگر
 در آن کسی او را نشناسد و در هر جا که توقف کرده
 از مردم مخفی بوده و خود را کسی نشان نداده است تا
 بویته پاریس تحت دولت استریه آمده و از آنجا بشهر
 میلان رفته و بجز دور و دور آنجا آشوب و اقتشاش
 برپا کرده و اهل آنجا را بدولت استریه یا غمی نموده بود
 و تا وقت قشون دولت استریه اطراف شهر میلان را
 محاصره نموده باغیان را مغلوب و شهر را مصرف

۸۰۴

گردیدند و هر چه شخص مزینتی برآمده بودند اثری از او نمانده
 بودند و مشارالیه باز بلباس تبدیل از آنجا فرار کرده
 و بسبت مملکت جنوه رفته است گفتگویی مابین دولت
 استریه و دولت سویس است اگر چه باغیان هر دو
 دولت از ماموریت خود دست کشیدند و بولایات
 خود مراجعت کرده اند و دولت استریه در سرحد
 سویس قشون گذاشته اند اما باز امید دارند که بخت
 مکالمات آنها بجا نکشد و باصلاح بگذرد اهل
 سویس از آن طرف سرحد که قشون استریه در آنجا
 بسیار متضرر شده و عسرت و تنگی می کشیدند بجهت
 آذوقه و مسبب اینکه مردم زیاد از اهل سویس که
 اهل ایتالیا از ولایت استریه بیرون کرده بودند بولایات
 سویس آمده اند بی چیز و بی نان و بی اوضاع داهل
 سرحدات خرج این اشخاص را می کشیدند
 ازینکلی دنیای شمالی نوشته اند که موافق قاعده که در
 درین فصل بهار یک نفر بجهت ریاست و بزرگی دولت
 جمهوری مینکی دنیا از میان جنس خلق انتخاب کرده بود
 و اسم او جنرال پیرس است و از جمله سرداران مشهور
 آن مملکت بود که در جنگ گتسکو رشادت و جلالت
 نام لعل آورده بود
 و زرای مملکت انگلیس در کار خود استقلال تمام داشتند
 و بطوری رقابت میکردند که موجب رضامندی اکثر خلق بود
 سایر اخبار و دل خارجه مفصله تلا هر یک در باب
 خود نوشته میشود

احبار دول خارجه

انگليس تاريخ روزنامه آخر که ازین ولایت رسید روز جمعیت پنجم شعبان بود نوشته اند که لده ده روزه که حکمران مملکت روزه بملکت انگليس پادشاه آمه بود و مشارالیه چندی در فرانس داشتند و از آنجا بولایت انگليس آمده است و بعد از چند مدت که در انگليس توقف میکند بولایت خود مراجعت خواهد کرد

که زانندن کارهای دولتی بودند از جمله قرارهایی که گذشته بودند یکی دستور العمل داد و ستد سال آینده مملکت فرانس بود و یکی در باب استمری و مواجب کسانی که خدمت کرده اند و حال از خدمت مرخص و معاف و خاتمه ایشانند و یکی در باب تنبیه و سیاست مفسرین که سابقا حسب القانون انولایت می گشتند حال اخراج می نمایند و غیر ازین قرارها بعضی قرارهای دیگر نیز گذاشته و شده اند

در روزنامه انگليس نوشته اند که پادشاه این ولایت در پانزدهم ماه جمادی الثانی در یکی از عمارات دیوار خود شکستهور بعمارت و نیز از است بود ناگاه از سوراخی آتش بعمارت مزبور افتاده و بیوات او در گرفته بود بقدر شصت نفر قشون با توله و اسباب خاموش کردن آتش از راه آهن خود را بتجیل بعمارت مزبور رسانند و بجهد و جهد تمام مشغول آبیاشیدن و خاموش کردن آتش شده بودند و بعد از شصت ساعت آتش را خاموش کرده بودند و باز ده باب اطاق با اسبابی که در میان بوده است بالمره سوخته بود مگر اسباب طلا و نقره که بعضی را که اخته و بعضی را درست در آورده بودند اما آدم درین آتش تلف نشده و بچگی از بیت نسیب بود

دیگر نوشته بودند که در دو جای مملکت فرانس قشون تجمه مشق جمع میکردند یکی در نزدیکی شهر پاریس پای تخت انولایت و یکی در سطوری دهرچه قشون که باین دو اردو حاضر می شدند از قراریکه در روزنامه نوشته اند در کمال نظم تمام بوده اند

استریه

در روزنامه سابق در خصوص این دولت نوشته بودند که با دولت سوئیس گفتگونی داشتند و در باب اربها که از خاک دولت استریه بآنولایت فرستاده اند و تکالیف از دولت استریه بدولت سوئیس می شود که دولت سوئیس توانسته بودند قبول بکنند و دولت قشون بسره سوئیس فرستاده بودند که مانع تردد و خلق باشند و وزیر مختار هم که از جانب دولت استریه در سوئیس اقامت داشت از آنجا بولایت خود مراجعت کرده بود و هم چنین ایچی سوئیس نیز که در وین پایتخت استریه اقامت داشت از آنجا بیرون آمده و بولایت سوئیس مراجعت کرده بود پیش ازین در فرانکستان

فرانس

از فرار روزنامه این ولایت که نوشته بودند تاریخ روز شنبه نوزدهم شعبان اهل مشورتخانه این مملکت مرخص شده بودند که هر یک بوطن خود بروند و مدت صد و هشت روز بود که در مشورت نشسته بودند و مشغول

کلی داشتند که این گفتگوها منجر بچنگ بشود اما درین روزها مکان دارند که توسط دولت دیگر باصلاح بگذرد
 دیگر نوشته بودند که در حکام توقف پادشاه و پسر در وین پادشاه پروتیه با زوجه اش در شرف تشریف داشتند و زوجه پادشاه یونان نیز که طایفه است اینجا آمده بود

نوشته شده است بعد از مات کردن تقصیر آنها حکم شده بود که سی سال در حبس بمانند خلق باین حکم راضی بودند و بدولت عریضه نوشته بودند که چون این مقصرین عملی کرده اند که واجب القتل اند باید کشته بشوند و الا تشویش هست که بعد از چند مدت وسایط برای وار مجس بیرون بیایند و دوباره باعث انقلاب است و این ولایت بشوند بعد از گفتگوی زیاد دولت برخواستن خلق را درین خصوص قبول نکرد و مقصرین را مجبوس کرد و لکن املاک و اموال آنها را حکم کرد که ضبط

دیوان نمودند

هندوستان

دیگر در روزنامه نوشته بودند که در آن محل شهری است که شخص جناب مجارستانی امپراطور استریتیه رازخیز بود اهل دولت استریتیه لشکرانه سلطنتی امپراطور نیای کلیتای بزرگی که داشته و خواه از خودشان بجهت ساختن کلیتای مزبور بقدر پانصد کیلومتر که ظاهر یک کرور پول ایران باشد جمع کرده و مشغول ساختن میباشد و از خود وینته پای تحت استریتیه صد کیلومتر بمصارف این کار جمع کرده اند

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بوده مملکت خود را که با این ممالک نیپال و الیه آباد واقع است حکمران آن مملکت اظهار کرده است که بدولت انگلیس نفوذ دولت انگلیس نیز حکم بخیرداری مملکت مزبور نموده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات تدارک عروسسی پادشاه بزرگ که یکی از دخترهای سلسله امپراطور استریتیه را میگرد میدهند و مالی مملکتین ازین جمله بسیار آنها محروم شده اند و بدو سبب یکی اینکه ولیم پادشاه بزرگ بسیار جوان قابل و عاقل و بوجاهت و کفا و فطانت و کفایت مشهور است دیگر اینکه این عروسسی و مواصلت سبب مزید مودت و دوستی و اتحاد دیوانست

سوئیس

مقصرین این ولایت که چندی قبل ازین جنگ بدولت کرده و اعتناش نموده بودند چنانچه در روزنامه

سابقا در روزنامه نوشته بودند که پادشاه بریتانیا که باقتون دولت انگلیس جنگ داشت برادر کوچکش گرفته و کشته و خود بجای او حکمرانی مملکت مزبور شده است و لکن در روزهای هجرتی که درین روزها رسید است نوشته اند که کشته شدن پادشاه بریتانیا اصلی اما برادر کوچکش او را گرفته و در قلعه از قلاع انجرا مجبوس نموده و خود بجای او سبب حکمرانی آن ولایت مملکت گردید و باد دولت انگلیس نیز بجای مسلح دارد که اعتناش ان ولایت را باصلاح بگذراند

دیگر نوشته اند که نواب حاکم با حلقه فوت شد
 بود و سپرداشت و پسر کوچکش را در زمان جنو خود
 و بعد نموده و بعد از فوت او برادر کوچک برادر برادر
 که حاجی محمدی نام دارد گرفته در جانی محبوس کرد و خود
 سکه انی آن ولایت مشول بود و لکن سبب بسیار ظلم نمود
 و خلق از تعذبات و سوسلوک او ستوه آمده بودند
 و درین بین برادر بزرگ از محبس مغزی پیدا نموده بر
 آمد و در وقت خوابان او که از جبر برادرش متاثری شده بود
 به و راه جمع کرده و ما بین مشا را بهما جنگ قاکم کرد
 و برادر کوچک از دولت انگلیس استمداد نموده در
 انگلیس نیز قشون بان ولایت سببه رفع اغتشاش
 و لکن چون اهل آن ولایت اغلب بکومت برادر کوچک
 راضی نیستند که با دولت انگلیس بعد از رفع اغتشاش از
 ولایت هر یک ازین دو برادر را که صواب دید جنب و
 صلاح دولت باشد بکومت آن ولایت برقرار
 چین
 از این ولایت نوشته اند که مدت چهار سال است
 در سمت جنوب شرقی چین یا عینکی و اغتشاش است
 و خاقان چین بکرات قشون مدافع این شخص باغی که طین
 نام دارد و یا عیان بد و را جمع شده اند و ستاده و
 در هر دو قشون دولت شکست خورده و مغلوب شده اند
 و کار این شخص روز بروز قوت گرفته است و در یکی از حکما
 با یا عیان سام نامی که بزرگ قشون دولت بوده است
 بعد از آنکه مغلوب شده از شدت غیرت خود را بک
 نموده است و در روزنامه دیگر نوشته اند که بعد از ظلم

کردن این شخص خود را خاقان حکم کرده است که هر کس از
 قشون که در جنگ ثبات قدم نوردد و از پیش روی
 یا عیان فرار نماید سیاست خواهد شد و در روزنامه
 دیگر نوشته اند که با خاقان چین بی امداد دولت انگلیس
 این اغتشاش را نتواند رفع بکند و درین اوقات طالب
 استمداد است که دولت انگلیس قشون سببی و کشتیهای
 جنگی با آن ولایت روانه نمایند اما معلوم نیست که دولت
 انگلیس امداد بکند یا نه و از قراریکه می نویسند دولت
 انگلیس چیزی فرزندگشتی بان سمت فرستاده است
 و لکن محض محافظت تجارت دولت خود این کشتیها را روانه
 کرده است اکثر دلا بابت وسط چین در دست یا عیان
 بود و شهر سنگین را که محب جمعیت و عظمت شهر دویم
 چین میماند و جای بسیار آباد و پرزنت و بعد از پای
 بزرگترین شهرهای چین و جای توطن دولتندان است
 محاصره کرده بودند و کمان گذاشته اند که این شهر پر
 یا عیان دوامی بکند و یا عیان بنا داشته اند که بعد از
 تصرف کردن شهر مزبور سمت شمال بروند که شهر
 پیکن را که پای تخت چین است از تصرف خاقان
 بیرون بیاورند و خاقان دو قشون رو بردی یا عیان
 فرستاده است و لکن خلق خندان امیدوار می این
 دو قشون ندارند که بتوانند رفع یا عیان را بکنند
 و مردم بسیار در تشویش و اضطراب بوده اند
 جانی که در تصرف خاقان چین مانده بود ممالک
 شمال ولایت چین بود و سمت جنوبش که کنا
 در با میباش

۸۰۷

احوال متفرقه

در فرنگستان کرخانها می سازند از برای عمل آوردن
 هر قسم از اشجار و نباتات که در دلایات کرمنشیر
 می آید و بعضی ازین کرخانها بسیار بزرگ میشوند
 و بام این کرخانها از شیشه است و اطرافشان درخت
 دیوار جای بخاری دارد و در دوش که بدوردیوار کرخان
 کردوش میکند بطوریکه کرخانه را بهر درجه حرارت که بخوانند
 میتواند نگاه بدارند و درختها و نباتات درین کرخانها
 خوب به عمل می آید از جمله نوشته اند که در کرخانه عمارت
 پادشاه انگلیس درخت نارنجیل چند سال قبل ازین
 نشانه بودند و دیده است و بقدر باکم خانه که
 تخمیناً بابت ذرع ایران بشود بالا آن بوده است
 بودند که در چند ماه پیش بام کرخانه را خواهد شکست و از
 بام کرخانه بلند تر خواهد شد بدبیری کرده بودند که نماید
 باز در آن گرم خانه نگاه بدارند زیر درخت مزبور را چند
 ذرع کنده خاکش را بیرون آورده بودند و درخت را
 چند ذرع پائین نشاند و جای نو آورد و در کرخانه منظر
 نموده بودند

که مدتی در نزدیکی اضمیر وزدی می کردند و مردم را با سیر
 می بردند درین اوقات که معلوم شده است که در جزیره
 ساماس بیرون آمده اند اهل آن جزیره خودشان
 را و طلب شده اند که دزدان مزبور را بدست بیاورند
 کمان کلی داشتند که دزدان مزبور در همان نزدیکیها
 شهرهای اطراف آن دریا بجهت وزدی و دست انداز
 رفته باشند و بتوانند دستگیرشان بکنند چونکه اهل
 جزیره مزبور ازین دزدان بسیار رنجیده اند که سابقاً
 چند نفر از اعیان اهل همین جزیره را گرفت بودند و تا
 مبالغه خطیر از کسان آنها گرفتند آنها را رها نکردند
 اهل این جزیره بغیرت تمام در قفس دزدان مزبور سپار
 که بدستان آورده مردم را از تعذبات و شرارت
 آنها خلاص نمایند

در روزنامه هندوستان نوشته بودند که از علما
 سماوی در شانزدهم ماه جمادی الثانی در شهر
 لکناؤ که از مالک لائور است عمودی نوزانی ظهور نمود
 و تاسی و پنج دقیقه امتداد یافته است و اهل انولات
 این علامت را حمل بر جدوت بلینه نموده تشویش
 داشته اند

در کاغذی که از شنبه بطور بروج بتاریخ بیت و منعم
 رجب نوشته بودند چند روز بوده است که هوا بسیار
 ملایم بوده است بطوری که کمان داشته اند که در آن
 چند روزه پنجه شکسته و راه عبور کشتیها کشود
 بشود

از جمله چیزهای غریبه که اهل زراعت در فرنگستان بعضی
 نوشته اند که درین اوقات باغبانی در فرانسه یک
 تربیت کرده و بجنور لوی ناپلیان امپراطور فرانسه آورد
 بوده است که دو ذرع و چهار انگشت قد او و بقدر یک بغل
 که سر انگشتان دست هبسم برسد قطر او بوده است
 در روزنامه اسلامبول نوشته اند که دست دزدان

